

انتظارت

خورشید مهدویت
در منظومه فکری
حضرت آیت الله خامنه‌ای
رهبر معظم انقلاب اسلامی

به اهتمام
حسن ملایی



سم پر عزم

سرشناسه	: خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۱۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: ما منتظریم: خورشید مهدویت در منظومه فکری امام‌خامنه‌ای: به اهتمام حسن ملایی.
مشخصات نشر	: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۳۹۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۷۰-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: خامنه‌ای، علی، ۱۳۱۸ - — پیام‌ها و سخنرانی‌ها
موضوع	: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - — نظریه درباره مهدویت
موضوع	: مهدویت — انتظار
شناسه افزوده	: ملایی، حسن، ۱۳۵۶ - گردآورنده
رده بندی کنکره	: DSR/۱۶۹۲ م ۲م ۱۳۹۴
رده بندی دیویی	: ۰۸۴۴-۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۹۰۶۳۴

ما منتظریم

(خورشید مهدویت در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی)



پنجاه و نهمین مجمع تشخیص مصلحت‌ها
انتشارات

- به اهتمام: حسن ملایی
- طراح جلد: سید علی حسینی
- صفحه‌آرا: مسعود سلیمانی
- نوبت چاپ: چهارم / بهار ۱۳۹۸ (چاپ اول ۱۳۹۶)
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۷۰-۵
- شما، گاه، ... کنون ۴۰۰۰ نسخه
- قیمت: ...

تمامی حقوق محفوظ است

- قم: خیابان شهدا/ کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان/ پ: ۲۶/ تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۱۱۳۰-۱/ نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳
- تهران: خیابان انقلاب/ خیابان قدس/ خیابان ایتالیا/ پ: ۹۸/ تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۹۸۶۰۰/ نمابر: ۰۲۱-۸۹۷۷۴۳۸۱

- www.mahdaviat.ir
- info@mahdaviat.ir
- Entesharathonyad@chmail.ir

فهرست مطالب

مقدمه	۱۹
دو سروده از امام خامنه‌ای برای حضرت مهدی علیه السلام	۲۳
محراب جمکران	۲۳
خورشید من بر آی	۲۳
□ بخش اول. مفهوم مهدویت	۲۵
مطلب اول (مفهوم عام)	۲۷
گفتار اول (مفهوم بین‌المللی): ظهور یک منجی در آخرالزمان	۲۷
گفتار دوم (مفهوم مشترک اسلامی): ظهور و حکومت شخص حضرت مهدی علیه السلام در آینده	۲۷
مطلب دوم (مفهوم خاص)	۲۸
□ بخش دوم. جایگاه و اهمیت مهدویت	۲۹
مطلب اول. مهدویت و بشریت	۳۱
گفتار اول. مهدویت لطف خدا بر بشریت	۳۱
گفتار دوم. مهدویت برای همه‌ی بشریت	۳۱
گفتار سوم. مهدویت، ذخیره‌ی امید بشریت	۳۱
گفتار چهارم. مهدویت و تأثیر عظیم فردی و اجتماعی آن	۳۲
گفتار پنجم. مهدویت نیاز همیشگی انسان زنده و آگاه	۳۲
گفتار ششم. نیاز کنونی بشریت به مهدویت	۳۲
گفتار هفتم. مهدویت، نویدبخش آغاز زندگی حقیقی بشریت	۳۳
گفتار هشتم. مهدویت مطابق با فطرت انسانی	۳۳
گفتار نهم. مهدویت، آرزو و آرمان والای همه‌ی انسانها	۳۴
گفتار دهم. مهدویت، دوران احترام به انسانیت	۳۴
گفتار یازدهم. مهدویت و معنابخشی به زندگی	۳۵
گفتار دوازدهم. زندگی با اهداف مهدوی، زندگی واقعی و لذت بخش	۳۵
مطلب دوم. مهدویت و حقیقت	۳۷
مطلب سوم. مهدویت و عدالت	۳۹
مطلب چهارم. مهدویت و عقلانیت	۴۵

مطلب پنجم. مهدویت و دیانت.....	۴۶
گفتار اول. موعود در ادیان.....	۴۶
گفتار دوم. مهدویت در اسلام.....	۵۰
گفتار سوم. مهدویت در تشیع.....	۵۳
گفتار چهارم. مهدویت و شناخت تکلیف.....	۵۷
□ بخش سوم. آثار و برکات مهدویت.....	۶۱
مطلب اول. اطمینان و قوت قلب.....	۶۳
مطلب دوم. امیدزایی در فرد.....	۶۳
مطلب سوم. امیدواری اجتماعی.....	۶۴
مطلب چهارم. تقویت اراده.....	۶۷
مطلب پنجم. تکامل‌دهنده‌ی روح.....	۶۷
مطلب ششم. عامل خودباوری.....	۶۷
مطلب هفتم. رمز پیشرفت.....	۶۸
مطلب هشتم. شفابخش دردها.....	۶۸
مطلب نهم. ایجاد روحیه ظلم ستیزی.....	۶۸
مطلب دهم. به وجود آورنده‌ی روح مجاهده و مبارزه.....	۶۹
مطلب یازدهم. عامل مقاومت و استقامت.....	۷۱
مطلب دوازدهم. ایجاد نشاط و شادابی زندگی.....	۷۱
مطلب سیزدهم. بالا رفتن همت اجتماعی.....	۷۲
مطلب چهاردهم. عامل وحدت در بشریت.....	۷۲
مطلب پانزدهم. عامل بیداری اسلامی.....	۷۳
□ بخش چهارم. امام مهدی شناسی.....	۷۵
مطلب اول. امامت و ولایت.....	۷۷
مقدمه: ضرورت معرفت به امام زمان علیه السلام	۷۷
گفتار اول. مفهوم امامت و ولایت و نشانه‌های آن.....	۷۷
گفتار دوم. جایگاه امامت و ولایت و منزلت امام.....	۸۶

گفتار سوم. صفات و ویژگیهای امام.....	۱۰۴
گفتار چهارم. وظایف و مسئولیتهای امام.....	۱۰۶
گفتار پنجم. انتخاب امام.....	۱۰۷
مطلب دوم. نسب و صفات امام زمان (عج).....	۱۰۹
گفتار اول. نسب حضرت مهدی (عج).....	۱۰۹
گفتار دوم. صفات حضرت مهدی.....	۱۱۰
□ بخش پنجم. غیبت امام زمان (عج).....	۱۱۹
مطلب اول. زمان‌شناسی عصر غیبت.....	۱۲۱
گفتار اول. غیبت صغری و کبری امام زمان (عج).....	۱۲۱
گفتار دوم. امام غایب اما حاضر.....	۱۲۱
گفتار سوم. ظلم فراگیر در عصر غیبت.....	۱۲۲
گفتار چهارم. عصر غیبت، زمانه‌ی امتحان و میدان مجاهدت.....	۱۲۵
مطلب دوم. دیدار با امام زمان (عج) در عصر غیبت.....	۱۲۶
گفتار اول. امکان دیدار با امام زمان (عج) در عصر غیبت.....	۱۲۶
گفتار دوم. نشناختن امام زمان (عج) در اکثر دیدارها.....	۱۲۶
گفتار سوم. غیر واقعی بودن بسیاری از ادعاهای دیدار.....	۱۲۶
گفتار چهارم. تهذیب، شرط انتفاع و دیدار.....	۱۲۸
مطلب سوم. منزلت و مسئولیت علمای دینی در عصر غیبت.....	۱۲۸
گفتار اول. علمای دین مرجع مردم در عصر غیبت و مهار بحران غیبت.....	۱۲۸
گفتار دوم. فقیه جامعه الشرایط متصدی امور حسبه در زمان غیبت.....	۱۲۹
گفتار سوم. انتقال صحیح معارف مهدوی و خرافات‌زدایی.....	۱۲۹
گفتار چهارم. علمای دین و وظیفه تدوین نظام فکری شیعه در عصر غیبت.....	۱۳۱
گفتار پنجم. عالمان دین و وظیفه‌ی تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی.....	۱۳۲
گفتار ششم. علمای دین و وظیفه‌ی تلاش برای تحقق تمدن اسلامی.....	۱۳۳
گفتار هفتم. علمای دین و تلاش برای وحدت.....	۱۳۶
مطلب چهارم. حکومت اسلامی و ولایت فقیه در عصر غیبت.....	۱۳۷

گفتار اول. حکومت اسلامی در عصر غیبت.....	۱۳۷
گفتار دوم. ولایت فقیه در عصر غیبت.....	۱۳۷
□ بخش ششم. انتظار و منتظران.....	۱۵۵
مطلب اول. انتظار.....	۱۵۷
مقدمه (جایگاه انتظار).....	۱۵۷
گفتار اول. مفهوم شناسی انتظار.....	۱۵۷
گفتار دوم. اهمیت انتظار.....	۱۶۲
گفتار سوم. لزوم انتظار.....	۱۶۴
گفتار چهارم. ثمره و نتایج انتظار.....	۱۶۵
گفتار پنجم. ابعاد انتظار.....	۱۶۶
گفتار ششم. لوازم انتظار.....	۱۶۹
مطلب دوم. وظایف منتظران (فرد، جامعه و حکومت).....	۱۷۳
گفتار اول. وظایف فرد منتظر.....	۱۷۵
گفتار دوم. وظایف جامعه‌ی منتظر.....	۱۸۷
گفتار سوم. وظایف دولت منتظر.....	۱۹۵
مطلب سوم. جوان و انتظار.....	۲۰۸
گفتار اول. توجه روزافزون جوانان به امام زمان (عج).....	۲۰۸
گفتار دوم. رابطه‌ی دوطرفه‌ی امام زمان (عج) و جوان.....	۲۰۸
گفتار سوم. انتظار عامل نشاط جوان و رهایی از پوچی.....	۲۰۸
گفتار چهارم. ضرورت استمداد و توسل جوانان به امام زمان (عج).....	۲۰۹
گفتار پنجم. خرسندی امام زمان (عج) از جوانان پرتلاش و پشتیبانی آنها.....	۲۱۰
گفتار ششم. تهذیب جوانان، شرط انتفاع از حضرت ولی عصر.....	۲۱۰
گفتار هفتم. لزوم تربیت آینده نگرانه‌ی جوانان.....	۲۱۱
گفتار هشتم. جوان منتظر و روحیه‌ی جهاد و مبارزه.....	۲۱۱
گفتار نهم. جوان و آمادگی برای ساخت تمدن اسلامی.....	۲۱۲
گفتار دهم. تحقق آرمانها در دست جوان.....	۲۱۲

گفتار یازدهم. جوان و تبیین معارف مهدوی.....	۲۱۳
گفتار دوازدهم. جوان و خودسازی برای ظهور.....	۲۱۳
گفتار سیزدهم. جوان منتظر و زمینه سازی اجتماعی برای ظهور.....	۲۱۳
گفتار چهاردهم. جوان منتظر و سازندگی کشور.....	۲۱۵
گفتار پانزدهم. جوان، آمادگی و دشمن شناسی.....	۲۱۵
گفتار شانزدهم. دعاهاى مهدوی برای جوانان.....	۲۱۵
مطلب چهارم. الگوهای منتظر.....	۲۱۶
گفتار اول. انبیا و معصومین علیهم السلام	۲۱۶
گفتار دوم. همه اسوه‌های عاشورایی.....	۲۱۷
گفتار سوم. حضرت ابوالفضل علیه السلام	۲۱۷
گفتار چهارم. حضرت علی اکبر علیه السلام	۲۱۷
گفتار پنجم. امام خمینی رهبر	۲۱۷
گفتار ششم. روحانیون و علمای ربانی.....	۲۱۹
گفتار هفتم. شهدا.....	۲۲۰
گفتار هشتم. بسیجیان.....	۲۲۰
□ بخش هفتم. مهدویت و انقلاب اسلامی.....	۲۲۳
مطلب اول. مهدویت، آرمان انقلاب اسلامی.....	۲۲۵
مطلب دوم. مهدویت پشتوانه انقلاب.....	۲۲۶
مطلب سوم. حضرت مهدی عج پشتیبان انقلاب اسلامی.....	۲۲۷
مطلب چهارم. مهدویت ، نیاز انقلاب اسلامی.....	۲۲۷
مطلب پنجم. انقلاب اسلامی نمونه‌ی کوچک دولت کریمه‌ی مهدوی.....	۲۲۸
مطلب ششم. انقلاب و قدمی به سوی ظهور.....	۲۳۱
مطلب هفتم. انقلاب اسلامی و شروع تمدن سازی مهدوی.....	۲۳۲
مطلب هشتم. امام زمان عج مراقب و متوجه ملت ایران.....	۲۳۶
مطلب نهم. ایران، کشور امام زمان عج	۲۳۶
مطلب دهم. ایران، ملتی منتظر.....	۲۳۷

- مطلب یازدهم. مشترکات انقلاب خمینی رضی الله عنه و انقلاب مهدوی..... ۲۳۷
- مطلب دوازدهم. انقلاب اسلامی و رشد مفاهیم مهدوی..... ۲۳۸
- مطلب سیزدهم. فراگیری تاریخی نام، یاد و انتظار امام زمان علیه السلام در جمهوری اسلامی..... ۲۳۹
- مطلب چهاردهم. اعمال مسئولان، زیر نظر امام زمان علیه السلام..... ۲۴۰
- مطلب پانزدهم. الگو و جهت فعالیت‌های انقلاب و مسئولان..... ۲۴۰
- مطلب شانزدهم. سپاه و نیروی هوایی سربازان امام زمان علیه السلام..... ۲۴۲
- مطلب هفدهم. عنایات امام زمان در دفاع مقدس..... ۲۴۳
- بخش هشتم. ظهور و حکومت امام زمان علیه السلام..... ۲۴۵
- مطلب اول. مسایل کلی حکومت..... ۲۴۷
- گفتار اول. ضرورت تشکیل حکومت..... ۲۴۷
- گفتار دوم. حاکمیت تنها از آن خداست..... ۲۴۷
- گفتار سوم. حکومت، لازمه‌ی حاکمیت خدا بر جامعه..... ۲۴۸
- گفتار چهارم. پیامبران حاکمان اصلی جامعه از جانب خدا..... ۲۴۹
- گفتار پنجم. ایجاد حکومت الهی فلسفه‌ی تلاش همه‌ی انبیا..... ۲۵۰
- گفتار ششم. انتقال حاکمیت خدا از رسول به ائمه دوازده گانه..... ۲۵۱
- گفتار هفتم. حکومت اسلامی، هدف سیاسی مبارزات ائمه علیهم السلام..... ۲۵۲
- گفتار هشتم. حکومت بالاتر از همه‌ی احکام فرعی و جزو اصول اسلامی..... ۲۵۳
- گفتار نهم. ولایت تعبیر اسلام از حکومت..... ۲۵۴
- گفتار دهم. امتیازهای حکومت اسلامی بر سایر حکومتها..... ۲۵۵
- مطلب دوم. چشم‌انداز ظهور و حکومت مهدوی..... ۲۵۶
- گفتار اول. معنای صحیح از حکومت جهانی مهدوی..... ۲۵۶
- گفتار دوم. فواید ترسیم چشم‌انداز ظهور..... ۲۵۷
- گفتار سوم. جامعه‌ی مهدوی جامعه‌ی آرمانی همه‌ی پیامبران..... ۲۵۸
- گفتار چهارم. عصر ظهور، زمان زندگی حقیقی و فراهم بودن بهترین شرایط زندگی..... ۲۵۹
- گفتار پنجم. مدت حکومت مهدوی..... ۲۶۰
- گفتار ششم. حکومت مهدوی دوران ظهور کامل تمدن اسلامی..... ۲۶۱

گفتار هفتم. خصوصیات جامعه‌ی عصر ظهور.....	۲۶۱
گفتار هشتم. مسئله‌ی اختیار انسان در عصر ظهور.....	۲۷۰
مطلب سوم. نزدیکی ظهور و زمینه سازی برای آن.....	۲۷۱
گفتار اول. ظهور نزدیک است.....	۲۷۱
گفتار دوم. وعده‌های کوچک نشانه‌ی تحقق وعده‌ی بزرگ ظهور.....	۲۷۱
گفتار سوم. امکان زمینه‌سازی برای ظهور.....	۲۷۳
گفتار چهارم. لزوم زمینه‌سازی و آمادگی برای ظهور.....	۲۷۵
مطلب چهارم. شرایط و زمینه‌های ظهور.....	۲۷۶
گفتار اول. مشروط بودن ظهور و امدادهای غیبی.....	۲۷۶
گفتار دوم. آمادگی فردی برای ظهور.....	۲۷۸
گفتار سوم. آمادگی اجتماعی برای ظهور.....	۲۷۹
گفتار چهارم. ابزار و راهکارهای آمادگی برای ظهور.....	۲۸۱
مطلب پنجم. امدادهای الهی در عصر ظهور.....	۲۹۳
□ بخش نهم. ادعیه و زیارات مهدوی.....	۲۹۵
مطلب اول. اعتبار زیارات و ادعیه‌ی مهدوی.....	۲۹۷
مطلب دوم. ابعاد زیارات و ادعیه‌ی مهدوی.....	۲۹۷
مطلب سوم. درباره‌ی دعای ندبه.....	۲۹۷
گفتار اول. جایگاه دعای ندبه.....	۲۹۷
گفتار دوم. سند دعای ندبه.....	۲۹۸
گفتار سوم. لزوم تفکر درباره‌ی دعای ندبه.....	۲۹۸
گفتار چهارم. درسهایی از دعای ندبه.....	۲۹۹
گفتار پنجم. طلاب جوان مصداقی از فراز دعای ندبه.....	۳۰۰
مطلب چهارم. درباره‌ی زیارت آل یاسین.....	۳۰۱
مطلب پنجم. درباره‌ی دعای اللهم کن لولیک.....	۳۰۱
مطلب ششم. درباره دعای سلام الله الکامل.....	۳۰۱
مطلب هفتم. درباره‌ی زیارت جامعه.....	۳۰۲

- مطلب هشتم. درباره‌ی زیارت امین‌الله..... ۳۰۲
- مطلب نهم. درباره‌ی دعای افتتاح..... ۳۰۳
- بخش دهم. مهدویت و آسیب‌ها..... ۳۰۵
- مطلب اول. توجّه صرف به آرمانی بودن مهدویت..... ۳۰۷
- مطلب دوم. برداشت غلط از مفاهیم مهدوی..... ۳۰۷
- مطلب سوم. جمودگرایی و اکتفا به ریختن اشک..... ۳۰۸
- مطلب چهارم. ادّعاهای دروغ رؤیت امام زمان علیه السلام..... ۳۰۸
- مطلب پنجم. تنبلی و عافیت‌طلبی..... ۳۰۹
- مطلب ششم. جدایی دیانت از سیاست..... ۳۰۹
- مطلب هفتم. جهل و نادانی..... ۳۱۰
- مطلب هشتم. خرافات گرایی..... ۳۱۰
- مطلب نهم. دنیا‌طلبی..... ۳۱۱
- مطلب دهم. روزمرگی..... ۳۱۱
- مطلب یازدهم. سطحی نگری..... ۳۱۱
- مطلب دوازدهم. سوء استفاده از مهدویت..... ۳۱۱
- مطلب سیزدهم. سیاسی کاری..... ۳۱۱
- مطلب چهاردهم. عدم تهذیب نفس..... ۳۱۲
- مطلب پانزدهم. غلو و زیاده روی..... ۳۱۲
- مطلب شانزدهم. قانون شکنی و فریب کاری..... ۳۱۳
- مطلب هفدهم. کار عامیانه و غیر عالمانه..... ۳۱۴
- مطلب هیجدهم. همراهی با دشمنان اسلام و انقلاب..... ۳۱۴
- مطلب نوزدهم. عزلت و گوشه‌نشینی..... ۳۱۵
- مطلب بیستم. مدّعیان دروغین و دجال..... ۳۱۵
- مطلب بیست و یکم. عالمان بی‌تقوا و بی‌بصیرت..... ۳۱۵
- مطلب بیست و دوم. تطبیق‌های غلط علائم ظهور..... ۳۱۶
- بخش یازدهم. دشمنان مهدویت..... ۳۱۷

مطلب اول. هجوم همیشگی به عقیده‌ی سازنده‌ی مهدویت.....	۳۱۹
گفتار اول. تلاش مستمر دشمن در مبارزه با عقیده‌ی مهدویت.....	۳۱۹
گفتار دوم. مبارزه‌ی استعمار با مهدویت در کشورهای آفریقایی.....	۳۲۰
گفتار سوم. روشنفکرهایی هم‌سو با مهدی‌ستیزان.....	۳۲۲
گفتار چهارم. مبارزه‌ی رضاخان با مهدویت.....	۳۲۲
گفتار پنجم. لزوم مبارزه با دشمنان مهدویت.....	۳۲۳
مطلب دوم. برخی مصادیق دشمنان مهدویت.....	۳۲۳
گفتار اول. زورگویان، طاغوتها و دشمنان حقیقت و دولت حق.....	۳۲۳
گفتار دوم. قدرت شیطانی و طاغوتی آمریکا.....	۳۲۳
گفتار سوم. استکبار و صهیونیسم.....	۳۲۴
مطلب سوم. شگردهای مهدی‌ستیزان.....	۳۲۴
گفتار اول. نابودی مهدویت.....	۳۲۴
گفتار دوم. کتمان مهدویت.....	۳۲۴
گفتار سوم. تخریب مهدویت.....	۳۲۵
گفتار چهارم. تحریف مهدویت.....	۳۲۵
گفتار پنجم. تزریق ناامیدی.....	۳۲۶
گفتار ششم. تقدس‌زدایی تدریجی.....	۳۲۸
گفتار هفتم. شبهه‌افکنی.....	۳۲۹
گفتار هشتم. رواج روزمرگی و غفلت‌زدگی.....	۳۲۹
گفتار نهم. تلقین ناتوانی.....	۳۳۰
گفتار دهم. تخریب اسلام، انقلاب اسلامی و روحانی متعهد.....	۳۳۱
گفتار یازدهم. مبارزه با روحیه‌ی انقلابی.....	۳۳۲
□ بخش دوازدهم. مراکز، مکانها و افراد مرتبط با مهدویت.....	۳۳۳
مطلب اول. زمان‌های مرتبط با مهدویت.....	۳۳۵
گفتار اول. نیمه‌ی شعبان.....	۳۳۵
گفتار دوم. شب قدر.....	۳۳۸

گفتار سوم. روز جمعه.....	۳۳۹
گفتار چهارم. عاشورا.....	۳۳۹
گفتار پنجم. غدیر.....	۳۴۰
گفتار ششم. ایام حج.....	۳۴۱
گفتار هفتم. نوروز.....	۳۴۱
مطلب دوم. مکان‌های مرتبط با مهدویت.....	۳۴۲
۱. مسجد مقدس جمکران.....	۳۴۲
مطلب سوم. مراکز مرتبط با مهدویت.....	۳۴۳
۱. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام	۳۴۳
مطلب چهارم. شخصیت‌های فعال در عرصه‌ی مهدویت.....	۳۴۴
گفتار اول. شیخ طوسی رحمته الله	۳۴۴
گفتار دوم. شیخ صدوق رحمته الله	۳۴۵
گفتار سوم. شیخ کلینی رحمته الله	۳۴۵
گفتار چهارم. شیخ مفید رحمته الله	۳۴۶
مطلب پنجم. آثار مهدوی.....	۳۴۹
گفتار اول. کتابهای غیبت نعمانی و طوسی.....	۳۴۹
گفتار دوم. دانشنامه‌ی امام مهدی علیه السلام	۳۴۹
□ بخش سیزدهم. مهدویت و بایسته‌های پژوهشی و تبلیغی.....	۳۵۱
مطلب اول. بایسته‌های پژوهشی مهدویت.....	۳۵۳
گفتار اول. ضرورت مطالعه در مباحث مهدوی.....	۳۵۳
گفتار دوم. اولویت داشتن شیعه در پرداختن به پژوهشهای مهدوی.....	۳۵۴
گفتار سوم. مهدویت و لزوم تحقیقهای عالمانه.....	۳۵۴
گفتار چهارم. قرآن کریم و احادیث ائمه علیهم السلام بهترین منابع در پژوهشهای مهدوی... ۳۵۴	۳۵۴
گفتار پنجم. توجه به جهاد مستمر ائمه علیهم السلام راه درک عمیق امامت و مهدویت.....	۳۵۶
گفتار ششم. برخی موضوعات مهدوی برای پژوهش.....	۳۵۶
مطلب دوم. بایسته‌های تبلیغی مهدویت.....	۳۵۷

گفتار اول. لزوم تبلیغ و تبیین معارف مهدوی.....	۳۵۷
گفتار دوم. استفاده از روشهای مستقیم و غیر مستقیم در ترویج مهدویت.....	۳۵۸
گفتار سوم. تبلیغ معارف، راه زمینه‌سازی ظهور.....	۳۵۸
گفتار چهارم. بهره‌گیری از معارف فطری مهدویت.....	۳۵۹
گفتار پنجم. استفاده از مفاهیم عالی مهدویت در تبلیغ.....	۳۵۹
گفتار ششم. لزوم استفاده از منابع معتبر در تبلیغ.....	۳۵۹
گفتار هفتم. پرهیز از غلو و زیاده‌گویی.....	۳۶۰
مطلب سوم. مهدویت و هنر.....	۳۶۱
گفتار اول. هنر عامل گسترش و ماندگاری معارف.....	۳۶۱
گفتار دوم. لزوم به‌کارگیری شیوه‌های هنرمندانه در انتقال معارف مهدوی.....	۳۶۲
گفتار سوم. معارف اصیل مهدوی پشته‌های هنر مهدوی.....	۳۶۲
گفتار چهارم. مداحی، ستایشگری امامت، معنویت و جهاد.....	۳۶۳
□ بخش چهاردهم. دعا و نجوا با امام زمان (عج).....	۳۶۵
مطلب اول. سه جهت کلی درباره‌ی دعا.....	۳۶۷
گفتار اول. دعا، وسیله‌ای در کنار وسایل دیگر.....	۳۶۷
گفتار دوم. دعا وسیله است برای فهمیدن معارف الهی.....	۳۶۹
گفتار سوم. نفس دعا کردن، تقرب الی الله است.....	۳۶۹
مطلب دوم. موضوعات مطرح در دعاهاى مهدوی امام خامنه‌ای.....	۳۷۰
گفتار اول. ابلاغ سلام به امام زمان (عج).....	۳۷۰
گفتار دوم. درخواست تعجیل فرج.....	۳۷۱
گفتار سوم. دعا برای حوائج امام زمان.....	۳۷۱
گفتار چهارم. آرزوی دیدار و قرار گرفتن در زمره‌ی یاران و منتظران واقعی.....	۳۷۱
گفتار پنجم. درخواست رضایت قلبی امام زمان (عج) از اعمال ما.....	۳۷۲
گفتار ششم. درخواست دعای مستجاب امام زمان (عج).....	۳۷۲
گفتار هفتم. دعای مهدوی برای ملت و مسئولان.....	۳۷۳
گفتار هشتم. درخواست تهذیب نفس به برکت امام زمان (عج).....	۳۷۳

- گفتار نهم. درخواست اتصال انقلاب اسلامی ایران به انقلاب مهدوی..... ۳۷۳
- گفتار دهم. درخواست حمایت از انقلاب اسلامی..... ۳۷۴
- گفتار یازدهم. زندگی با ولایت و محبت مهدوی..... ۳۷۴
- گفتار دوازدهم. برخورداری از دولت کریمه‌ی مهدوی..... ۳۷۵
- گفتار سیزدهم. توفیق شباهت جامعه‌ی اسلامی به جامعه‌ی مهدوی..... ۳۷۵
- گفتار چهاردهم. درخواست مجاهدت و شهادت در رکاب امام زمان علیه السلام..... ۳۷۵
- ضمایم..... ۳۷۷
- (دیدارهای مقام معظم رهبری با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز تخصصی مهدویت)..... ۳۷۷
- فهرست منابع..... ۳۸۹

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

عَلَى الْوَلَدِ الْوَلَدُ عَلَى الْوَلَدِ
وَالْوَلَدُ عَلَى الْوَلَدِ وَالْوَلَدُ
وَالْوَلَدُ عَلَى الْوَلَدِ وَالْوَلَدُ
وَالْوَلَدُ عَلَى الْوَلَدِ وَالْوَلَدُ
وَالْوَلَدُ عَلَى الْوَلَدِ وَالْوَلَدُ

تقدیم بہ

ہمہ منتظران حضرت قائم آل محمد ﷺ

وشیفتگان اندیشہ ہاے حضرت آیت اللہ خامنہ اے

مقدمه

انتظار و امید به آینده‌ی اجتماعی روشن و سرشار از عدالت، امنیت و فضیلت که در آن فرصتهای برابری برای رشد و کمال وجود داشته و هر کسی به فراخور تلاش و شایستگی که دارد از امکانات برخوردار باشد، همواره از آرزوهای دیرین بشریت بوده و همه انبیای الهی به تحقق چنین آرزویی بشارت داده‌اند.

این آرزوی بزرگ در اسلام نیز به طور جدی مطرح و در آیات متعدد قرآن و سخنان رسول اعظم اسلام ﷺ و اهل‌بیت معصومین علیهم‌السلام او نیز نسبت به وقوع آن بشارت داده‌اند که بعدها به مهدویت مشهور شده است زیرا بر طبق احادیث معصومین، تحقق چنین امری به وسیله حضرت مهدی ﷺ از نوادگان پیامبر مکرم اسلام صورت خواهد گرفت.

با مروری بر جریانات بزرگ تاریخ این نکته به دست می‌آید که عقیده به مهدویت تنها یک باور مثبت به آینده جهان محسوب نمی‌شود بلکه علاوه بر آن، رفتارهایی را نیز با خود به همراه دارد که خروش و قیام انسانها در مقابل حاکمان ظالم خود بهترین گواه این مطلب بوده و نمونه بارز آن را در انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی رحمه‌الله می‌توان مشاهده نمود به گونه‌ای که ایشان، هم در انگیزه و هم در هدف، انقلاب اسلامی را در مسیر انقلاب جهانی حضرت مهدی ﷺ تبیین نمودند و پس از رحلت جانشین وی، شاگرد برجسته و خلیف صالح ایشان، حضرت امام خامنه‌ای نیز با همان عقیده مهدوی، سکان انقلاب را هدایت و رهبری می‌کنند.

ویژگیهای ممتازی که حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در خود جمع کرده‌اند لزوم بررسی مقوله مهدویت را از دیدگاه ایشان حتمی می‌کند زیرا ایشان نه تنها فقیه و اسلام‌شناس هستند بلکه مسئولیت امامت و رهبری ملت بزرگ ایران را نیز بر عهده دارند و همین امر موجب می‌شود تا آموزه‌ی مهدویت با انبوه ریز موضوعات آن را با نگاه یک رهبر اسلام‌شناس که آوازه قدرت رهبری او جهانی شده و دوست و دشمن به آن اعتراف کرده‌اند، بازخوانی کنیم.

خصوصیت ممتاز این اثر:

آنچه در پیش روی شماست مجموعه گران سنگی از بیانات، پیام‌ها، نامه‌ها و مکتوبات حضرت آیت

الله العظمی خامنه‌ای در حوزه معارف مهدوی است که در طی چهل سال یعنی از سالهای ۱۳۵۳ تا پایان ۱۳۹۳ ایراد شده و هم اکنون پس از جستجوهای فراوان و تحمل سختیهای زیادی که به خاطر عدم دسترسی به منابع مربوط به ایشان در قبل از زعامت ایشان- و به ویژه قبل از انقلاب اسلامی بوده- وجود داشته است اکنون در دست شماست. این در حالی است که کتابهای محدودی که در مورد دیدگاه رهبری درباره مهدویت نگاشته شده است تنها بخش بسیار محدودی از سخنان ایشان را تحت پوشش قرار داده است.

با توجه به اینکه تدوین‌گر این مطالب، دارای مدرک کارشناسی ارشد مهدویت بوده و چندین سال از طرف مرکز تخصصی مهدویت قم-تحت اشراف حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی- در مراکز و مدارس مختلف، معارف مربوط به مهدویت را تدریس و کتابها و مقالات عمومی و تخصصی در مجلات مختلف، ارائه نموده است، تیرگذاریها و انتخاب محتوا و جملات معظم له در این کتاب سعی شده است تا به صورت دقیق، جامع و کارشناسی باشد.

و اما چند نکته:

۱. در تدوین این اثر، تنها به سخنرانی‌های حضرت امام خامنه‌ای در ایام نیمه شعبان اکتفا نشده است بلکه تمام تلاش ما بر این بوده است که هر نکته‌ای که ایشان در مکتوبات و دیدارها با اقشار مختلف مردم و به مناسبت‌های مختلف ایراد فرموده‌اند و به حوزه معارف مهدوی مربوط است استخراج شود.
۲. در تهیه این اثر، تنها از نرم افزار حدیث ولایت استفاده نشده است بلکه از تعداد زیادی از منابع معتبر استفاده گردیده است که نام آنها در پایان کتاب درج شده است.
۳. برخی از سخنان معظم له از متن بیانات مهدوی ایشان که تاکنون در جایی منتشر نشده ولی در دست تدوین‌گر بوده و در نسخه اولیه ارائه شده به مؤسسه محترم انقلاب اسلامی آمده بود به صلاحدید آن مؤسسه حذف شده است.
۴. تلاش شده است که عبارات معظم له تا جایی که به اصل مطلب ضرر نمی‌زند به اختصار بیان شود اما به خاطر استخراج نظام فکری-مهدوی ایشان ممکن است محتوای تعداد محدودی از فیش‌ها به جهت دارا بودن موضوعات متنوع مهدوی در ذیل چند عنوان

آمده باشد زیرا در آن موضوعات، فیش دیگری یافت نشد.

۵. برای دستیابی دقیق‌تر به منظومه فکری مقام معظم رهبری در حوزه مهدویت، از مطالب مهمی از سخنان دیگر معظم له که به صورت غیر مستقیم به مهدویت مرتبط بوده نیز استفاده شده است؛ به عنوان نمونه ایشان در جایی، مهدویت را آرمان نهایی جمهوری اسلامی معرفی و در سخنی دیگر برای رسیدن به آرمان‌های انقلاب اسلامی، ساخت تمدن نوین اسلامی را لازم می‌دانند. جمع این دو فرمایش ما را به این نتیجه منطقی می‌رساند که منتظران حضرت مهدی در انجام وظایف اجتماعی خویش و در راستای زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان، باید تمدن‌سازی را جزء سیاست‌های کلان خود محسوب نمایند.
۶. مطمئن هستیم که آگاهی از نظریات ایشان در موضوعات مختلف مهدوی شما را شگفت‌زده خواهد کرد و نه تنها در زمینه‌ی مسائل فردی برای منتظران ظهور که برای مسئولان و مدیران در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز رهگشا و ایده‌آفرین خواهد بود.

دو سروده از امام خامنه‌ای برای حضرت مهدی

محراب جمکران

دلم قرار نمیگیرد از فغان، بی تو
ز تلخکامی دوران دلم نشد فارغ
چون آسمان مه آلوده‌ام ز تنگدلی
نسیم صبح نمی‌آورد ترانه‌ی شوق
لب از حکایت شبهای تار می‌بندم
چو شمع کشته ندارم شراره‌ای به زبان
ز بیدلی و خموشی چو نقش تصویرم
از آن زمان که فروزان شدم ز پرتو عشق
عقیق صبر به زیر زبان تشنه نهم
گزارش غم دل را مگر کنم چو «امین»

سپندوار ز کف داده‌ام عنان، بی تو
ز جام عیش لبی تر نکرد جان، بی تو
پر است سینه‌ام ز اندوه گران، بی تو
سر بهار ندارند بلبلان، بی تو
اگر امان دهم چشم خونفشان، بی تو
نمیزند سخنم آتشی به جان، بی تو
نمیگشایدم از بیخودی زبان، بی تو
چو ذره‌ام به تکاپوی جاودان، بی تو
چو یادم آید از آن شکرین دهان، بی تو
جدا ز خلق به محراب جمکران، بی تو

خورشید من بر آی

دل را ز بیخودی سر از خود رمیدن است
از بیم مرگ نیست که سر داده‌ام فغان
دستم نمیرسد که دل از سینه برکنم
شامم سیه‌ترست ز گیسوی سرکشت
سوی تو ای خلاصه‌ی گلزار زندگی
بگرفته آب و رنگ ز فیض حضور تو
با اهل درد شرح غم خود نمیکنم
آن را که لب به دام هوس گشت آشنا

جان را هوای از قفس تن پریدن است
بانگ جرس ز شوق به منزل رسیدن است
باری علاج شکر گریبان دریدن است
خورشید من بر آی که وقت دمیدن است
مرغ نگه در آرزوی پرکشیدن است
هر گل در این چمن که سزاوار دیدن است
تقدیر قصه‌ی دل من ناشنیدن است
روزی «امین» سزا لب حسرت گزیدن است



□ بخش اوّل. مفهوم مهدویت



مطلب اوّل (مفهوم عام)

گفتار اوّل (مفهوم بین‌المللی): ظهور یک منجی در آخرالزمان

اصل امید به یک آینده روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت‌گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتفاق همه ادیانی است که در عالم سراغ داریم.^۱

اصل مهدویت مورد اتفاق همه‌ی مسلمانهاست. ادیان دیگر هم در اعتقادات خودشان، انتظار منجی را در نهایت زمانه دارند.^۲

منجی عالم بشریت به فضل پروردگار ظهور کند و پیام او همه‌ی دلهای مستعد را که در همه جای جهان هستند، به خود جذب کند.^۳

گفتار دوم (مفهوم مشترک اسلامی): ظهور و حکومت شخص حضرت

مهدی علیه السلام در آینده

میشود زمینه‌ها را فراهم کرد. وقتی چنین زمینه‌هایی إن شاءالله گسترش پیدا کند، زمینه‌ی ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه نیز پدید می‌آید و مسئله‌ی مهدویت این آرزوی دیرین بشر و مسلمین تحقق می‌یابد.^۴

اجمال مسئله‌ی حضرت مهدی علیه الصلاة والسلام در اسلام این است که همه‌ی فرقه‌های اسلامی-چه شیعه و چه سنی- متفقند که در پایان دوره‌ی جهان، دوره‌ای وجود خواهد داشت که در آن، یک حکومت الهی کامل و جامع با سیطره بر شرق و غرب عالم، به عنوان حکومت مهدی تشکیل خواهد شد و در این دوران، احکام اسلامی به طور کامل و جامع اجرا خواهد شد.^۵

بشریت دارد همین‌طور این راه را طی میکند تا به اتوبان برسد؛ این اتوبان، دوران مهدویت است،

۱. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۳. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان علیه السلام، ۱۳۷۹/۸/۲۲.

۴. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۵. خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۶/۱/۲۱.

دوران ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه) است.^۱

اعتقاد به مهدی موعود علیه السلام؛ یعنی، اینکه در آخرالزمان از خاندان پیامبر شخصی ظهور میکند که دنیا را از عدل، از دادگستری و از نیکی پر میکند. تبعیض‌ها، ظلم‌ها، سوء استفاده‌ها و فاصله‌های طبقاتی را از بین می‌برد.^۲

مطلب دوم (مفهوم خاص)

درباره‌ی مسئله‌ی امام زمان علیه السلام هم مباحث اعتقادی وجود دارد و هم مباحث اجتماعی و انسانی.^۳ مطلب اول درباره‌ی این بخش عظیم اعتقادی ماست که عبارت است از انتظار ظهور ولی عصر علیه السلام و مهدی موعود علیه السلام و منجی بشریت.^۴

اعتقاد به قضیه‌ی مهدی و موضوع ظهور و قَرَج و انتظار، گنجینه‌ی عظیمی است که ملت‌ها میتوانند از آن بهره‌های فراوانی ببرند... عقیده به امام زمان علیه السلام هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، چنین تأثیر عظیمی دارد.^۵

مسئله‌ی انتظار و دوران موعود را که در مذهب ما، بلکه در دین مقدس اسلام ترسیم شده است دوران موعود آخرالزمان؛ دوران مهدویت (را) ما به یاد بیاوریم، روی آن تکیه کنیم و بر روی آن مطالعه و دقت و بحث‌های مفیدی انجام گیرد.^۶

۱. بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه دارالحديث و پژوهشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۳/۲/۲۱.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۶/۱/۲۱.

۴. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۵. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر علیه السلام، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۶. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۶/۹/۲۵.



▣ بخش دوم. جایگاه و اهمیت مهدویت



مطلب اول. مهدویت و بشریت

گفتار اول. مهدویت لطف خدا بر بشریت

او وعده‌ی الهی و مصداق لطف خدا بر انسانیت و بشریت است.^۱

گفتار دوم. مهدویت برای همه‌ی بشریت

مخاطب حضرت بقیه‌الله^{علیه‌السلام} همه‌ی مردم عالمند؛ یعنی در آن لحظه‌یی که به خانه‌ی کعبه پشت می‌دهد و تکیه میکند و دعوت خود را با صدای بلند فریاد میکند، صدا می‌زند «یا اهل العالم!»^۲. مسئله، مسئله‌ی گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام زمان (علیه‌الصلاة و السلام) برای اینکه فرج برای همه‌ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور میکند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه‌ی بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده‌ی بشر را نجات بدهد.^۳ امام زمان علیه سلام الله، رمز عدالت و مظهر قسط الهی در روی زمین است. به همین جهت است که همه‌ی بشریت، به شکلی انتظار ظهور آن حضرت را میکشند.^۴ این ولادت بزرگ (ولادت امام زمان) و این حقیقت عظیم، متعلق به یک ملت و یک زمان خاص نیست؛ بلکه متعلق به بشریت است.^۵

گفتار سوم. مهدویت، ذخیره‌ی امید بشریت

نام مبارک حضرت مهدی ارواحنا فداه در خطابه‌ی دانشجویان و در سخن همه‌ی کسانی که از دلِ روشنی برخوردارند، اشاره به ذخیره امید بشریت و تاریخ است. امام مهدی علیه الصلاة و السلام و ارواحنا فداه ذخیره‌ی امید بشریت است.^۶

۱. دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر^{علیه‌السلام}، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۲. بیانات در نماز جمعه، ۱۳۶۰/۲/۲۹.

۳. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۴. بیانات در دیدار میهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸.

۵. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر^{علیه‌السلام}، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۶. بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی (علیه‌السلام)، ۱۳۸۳/۱۰/۲.

گفتار چهارم. مهدویت و تأثیر عظیم فردی و اجتماعی آن

عقیده به امام زمان ع هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، چنین تأثیر عظیمی دارد. این را باید قدر دانست.^۱

گفتار پنجم. مهدویت نیاز همیشگی انسان زنده و آگاه

امروز ما انتظار فرج داریم؛ یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت‌گستری بیاید و این غلبه‌ی ظلم و جور را که همه‌ی بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسانها بوزاند، تا انسانها احساس عدالت کنند. این نیاز همیشگی یک انسان زنده و یک انسان آگاه است.^۲

همه‌ی انسانهای طول تاریخ، نسبت به این پدیده‌ی عظیم و شگفت‌آور (مهدویت)، احساس نیاز معنوی و قلبی کرده‌اند.^۳

اصل امید به یک آینده‌ی روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت‌گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتفاق همه‌ی ادیانی است که در عالم سراغ داریم... این در واقع امید بخشیدن به همه‌ی انسانها در طول تاریخ است و پاسخگویی به نیاز انسانها به این امید، که حقیقتی هم با آن بیان شده است.^۴

گفتار ششم. نیاز کنونی بشریت به مهدویت

ما منتظریم؛ یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله‌ی دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور و طغیان و ضعیف‌کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران و زورگویان پر شده است، در سایه‌ی تلاش و فعالیت بی‌وقفه‌ی ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزشهای انسانی محترم است و ستمگر و زورگو و ظالم و قلدر و متجاوز به حقوق انسانها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوی و هوس خود، پیدا

۱. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر ع، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۲. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۳. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر ع، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۴. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

نخواهد کرد. این روشنایی، در دیدگاه ما نسبت به آینده وجود دارد. ما ملت ایران باید به این معنای انتظار، بیش از گذشته تکیه کنیم؛ چون دنیای بشری، به انتظاری که ما داریم، محتاج است. این امیدی که در دل ملت ایران وجود داشت و در سایه‌ی آن توانست این کارهای بزرگ را انجام بدهد، ملت‌های ضعیف و مظلوم دنیا، امروز به این امید احتیاج دارند؛ آنها هم باید این امید را پیدا کنند. اگر پیدا کردند و نور امید در دل ملت‌ها تابید، کارهای دنیا اصلاح خواهد شد و مشکل ملت‌های مظلوم، اگر نگوییم به صورت کامل، به صورت معتنا بهی و لو در طول چند سال حل خواهد شد.^۱

انتظار واقعی، با اطمینان و اعتماد ملازم است. کسی که شما میدانید خواهد آمد، انتظارش را میکشید و انتظار کسی که به آمدنش اعتماد و اطمینان ندارید، انتظاری حقیقی نیست. اعتماد، لازمه‌ی انتظار است و این هر دو، ملازم با امید است و امروز این امید، امری لازم برای همه‌ی ملت‌ها و مردم دنیا می‌باشد.^۲

گفتار هفتم. مهدویت، نویدبخش آغاز زندگی حقیقی بشریت

بشریت دارد همین‌طور این راه را طی میکند تا به اتوبان برسد؛ این اتوبان، دوران مهدویت است، دوران ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه) است. این جور نیست که وقتی به آنجا رسیدیم، یک حرکت دفعی انجام بگیرد و بعد هم تمام بشود؛ نه، آنجا یک مسیر است. در واقع باید گفت زندگی اصلی بشر و حیات مطلوب بشر از آنجا آغاز میشود و بشریت تازه می‌افتد در راهی که این راه یک صراط مستقیم است و او را به مقصد آفرینش میرساند؛ «بشریت» را میرساند، نه آحادی از بشریت را، نه افراد را، مجموعه‌ها را میرساند.^۳

گفتار هشتم. مهدویت مطابق با فطرت انسانی

اگر فطرت انسانی، تحت فشار قدرت‌های استکباری، مسخ و لگدمال نشود؛ دل‌ها به طور فطری و طبیعی منتظر چنان آینده‌ای (محیطی آکنده از عدل واقعی) است و بدون تردید آن قدرت متکی بر

۱. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد امام عصر (عج)، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظّم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان (عج)، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۳. بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۳/۳/۲۱.

عدل مطلق الهی، پرچم خواهد برافراشت.^۱

گفتار نهم. مهدویت، آرزو و آرمان والای همه‌ی انسانها

آرزوی همه‌ی بشر، وجود چنین عنصر والایی است. عقده‌های فرو خورده‌ی انسانها در طول تاریخ، چشم به انتهای این افق دوخته است؛ تا انسان والا و برگزیده‌ای از برگزیدگان خدا بیاید، تار و پود ظلم و ستم را - که انسانهای شریر در همه‌ی تاریخ تنیده‌اند - از هم بدرد.^۲

جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود (أرواحنا فداه) روز به روز نزدیکتر میشود.^۳ موضوع امام زمان عجل الله تعالی فرجه الله تعالی فرجه الشریف، با این دید، نه مخصوص شیعه و نه حتی مخصوص مسلمین است. بلکه انتظاری در دل همه‌ی قشرهای بشر و ملت‌های عالم است. امیدی است در دل بنی‌آدم؛ که تاریخ بشریت به سمت صلاح حرکت میکند. این امید، به بازوان قوت میبخشد، به دلها نور میدهد و معلوم میکند که هر حرکت عدالت‌خواهانه‌ای، در جهت قانون و گردش طبیعی این عالم و تاریخ بشر است. به همین خاطر است که وقتی ملت ما، قبل از پیروزی انقلاب به مبارزات مشغول بودند، احساسشان این بود که در جهت پیشرفت به سمت آرمان بشریت حرکت میکنند.^۴

هرچند اعتقاد به حضرت مهدی أرواحنا فداه یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسئله را فقط به جنبه‌ی آرمانی آن ختم کرد.^۵

گفتار دهم. مهدویت، دوران احترام به انسانیت

این دنیایی که به وسیله‌ی دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور و طغیان و ضعیف‌کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران و زورگویان پُر شده است، در سایه‌ی تلاش و فعالیت بی‌وقفه‌ی ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزشهای انسانی محترم است.^۶

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب با اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۵/۱۰/۶.

۲. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۸/۹/۳.

۳. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۴. بیانات در دیدار میهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۳۷۷/۱۱/۱۸.

۵. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصالای تهران، ۱۳۸۷/۰۷/۳۰.

۶. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد امام عصر (عج)، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

گفتار یازدهم. مهدویت و معنابخشی به زندگی

این ظلم عظیم مسلط بر عالم، این سلطه‌های ناحق، این زورگویی به ملت‌ها در سطح جهان، این ریختن خون‌های به‌ناحق، این پامال کردن شریف‌ترین و عزیزترین ارزش‌های انسانی، این دروغ‌ها و تزویرهایی که سردمداران استکبار جهانی هر روز تحویل بشریت می‌دهند، این همه بدی، این همه استثمار و ظلم، انسانی را که چشمه‌ی امیدی در دل نداشته باشد، به‌طور طبیعی مأیوس میکند؛ لذاست که شما می‌بینید نسل جوان در کشورهای غربی، به سوی پوچی کشانده میشوند. نسل جوانی که به سنت‌ها خو نگرفته است و خود را پایبند سنت‌ها نکرده است، وقتی که این نابسامانی محیط زندگی بشریت را می‌بینند، ناامید میشود؛ لذا به سمت پوچی کشیده میشود. بسیاری از دختران و پسران در کشورهای غربی، به سمت بیهودگی و بی‌اعتنایی به مظاهر زندگی و پوچی و غرقه شدن در شهوات آنی کشیده میشوند؛ این بر اثر یأس است؛ بسیاری از دانشمندان و نویسندگان و سخنگویان بشریت به این حالت دچار میشوند؛ اما آن ملتی که به آینده امید دارد، میداند که روزگار ظلم و ستم و زورگویی و تجاوز و طغیان و استکبار، با همه‌ی حجم عظیمی که امروز در جهان به وجود آورده است، یک روزگار تمام شدنی است و دورانی خواهد رسید که قدرت قاهره‌ی حق، همه‌ی قلّه‌های فساد و ظلم را از بین خواهد برد و چشم‌انداز زندگی بشر را با نور عدالت منور خواهد کرد.^۱

گفتار دوازدهم. زندگی با اهداف مهدوی، زندگی واقعی و لذت بخش

دو نوع زندگی برای آحاد بشر وجود دارد. یک زندگی، زندگی برای نیازهای مادی شخص است. زحمت میکشد، کار میکند، دوندگی میکند برای خود، برای شخص خود و آنچه که به شخص او مربوط میشود. این زندگی، وقتی که در فضای کنونی جامعه‌ی ما مطرح میشود، برای افراد هوشمند تعجب‌انگیز است. اما واقعیت این است که امروز و در همیشه‌ی عالم و همیشه‌ی تاریخ، بیشترین تلاش انسان‌های مادی و کوتاه‌بین در هر قشر و هر جامعه‌ای، با هر اندازه از معلومات، همین‌گونه بوده است. درس می‌خوانند، برای اینکه به نان و نوایی برسند. زحمت میکشند، برای اینکه بهره‌ای بیشتر ببرند. کار میکنند، بی‌خوابی میکشند، حتی خود را به خطر می‌اندازند، برای اینکه به چیزی

۱. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۲۰.

برسند؛ به نانی یا به رفاهی یا به مقامی یا به لذتی. این، یک نوع زندگی است و خیلی از انسانها این‌گونه زندگی میکنند. این‌گونه زندگی کردن، خصوصیت تلخی دارد. حالا از محاسبه‌ی الهی و آخرتی که بعضی به آن اعتقاد دارند و بعضی ندارند، صرف نظر کنیم. در همین دنیا، این‌گونه زندگی کردن، دشواری بزرگی دارد. آن هم این است که اگر فرض کنیم همه‌ی این تلاشها هم موفق از آب در آمد، واقعاً کارکرد و به اهداف خود رسید؛ میخواست پولدار بشود و پولدار شد؛ میخواست لذت ببرد و لذت برد؛ میخواست به شهوات دست بیابد، میخواست به قدرت و به عنوان و مقام برسد و بالاخره به همه‌ی اینها رسید و فرض کنیم همه‌ی این کامیابی‌ها هم حاصل شد؛ بعد از طی سالیانی، وقتی انسان احساس کرد که به سرایشب عمر افتاده است و به اواخر عمر نزدیک میشود، به پشت سر که نگاه میکند، همه‌اش حسرت است. انسان تا جوان است این را نمی‌فهمد؛ چون همه چیز را پیش روی خود میبیند و فکر میکند که به این لذات خواهد رسید. اما وقتی از جوانی عبور کرد و به آن طرف سرایشبی رسید، پشت سر را که نگاه میکند، میبیند با از دست رفتن عمر، همه چیز از دست رفته است. حسرت بالاتر، در لحظات آخر عمر است: حس میکند همه‌ی این زحمات هیچ شد، پوچ شد و از دست رفت. آن لحظه‌های لذت، آن نعمت، آن مکنت، همه از دست رفت. این، عیب بزرگ این‌گونه زندگی کردن است؛ یعنی زندگی به مجموعه‌ای از حسرتها تبدیل میشود. البته حسرت بزرگ، در قیامت است. خدای متعال میفرماید: «و انذرهم يوم الحسرة» آنها را از روز حسرت بیم بده، که نگاه میکنند و زندگی را از دست رفته می‌بینند.

نوع دوم زندگی این است که انسان برای هدفی زندگی کند؛ هدفی که از خود او بیرون باشد. نمی‌گوییم این هدف، همیشه الهی باشد. حتی اگر این هدف، مادی هم باشد، اما مربوط به کل جامعه یا برای بشریت باشد اگرچه تلاش کردن برای چنین هدفی، ممکن است انسان را از مسایل شخصی، مقداری باز بدارد، این حسن بزرگ را دارد که وقتی انسان تلاش کرد، این تلاش همیشه موفق است. کار برای اهداف عالی، همیشه موفق است. این را خدای متعال در قوانین آفرینش قرار داده است که هرکس کار کند حتی برای هدفهای دنیایی خداوند او را به آن هدفها خواهد رساند؛ مگر آنکه در خود کار، خللی وجود داشته باشد که این، به خود انسان برمیگردد. و الا اگر کار برای هدف، با اصول درست انجام گیرد، دست یافتن به آن هدف، قطعی است.

در این نوع زندگی، هرچه میگذرد انسان احساس میکند که عمرش تلف نشده است؛ چون برای یک

هدف عالی زحمت کشیده است. اگر این هدف یک هدف الهی باشد؛ به بشریت برگردد، به آرمانهای خدایی برگردد، به صلاح و خیر بشر برگردد، به استقرار عدالت و به مبارزه با ظلم و جور مربوط شود، احساس میکند که به هدف نزدیکتر شده است. در پایان راه هم وقتی به پشت سر خود نگاه میکند، میبیند فرسنگها به هدف نزدیک شده است؛ لذا حسرت ندارد و احساس لذت میکند. این، زندگی واقعی است؛ زندگی برای آرمانها و هدفهای والا. جمله‌ی معروفی که به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است و نمیدانم آیا این نسبت صحیح است یا نه جمله‌ی حکیمانه و درستی است. میفرماید: «أَمَّا الْحَيَاةُ عَقِيدَةٌ وَ جِهَادٌ». عقیده؛ یعنی به هدفی دل بستن، آرمانی را پذیرفتن و در راه آن مجاهدت کردن. اسلام آمده است به انسانها هدف بدهد و آنها را به سمت آرمانهای والا و زیبای بشری به حرکت وادارد. در چنین راهی است که اگر انسان یک قدم جلو برود، تلاش خالصانه و مخلصانه‌ای انجام دهد، فداکاری کند، حتی اگر زحمت و رنجی به او رسید و ناکامی ظاهری‌ای نصیبش شد، تحمل کند، در دل و در محاسبه‌ی الهی، شاد و خشنود است؛ چون احساس میکند طبق آنچه که وظیفه‌ی او بوده، به سمت آن اهداف عالی، تلاش و حرکت کرده است. این تلاش، فی نفسه دارای ارزش است.^۱

مطلب دوم. مهدویت و حقیقت

مهدویت پایان‌بخش نبرد حق و باطل

در خلقت بشر و تاریخ طولانی بشریت حقیقتی وجود دارد و آن حقیقت این است که این ستیزه میان حق و باطل، یک روز به سود حق و به زیان باطل پایان خواهد گرفت و از آن روز به بعد دنیای حقیقی بشر، زندگی مطلوب انسان آغاز خواهد شد.^۲

حرکت جریان عالم به سمت حاکمیت حق و حکومت مهدوی

از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این پروبرگرد هم ندارد.^۳

۱. بیانات در دیدار اعضای «نیروی هوایی» ارتش در روز نیروی هوایی، ۱۳۷۱/۱۱/۱۹.

۲. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۳. بیانات در دیدار مسئولان و کارکنان نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

سرنوشت زندگی بشر آن‌چنان سرنوشتی است که در جهت اراده‌ی الهی و در سمت کمالی است که خدای متعال حدّ اعلای آن کمال است؛ یعنی تاریخ بشر و زندگی انسان به طور قطعی و ناگزیر به سمت یک چنین فرجامی دارد حرکت میکند، و هیچ تلاشی نمیتواند مانع بشود از آمدن آن روز، البتّه ممکن است آن روز تأخیر بیافتد.^۱

تحقق حتمی دولت حق مهدوی

همه‌ی انبیا و اولیا آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی‌ای سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ‌گونه مانعی تمام استعدادهایش میتواند بروز کند. انبیا و اولیا این مردم گمگشته را مرتب از این کوه و کمر و دشتها و کویرها و جنگلها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه‌ی شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولی‌عصر ارواحنا فداه محقق خواهد شد؛ لیکن همه‌ی این تلاشها اصلاً براساس این بینش است که نهایت این عالم، نهایت غلبه‌ی صلاح است؛ ممکن است زودتر بشود، ممکن است دیرتر بشود؛ اما بروبرگرد ندارد. قطعاً این‌طوری است که در نهایت، صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ قوای خیر بر قوای شر غلبه میکنند.^۲ این ولادت بزرگ [ولادت امام زمان] و این حقیقت عظیم، متعلق به یک ملت و یک زمان خاص نیست؛ بلکه متعلق به بشریت است. این «میثاق الله الذی أخذ و وکده»، میثاق خدا با انسان است. «وعد الله الذی ضمنه»؛ این، وعده‌ی خداست که تحقق آن را ضمانت کرده است.^۳

افزایش روزافزون لشکر حق و توجه به مهدویت

مستکبران عالم هرچه میخواهند، بگویند؛ تظاهر به قدرت‌نمایی بکنند؛ اما لشکر حق و حقیقت و کاروانی که بشریت را به سمت سرمنزل عدل و داد پیش میبرد، روز به روز در حال افزایش یافتن است. گذشت سالها نمیتواند این امید را در دلها از بین ببرد یا کم‌فروغ کند که در آینده که امیدواریم آن آینده چندان دور نباشد همه‌ی آحاد بشر طعم عدالت را به معنای واقعی کلمه خواهند چشید.^۴

۱. بیانات در مسجد چهار مردان قم به مناسبت نیمه شعبان، ۱۳۶۶/۱/۲۴.

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۳. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۴. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان (عج)، ۱۳۷۹/۸/۲۲.

امروز بحمدالله ملت ما توجهشان به مقوله‌ی مهدویت و وجود مقدس حضرت مهدی (سلام‌الله‌علیه) از همیشه بیشتر است. روزبه‌روز انسان احساس میکند در دل جوانان، در میان آحاد مردم، شوق و عشق و ارادت و تذکر نسبت به وجود مقدس حضرت حجت (سلام‌الله‌علیه) بیشتر میشود. این هم از برکات خود آن بزرگوار است. نگاه آن بزرگوار، نظره‌ی رحیمه‌ی آن بزرگوار به ملت ما، دل‌های آنها را متوجه آن حقیقت تابناک کرده است.^۱

ناتوانی زورگویان و زراندوزان در جلوگیری از تحقق مهدویت

لشکر حق و حقیقت و کاروانی که بشریت را به سمت سرمنزل عدل و داد پیش میبرد، روزبه‌روز در حال افزایش یافتن است... قدرتمندان و مستکبران و زورگویان و زراندوزان و زورمداران عالم هرچه تلاش کرده‌اند و بکنند، نخواهند توانست این حرکت و این رفتار طبیعی بشر را به سمت صلاح متوقف کنند.^۲

امام مهدی (علیه الصلاة والسلام و ارواحنا فداه) ذخیره‌ی امید بشریت است... هیاهوی قدرتمندان و قدرت‌مداران مانند کف روی آب در مقابل جریان اصيل و تمام‌نشدنی حقیقت و معنویت، تاب ماندن و جلوه کردنِ همیشگی را ندارد.^۳

مطلب سوّم. مهدویت و عدالت

عدالت برجسته‌ترین شعار مهدویت

برجسته‌ترین شعار مهدویت عبارت است از عدالت. مثلاً در دعای ندبه وقتی شروع به بیان و شمارش صفات آن بزرگوار میکنیم، بعد از نسبت او به پدران بزرگوار و خاندان مطهرش، اولین جمله‌ای که ذکر میکنیم، این است: «این المعدّ لقطع دابر الظلمه، این المنتظر لاقامة الامت و العوج، این المرتجی لأزالة الجور و العدوان»؛ یعنی دل بشریت میتپد تا آن نجات‌بخش بیاید و ستم را ریشه‌کن کند؛ بنای ظلم را - که در تاریخ بشر، از زمانهای گذشته همواره وجود داشته و امروز هم با شدت وجود دارد - ویران کند و ستمگران را سر جای خود بنشانند. این اولین درخواست منتظران

۱. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۲. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان (عج)، ۱۳۷۹/۸/۲۲.

۳. بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشکده افسری امام علی (ع)، ۱۳۸۳/۱۰/۲.

مهدی موعود^۱ از ظهور آن بزرگوار است. یا در زیارت آل یاسین وقتی خصوصیات آن بزرگوار را ذکر میکنید، یکی از برجسته‌ترین آنها این است که: «الذی یملاً الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً». انتظار این است که او همه‌ی عالم - نه یک نقطه - را سرشار از عدالت کند و قسط را در همه جا مستقر نماید. در روایاتی هم که درباره‌ی آن بزرگوار هست، همین معنا وجود دارد. بنابراین انتظار منتظران مهدی موعود^۲ در درجه‌ی اول، انتظار استقرار عدالت است.^۱

عدالت، خواسته و نیاز عمومی بشریت

تا آنجایی که ادیان الهی و ادیانی را که رونویسی از ادیان الهی‌اند، میشناسیم - ولو خودشان هم الهی نباشند، اما پیداست اصول و قواعد کار را از ادیان الهی گرفته‌اند - همه معتقدند که این کاروان در پایان، در آخر راه، به یک منزلگاه مطلوب و دلگشا و دلنشین خواهد رسید. خصوصیت عمده‌ی این مقصد هم «عدالت» است؛ عدالت، خواسته عمومی بشریت از اول تا امروز و تا آخر است.^۲

آنچه مسلم است، همه‌ی پیغمبران و اولیا برای این آمدند که پرچم توحید را در عالم به اهتزاز درآورند و روح توحید را در زندگی انسانها زنده کنند. بدون عدالت، بدون استقرار عدل و انصاف، توحید معنایی ندارد. یکی از نشانه‌ها یا ارکان توحید، نبودن ظلم و نبودن بی‌عدالتی است؛ لذا شما می‌بینید که پیام استقرار عدالت، پیام پیغمبران است. تلاش برای عدالت، کار بزرگ پیغمبران است. انسانهای والا در طول تاریخ در این راه تلاش نموده‌اند و بشریت را روز به روز به سمت فهمیدن این حقیقت که عدالت، سرآمد همه‌ی خواسته‌های انسانی است، نزدیک کرده‌اند. سلسله‌ی انبیا، پاک‌ترین و مقدس‌ترین و نورانی‌ترین انسانهای تمام تاریخ بوده‌اند.^۳

عدالت بزرگترین آرمان بشریت

هدف دومی که پیغمبر، از لحظه‌ی اول به دنبال آن بوده است، عبارت است از ایجاد یک محیط سالم و صحیح برای معیشت انسان و زندگی انسانی؛ یعنی دنیایی که در آن، ظلم و دریده شدن ضعیف به وسیله‌ی قوی نباشد. دنیایی که در آن، ناکامی مطلق برای ضعیفا و قانون جنگ نباشد؛

۱. بیانات در دیدار افشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰.

۲. بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحدیث» و پژوهشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۲/۳/۲۱.

۳. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی^{عج}، ۱۳۷۷/۹/۳.

یعنی همان چیزی که در اصطلاحات قرآن، حدیث، و اصطلاحات دینی، به آن «قسط و عدل» گفته میشود؛ یعنی بزرگترین آرزوی بشر. بزرگترین آرمان بشر از اول تاریخ انسان (یعنی از آن زمانی که انسان تعقلی یافته و فکری به سراغ او آمده، و به زندگی خود، نظم و ترتیبی داده است) تا امروز، آرزوی تحقق عدالت است.^۱

از دیرباز تا امروز، بشریت آرمان عدالت، انصاف و برابری بین انسانها و برچیده شدن بساط زورگویی از سطوح مختلف زندگی مردم را در دل پرورانده است؛ اما این آرمان در کمتر برهه‌ای از زمان محقق شده است. انسانها همیشه تشنه‌ی آرمانهای انسانی‌اند و آرمانها در طول زمان یکسان است. دانش پیشرفت میکند و وضعیت زندگی و روابط اجتماعی دچار دگرگونی و تحول میشود؛ اما آرزوهای بزرگ بشر در طول زمان و اوضاع و احوال گوناگون، یکی است. بشر همیشه تشنه‌ی صفا و یکرنگی و عدل و انصاف و معنویت و حقیقت و برادری است و از تزویر و دروغ و زورگویی و حق‌پوشی و ظلم و بی‌عدالتی بیزار است. این آرمانها هرگاه در بخشی از عالم منادیانی پیدا کرد، زورگویانی پیدا شدند که یا آنها را سرکوب و یا موانعی در راهشان ایجاد کردند. البته این آرمانها چون فطری انسان است، از بین رفتنی نیست و تا امروز از بین نرفته و نخواهد رفت؛ بلکه روز به روز آگاهی و ظرفیت بشر برای پذیرش و عمل به آنها بیشتر شده است. امروز در دنیا نظامی به وجود آمده است که براساس رهنمودهای قرآنی و هدایت اسلامی، برای بشریت عدالت میخواهد و میطلبد و صریحاً اعلام میکند با ظلم مخالف است و با آن کنار نمی‌آید. اسلام پرچمی را برافراشت که تمام آرمانهای انسانی در پای این پرچم، قابل برآورده شدن است.^۲

عدالت اجتماعی هدف حکومت مهدوی

اسلام ناب، اسلامی است که باید ابوجهل‌ها از آن بترسند. اگر اسلامی بود که ابوجهل‌ها و ابوسفیان‌ها از آن نترسیدند و با آن دشمن نبودند، باید در اسلام بودنش شک کنیم. آن اسلامی هم که طبقات مستضعف و محروم به آن امیدوار نشوند و دل ندهند، اسلام نیست، اسلامی که نتواند آرزوهای خفته و فروکشته‌ی قشرهای مظلوم را در سطح دنیا - نه فقط در سطح کشور خودمان - زنده و احیا کند، شک کنید در اینکه این دین، اسلام باشد. همه‌ی بشریت متدین، منتظر مصلح

۱. بیانات در دیدار کارگزاران، در روز «عید مبعث»، ۱۳۷۴/۹/۲۹.

۲. بیانات در دانشگاه افسری امام علی (ع)، ۱۳۸۰/۹/۲.

است و همه‌ی مسلمین، منتظر مهدی موعودند و خصوصیت مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌وارو احفاده در نظر مسلمانان این است که: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا». عدل و داد، استقرار عدالت در جامعه، از بین بردن ظلم از سطح زمین، خصوصیت مهدی موعود است. اسلامی که در آن، تلاش برای عدالت و مبارزه با ظلم نباشد، چه‌طور میتواند اسلام باشد و بشریت به سمت آن حرکت کند؟ بشر به سمت آن چیزی حرکت میکند که مظهر آن، وجود مقدس مهدی علیه‌الصلاة والسلام و عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف باشد و او کسی است که در احادیث متواتر وارد شده که دنیا را از عدل و داد پر میکند و ظلم را ریشه‌کن می‌سازد.^۱

وقتی شما روایات مربوط به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) و همچنین دعاها و زیارت‌های مربوط به ایشان را می‌خوانید، می‌بینید که روی چه چیزی تکیه میشود: «و أنت الذی تملأ الارض قسْطًا و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً». کلمه‌ی «بعد» در یکی دو دعا بیشتر نیست. من یک‌وقت در نماز جمعه گفتم که «تملاً الارض قسْطًا و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» را در جایی پیدا نکردم. گفتم: به جز دو جا، در روایات «کما ملئت ظلماً و جوراً» آمده است. یکی از آن دو جا زیارت غیر معتبری است و دیگری که زیارت نسبتاً خوبی است، سند درستی ندارد. «سلام الله الکامل التام»، آنجا هم «بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» است. در همه‌ی این روایات و دعاها، مسئله‌ی آمدن امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) معلل به این شده که آن بزرگوار بیاید و در دنیا قسط و عدل بیاورد. اصلاً مشکل دنیا در این است که قسط و عدل نیست. مشکل دنیا روزبه‌روز هم زیادتر میشود.^۲

عدالت، زمینه‌ساز گسترش توحید

روز ولادت مهدی موعود ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، حقیقتاً روز عید همه‌ی انسانهای پاک و آزاده‌ی عالم است. فقط کسانی در این روز ممکن است احساس شادی و خرسندی نکنند که یا جزو پایه‌های ظلم، یا جزو پیروان طواغیت و ستمگران عالم باشند، و الا کدام انسان آزاده‌ای است که از گسترش عدالت، از برافراشته شدن پرچم دادگری و رفع ظلم در سراسر جهان، خرسند نشود و آن را آرزو نکند. آنچه مسلم است، همه‌ی پیغمبران و اولیا برای این آمدند که پرچم توحید را در عالم به اهتزاز درآورند و روح توحید

۱. سخنرانی در خجسته سالروز ولادت امام زمان (عج)، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۲. سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارکنان نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۹.

را در زندگی انسانها زنده کنند. بدون عدالت، بدون استقرار عدل و انصاف، توحید معنایی ندارد. یکی از نشانه‌ها یا ارکان توحید، نبودن ظلم و نبودن بی‌عدالتی است. لذا شما می‌بینید که پیام استقرار عدالت، پیام پیغمبران است. تلاش برای عدالت، کار بزرگ پیغمبران است.^۱

بشریت در انتظار عدالت مهدوی

بشریت که با عطش تمام منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه تعالی فرجه الشریف است و میخواهد مهدی موعود بیاید و چشم انتظار آن حضرت است، برای این است که او بیاید تا دنیا را از عدل و داد پر کند.^۲

قیام مهدوی و طرح عدالت پیش از دیانت

در تمام آثار دینی که شما نگاه میکنید، هدف و غایت برای حرکت جامعه‌ی اسلامی، تشکیل جامعه‌ی عادلانه است. راجع به امام زمان علیه السلام این همه اثر هست و در اغلب اینها گفته میشود که آن بزرگوار تشریف بیاورند تا اینکه جهان را پر از عدل کنند. بیش از آنچه که گفته شده «پر از دین حق کنند» گفته شده «پر از عدالت کنند»؛ یعنی آنچه که در درجه‌ی اول مطرح است، «عدالت» است که باید انجام گیرد.^۳

ما وقتی می‌گوییم منتظر امام زمان علیه السلام هستیم، بیشترین خصوصیتی که برای امام زمان ذکر میکنیم، این است که «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا»؛ می‌گوییم: «يَمْلَأُ اللَّهُ دِينًا وَ صَلَاةً وَ صَوْمًا». با اینکه آن هم هست و قسط و عدل در چارچوب دین، بهترین و بیشترین تحقق را پیدا میکند، لیکن معلوم میشود که این عدل، یک مصرع بلند درخواستهای انسان است.^۴

شما وقتی در همه‌ی روایات و آثاری که راجع به آن بزرگوار و راجع به آن دوران آمده نگاه میکنید، می‌بینید اغلب تکیه بر روی این نیست که مردم در آن دوران دیندار میشوند - با اینکه دیندار هم میشوند - بلکه تکیه بر روی این است که مردم در آن وقت برخوردار از عدالت میشوند و قسط و عدل اقامه میشود؛ این مطلب در دعاها و زیارت‌های آن بزرگوار و روایات هست؛ یعنی نقطه‌ی

۱. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۸/۹/۳.

۲. بیانات در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم، در روز ولادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷.

۳. بیانات در دیدار «هیئت دولت» در آغاز کار دوره‌ی دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۲/۶/۳.

۴. بیانات در جلسه‌ی پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۴.

برجسته در آن آینده‌ی پر از نوید، عبارتست از عدالت. بشر تشنه‌ی عدالت است.^۱

شاید در اسلام در مورد مسایل اجتماعی، هیچ‌چیز به قدر عدالت، مورد توجه قرار نگرفته است. شما ببینید در مورد ظهور حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه و عجل الله فرجه، در بیشتر روایات و ادعیه و زیاراتی که درباره‌ی آن بزرگوار است و اسمی از آن بزرگوار است، به دنبال مسئله‌ی ظهور و قیام آن حضرت، «یملأ الله الارض قسطاً و عدلاً» هست. خدا به وسیله‌ی او، زمین را پر از قسط و عدل میکند. البته خدا به وسیله‌ی امام زمان علیه السلام زمین را از دین خودش هم پر میکند؛ اما آن چیزی که در دعا و زیارت و روایت گفته میشود، «یملأ الارض به الدین، دین الحق» نیست. مگر در بعضی از جاها که تعبیراتی هست- متعلق «یملأ»، قسط و عدل، عدالت، دادگری و انصاف است. چرا؟ چون بشر بیشتر از همه چیز، از ظلم و بیدادگری رنج میبرد.^۲

عدالت، بستر کمال انسان

شما که آرزومند و مشتاق ظهور خورشید مهدویت در آخرالزمان هستید و الآن حدود هزار و دویست سال است که ملت اسلام و شیعه در انتظار ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و جعلنا الله فداه است، چه خصوصیتی برای آن بزرگوار ذکر میکنید؟ «الذی یملاً الله به الارض قسطاً و عدلاً»... قسط و عدل، واجب‌ترین کارهاست. ما رفاه را هم برای قسط و عدل می‌خواهیم. کارهای گوناگون مبارزه، جنگ، سازندگی، توسعه را برای قسط و عدل می‌خواهیم؛ برای اینکه در جامعه عدالت برقرار شود، همه بتوانند از خیرات جامعه استفاده کنند و عده‌ای محروم و مظلوم واقع نشوند. در محیط قسط و عدل است که انسانها میتوانند رشد کنند، به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خودشان را به دست آورند. قسط و عدل، یک مقدمه‌ی واجب برای کمال نهایی انسان است.^۳

عدالت، هدف متوسط حکومت مهدوی

هدف پیامبران، اقامه‌ی قسط است: «لیقوم الناس بالقسط». اصلاً پیامبران آمدند تا اقامه‌ی قسط

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت و در آستانه‌ی نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۶/۶/۴.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۵/۱۱/۱۲.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی، ۱۳۷۶/۴/۲۵.

کنند. البته، اقامه‌ی قسط یک منزل در راه است و هدف نهایی نیست؛ لیکن آنها که آمدند، کار اولشان این است که اقامه‌ی قسط کنند و مردم را از شر ظلم و جور طاغیان و ظالمان نجات دهند. هدف حکومت ولی‌عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در آخرالزمان هم باز همین عدل است.^۱

مطلب چهارم. مهدویت و عقلانیت

مهدویت مطابق با عقلانیت

امروز خوشبختانه در مجلس ما... جمعی از مجموعه‌های مرتبط با مهدویت حضور دارند. آنچه را که من به این مناسبت در این جمع فرهنگی آگاه و هوشیار به شما برادران و خواهران می‌خواهم عرض بکنم، این است که ما عقاید اسلامی‌مان، به‌خصوص عقاید شیعی، جزء پاکیزه‌ترین و منطقی‌ترین و مستحکم‌ترین عقاید است. توحیدی که ما تصویر میکنیم، امامتی که تصویر میکنیم، شخصیت نبی که ما تصویر میکنیم، مسایل اعتقادی و معارف دینی‌ای که در آیین تشیع تصویر میشود، تصویرهای روشن و منطقی‌ای است که هر ذهن فعالی و اهل کنکاشی میتواند به حقایق و صحت و دقت این اعتقادات پی‌برد. عقاید شیعه، عقاید بسیار مستحکمی است. همیشه در طول تاریخ اسلام، عقاید تشیع این جور شناخته شده است. دیگران، مخالفین در مقام احتجاج، در مقام استدلال، در هم‌آوردی‌های کلامی، به استحکام عقاید امامیه که از ائمه (علیهم‌السلام) اخذ شده است، اعتراف کرده‌اند. و ائمه (علیهم‌السلام) به تبع قرآن کریم، ما را به تأمل، به تفکر و به کارگیری خرد و اندیشه دستور داده‌اند. این است که فکر، اندیشه، خرد، در این عقاید آشکار است؛ به‌علاوه راهنمایی‌های ائمه (علیهم‌السلام) هم که هدایت‌کننده است و جلوگیری از لغزش‌هاست.^۲

ناتوانی منکران مهدویت از ارائه‌ی دلیل عقلی

حجت خدا در بین مردم زنده است؛ موجود است؛ با مردم زندگی میکند؛ مردم را میبیند؛ با آنهاست؛ دردهای آنها، آلام آنها را حس میکند. انسانها هم، آنهایی که سعادتمند باشند، ظرفیت داشته باشند، در مواقعی به طور ناشناس او را زیارت میکنند. او وجود دارد؛ یک انسان واقعی، مشخص، با نام

۱. سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، در آستانه‌ی یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۶۸/۱۱/۹.

۲. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

معین، با پدر و مادر مشخص و در میان مردم است و با آنها زندگی میکند. این، خصوصیت عقیده‌ی ما شیعیان است. آنهایی هم که از مذاهب دیگر این عقیده را قبول ندارند، هیچ‌وقت نتوانستند دلیلی که عقل‌پسند باشد بر ردّ این فکر و این واقعیت، اقامه کنند. همه‌ی ادله‌ی روشن و راسخ که بسیاری از اهل سنت هم آن را تصدیق کرده‌اند، به طور قطع و یقین از وجود این انسان والا، این حجت خدا، این حقیقت روشن و تابناک- با همین خصوصیات که من و شما می‌شناسیم- حکایت میکند و شما در بسیاری از منابع غیر شیعه هم این را مشاهده میکنید.^۱

مطلب پنجم. مهدویت و دیانت

گفتار اول. موعود در ادیان

موعود مورد اتفاق همه‌ی ادیان

همه‌ی ادیان و مذاهب، عقیده دارند که یک منجی و یک دست مقتدر الهی در مقطعی از تاریخ خواهد آمد و در نجات بشر از ظلم و جور، معجزه‌گری خواهد کرد.^۲

همان عنصری که مسلمانها به او مهدی موعود^{علیه السلام} می‌گویند، در اصطلاح مسیحیان، در اصطلاح یهودیان، در اصطلاح بودایی‌ها، در اصطلاح ادیان قدیمی هند، در اصطلاح زرتشتیان و در اصطلاح ادیان شناخته شده‌ی دیگر، یک نام دیگر و عنوان دیگری دارد. همه قبول دارند که پایان جهان، یک پایان عدالت‌آمیز است.^۳

اصل امید به یک آینده‌ی روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت‌گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتفاق همه‌ی ادیانی است که در عالم سراغ داریم. غیر از حالا دین اسلام و مسیحیت و یهودیت، حتی ادیان هند، بودایی و ادیانی که نامی از آنها هم در ذهن اکثر مردم دنیا نیست، در تعلیمات خود یک چنین آینده‌ای را بشارت داده‌اند. این در واقع امید بخشیدن به همه‌ی انسانها در طول تاریخ است و پاسخگویی به نیاز انسانها به این امید، که حقیقتی هم با آن بیان شده است. ادیان الهی و آسمانی- که اغلب این ادیان ریشه‌های الهی و

۱. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۲. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر^{علیه السلام}، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۳. بیانات در جمع کثیری از مردم قم در خیابان چهار مردان، ۱۳۶۳/۲/۲۷.

آسمانی دارند - نخواستند امید واهی به مردم بدهند؛ آنها واقعیتی را بیان کردند. در خلقت بشر و تاریخ طولانی بشریت حقیقتی وجود دارد و آن حقیقت این است که این ستیزه‌ی میان حق و باطل، یک روز به سود حق و به زیان باطل پایان خواهد گرفت و از آن روز به بعد دنیای حقیقی بشر، زندگی مطلوب انسان، آغاز خواهد شد که در آنجا ستیزه‌گری منبوم مبارزه نیست، مبارزه برای تسابق در خیرات است.^۱

مهدویت در شمار چند مسئله‌ی اصلی معارف دینی

مطلب اول درباره‌ی این بخش عظیم اعتقادی ماست که عبارت است از انتظار ظهور ولی‌عصر و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه و منجی بشریت.^۲

مسئله‌ی مهدویت در شمار چند مسئله‌ی اصلی در چرخه و حلقه‌ی معارف عالییه دینی است؛ مثل مسئله‌ی نبوت مثلاً، اهمیت مسئله‌ی مهدویت را در این حد باید دانست. چرا؟ چون آن چیزی که مهدویت مبشر آن هست، همان چیزی است که همه‌ی انبیا، همه‌ی بعثت‌ها برای خاطر آن آمدند.^۳

مهدویت استمرار نبوت و وارث پیامبران

وجود مقدس حضرت بقیه الله (ارواح‌نافه) استمرار حرکت نبوت‌ها و دعوت‌های الهی است از اول تاریخ تا امروز؛ یعنی همان‌طور که در دعای ندبه می‌خوانید، از «فبعض اسکنته جنتک» - که حضرت آدم است - تا «الی ان انتهی الامر» - که رسیدن به خاتم‌الانبیا (صلی الله علیه و آله) هست - و بعد مسئله‌ی وصایت و اهل بیت آن بزرگوار، تا می‌رسد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه همه، یک سلسله‌ی متصل و مرتبط به هم در تاریخ بشر است. این، بدین معناست که آن حرکت عظیم نبوت‌ها، آن دعوت الهی به وسیله‌ی پیامبران، در هیچ نقطه‌ی متوقف نشده است. بشر به پیامبر و به دعوت الهی و به داعیان الهی احتیاج داشته است و این احتیاج تا امروز باقی است و هر چه زمان گذشته، بشر به تعالیم انبیا نزدیکتر شده است. امروز جامعه‌ی بشری با پیشرفت فکر و مدنیت و معرفت، بسیاری از تعالیم انبیا را - که ده‌ها قرن پیش از این، برای بشر قابل درک نبود - درک کرده است. همین مسئله‌ی عدالت، مسئله‌ی آزادی، مسئله‌ی کرامت انسان - این حرفهایی که امروز در دنیا رایج است

۱. دیدار افشار محسن مردم در روز نهمی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۲. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سنه‌روز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۳. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۱.

- حرفهای انبیاست. آن روز عامه‌ی مردم و افکار عمومی مردم این مفاهیم را درک نمی‌کردند. پی‌درپی آمدن پیغمبران و انتشار دعوت پیغمبران، این افکار را در ذهن مردم، در فطرت مردم، در دل مردم، نسل به نسل نهادینه کرده است. آن داعیان الهی، امروز سلسله‌ی شان قطع نشده است و وجود مقدس بقیه‌الله‌الاعظم (ارواح‌نفاذ) ادامه‌ی سلسله‌ی داعیان الهی است، که در زیارت آل یاسین می‌خوانید: «السَّلامُ عَلَیکَ یا دَاعِیَ اللَّهِ وَ رَبَّانِی آیَاتِهِ»؛ یعنی شما امروز همان دعوت ابراهیم، همان دعوت موسی، همان دعوت عیسی، همان دعوت همه‌ی پیغمبران و مصلحان الهی و دعوت پیامبر خاتم را در وجود حضرت بقیه‌الله مجسم می‌بینید. این بزرگوار، وارث همه‌ی آنهاست و دعوت و پرچم همه‌ی آنها را در دست دارد و دنیا را به همان معارفی که انبیا در طول زمان آورده‌اند و به بشر عرضه کرده‌اند، فرا می‌خواند. این، نکته‌ی مهمی است.^۱

مهدویت و نبوت با اهداف مشترک

آن چیزی که مهدویت مبشر آن هست، همان چیزی است که همه‌ی انبیا، همه‌ی بعثتها برای خاطر آن آمدند و آن ایجاد یک جهان توحیدی و ساخته و پرداخته‌ی بر اساس عدالت و با استفاده‌ی از همه‌ی ظرفیتهایی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده؛ یک چنین دورانی است دیگر، دوران ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه و عجل الله تعالی فرجه). دوران جامعه‌ی توحیدی است، دوران حاکمیت توحید است، دوران حاکمیت حقیقی معنویت و دین بر سراسر زندگی انسانهاست و دوران استقرار عدل به معنای کامل و جامع این کلمه است. خب، انبیا برای این آمدند...؛ لذاست که در همه‌ی ادیان الهی هم تقریباً - حالا تا آنجایی که ما اطلاع داریم - یک چیزی که لبّ و معنای حقیقی آن همان مهدویت است، وجود دارد، منتها به شکلهای تحریف شده، به شکلهای مبهم، بدون اینکه درست روشن باشد که چه می‌خواهند بگویند.^۲

هدف پیامبران، اقامه‌ی قسط است: «لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». اصلاً پیامبران آمدند تا اقامه‌ی قسط کنند. البته، اقامه‌ی قسط یک منزل در راه است و هدف نهایی نیست؛ لیکن آنها که آمدند، کار اولشان این است که اقامه‌ی قسط کنند و مردم را از شرّ ظلم و جور طاغیان و ظالمان نجات دهند.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۲. سخنان مقام معظم رهبری (دام‌ظله‌العالی) در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و مرکز تخصصی مهدویت، قم.

هدف حکومت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخرالزمان هم باز همین عدل است.^۱

مهدویت محور و جهت فعالیت انبیاء

امروز ذهنیت بشر، آماده‌ی آن است که بفهمد، بداند و یقین کند که انسان والایی خواهد آمد و بشریت را از زیر بارهای ظلم و ستم نجات خواهد داد؛ همان چیزی که همه‌ی پیغمبران برای آن تلاش کرده‌اند، همان چیزی که پیغمبر اسلام در آیه‌ی قرآن، وعده‌ی آن را به مردم داده است: «و یضع عنهم اصرهم و الاغلال الّتی کانت علیهم».^۲

همه‌ی پیغمبران آمده‌اند تا ما را به آن نقطه‌ای برسانند که زندگی بشر تازه شروع میشود. پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله اگر بخواهد انسانها را به مقتضای دین خاتم به اینجا برساند، باید چه کار کند؟ باید این تربیتی که او ارزانی انسانها کرده است، مستمر و طولانی باشد و چندین نسل را پی‌درپی شامل شود.^۳

تا شما ملت ایران، این اتحاد و آمادگی برای انجام کارهای بزرگ را دارید، همه‌ی آرزوهای انبیا و اولیا به دست شما قابل عمل است. آمال بزرگ آنان، استقرار عدل جهانی و نجات مستضعفان و نابودی ظلم در سطح عالم بود. البته وعده‌ی الهی حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیه الله (أرواحنا له الفداء) انجام خواهد گرفت.^۴

ما مکرر عرض کردیم که همه‌ی حرکتی که بشریت در سایه‌ی تعالیم انبیاء، در طول این قرون متمادی انجام دادند، حرکت به سمت جاده‌ی آسفالته‌ی عریضی است که در دوران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سمت اهداف والا کشیده شده است که بشر در آن جاده حرکت خواهد کرد. مثل اینکه یک جماعتی از انسانها در کوه و کمر و راه‌های دشوار و باتلاق‌زارها و خارستانها با راهنمایی‌های کسانی همین‌طور حرکت دارند میکنند تا خودشان را به آن جاده‌ی اصلی برسانند.^۵

۱. سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، در آستانه‌ی یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۶۸/۱۱/۹.

۲. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۸/۹/۳.

۳. بیانات در سالروز عید سعید غدیرخم، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴.

۴. سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونیهای شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و تعدادی از کارکنان و مسئولان وزارت نیرو و سازمانهای تابعه، ۱۳۶۸/۴/۸.

۵. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

مهدویت شرط فایده‌بخش بودن حرکت انبیاء

اگر مهدویت نباشد، معنایش این است که همه‌ی تلاش انبیا، همه‌ی این دعوتها، این بعثتها، این زحمات طاقت‌فرسا، اینها همه‌اش بی‌فایده باشد، بی‌اثر بماند.^۱

مهدویت وعده‌ی خداوند به مومنان و مستضعفان

مسئله‌ی امام زمان (عج) مسئله عجیبی است؛ وعده‌ای است که خدای متعال به مؤمنان و مستضعفین زمین داده است: «السلام علیک یا وعدالله الذی ضَمِنه». وعده کرده است خدای متعال که بساط ظلم و جور و تبعیض را در یک برهه‌ای از زمان از سراسر دنیا برچیند و گردنکشان و ستمگران و طاغوتها و حکام جائر و نظام‌های ظلم و عدوان را ریشه‌کن کند و سراسر روی زمین با حکومت عدل، با عدالت کامل، با برتری انسانهای صالح و با کنار گذاشتن انسانهای پلید و خبیث، مزین و منور کند، این وعده‌ی کوچکی نیست.^۲

گفتار دوم. مهدویت در اسلام

مهدویت از امور مسلم اسلام

مسئله‌ی مهدویت در اسلام هم جزو مسلمات است؛ یعنی مخصوص شیعه نیست. همه‌ی مذاهب اسلامی غایت جهان را که اقامه‌ی حکومت حق و عدل به وسیله‌ی مهدی علیه الصلوة و السلام و عجل الله فرجه است، قبول دارند. روایات معتبر از طرق مختلف، در مذاهب گوناگون، از پیغمبر اکرم (ص) و از بزرگان نقل شده است. بنابراین، هیچ تردیدی در آن نیست.^۳

همه‌ی مسلمانان، حقیقت مهدی موعود (عج) را از طریق روایات خدشه‌ناپذیری که از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اولیای دین رسیده است، قبول دارند.^۴

این عقیده که همه‌ی مسلمانان هم به آن معتقدند، مخصوص شیعه نیست. البته در خصوصیات و جزئیاتش، بعضی فرق، حرفهای دیگری دارند؛ اما اصل اینکه چنین دورانی پیش خواهد آمد و یک نفر از خاندان پیامبر چنین حرکت عظیم الهی را انجام خواهد داد و «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً

۱. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۷/۱/۱۲.

۳. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۴. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

کما ملئت جوراً و ظلماً»، بین مسلمانان متواتر است. همه، این را قبول دارند. خوب؛ این عقیده از آن عقاید بسیار کارگشاست.^۱

آینده از آن اسلام است

من تردیدی ندارم که آینده متعلق به اسلام است، آینده در قلمرو اسلام است و شما جوانها ان شاء الله به توفیق الهی آن روزی را که پرچم اسلام در همه‌ی این مناطق به اهتزاز دربیاید و یک مجموعه‌ی متحد اسلامی مقتدر و با عزت تشکیل بشود، خواهید دید.^۲

موضع‌گیری برخی وهابیون در قبال انکار مهدویت

مسئله‌ی مهدویت در اسلام، جزو واضحات است. من یادم نمی‌آید کسی از بزرگان و علمای اسلام- از شیعه و سنی -مسئله‌ی مهدویت را منکر شده باشد؛ پس این جزو واضحات اسلام است. این قدر از پیغمبر اکرم (ﷺ) احادیث مسلم و قطعی وجود دارد که جای بحث نیست. اخیراً کتابی دیدم که در عربستان منتشر شده است و بعضی از علمای سلفی و وهابی آن را نوشته‌اند. در این کتاب حتی دیدم بر کسانی که منکر مهدی (ﷺ) هستند، طعن شدیدی زده‌اند. روایات مهدی (ﷺ) را از پیغمبر و بزرگان صحابه نقل کرده‌اند و بر مخالفان این قضیه طعن زده‌اند.^۳

مهدویت در آیات ۱۷۱ تا ۱۷۳ سوره‌ی صافات

آیه‌ی کریمه‌ی قرآن می‌فرماید «ولقد سبقت کلماتنا لعبادنا المرسلین انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون»؛ این آیه اولاً ثابت میکند که در نهایت تاریخ بشریت دورانی وجود خواهد داشت که در آن دوران آرمان پیامبران و رسولان الهی محقق خواهد شد. ثانیاً ثابت میکند که رسیدن به آن دوران به کمک جندالله خواهد بود. سپاهیان پروردگار و جنود خدایی تاریخ را و بشریت را کمک خواهند کرد که به آن دوران برسد. ثالثاً با یک نگاه هوشیارانه نشان خواهد داد که انقلاب ما، انقلاب اسلامی ایران، ما را یک مرحله‌ی اساسی به ظهور حضرت مهدی صلوات الله و سلامه علیه وعجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک کرده است... این آیه ما را به

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (ﷺ)، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۲. بیانات در اجتماع مردم گیلان غرب، ۱۳۹۰/۷/۲۳.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دسته‌جمعی روزهای دوشنبه، ۱۳۷۵/۱۰/۳.

یک جامعه‌ی آرمانی نوید می‌دهد. «و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین» کلمه‌ی ما، سنت و قانون ما، حکم بی‌تخلّف ما، از پیش برای بندگان مرسلان صادر شده است؛ یعنی این یک قانون الهی است و در قرآن آمده است که «لَا مَبْدَلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ» کلمات خدا تغییر نمی‌پذیرد. کلمه به هر معنایی که در قرآن گرفته بشود، از جمله‌ی مصداقها و نمونه‌هایش قوانین و سنن لایتخلّف تاریخ است این یک سنت است، یک قانون است، یک روال طبیعی برای جریان تاریخ انسان است که دنیای آمیخته‌ی به ظلم و نامردمی، و دنیایی که در آن بدی و زشتی و نابسامانی و ناهنجاری و کجی و کمی و کاستی هست، همین دنیا دارد می‌رود به طرف یک مقصد و یک عاقبتی که در آن عاقبت نه کمی و کاستی هست، نه ناهنجاری و ناصافی هست، نه ظلم و ستم هست، نه فقر هست، نه جهل هست، دنیایی که در آن انسان میتواند به راستی انسان زندگی کند و نه حیوان درنده و وحشی و گزنده‌ای «سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین» این یک قانونی است که در آفرینش مسجّل شده است و تغییرپذیر نیست.

این عاقبت چگونه عاقبتی است؟ دنباله‌ی آیه بیان میکند. «انهم لهم المنصورون و انّ جندنا لهم الغالبون» آن قانون این است که در نهایت پیامبران پیروز خواهند شد. این سلسله‌ای که در تاریخ همه‌ی ما می‌شناسیم به نام سلسله‌ی نبوتها، و آدمهای کوتاه فکر خیال میکنند که نبی، رسولان و انبیا الهی در دنیا ناکام شده‌اند، نه، این سلسله پیوسته و قدم به قدم رو به تکامل بوده است و همین سلسله است که بالاخره به پیروزی کامل خواهد رسید. «وانّ جندنا لهم الغالبون» سپاهیان ما، جند ما، جنودالله، آنها هستند که غلبه خواهند کرد بر نیروهای مخالف و مخاصم با خودشان.

مقداری درباره انبیا بیاندیشیم. انبیا چه میگفتند و چه میخواستند تا ببینیم که آن عاقبتی که قرآن از آن خبر میدهد، آن عاقبت چگونه است. انبیا دعوت به خیر و صلاح میکردند. در قرآن وقتی شما مطالعه کنید درسوره‌های متعدّدی از قرآن صحبت از نوح علیه السلام و هود علیه السلام و لوط علیه السلام و پیغمبران بسیار باستانی و موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام و پیامبر خود ما وقتی میشود، می‌بینیم که اولین دعوت پیغمبران دعوت به رستگاری انسان بوده است. پیغمبران میخواستند تا انسان رستگار بشود، رستگار شدن یعنی رها شدن، یعنی این غل و زنجیرهایی که بر دست و

پا و گردن انسان گذاشته شده است، این غلها و زنجیرها باز بشود، انسان آزادانه با شتاب معقول و طبیعی خودش بتواند رشد کند و وسیله‌ی این رستگاری از نظر قرآن و از نظر پیامبران خدا، توحید و اعتقاد به وحدانیت خداست.^۱

مهدویت در آیه‌ی ۲۵ سوره‌ی حدید

اگر این آیه‌ی قرآن که درباره‌ی بعثت پیامبران میفرماید «لیقوم الناس بالقسط»؛ یعنی پیغمبران مبعوث شده‌اند تا قسط و عدل در جامعه‌ی بشری استوار بشود، اشاره به هدف بعثت میکند پس حکومت مهدی علیه السلام و جامعه‌ی مهدوی همان جامعه‌ای است که این هدف را به طور کامل تأمین میکند.^۲

مهدویت عامل جنبشهای اسلامی و شیعی

این امیدی که در دل یک انسان به وجود می‌آید، به برکت ایمان و اعتقاد و یقین به وجود منجی و به حضور منجی، خیلی دارای ارزش و قیمت است. یقیناً مایه‌ی حرکتهای بزرگ در جوامع اسلامی و در جوامع شیعی است.^۳

مهدویت در آفریقا

کشورهای شمال آفریقا، گرایش بسیاری به اهل بیت علیهم السلام دارند. مذهبشان هر مذهبی از مذاهب اسلامی که هست باشد؛ اما محبّ اهل بیتند. در کشورهای سودان و مغرب و غیره عقیده‌ی به مهدویت خیلی پررنگ است.^۴

گفتار سوّم. مهدویت در تشیع

مشخص بودن مهدی موعود علیه السلام در شیعه (مهدی شخصی)

همه‌ی مسلمانان، حقیقت مهدی موعود علیه السلام را از طریق روایات خدشه‌ناپذیری که از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اولیای دین رسیده است، قبول دارند؛ اما این حقیقت در هیچ جای جهان

۱. بیانات تحت عنوان انقلاب اسلامی ایران در تداوم ظهور حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۶۰/۳/۲۷.

۲. در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۲۵۰.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم السلام در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۷۲/۱۱/۸.

۴. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

اسلام، مثل محیط زندگی ملت عزیز ما و شیعیان، این برجستگی و این چهره‌ی درخشان و این روح پُرتپش و پُرامید را ندارد؛ این به خاطر آن است که ما به برکت روایات متواتره خودمان، شخص مهدی موعود^ع را با خصوصیاتش می‌شناسیم. مردم ما ولی‌الله اعظم و جانشین خدا در زمین و بقیه‌ی اهل بیت پیامبر^ص را با نام و خصوصیات می‌شناسند؛ از لحاظ عاطفی و فکری با او ارتباط برقرار میکنند؛ به او می‌گویند؛ به او شکوه می‌برند؛ از او می‌خواهند و آن دوران آرمانی دوران حاکمیت ارزشهای والای الهی بر زندگی بشر را انتظار می‌برند.^۱

خصوصیت اعتقاد شیعه در این مسئله، این است که یک موضوع کلی را با همه‌ی خصوصیاتش، با معرفی کامل شخص می‌شناسد، در ابهام نیست.^۲

فقط مردم شیعه نیستند که منتظر مهدی موعود (سلام‌الله‌علیه) هستند، بلکه انتظار منجی و مهدی^ع متعلق به همه‌ی مسلمانهاست. فرق شیعه با دیگران این است که شیعیان آن منجی را با نام و نشان، با خصوصیات گوناگون می‌شناسند؛ اما دیگر مسلمانان که به منجی هم معتقدند، منجی را نمی‌شناسند؛ تفاوت، اینجا است؛ والا اصل مهدویت مورد اتفاق همه‌ی مسلمانهاست.^۳

همه‌ی مذاهب اسلامی غایت جهان را که اقامه‌ی حکومت حق و عدل به وسیله‌ی مهدی (علیه الصلاة والسلام و عجل الله فرجه) است، قبول دارند. روایات معتبر از طرق مختلف، در مذاهب گوناگون، از پیغمبر اکرم^ص و از بزرگان نقل شده است؛ بنابراین، هیچ تردیدی در آن نیست. منتها امتیاز شیعه در این است که مسئله‌ی مهدویت در آن یک مسئله‌ی مبهم نیست؛ یک مسئله‌ی پیچیده‌ای که برای بشر قابل فهم نباشد، نیست؛ یک مسئله‌ی روشن است، مصداق واضحی دارد که این مصداق را می‌شناسیم، خصوصیات او را می‌دانیم، پدران او را می‌شناسیم، خانواده‌ی او را می‌شناسیم، ولادت او را می‌شناسیم، جزئیات آن را خبر داریم. در این معرفی هم باز روایات شیعه، تنهایی در صحنه نیستند؛ حتی روایاتی از غیر طریق شیعه هم وجود دارد که

۱. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی^ع، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۲. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۷/۹/۱۵.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

همین معرفی را برای ما روشن میکند و باید کسانی که مال مذاهب دیگر هستند، توجه کنند و دقت کنند تا این حقیقت روشن را دریابند.^۱

حضرت حجة بن الحسن علیه الصلاة والسلام با آن خصوصیتی که در روایات و احادیث اسلام چه قبل از ولادت و چه پس از ولادت پر برکتش برای آن حضرت معین شده همان مهدی موعودی است که مسلمین از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده‌اند.^۲

امام زمان ﷺ، امام موجود و زنده

انتظار یک موجود حی و حاضر؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است. اینجور نیست که بگویند کسی متولد خواهد شد، کسی به وجود خواهد آمد؛ نه، کسی است که هست، وجود دارد، حضور دارد، در بین مردم است. در روایت دارد که مردم او را می‌بینند، همچنانی که او مردم را می‌بیند، منتها می‌شناسند. در بعضی از روایات تشبیه شده است به حضرت یوسف که برادران او را میدیدند، بین آنها بود، در کنار آنها بود، روی فرش آنها راه میرفت، ولی نمی‌شناختند. یک چنین حقیقت بارز، واضح و برانگیزاننده‌ای؛ این کمک میکند به معنای انتظار.^۳

خصوصیت اعتقاد ما شیعیان این است که این حقیقت را در مذهب تشیع از شکل یک آرزو، از شکل یک امر ذهنی محض، به صورت یک واقعیت موجود تبدیل کرده است. حقیقت این است که شیعیان وقتی منتظر مهدی موعودند، منتظر آن دست نجات‌بخش هستند و در عالم ذهنیات غوطه نمی‌خورند؛ یک واقعیتی را جستجو میکنند که این واقعیت وجود دارد. حجت خدا در بین مردم زنده است؛ موجود است؛ با مردم زندگی میکنند؛ مردم را می‌بیند؛ با آنهاست؛ دردهای آنها، آلام آنها را حس میکند. انسانها هم، آنهایی که سعادتمند باشند، ظرفیت داشته باشند، در مواقعی به طور ناشناس او را زیارت میکنند. او وجود دارد؛ یک انسان واقعی، مشخص، با نام معین، با پدر و مادر مشخص و در میان مردم است و با آنها زندگی میکند. این، خصوصیت عقیده‌ی ما شیعیان است.^۴

۱. بیانات در جمع اساتید و فارغ‌التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۲. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۴۹.

۳. بیانات در جمع اساتید و فارغ‌التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۴. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

شناخت کیفیت غیبت و ظهور امام زمان (عج)

ما علاوه بر اعتقاد به اصل وجود مهدی (عج) و اینکه کسی خواهد آمد و دنیا را از عدل و داد پر خواهد کرد، شخص مهدی (عج) را هم می‌شناسیم و نام و کنیه و پدر و مادر و تاریخ ولادت و کیفیات غیبت و اصحاب نزدیک و حتی بعضی از کیفیات هنگام ظهور او را نیز میدانیم. اگرچه آن شخصیت درخشان و خورشید تابان را در بیرون و محیط زندگی خود نمی‌بینیم و او را تطبیق نمی‌کنیم، اما معرفت به حال او داریم.^۱

مشخص بودن تاریخ ولادت و والدین امام زمان (عج)

ما، ولی و سید خود را، سرور و سالار عالمیان را که امام ما است، می‌شناسیم. پدر، مادر، تاریخ تولد و قضایای ولادت مبارک او را میدانیم. کسانی این قضایا را با خبرهای صادق و موثق نقل کرده‌اند، همه‌ی اینها برای ما روشن است؛ لذا ما میدانیم که عشق ما، دل ما و ایمان ما، متوجه و متعلق به کیست.^۲

فرقی که ما شیعه‌ها، با دیگران و بقیه‌ی فرق اسلامی و غیر اسلامی داریم، این است که ما این شخص عظیم و عزیز را می‌شناسیم؛ اسمش را میدانیم؛ تاریخ ولادتش را میدانیم؛ پدر و مادر عزیزش را می‌شناسیم.^۳

طولانی بودن عمر امام زمان (عج)

فرزند مبارک پاک‌نهاد امام حسن عسکری (علیه الصّلاة و السّلام)، تاریخ ولادتش معلوم است، مرتب‌تینش معلومند، معجزاتش مشخص است و خدا به او عمر طولانی داده است و میدهد.^۴

برکات مشخص بودن مهدی موعود (عج) در شیعه

ارتباط قلبی یکایک مردم مؤمن با مقام ولایت عظمی و ولی‌الله اعظم، یکی از برکاتی است که از

۱. سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارکنان وزارتخانه‌های بازرگانی، کشاورزی، اطلاعات... و جمعی از خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان، در خجسته‌سالروز ولادت امام زمان (عج)، ۱۳۸۷/۱۲/۲۲.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۷۷/۹/۱۴.

۳. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۴. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

مشخص بودن مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عقیده‌ی مردم ما ناشی میشود.^۱ ما این شخص عظیم و عزیز را می‌شناسیم... به همین دلیل است که توسلات شیعه، زنده‌تر، پرشورتر، با معناتر و با جهت‌تر است.^۲

این حقیقت (مهدویت)، در هیچ جای جهان اسلام، مثل محیط زندگی ملت عزیز ما و شیعیان، این برجستگی و این چهره‌ی درخشان و این روح پرتپش و پرامید را ندارد. این به خاطر آن است که ما، به برکت روایات متواتره‌ی خودمان، شخص مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را با خصوصیاتش می‌شناسیم.^۳

گفتار چهارم. مهدویت و شناخت تکلیف

مهدویت معیاری برای شناخت وظیفه

وظایفی بر عهده‌ی ماست؛ هم ما به عنوان دولت و حکومت، هم ما به عنوان یک فرد مسلمان. اما این وظایف یک مبنای فکری دارد. خصوصیت تفکر اسلامی و مکتب اسلامی و دینی این است. اگر از این بحث میکنیم که باید آزادی باشد، یا انتخاب و اختیار در جامعه برای مردم وجود داشته باشد، یا هر یک از سیاستهای عمومی و کلی را مورد بحث قرار می‌دهیم، برای هر کدام از اینها مبنایی وجود دارد. اگر از ما بپرسند چرا مردم باید حق رأی داشته باشند، یک استدلال فکری و منطقی پشت سرش وجود دارد؛ معلوم است چرا. همه‌ی آنچه که در زمینه‌ی برنامه‌ریزیها، خطوط اصلی برنامه‌ها را تشکیل میدهد، یک سر این برنامه‌های اصلی وصل است به آبشخور اندیشه‌ی اسلامی، جهان‌بینی اسلامی، تلقی و برداشت اسلامی؛ که این ایمان ماست، اعتقاد ماست، دین ماست؛ براساس آن برداشت و آن تلقی است که وظایف خودمان را مشخص میکنیم و می‌خواهیم به آنها عمل کنیم. آن مبنای فکری چیست؟ به طور کوتاه و خلاصه از اینجا باید شروع کنیم و ببینیم که آن خطوط اصلی تلقی و بینش اسلام از کائنات، از عالم و از انسان چیست؛ البته این مخصوص اسلام هم نیست. همه‌ی ادیان اگر تحریف نشده باشند، در مبنای صحیح و ریشه‌ی اصلی خودشان همین بینش را دارند. اسلام سالم و دست نخورده و متکی به منابع متقن، در اختیار ماست. بقیه‌ی ادیان

۱. سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارکنان وزارتخانه‌های بازرگانی، کشاورزی، اطلاعات... و جمعی از خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان، در خجسته سالروز ولادت امام زمان (عج)، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۲. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۳. سخنرانی در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۵۹/۴/۶.

ممکن است این خصوصیات را نداشته باشند.

آن مجموعه‌ی معارفی که خطوط اصلی عملکرد و وظایف ما از آنها به‌دست می‌آید یعنی جهان‌بینی و بینش اسلامی فصول متعددی دارد؛ همه هم در عمل و اقدام فرد و دولت دارای تأثیر است؛ که من پنج نقطه‌ی مؤثرتر و مهم‌تر را انتخاب کرده‌ام و عرض می‌کنم:

از این پنج نقطه، یکی توحید است...

رکن دوم، تکریم انسان است...

سومین نقطه‌ی اصلی و اساسی در جهان‌بینی اسلامی، مسئله‌ی تداوم حیات بعد از مرگ است... چهارمین نقطه‌ی اصلی این جهان‌بینی، عبارت است از استعداد بی‌پایان انسان در دارا بودن تمام چیزهایی که برای تعالی کامل انسان لازم است...

آخرین نقطه‌ای که در این زمینه از بینش اسلامی عرض می‌کنم، این است که از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این بروبرگرد هم ندارد. همان‌طور که یکبار به اشاره گفتم و الآن هم جز به اشاره نمی‌توانم بگویم، چون مجال تفصیل نیست. همه‌ی انبیاء و اولیاء آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگ‌راه اصلی‌ای سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ‌گونه مانعی تمام استعدادهایش می‌تواند بروز کند. انبیاء و اولیاء این مردم گمگشته را مرتب از این کوه و کمر و دشتها و کویرها و جنگلها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه‌ی شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولی‌عصر ارواحنا فداه محقق خواهد شد؛ لیکن همه‌ی این تلاشها اصلاً براساس این بینش است که نهایت این عالم، نهایت غلبه‌ی صلاح است؛ ممکن است زودتر بشود، ممکن است دیرتر بشود؛ اما بروبرگرد ندارد. قطعاً این‌طوری است که در نهایت، صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ قوای خیر بر قوای شر غلبه می‌کنند. این هم یک نقطه از نقاط جهان‌بینی اسلامی است که در آن هیچ‌گونه تردیدی نیست.

حال براساس اینها یک نتایج عملی به‌دست می‌آید و وظایفی بر عهده‌ی انسانهایی که معتقد به این مبانی‌اند، قرار می‌گیرد. فرق نمی‌کند؛ چه حکومت اسلامی باشد و حاکمیت و قدرت در دست اهل حق باشد، چه حکومت اسلامی نباشد. فرض کنید مثل دوران حکومت طاغوت باشد، یا انسانی باشد

که در بین کفار زندگی میکند، این وظایفی که عرض میکنم، در هر دو حالت بر دوش یکایک انسانها هست.

این وظایف چیست که اینها نتایج عملی آن بینش است؟ من چند نقطه از این وظایف را یادداشت کرده‌ام که در اینجا مطرح میکنم:

یک وظیفه عبارت است از عبودیت و اطاعت خداوند...

دوم، هدف گرفتن تعالی انسان است...

سوم، ترجیح فلاح و رستگاری اخروی بر سود دنیوی، اگر باهم تعارض پیدا کردند...

چهارم، اصل مجاهدت و تلاش و مبارزه است...

پنجمی و آخری، امید به پیروزی در همه‌ی شرایط است؛ به شرط آنکه جهاد فی سبیل‌الله باشد. کسی که مشغول مجاهدت است، حق ندارد ناامید شود...

اینها وظایف یک انسان به عنوان یک فرد و وظایف یک مجموعه به عنوان حکومت است. عرض کردم، اینها مخصوص دوران قدرت نیست که چون امروز حکومت در دست مجموعه‌ی مؤمنین بالله و مؤمنین به اسلام است، ما این وظایف را داریم. آن وقتی هم که قدرت در دست این مجموعه نبود، در دست دشمنانشان بود، در دست طاغوت بود، در دست مفسدین فی‌الأرض بود، همه‌ی این وظایف وجود داشت. بعضی عمل میکردند، بعضی عمل نمیکردند؛ بعضی بیشتر عمل میکردند، بعضی کمتر عمل میکردند. این وظایف الآن هم بر عهده‌ی همه‌ی مسلمانهاست؛ البته بعضی وظایفشان بیشتر است، بعضی کمتر است. وظیفه‌ی اصلی همه‌ی انبیاء و ائمه و اولیاء این بوده است که مردم را به همین وظایف آشنا کنند؛ چه در دورانی که می‌توانستند قدرت را کسب کنند، بگویند بروید مجاهدت کنید و قدرت را به دست آورید و این‌گونه اداره کنید چه آن وقتی که نمی‌شد قدرت را به دست بیاورند. همه هم تلاش و مبارزه کرده‌اند؛ «و کأین من نبی قاتل معه ربيون كثير». جنگ و مبارزه‌ی سیاسی و معارضه‌ی با دشمنان، چیزی نیست که اول بار در اسلام آمده باشد؛ نه. در زمان پیغمبران گذشته انبیای بزرگ الهی، از زمان ابراهیم عليه السلام به این طرف هم بوده است. شاید قبل از ابراهیم هم بوده که من اطلاعی ندارم؛ بنابراین، این وظایف، وظایفی است که انبیاء ما را به آن سمت میکشاند. البته در حکومت حق، در آنجایی که قدرت در دست بندگان

خدا، مؤمنین بالله و مؤمنین به سبیل الله قرار دارد، این وظیفه سنگین تر است. چرا؟ چون توانایی شما به عنوان جزیی از مجموعه‌ی حکومت دولت، با توانایی فردی مثل شما در بهترین حالات حکومت طاغوت قابل مقایسه نیست. فرض کنیم در حکومت طاغوت، آن اختناق و آن شدتها و آن گمراهی‌ها و آن اضلال وسایل ارتباط جمعی و... وجود نداشته باشد؛ امکانات بدهند و معارضه‌ی آنچنانی هم نکنند؛ از قدرتشان علیه شما هم استفاده نکنند. وضع کنونی یعنی وضع وجود یک قدرت اسلامی شاید هزار مرتبه از بهترین حالاتی که در حکومت طاغوت ممکن است یک فرد برای ترویج و پیگیری و تحقق آرمانهای الهی داشته باشد، بهتر باشد. پس بایستی این را قدر دانست.^۱

مهدویت نقشه‌ی راه جهانی

جامعه مهدوی، یعنی آن دنیایی که امام زمان عج می آید تا آن دنیا را بسازد، همان جامعه‌ای است که همه پیامبران برای تأمین آن در عالم ظهور کردند. یعنی همه پیغمبران مقدمه بودند تا آن جامعه ایده آل انسانی که بالاخره بوسیله ولی عصر عج و مهدی موعود عج در این عالم پدید خواهد آمد و پایه گذاری خواهد شد، بوجود بیاید. مانند يك بنای مرتفعی که کسی می آید زمین آن را تسطیح می کند و خار و خاشاک را از آن می کند، کس دیگری پس از او می آید و زمین را برای پایه‌ریزی (آماده) می کند و گود می کند و کس دیگری پس از او می آید تا پایه ها را شالوده ریزی کند و بلند کند و کس دیگری پس از او می آید تا دیوارها را بچیند و یکی پس از دیگری مأموران و مسئولان می آیند تا این کاخ مرتفع، این بنیان رفیع به تدریج در طول زمان ساخته و پرداخته بشود. انبیاء الهی از آغاز تاریخ بشریت یکی پس از دیگری آمدند تا جامعه را و بشریت را قدم به قدم به آن جامعه آرمانی و آن هدف نهائی نزدیک کنند.^۲

در هدف‌گیری و نشانه‌گرفتن برای دورخیزهای تاریخی، باز مسئله‌ی مهدویت نقش دارد.^۳

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۲. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۳. دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۸۲/۲/۲۰.



بخش سوّم. آثار و برکات مهدویت



مطلب اول. اطمینان و قوت قلب

ملت‌ها حرکت نمیکنند؛ چون احساس ضعف میکنند. ملت فلسطین ده‌ها سال ساکت و آرام نشسته بود؛ چون احساس میکرد نمیتواند. آن روزی که فکر توانستن در ملت فلسطین به وجود آمد، قیام کرد و با این قیام، این همه موفقیت را به دست آورده است. رنج میبرد؛ اما دارد پیش میرود. فرق است بین ملتی که حرکتی نمیکند، سیلی هم نمیخورد؛ اما روزبه‌روز عقب می‌نشیند؛ روزبه‌روز بدبخت‌تر و زیردست‌تر میشود، دلش هم خوش است که من سیلی نمیخورم، با آن ملتی که سختی راه را تحمل میکند، پایش به سنگ می‌خورد، خونی هم میشود؛ اما در راه به سمت موفقیت، به سمت سرمنزل سعادت، به سمت عزت، پیش میرود. ملت فلسطین امید پیدا کرد، حالا حرکت میکند و جلو میرود و این حرکت به جلو تا هر وقت که وجود داشته باشد، باعث میشود که درهای فرج به روی آنها باز باشد؛ و راه قطعه قطعه طی خواهد شد تا ان شاء الله به هدف نهایی‌شان برسند. احساس ضعف برای یک ملت، خیلی احساس خطرناک و سم مهلکی است. یکی از برکات اعتقاد به مهدویت این است که انسان احساس اطمینان میکند؛ احساس قوت قلب میکند؛ احساس قدرت میکند.^۱

مطلب دوم. امیدزایی در فرد

رابطه قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان علیه السلام امید و انتظار را به طور دائم در دل آنها زنده نگه میدارد و این خود، یکی از پربرکت‌ترین حالات انسانی است.^۲

اعتقاد به مهدویت، به وجود مقدس مهدی موعود - ارواحنا فداه - امید را در دلها زنده میکند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمیشود؛ چرا؟ چون میداند یک پایان روشن حتمی وجود دارد... سعی میکند که خودش را به آن برساند.^۳

دو نقطه‌ی برجسته‌ای که در انتظار ما و جشن‌گیری ما برای نیمه‌ی شعبان وجود دارد، یکی مسئله‌ی امیدزایی است که نوید این ولادت و آینده‌ای که بر اثر این ولادت، دنیای بشر در انتظار آن است.^۴

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۸۴/۶/۲۹.

۲. دیدار مردم با رهبر انقلاب در سالروز ولادت امام زمان علیه السلام، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۴. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت و در آستانه‌ی نیمه‌ی شعبان،

مطلب سوم. امیدوار اجتماعی

در قضیه‌ی ولادت آن بزرگوار و اعتقادی که به این حقیقت است، اگر انسان در دو ناحیه و در دو جهت جستجو کند، آثار عظیمی را مشاهده میکند...

جهت و وجهی دوم عبارت است از میدان زندگی اجتماعی و عمومی و آنچه مربوط به سرنوشت بشر و ملت‌هاست. در این زمینه، اعتقاد به قضیه‌ی مهدی علیه السلام و موضوع ظهور و فرج و انتظار، گنجینه‌ی عظیمی است که ملت‌ها میتوانند از آن بهره‌های فراوانی ببرند. شما کشتی‌ای را در یک دریای توفانی فرض کنید! اگر کسانی که در این کشتی هستند، عقیده داشته باشند که اطرافشان تا هزار فرسنگ، هیچ ساحلی وجود ندارد و آب و نان و وسایل حرکت اندکی داشته باشند، چه کار میکنند؟ آیا هیچ تصور میشود که اینها برای آنکه حرکت کنند و کشتی را پیش ببرند، تلاشی بکنند؟ نه؛ چون به نظر خودشان، مرگشان حتمی است. وقتی انسان مرگش حتمی است، دیگر چه حرکت و تلاشی باید بکند؟ امید و افقی وجود ندارد.

یکی از کارهایی که میتوانند انجام دهند، این است که در این مجموعه‌ی کوچک، هرکس به کار خودش سرگرم شود. آن کسی که اهل آرام مردن است، بخوابد تا بمیرد و آنکه اهل تجاوز به دیگران است، حق دیگران را بگیرد تا آنکه چند ساعتی بیشتر زنده بماند. طور دیگر هم این است که کسانی که در همین کشتی هستند، یقین داشته باشند و بدانند که در نزدیکی‌شان ساحلی وجود دارد. اینکه آن ساحل دور و یا نزدیک است و چقدر کار دارند تا به آن برسند، معلوم نیست؛ اما قطعاً ساحلی که در دسترس آنهاست، وجود دارد. این افراد چه کار میکنند؟ تلاش میکنند که خود را به آن ساحل برسانند و اگر یک ساعت هم به آنها وقت داده شود، از آن یک ساعت برای حرکت و تلاش صحیح و جهت‌دار، استفاده خواهند برد و فکرشان را روی هم خواهند ریخت و تلاششان را یکی خواهند کرد تا شاید بتوانند خود را به آن ساحل برسانند.

امید، چنین نقشی دارد. همین‌قدر که امیدی در دل انسان به وجود آمد، مرگ بالهای خود را جمع میکند و کنار می‌رود. امید موجب میشود انسان تلاش و حرکت کند، پیش ببرد، مبارزه کند و زنده بماند. فرض کنید ملتی در زیر سلطه‌ی ظالمانه‌ی قدرت مسلطی قرار دارد و هیچ امیدی هم ندارد. این ملت مجبور است تسلیم شود. اگر تسلیم نشد، کارهای کور و بی‌جهتی انجام میدهد. اما اگر این ملت و جماعت، امیدی در دلشان باشد و بدانند که عاقبت خوبی حتماً وجود دارد، چه میکنند؟

طبیعی است که مبارزه خواهند کرد و مبارزه را نظم خواهند داد و اگر مانعی در راه مبارزه وجود داشته باشد، آن را برطرف خواهند کرد.

بشریت در طول تاریخ و در حیات اجتماعی، مثل همان سرنشینان یک کشتی توفان‌زده، همیشه گرفتار مشکلاتی از سوی قدرتمندان و ستمگران و قوی‌دستان و مسلطین بر امور انسانهای مظلوم بوده است. امید، موجب میشود که انسان به مبارزه بپردازد و راه را باز کند و پیش برود. وقتی به شما میگویند انتظار بکشید، یعنی این وضعیتی که امروز رنجتان میدهد و دلتان را به درد می‌آورد، ابدی نیست و تمام خواهد شد. ببینید چقدر انسان حیات و نشاط پیدا میکند! این، نقش اعتقاد به امام زمان صلوات الله علیه و ارواحنا فداه است. این، نقش اعتقاد به مهدی موعود^ع است. این عقیده است که شیعه را تا امروز، از آن همه پیچ‌وخمهای عجیب و غریبی که در سر راهش قرار داده بودند، عبور داده است و امروز بحمد الله پرچم عزت و سربلندی اسلام و قرآن، در دست شما ملت مسلمان و شیعه‌ی ایران است. هر جا که چنین اعتقادی باشد، همین امید و مبارزه وجود دارد... ملتی که به خدا معتقد و مؤمن و متکی است و به آینده امیدوار است و با پرده‌نشینان غیب در ارتباط است؛ ملتی که در دلش خورشید امید به آینده و زندگی و لطف و مدد الهی میدرخشد، هرگز تسلیم و مرعوب نمیشود و با این حرفها، از میدان خارج نمیگردد. این، خصوصیت اعتقاد به آن معنویت مهدی علیه آلائه التحیه و الثناء است. عقیده به امام زمان^ع هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، چنین تأثیر عظیمی دارد. این را باید قدر دانست.^۱

خود این عقیده (مهدویت) نیز آثار و خصوصیات دارد که این خصوصیات برای همه‌ی ملتها و برای ملت مسلمان ما، حیات بخش است و عمده این خصوصیات و آثار هم، عبارت است از امید به آینده. امروز هر فرد شیعه، میداند که در یک آینده‌ای - آن آینده، ممکن است خیلی نزدیک باشد، ممکن است دوردست باشد، به هر حال قطعی است - این بساط ظلم و بی‌عدالتی و زورگویی، که امروز در دنیا هست، برچیده خواهد شد. میداند که این وضعی که مستکبران در دنیا به وجود آورده‌اند - که هر کسی حرف حقی بزند و راه حقی را دنبال کند، از طرف آنها مورد فشار قرار میگیرد و اراده‌ی فاسد خودشان را بر ملت‌ها تحمیل میکنند - یک روزی از بین خواهد رفت و گردن‌کشان، طاغیان، یاغیان و قدرت‌های زورگوی عالم، ناگزیر خواهند شد که در مقابل حق، تسلیم

۱. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر^ع، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

بشوند یا از سر راه حرکت حق، برداشته بشوند هر فرد مسلمان - به خصوص هر فرد شیعه - این را میداند و به آن یقین دارد. این خیلی امیدبخش است. این موجب میشود که هر انسان خیرخواه و مصلح و علاقه‌مند به صلاح، کار و تلاش و مجاهدت خود را در راه صلاح، با امید به آینده انجام بدهد. ببینید این عقیده چقدر ارزش‌مند، دارای تأثیر و حیات‌بخش است.^۱

چند خصوصیت در این عقیده‌ی مهدویت هست، که این خصوصیات برای هر ملّتی، در حکم خون در کالبد و در حکم روح در جسم است. یکی، امید است.^۲

مجموعه‌ی بزرگی از نخبگان که سرشته‌ی کار در دنیا در دست آنهاست، اسیر یأس و ناامیدی‌اند و این یأس و ناامیدی را به ملّتهای خود سرریز میکنند و آنها را از اینکه بتوان نقشه‌ی ظالمانه و شیطانی امروز دنیا را عوض کرد، مأیوس میکنند. بدیهی است که انسانهای مأیوس نمیتوانند هیچ حرکتی در راه اصلاح انجام دهند. آن چیزی که انسانها را وادار به کار و حرکت میکند، نور و نیروی امید است. اعتقاد به مهدی موعود علیه السلام دلها را سرشار از نور امید میکند. برای ما که معتقد به آینده حتمی ظهور مهدی موعود علیه‌السلام هستیم، این یأسی که گریبان‌گیر بسیاری از نخبگان دنیاست، بی‌معناست. ما می‌گوییم خیر، میشود نقشه‌ی سیاسی دنیا را عوض کرد؛ میشود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه فقط این معنا امکان‌پذیر است، بلکه حتمی است. وقتی ملّتی معتقد است نقشه‌ی ظالمانه و شیطانی امروز در کلّ عالم قابل تغییر است، آن ملّت شجاعت می‌یابد و احساس میکند دست تقدیر، تسلّط ستمگران را برای همیشه به طور مسلم ننوشته است.^۳

شرط اول یک مبارزه امید است و مسئله‌ی وجود یک دنیای آنچنانی و یک دوره‌ی عدل همگانی، بزرگترین امید برای انسانهایی است که به این مسئله معتقدند؛ لذا اعتقاد به وجود امام زمان علیه السلام و اعتقاد به اینکه یک روز امام زمان علیه السلام ظهور خواهد کرد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد یک وسیله‌ی حرکت، یک عامل عمده‌ی نشاط و نیروی همه ملّتهایی است که به این مسئله عقیده دارند.^۴

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۷/۹/۱۵.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰.

۴. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۷/۱/۱۲.

مطلب چهارم. تقویت اراده

نفس وجود این پشتمانه‌ی عظیم (مهدویت)، هر انسانی را چنان مستحکم میکند که میتواند در همه‌ی میدانهای دشوار وارد شود. اساس قضایای دنیا هم همین است. در هر جایی که شما می‌بینید ملت، جمعیتی، جبهه‌ای پیروز شده، اساسش همان استحکام درونی است. ظواهر، جسم، سلاح... همه، ابزار و وسیله‌اند، مهم این است که آن کسی که باید این ابزار را به کار ببرد، کیست. اگر او یک انسان با اراده، مصمم، آگاه، با روحیه باشد، پیروز میشود.^۱

مطلب پنجم. تکامل دهنده روح

اول، از جهت معنوی و روحی و تقرب الی الله و جهات تکامل فردی انسان است. کسی که اعتقاد به این مسئله دارد، چون با مرکز تفضلات الهی و نقطه‌ی اصلی و کانون اشعاع رحمت حق، رابطه‌ای روحی برقرار میکند، توفیق بیشتری برای برخورداری از وسایل عروج روحی و تقرب الی الله دارد. به همین خاطر است که اهل معنا و باطن، در توسلات معنوی خود، این بزرگوار را مورد توجه و نظر دائمی قرار میدهند و به آن حضرت توسل میجویند و توجه میکنند. نفس پیوند قلبی و تذکر و توجه روحی به آن مظهر رحمت و قدرت و عدل حق تعالی، انسان را عروج و رشد میدهد و وسیله‌ی پیشرفت انسان را- روحاً و معنأ- فراهم میکند.

این، یک میدان وسیع است. هرکس که در باطن و قلب و دل و جان خود، با این بزرگوار مرتبط باشد، بهره‌ی خودش را خواهد برد. البته، توجه به کانون نور، باید توجه حقیقی باشد. لقلقه‌ی زبان در این زمینه، تأثیر چندانی ندارد. اگر انسان، روحاً متوجه و متوسل شد و معرفت کافی برای خود به وجود آورد، بهره‌ی خودش را خواهد برد. این، یک میدان فردی و تکامل شخصی و معنوی است.^۲

مطلب ششم. عامل خودباور

امام مهدی (علیه الصلاة والسلام و ارواحنا فداه) ذخیره‌ی امید بشریت است. اگر این امید در دل انسان وجود داشته باشد، به نظر او قدرت‌نمایی صوری قدرتمندان، پوچ و حضور قدرت‌مندانه آنها در عرصه‌های بازیگری جهانی در خور استهزاء خواهد آمد؛ حقیقت قضیه هم همین است.^۳

۱. سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۲۰/۲/۱۳۸۲.

۲. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج)، ۱۷/۱۰/۱۳۷۶.

۳. بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی (عج)، ۲/۱۰/۱۳۸۳.

مطلب هفتم. رمز پیشرفت

هرچه دلها با مقوله‌ی مهدویت آشنا شود و انس پیدا کند و حضور آن بزرگوار برای ما، ما مردمی که در دوران غیبت هستیم، محسوس‌تر شود و بیشتر حس کنیم و رابطه بیشتر داشته باشیم، این برای دنیای ما و برای پیشرفت ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود.^۱

یکی از خصوصیات که در حقیقت انتظار گنجانده شده است، این است که انسان به وضع موجود، به اندازه‌ی پیشرفتی که امروز دارد، قانع نباشد؛ بخواند روزبه‌روز این پیشرفت را، این تحقق حقایق و خصال معنوی و الهی را در خود، در جامعه بیشتر کند.^۲

او، در میان مردم حضور دارد و مردم با توجه و توسل به او، ان شاء الله راه رشد و هدایت و فتح و پیروزی را به دست خواهند آورد.^۳

مطلب هشتم. شفا بخش دردها

ایمان و عقیده‌ی قلبی، به وجود این منجی عظیم عالم، شفا بخش بسیاری از بیماریها و دردهای معنوی و روحی و اجتماعی است.^۴

مطلب نهم. ایجاد روحیه ظلم ستیز

اولین درس عملی از این موضوع (مهدویت) این است که نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است. این، مطلب بسیار مهمی است که نسلهای بشری امروز معتقد نباشند که در مقابل ظلم جهانی، نمیشود کاری کرد. امروز وقتی ما با نخبگان سیاسی دنیا از ظلمهای مراکز قدرت بین‌المللی و سیستم جهانی ظلم - که امروز به سرکردگی استکبار در همه‌ی دنیا وجود دارد - صحبت میکنیم، می‌بینیم آنها میگویند بله؛ چیزی که شما میگویید، درست است؛ واقعاً ظلم میکنند؛ اما کاری نمیشود کرد! یعنی مجموعه‌ی بزرگی از نخبگان که سر رشته‌ی کار در دنیا در دست آنهاست، اسیر یأس و ناامیدی‌اند و این یأس و ناامیدی را به ملت‌های خود سرریز میکنند و آنها

۱. بیانات در جمع اساتید و فارغ‌التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۲. همان.

۳. بیانات در جمع افشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۴. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان (عج)، ۱۳۷۹/۸/۲۲.

را از اینکه بتوان نقشه‌ی ظالمانه و شیطانی امروز دنیا را عوض کرد، مأیوس میکنند. بدیهی است که انسانهای مأیوس نمیتوانند هیچ حرکتی در راه اصلاح انجام دهند. آن چیزی که انسانها را وادار به کار و حرکت میکند، نور و نیروی امید است. اعتقاد به مهدی موعود علیه السلام دلها را سرشار از نور امید میکند. برای ما که معتقد به آینده‌ی حتمی ظهور مهدی موعود علیه السلام هستیم، این یأسی که گریبانگیر بسیاری از نخبگان دنیاست، بی‌معناست. ما می‌گوییم خیر، میشود نقشه‌ی سیاسی دنیا را عوض کرد؛ میشود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه فقط این معنا امکانپذیر است، بلکه حتمی است. وقتی ملت‌ی معتقد است نقشه‌ی ظالمانه و شیطانی امروز در کل عالم قابل تغییر است، آن ملت شجاعت می‌یابد و احساس میکند دست تقدیر، تسلط ستمگران را برای همیشه به طور مسلم ننوشته است.

امروز دستگاه‌های تبلیغاتی مراکز استکباری دنیا و روشنفکران وابسته به آنها، در سطح عالم این‌طور تبلیغ میکنند که هیچ حرکتی در مقابل نظم ظالمانه‌ی کنونی ممکن نیست. با فکر انقلاب و آرمان‌گرایی مبارزه میکنند و می‌خواهند ملت‌ها را متقاعد کنند که به همین وضعیت کنونی ظالمانه دنیا بسازند و در مقابل آن هیچ عکس‌العملی نشان ندهند. فکر اعتقاد به مهدی علیه السلام نقطه‌ی مقابل این تبلیغات غلط و ظالمانه است. جوانان و روشنفکران و عموم ملت ما با اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام این اعتقاد را سخ را در دل خود پرورش میدهند که نظم ظالمانه‌ی جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست؛ میشود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد.^۱

مطلب دهم. به وجود آورنده‌ی روح مجاهده و مبارزه

ایمان و اعتقاد به امام زمان علیه السلام مانع از تسلیم شدن است و ملت‌های با ایمانی که حضور قطب عالم امکان را در میان خود احساس میکنند، از حضور او امید و نشاط می‌گیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت میکنند و با تکیه بر همین امید درخشان بود که ملت بزرگ ایران، پرچم اسلام را به اهتزاز درآورد و افتخار طول تاریخ بشر و تاریخ اسلام شد.^۲

عقیده به امام زمان علیه السلام نمیگذارد مردم تسلیم بشوند؛ به شرطی که این عقیده را درست بفهمند.

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰.

۲. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۴/۱۰/۱۶.

وقتی که این عقیده به طور حقیقی در دلها جا بگیرد، حضور امام غایب در میان مردم حس میشود.^۱

روح انتظار است که به انسان تعلیم میدهد تا در راه خیر و صلاح مبارزه کند. اگر انتظار و امید نباشد، مبارزه معنی ندارد و اگر اطمینان به آینده هم نباشد، انتظار معنی ندارد.^۲

در دنیا، قدرتها عالم را بین خودشان تقسیم کرده بودند و روزبه‌روز تسلط و تصرف قدرتهای بزرگ نسبت به مناطق گوناگون عالم، سخت‌تر و سنگین‌تر شده است. مثلاً امروز دخالت قدرت شیطانی و طاغوتی امریکا در زندگی ملت‌ها، از همیشه بیشتر است. در همه‌ی شئون عمده و اساسی ملت‌ها دخالت میکنند و این دخالت، منحصر به مسایل اقتصادی ملت‌ها نیست؛ بلکه در فرهنگ و سیاست و اداره‌ی امور و تعیین مدیران امور کشورها نیز دخالت میکنند. اگر کسانی در جوامع گوناگون اوضاع را نفهمند و ندانند، راحت زندگی میکنند؛ اما صاحبان فکر و افراد هوشمند و روشنفکر و کسانی که می‌فهمند قدرتهای طاغوتی با زندگی و سرنوشت آنها چه میکنند، حقیقتاً دنیا برای آنها تیره و تار است و زندانی بیش نیست. «ضاقت علیهم‌الارض بها رحبت». حقیقتاً انسانهای هوشمند در بسیاری از مناطق دنیا، این‌گونه زندگی میکنند. اگر در دلها امید به روزگار روشن باشد، مبارزه ممکن است و اگر امید بمیرد، مبارزه و حرکت به سمت صلاح هم خواهد مرد.^۳

امام زمان علیه‌السلام به‌صورت یک الگوست برای مؤمنین به امام زمان. آن حضرت با کفر می‌جنگد ما هم دنباله‌رو و شیعه‌ی او هستیم باید با کفر بجنگیم. آن حضرت برای عدالت زحمت میکشد و مجاهدت میکند ما هم که مأموم او هستیم و دنباله‌رو او هستیم، باید برای گسترش عدالت مجاهدت کنیم. ما هم که دنباله‌رو او و معتقد به او هستیم باید تا حدی که قدرت ما اجازه میدهد و در توان ماست در گوشه‌ای از دنیا یا هر چه بشود، پرچم اسلام را برافراشته کنیم. فاصله‌ی میان ما و امام زمان علیه‌السلام به معنای فاصله‌ی یک امام و مأموم است، یک پیشرو و دنباله‌رو است. حرکت امام زمان علیه‌السلام به هرسمتی هست حرکت شیعیان او و علاقه‌مندان او و دنباله‌روان او هم به همان سمت خواهد بود.^۴

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۴/۱۰/۱۹.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان... و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان علیه‌السلام، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۳. همان.

۴. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۷/۱/۱۲.

مطلب یازدهم. عامل مقاومت و استقامت

اتکا به خدای متعال و اعتقاد به نگاه رئوفانه و پدرانه‌ی حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) به ملت، این تأثیر بزرگ را در زندگی ما و در رفتار ما دارد که ما را با قوت قلب در مقابل امواج گوناگون وادار به استقامت میکند.^۱

اگر ملتی مثل ملت مبارز و رشید ایران باشد و میدانهای مبارزه را تجربه کرده و این همه شهید داده باشد و از دریا‌های خون عبور کرده باشد و زن و مردش در میدانهای خطر، مثل شیر غریزه باشند؛ امریکا اگر پا جلو بگذارد، این ملت آنچنان با مشتش به دهانش خواهد کوبید که از او چیزی باقی نماند. ملتی که به خدا معتقد و مؤمن و متکی است و به آینده امیدوار است و با پرده‌نشینان غیب در ارتباط است؛ ملتی که در دلش خورشید امید به آینده و زندگی و لطف و مدد الهی میدرخشد، هرگز تسلیم و مرعوب نمیشود و با این حرفها، از میدان خارج نمیگردد. این، خصوصیت اعتقاد به آن معنویت مهدی علیه آلاف التحية والثناء است... عقیده به امام زمان (عج) نمیگذارد مردم تسلیم شوند؛ به شرطی که این عقیده را درست بفهمند.^۲

مطلب دوازدهم. ایجاد نشاط و شادابی زندگی

وقتی به شما میگویند انتظار بکشید؛ یعنی، این وضعیتی که امروز شما را رنج میدهد و دلتان را به درد می‌آورد، ابدی نیست و تمام خواهد شد. ببینید چقدر انسان، حیات و نشاط پیدا میکند. این، نقش اعتقاد به امام زمان - صلوات الله علیه و ارواحنا فداه - است. این نقش اعتقاد به مهدی موعود (عج) میباشد.^۳

دو نوع زندگی برای آحاد بشر وجود دارد. یک زندگی، زندگی برای نیازهای مادی شخص است... این‌گونه زندگی کردن، خصوصیت تلخی دارد... نوع دوم زندگی این است که انسان برای هدفی زندگی کند؛ هدفی که از خود او بیرون باشد. میگویم این هدف، همیشه الهی باشد. حتی اگر این هدف، مادی هم باشد، اما مربوط به کل جامعه یا برای بشریت باشد... در این نوع زندگی

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۲. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۳. همان.

هرچه میگذرد، انسان احساس میکند که عمرش تلف نشده است؛ چون برای یک هدف عالی زحمت کشیده است. اگر این هدف یک هدف الهی باشد، به بشریت برگردد، به آرمانهای خدایی برگردد، به صلاح و خیر بشر برگردد، به استقرار عدالت و به مبارزه با ظلم و جور مربوط شود، احساس میکند که به هدف نزدیکتر شده است. در پایان راه هم وقتی به پشت سر خود نگاه میکند، میبیند فرسنگها به هدف نزدیک شده است؛ لذا حسرت ندارد و احساس لذت میکند.^۱

راه ما راهی طولانی است؛ اما آینده‌ی ما هم بسیار روشن و جذاب خواهد بود. نگاه به آن آینده، خستگی راه را میزداید و ایمان به آن، تردیدها و تزلزلها را از بین میبرد.^۲

مطلب سیزدهم. بالا رفتن همت اجتماعی

در هدف‌گیری و نشانه‌گرفتن برای دورخیزهای تاریخی، باز مسئله‌ی مهدویت نقش دارد. میان آن ملتی که برای خودش آینده‌ای نمی‌بیند و فکر میکند که بالاخره موج فساد، دنیا را روزبه‌روز بیشتر میگیرد. ما هم چند صباحی محض تکلیف، مقاومتی هم نمیکنیم، اما آخرش چه؟ و آن ملتی که میدانند این مقاومت، ایجاد یک گام بلند به سمت آن آینده‌ای است که خدای متعال وعده داده که برای بشریت پیش می‌آید، آن هم نه یک وعده‌ی مبهم بلکه یک وعده‌ی روشن، فرق هست. رهبر آن ماجرا هم مشخص است که چه کسی است. او، حی و حاضر و زنده است، و دل او، متصل به ملاء اعلا و غیب است. ملتی که به چنین چیزی اعتقاد دارد، ببینید که برای چه اهدافی دورخیز میکند و چه‌طور همتش بالا میرود!^۳

مطلب چهاردهم. عامل وحدت در بشریت

اسلام به ما آموخته است که انسانها با وجود ناهمگونی‌های نژادی و زبانی و فرهنگی، فطرت همسانی دارند که آنها را به پاکی و عدالت و نیکوکاری و همدردی و همکاری فرا میخواند و همین سرشت همگانی است که اگر از انگیزه‌های گمراه‌کننده به سلامت عبور کند، انسانها را به توحید و معرفت ذات متعالی خداوند رهنمون میگردد. این حقیقت تابناک دارای چنان ظرفیتی است که

۱. بیانات در دیدار اعضای «نیروی هوایی» ارتش در روز نیروی هوایی، ۱۳۷۱/۱۱/۱۹.

۲. بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۶.

۳. دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۸۲/۲/۲۰.

قادر است پایه و پشتوانه‌ی تشکیل جوامع آزاد و سرافراز و برخوردار از پیشرفت و عدالت - توأماً - گردد و شعاع معنویت را بر همه‌ی فعالیت‌های مادی و دنیایی انسانها نفوذ دهد و بهشتی دنیایی - پیش از بهشت اخروی موعود ادیان الهی - برای آنان فراهم آورد. و نیز همین حقیقت مشترک و همگانی است که میتواند شالوده‌ی ریز همکاری‌های برادرانه‌ی ملت‌هایی باشد که از نظر شکل ظاهری و سابقه‌ی تاریخی و منطقه‌ی جغرافیایی، شباهتی به یکدیگر ندارند.^۱

مطلب پانزدهم. عامل بیداری اسلامی

چه کسی باور میکرد که در دنیای قرن بیستم، با این همه تلاش ضدّ دین، در این نقطه‌ی حسّاس عالم، نظامی بر مبنای دین تشکیل بشود و رهبری امت اسلام به دست آن قائد عظیم‌الشّان و روحانی بیافتد؟...چه کسی گمان میکرد که در کشورهای اسلامی، نهضت‌های اسلامی آنچنان پا بگیرند و بیداری ملت‌ها آنقدر بشود که در کشوری مثل الجزایر، مردم با رأی خودشان در انتخابات، اسلام را انتخاب بکنند و اسلام پیروز بشود و منادیان دموکراسی غربی، با آن انتخابات، مخالفت و دشمنی بکنند؟ اما شد...اگر همین اتحاد و ایمان و ایستادگی در میدان‌های انقلاب و همین وفاداری به خطّ امام عظیم‌الشّان و همین نرسیدن از استکبار مسلط جهان‌خوار را ادامه بدهید، به فضل پروردگار همه‌ی هدف‌های دیگر شما هم برآورده خواهد شد...این همان امیدی است که در جریان انتظار فرج، آموزش‌های اسلامی به ما یاد داده است.^۲

یکی از ابعاد انتظار، اعتماد و امیدواری به آینده و مأیوس نبودن است... امروز ما در دنیا شاهد بیداری ملت‌ها هم هستیم. درست است که با پیشرفت وسایل جدید، تلویزیون، رادیو، تبلیغات، پول، امکانات صنعتی و غیره، تسلط قدرتهای استکباری بر ملت‌ها و بر شئون آنها روزبه‌روز بیشتر شده است؛ اما سنّت الهی بر این قرار گرفته که ملت‌ها هم بیدار بشوند و ما امروز می‌بینیم که ملت‌ها هم روزبه‌روز بیدار میشوند.^۳

من به شما عرض بکنم؛ فقط این نیست که در کشورهای شمال آفریقا و منطقه‌ی غرب آسیا که

۱. بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، ۱۳۹۱/۶/۹.

۲. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان (عج)، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

امروز ما در آنجا قرار داریم، حرکات بیداری‌ای به وجود آمده باشد؛ این حرکت بیداری تا قلب اروپا خواهد رفت. آن روزی پیش خواهد آمد که همین ملت‌های اروپایی علیه سیاستمداران و زمامداران و قدرتمندانی که آنها را یکسره تسلیم سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی آمریکا و صهیونیسم کردند، قیام خواهند کرد. این بیداری، حتمی است.^۱

امیدواریم إن شاء الله این عید شریف برای امت اسلامی برکت و وسیله‌ی بیداری برای همه‌ی ما باشد و خداوند متعال توفیقاتش را بر ما نازل کند و توجّهات حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را شامل حال ما گرداند.^۲

۱. بیانات در دیدار هزاران نفر از معنجان سراسر کشور، ۱۳۹۰/۲/۱۴.

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت سالروز هفدهم ربیع‌الاول، ۱۳۸۲/۲/۲۹.



❑ بخش چهارم. امام مهدی شناسی



مطلب اول. امامت و ولایت

مقدمه: ضرورت معرفت به امام زمان علیه السلام

اصل مهدویت مورد اتفاق همه‌ی مسلمانان است. ادیان دیگر هم در اعتقادات خودشان، انتظار منجی را در نهایت زمانه دارند؛ آنها هم در یک بخش از قضیه، مطلب را درست فهمیده‌اند؛ اما در بخش اصلی قضیه که معرفت به شخص منجی است، دچار نقص معرفتند.^۱

برای انسانی که دارای معرفت باشد، موهبتی از این برتر نیست که احساس کند ولی خدا، امام برحق، عبد صالح، بنده‌ی برگزیده در میان همه‌ی بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین، با او و در کنار اوست؛ او را میبیند و با او مرتبط است.^۲

گاهی کلمات مدح‌آمیزی از ائمه علیهم‌السلام پشت سر هم می‌آوریم که نه درست مستمع به عمق این کلمات می‌رسد، نه با فهمیدن آن کلمات چیزی بر معرفت او اضافه میشود. اینها ارزش چندانی ندارد.^۳

ما فقط از دور اشاره‌ای به شخصیت معنوی و ملکوتی و نورانی آن بزرگوار میکنیم. البته آن معرفت هم لازم است. نمیشود به بهانه‌ی اینکه ما نمیتوانیم شخصیت این بزرگواران را بشناسیم، درباره‌ی آنان صحبت نشود، تحقیق نشود و گویندگان نگویند؛ نه. آن، بخش فاختری از کل آفرینش است.^۴

گفتار اول. مفهوم امامت و ولایت و نشانه‌های آن

ضرورت شناخت معنای ولایت و امامت

امام صادق علیه السلام... ولایت را با عمل میداند و میگوید: آن کسی که دارای عمل است، ولی ما اوست و آن کسی که دارای عمل نیست، عدو ما اوست، این بر همین اساس است. چون ولایت را امام صادق علیه السلام آن جور معنی میکند؛ چون ولایت در فرهنگ امام صادق علیه السلام فرق دارد با ولایت در فرهنگ آن جاهل یا مغرضی که دارد به نام امام صادق علیه السلام دارد زندگی میکند. چرا بنده و شما

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۲. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۸/۹/۳.

۳. بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت به مناسبت سالروز میلاد حضرت زهرا (س)، ۱۳۸۰/۶/۱۸.

۴. بیانات در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم، در روز ولادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷.

نفهمیم معنای ولایت را؟ چرا عمیقانه درک نکنیم این اصل اسلامی را تا باز هرچه بیشتر در رکود و جمود و خمود و عقب ماندگی و دوری از اسلام و دوری از دنیا و آخرت نهانیم؟^۱

امامت یعنی پیشوایی روحی و معنوی

امامت، یعنی پیشوایی روحی و معنوی و پیوند عاطفی و اعتقادی با مردم.^۲

امامت یعنی جسم و جان

امامت یعنی پیشوایی جسم و دل؛ هر دو. فقط حاکمیت بر اجسام نیست، اداره‌ی زندگی دنیایی و روزمره‌ی متعارف مردم نیست؛ مدیریت دلهاست، تکامل بخشیدن به روحها و جانهاست، بالا بردن فکرها و معنویتهاست. این معنای امامت است. اسلام این را میخواهد.^۳

امامت یعنی رهبری مطلوب اداره‌ی جامعه

امام یعنی آن حاکم و پیشوایی که از طرف پروردگار در جامعه معین می‌شود.^۴

امامت، یعنی همان اوج معنای مطلوب اداره‌ی جامعه در مقابل انواع و اقسام مدیریتهای جامعه که از ضعفها و شهوات و نخوت و فزون‌طلبی انسانی سرچشمه میگیرد. اسلام شیوه و نسخه‌ی امامت را به بشریت ارائه میکند؛ یعنی اینکه یک انسان، هم دلش از فیض هدایت الهی سرشار و لبریز باشد، هم معارف دین را بشناسد و بفهمد؛ یعنی راه را درست تشخیص دهد، هم دارای قدرت عملکرد باشد که «یا یحیی خذ الكتاب بقوة»، هم جان و خواست و زندگی شخصی برایش حائز اهمیت نباشد؛ اما جان و زندگی و سعادت انسانها برای او همه چیز باشد.^۵

ولایت یعنی اتصال دو چیز به صورت مستحکم با یکدیگر

اصل معنای ولایت، عبارت از نزدیک بودن دو چیز با یکدیگر است. فرض بفرمایید وقتی که دو ریسمان محکم به هم تابیده میشوند و جدا کردن آنها از یکدیگر، به آسانی ممکن نیست، آن را در عربی «ولایت» میگویند. ولایت؛ یعنی اتصال و ارتباط و قرب دو چیز به صورت مماس و مستحکم

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۵۶۶.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۹/۱/۲۶.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم در روز عید سعید غدیر خم، ۱۳۸۶/۱۰/۸.

۴. ولایت و حکومت، ص ۷۰.

۵. بیانات در اجتماع بزرگ زائران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در روز عید غدیر خم، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲.

با یکدیگر. همه‌ی معانی‌ای که برای «ولایت» در لغت ذکر شده است، معنای محبت، معنای قیومیت و بقیه‌ی معانی، که هفت، هشت معنا در زبان عربی هست، از این جهت است که در هرکدام از اینها به نوعی این قرب و نزدیکی بین دو طرف ولایت وجود دارد. مثلاً «ولایت» به معنای محبت است؛ چون محب و محبوب، با یکدیگر یک ارتباط و اتصال معنوی دارند و جدا کردنشان از یکدیگر امکان‌پذیر نیست.^۱

ولایت بالاتر از محبت

عده‌ای خیال میکنند که دارای ولایت بودن یک آدم فقط به گریه کردن بر اهل بیت علیهم السلام است. خیال میکنند وقتی که اسم اهل بیت علیهم السلام می‌آید، «علیهم السلام» را حتماً پشت سرش بگویند، این ولایت است. بلکه محبت اهل بیت را داشتن واجب و فرض است، نام این بزرگواران را با عظمت بردن بسیار جالب و لازم است، اما همه‌ی اینها ولایت نیست، ولایت از این بالاتر است.^۲

ولایت در اصطلاح قرآن

ولایت در اصطلاح اولی قرآن، ولایت یعنی به هم پیوستگی و هم‌جهگی و اتصال شدید یک عده انسانی که دارای یک فکر واحد و جویای یک هدف واحدند، در یک راه قدم بر میدارند، برای یک مقصود دارند تلاش و حرکت میکنند، یک فکر را و یک عقیده را پذیرفته‌اند، هر چه بیشتر این جبهه باید افرادش به همدیگر متصل باشند و از جبهه‌های دیگر و از قطبهای دیگر و قسمت‌های دیگر خودشان را جدا و کنار بگیرند.^۳

دو رویه‌ی ولایت قرآنی: پیوند با امت اسلامی و گسست از بلوکهای ضد اسلامی

ولایت پس دو رویه دارد- ولایت قرآنی-، یک رویه اینکه در داخل جامعه‌ی اسلامی، همه‌ی عناصر بایستی به سوی یک هدف، به سوی یک جهت، با یک راه، با یک گام قدم بردارند. در خارج از جامعه‌ی اسلامی، امت اسلامی بایستی با همه‌ی بلوک‌ها و جناح‌های ضد اسلامی پیوندهای خودش را بگسلد، اینجا یک نکته‌ی دقیقی وجود دارد که میرساند ولایت به این معنا را که در قرآن آمده، به

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۳۷۶/۲/۶.

۲. قبسات النور (گزیده‌ای از سخنان حضرت آیه‌الله خامنه‌ای پیرامون اهل بیت علیهم السلام و پیروان)، ص ۵۳.

۳. ولایت و حکومت، ص ۵۵.

همان ولایتی است که ما، شیعه قائلیم.^۱

در یک آیهی دیگر از قرآن همین مطلب باز به صورت واضح‌تری بیان کرده‌است: «مَحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ وقتی در مقابل جبهه خارجی قرار میگیرند، تو از آنها چیزی استوارتر و خلل‌ناپذیرتر نمیبینی؛ تأثرناپذیرتر و نفوذناپذیرتر نمیبینی، مستقل؛ اما در جبهه‌های داخلی- که تعبیر جبهه اساساً درست نیست، چون جبهه‌بندی‌ای در داخل وجود ندارد- در داخل، میان بدنه‌ها و جناح‌های این پیکر عظیم اسلامی، هیچ گونه نفوذ ناپذیری نیست، خلل و تأثیرپذیری نیست؛ بلکه به عکس همه روی هم اثر میگذارند، همه یکدیگر را به سوی خیر و نیکی جذب میکنند، همه یکدیگر را توصیه به پیروی هر چه بیشتر از حق میکنند، همه یکدیگر را توصیه به پافشاری هر چه بیشتر در راه حق و مقاومت هر چه بیشتر در مقابل انگیزه‌های شر و فساد و انحطاط میکنند، همه همدیگر را نگه میدارند؛... این هم یک جلوه‌ی دیگر از جلوه‌های ولایت است.^۲

این پیوستگی مسلمانان جبهه‌ی آغاز دین که به همدیگر جوشیدند، به همدیگر گره خوردند، از هم جدایی‌پذیر نیستند، با دیگر جبهه‌ها به کلی منقطعند، با خودشان هر چه بیشتر چنگ در چنگ و دست در دست هستند، آیا در قرآن و حدیث نامی دارد یا نه؟ بله؛ این نام، ولایت است.^۳

ابعاد سه‌گانه ولایت

ولایت عبارت است از ایجاد رابطه و پیوند مستحکمی میان عناصر صف مؤمن با یکدیگر و قطع هرگونه وابستگی میان صف مؤمن با صف غیر مؤمن و در مرتبه‌ی بعدی ایجاد رابطه‌ای بس قوی و نیرومند میان همه‌ی افراد صف مؤمن با آن نقطه مرکزی و قدرت متمرکز که اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی به عهده‌ی اوست؛ یعنی امام.^۴

اگر ولایت را که دارای سه بعد شد تا حالا، یکی حفظ پیوندهای داخلی، یکی قطع پیوند و وابستگی به قطبهای متضاد خارجی این دو تا، یک هم حفظ ارتباط دائمی و عمیق با قلب پیکر اسلامی و قلب امت اسلامی یعنی امام و رهبر، سه بعد ولایت را که بیان کردیم، حالا اگر این سه بعد را

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۵۲۳.

۲. همان، ص ۵۵۸-۵۵۹.

۳. ولایت و حکومت، ص ۵۲.

۴. طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۶۱۹.

رعایت کردیم چگونه خواهد شد؟ آیه قرآن جواب می‌دهد: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»؛ آن کسی که قبول ولایت کند با خدا و با رسولش و با کسانی که ایمان آورده‌اند با مؤمنان پیوند را مراعات کردند و حفظ کردند و نگسستند، اینها غالبند، پیروزمندانند. از همه پیروزتر همین‌ها هستند و اینها ایند که بر همه‌ی جناح‌های دیگر غلبه خواهند داشت.^۱

در این آیات از سوره مائده هم به جنبه‌ی مثبت ولایت؛ یعنی پیوند داخلی، همبه جنبه‌ی منفی ولایت؛ یعنی قطع پیوندهای خارجی، هم به آن بُعد دیگر ولایت؛ یعنی اتصال و ارتباط با ولی-ولی یعنی آن قطب، یعنی آن قلب، یعنی آن حاکم و امام- به همه‌ی اینها اشاراتی رسا شده. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! «لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ»؛ یهود و نصاری را اولیای خود مگیرید. اولیاء جمع ولی است؛ ولی از ولایت است، ولایت یعنی پیوستگی، ولی یعنی پیوسته و پیوندزده، یهود و نصاری را پیوندخوردگان و پیوستگان با خود مگیرید و انتخاب نکنید. «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»؛ آنها بعضی اولیاء و هم‌جبهگان و هم پیوستگان بعضی دیگرند. نگاه نکنید که بلوک‌هایشان از همدیگر جداست، در معنا، برای ضدیت با اصالت‌های شما همه یک جبهه‌اند، «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»؛ بعضی هم جبهه‌ی بعضی دیگرند.. «وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ»؛ هرکس تولی کند با آنان- تولی یعنی ولایت را پذیرفتن از باب تفعل- هرکس که قدم در وادی ولایت آنها بگذارد و پیوند زند خودش را با آنها، مرتبط کند خودش را با آنها، «فَإِنَّهُمْ مِنْهُمْ»؛ بی‌گمان او خود از آنان است، «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»؛ و خدا مردمان ستمگر را هدایت نخواهد کرد.^۲

ولایت یعنی وابستگی فکری و عملی با امام و ولی خدا

ولایت در یک انسان به معنای وابستگی فکری و عملی هر چه بیشتر و روز افزونتر با «ولی» است، ولی را پیدا کن؛ ولی خدا را بشناس، آن کسی که او ولی حقانی جامعه اسلامی است او را مشخص کن، بعد از آنی که مشخص کردی شخصاً از لحاظ فکر، از لحاظ عمل، از لحاظ روحیات، از لحاظ راه و رسم و روش، خودت را به او متصل کن، دنبالش راه بیفت، حرکت بکن، اگر تلاش تو تلاش او، جهاد تو جهاد او، دوستی تو دوستی او، دشمنی تو دشمنی او، جبهه‌بندیهای تو جبهه‌بندیهای او

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۵۵۲.

۲. ولایت و حکومت، ص ۶۲.

باشد تو دارای ولایتی.^۱

بعد دیگر ولایت یعنی چه؟ یعنی ارتباط مستحکم و نیرومند هر یک از آحاد امت اسلام در همه حال با آن قلب امت. ارتباط چه؟ ارتباط فکری و ارتباط عملی، یعنی درست از او سرمشق گرفتن، درست در افکار و بینشها دنبال او بودن و درست در افعال و رفتار و فعالیتها و حرکتهای او را پیروی کردن، پس ولایت علی بن ابی طالب یعنی چه؟ یعنی در افکار پیروی علی باشی، در افعال پیروی علی باشی، تو را با علی بن ابی طالب رابطه‌ای نیرومند، مستحکم، خلل‌ناپذیر پیوندزده باشد، از علی جدا نشوی، این معنی ولایت است. فهمیدید ولایت چیست؟ اینجا است که می‌فهمیم معنی این حدیث را «وَلَايَةُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي»، ولایت علی بن ابی طالب حصن و حصار من است - از قول خدا - «فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ نَارِي»؛ هر که داخل این حصار شد، از عذاب خدا مصون و محفوظ خواهد ماند. بسیار حرف جالبی است؛ یعنی مسلمانها و پیروان قرآن اگر از لحاظ فکر و اندیشه و هم از لحاظ عمل و تلاش و فعالیت متصل به علی بن ابی طالب باشند، از عذاب خدا مصون و محفوظند.^۲

ولایت تعبیر اسلام برای حکومت

ولایت، یعنی حکومت؛ چیزی است که در جامعه‌ی اسلامی متعلق به خداست، و از خدای متعال به پیامبر و از او به ولی مؤمنین میرسد.^۳

یک بُعد دیگر در قضیه و حدیث غدیر، همین مسئله‌ی ولایت است؛ یعنی تعبیر از حکومت به ولایت؛ «من کنت مولا فلهذا علی مولا». آن وقتی که پیامبر در مقام تعیین حق حاکمیت برای یک شخص است، تعبیر مولا را برای او به کار میبرد و ولایت او را به ولایت خود مقترن میکند. خود این مفهومی که در ولایت هست، بسیار حائز اهمیت است. یعنی اسلام، منهای همین مفهوم ولایت - که یک مفهوم مردمی و متوجه به جهت حقوق مردم و رعایت آنها و حفظ جانب انسانهاست - هیچ حاکمیتی را بر مردم نمیپذیرد و هیچ عنوان دیگری را در باب حکومت قایل نیست. آن کسی که ولی و حاکم مردم است، یک سلطان نیست؛ یعنی عنوان حکومت، از بُعد اقتدار و قدرت او بر

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۵۶۵.

۲. طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۵۴۶.

۳. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم (روز بیست و نهم ماه مبارک رمضان)، ۱۳۷۰/۱/۲۶.

تصرف ملاحظه نمیشود؛ از بُعد اینکه او هر کاری که میخواهد، میتواند بکند، مورد توجه و رعایت نیست؛ بلکه از باب ولایت و سرپرستی او، و اینکه ولی مؤمنین یا ولی امور مسلمین است، این حق یا این شغل یا این سمت مورد توجه قرار میگیرد. قضیه‌ی حکومت در اسلام، از این جهت مورد توجه است.^۱

اسلام، حکومت را با تعبیر «ولایت» بیان میکند و شخصی را که در رأس حکومت قرار دارد، به عنوان والی، ولی، مولا - یعنی اشتقاقات کلمه‌ی ولایت - معرفی میکند. معنای آن چیست؟ معنای آن، این است که در نظام سیاسی اسلام، آن کسی که در رأس قدرت قرار دارد و آن کسانی که قدرت حکومت بر آنها در اختیار اوست، ارتباط و اتصال و پیوستگی جدایی‌ناپذیری از هم دارند. این، معنای این قضیه است. این، فلسفه‌ی سیاسی اسلام را در مسئله‌ی حکومت برای ما معنا میکند. هر حکومتی که این‌طور نباشد، این ولایت نیست؛ یعنی حاکمیتی که اسلام پیش‌بینی کرده است، نیست.^۲

تفاوت ماهیت امامت و سلطنت

ماهیت امامت، با ماهیت سلطنت، مغایر و متفاوت و مناقض است. این دو ضد هستند. امامت، یعنی پیشوایی روحی و معنوی و پیوند عاطفی و اعتقادی با مردم؛ اما سلطنت، یعنی حکومت با زور و قدرت و فریب؛ بدون هیچ‌گونه علقه‌ی معنوی و عاطفی و ایمانی. این دو، درست نقطه مقابل هم است. امامت، حرکتی در میان امت، برای امت و در جهت خیر است. سلطنت؛ یعنی یک سلطه‌ی مقتدرانه علیه مصالح مردم و برای طبقات خاص؛ برای ثروت‌اندوزی و برای شهوت‌رانی گروه حاکم. آنچه که ما در زمان قیام امام حسین (علیه السلام) می‌بینیم، دومی است، نه آن اولی؛ یعنی یزیدی که بر سر کار آمده بود، نه با مردم ارتباط داشت، نه علم داشت، نه پرهیزگاری و پاکدامنی و پارسایی داشت، نه سابقه‌ی جهاد در راه خدا داشت، نه ذره‌ای به معنویات اسلام اعتقاد داشت، نه رفتار او رفتار یک مؤمن و نه گفتار او گفتار یک حکیم بود. هیچ چیزش به پیامبر شباهت نداشت. در چنین شرایطی، برای کسی مثل حسین بن علی (علیه السلام) - که خود او همان امامی است که باید به جای پیامبر قرار گیرد - فرصتی پیش آمد و قیام کرد... امامت؛ یعنی دستگاهی که عزت خدایی را برای

۱. سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر ۱۳۷۰/۴/۱۰

۲. همان، ۱۳۷۶/۲/۶.

مردم به وجود می‌آورد. علم و معرفت به مردم می‌دهد. رفق و مدارا را میان آنها ترویج میکند. ابّهت اسلام و مسلمین را در مقابل دشمن حفظ میکند. اما سلطنت و حکومت‌های جائزانه، نقطه‌ی مقابل آن است. امروز در بسیاری از کشورهای دنیا اسم زمامداران پادشاه نیست؛ اما در واقع پادشاهند. اسمشان سلطان نیست و ظواهر دموکراسی هم در آنجاها جاری است، اما در باطن، همان سلطنت است؛ یعنی رفتار تعنّدآمیز با مردم و رفتار ذلت‌آمیز با هر قدرتی که بالاسر آنها باشد!^۱

پیروی همه جانبه‌ی شرط ولایت داشتن

آدم دارای ولایت این است؛ ولی را بشناسید، فکر ولی را بدانند، با ولی هم‌فکر بشود، عمل ولی را بشناسد، با ولی هم عمل بشود، دنبال او راه بیفتد، خودش را فکراً و عملاً پیوسته با ولی کند، این با ولایت است.^۲

امام صادق علیه السلام موالیان خود را آن کسانی که دارای ولایتند قدرشان را می‌شناسد، برایشان احترام قائل می‌شود، ولایت را با عمل میدانند. می‌گویند آن کسی که دارای عمل است، ولی ماست، آن کسی که دارای عمل نیست، عدو ما اوست. این بر همین اساس است که ولایت در فرهنگ امام صادق علیه السلام با ولایت در فرهنگ آن جاهل یا مغرض که به نام امام صادق علیه السلام دارد زندگی میکند، تفاوت دارد.^۳

هجرت لازمه‌ی ولایت

اگر ما ولایت را توانستیم با این وسعت بفهمیم و مسئله را در حدّ مسایل فرعی ولایت و درجه‌ی دو ولایت خلاصه نکنیم... مسئله‌ی هجرت یکی از دنباله‌های ولایت خواهد شد؛ چرا این جور می‌گوییم؟ برای این که اگر لازم باشد هر انسانی در ولایت خدا و ولی خدا زندگی بکند- که این اصل را اصل ولایت به ما آموخت- اگر پذیرفتیم که میباید انسان همه‌ی نیروهایش، همه نشاط‌های جسمی و فکری و روانی او، با اراده‌ی ولی الهی و والی من قبل الله به کار بیافتد و خلاصه انسان باید با جمیع عناصر وجودش بنده‌ی خدا باشد، نه بنده‌ی طاغوت، اگر این مطالب را قبول داریم و می‌پذیریم، پس ناچار این را هم باید قبول کنیم که اگر یک جایی وجود ما و هستی ما و همه

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۱/۲۶.

۲. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۵۶۵.

۳. قبسات النور، ص ۸۱.

نیروها و نشاط‌های ما تحت فرمان ولایت الهی نبود، بلکه تحت فرمان ولایت طاغوت و شیطانی بود؛ تعهد الهی ما این است که ما خودمان را از قید و بند ولایت طاغوت رها کنیم، نجات بدهیم، آزاد کنیم و برویم تحت سایه پر میمنت ولایت الله. خارج شدن از آن ولایت ظالم و وارد شدن به آن ولایت عادل.^۱

نشانه‌های جامعه‌ی ولایت‌مدار

ولایت یک جامعه به چیست؟ ولایت یک جامعه به این است که ولی در آن جامعه اولاً مشخص باشد. بدانند که این است ولی، این یک؛ ثانیاً منشأ و الهام‌بخش همه‌ی نیروها، نشاط‌ها، فعالیت‌های آن جامعه باشد. قطبی باشد که همه‌ی جوی‌ها و سرچشمه‌ها از او سرازیر می‌شود، مرکزی باشد که همه‌ی فرمانها را او می‌دهد و همه‌ی قانون‌ها را او اجرا می‌کند. نقطه‌ای باشد که همه‌ی رشته‌ها و نخ‌ها به آنجا برگردد، همه به او نگاه کنند، همه دنبال او بروند، موتور زندگی را او روشن بکند، در این جامعه، راننده و پیش‌قراول کاروان زندگی در جامعه، او باشد، این جامعه، جامعه‌ی دارای ولایت است، امیرالمؤمنین علیه‌السلام بعد از پیغمبر ﷺ ۲۵ سال تمام زمام اجتماع را در دست نداشت. جامعه‌ی اسلامی بعد از پیغمبر ﷺ ۲۵ سال دارای ولایت نبود، در آن جامعه سلمان دارای ولایت بود، ابی‌ذر شخصاً دارای ولایت بود، مقداد شخصاً دارای ولایت بود، آن دیگری شخصاً دارای ولایت بود؛ اما جامعه اسلامی چگونه؟ جامعه‌ی اسلامی بعد از پیغمبر ﷺ ۲۵ سال دارای ولایت نبود تا اینکه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به حکومت جامعه اسلامی رسید و جامعه‌ی اسلامی شد دارای ولایت؛ ... آن وقتی که امام منشأ امر و نهی در جامعه می‌شود، آن وقتی که همه‌ی رشته‌ها از امام ناشی می‌شود، آن وقتی که امام دارد عملاً جامعه را اداره می‌کند، آن وقتی که پرچم جنگ را امام می‌بندد، آن وقتی که فرمان حمله را امام می‌دهد، آن وقتی که قرارداد صلح را امام مینویسد، آن وقت است که جامعه دارای ولایت است، و در غیر این صورت جامعه دارای ولایت نیست؛ پس این هم جامعه‌ی دارای ولایت.^۲

جامعه‌ی اسلامی که دارای ولایت است، یعنی همه‌ی اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه - یعنی ولی - متصل است. لازمه‌ی همین ارتباط و اتصال است که جامعه‌ی اسلامی در درون

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۶۱۹-۶۲۰.

۲. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۵۶۶-۵۶۷.

خود یکی است و متحد و مؤتلف و متصل به هم است و در بیرون نیز اجزای مساعد با خود را جذب میکند و اجزایی را که با آن دشمن باشند، به شدت دفع میکند و با آن معارضه مینماید؛ یعنی «اشدء علی الکفار رحماء بینهم»، لازمه‌ی ولایت و توحید جامعه‌ی اسلامی است.^۱

گفتار دوم. جایگاه امامت و ولایت و منزلت امام

ولایت اساسی‌ترین مسئله

اساسی‌ترین مسأله‌ی دین، مسأله‌ی ولایت است؛ چون ولایت، نشانه و سایه‌ی توحید است.^۲

ولایت ضامن ثمربخش بودن اعمال و عبادات

به‌خوبی میشود با این بحث فهمید که چرا اگر جامعه‌ای و امتی ولایت ندارد، اگر همه‌ی عمر را به نماز و روزه و تصدق تمام اموال بگذارند، باز لایق لطف خدا نیست و خلاصه در سایه‌ی این بحث معنای احادیث ولایت را میشود فهمید... از جمله‌ی این حدیث معروفی که بنده بعضی از جملات و کلماتش را تکرار میکنم: لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَلَايَةَ وَلِيِّ اللَّهِ فَيَوَالِيَهُ وَ يَكُونَ جَمِيعُ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَ عَزٌّ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ؛ اگر کسی شبها تا به صبح بیدار بماند و تمام عمر را روزه بگیرد، نه فقط ماه رمضان را و تمام اموالش را در راه خدا بدهد و در تمام دوران عمرش به حج رود، درحالی‌که ولایت ولی خدا را نشناخته باشد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش با راهنمایی او باشد، این چنین آدم هر آنچه که انجام داده است، بیهوده و بی‌ثمر و خنثی است.^۳

ولایت، عامل بخشش خطاهای فردی

این حدیث را ماها بارها گفته‌ایم و شنیده‌ایم و نقل کرده‌ایم که «لَا عَذْبَنَ كُلِّ رَعِيَةٍ فِي الْإِسْلَامِ اطَاعَةُ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنْ كَانَتِ الرَّعِيَةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَةً تَقِيَةً وَ لَا عَفْوَنَ عَنْ كُلِّ رَعِيَةٍ فِي الْإِسْلَامِ اطَاعَةُ إِمَامٍ هَادِيٍّ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنْ كَانَتِ الرَّعِيَةُ فِي أَعْمَالِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً»؛ حاصل، اینکه اگر دستگاه مدیریت جامعه، صالح و سالم باشد، خطاهای متن جامعه، قابل اغماض است و در

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۹/۲۹.

۲. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم (روز بیست و نهم ماه مبارک رمضان)، ۱۳۷۰/۱/۲۶.

۳. طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۵۱۶.

مسیر جامعه، مشکلی به وجود نخواهد آورد؛ اما اگر مدیریت و رأس جامعه، از صلاح، سلامت، عدل، تقوا، ورع و استقامت دور باشد، ولو در میان مردم صلاح هم وجود داشته باشد، آن صلاح بدنه‌ی مردم، نمیتواند این جامعه را به سرمنزل مطلوب هدایت کند. یعنی تأثیر رأس قله و هرم و مجموعه‌ی مدیریت و دستگاه اداره‌کننده در یک جامعه، این قدر فوق‌العاده است.^۱

ولایت، راه مسلمان ماندن

این حدیث شریفی که در کافی با چندین عبارت نقل شده است در کتاب الحجة، باب «من دان الله عزوجل بغیر امام من الله»، می‌فرماید از قول امام علیه السلام و امام از قول خدا که خدای متعال فرموده: «قَالَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَأَعَذِّبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللهِ وَ إِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً ثَقِيَّةً وَ لَأَعْفُوَنَّ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللهِ وَ إِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَنْفُسِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً». عجیب حدیثی است این؛ این حدیث می‌گوید: آن مردمی که تحت ولایت ولی‌الله زندگی میکنند، اهل نجات هستند؛ اگر چه در کارهای شخصی و خصوصی گناه‌هایی هم گاهی داشته باشند و آن مردمی که در تحت ولایت شیطان و طاغوت زندگی میکنند، اهل بدبختی و عذابند؛ اگر چه در کارهای شخصی در اعمال خصوصی، اهل نیکوکاری و کارهای خوب هم باشند. این خیلی عجیب است. من تشبیه می‌کردم همیشه این حدیث را، می‌گفتم مثل اینکه ماشینی شما سوار شدید، به قصد مثلاً فلان نقطه‌ی معین، به قصد نیشابور، اگر چنانچه این ماشین به طرف نیشابور دارد می‌رود مثلاً طرف سرخس، طرف قوچان، خوب مسلم است که، شما به هدف نمی‌رسید. حالا در آن ماشینی که دارد می‌رود به طرف نیشابور و شما را به هدف می‌رساند، اگر در ماشین، مردم با ادب، با مهربانی، با رفتار خوب، با آداب انسانی با هم معاشرت کردند، چه بهتر، اگر هم با آداب انسانی و انسانیت و نیکی و احسان با هم معاشرت نکردند، بالاخره به نیشابور می‌رسند؛ به هدف می‌رسند؛ اگر چه در بین راه یک قدری بدی کرده باشند. آن بدی‌ها هم البته یک اقتضاهایی خواهد داشت، یک آثاری، یک نتایجی خواهد داشت، آن نتایج را هم مجبورند متحمل بشوند. اما به هدف می‌رسند؛ برخلاف آن ماشینی که باید شما را به نیشابور برساند، دارد به نقطه‌ی مقابل نیشابور می‌رود. اگر چنانچه در این ماشین، همه‌ی افراد، مؤدب، بانزاکت، بااحترام به همدیگر رفتار کنند؛ با خوشرویی با همدیگر

۱. سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارکنان نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر خم، ۱۳۶۹/۴/۲۰.

عمل کنند و می‌بینند این ماشین به جای نیشابور، می‌رود به طرف قوچان؛ در مقابل این حادثه و این پدیده، هیچ عکس‌العملی نشان نمیدهند، اینها خیلی آدمهای خوبی هستند، خیلی مهربانند باهم، اما آیا به هدف خواهند رسید یا نه؟ پیداست که نه. در مثال اول، راننده، یک راننده‌ی امین بود؛ یک راننده‌ی راه بلد بود؛ «امام عادل من الله» بود؛ آنها را رساند به هدف؛ اگر چه بداخلاق بودند؛ «و ان کانت فی اعمالها ظالمةً مُسِيئَةً». در مثال دوم، راننده راه بلدی نبود، راننده‌ی امینی نبود؛ راننده‌ی هواپرستی بود؛ مست بود؛ راه را گم کرده بود؛ در سرخس و قوچان کاری داشت. کار خودش را بر خواسته‌ی مردم مقدم کرده بود. داشت می‌رفت آنجا اینها مسلم به هدف نخواهند رسید؛ هر چند که اینها در داخل ماشین، با هم خیلی مهربان و خوش‌اخلاق بودند؛ «و ان کانت فی اعمالها برةً تَقِيَّةً»؛ اما بالا خره «لأعذبن»؛ به عذاب خدا دچار خواهند شد؛ به هدف نخواهند رسید. بنابراین یک جامعه‌ای که با ولایت طاغوت اداره میشود، مثل همان ماشینی که با رانندگی آدم غیر امین و غیر بلد دارد رهبری میشود، انسانها به هدف نخواهند رسید؛ نمیتوانند مسلمان بمانند.^۱

آیا نمیتوان در ولایت طاغوت بود و مسلمان بود؟ آیا نمیشود ما فرض کنیم یک مسلمانی را که تحت ولایت شیطان زندگی بکند، اما بنده‌ی رحمان باشد؟ چنین چیزی میشود یا نه؟ آیا ممکن است در جایی که بر سراسر آفاق و مناطق زندگی انسان، یک عامل غیر الهی مشغول فرمانروایی است و جسم انسان را یک عامل غیر الهی اداره میکند، فکر انسانها را یک عامل غیر الهی اداره میکند، روحیه و عواطف و احساسات افراد جامعه را همان عامل به این سو و آن سو می‌کشاند در حالی که انسان در قبضه‌ی قدرت این چنین عوامل طاغوت و شیطانی زندگی میکند، در عین حال میتواند بنده‌ی خدا باشد، مسلمان باشد، آیا چنین چیزی ممکن است یا ممکن نیست؟... یک سؤال است که از دو جزء ترکیب یافته است و ما باید این دو جزء را درست تجزیه کنیم و ببینیم که معنایش چیست. جزء اول این است که کسی تحت ولایت شیطان باشد، یعنی چه تحت ولایت شیطان باشد؟ ولایت مگر یعنی چه؟ آن معنایی را که ما برای ولایت از آیات قرآن استفاده کردیم اگر... بگذاریم در کنار این جمله، «ولایت شیطان». آن وقت معلوم میشود که ولایت شیطان یعنی چه؟ ولایت شیطان معنایش این است که - شیطان به همان معنای کلی شیطان که بارها گفته‌ام - به تمام نیروها، استعدادها، ابتکارها و کارها در وجود آدمی مسلط بشود؛ آنچه انسان انجام میدهد، در آن خطی

۱. ولایت و حکومت، ص ۱۴۷-۱۴۸.

باشد که شیطان معین کرده‌است، آنچه میان‌دیشد در آن راهی باشد که شیطان می‌خواهد، یا ترسیم میکند. همچون آدمی که در جریان یک رودخانه‌ی تن‌دی که در بستر سیلی که از کوه‌سار پایین می‌آید، قرار گرفته باشد؛ البته مایل نیست که به صخره‌های تنومند و تناور اصابت بکند و سرش بشکند، البته مایل نیست که با این آب برود و توی باتلاق بیافتد، البته مایل نیست که در لابه‌لای امواج این آب خفه بشود، اما با آنکه مایل نیست، این جریان تند آب بی‌اختیار او را میبرد، دست و پا هم میزند، خود را به این طرف و آن طرف هم میچسباند، به هر خار و خسی متشبث هم میشود، اما جریان آب، جریان تن‌دی است؛ بی‌اختیار او را میبرد. ولایت طاغوت و ولایت شیطان یک چنین چیزی است. لذا آیه‌ی قرآن می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»؛ پیشوایان و رهبرانی وجود دارند که پیروان و افراد تحت فرمان خود را به طرف آتش دوزخ و بدبختی میکشانند. آیه‌ی دیگر قرآن می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كَفْرًا؛ آیا نمی‌نگری به آن مردمی که نعمت پروردگار را کفران کردند؟ این نعمتی که کفران کردند چه بوده است؟» نعمت قدرت که مظهر قدرت پروردگار است، قدرت‌های دنیوی، نعمت سرشته‌داری اداره‌ی امور انسان، نعمت در دست داشتن استعدادها و اندیشه‌ها و نیروها و انرژی‌های فراوان از انسانها، اینها همه‌اش نعمت است، سرمایه‌هایی است که میتواند برای انسانیت منشأ خیر باشد. هر کس از این انسانها که تحت اختیار آن مردمی هستند که در این آیه مورد اشاره هستند، میتوانند انسانهای بزرگی باشند، میتوانند به عالی‌ترین مدارج کمال برسند؛ اما اینها به این نعمتها کفران کردند و در راهی به کار نیانداختند، در دنبالش می‌فرماید: خودشان به درک! قوم خود را و مردم تحت فرمان خود را به دیار نیستی و نابودی و هلاکت کشاندند: «و به جهنم کشاندند که در آن سرازیر و افکنده خواهند شد و چه بد جایگاه و محلّ استقرار است». این آیه را موسی بن جعفر علیه‌السلام برای هارون خواندند و به هارون فهماندند که تو همان کسی هستی که قومت را و خودت را به بدترین منزلگاه و هلاک‌بارترین جایگاه‌ها خواهی افکند؛ چون هارون سؤال کرده بود مگر ما کافر هستیم؟ و منظورش این بود که مگر ما معتقد به خدا و پیغمبر و دین نیستیم؛ لذا امام علیه‌السلام در جوابش این آیه را خواندند تا به او بفهماند که کافر فقط آن کسی نیست که راست، صاف و صریح می‌گوید: خدا نیست، قرآن دروغ است، یا پیغمبر مثلاً افسانه است؛ که این کافر است و بهترین نوع کافر است که صریحاً حرف خودش را میزند و آدم او را می‌شناسد و موضع‌گیری خودش را با او درست

تنظیم میکند.

کافر بدتر آن کسی است که این نعمت‌های عظیمی را که در اختیار اوست، کفران میکند و در مجرای غیرصحيح به کار می‌اندازد و نه فقط خود را به جهنم میبرد. ولایت طاغوت یک چنین چیزی است، آن کسی که تحت ولایت طاغوت زندگی میکند، گویی او اختیاری از خود ندارد، نمی‌گوییم به کلی بی‌اختیار است، بعد که آیه‌ی قرآن را که معنا کردم، تفسیر مطلب روشن میشود؛ اما در جریان سیل گرفته و دارد می‌میرد، میخواهد دست و پای بزند اما نمیتواند، میخواهد از راه جهنم برگردد و می‌بیند که هم افراد دارند به طرف جهنم می‌روند و او را هم با خودشان میکشانند؛ آیا به آن جاهایی که جمعیت زیادی هست رفته‌اید؟ دلت می‌خواهد از این طرف بروی اما جمعیت بی‌اختیار تو را مثل پر کاهی به طرف دیگر میبرد، کسی که تحت ولایت طاغوت است، میخواهد خوب باشد، خوب زیست کند، انسان زندگی کند، مسلمان بماند و مسلمان بماند اما نمیتواند؛ یعنی جریان اجتماعی او را میکشد و میبرد، آن‌چنان میبرد که دست و پای هم نمیتواند بزند، اگر دست و پا هم بزند، جز هدر دادن یک مقدار انرژی کار دیگری از پیش نبرده‌است، نه فقط نمیتواند دست و پا بزند، دردناک‌تر این است که حتی گاهی نمیتواند بفهمد.

نمیدانم این ماهی‌هایی را که از دریا صید میکنند دیده‌اید یا نه؟ گاهی هزاران ماهی در یک تور می‌افتد که از وسط‌های دریا آنها را به ساحل می‌کشند، اما هیچ‌یک از ماهی‌ها نمی‌فهمند که آنها را به کجا می‌برند و هر یک فکر میکند، که خودش مقصدی را با اختیار می‌رود اما در واقع بی‌اختیار است، مقصد او همانجاست که مقصد آن صیاد صاحب تور است. این تور نامریی نظام جاهلی، آن‌چنان انسان را میکشد، آن‌چنان به سویی که هدایت‌کنندگان آن تور مایل هستند، آدم را میکشاند که آدم نمی‌فهمد کجا می‌رود، گاهی هم خیال میکند که به طرف سرمنزل سعادت و رستگاری می‌رود، غافل از اینکه دارد به جهنم می‌رود: «جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَ يَكُونُ الْقَرَارُ». این ولایت طاغوت و ولایت شیطان است... با این وصف آیا میشود که در ولایت طاغوت مسلمان زیست؟ اصلاً مسلمان زیستن چیست؟ مسلمان زیستن یعنی تمام امکانات، انرژی‌ها، نیروها قدرت‌ها و استعدادهای انسان در بست در اختیار خدا بودن، مالشان و همه چیزشان در اختیار خدا، جانشان در اختیار خدا،

اندیشه و فکرشان در اختیار خدا.^۱

دشواری مسئله ولایت

بیان این مسئله بسی دشوارتر است. به خاطر اینکه آن قدر مسایل ضعیف و سست و غیر منطقی در زمینه ولایت در ذهنهای افراد عامی رسوخ پیدا کرده که وقتی آن حرف درست را، آن حرفی که با متن قرآن و متن حدیث منطبق است در باب ولایت میخواهی بگویی، یکی از دو اشکال پیش می‌آید؛ یا اشتباه میشود به همان حرفهایی که در ذهنها هست، یا احساس بیگانگی میشود نسبت به آنچه که به عنوان ولایت گفته میشود.^۲

هدف انبیا استقرار ولایت

هدف از همه زحماتی که پیغمبر اکرم و بزرگان دین و انبیاء الهی علیهم الصلاه والسلام، متحمل شده‌اند، استقرار ولایت الهی بوده‌است. گویا در روایتی از امام صادق علیه الصلاه والسلام است که در مقام هدف جهاد فی سبیل الله [و] مجموعه تلاش‌هایی که برای دین میشود، فرموده‌اند: «لیخرج الناس من عبادة العبيد الى عبادة الله و من ولاية العبيد الى ولاية الله». هدف این است که انسانها را از ولایت بندگان و بردگان - با معنای وسیعی که این کلمه دارد - خارج سازند و به ولایت الله نائل کنند.^۳

یکی بودن ولایت خدا و ائمه

ولایت خدا و ولایت ائمه دو تا نیست. ولایت ائمه با ولایت پیغمبر دو چیز نیست؛ همه‌اش یک چیز است. این ولایت یعنی همان پیوند؛ یعنی ارتباط؛ اتصال دو چیز به طوری که به آسانی آن دو چیز را نتوان از هم جدا کرد. من به عنوان یک آدمی که در زمینه مسایل اسلامی فکر میکند، وقتی که این ارتباط را میخواهم درست در فرهنگ اسلامی بفهمم، این جور استنباط میکنم که این ارتباط و این اتصال، اتصال فکری روحی و عملی است؛ در این سه شاخه ارتباط، اگر بین ما و ائمه، بین ما و خدا، بین ما و پیامبر ارتباط برقرار شد، ولایت برقرار است.^۴

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۶۲۰-۶۲۶.

۲. همان، ص ۵۱۶.

۳. بیانات در دیدار مسئولان کشوری و لشکری، به مناسبت عید غدیر خم، ۱۳۷۲/۳/۱۹.

۴. ولایت فقیه سایه‌ی حقیقت عظمی، ج ۲، ص ۶۰.

تلاش ائمه برای زنده کردن آب حیات بخش ولایت

تمام تلاش ائمه برای این بوده است که ولایت را زنده کنند، جامعه‌ی اسلامی را احیا کنند تا این نهالی را که به نام انسان در این مزرعه و در این باغستان و در این نهالستان غرس شده، با آب گوارای جانبخش حیات آفرین ولایت زنده و سرسبز و بالنده کنند.^۱

امامت، تجلی حکومت خدا

دین يك مجموعه احکام است اگر مسأله حکومت و ولایت را از دین بگیرند، دین یقیناً نخواهد توانست رسالت اساسی خود را به انجام برساند. اصولاً بدون امامت و ولایت جامعه مسلمین دارای نظام نیست از نظر اسلام افراد نمی توانند بر یکدیگر حکومت کنند. در غیبت پیامبران، فقهای امت، دین شناسان و آگاهان به شکل انسان حکومت خدا بر مردم را تجلی می دهند. با نگاهی به تاریخ متوجه می شویم اگر ائمه داعیه حکومت نداشتند هیچگونه تعرضی نسبت به آنها انجام نمی گرفت.^۲

رسالت و امامت دو منصب انبیاء

رسالت که منصب اولی پیامبران است، برای پیغمبران طرح‌های الهی را روشن میکند و امامت و ولایت که منصب دوم پیغمبران است، آنها را برای اداره‌ی جامعه مهیا میکند؛ یعنی منصب اداره‌ی جامعه منتها به شکل امامت به شکل ولایت؛ یعنی پیوند عمیق و جوشیدگی میان مردم و میان رهبر. ولایت و امامت برای پیامبران است که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ان رسول الله کان الامام» پیغمبر امام بود، ابراهیم (علیه السلام) امام بود. اولیای معصومین امامند و جانشین آنها آن کسانی که با آن صفتها و خصلتها معین شده‌اند، آنها امامند.^۳

ولایت تتمه و تداوم نبوت

مسئله‌ی ولایت در دنباله‌ی بحث نبوت است. یک چیز جدای از بحث نبوت نیست. مسئله‌ی ولایت در حقیقت تتمه و ذیل و خاتمه‌ی بحث نبوت است. اگر ولایت نباشد، نبوت هم ناقص میماند.^۴

۱. همان، ص ۶۴.

۲. چهارساله دوم، ص ۲۶۶.

۳. ولایت و حکومت، ص ۶۱ پاورقی ۱.

۴. طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۵۱۶.

امام، معیار سنجش و عامل توازن اجتماع

انبیاء دو هدف دارند؛ دو هدف مهم؛ یکی هدف اساسی ساختن انسان، پیراستن انسان از بدی‌ها، آراستن انسان به نیکی‌ها و فضیلتها و خوبی‌ها؛ خلاصه انسان را انسان کردن؛ این هدف بالاست؛ اما هدف دیگری که انبیا دارند که در نیمه‌ی راه این هدف قرار دارد، این است: تشکیل جامعه‌ی توحیدی، تشکیل نظام الهی، تشکیل حکومت خدا، تشکیل تشکیلاتی که با قوانین و مقررات الهی اداره شود، این همه‌ی هدف انبیاست...؛ «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ» به یقین فرستادیم پیامبران خود را «الْبَيِّنَاتِ» همراه با دلایل روشن و روشنگر... «وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ»... با آنها فرستادیم کتاب را، این یک؛ «وَالْمِيزَانَ» با آنها میزان هم فرستادیم، میزان یعنی ترازو یعنی چه؟ یعنی هر پیغمبری که آمد، یک ترازو زیر بغلش بود، بزرگ یا کوچک؟ نه منظور میزان یعنی وسیله‌ای که با او میتوان تعادل و توازن اجتماعی به وجود آورد... چیست آن وسیله؟... بنده مراجعه کردم در ذیل این آیه به احادیثی که وارد شده، دیدم یکی از چیزهایی که میزان را معنا کردند، میفرمایند: «المیزان الامام» و دیدم درست است کاملاً تطبیق میکند، الهام میگیریم ما از این حدیث [که] میزان امام است. امام آن کسی است که در جامعه باید حق را از باطل جدا کند، اوست که باید صفها را مشخص کند. اوست که باید تعادل و توازن اجتماعی را برقرار کند چرا؟ چون حاکم جامعه است. امام میزان است، معیار است، بدیها و خوبیها با او سنجیده میشود، راهها با او تطبیق میشود. به علاوه اوست که ناظر است در اجتماع به اینکه مردم از توازن و تعادل خارج نشوند.^۱

امام، راهکار جلوگیری از آفات دین‌داری و سیاست‌مداری

دین، یعنی صراط زندگی. اگر شما به یک جامعه‌ی انسانی و به یک کشور نگاه کنید، می‌بینید انسانها در این جامعه، برای مسایل شخصی، عاطفی، معیشتی و عمومی خود، فعالیت‌های متنوع و گوناگونی دارند. دین، همه‌ی این فعالیتها را جهت می‌دهد؛ آنها را هدایت میکند و به کمک خرد انسانی می‌شاید تا انسان بتواند این فعالیتها را طوری تنظیم کند و کنار هم بنشاند تا سعادت او را در دنیا و آخرت تأمین کند. تلاشهایی که انسانها میکنند، بعضی مربوط به مسایل شخصی آنهاست که بخش کوچکتری از فعالیت‌های انسانی را شامل میشود - مثل معیشت و معنویت و عواطف و

ارتباطات شخصی آنها با این و آن - اما بخش بزرگتر فعالیت‌های انسانی، فعالیت‌هایی است که در صحنه‌ی جامعه با تلاش جمعی صورت می‌گیرد، که به آن «سیاست» می‌گویند؛ سیاست‌های اقتصادی، سیاست‌های اجتماعی، سیاست‌های نظامی، سیاست‌های فرهنگی، سیاست‌های مدنی، سیاست‌های بین‌المللی. اینها بخش عمده‌ی تلاش انسانها در زندگی خود است. چرا عمده است؟ چون این سیاستها در واقع افراد را در فعالیت‌های شخصی خود به سمت و سوی خاصی میکشاند. عمده‌ی تلاش انسان، تلاش کلانی است که جهت‌گیریهای کلی فعالیت‌های شخصی و ریز و کوچک را هم جهت میدهد. دین، به هر دو صحنه مربوط میشود؛ هم صحنه‌ی تلاشهای فردی انسان، هم صحنه‌ی سیاست که صحنه‌ی بسیار گسترده و وسیعی برای زندگی انسان است.

دو آفت، هم دینداری را تهدید میکند و هم سیاست را. یکی از آفتهای دینداری این است که دینداری یک جامعه یا یک شخص، با انحراف یا بی‌مبالاتی یا تحجر و جمود یا فراموش کردن نقش عقل یا التقاط و از این چیزها همراه شود. آفت دیگر دینداری این است که دین به زندگی شخصی محدود شود؛ عرصه‌ی وسیع زندگی جمعی انسانها و جامعه را فراموش یا درباره‌ی آن سکوت کند و از آن کناره بگیرد.

دو خطر هم سیاست را تهدید میکند: یکی این است که سیاست از اخلاق فاصله بگیرد و از معنویت و فضیلت خالی شود؛ یعنی شیظنتها بر سیاست غلبه پیدا کند؛ هواهای نفسانی اشخاص، سیاست را قبضه کند؛ منافع طبقات زورگو و زرسالاران جوامع، سیاست را به دست گیرد و به این سمت و آن سمت بکشاند. اگر این آفت به سیاست خورد، آن‌گاه همه‌ی صحنه‌ی اجتماعی انسانها دچار عیب و آفت میشود. آفت دیگر سیاست این است که انسانهای کوتاه‌بین، کودک‌منش و ضعیف، سیاست را در دست گیرند و زمام سیاست از دستهای پرقدرت خارج شود و به دست انسانهای بی‌کفایت بیافتد.

راه کار چیست؟ بهترین شکل و راه کار این است که در رأس سیاست و اداره‌ی امور جوامع، کسانی قرار گیرند که دینداری و سیاستگذاری آنها این دو آفت را نداشته باشد؛ یعنی کسانی اداره‌ی امور جوامع را برعهده گیرند که دیندار و دارای معنویت باشند؛ فکر دینی آنها بلند باشد؛ از انحراف، خطا، التقاط و کج‌بینی در دین مصون باشند؛ از تحجر، جمود و متوقف ماندن در فهم دین برکنار باشند؛ دین را ملعبه‌ی دست زندگی خود نکنند؛ از لحاظ سیاست، انسانهای باکفایت و باتدبیر و

شجاعی باشند و سیاست را از معنویت، اخلاق و فضیلت جدا نکنند. چنین کسانی اگر زمام امور یک جامعه را به دست گرفتند، آن‌گاه جامعه از بیشترین خطراتی که ممکن است برای آن پیش آید، محفوظ خواهد ماند. اوج چنین وضعیتی کجاست؟ آنجاست که یک انسان معصوم از خطا و اشتباه در رأس قدرت سیاسی و دینی قرار گیرد. امام یعنی این.^۱

امام، قدرت متمرکز برای حرکت جامعه‌ی اسلامی

اینی که ما ارتباط با امام را این‌قدر مهم دانسته‌ایم، اینی که ما فرمان امام را در همه‌ی شئون زندگی جامعه نافذ دانستیم، این برای چیست؟ از کجا در می‌آید؟ اینجا که قرآن با ما حرف می‌زند- آن نکته، همینی است که دارم می‌گویم- اگر بخواهد یک جامعه‌ای و یک امتی که ولایت قرآنی را به این معنا داشته باشد؛ یعنی بخواهد تمام نیروهای داخلی‌اش در یک جهت به سوی یک هدف در یک خط به راه بیافتد و بخواهد تمام نیروهای داخلی‌اش علیه قدرتهای ضد اسلامی در خارج بسیج بشود، احتیاج به یک نقطه‌ی قدرت متمرکز در متن جامعه‌ی اسلام، به یک نقطه‌ای احتیاج دارد که تمام نیروهای داخلی به آن نقطه بپیوندند، همه از آنجا الهام بگیرند و همه از او حرف بشنوند و حرف گوش کنند و او تمام جوانب مصالح و مفاسد را بداند تا بتواند مثل یک دیده‌بان نیرومند قوی‌دستی و قوی‌چشمی هر کسی را در جبهه جنگ به کار مخصوص خودش بگمارد.

لازم است یک رهبری، یک فرمانده‌ای، یک قدرت متمرکزی در جامعه اسلامی وجود داشته باشد که این قدرت بداند از شما چه بر می‌آید، از من چه بر می‌آید، از انسانهای دیگر چه بر می‌آید تا به هر کسی آن کاری را که برای او لازم است بگوید عمل بکن. مثلاً در مقام تشبیه اگر بخواهم تشبیه کنم؛ این کارگاه‌های قالبی‌بافی را دیده‌اید؟ یک عده نشسته‌اند قالبی می‌بافند هرکسی دارد کاری میکند، هر بچه‌ای یا هر بزرگی که نشسته است، دارد نخ می‌بافد تا دم غروب دو سه تومان بگیرد. هر کدام دارند نشاطی و کاری را اینجا به خرج می‌دهند. اگر چنانچه این کارها هماهنگ نباشد، اگر یک فکر و چشم و قدرت بالاتری نباشد که مدام بنا کند، آن متن قالبی را بر طبق آن دستورهای خاص خواندن تا اینها بدانند چه نخ را به کار ببرند و چطور بزنند و چه جور ببرند، اگر یک چنین قدرت متمرکزی وجود نداشته باشد، این قالبی چه جوری در می‌آید؟ میبینید که طرف راستش حکایت از شرق میکند، طرف

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران حضرت علی بن موسی الرضا در روز عید سعید غدیر خم، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲.

چپش حکایت از غرب میکند، آن طرفش صحبت از قالی کردی میکند، آن طرف صحبت از قالی ترکمنی میکند، نقشها بی‌ترتیب، اصلاً یک چیز هجوی از کار در می‌آید. ... در جامعه اگر بخواهد، همه‌ی نیروها به کار بیفتند و همه در یک جهت به کار بیفتند و هیچ یک از نیروهایش هرز نرود و همه‌ی نیروهای جامعه به صورت یک قدرت متراکمی، به مصالح جمعی بشریت به کار بیاید و جامعه بتواند مثل مشت واحدی باشد در مقابل جناح‌ها و صف‌ها و قدرتهای متخاصم؛ احتیاج دارد به یک قدرت متمرکز، به یک دلی احتیاج دارد، به یک قلبی احتیاج دارد این جامعه و این پیکر عمومی امت اسلام. البته شرایطی هم دارد، باید خیلی آگاه باشد، باید خیلی بداند، باید خیلی باتصمیم باشد، باید چشمش دارای یک دید دیگری باشد، بایستی از هیچ چیزی در راه خدا نهراسد، بایستی اگر لازم شد، خودش را هم فدا کند، ما اسم یک چنین موجودی را چه می‌گذاریم؟ امام.^۱

شکوفایی تمام استعدادها در جامعه‌ی ولایی

جامعه‌ی دارای ولایت، جامعه‌ای میشود که تمام استعدادهای انسانی را رشد میدهد؛ همه‌ی چیزهایی که برای کمال و تعالی انسان خدا به او داده، اینها را بارور میکند؛ نهال انسانی را بالنده میسازد؛ انسانها را به تکامل می‌رساند؛ انسانیت‌ها را تقویت میکند.^۲

امامت، منصبی حقیقی

امامت یک چیز قراردادی نیست که من بیایم بگویم که فلانی امام باشد، فلانی نباشد؛ یعنی حالا آن کسی که راه بهتر بلد است، آن کسی که در مقابله با خطرهای شجاعت بیشتری دارد، آن کسی که زودتر از همه‌ی خفتگان قافله در سحرگاه بیدار میشود و دیرتر از همه در شامگاه میخوابد، آن کسی که تردیدها را تبدیل به قاطعیت میکند، تزلزل‌ها را تبدیل به صلابت و قدرت میکند آن کسی که هیچ لحظه‌ای از تصمیم بر حرکت منحرف نمیشود، آن کسی که بر سر دوراهی‌ها در سر چند راهی‌ها، خوب احساس میکند که فلان راه را باید انتخاب کرد و به تجربه نشان میدهد که همیشه راه موفق و درست را انتخاب میکند و خلاصه آن کسی که کاروان احساس میکند که وجود او و حضور او در این پویندگی، در این شتابندگی، در این کامیابی موثر هست، به‌طور طبیعی رهبر اوست.^۳

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۵۴۳-۵۴۴.

۲. ولایت فقیه سایه‌ی حقیقت عظمی، ج ۲، ص ۶۲.

۳. قبسات‌النور، ص ۹۰.

وجود امامت به معنای عام در همه‌ی ادیان

مسئله‌ی امامت یعنی پیشوایی جامعه و رهبری امت با معنای عام کلمه برای همه‌ی ادیان و برای همه‌ی فرق دین اسلام مطرح است. جامعه امامی لازم دارد و این امام دارای معیارهایی است.^۱

دنیا و آخرت مردم در دست دو دسته از امامان

مسئله‌ی امامت، یک مسئله‌ی مخصوص مسلمانها یا مخصوص شیعیان نیست. امامت یعنی یک فردی، یک گروهی بر یک جامعه‌ای حکمرانی میکنند و جهت حرکت آنها را در امر دنیا و در امر معنویت و آخرت مشخص میکنند. این یک مسئله‌ی همگانی است برای همه‌ی جوامع بشری. خوب، این امام دو جور میتواند باشد: یک امامی است که خدای متعال در قرآن میفرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ». این امامتی است که به امر پروردگار، مردم را هدایت میکند؛ مردم را از خطرها، از سقوطگاه‌ها، از لغزشگاه‌ها عبور میدهد؛ آنها را به سرمنزل مقصود و مطلوب از حیات دنیوی انسان- که خداوند این حیات را به انسان داده، برای رسیدن به آن مقصود میرساند و به آن سمت هدایت میکند. این یک جور امام است که مصداق آن، انبیای الهی‌اند؛ مصداق آن، پیغمبر اکرم است که امام باقر علیه الصلوة و السلام در منا مردم را جمع کرد و فرمود: «أَنْ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ هُوَ الْإِمَامُ». اولین امام، خود پیغمبر است. پیغمبران الهی، اوصیای پیغمبران، برگزیده‌ترین انسانها، از این دسته امامهای نوع اولند که اینها کارشان هدایت است، از سوی خدای متعال رهنمایی میشوند، این رهنمایی را به مردم منتقل میکنند: «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ»؛ کارشان کار نیک است، «وَأَقَامَ الصَّلَاةِ»؛ نماز را برپا میدارند که نماز رمز ارتباط و اتصال انسان به خداست «وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»؛ بنده‌ی خدا هستند، مانند همه‌ی انسانها که بندگان خدا هستند. عزت دنیوی آنها کمترین آسیبی به بندگی خدا در وجود آنها و در دل آنها نمیزند، این یک دسته.

یک دسته‌ی دیگر: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»، که در قرآن درباره‌ی فرعون وارد شده است. فرعون هم امام است. به همان معنا که در آیه‌ی اول «امام» استعمال شده بود، در اینجا هم امام به همان معناست؛ یعنی دنیای مردم و دین مردم و آخرت مردم، جسم و جان مردم، در قبضه‌ی

قدرت اوست، اَمَّا «يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»؛ مردم را به آتش دعوت میکنند، مردم را به هلاکت دعوت میکنند. سکولارترین حکومت‌های دنیا هم، علی‌رغم آنچه که ادعا میکنند، چه بدانند، چه ندانند، دنیا و آخرت مردم را در دست گرفته‌اند. این دستگاه‌های عظیم فرهنگی که امروز نسل جوان بشر را در چهارگوشه‌ی دنیا به سمت بداخلاقی، فساد و تباهی دارند حرکت و سوق میدهند، همان امامانی هستند که «يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ». دستگاه‌های قدرتند که به خاطر منافع خودشان، به خاطر حاکمیت‌های ظالمانه‌شان، به خاطر رسیدن به اهداف گوناگون سیاسی‌شان مردم را میکشانند؛ دنیای مردم هم دست آنهاست، آخرت مردم هم دست آنهاست، جسم و جان مردم در اختیار آنهاست.^۱

ولایت‌پذیری شرط بندگی

هر مسلمانی که مدعی بندگی خداست، باید ولی زندگی خود، فرمانروا، صاحب‌اختیار، فعالیت‌ها و نشاط‌های سراسر دوران عمر خود را از سوی خدا بداند و از خدا بخواهد و دست اطاعت به ولی‌الله بدهد.^۲

ولایت‌پذیری عامل توانایی و پویایی مسلمانان

مسلمانها اگر ولایت نداشته باشند، اگر به‌هم پیوسته‌ی صددرصد نباشند، میان آنها اختلاف به‌وجود بیاید، از برداشتن بار امانتی که بر دوش آنهاست، عاجز خواهند ماند، نمیتوانند این بار را به سر منزل برسانند.^۳

ولایت منسجم‌کننده نیروهای جامعه

دین یک مجموعه احکام است. آن چیزی است که این مجموعه احکام را با هم منسجم میکند، آنها را با هم سازگار میکند، آنها را در زندگی بشر خرد و قابل عمل میکند، جابه‌جا از آنها برای هدایت انسانها و رفاه زندگی آنها استفاده میکند، آن دست قدرتمند ولی جامعه اسلامی است و حاکم اسلامی؛ لذا در روایت معروف امام هشتم (علیه الصلاة والسلام) میفرماید: «الامامة زمام الدين و نظام المسلمين و صلاح الدنيا و عز المؤمنین»؛ امامت و رهبری جامعه و حکومت اسلامی و ولایت اسلامی - که همه‌ی این تعبيرات یک معنا دارد - این زمام دین است؛ چیزی است که به دین - یعنی

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۹/۹/۴.

۲. قبسات‌النور، ص ۸۵.

۳. همان.

به مجموعه‌ی احکام اسلامی - جهت می‌دهد؛ آنها را در جای خود مصرف می‌کند؛ در زندگی بشر نیازها را با آنها تطبیق می‌کند؛ مصالح جامعه را از میان آنها جستجو می‌کند و پیدا می‌کند و طبق آن عمل می‌کند. «نظام مسلمین است»؛ یعنی بدون امامت و ولایت و حکومت اسلامی، جامعه مسلمین دارای نظام نیست؛ آنچه که نظم می‌بخشد به این جامعه، باز دست مقتدر ولایت الهی است در جامعه. «وَصَلَّاحُ الدُّنْيَا»؛ اصلاً صلاح دنیا، آن چیزی که دنیا را آباد می‌کند، او حاکمیت اسلامی است که اگر این را ما از دین بگیریم، مطمئناً از مجموعه‌ی احکام دین، چیزی که بتواند این آثار را داشته باشد، باقی نخواهد ماند. بله! افرادی با عمل فردی و شخصی خودشان، با تلاش فراوان و مجاهدتی که بکنند، راه تکامل را به صورت فردی طی خواهند کرد؛ اما دنیا، دنیای آباد مورد نظر اسلام نخواهد شد. این اهمیت حکومت است که از همه‌ی احکام فرعی بالاتر است و جزو اصول اسلامی است و در ردیف مهم‌ترین اصول یا - همان‌طور که عرض کردم - خود، مهم‌ترین اصول اسلامی است.^۱

مودت پشوانه‌ی ولایت و اطاعت اولیاء الهی

ببینید در قرآن نسبت به اولیاء الهی سه تعبیر وجود دارد: یک تعبیر، تعبیر ولایت است؛ «إِنَّمَا وَلِيَّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»؛ بحث ولایت. معلوم است که پیوند، ارتباط، معرفت، اینها داخل در زیرمجموعه‌ی ولایت است. یک بحث، بحث اطاعت است؛ «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ اطاعت رسول و اطاعت اولی الامر، این، در عمل است. در میدان عمل باید اطاعت کرد، پیروی کرد.

اما یک بحث سومی وجود دارد و آن، بحث مودت است. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». این مودت چیست دیگر؟ ولایت اینها را داشته باشید، اطاعت هم از اینها بکنید؛ مودت برای چیست؟ این مودت، پشوانه است. اگر این مودت نباشد، همان بلایی بر سر امت اسلامی خواهد آمد که در دورانهای اول بر سر یک عده‌ای آمد که همین مودت را کنار گذاشتند، به تدریج اطاعت و ولایت هم کنار گذاشته شد. بحث مودت خیلی مهم است. این مودت، با این ارتباطات عاطفی حاصل میشود؛ ماجرای مصیبت‌های اینها را گفتن، یک جور ایجاد ارتباط عاطفی است؛ ماجرای

مناقب اینها و فضایل اینها را گفتن، یک جور دیگر پیوند عاطفی است.^۱

اعلام مسئله‌ی ولایت، رسالتی الهی

اینی که پیغمبر اکرم ﷺ حسّاس‌ترین زمان را برای اعلام مسئله‌ی ولایت انتخاب کرد، این انتخاب پیغمبر ﷺ نبود، انتخاب خدای متعال بود. از طرف پروردگار وحی رسید که: «بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ» نه اینکه پیغمبر ﷺ مسئله‌ی امامت و ولایت را از سوی پروردگار قبلاً نمیدانست؛ چرا، از اول بعثت برای پیغمبر مسئله روشن بود. بعد هم حوادث گوناگون این ۲۳ سال، آن‌چنان این حقیقت را عریان کرد و آشکار کرد که جای تردیدی باقی نمیگذاشت؛ اما اعلان رسمی باید در حسّاس‌ترین زمان اتفاق می‌افتاد و به دستور پروردگار اتفاق افتاد: «بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»؛ یعنی این یک رسالت الهی است که باید بگویی. بعد هم که در غدیر خم، در نزدیکی جحفه، نبی مکرم مردم را متوقف کردند، کاروانهای حجاج را جمع کردند و این مطلب را اعلان کردند، آیه‌ی شریفه آمد که: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي»؛ نعمت کامل شد، دین کامل شد. در سوره‌ی مبارک مائده قبل از آیه‌ی «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ»، این آیه‌ی مبارک است: «الْيَوْمَ يَتَسَاءَلُونَكَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ»؛ امروز روز یأس و ناامیدی دشمنان است؛ یعنی معیار مشخص شد، شاخص معلوم شد؛ امت هر وقت بخواهند، هر وقت چشم خود را بر حقیقت باز کنند، شاخص را خواهند دید، معیار را مشاهده خواهند کرد، تردیدی باقی نخواهد ماند. اهمیت غدیر این است.^۲

دو قلمرو ولایت

در باب ولایت، دو قلمرو اساسی هست: یکی قلمرو نفس انسانی است که انسان بتواند اراده‌ی الهی را بر نفس خودش ولایت بدهد و نفس خود را داخل ولایت‌الله کند. این، آن قدم اول و اساسی است و تا این نشود، قدم دوم هم تحقق پیدا نخواهد کرد. جانب و مرحله‌ی دوم این است که محیط زندگی را در ولایت‌الله داخل کند. یعنی جامعه، با ولایت الهی حرکت کند. هیچ ولایتی؛ ولایت پول، ولایت قوم و قبیله، ولایت زور، ولایت سنتها و آداب و عادات غلط نتواند مانع از ولایت‌الله

۱. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۷/۹/۲۲.

۲. بیانات در دیدار مردم به مناسبت عید غدیرخم، ۱۳۸۸/۹/۱۵.

شود و در مقابل ولایت الله عرض اندام کند.^۱

عدم حصر ولایت در سیاست

اگرچه ولایت یک امر سیاسی است، اما همه‌ی مضمون ولایت در سیاست خلاصه نمی‌شود. این ولایت، پرتوی از ولایت ذات مقدس پروردگار است. این ولایت، ناشی از حضور ولایت الهی در وجود امیرالمؤمنین علیه السلام است، همچنان‌که در وجود پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله بود. این ولایت، فرعی از آن اصل و میوه‌ای از آن ریشه است. لذا از آن به «ولایت» تعبیر شده است. ولایت در حقیقت به معنای پیوند، ارتباط و اتصال است. آن کسی که منصوب به این مقام است، برخلاف حکام و فرمانروایان عالم، فقط یک فرمانروا یا یک سلطان و یک حاکم نیست بلکه یک ولی است، به مردم نزدیک است، به آنها پیوسته است و مورد اتکای دل و جان مردم است. این معنا در امیرالمؤمنین و در ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام وجود دارد. بعد از دوران حضور ائمه هم اگر پرتوهای ضعیفی از این حقیقت در جایی پیدا شود، ولایت در آن‌جا شکل می‌گیرد. حقیقت و معنای واقعی امر این است. لذا نبی اکرم صلی الله علیه و آله در بیان صفات امیرالمؤمنین می‌فرماید: «اعدلکم فی الرعیة»، او عادل‌ترین شما در بین مردم است. هم عدالت درونی، معنوی و فردی امیرالمؤمنین مراد است و هم عدالت رفتاری و عدالت اجتماعی او. اینها چیزهایی است که در زبان به آسانی می‌شود بیان کرد، اما در تحقق و تبلور در عمل است که انسان به عظمت این حقیقت و کسانی که تجسم این حقیقت بوده‌اند، پی می‌برد. عدالت به معنای واقعی کلمه در وجود امیرالمؤمنین علیه السلام در رفتار او، در تقوای او و در توجه او حضور دارد. در رفتار بیرونی او هم عدالت تجسم پیدا میکند. امروز بعد از گذشت قرن‌ها، اگر بخواهیم عدالت را تعریف کنیم و آن را در ضمن مثال و نمونه بیان کنیم، هیچ مثالی رساتر و گویاتر از رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام نمیتوانیم پیدا کنیم. این است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله او را به امر پروردگار و با نصب الهی به مردم معرفی و به مقام ولایت منصوب میکند.^۲

زندگی مجموعه‌ی ائمه مانند زندگی یک انسان

زندگی ائمه در حقیقت مثل زندگی یک انسان است؛ یعنی شما نمیتوانید تفکیک قائل بشوید بین زندگی امام ششم و امام دهم و امام سوم. اینها یک نفرند. شما یک انسانی را فرض کنید که این

۱. بیانات در دیدار مسئولان کشوری و لشکری، به مناسبت عید غدیر خم، ۱۳۷۲/۳/۱۹.

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید غدیر خم، ۱۳۸۱/۱۲/۱.

انسان ۲۵۰ سال عمر کردند، ائمه‌ی ما همان یک انسانند از سال ده هجرت یعنی سال وفات پیغمبر تا سال ۲۶۰ هجرت یعنی سال غیبت امام زمان (عج) و وفات امام عسکری (عج) میشود ۲۵۰ سال که تمام مجموعه‌ی سالیان زندگی یک انسان است.^۱

ائمه (عج) اگر بعضی‌شان صلح کردند، بعضی‌شان جنگ کردند، بعضی‌شان سکوت کردند، بعضی‌شان قیام کردند، بعضی‌شان با خلیفه زمانشان درشت صحبت کردند، بعضی‌شان نرم صحبت کردند، بعضی‌شان عبادت کردند بعضی‌شان هجرت کردند، بعضی‌شان زندان رفتند، بعضی‌شان تبعید شدند، با اینکه حالات و کیفیات زندگیشان مختلف است، در مجموعه‌ی یک خط واحدند، یک حرکت واحد را دارند تکمیل میکنند و بوجود می‌آورند.^۲

ما اظهارات خود ائمه (عج) و روایاتی که صادر از زبان خود ائمه (عج) هست را، بهترین منبع و مدرک برای شناخت زندگی آنها میدانیم. منتهی قبلاً هم در یکی از گفتارها اشاره کردیم که ما این بیانات را در صورتی درست درک میکنیم که به جهت حرکت ائمه (عج) و مقصود و مقصد آنها از این مبارزه و تلاش و سیری که میکردند، آشنا باشیم.^۳

سؤالی مهم درباره‌ی ولایت‌مداری

مسئله‌ای که بعد از این پیش می‌آید، این است که من و شما آیا دارای ولایت هستیم یا نه؟ ممکن است من و شما دارای ولایت باشیم، اما آیا مجموعاً جامعه‌ی ما دارای ولایت هست یا نیست؟ ممکن است این سؤال پیش آید که مگر این دو یکی نیستند و با هم فرق میکنند؟ در جواب باید گفت: بله! اگر یک عضوی به خودی خود سالم باشد، سالم بودن یک عضو اولاً؛ نه به معنای سالم بودن همه‌ی بدن است و ثانیاً؛ یک عضو سالم اگر در یک بدن غیر سالم قرار گرفت، نمیتواند همه محسنات یک عضو سالم را دارا باشد.

اول ببینیم که یک انسان با ولایت چه جور آدمی است تا بفهمیم آیا من و شما دارای ولایت هستیم یا نه؟ اگر چنانچه ثابت و روشن شد که من و شما دارای ولایت هستیم؛ بعد باید ببینیم که جامعه چگونه باید باشد تا دارای ولایت باشد؟ هیچ مانعی ندارد که یک انسان دارای ولایت، در یک

۱. قبسات‌النور، ص ۱۹.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۰.

جامعه‌ی بی‌ولایت باشد. البته منظورم از نظر خود ایده است که می‌گوییم مانعی و اشکالی ندارد و گرنه خیلی هم اشکال دارد؛ حالا باید به این مسئله پرداخت که وقتی کسی خودش دارای ولایت بود، آیا دیگر مسئولیتش تمام شده است؟ و همین‌که خود او دارای ولایت شد، ولو اینکه در جامعه‌ی محروم و عاری از ولایت زندگی میکند، آیا این زندگی میتواند یک زندگی مطلوب باشد؟ و آیا اگر کسی خودش دارای ولایت بود؛ اما در یک جامعه‌ای زندگی کرد که آن جامعه بی‌ولایت بود و او در مقابل بی‌ولایتی جامعه مسئولیت احساس نکرد، همین عدم احساس مسئولیت، ولایت خود او را هم مصادوم و خراب نمیکند؟ اینها یک چیزهایی است که شما مرد مسلمان و زن مسلمان، مخصوصاً جوان مسلمان باید رویش فکر کنید، ممکن است من آنقدر فرصت و مجال نداشته باشم که تک‌تک اینها را شرح دهم و اگر بخواهم تک‌تک اینها را طوری شرح بدهم که مطلب به خوبی و به روشنی بیان شود و آن را همه بفهمند، لازم است که روی هر یک از اینها ساعت‌ها بحث کرد که متأسفانه وقت من آنقدرها نیست. این است که من مطلب را به اختصار می‌گویم و دقت در آن و موشکافی در آن را به خود شما واگذار میکنم.

حالا می‌پردازم به اینکه اولاً؛ یک انسان دارای ولایت چگونه انسانی است؟ ثانیاً؛ ما و جامعه و هیأت اجتماعی انسانهایی که یکجا جمع شده‌ایم، چگونه باشیم تا دارای ولایت باشیم و در چه صورت دارای ولایت نخواهیم بود؟ در چه صورتی یک جامعه، یک جامعه ولی و متولی و موالی، به صورتی که اسلام دستور داده [است] در می‌آید و در چه صورتی و در چه شرایطی از ولایتی که اسلام گفته محروم میماند.

مسئله‌ی سوم اینکه آیا یک انسانی که دارای ولایت است، تکلیف خودش با ولایت داشتن شخص خودش تمام شده است و دیگر تکلیف ندارد که جامعه‌ی دارای ولایت بسازد؟ و مسئله‌ی چهارم اینکه اگر یک آدمی خودش دارای ولایت بود و در یک جامعه‌ی محروم از ولایت زندگی میکرد و احساس تکلیفی نمیکرد که جامعه را دارای ولایت بکند. آیا این احساس تکلیف نکردن، ولایت خود او را هم مخدوش خواهد کرد؟ و همین‌که در فکر نیست که دیگران را هم دارای ولایت کند، همین به فکر نبودن، ولایت او را ضعیف و مخدوش نکرده است؟ اینها مسایلی است که باید بحث کنیم.

وقتی که این بحث کامل شد، خود شما این معنای مترقی عالی جالبِ خردپسندِ قرآن فرموده‌ی حدیث‌گفته‌ی ولایت را، با آن معنایی که آدم تنبیل از کاربگریز راحت‌طلبِ سهل‌گرای سهولت‌طلب،

پیش خودش تصور میکند مقایسه کنید تا ببینید تفاوت ره از کجا تا به کجاست. عده‌ای خیال میکنند که دارای ولایت بودن به این است که وقتی اسم اهل بیت می‌آید، کلمه علیه‌السلام را بگویند. خیال میکنند که دارای ولایت بودن به این است که محبت اهل بیت در دل انسان باشد، البته محبت اهل بیت داشتن واجب و فرض است و نام آن بزرگواران را با عظمت بردن، به نام آنها مجلس به پا کردن و از عزا و شادی آنها درس گرفتن، عزای آنها را گفتن، شادی آنها را گفتن، گریستن بر بزرگواری‌های آنها، بر شهادت‌های آنها، بر مظلومیت‌های آنها، همه‌ی اینها لازم است؛ اما همه‌ی اینها ولایت نیست، ولایت از این بالاتر است. آنکه در مجلس سیدالشهداء می‌نشیند و اشک میریزد، کار خوبی میکند، اما نباید اشک ریختن را برای دارا بودن ولایت کافی بداند، آن کسانی که ذهنشان تحت اثر تلقینات و القائات مغرضانه یا جاهلانیه‌ی بعضی از دست‌های مزدور و مغرض واقع شده‌است، درست دقت کنند که بعد گفته نشود با گریستن بر سیدالشهداء کسی مخالف است، ما می‌گوییم که گریستن بر امام حسین (علیه‌السلام) گاهی میتواند یک ملت را نجات بدهد.^۱

گفتار سوّم. صفات و ویژگیهای امام

امام، انسان کامل

تمام ابعادی که در شخصیت یک انسان از نظر اسلام دخیل است، در شخصیت اینها بود. هم از جنبه‌ی معنوی، هم از جنبه‌ی فکری، هم از جنبه‌ی علمی، هم در میدان تلاش و مجاهده، هم در اخلاق و برخورد با انسانها و در همه‌ی ابعادی که برای یک انسان تصور میشود، امامان شیعه نمودار کامل بودند و لذاست که ما در زیارت جامعه که زیارتی است که خطاب به همه‌ی امامان شیعه آن را می‌خوانیم، از جمله نام‌ها و تیتراهایی که برای امام ذکر میکنیم «و المثل الاعلی»؛ نمونه‌ی بالاتر، نمونه‌ی برتر یکی از عنوانها این است.^۲

امام در اوج اخلاق و بینش

امام معصوم، انسان والایی است که از لحاظ دینی، قلب او آیینیه‌ی تابناک انوار هدایت الهی است؛ روح او به سرچشمه‌ی وحی متصل است؛ هدایت او، هدایت خالص است؛ از لحاظ اخلاق انسانی،

۱. ولایت فقیه سایه‌ی حقیقت عظمی، ج ۴، ص ۹۷-۹۹

۲. ولایت و حکومت، ص ۹۳.

رفتار و اخلاق او صددرصد همراه با فضیلت است؛ هوای نفس در او راهی ندارد؛ گناه بر او چیره نمیشود؛ شهوت و تمایلات انسانی، او را مغلوب خود نمیکند؛ خشم و غضب، او را از راه خدا دور نمیکند؛ از لحاظ سیاسی، بینش وسیع او آنچنان است که آرامترین حرکات و ریزترین حوادث را در صحنه‌ی زندگی جامعه، با چشم تیزبین خود میبیند - که امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام فرمود: «والله لا اكون كالضبع تنام على طول اللدم»؛ یعنی من کسی نیستم که بشود با لالایی او را خواب کرد- در مواجهه‌ی با حوادث زندگی و وقایع کمرشکن، از خود شجاعت و اقتدار روحی و معنوی نشان میدهد؛ جانش برای او ارزشی ندارد؛ اما برای جان انسانها، حتی مردم دوردست، حتی زنانی که جزو پیروان دین او نیستند، ارزش قائل است و میگوید اگر کسی از غصه دق کند، حق دارد. امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام در مقابله با خطرهای آنچنان شجاعانه عمل میکند که میگوید کسی نمیتوانست با فتنه‌ای که من چشم آن را درآوردم- منظور، فتنه‌ی خوارج است- یا فتنه‌ی ناکثین درافتد. آن معنویت و دین و اخلاق و فضیلت از یک طرف، آن بینش عمیق، شجاعت، فداکاری و عواطف رقیق انسانی در کنار صلابت و استحکام معنوی و روحی از طرف دیگر؛ همه‌ی اینها ناشی از عصمت است؛ چون خدای متعال او را به مقام عصمت برگزیده است و گناه و اشتباه در کار او وجود ندارد. اگر چنین کسی در رأس جامعه باشد، اوج مطلوب همه‌ی رسالتهاست.^۱

امام، عالم و مصون و مظهر قرآن

آن مرکزی که در بطن جامعه و نسل جامعه‌ی اسلامی، همه‌ی جناح‌ها را اداره میکند، هر کسی را به کار لایق به شأن خودش مشغول میکند از تعارض‌ها جلوگیری میکند، نیروها را به یک سمت هدایت میکند، این باید از سوی خدا باشد، باید عالم باشد، باید آگاه باشد، باید مأمون و مصون باشد، باید یک موجود تبلور یافته‌ای از تمام عناصر سازنده‌ی اسلام باشد، باید مظهر قرآن باشد که اسم او را ما میگذاریم ولی.^۲

امام نمونه‌ی عینی مکتب

امام بایستی نمودار عینی مکتب باشد. یک مکتب برای اینکه خودش را تثبیت بکند، خودش را در باور مردم و در باور تاریخ جا بدهد، کافی نیست که فقط استدلال کند، باید نمونه‌ی عینی نشان

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا در روز عید سعید غدیر خم، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲.

۲. قبسات النور، ص ۸۷.

بدهد.^۱

امام باید با وجود خود، با تلاش خود، با چگونگی زندگی خود با تمام منشاها و شیوه‌هایی که از خود بروز می‌دهد، نشان بدهد که اسلام چگونه انسانی را می‌خواهد بسازد و این درست همان چیزی است که ما در ائمه شیعه می‌بینیم.^۲

امام الگوی امت

آنچه که بعد از معرفت اجمالی نسبت به این بزرگوار و سایر اولیاء برای ما مهم است، این است که توجه کنیم آن مثال‌اعلایی که خدای متعال در روی زمین به افراد بشر نشان می‌دهد تا انسانها بفهمند که الگو چیست و به سمت چه چیزی باید حرکت کنند، با دیدن امام امکان پیدا میکند. مهم این است. لذاست که امام، در مفهوم اسلامی صحیحش، به همان اندازه که با زبان و دستورات خود، انسانها را هدایت میکند، به همان اندازه یا بیشتر، با منش و شخصیت و رفتار خود، انسانها را جهت می‌دهد و آنها را به سمت راه راست هدایت میکند. این، مسئله‌ی مهمی است.^۳

گفتار چهارم. وظایف و مسئولیتهای امام

امام، متکفل دین و دنیای ما

امامی که در اینجا ذکر میکنند یعنی آن کسی که هم متکفل ارشاد و هدایت توست، از نظر دینی، هم متکفل اداره‌ی امور زندگی توست از نظر دنیا.^۴

امام، آموزش و تربیت

کار امام مانند کار پیغمبر به‌طور اصلی از دو بخش تشکیل میشود. یک بخش بخش فکری، فرهنگی، آموزش، تعلیم، تربیت و این چیزهاست.^۵

امام و زمامداری جامعه

امام دارای دو مسئولیت است، یک مسئولیت تشریح مکتب است و یک مسئولیت، مسئولیت

۱. همان، ص ۹۱.

۲. همان.

۳. بیانات در دیدار عمومی به مناسبت روز میلاد حضرت علی (ع)، ۱۳۷۲/۱۰/۶.

۴. قبسات‌النور، ص ۸۹.

۵. همان، ص ۹۱.

زمانمداری جامعه است.^۱

بخش دیگرش کار سیاسی است، فعالیت است، مبارزه است، حرکت است، انقلاب است که این جزء کارهای اصولی پیغمبر و امام است.^۲

امام یکی از کارها و مشاغل و شئونش این است که اگر نظام سیاسی و اجتماعی اسلام بر سر کار هست، آن را حفظ کند و اگر نیست کوشش کند که آن را به وجود بیاورد.^۳

امام حافظ مکتب و ایدئولوژی اسلام

امام باید ایدئولوژی را، آن ایدئولوژی توحیدی را، تفکر اسلامی را در تداوم زمان حفظ کند...؛ امام است که میتواند ایدئولوژی را تبیین کند، تشریح کند، تطبیق با مسایل زمان کند. او را از انحرافها و کجیها حفظ کند. شما میدانید اگر خط امامت در تاریخ اسلام نبود، یعنی امامت شیعی، یقیناً اسلامی که ما امروز داشتیم، اسلامی بود که با اسلام واقعی، فرسنگها فاصله داشت، هیچ چیز از اسلام نمیماند.^۴

امام (علیه السلام) در دوران حضور؛ همان مرزبان بیدار و هماره هوشیاری است که وظیفه‌ی حراست از مرزهای مکتب را که وی حافظ کلیت آن است، شخصاً بر دوش گرفته است؛ اما در دوران غیبت، به خصوص غیبت کبری وضع کاملاً تفاوت می‌یابد.^۵

گفتار پنجم. انتخاب امام

تعیین امام به دست خداست

امام، امام یعنی آن حاکم و پیشوایی که از طرف پروردگار در آن جامعه تعیین میشود... خود پیغمبر هم یک امام است: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»؛ خدای متعال به ابراهیم علیه السلام میگوید: من تو را امام قرار دادم.^۶

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ص ۹۲.

۵. پیام به کنگره‌ی جهانی هزاره‌ی شیخ مفید، ۱۳۷۲/۱/۲۸.

۶. ولایت و حکومت، ص ۷۰-۷۱.

امام مشخص به نام و امام مشخص به نشان

یک وقت این امام را خدا با نام و نشان معین میکند، می‌گوید بعد از پیغمبر باید علی بن ابی طالب علیه السلام مثلاً باشد. یک وقت امام را به نام، معین نمیکند، به نشان معین میکند مثل فرمایش امام علیه السلام: قَامَا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِتًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يَقْلُدُوهُ؛ امام معین کرد دیگر، این هم امام است. آن فقیهی که جانشین امام منصوص است، خود امام است منتهی امامی است که با نام معین نشده، با نشان معین شده، هر کسی که این نشان بر او تطبیق کرد میشود امام.^۱

انتخاب امام بر اساس معیارهای ارزشی

در اسلام از همه بیشتر و به طور انحصاری آنچه که مطرح است، معیارهاست. در هر کسی که معیارها بیشتر باشد، از نظر اسلام او اولویت بیشتر دارد. از هر نسلی، از هر نژادی، وابسته به هر خاندانی، واسطه به هر فامیلی، هیچ فرقی نمیکند. از هر قشری از قشرهای اجتماعی. در این آیه‌ای که تلاوت کردم، وقتی که ابراهیم علیه السلام از طرف پروردگار به منسب امامت و رهبری جامعه منسوب میشود، از خدای متعال سؤال میکند «قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي» آیا ذریه‌ی من و خانواده‌ی من هم از این منسب سهمی دارند؟ در جواب ابراهیم خدا می‌گوید: نه و نمیگوید: آری، میفرماید: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ». ملاک این نیست که ذریه‌ی تو باشد یا نباشد. مسئله این نیست که کسی که به امامت میرسد، باید فرزند ابراهیم علیه السلام باشد یا باید فرزند ابراهیم علیه السلام نباشد، مسئله این است که آن کسی که به مقام امامت میرسد و فرمان الهی را میگیرد، باید ظالم و ستمگر نباشد. ملاکها مطرحند نه نسبها و قرابتها و نسبتها.

در یک آیه‌ی دیگر قرآن در قصه‌ی طالوت و جالوت وقتی که پیغمبر آن قوم بنی اسرائیل طالوت را معین میکند، اعتراض میکنند که طالوت دارای مال نیست «وَلَمْ يُوْتْ سَعَةً مِنَ الْمَالِ؛ دارای گشایش در مال نیست، پولدار نیست، معلوم میشود که ثروتمندها و مترفین بنی اسرائیل این اعتراض را کرده بودند، در جواب إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ، صحبت سر مال نیست، صحبت سر وابستگی نیست، ملاک و معیار خویشاوندی نیست، سابقه نیست، «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ؛ خدا او را بر شما برگزید» و برگزیدن خدایی هم تابع معیارهاست، خدا با هیچ‌کس خویشاوندی ندارد.... بنابراین در

اسلام در منطق قرآن و در فرهنگ الهی، همه‌ی مقام‌های اجتماعی، همه‌ی مقام‌های معنوی که حکومت هم جزء مقام‌های معنوی است، تابع معیارهاست.^۱

امامت و مسئله‌ی وراثت

وراثت وقتی با ارزشها همراه باشد، عیب نیست در قرآن «و وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» داریم. یعنی سلیمان وارث ملک و حکومت داوود شد؛ اما سلیمان علیه السلام وارث پیغمبری داوود علیه السلام هم بود. همان معیاری که موجب میشد داوود علیه السلام به حکومت برسد، همان معیار در سلیمان هم بود. یا در اعتقاد ما شیعیان در امامت و وراثت معنوی پیغمبر وارث هست؛ اما وراثت به معنای عامل تعیین‌کننده نیست. ائمه علیهم السلام فرزندان زیادی داشتند؛ اما آن فرزندی که میتواند امامت را از پدر به ارث ببرد، آن کسی است که همه‌ی آن خصوصیات معنوی، آن علم، آن تقوا، آن عصمت که در امام قبل هست در او هم هست. آن وراثتی زشت است، آن وراثتی غیر قابل قبول است، ظلم است که منهای معیارها و ارزشها باشد.^۲

مطلب دوم. نسب و صفات امام زمان علیه السلام

گفتار اول. نسب حضرت مهدی علیه السلام

امام زمان علیه السلام از نسل پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله

مهدی علیه السلام از نسل طیب و طاهر پیغمبر صلی الله علیه و آله برای اقامه‌ی دین خدا و حق الهی قیام خواهد کرد.^۳

امام زمان علیه السلام جویباری از کوثر فاطمه علیها السلام

بیشترین سنی که برای فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها طبق تواریخ مختلف گفته میشود، از هجده سال است تا بیست و دو سال. از آن تکریمی که امیرالمؤمنین برای ایشان قائل است، و از آن تکریمی که در روایات و کلمات همه‌ی ائمه علیهم السلام درباره‌ی فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها آمده، انسان میفهمد که چه عظمت و شیفته‌گی‌یی در کلمات ائمه نسبت به فاطمه‌ی زهرا موج میزند. هریک از ائمه شط خروشان هستند که فضای معرفت و استعدادهای بشری را سیراب و بارور کرده‌اند و همه‌ی این جویبارها از این چشمه سرازیر میشوند؛ چشمه‌ی جوشان فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها. روایات صادقین علیهم السلام، عظمت

۱. ولایت و حکومت، ص ۱۸۸-۱۸۹.

۲. ولایت و حکومت، ص ۱۳۵.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار افشار مختلف مردم، در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۴/۹/۱۳۷۷.

حضرت رضا علیه السلام و موسی بن جعفر علیه السلام و ائمه‌ی بعدی، مقام والای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه، همه جویبارهای آن کوثرند؛ آن کوثر تمام نشدنی، آن چشمه‌ی جوشان؛ برکات فاطمه‌ی زهرا اینهاست.^۱
ان شاء الله آن فرزند فاطمه علیها السلام و آن عبد صالح الهی برای شما دعا کند و دعای آن بزرگوار در حق همه مستجاب خواهد بود.^۲

امام زمان علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام

فرزند مبارک پاک‌نهاد امام حسن عسکری علیه السلام، تاریخ ولادتش معلوم است.^۳

گفتار دوم. صفات حضرت مهدی

ولی الله الاعظم

امیدواریم که خدای متعال به همه‌ی شما توفیق عنایت کند، راه را به ما نشان دهد، ما را در پیمودن آن راه کمک کند... ما را مشمول رضای ولی الله الاعظم، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار بدهد.^۴

خداوند نظر و عنایت و لطف ولی الله الاعظم ارواحنا فداه را همیشه به این ملت مستمر و مستدام بدارد.^۵

با سلام به حضرت ولی الله الاعظم روحی فداه به دعا و توجه و حمایت آن صاحب اصلی کشور و ملت دل می‌بندم.^۶

بقیه الله

یکی از آن خورشیدهای فروزان، به فضل و کمک پروردگار و به اراده‌ی الهی، امروز در زمان ما به عنوان بقیه الله فی ارضه... در روی زمین وجود دارد.^۷

۱. بیانات در دیدار مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه علیها السلام، ۱۳۸۳/۵/۱۷.

۲. بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌های انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان و مسئولان امور تربیتی سراسر کشور ۱۳۷۹/۱۲/۸.

۳. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۴. سخنرانی در دیدار با مسئولان دفاتر نهضت سوادآموزی و... جمعی از ناظران و اعضای هیئت نظارت شورای نگهبان، ۱۳۶۹/۷/۴.

۵. سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از کارگران و معلمان سراسر کشور، به مناسبت روز جهانی کارگر و روز معلم، ۱۳۷۰/۲/۱۱.

۶. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۴/۳/۲۵.

۷. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور همزمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۸/۹/۳.

منتظر

حکمت الهی اقتضا کرده است که این انتظار بزرگ را، هم ما داشته باشیم و هم خود آن بزرگوار. انتظار روزی که این بزرگوار، با یک قیام بزرگ و یک حرکت عظیم و الهی - مثل حرکت انبیا - به اضافه‌ی توفیق قطعی در برخورد با جبهه‌ی کفر و نفاق، بتواند دنیا را از ظلم، بی‌عدالتی، تبعیض، زورگویی و استثمار نجات دهد.^۱

صاحب الزمان

به اراده‌ی الهی، امروز در زمان ما... صاحب زمان و ولی مطلق الهی در روی زمین وجود دارد.^۲ وضع مطلوب با دست قدرتمند... مهدی صاحب زمان صلوات الله علیه و عجل الله فرجه و ارواحنا فداه تحقق پیدا خواهد کرد.^۳

امید و منجی بشریت

درود و سلام... بر حجت حق و امام زمان و امید مطلق جهان، حضرت حجة بن الحسن المهدی ارواحنا فداه و عجل الله فرجه.^۴

ای سید بزرگوار ما! ای مرکز عشق و محبت و سوز ما و ای نقطه‌ی اوج امید بشر!^۵ اصل امید به یک آینده‌ی روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت‌گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتفاق همه‌ی ادیانی است که در عالم سراغ داریم.^۶

الگوی انسانها

درود و سلام بی‌پایان بر پیامبر بزرگ خدا، حضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم باد که مزده‌ی نجات بشر را با خود آورد و راه صلاح و سعادت را به او باز نمود و آزادگی و سربلندی دنیا و آخرت را نصیب مؤمنان ساخت؛ و بر خاندان پاکش، که معلّمان بشر و الگوهای انسان کامل و رهروان و

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، در روز نیمه شعبان، ۱۳۷۷/۹/۱۴.

۲. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور همزمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی (ع.ج)، ۱۳۷۸/۹/۳.

۳. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۴. پیام به مناسبت «روز شییدان» در دهه‌ی فجر، ۱۳۷۷/۱۱/۱۴.

۵. بیانات در دیدار اعضای «نیروی هوایی» ارتش در روز نیروی هوایی، ۱۳۷۱/۱۱/۱۹.

۶. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

رهبران راه بهشت در دنیا و آخرتند؛ به ویژه بر حجت حق و امام زمان علیه السلام.^۱

حافظ و نگهبان

وجود مقدس ولی عصر ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه الشریف، خود ناظر و حافظ و نگهبان حوزه‌های علمیه است؛ حافظ و پشتیبان علمای بزرگ است؛ هدایت‌کننده دل‌های مراجع و دل‌های مردم است.^۲

حجة الله

یکی از آن خورشیدهای فروزان، به فضل و کمک پروردگار و به اراده‌ی الهی، امروز در زمان ما... به عنوان حجة الله علی عباده... وجود دارد.^۳

درود و سلام و تحیت تو بر... مهدی منتظر و حجت خدا بر زمین.^۴

سید و سالار همه

حضرت بقية الله الاعظم هم که سید و سالار همه‌ی ماست.^۵

رئیس و مدبر امور

از حضرت بقية الله الاعظم... رئیس و مدبر امور ماست و سر رشته‌ی کار ما در دست اوست، کمک بخواهید.^۶

خورشید عصر غیبت

یکی از آن خورشیدهای فروزان، به فضل و کمک پروردگار و به اراده‌ی الهی، امروز در زمان ما... وجود دارد. برکات وجود او، [و] انوار ساطعه از وجود او، امروز هم به بشر می‌رسد... این خورشید معنوی و الهی بازمانده‌ی اهل بیت است.^۷

چشم‌های ناقابل و تیره‌ی ما، آن چهره‌ی ملکوتی را از نزدیک نمی‌بینند؛ اما او مثل خورشیدی درخشان

۱. پیام به مناسبت «روز شهیدان» در دهه‌ی فجر، ۱۳۷۱/۱۱/۱۴.

۲. بیانات در دیدار عمومی به مناسبت روز ولادت باسعادت حضرت جواد علیه السلام و در آستانه میلاد بابرکت حضرت علی علیه السلام، ۱۳۷۲/۹/۲۳.

۳. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۷/۹/۲.

۴. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۷۰/۲/۲۶.

۵. بیانات در دیدار روحانیون و طلاب ایرانی و خارجی در صحن «مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم»، ۱۳۷۴/۹/۱۶.

۶. همان.

۷. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۷/۹/۲.

است. با دلها مرتبط و با روحها و باطنها متصل است... خیلی از بزرگان ما در همین دوران غیبت، آن عزیز و محبوب دلهای عاشقان و مشتاقان را از نزدیک، زیارت کرده‌اند.^۱

کانون اسمای الهی

کسی که اعتقاد به این مسئله (امام زمان) دارد، چون با مرکز تفضلات الهی و نقطه‌ی اصلی و کانون اشعاع رحمت حق، رابطه‌ای روحی برقرار میکند، توفیق بیشتری برای برخورداری از وسایل عروج روحی و تقرب إلى الله دارد. به همین خاطر است که اهل معنا و باطن، در توسلات معنوی خود، این بزرگوار را مورد توجه و نظر دائمی قرار میدهند و به آن حضرت توسل میجویند و توجه میکنند. نفس پیوند قلبی و تذکر و توجه روحی به آن مظهر رحمت و قدرت و عدل حق تعالی، انسان را عروج و رشد میدهد و وسیله‌ی پیشرفت انسان را- روحاً و معنأ- فراهم میکند.^۲

روح عالم وجود

به فضل پروردگار، عنایات و الطاف حضرت ولی الله الاعظم (عجله الله تعالی فرجه) روح عالم وجود و دردانه‌ی همه‌ی هستی که خدا در معرفت و محبت او بر ما منت نهاده است- شامل این ملت خواهد شد.^۳

مظهر عدل

مظهر عدل پروردگار، امام زمان (عج) است و میدانیم که بزرگترین خصوصیت امام زمان (علیه الصلوة والسلام) که در دعاها و زیارات و روایات آمده است، عدالت میباشد: «یلا الله به الارض قسطا و عدلا».^۴

منبع علم و برکت

امروز وجود مقدس حضرت حجت - ارواحنا فداه - در میان انسانهای روی زمین، منبع برکت، منبع علم، منبع درخشندگی، زیبایی و همه‌ی خیرات است.^۵

ما همین قدر میدانیم که وجود مقدس امام زمان، مصداق وعده‌ی الهی است. همین قدر میدانیم که این بازمانده‌ی خاندان وحی و رسالت، علم سرافراز خدا در زمین است. «السلام علیک ایها العلم المنصوب و

۱. همان.

۲. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۳. بیانات در مانور عظیم عاشورا توسط «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، ۱۳۷۴/۳/۲۵.

۴. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان (عج)، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۵. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۸/۹/۳.

العلم المصوب و الغوث و الرحمة الواسعة وعدا غیر مکذوب».^۱

امام حی و موجود

انتظار یعنی این آینده حتمی و قطعی است؛ به خصوص انتظار یک موجود حی و حاضر؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است. این جور نیست که بگویند کسی متولد خواهد شد، کسی به وجود خواهد آمد؛ نه، کسی است که هست، وجود دارد، حضور دارد، در بین مردم است. در روایت دارد که مردم او را می‌بینند، همچنانی که او مردم را می‌بیند، منتها نمی‌شناسند. در بعضی از روایات تشبیه شده است به حضرت یوسف که برادران او را میدیدند، بین آنها بود، در کنار آنها بود، روی فرش آنها راه میرفت؛ ولی نمی‌شناختند. یک چنین حقیقت بارز، واضح و برانگیزاننده‌ای (است).^۲

حجت خدا در بین مردم زنده است؛ موجود است؛ با مردم زندگی میکند؛ مردم را می‌بیند؛ با آنهاست؛ دردهای آنها، آلام آنها را حس میکند.^۳

میثاق الهی

این ولادت بزرگ [ولادت امام زمان] و این حقیقت عظیم، متعلق به یک ملت و یک زمان خاص نیست؛ بلکه متعلق به بشریت است. این «میثاق الله الذی أخذ و وکده»، میثاق خدا با انسان است. «وعد الله الذی ضمنه»؛ این، وعده‌ی خداست که تحقق آن را ضمانت کرده است.^۴

وارث انبیاء

انبیای الهی از آغاز تاریخ بشریت، یکی پس از دیگری آمدند تا جامعه را و بشریت را قدم به قدم به آن جامعه‌ی آرمانی و آن هدف نهایی، نزدیک کنند. انبیاء همه موفق شدند. حتی یک نفر از رسولان الهی هم در این راه و در این مسیر ناکام نماند. باری بود که بر دوش این مأموران عالی‌مقام، نهاده شده بود. هر کدام قدمی آن بار را به مقصد و سرمنزل نزدیک کردند؛ کوشش کردند؛ هرچه توان داشتند، به کار برند. آن وقتی که عمر آنان سر آمد؛ این بار را دیگری از دست آنان گرفت و همچنان قدمی و مسافتی آن را به مقصد نزدیک‌تر کرد. ولی عصر صلوات الله علیه میراث بر همه‌ی پیامبران الهی است که می‌آید و

۱. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر (عج)، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۲. سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۳. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر (عج)، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۴. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

گام آخر را در ایجاد آن جامعه‌ی الهی بر میدارد.^۱

وجود مقدّس حضرت بقیة الله ارواحنا فداه استمرار حرکت نبوت‌ها و دعوت‌های الهی است، از اوّل تاریخ تا امروز؛... آن داعیان الهی، امروز سلسله‌یشان قطع نشده است و وجود مقدّس بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه ادامه‌ی سلسله‌ی داعیان الهی است، که در زیارت آل یاسین میخوانید: «السّلام علیک یا داعی الله و ربّانی آیاته». یعنی شما امروز همان دعوت ابراهیم علیه السلام، همان دعوت موسی علیه السلام، همان دعوت عیسی علیه السلام، همان دعوت همه‌ی پیغمبران و مصلحان الهی و دعوت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله را در وجود حضرت بقیة الله صلی الله علیه و آله مجسم می‌بینید. این بزرگوار، وارث همه‌ی آنهاست و دعوت و پرچم همه‌ی آنها را در دست دارد و دنیا را به همان معارفی که انبیا در طول زمان آورده‌اند و به بشر عرضه کرده‌اند، فرامیخواند. این، نکته‌ی مهمی است.^۲

واسطه‌ی فیض

سلسله‌ی اهل بیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله در طول تاریخ خورشیدهای فروزانی بوده‌اند که در معنا توانسته‌اند، بشریت روی زمین را با عالم غیب و با عرش الهی، متصل کنند: «السبب المتصل بین الارض و السماء». خاندان پیغمبر، معدن علم، معدن اخلاق نیکو، معدن ایثار و فداکاری، معدن صدق و صفا و راستی، منبع همه‌ی نیکیها، زیباییها و درخشندگی‌های وجود آدمی در هر عصر و عهدی بوده‌اند؛ هریک چنین خورشید فروزانی بوده‌اند.^۳

برکات وجود او (حضرت مهدی) و انوار ساطعه از وجود او، امروز هم به بشر میرسد. امروز هم انسانیت با همه‌ی ضعفها، گمراهیها و گرفتاریهایش از انوار تابناک این خورشید معنوی و الهی که بازمانده اهل بیت است، استفاده میکند.^۴

نوح امت

این نوح، امام زمان علیه السلام است... نوح این کشتی اوست، پشتیبان این امت اوست، واسطه‌ی فیض الهی به یکایک آحاد ما، به دل‌های ما، به جان‌های ما، به ذهن‌های ما، به جسم‌های ما، به حیات فردی و اجتماعی،

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب در خطبه نماز جمعه، ۱۳۵۷/۴/۶.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۳. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۸/۹/۳.

۴. همان.

وجود مقدس خاتم‌الوصیاء و در رتبه‌ی قبل از او، وجود مقدس خاتم‌الانبیا صلی‌الله‌علیه‌وآله است.^۱

وعده الهی

وجود مقدس امام زمان، مصداق وعده‌ی الهی است. این بازمانده‌ی خاندان وحی و رسالت، عَلم سرافراز خدا در زمین است. «السَّلامُ عَلَیکَ ایُّهَا الْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَ الْغُوثُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَ عِدَا غَیْرِ مَکْذُوبٍ» او وعده‌ی الهی و مصداق لطف خدا بر انسانیت و بشریت است.^۲

هدایتگر انسانها

وجود مقدس ولی‌عصر ارواحنا فداه و عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه الشَّریف...هدایت‌کننده‌ی دل‌های مراجع و دل‌های مردم است.^۳

حاضر و ناظر

برای انسانی که دارای معرفت باشد، موهبتی از این برتر نیست که احساس کند، ولی خدا، امام بر حق، عبد صالح، بنده‌ی برگزیده در میان همه‌ی بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین، با او و در کنار او است؛ او را می‌بیند و با او مرتبط است.^۴

امام زمان علیه‌السلام امانت و گوهر درخشنده‌ی عظیم آفرینش در میان ما، امروز بی‌گمان بیش از هر زمان، متوجّه و مراقب این ملت است.^۵

این بزرگوار، در فضای ذهنی و معنوی جامعه ما، حضور دارد و جوانان مؤمن و با اخلاص نیز با آن حضرت، قلباً در ارتباط هستند. این ارتباط، به معنای حقیقی کلمه، دوجانبه است و در حالات برجسته شور و محبت و احساس و عواطفی که ملت ایران، نسبت به این بزرگوار دارند، این ارتباط طرفینی است.^۶

امام معصوم و بازمانده‌ی عترت پیغمبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام در طول این زمان‌های اخیر، در میان جوامع بشری بوده است؛ امروز هم در میان ما است.^۷

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۶/۲۸.

۲. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر علیه‌السلام، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۳. بیانات در دیدار عمومی به مناسبت روز ولادت باسعادت حضرت جواد علیه‌السلام و در آستانه میلاد بابرکت حضرت علی علیه‌السلام، ۱۳۷۳/۹/۲۳.

۴. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی علیه‌السلام، ۱۳۷۸/۹/۲.

۵. بیانات در خطبه نماز جمعه، ۱۳۵۹/ ۱۰/ ۱۹.

۶. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۵/۱۰/۸.

۷. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۷/۹/۱۵.

یک نکته دیگر در مسئله‌ی مهدویت این است که عقیده‌ی ما این است که امام زمان ارواحنا فداه متوجه و ناظر بر رفتار و عمل ماست؛ اعمال ما بر او عرضه میشود.^۱

ما بر طبق این عقیده و این بینش آن منتظر را میشناسیم، نام او و خصوصیات او را میدانیم. معتقدیم که او در میان ماست از امت اسلامی و از گرفتاریها و سختیها و شادیها و غمهای آنها جدا نیست.^۲

طول عمر امام زمان علیه السلام و آسانی درک آن

اثبات قضیه‌ی طول عمر و امثال آن، خیلی آسان است؛ اصلاً در خور اهمیت نیست. بیشتر توجه ما به این نکته منعطف شده است که به اشکالات مسئله‌ی طول عمر پاسخ دهیم. خدایی که میتواند ۱۴۰ سال عمر بدهد، میتواند ۱۴۰۰ سال عمر بدهد؛ اینکه دیگر خیلی مشکلی ندارد.^۳

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۲. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۴۹.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دسته‌جمعی روزهای دوشنبه، ۱۳۷۵/۱۰/۳.



بخش پنجم. غیبت امام زمان ﷺ



مطلب اول. زمان‌شناسی عصر غیبت

گفتار اول. غیبت صغرا و کبرای امام زمان (عج)

غیبت صغرا، دورانی پیچیده

دوره‌ی غیبت صغرا... از پیچیده‌ترین و حسّاس‌ترین برهه‌ها در تاریخ تشیع است.^۱ در تاریخ دوران زندگی ائمه علیهم‌السلام به نام اشخاصی برمیخوریم که به خاطر احداث بدعتی یا تأسیس راه غلطی و ترویج عقیده‌ی باطلی، صریحاً از سوی ائمه علیهم‌السلام مورد طعن و رد قرار گرفته‌اند، مانند محمد بن مقلاص معروف به ابی‌الخطاب، یا ابن ابی العزاقر معروف به شلمغانی (که این مورد در دوران غیبت صغری اتفاق افتاده است) و کثیری امثال آن.^۲

غیبت کبرا، دوران انقطاع کامل شیعیان از امام غائب و خطر وقوع انحراف

پس از آغاز دوران غیبت و به ویژه بعد از انتهای دوره‌ی ۷۴ ساله‌ی غیبت صغری و انقطاع کامل شیعیان از امام غائب ارواحنا فدا، یکی از خطراتی که کلیت مکتب اهل بیت را تهدید می‌کرد، این بود که اشتباه و انحراف عمدی یا غیر عمدی کسانی از منسوبین به این مکتب، چیزهایی را از آن کاسته یا به آن بیافزاید، و یا بر اثر کم رنگ شدن مرزبندی‌های اصولی مکتب، خطوط انحرافی با آن آمیخته و انحرافات مسلکهای اعتقادی یا مذهبهای جعلی با حقایق آن ممزوج گردد.^۳

گفتار دوم. امام غایب اما حاضر

امام بزرگوار، عزیز، معصوم و قطب عالم امکان و ملجأ همه‌ی خلائق، اگرچه غایب است و ظهور نکرده؛ اما حضور دارد. مگر میشود حضور نداشته باشد؟ مؤمن، این حضور را در دل خود و با وجود و حواس خویش حس میکند. آن مردمی که می‌نشینند، راز و نیاز میکنند؛ دعای ندبه را با توجه می‌خوانند و زیارت آل یاسین را زمزمه میکنند و می‌نالند، می‌فهمند چه می‌گویند. آنها حضور این بزرگوار را حس میکنند؛ و لو هنوز ظاهر نشده و غایب است. غیبت او، به احساس حضورش ضرری

۱. پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره‌ی بین‌المللی بزرگداشت ثقة الاسلام کلینی، ۱۳۸۸/۲/۱۷.

۲. پیام به کنگره‌ی جهانی هزاره‌ی شیخ مفید، ۱۳۷۲/۱/۲۸.

۳. همان.

نمیزند. ظهور نکرده است؛ اما هم در دلها و هم در متن زندگی ملت حضور دارد. مگر میشود حضور نداشته باشد؟ شیعه‌ی خوب کسی است که این حضور را حس کند و خود را در حضور او احساس نماید.^۱

گفتار سوّم. ظلم فراگیر در عصر غیبت

نظم بشری غیر عادلانه در عصر ما

امام زمان علیه الصّلاة و السّلام برای اینکه فرج برای همه‌ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور میکند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه‌ی بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده‌ی بشر را نجات بدهد. این معنایش این است که آنچه را که امروز وجود دارد؛ این نظم بشری غیر عادلانه، این نظم بشری‌ای که در آن انسانهای بی‌شماری مظلوم واقع میشوند، دلهای بی‌شماری گمراه میشوند، انسانهای بی‌شماری فرصت عبودیت خدا را پیدا نمیکند، مورد رد و اعتراض بشری است که منتظر ظهور امام زمان عجله الله تعالی فرجه است.^۲

روزگار کنونی تاریک‌ترین ادوار زندگی بشر

دنیا در طول تاریخ طولانی بشر، ادوار سیاه و تاریکی به خود دیده است؛ اما بدون شک، یکی از تاریک‌ترین ادوار زندگی بشر و تلخ‌ترین روزگارهای عمومی مردم عالم، همین روزگار کنونی است که در آن هیچ تردیدی نباید کرد و این به‌خاطر تسلط روزافزون قدرتهای شیطانی و بزرگ عالم بر زندگی انسانهاست. اگر شما به وضع دنیا نگاه کنید، قضیه روشن میشود. در دنیا، قدرتها عالم را بین خودشان تقسیم کرده بودند و روزبه‌روز تسلط و تصرف قدرتهای بزرگ نسبت به مناطق گوناگون عالم، سخت‌تر و سنگین‌تر شده است. مثلاً امروز دخالت قدرت شیطانی و طاغوتی آمریکا در زندگی ملت‌ها، از همیشه بیشتر است. در همه‌ی شئون عمده و اساسی ملت‌ها دخالت میکنند و این دخالت، منحصر به مسایل اقتصادی ملت‌ها نیست؛ بلکه در فرهنگ، سیاست و اداره‌ی امور و تعیین مدیران امور کشورها نیز دخالت میکنند.^۳

۱. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجله الله تعالی فرجه ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۲. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان عجله الله تعالی فرجه، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

دنیا مثل همیشه پر از ظلم و جور

در روایات دارد «یَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْماً وَ جُوراً» این در بسیاری از روایات همین بیان هست؛ یعنی خدای متعال به وسیله‌ی امام زمان (عج) دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، همچنانی که این دنیا پر از ظلم و جور بوده است. کی دنیا پر از ظلم و جور بوده؟ در طول تاریخ از این قبیل زیاد داریم که دنیا پر از ظلم و جور بوده. آن روزی که نغمه‌ی حق‌طلبی در میان ملت‌ها نبوده، آن روزی که فرعون بود و موسی (ع) ظهور نکرده بود. آن روزی که نمرود بود و ابراهیم، تبر بت‌شکنی را به دست نگرفته بود، آن روزی که امریکا و قدرتهای بزرگ جهانی هر کار میخواستند میکردند و از انقلاب اسلامی ما هنوز خبری نبود و امام ما قامت برای مبارزه نیاراسته بود. این روزها در تاریخ بشریت، بسیار وجود دارد که دنیا پر از ظلم و جور بوده، این حدیث است.^۱

تبعیض و تحقیر بشریت حتی در عصر تمدن

این بدبختی‌هایی که شما می‌بینید روی زمین را فرا گرفته است و در زیارتها و آثار مربوط به ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) آمده است: «کَمَا مَلَأَتْ ظُلْماً وَ جُوراً»؛ زمین در تمام دوره‌های تاریخ، پر از ظلم و جور شده است و میشود و آن بزرگوار می‌آید، همه‌ی زمین را از قسط و عدل پر میکند، این ظلم و جور روی زمین، بر اثر چیست؟ بر اثر نبود یا کمبود انسان صالح، بر اثر سروری و خدایگانی انسانهای ناصالح.

دنیا امروز از چه مینالد؟ پاسخش روشن است. دنیا امروز از تبعیض مینالد، از محرومیت‌های تحمیل شده بر انسانها مینالد، از تحقیر انسان مینالد، از پر شدن فضا، از گند غرور متکبرانه‌ی قشری خاص در عالم مینالد. بشریت، در فشار این حوادث تلخ است. پنج هزار سال پیش، دنیا از چه مینالید؟ آیا از نداشتن هواپیما مینالید؟ از نداشتن کامپیوتر مینالید؟ مگر کامپیوتر، کسی را سعادتمند میکند؟ پنج هزار سال پیش هم دنیا از همین تبعیضها و ظلمها و از همین تحقیر جوهر انسانیت و سلطه‌ی نامردمان بر زندگی و سرنوشت انسانها می‌نالید. تا وقتی که عدالت و دین خالص و ناب بر دنیا مستقر نشود، بشریت همیشه از همان چیزها مینالد؛ و الا بشریت نمیتواند بگوید، آن روزی که قطار برقی و جت نداشتیم، بدبخت بودیم؛ امروز که اینها را داریم، خوشبختیم. آیا امروز بشریت

۱. بیانات در جمع کثیری از مردم قم در خیابان چهارمردان، ۱۳۶۲/۲/۲۷.

خوشبخت است؟ آیا امروز انسان مظلوم در دنیا در اکثریت نیست؟ آیا امروز یک مجموعه‌ی تبهکار که در عالم در اقلیت مطلقند، بر سرنوشت انسانها حکومت نمیکنند؟^۱

ترویج بی سابقه فساد، دورویی، تزویر و ریاکاری و نفاق

قدرت جهنمی استکبار و صهیونیسم، امروز با تکیه بر پول و تبلیغات و استفاده از شعارهای ظاهر فریب (مانند حقوق بشر، حقوق زن و حقوق اساسی ملت‌ها) برای تحمیل ظلم بر ملت‌ها و ترویج فساد، دورویی، تزویر، ریاکاری و نفاق در جوامع بشری تلاش میکند و در طول تاریخ، چنین شرایطی وجود نداشته است.^۲

زندگی بشر امروز، زندگی مغلوب و مقهور دست ظلم

امروز شما به اوضاع دنیا نگاه کنید! همان چیزی که در روایات مربوط به ظهور ولی عصر (ارواحنا فداه) وجود دارد، امروز در دنیا حاکم است؛ پر شدن دنیا از ظلم و جور. امروز دنیا از ظلم و جور پر است. در روایت و ادعیه‌ی گوناگون و زیارات مختلف مربوط به ولی عصر (ارواحنا فداه) دارد که «یَهِلَّا اللَّهُ بِه الْأَرْضُ قِسْطًا وَ عَدْلًا کَمَا مَلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»؛ همچنانی که یک روزی همه‌ی عالم از ظلم و جور پر بوده است- در روزگاری ظلم و جور، وضع حاکم بر بشر بوده است- همان‌طور خدای متعال در زمان او عدل و داد را وضع حاکم بر بشریت قرار خواهد داد. امروز همین است؛ امروز ظلم و جور حاکم بر بشریت است. زندگی بشر امروز زندگی مغلوب و مقهور دست ظلم و استبداد در همه‌ی دنیا است. در همه جا این جور است. بشریت، امروز بر اثر غلبه‌ی ظلم، غلبه‌ی اغراض و هواهای نفسانی دچار مشکلات فراوانند. دو میلیارد گرسنه در دنیای امروز، وجود میلیون‌ها انسانی که در نظامهای طاغوتی مغلوب هوای نفس قدرتمندان طاغوتی هستند.^۳

فشار بر مؤمنان و مبارزانی چون ملت ایران، نشانه‌ی سیطره‌ی ظلم

فشار بر مؤمنین و مجاهدین فی سبیل‌الله و مبارزان راه حق و ملتی مثل ملت ایران که توانسته است در یک مجموعه‌ی محدودی، در یک فضای معینی، پرچم عدل و داد را بلند بکند و فشار بر مجاهدان فی سبیل‌الله، همه نشانه‌ی سیطره‌ی ظلم و جور بر دنیا است.^۴

۱. بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰.

۲. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۵/۱۰/۸.

۳. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۴. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

نبود قسط و عدل، مشکل اصلی دنیا

وقتی شما روایات مربوط به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) و همچنین دعاها و زیارت‌های مربوط به ایشان را می‌خوانید، می‌بینید که روی چه چیزی تکیه میشود: «و أنت الذی تملأ الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً». کلمه‌ی «بعد» در یکی دو دعا بیشتر نیست. من یک‌وقت در نماز جمعه گفتم که «تملاً الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» را در جایی پیدا نکردم. گفتم: به جز دو جا، در روایات «کما ملئت ظلماً و جوراً» آمده است. یکی از آن دو جا زیارت غیر معتبری است و دیگری که زیارت نسبتاً خوبی است، سند درستی ندارد. «سلام الله الکامل التام»، آنجا هم «بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» است. در همه‌ی این روایات و دعاها، مسئله‌ی آمدن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) معلل به این شده که آن بزرگوار بیاید و در دنیا قسط و عدل بیاورد. اصلاً مشکل دنیا در این است که قسط و عدل نیست. مشکل دنیا روزبه‌روز هم زیادتر میشود. هم‌اکنون تحولاتی در اوضاع جهان به چشم می‌خورد که البته نمیدانیم در آینده چه خواهد شد... لیکن در بین همه‌ی این جنجالها، ما شعله‌های ظلم و جور و نظام ظالمانه و استکبار را مشاهده میکنیم که روزبه‌روز مشتعل‌تر میشود: «کما ملئت ظلماً و جوراً». الآن دنیا از ظلم و جور پر شده و واقعاً ملتها پناهی ندارند.^۱

فقدان عدالت درد بزرگ بشریت

درد بزرگ بشریت، امروز همین مسئله‌ی فقدان عدالت است. همیشه دستگاه‌های ظلم و جور در سطح دنیا به شکلهای مختلف بر مردم جفا کرده‌اند؛ بشریت را زیر فشار قرار داده‌اند و انسانها را از حقوق طبیعی خود محروم کرده‌اند؛ اما امروز این معنا از همیشه‌ی تاریخ بیشتر است و رفع این را انسان از ظهور مهدی موعود می‌طلبد و انتظار میبرد.^۲

گفتار چهارم. عصر غیبت، زمانی امتحان و میدان مجاهدت

قبل از دوران مهدی موعود (عج) آسایش و راحت‌طلبی و عافیت نیست. در روایات، «و الله لتمدحن» و «و الله لتغربلن» است؛ به شدت امتحان می‌شوید؛ فشار داده می‌شوید. امتحان در کجا و چه

۱. سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در آستانه یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۶۸/۱۱/۹.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاّی تهران، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰.

زمانی است؟ آن وقتی که میدان مجاهدتی هست. قبل از ظهور مهدی موعود عج در میدانهای مجاهدت، انسانهای پاک امتحان میشوند؛ در کوره‌های آزمایش وارد میشوند و سربلند بیرون می‌آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود ارواحنا فداه روزبه‌روز نزدیکتر میشود.^۱

مطلب دوم. دیدار با امام زمان عج در عصر غیبت

گفتار اول. امکان دیدار با امام زمان عج در عصر غیبت

خیلی از بزرگان ما در همین دوران غیبت؛ آن عزیز و محبوب دلهای عاشقان و مشتاقان را از نزدیک، زیارت کرده‌اند؛ بسیاری از نزدیک با او بیعت کرده‌اند؛ بسیاری از او سخن دلگرم‌کننده شنیده‌اند؛ بسیاری از او نوازش دیده‌اند و بسیاری دیگر بدون اینکه او را بشناسند، از او لطف و نوازش و محبت دیده و او را نشناخته‌اند.^۲

گفتار دوم. نشناختن امام زمان عج در اکثر دیدارها

بسیاری دیگر بدون اینکه او (حضرت مهدی) را بشناسند، از او لطف و نوازش و محبت دیده و او را نشناخته‌اند.^۳

در روایت دارد که مردم او (حضرت مهدی) را می‌بینند، همچنانی که او مردم را می‌بیند، منتها نمی‌شناسند. در بعضی از روایات تشبیه شده است به حضرت یوسف که برادران او را می‌دیدند، بین آنها بود، در کنار آنها بود، روی فرش آنها راه می‌رفت، ولی نمی‌شناختند.^۴

گفتار سوم. غیر واقعی بودن بسیاری از ادعاهای دیدار

دروغ بودن بسیاری از ادعاهای رؤیت

این کسانی که ادعاهای خلاف واقع میکنند- ادعای رؤیت، ادعای تشریف، حتی به صورت کاملاً خرافی، ادعای اقتدای به آن حضرت در نماز- که حقیقتاً ادعاهای شرم‌آوری است، اینها همان

۱. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عج، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۲. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی عج، ۱۳۷۸/۹/۳.

۳. همان.

۴. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

پیرایه‌های باطلی است که این حقیقت روشن را در چشم و دل انسانهای پاک‌نهاد ممکن است مشوب کند. نباید گذاشت. همه‌ی آحاد مردم توجّه داشته باشند این ادّعاهای اتّصال و ارتباط و تشرّف به حضرت و دستور گرفتن از آن بزرگوار، هیچ‌کدام قابل تصدیق نیست. بزرگان ما، برجستگان ما، انسانهای باارزشی که یک لحظه‌ی عمر آنها ارزش دارد، به روزها و ماه‌ها و سالهای عمر امثال ما، چنین ادعاهایی نکردند. ممکن است یک انسان سعادتمندی، چشمش، دلش این ظرفیت را پیدا کند که به نور آن جمال مبارک روشن شود، امّا یک چنین کسانی اهل ادّعا نیستند؛ اهل گفتن نیستند؛ اهل دکان‌داری نیستند. این کسانی که دکان‌داری میکنند به این وسیله، انسان میتواند به طور قطع و یقین بگوید اینها دروغگو هستند؛ مفتری هستند. این عقیده‌ی روشن و تابناک را بایستی از این آفت اعتقادی دور نگه داشت.^۱

تخیل و تصوّر دیدار

انس به معنای این نیست که حالا کسی ادّعا کند که من خدمت حضرت میرسم یا صدای ایشان را میشنوم؛ ابداً این جور نیست. غالب آنچه که در این زمینه گفته میشود، ادّعاهایی است که یا دروغ است، یا طرف دروغ هم نمیگوید، تصوّر میکند، تخیل میکند. ما کسانی را دیدیم. آدمهای دروغگویی نبودند، امّا خیال میکردند، تخیل میکردند؛ تخیلات خودشان را به عنوان واقعیت برای این و آن نقل میکردند! نبایستی تسلیم اینها شد.^۲

دیدار با امام زمان (عج) و لزوم تکیه به نقلهای صحیح

در مورد مسایل مربوط به دیدار و ملاقات با حضرت، حرفهای قوی خوب و نقلهای درست و متقن وجود دارد که هر کس وقتی بخواند، دلش گواهی میدهد که این صحیح است. از نقلهای ضعیف، هرچه اجتناب شود، بهتر است. هم‌چنان که از روایات ضعیف هم اجتناب شود، بسیار خوب است. علاوه بر استدالات عقلانی و کلامی، روایات قوی و صحاح و چیزهای بسیار محکم داریم.^۳

۱. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۲. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با حجّۃ الاسلام و المسلمین قرائتی و مسئولان نهضت سوادآموزی و آغاز فعالیت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۸۰/۱۰/۶.

گفتار چهارم. تهذیب، شرم انتفاع و دیدار

بزرگی میگفت کسی به من مراجعه کرده و پرسیده چه کار کنم که خدمت حضرت برسم؟ ایشان گفت: من به او گفتم شما اگر به واجبات عمل و از محرّمات اجتناب کنید و کمی مراقب خودتان باشید، حضرت پیش شما می‌آیند؛ شما لازم نیست زحمت بکشید و پیش حضرت بروید. راهی که برای انتفاع از آن بزرگوار پیش پای ما گذاشته‌اند، راه تهذیب نفس است، راه مخصوصی نیست؛ همان راهی است که برای تکامل نفس، برای آدم خوب شدن، برای نورانی شدن دل انسان و انعکاس جلوه‌ی جمال الهی در آن جلو پای انسان گذاشته‌اند. خصوصاً شما که جوانید و دلهایتان پاک است، آمادگی دارید و برایتان خیلی آسان‌تر است. حال شما خیال میکنید که ما در اینجا راه ویژه‌ای برای رسیدن به خدمت حضرت داریم؛ نه، وضع شما از این لحاظ از من بهتر است؛ چون شما دلهای پاک و صافی دارید؛ پایبندیها و دل‌بستگی‌هایتان کمتر است و خیلی راحت‌تر میتوانید ارتباط برقرار کنید. این ارتباط برقرار کردنها هم با صفای نفس کاملاً میسر و آسان خواهد شد. صفای نفس هم با همین عمل به واجبات، اجتناب از گناهان، آلوده نکردن خود، آلوده نشدن و مراقبت به دست می‌آید. البته کسی معصوم نخواهد شد که هیچ خطایی از او سر نزنند؛ اما اگر مراقب باشیم، لغزشهایمان کم خواهد شد و اگر یک‌وقت هم لغزشی پیدا کنیم، با مغز به زمین نمیخوریم؛ این خاصیت مراقبت است. اسم این مراقبت در فرهنگ اسلامی چیست؟ تقوا. وقتی میگویند باتقوا باشید، یعنی مراقب باشید؛ مراقب کار خودتان باشید؛ مواظب باشید چه میگویید و چه تصمیمی میگیرید و چه عملی میکنید. این مراقبت موجب میشود که انسان نلغزد و اگر لغزد، خیلی صدمه نخورد.^۱

مطلب سوّم. منزلت و مسئولیت علما^۱ دینے در عصر غیبت

گفتار اوّل. علمای دین مرجع مردم در عصر غیبت و مهار بحران غیبت

در دوران حضور امام علیه السلام هرگاه چنین چیزی پیش می‌آمد یا خطر آن مطرح میشد، شخص شخیص امام، آن محور و مرکز مطمئن بود که همه چیز با آن مقایسه و اندازه‌گیری و درباره‌ی آن قضاوت میشد. تا امام (علیه السلام) در میان مردم بود، اشتباهات دیری نمیپایید و آن پیشوای معصوم خطاهای عمده را در مقطع حسّاس تبیین میکرد. شیعه مطمئن بود که اگر در خط کُلی مکتب از سویی زاویه‌ی انحرافی پدید

۱. بیانات در دیدار با جوانان نخبه، ۱۳۸۴/۱۱/۲۱.

آید، بالاخره حجت آشکار خواهد شد و آنکه در پی کشف حقیقت است آن را خواهد یافت... امام (علیه السلام) در دوران حضور، همان مرزبان بیدار و هماره هوشیاری است که وظیفه‌ی حراست از مرزهای مکتب را که وی حافظ کلیت آن است، شخصاً بر دوش گرفته است؛ اما در دوران غیبت، به خصوص غیبت کبری وضع کاملاً تفاوت مییابد. در این دوران... به خاطر نیازهای روزافزونی که اکنون دیگر نه به وسیله‌ای امام علیه السلام بلکه به وسیله‌ی علماء دین باید برآورده شود.^۱

در طول تاریخ، روحانیت شیعه، خود را با نیازهای زمانه تطبیق داده است تا این نیازها را بتواند برآورده کند. از هزار سال قبل، قضیه این جور است. حالا مثلاً یک مثال من از آن دورانهای خیلی قدیم بزنم، دوران شروع غیبت کبری. وقتی غیبت صغری تمام شد و شیعیان فهمیدند که دسترسی به مولا و امام خودشان به این زودیها و به این آسانیها نخواهند داشت، یک بحران روحی عجیبی در بین شیعه به وجود آمد. علمای شیعه، به وقت به این بحران روحی جواب دادند. این کتابهای «غیبت نعمانی»، «غیبت طوسی» را که می‌بینید، پاسخ به این بحران روحی است. مقدمه‌ی کتاب غیبت نعمانی را نگاه کنید. محنت روحی شیعه را آنجا میشود فهمید که اینها امیدوار بودند دوران غیبت صغری تمام میشود و امام تشریف می‌آورد، دسترسی به امام پیدا میکنند، اما به تدریج فهمیدند که نه، دیگر به این آسانی دسترسی نخواهند داشت. روحانیت به داد شیعه رسید.^۲

گفتار دوم. فقیه جامعه الشرایع متمدنی امور حسبیه در زمان غیبت

تصدی امور حسبیه در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منوط است به نظر فقیه جامع الشرائط.^۳

گفتار سوم. انتقال صحیح معارف مهدوی و خرافات زدایی

در همین قضیه‌ی مهدویت، آن کسانی از اهل سنت یا حتی از علمای غیر مسلمان که به عقاید شیعه در باب مهدویت توجه کردند و از آن اطلاع پیدا کردند، تصدیق کردند که بشارتهایی که در تورات و انجیل و ادیان دیگر هست، همه منطبق با همین مهدویت است که در شیعه وجود دارد. این را اعتراف میکنند. آن کسی که عقیده‌ی شیعه را نمیداند، یا شکل تحریف شده‌ی آن به او

۱. پیام به کنگره‌ی جهانی هزاره‌ی شیخ مفید، ۱۳۷۲/۱/۲۸.

۲. بیانات در دیدار علما و روحانیون استان خراسان رضوی، ۱۳۸۶/۲/۲۶.

۳. حکم انتصاب حجة الاسلام و المسلمین سید حسن طاهری خرم‌آبادی به سمت نمایندگی ولی فقیه در کشور پاکستان، ۱۳۶۹/۱/۱۲.

رسیده، خوب، بدیهی است که یک چنین قضاوتی نمیتواند بکند. شکل درست عقیده را باید منتقل کرد. آن وقت خواهید دید که قضاوت خردمندان عالم، آگاهان عالم، قضاوت موافق با این عقیده خواهد بود و تأیید میکنند و تصدیق میکنند و به آن می‌گروند. این را، هم جوانان ما، جوانان فرزانه‌ی ما، دانشجویان ما، طلاب فاضل ما، هم مجموعه‌هایی که متصدی آموزشند، متصدی تبلیغند، متصدی پرورش افکار و اذهان هستند، باید توجه کنند. نشان دادن آن حقیقتی که در اختیار مذهب امامیه و پیروان اهل بیت (علیهم السّلام) هست به مخاطب، مساوق با قبول مخاطب و همراه با تصدیق و پذیرش مخاطب است. حقیقت را باید نشان داد. باید سعی کنیم پیرایه‌ها، خرافه‌ها، ادعاهای دروغین، کج‌فهمی‌ها، بدفهمی‌ها دخالت نکند. البته نقش علمای دین، مبلغان برجسته، روشنفکران در این زمینه نقش برجسته‌ای است.^۱

مسئله‌ی دیگر، مبارزه با خرافات است. در کنار ترویج و تبلیغ معارف اصیل دینی و اسلام ناب، باید با خرافات مبارزه کرد. کسانی دارند روزبه‌روز خرافات جدیدی را وارد جامعه‌ی ما میکنند. مبارزه با خرافات را باید جدی بگیرید. این روش علمای ما بوده... ما خیال میکنیم اگر با یک مطلبی که مورد عقیده‌ی مردم است و خرافی و خلاف واقع است، مقاومت کردیم، برخلاف شنون روحانی عمل کرده‌ایم؛ نه، شأن روحانی این است.... مبارزه با خرافات این قدر مهم است. در مبارزه با خرافات شجاع باشید... امروز شما ببینید مدعیان ارتباط با امام زمان و ارتباط با غیب، با شکلهای مختلف در جامعه دارند کار میکنند. البته این همه نشانه‌ی این است که گرایش به دین، یک عنصر اصلی در زندگی مردم است. مردم به مسایل دینی علاقه دارند که آدم خرافه‌ساز می‌رود خرافه درست میکند؛ چون آن کالای اصلی در اختیارش نیست، کالای تقلبی را به میدان می‌آورد تا اینکه مردم را جذب کند. این نشانه‌ی گرایش مردم به دین است؛ اما خوب، این خطرناک است. در مقابله‌ی با خرافات و آن چیزهایی که از دین نیست، شجاع باشید و بگویید. ملاحظه‌ی اینکه حالا ممکن است کسی بدش بیاید یا ممکن است چه بکند، نکنید؛ که غالباً در مواردی انسان متأسفانه میبیند که این مراعاتها هست. آزاد فکری و عقلانیت شیعه، این دو عنصر در کنار هم، مایه‌ی افتخار ماست. تفکرات شیعه، عقلانی است. ما از اول تشیع در تعالیم ائمه علیهم السّلام به سوی عقل، منطق و استدلال سوق داده شدیم و همین‌طور هم باید عمل بکنیم.^۲

۱. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۲. سخنرانی در دیدار با روحانیون، ۱۳۸۵/۸/۱۷.

اگر به گونه‌ای که طی چهار، پنج سال اخیر بعد از جنگ، قمه زدن را ترویج کردند و هنوز هم میکنند، در زمان حیات مبارک امام رضوان‌الله علیه ترویج میکردند، قطعاً ایشان در مقابل این قضیه می‌ایستادند. کار غلطی است که عده‌ای قمه به دست بگیرند و به سر خودشان بزنند و خون بریزند. این کار را میکنند که چه بشود؟! کجای این حرکت عزاداری است؟! البته دست بر سر زدن، به نوعی نشانه‌ی عزاداری است. شما بارها دیده‌اید، کسانی که مصیبتی برایشان پیش می‌آید، بر سر و سینه‌ی خود میکوبند. این نشانه‌ی عزاداری معمولی است. اما شما تا به حال کجا دیده‌اید که فردی به خاطر رویکرد مصیبت عزیزترین عزیزانش، با شمشیر بر مغز خود بکوبد و از سر خود خون جاری کند؟! کجای این کار، عزاداری است؟! قمه زدن، سنتی جعلی است. از اموری است که مربوط به دین نیست و بلاشک، خدا هم از انجام آن راضی نیست. علمای سلف دستشان بسته بود و نمیتوانستند بگویند «این کار، غلط و خلاف است». امروز روز حاکمیت اسلام و روز جلوه‌ی اسلام است. نباید کاری کنیم که آحاد جامعه‌ی اسلامی برتر؛ یعنی جامعه‌ی محب اهل بیت علیهم‌السلام که به نام مقدس ولی عصر ارواحنا فدا، به نام حسین بن علی علیه‌السلام و به نام امیرالمؤمنین علیه الصلوة و السلام مفتخرند، در نظر مسلمانان و غیر مسلمانان عالم، به عنوان یک گروه آدم‌های خرافی بی‌منطق معرفی شوند.^۱

گفتار چهارم. علمای دین و وظیفه تدوین نظام فکری شیعه در عصر غیبت

در دوران غیبت، به‌خصوص غیبت کبری... به خاطر اختلاف نظرهای طبیعی میان علما و خبرگان دین که محور بارز و قاطعی هم برای رفع آن نیست، راه به روی افکار و نظرات و برداشتهای مختلف در اصول و فروع دین باز است، و در میان نظرات گوناگونی که ابراز میشود، طبیعتاً عناصری هم از مکاتب انحرافی یا از مذاهب غیر امامی شیعی (زیدی، اسماعیلی، فطحی و...) به مجموعه‌ی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام راه مییابد که خلوص و اتقان آن را تهدید میکند و حتی در دراز مدت ممکن است جهت مکتب را به‌کلی دگرگون نماید. اینجاست که یکی از مهم‌ترین وظایف رهبران امت در آن برهه از زمان رخ مینماید، وظیفه‌ای که درست به انجام رسیدن آن میتوانسته است به معنای حفظ مذهب و معادل جهادی سرنوشت ساز باشد. و آن وظیفه عبارت است از

۱. بیانات در جمع روحانیون استان کهگیلویه و بویراحمد در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۷۲/۳/۱۷.

اینکه تشیع به مثابه‌ی یک نظام فکری و عملی، مرزبندی شود و برای آن از لحاظ عقیدتی و عملی با استفاده از میراث ارزشمند سخنان ائمه چهارچوبی ترسیم گردد. و بدین‌گونه هویت مستقل و مرزبندی‌شده‌ی مذهب اهل بیت مشخص گشته، در معرض فهم و استفاده‌ی پیروانش قرار گیرد. این کار به علما و متفکران شیعه این امکان را میداد که انحراف اصولی یعنی خروج از حیطه‌ی مبانی مذهب در فقه و کلام را، از اختلاف نظرهایی که در داخل محدوده‌ی مکتب پیش می‌آید، بتوانند جدا کرد.^۱

گفتار پنجم. عالمان دین و وظیفه‌ی تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی

علمای دین در اسلام، پیشروان اصلاح و ترقی و پیشرفت ملتند. این مسئولیت بر عهده‌ی عالمان دین گذاشته شده‌است. اینکه در خطبه نهج‌البلاغه هست که: «مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يَقَارُوا عَلَى كُفَّةِ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ»؛ یعنی عالم دین در مقابل ظلم، بی‌عدالتی، تجاوز انسانها به یکدیگر نمیتواند ساکت و بی‌طرف بماند. بی‌طرفی در اینجا معنا ندارد. فقط مسئله این نیست که ما حکم شریعت و مسئله‌ی دینی را برای مردم بیان کنیم. کار علماء کار انبیا است. «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ». انبیا کارشان مسئله‌گویی فقط نبود. اگر انبیا فقط به این اکتفا میکردند که حلال و حرامی را برای مردم بیان کنند، اینکه مشکلی وجود نداشت؛ کسی با اینها در نمی‌افتاد. در این آیه‌ی شریفه «الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»، این چه تبلیغی است که خشیت از مردم در او مندرج است که انسان باید از مردم نترسد در حال این تبلیغ. اگر فقط بیان چند حکم شرعی بود که ترس موردی نداشت که خدای متعال تمجید کند که از مردم نمی‌ترسند؛ از غیر خدا نمی‌ترسند. این تجربه‌های دشواری که انبیای الهی در طول عمر مبارک خودشان متحمل شدند، برای کی بود؟ چه کار میکردند؟ «وَ كَأَيُّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَانُوا». چی بود این رسالتی که باید برایش جنگید؟ باید جنودالله را برای او بسیج کرد، پیش برد؛ فقط گفتن چند جمله‌ی حلال و حرام و گفتن چند مسئله است؟ انبیا برای اقامه‌ی حق، برای اقامه‌ی عدل، برای مبارزه‌ی با ظلم، برای مبارزه با فساد قیام کردند، برای شکستن طاغوت‌ها قیام کردند. طاغوت آن بتی نیست که به فلان دیوار یا در آن زمان به کعبه آویزان

۱. پیام به کنگره‌ی جهانی هزاره‌ی شیخ مفید، ۱۳۷۲/۱/۲۸.

میکردند؛ او که چیزی نیست که طغیان بخواهد بکند. طاغوت آن انسان طغیانگری است که به پشتوانه‌ی آن بت، بت وجود خود را بر مردم تحمیل میکند. طاغوت، فرعون است؛ «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ». این، طاغوت است. با اینها جنگیدند، با اینها مبارزه کردند، جان خودشان را کف دست گذاشتند، در مقابل ظلم ساکت ننشستند، در مقابل زورگویی ساکت ننشستند، در مقابل اضلال مردم سکوت نکردند. انبیا اینند. «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ». ما اگر در کسوت عالم دین قرار گرفتیم - چه زمان، چه مردمان، چه سنی‌مان، چه شیعه‌ی‌مان- ادعای بزرگی را با خودمان داریم حمل میکنیم. ما میگوییم «نحن ورثة الانبیا». این وراثت انبیا چیست؟ مبارزه با همه آن چیزی است که مظهر آن عبارت است از طاغوت؛ با شرک، با کفر، با الحاد، با فسق، با فتنه؛ این وظیفه‌ی ماست. ما نمیتوانیم آرام بنشینیم، دلمان را خوش کنیم که ما چند تا مسئله گفتیم. با این، تکلیف برداشته نمیشود.^۱

معلوم است که پیامبران هم برای چه آمدند: «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». اقامه قسط و حق و ایجاد حکومت و نظام اسلامی.^۲

گفتار ششم. علمای دین و وظیفه‌ی تلاش برای تحقق تمدن اسلامی

سرنوشت حتمی عبارت است از اینکه تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه‌ی عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند. نه به معنای اینکه لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه. معنایش این نیست؛ بلکه تمدن بر اساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسایل بشر و مسایل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نوری انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را میفهمند و درک میکنند. به معنای رساندن یک پیام است به دل‌ها، تا به تدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند. این امری است که شدنی است. با وضعی که امروز من در کشورمان مشاهده میکنم، با ریشه‌های عمیقی که تفکر اسلامی در کشور ما دارد، با حرکت بسیار وسیع و گسترده‌ای که از اول انقلاب در راه تعمیق این اندیشه آغاز شده است و امروز به جاهای خوبی هم رسیده است، به

۱. بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان، ۱۳۸۷/۲/۲۳.

۲. سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه‌ی روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۶۸/۵/۱۱.

نظرم میرسد که این آینده برای نظام اسلامی، یک آینده‌ی قطعی و اجتناب‌ناپذیر است... نقش‌آفرینان اصلی در این عرصه چه کسانی هستند؟ ما می‌خواهیم ببینیم روحانیت در این میان کجا قرار دارد و شما طلاب جوان و فضلاء جوان - کسانی که نقد ارزشمند جوانی خود را برداشتید و به این حوزه آوردید - می‌خواهید این سرمایه را برای چه و در کجا مصرف کنید؟ نقش‌آفرینان اصلی در اینجا چه کسانی هستند؟

اولاً باید معلوم باشد که این حرکت عظیم نظام اسلامی و حرکت به سمت آن آینده‌ی آرمانی - که ایجاد تمدن اسلامی است؛ یعنی تمدنی که در آن، علم همراه با اخلاق است؛ پرداختن به مادیات، همراه با معنویت و دین است؛ و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است - یک حرکت تدریجی است. البته پرهیجان است؛ اما هر کس بداند چه کار میکند. هر قدمی که برمیدارد، برای او هیجان‌انگیز است؛ اما این کار عظیم و ماندگار تاریخی، این کاری که سر و کارش با نسلها و قرن‌هاست، این را نباید با کارهای دفعی، جزیی و شعاری اشتباه کرد. این کاری است که باید گام‌به‌گام، هر گامی محکم‌تر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که برمیداریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی میکنیم، همراه باشد.

برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان. فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است؛ یک اقیانوس است. هر کس که لب اقیانوس رفت، نمیتواند ادعا کند که اقیانوس را شناخته است. هر کس هم که نزدیک ساحل پیش رفت و یا چند متری در آب در یک نقطه‌ای فرو رفت، نمیتواند بگوید اقیانوس را شناخته است. سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن - که از کتاب و سنت همه‌ی اینها استفاده میشود - کاری است که همگان باید بکنند؛ کاری است که در طول زمان باید انجام گیرد. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است. یک روزی حرفهای مرحوم شهید مطهری که مطرح میشد، به گوش بعضی ناآشنا می‌آمد. حرفهای شهید مطهری، حرفهای دین بود؛ حرفهای قرآن بود؛ حرفهای اسلامی بود؛ اما بسیاری از کسانی که با دین و قرآن و اسلام هم سر و کار داشتند، با آن حرفها آشنایی نداشتند! در همه‌ی زمانها این امکان برای متفکران آگاه، قرآن‌شناسان، حدیث‌شناسان، آشنایان با شیوه‌ی استنباط از قرآن و حدیث، آشنایان با معارف اسلامی و مطالبی که در قرآن و در حدیث اسلامی و در سنت اسلامی هست، وجود دارد که اگر به

نیاز زمانه آشنا باشند، سؤال زمانه را بدانند، درخواست بشریت را بدانند، میتوانند سخن روز را از معارف اسلامی بیرون بیاورند. حرف نو همیشه وجود دارد؛ تولید فکر، تولید اندیشه‌ی راهنما و راهگشا برای بشریت.

شرط دوم، پرورش انسان است. حال در آنجایی که فکر و انسان باید تولید شود، ببینید نقش‌آفرینان چه کسانی هستند. این نقش‌آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند. این یک بُعد قضیه است. چون این راه جز با پای ایمان و نیروی ایمان و عشق طی شدن نیست، باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسانها پرورش دهند. بدون شک مدیران جامعه جزو نقش‌آفرینانند؛ سیاستمداران جزو نقش‌آفرینانند؛ متفکران و روشنفکران جزو نقش‌آفرینانند؛ آحاد مردم هر کدام به نحوی میتوانند در خور استعداد خود نقش‌آفرینی کنند؛ اما نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده میکنند، یک نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است. مدیران جامعه هم برای اینکه بتوانند درست نقش‌آفرینی کنند، به علمای دین احتیاج دارند. سیاستمداران و فعالان سیاسی در جامعه نیز همین‌طور. محیطهای گوناگون علمی و روشنفکری نیز همین‌طور. برقی از سخن یک عالم دین پارسا و زمان‌شناس ممکن است بجهد، ظلماتی را از دلی یا دل‌هایی بزداید؛ چقدر هدایتها به این ترتیب اتفاق افتاده است. این نقش، نقش یگانه است. نقش‌آفرینی را به علمای دین منحصر نمیکنیم؛ اما جایگاه نقش‌آفرینی علمای دین را از همه‌ی جایگاههای دیگر برجسته‌تر می‌بینیم؛ به این دلیل روشن که در این راه، اندیشه‌ی دینی و ایمان دینی برای انسانها لازم است؛ تولید فکر اسلامی برای این راه ضروری و لازم است و اگر علمای دین سر صحنه نباشند، دیگری نمیتواند این کار را انجام دهد. البته عالم دین با آن شرایطی که نیاز به آن شرایط هست، ای بسا نتواند این نقش را ایفا کند؛ او هم اگر این شرایط را نداشته باشد، نخواهد توانست؛ که حالا من بعد در دنباله‌ی عرایض مطالبی در این زمینه هم عرض خواهم کرد. البته در آحاد مردم هم نقش‌آفرینی دینی هست؛ از راه امر به معروف و نهی از منکر؛ از راه آماده‌سازی خود برای اینکه در یک جایگاه نقش‌آفرین قرار گیرند.

وقتی نگاه میکنیم، حوزه‌ی روحانیت و علمای دین، اگر با آن تربیت درست و در آن مدارج لازم پرورش پیدا کنند، نقششان نقش یگانه است؛ لذا امام بزرگوار ما الگویی برای علمای دین شد. اگر امام نمیبود، اگر نفس گرم او و منطق نیرومند و استوار او و ایستادگی او در این راه نمیبود و

نمیتوانست مجموعه و منظومه‌ی عظیمی از علمای دین را در این راه به حرکت بپردازد، یقیناً این حرکت عظیم ملت ایران اتفاق نمی‌افتاد. هیچ حزب سیاسی، هیچ رجل سیاسی، هیچ رجل دانشگاهی، هیچ آدم اجتماعی معروف و محبوب امکان نداشت بتواند این اقیانوس عظیم ملت ایران را این‌طور به تلاطم بپردازد و مردم را به خیابانها بکشانند. این فقط روحانیت بود و پیشوایی امام بزرگوار ما با خصوصیات که او داشت؛ که اگر این خصوصیات را آن شخصیت عظیم هم نداشت، باز این کار به این آسانها ممکن نبود. این نقش یک روحانی است که شرایط لازم را دارد و در زمان متناسب ظهور و بروز میکند و این‌طور عظیم نقش‌آفرینی او در تاریخ و در جهان روشن و مسجل میشود. این وضع روحانیت است. پس جایگاه روحانیت این است.

طلبه‌ی جوان وقتی که وارد حوزه‌ی علمیه میشود و درس حوزه را میخواند و برنامه‌ی حوزه را عمل میکند، چشمش به این است که بتواند در این حرکت عظیم مردمی نقش بیافریند؛ نه لزوماً نقشی همانند نقش امام؛ نقشهای آگاهی‌بخش و هدایت‌کننده مثل نقش پیامبران. آن‌قدر آدم‌سازی و پرورش انسانهای والا و بالایمان مهم است که اگر یک روحانی همت خود را صرف کند و در طول زمان بتواند تعدادی انسان مناسب و استوار را بسازد، کار بزرگی را انجام داده است. طلبه‌ی جوان و فاضل جوان به فکر آن است که در این حرکت عظیم مردمی، در این خط مستقیمی که نظام الهی و اسلامی به سمت آن سرانجام بسیار درخشان و بزرگ خود حرکت میکند، بتواند نقش ایفا کند و این حرکت را حتمیت و تسهیل ببخشد؛ البته امروز نظام اسلامی با چالشهای بزرگی مواجه است. اگر این چالشها شناخته نشود، اگر معارضه‌ها دانسته نشود - چه معارضه‌های ممکن، چه معارضه‌های واقع و موجود - نمیتوان درست نقش ایفا کرد؛ نمیشود واقعیت را فهمید و با آن مواجه شد.^۱

گفتار هفتم. علمای دین و تلاش برای وحدت

علماء و روشنفکران و سیاستمداران دنیای اسلام درس وحدت و یکپارچگی را برای ملتهای خود تکرار کنند و جوانان بالنده این نسل را برای رویارویی با حوادث بزرگ و به دوش کشیدن بار امانتی سنگین و شالوده‌ریزی امت متحد و یکپارچه‌ی اسلام آماده سازند.^۲

۱. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه‌ی قم در مدرسه‌ی فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴.

۲. پیام رهبر معظم انقلاب به حجاج بیت‌الحرام، ۱۳۸۰/۱۲/۱.

مطلب چهارم. حکومت اسلامی و ولایت فقیه در عصر غیبت

گفتار اول. حکومت اسلامی در عصر غیبت

اگر مسئله‌ی حکومت را، مسئله‌ی ولایت را از دین بگیرند، دین یک مجموعه احکام متفرق و متشتتی خواهد شد که یقیناً نخواهد توانست رسالت اساسی خود را به انجام برساند... بدون امامت و ولایت و حکومت اسلامی، جامعه‌ی مسلمین دارای نظام نیست... در غیبت پیامبران، جانشینان و اوصیای آنها و در غیبت اوصیاء، فقهای امت، دین‌شناسان، آگاهان، آن کسانی که منصب ولایت و امامت را از پیغمبر و از ائمه به ارث بردند... تمام این نزاعی که شما درطول دوران زندگی ائمه علیهم السلام بین آنها و دستگاههای ظلم و جور مشاهده می‌کنید بر سر همین قضیه است.^۱

گفتار دوم. ولایت فقیه در عصر غیبت

معنی ولایت فقیه

اگر کسی می‌خواهد واقعاً نقش مردم نقش عینی، عملی، حسّاس باشد و مسأله‌ی ولایت فقیه یک مسأله‌ی حقیقتاً مردمی و حکومت الهی توأم بشود با جنبه‌ی مردمی، باید... برای مردم تبیین کند، برای مردم بیان کند جاذبه‌ها را، چیزهایی که مردم را به شوق می‌آورد. همچنانی که ما برای حج، مردم را تشویق می‌کنیم، ترغیب می‌کنیم، تبیین می‌کنیم، احکام حج را می‌گوییم، فلسفه حج را می‌گوییم. خیلی از غیر معتقدین به حج را وادار به حج رفتن می‌کنیم؛ معتقد به حج می‌کنیم، در مسأله‌ی نماز، در مسأله‌ی زکات، در مسأله‌ی خمس، در جهاد، در همه‌ی موضوعات، برای مردم تشریح می‌کنیم؛ تبیین می‌کنیم؛ مردم وادار میشوند، می‌روند جهاد می‌کنند؛ بذل نفس نفیس میکنند در راه خدا، خب در این قضیه «ولایت فقیه» هم می‌خواهید مردم نقش داشته باشند، بسم‌الله؛ اینجا جای نقش مردم است! وارد بشوند در این میدان، زیبایی‌های این مسئله را از نظر عقل بشر و منطق بشری تبیین کنند برای مردم، مردم را در صحنه حاضر کنند تا اینکه حقیقتاً متکی باشد به مردم؛ همان «حضورالحاضر» و «وجودالنّاصر» تحقق پیدا بکند.^۲

ولایت فقیه یک نظم است در جامعه... اگر بخواهیم آن تصور درست از مفهوم ولایت فقیه را با

۱. ولایت و حکومت، ص ۲۲۹-۲۳۱.

۲. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۶/۱۱/۱۵.

یک بیان فارسی قابل فهم برای همه ارائه بدهیم معنایش حکومت ایدئولوگهاست. حکومت اندیشمندان اعتقادی است در جامعه؛ این معنای ولایت فقیه است، در مقابل حکومت نظامیان، حکومت زورمداران، حکومت سرمایه داران، حکومت کارگران و انواع و اقسام حکومت‌ها و تریایی که مطرح میشود...؛ ولایت فقیه یعنی حکومت دین شناسان، اسلام شناسان، صاحب نظران در اندیشه اسلامی.^۱

پیشینه ولایت فقیه

(اگر پرسیده شود) آیا مسئله‌ی ولایت فقیه، به شیوه‌ای که اکنون مطرح میشود، پدیده‌ی جدیدی نیست؟ (می‌گوییم) این چیز جدیدی نیست چون همین مسئله در کتاب‌های فقهی قدیم مطرح شده است. و اینکه بحث کردند در حکومت عصمت لازم است یا عدالت کافی است، خود دلیل بر این است که مسئله‌ی حکومت مطرح بوده، و لذا یک بدعت نبوده، بلکه وجود ولایت و حاکمیت امام در ذهن علمای اسلامی به شکل یک حقیقت اسلامی وجود داشته و علما به این فکر گرایش داشتند، منتها هر چه از قرون اولیه به جلو می‌آید این فکر کم‌رنگ و غبار گرفته میشود تا آنجا که مسئله‌ی جهاد و قضا را در کتاب فقهی مطرح نمی‌کردند، زیرا آنها را باید حاکم انجام می‌داد و حاکم اسلامی هم وجود نداشت و در نتیجه هر چه حجم قدرت حکومت مادی و غیر اسلامی در جامعه و در ذهن مردم بیشتر می‌شده، حجم فکر تشکیل حکومت هم ضعیف‌تر می‌شده است.

در اینجا برخی از علمای بزرگ را که در مورد مسئله‌ی ولایت و رسیدن به آن تلاش کردند، مثل صاحب جواهر را میتوان نام برد که مشروحاً در این مورد بحث کرده است و قبل از قرون اخیر هم طرح این مسئله در گفتار محقق و علامه از علمای قرن ششم وجود دارد. و به طور کلی این سخن و قول غیر قابل رد در همه‌ی ادوار فقهی وجود داشته است که حکومت‌های زمان را حکومت‌های غاصب و غیر قابل قبول میدانستند، لذا در دورانی که امرا و پادشاهان میخواستند دم از تدین بزنند، از علما برای حکومت خودشان اجازه میخواستند و این بدان معناست که در ذهنیت علما و متدینین شیعه همواره این معنا وجود داشته است که اگر حاکمان بخواهند به حکومت خود مشروعیت بدهند، باید از عالم اجازه بگیرند (نظیر دوره‌ی صفویه و بعضی از علمای بعد از صفویه). منتها

۱. ولایت و حکومت، ص ۲۵۷-۲۵۸، پاورقی ۲.

چون حکومتها بازیگر بودند، از این اجازه‌ها برای فریب مردم استفاده میکردند. لذا اگر آن مسئله در ذهن مردم وجود نداشت، آنها نمیتوانستند به چنین کاری دست یازند.^۱

موضوع ولایت فقیه، ولو مقداری در توسعه و تضییق‌اش تفاوتی بین علماء وجود داشته باشد، جزو واضحات فقه اسلام است. انسان وقتی نگاه میکند، از قدیم‌الایام تا کنون، اگر کسانی این قضیه را مطرح نکردند یا با سردی با آن برخورد کردند، به خاطر این بوده‌است که فکر کردند چیزی را که شدنی نیست، چرا مطرح کنند؛ و الاً وقتی انسان به کتابها و حرفهای فقهاء نگاه میکند، میبیند هیچ کس از آنها نیست که اصلاً حاکمیت غیر حکم اسلامی را قبول داشته باشد. انسان این را در ابواب مختلف فقهی مشاهده میکند. این جزو مسلمات است. مثلاً تعبیرات مرحوم صاحب جواهر راجع به ولایت فقیه نشان میدهد که از نظر او این قضیه جزو واضحات است؛ البته نه در باب ولایت بر صغار، بلکه در باب جهاد و ابواب مهم دیگر که نشان میدهد ایشان دایره‌ی ولایت را با همان توسعه میبیند و این مسئله را جزو واضحات فقه اسلامی میداند. مرحوم «نراقی» و امثال او در این خصوص تصریح و بحث کردند و من نمیخواهم اینجا را عرض کنم؛ آنهایی را که بحث نکردند، عرض میکنم. غرض؛ این فکر پایه‌ی محکمی دارد و امام این را مطرح کردند.^۲

(جایگاه ولایت فقیه)

حکومت ولی فقیه پاسخگوی نیازهای حقیقی بشر

فکر حکومت ولی فقیه ... به معنای درست این کلمه ... فکری است که امروز پاسخگوی نیازهای حقیقی بشر است. بشر امروز از بی‌تقوایی‌ها رنج میبرد؛ از بی‌توجهی به معنویات رنج میبرد. زندگی انسانها دستخوش غرقه شدن در مادیات است. اگر حکومتی تشکیل بشود که در رأس آن حکومت ... که طبیعی است بیشترین تأثیر را حکومت در وضع زندگی در سرنوشت مردم دارد، در رأس حکومت کسی قرار داشته باشد که فرض این است که عالم به دین است، عالم به معنویات است، خویش‌تندار در مقابل گناه است، مطیع خداست، اگر این حقیقت تحقق پیدا بکند، هیچ چیز برای بشریت از این مفیدتر، نجات‌بخش‌تر و انجام آن برای بشریت فوری‌تر و ضروری‌تر نیست.^۳

۱. ولایت و حکومت، ص ۲۶۲-۲۶۳.

۲. بیانات در دیدار اعضای هیئت علمی کنگره‌ی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸/۱۱/۴.

۳. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۵/۱۱/۲۵.

این چیزهایی که ناشی از اصل ولایت در اسلام است، چقدر برای انسانها مفید، پردرخشش، زیبا و جاذبه‌دار است... اگر ملت‌ها، قطع نظر از مذاهب و ادیانی که بر آنها حاکم است، بخواهند راه سعادت را پیدا کنند، باید به ولایت اسلامی برگردند.

البته این ولایت اسلامی به شکل کامل، در یک «جامعه‌ی اسلامی» عملی است؛ چون ولایت براساس ارزش‌های اسلامی؛ یعنی عدالت اسلامی، علم اسلامی و دین اسلامی است؛ اما به شکل غیر کامل، در همه‌ی ملت‌ها و در میان همه‌ی جوامع عملی است. اگر می‌خواهند کسی را به عنوان رهبر و حاکم بر جامعه انتخاب کنند، سراغ آن کسی که سرمایه‌داران معرفی می‌کنند، نروند؛ سراغ پارساترین، پاک‌ترین و بی‌اعتناترین انسانها به دنیا بروند؛ آن کسی که قدرت را سرمایه‌ی شخصی خود به حساب می‌آورد و از آن برای سود شخصی خویش استفاده نمی‌کند. این، رشحه‌ای از رشحات ولایت در اسلام است و دمکراسی‌های جاری عالم از آن بی‌نصیب‌اند. این، از برکات اسلام است. لذا از اول انقلاب هم همین عنوان ولایت و ولایت فقیه - که دو مفهوم است؛ یکی خود مفهوم ولایت، یکی اینکه این ولایت متعلق به فقیه و دین‌شناس و عالم دین است - از طرف کسانی که در حقیقت تحمل این بافت ارزشی کامل را نمی‌توانستند و نمی‌توانند بکنند، مورد تعرض شدید قرار گرفت. امروز هم همین‌طور است. خوشبختانه مردم این راه را شناخته‌اند.^۱

آن چیزی که می‌تواند همه‌ی این ارزشها را مورد نظر قرار دهد و در همه‌ی زمینه‌ها پیشرفت را شامل حال همه‌ی آنها [افراد و جناح‌های جامعه] کند، چیزی است که در قانون اساسی و در فقه ما پیش‌بینی شده است و آن این است که یک فقیه عادل زمان‌شناسی در جامعه حضور داشته باشد که انگشت اشاره و هدایت او بتواند کارها را پیش ببرد.^۲

همسان بودن حاکمیت ولی فقیه و حاکمیت ائمه علیهم‌السلام در اختیارات

چون ریشه ولایت فقیه، ولایت الهی است ریشه آن ولایت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و همان چیزی است که از پیغمبر به اوصیای معصومینش و از اوصیای معصومین به علمای امت، فقهای امت، آن کسانی که دارای این شرایط هستند، منتقل شده، لذاست که این، دارای یک چنین سعه اختیاراتی است.^۳

۱. سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۳۷۰/۴/۱۰.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۹/۲/۲۲.

۳. ولایت و حکومت، ص ۲۶۹.

مشروعیت همه‌ی دستگاههای حکومتی به ولایت فقیه

در جامعه‌ی اسلامی تمام دستگاهها، چه دستگاههای قانون گذار، چه دستگاههای اجراکننده اعم از قوه اجرائیه و قوه قضائیه، مشروعیت‌شان به خاطر ارتباط و اتصال به ولی فقیه است... ولایت فقیه مثل روحی است در کالبد نظام. بالاتر از این من بگویم، قانون اساسی در جمهوری اسلامی که ملاک و معیار و چهارچوب قوانین است، اعتبارش به خاطر قبول و تأیید ولی فقیه است.^۱

اطاعت از ولی فقیه نشانه‌ی اطاعت از رسول خدا ﷺ

آن کسی میتواند مطمئن باشد که اطاعت از پیغمبر میکند که از ولی‌امر اطاعت بکند. اگر کسی از ولی‌امری که شرائط با او منطبق است، اطاعت نکرد، از پیغمبر اطاعت نکرده؛ و الا نمیشود کسی بگوید: بنده مطیع پیغمبرم، اما به نظر من، پیغمبر ﷺ آن‌جوری میگوید. نه؛ ولی امر وجود دارد؛ باید ببینید که ولی امر چه میگوید؛ هر چه ولی امر گفت، آن حرف پیغمبر است. پیغمبر را آن کسی اطاعت کرده که از ولی امر اطاعت کرده باشد. لذاست که در زمان جمهوری اسلامی که بحمدالله نظام ولایت فقیه حاکم است و ولی امر ما یک دین‌شناس و یک عالم جانشین پیغمبر است، با شرایطی که ما برای یک چنین جانشینی قائلیم از علم در حدّ اجتهاد، از عدالت که عدالت خودش خیلی مفهوم والایی است و آگاهی به زمان و تدبیر امر و قدرت اداره‌ی مسایل کشور یک چنین کسی وقتی در رأس امور قرار میگیرد، او میشود ولی امر و اطاعت او، اطاعت پیغمبر است. اگر چنانچه برخلاف امر او و آنچه مقتضای ولایت امر اوست، کسی عمل بکند؛ از پیغمبر اطاعت نکرده است.^۲

مهندسی و پاسداری به سمت هدف‌های آرمانی، مهم‌ترین نقش ولایت فقیه

ولایت فقیه نه یک امر نمادین و تشریفاتی محض و احياناً نصیحت‌کننده است - آن‌طوری که بعضی از اول انقلاب این را میخواستند و ترویج میکردند - نه نقش حاکمیت اجرایی در ارکان حکومت دارد؛ چون کشور مسئولان اجرایی، قضایی و تقنینی دارد و همه باید براساس مسئولیت خود کارهایشان را انجام دهند و پاسخگوی مسئولیت‌های خود باشند. نقش ولایت فقیه این است که در این مجموعه‌ی پیچیده و در هم تنیده‌ی تلاش‌های گوناگون، نباید حرکت نظام، انحراف از هدفها و

۱. همان، ص ۲۶۷-۲۶۸.

۲. ولایت فقیه سایه حقیقت عظمی، ج ۵، ص ۸۸.

ارزشها باشد؛ نباید به چپ و راست انحراف پیدا شود. پاسداری و دیده‌بانی حرکت کلی نظام به سمت هدف‌های آرمانی و عالی‌اش، مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش ولایت فقیه است... ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است؛ این اساسی‌ترین و محوری‌ترین مفهوم و معنای ولایت فقیه است.^۱

رهبری مهم‌ترین کارش عبارت است از تعیین سیاست‌های کلان کشور؛ یعنی آن چیزهایی که جهت‌گیری کشور را مشخص میکند؛ که همه‌ی قوانین، همه‌ی مقررات، همه‌ی عملکردها باید در این جهت باشد. حضور رهبری در همه‌ی بخش‌های کشور، به معنای حضور سیاست‌های رهبری است که باید با دقت اجرا بشود و من به شما عرض کنم هرجایی که این سیاست‌ها اجرا شده است، کشور سود کرده است؛ هر جایی از این سیاست‌ها - در طول سالهای گذشته؛ از ده سال، دوازده سال پیش تا حالا، هرجا از این سیاست‌ها تخلف شده است، کشور ضرر کرده است؛ گاهی ضررش را فهمیده‌اند، گاهی بعد از گذشت مدتی ضررش را فهمیده‌اند.^۲

مسئولیت رهبری، حفظ نظام و حفظ انقلاب است. اداره‌ی کشور به عهده‌ی این آقایان مسئولین کشور است که شماها باشید. هر کدام در بخش خودتان اداره میکنید کشور را، رهبری شغل اصلی‌اش این است که مراقب باشد این بخش‌های مختلف، آهنگ ناساز با نظام و با اسلام و با انقلاب نزنند.^۳

عصر غیبت امام و تجلی حاکمیت و ولایت خدا در فقیهان جامع‌الشرايط

بعد از وجود مقدس پیغمبر ﷺ ائمه‌ی معصومین و اولیاء خدا ولی الهی بودند و همان ولایت الهی در ولایت ائمه (علیهم‌السلام) مجسم شد و در دوران غیبت کبری هم به حسب حکم قطعی و صریح عقل و هم بر حسب ادله‌ی اسلامی و شرعی این ولایت و این حاکمیت مخصوص است به انسان دین‌شناس، عادل، بصیر به اوضاع و احوال زمان؛ یعنی فقیه، و عرض کردیم که این سلسله مراتب حکومت الهی و ولایت الهی است و در اینکه امروز شایسته‌ترین افراد برای حکومت، فقیه جامع‌الشرايط است علی‌الاصول بین فرق اسلامی هیچ‌گونه اختلافی نیست و همه قبول دارند که در

۱. بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲/۲/۱۴.

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۸.

۳. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۴/۱۹.

هر شرایطی وقتی که ولی منصوب از قبل خدا نیست، وجود ندارد - یعنی منصوب به شخص - آن کسی از همه شایسته‌تر است که به معیارهای اسلامی نزدیک‌تر باشد یعنی فقیه، جامع‌الشرایط، عادل، عالم و مخالف با هوای نفس و بصیر به اوضاع زمان و دارای قدرت تدبیر یعنی همان چیزی که ما در قانون اساسی جمهوری اسلامی و در نظام این جمهوری به عنوان ولایت فقیه شناختیم.^۱

دلایل ولایت فقیه

مسئله‌ی ولایت در جامعه‌ی اسلامی یک چیز بسیار روشن و کاملاً متکی به مبانی اسلامی و متخذ از آیات قرآنی است و عقل یک انسان سالم و بی‌غرض هم این را تصدیق می‌کند. ولایت خدا به پیغمبر (ص) و ولایت پیغمبر به ائمه‌ی معصومین... منتقل می‌شود. پس می‌بینید اعتقاد به ولایت فقیه آن جوری که ما امروز داریم تبیین می‌کنیم و در نظام جمهوری اسلامی قاعده‌ی همه‌ی امور هست، این یک اعتقادی است منطبق با متن قرآن، منطبق با لب اسلام و حق اصول اسلامی و منطبق با عقل سلیم.^۲

ما برای اینکه ولایت فقیه را؛ یعنی حکومت فقیه در جامعه‌ی اسلامی را ثابت بکنیم، احتیاج به دلیل نقلی نداریم؛ اگر چه ادله‌ی نقلیه؛ یعنی قرآن و حدیث هم بر حکومت فقها و علمای الهی، صادق و شاهد و دلیل است؛ اما اگر هیچ دلیل نقلی هم ما برای حکومت دین‌شناسان در جامعه‌ی اسلامی نداشتیم، عقل و اعتبار عقلی دلالت می‌کند و کفایت می‌کند بر اینکه ما بدانیم «برای اجرای احکام الهی در جامعه کسانی می‌توانند کفایت و لیاقت لازم را داشته باشند که دارای این صفات باشند»؛ یعنی دین را بشناسند. اگر طرف صحبت ما آن کسانی باشند که اساساً حکومت دین را قبول ندارند، اجرای احکام الهی را در میان انسانها به جد نمی‌گیرند و قبول نمی‌کنند، البته محتاج استدلال دیگری خواهیم بود. اما آن کسی که می‌پذیرد باید احکام الهی و قوانین اسلامی در جامعه پیاده بشود و این را لازمه‌ی اعتقاد به خدا و به اسلام میدانند، در برابر کسی که چنین زمینه‌ی اعتقادی را دارد، ما محتاج استدلال برای ولایت فقیه نیستیم که ثابت کنیم که در روایت یا در قرآن چنین گفته شده است. زیرا که جامعه‌ای که با قوانین اسلامی باید اداره بشود، اداره‌کننده‌ی جامعه باید این قوانین را بداند.

۱. ولایت فقیه سایه حقیقت عظمی، ج ۲، ص ۱۰۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۶.

اشراف و نظارت ولی فقیه بر همه‌ی مراکز اساسی و حسّاس جامعه‌ی اسلامی یک ضرورت است که قانون اساسی ما به این ضرورت پاسخ گفته است و همان‌طوری که حالا شرح خواهم داد، ولی فقیه در جامعه‌ی پیش‌بینی شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی بر همه‌ی مراکز حسّاس این جامعه اشراف و نظارت دارد و در آن حضور دارد و این چیزی است که محتاج استدلال نیست. و تعجب است از کسانی که استدلال میکنند تا ولایت فقیه را رد کنند و نفی کنند. اگر جامعه‌ای به ارزش‌های الهی و به ارزش‌های دینی اعتنایی نداشته باشد، البته می‌پذیرد که در رأس آن جامعه یک انسانی که از هیچ اخلاق انسانی هم برخوردار نیست، حاکم باشد! می‌پذیرد که یک هنرپیشه مثلاً در رأس یک جامعه قرار بگیرد! یا یک سرمایه‌دار بزرگ، اداره‌ی امور جامعه را به عهده داشته باشد! اما آن جامعه‌ای که پایبند [به] ارزش‌های الهی است، آن جامعه‌ای که توحید را قبول کرده است، نبوت را قبول کرده است، شریعت الهی را قبول کرده است، هیچ چاره‌ای ندارد جز اینکه در رأس جامعه، کسی را بپذیرد که او شریعت اسلامی و الهی را میداند؛ از اخلاق فاضله‌ی الهی برخوردار است؛ گناه نمیکند؛ اشتباه مرتکب نمیشود؛ ظلم نمیکند؛ برای خود چیزی نمیخواهد؛ برای انسانها دل میسوزاند؛ ارزش‌های الهی را بر مسایل و جهات شخصی و گروهی ترجیح میدهد.^۱

ولایت فقها، انتخاب و نه انتصاب

در اسلام راه تعیین حاکم و ولی امر فقط انتخاب نیست، بلکه ما دو راه برای تعیین حاکم داریم - این طبق دیدگاه شیعه در مسئله‌ی انتخاب حاکم و ولی امر است؛ برادران اهل سنت مختصر تفاوتی دیدگاهشان با ما دارد؛ یعنی یکی از راه‌هایی را که ما می‌گوییم، آنها قبول ندارند و چند راه دیگر را آنها قبول دارند که مورد توافق علمای شیعه نیست - یکی نصب الهی است. توجه کنید که نصب در اسلام و در تشیع، نصب اشخاص نیست. یعنی هیچ کس، هیچ حاکمی حتی آن حاکمی که خود او منصوب از قبل خداست، خود او حق ندارد کسی را نصب کند. نصب پیغمبر یا نصب امام از این جهت که حکایت میکند از نصب خدا، دارای اعتبار است؛ یکی این راه. که به اعتقاد ما پیغمبر اکرم ﷺ امام بعد از خودش را نصب کرد و امیرالمؤمنین (علیه السلام) دوره‌ی امامت معصوم را که دوران دوازده امام شیعه است، نصب کرد. تعیین ولی امر به وسیله‌ی نصب انجام گرفت. حالا در هنگامی که نصب انجام میگیرد، بیعت چقدر تأثیر دارد یا ندارد، آن یک بحث دیگر و بحث دقیقی است.

یک راه دیگر، راه انتخاب است. انتخاب کجاست؟ انتخاب در یکی از دو جاست: یا در آنجایی که نصب وجود ندارد؛ مثل دوران غیبت. در دوران غیبت کسی منصوب خدا نیست؛ آنجا معیارهایی معین شده. نصب فقها به معنای تعیین معیار است که ائمه علیهم السلام در متون روایت و احکامی که بیان کردند، ملاکها و معیارهایی را برای حاکم اسلامی مشخص کردند؛ در چهارچوب این ملاکها و معیارها مردم امام را انتخاب میکنند و گزینش میکنند. پس انتخاب یکی در آنجایی است که نصب وجود ندارد و جای نصب نیست؛ مثل دوران غیبت و دیگر در آنجایی است که اگر نصب هم هست، به نصب عمل نشده است؛ مثل دوران خلافت امیرالمؤمنین (ع)... تأکید میکنم که این به معنای نفی آن نظر قطعی و مورد اتفاق شیعه که خلیفه‌ی معصوم و امام معصوم را جز با نصب الهی که به وسیله‌ی پیغمبر یا امام معصوم قبل انجام میگیرد، حجت نمیدانند، این با آن منافات ندارد؛ این همان است، این ادامه‌ی اوست. انتخاب مردم در عرض نصب الهی نیست؛ یعنی آن وقتی که خدا کسی را منصوب بکند و قابل عمل و مورد عمل باشد، آنجا انتخاب جایی ندارد. اما آن وقتی که مورد عمل قرار نگرفته، مثل صدر اسلام، همان‌طور که ملاحظه کردید، آنجا انتخاب باز حجت پیدا میکند و انتخاب مردم در زمان غیبت مثل دوران ما، آن وقتی است که نصبی وجود ندارد.^۱

رهبری آن چیزی است که در حقیقت سایه و نشانه‌ی عالی‌ترین حقیقت عالم آفرینش است؛ یعنی مقام ولایت عظمی و کبری؛ یعنی مقام مقدس نبوت و مقام مقدس امامت معصوم. چیزی که ما در همه‌ی مجاری خلقت و در همه‌ی آثار و آیات الهی به عظمت او چیزی نداریم. این در زمان غیبت کبری بر حسب مفاهیم مورد قبول و متسالم علیه ما یک نشانه‌ای، سایه‌ای دارد و او همین رهبری است که به انتخاب اهل حل و عقد و خبرگان اتفاق میافتد.^۲

در اسلام، ولی امر آن کسی است که فرستاده‌ی خداست، آن کسی است که خود خدا معین میکند... او معین میکند پیغمبر را، معین میکند امام را، بعد از امام معین میکند آن کسانی را که با معیارها و ملاکهای خاصی تطبیق بکند... میگوید اینها بعد از ائمه‌ی هداة معصومین حاکم بر جامعه اسلامی هستند. پس ولی را خدا معین میکند؛ خودش ولی است، پیغمبرش ولی است. امامها ولی هستند، امامهای خاندان پیغمبر، تعیین شده‌اند، دوازده امام، در رتبه‌ی بعد از آن کسانی که با یک معیارها و

۱. ولایت و حکومت، ص ۲۵۱-۲۵۶.

۲. ولایت فقیه سایه حقیقت عظمی، ص ۳۱.

ملاکهای خاصی تطبیق بکنند و جور بیاند. آنها معین شده‌اند برای حکومت و خلافت.^۱

(معیارها و ویژگیهای ولی فقیه و حاکم اسلامی)

ولی فقیه پرتوی از ولایت الهی

آن کسی که این ولایت را از طرف خداوند عهده‌دار میشود، باید نمونه‌ی ضعیف و پرتو و سایه‌ای از آن ولایت الهی را تحقق ببخشد و نشان بدهد، یا بگوییم در او باشد. خصوصیات ولایت الهی؛ قدرت، حکمت، عدالت، رحمت و امثال اینهاست. آن شخص یا آن دستگاهی که اداره‌ی امور مردم را به عهده میگیرد، باید مظهر قدرت، عدالت، رحمت و حکمت الهی باشد. این خصوصیت، فارق بین جامعه‌ی اسلامی و همه‌ی جوامع دیگری است که به شکل‌های دیگر اداره میشوند. جهالت‌ها، شهوات نفسانی، هوا و هوس و سلايق شخصی متکی به نفع و سود شخصی یا گروهی، این حق را ندارند که زندگی و مسیر امور مردم را دستخوش خود قرار بدهند. لذا در جامعه و نظام اسلامی؛ عدالت، علم، دین و رحمت باید حاکم باشد؛ خودخواهی نباید حاکم بشود، هوا و هوس - از هر کس و در رفتار و گفتار هر شخص و شخصیتی - نباید حکومت کند. سر عصمت امام در شکل غایی و اصلی و مطلوب در اسلام هم همین است که هیچ‌گونه امکان تخطی و تخلفی وجود نداشته باشد. آنجایی هم که عصمت وجود ندارد و میسر نیست، دین و تقوا و عدالت باید بر مردم حکومت کند که نمونه‌ای از ولایت الهی محسوب میشود.^۲

لزوم رعایت معیارها در انتخاب حاکم اسلامی

آنجایی که جانشینان پیغمبر منصوب نیست، آنها (فقها) هستند، و آن وقتی که حاکم منصوب من قَبْلِ الرَّسُول وجود ندارد، مثل زمان ما که امام منصوبی وجود ندارد - که اختلاف بین کسانی که قائل به نصب خلیفه بعد از پیغمبر هستند و کسانی که قائل به عدم نصب هستند، امروز دیگر آن اختلاف در پیدا کردن حاکم اسلامی معنی ندارد؛ چون علی‌ای حال چه قائل به نصب باشیم، چه نباشیم، امروز آن حاکم منصوب و امام با آن معیارها وجود ندارد - باید برویم سراغ معیار؛ کدام معیارها هست که میتواند حاکم با داشتن بر مردم حکومت کند «من قَبْلِ اللَّهِ»، و حکام اسلامی آن شأن را باید داشته باشند؟ باید خودش تهذیب شده باشد؛ اعتبار علم و عدالت در حاکم اسلامی از

۱. ولایت و حکومت، ص ۷۶-۷۸.

۲. سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر خم، ۱۳۶۹/۴/۲۰.

اینجاست.^۱

حکومت یک امر بی‌ملاک و بی‌مناط نیست - مثل اینکه بر حسب شانس و اقبال، یک نفر بیاید زمام امور مردم را در هر رده‌ای از رده‌ها بر عهده گیرد - بلکه تابع معیارهاست و مهم‌ترین کار این است که این معیارها رعایت شود. البته امکان خطا و اشتباه، هم در تشخیص و هم در عملکرد کسانی که تشخیص درستی نسبت به آنها داده شده، همیشه متصور است؛ بنابراین ما از کسی انتظار عصمت نداریم؛ لیکن اسلام در باب گزینش حاکمان در هر رده‌ای از رده‌ها، چه رده‌های بالا - که سیاست‌های کلان، کارهای بزرگ و اداره‌ی امور کلی کشور در دست آنهاست - چه رده‌های متوسط و پایین، معیارها و شرایطی گذارده‌است و آنچه بر عهده‌ی ماست، این است که این معیارها به‌طور کامل رعایت شود.^۲

عدالت، فقاہت و کفایت، شرایط ولی فقیه

ضابطه‌های رهبری و ولایت فقیه، طبق مکتب سیاسی امام بزرگوار ما، ضابطه‌های دینی است؛ مثل ضابطه کشورهای سرمایه‌داری، وابستگی به فلان جناح قدرتمند و ثروتمند نیست. آنها هم ضابطه دارند و در چارچوب ضوابطشان انتخاب میکنند؛ اما ضوابط آنها این است؛ جزو فلان باند قدرتمند و ثروتمند بودن که اگر خارج از آن باند باشند، ضابطه را ندارند. در مکتب سیاسی اسلام، ضابطه، اینها نیست؛ ضابطه، ضابطه‌ی معنوی است. ضابطه عبارت است از: علم، تقوا و درایت. علم، آگاهی می‌آورد؛ تقوا، شجاعت می‌آورد؛ درایت، مصالح کشور و ملت را تأمین میکند؛ اینها ضابطه‌های اصلی است برطبق مکتب سیاسی اسلام. کسی که در آن مسند حساس قرار گرفته‌است، اگر یکی از این ضابطه‌ها از او سلب شود و فاقد یکی از این ضابطه‌ها شود، چنانچه همه‌ی مردم کشور هم طرفدارش باشند، از اهلیت ساقط خواهد شد.^۳

همان حکومتی که متعلق به خدا بود و منتقل به پیغمبران و پیغمبر اسلام شد، در این دوران (غیبت) منتقل میشود به یک انسانی که طهارت و تقوا [را] در حد عدالت داشته باشد؛ انسان پاکیزه و با تقوایی باشد؛ گناه نکند؛ ظلم نکند؛ گرایش به دشمنان خدا پیدا نکند؛ مطیع امر خدا

۱. ولایت فقیه سایه حقیقت عظمی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۱/۱۲/۱۳.

۳. بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (عج)، ۱۳۸۳/۳/۱۴.

باشد؛ با هوای نفس خود مخالفت کند؛ بر نفس خود کنترل داشته باشد؛ این یک شرط، علاوه بر آن، به احکام اسلامی و به قرآن کاملاً مسلط باشد؛ یعنی قدرت فقاہت داشته باشد؛ بتواند اسلام را بفهمد؛ دین را بشناسد؛ احکام الهی را از مستندات آن کشف کند؛ با قرآن مأنوس باشد؛ با سنت انس داشته باشد و توانایی استنباط داشته باشد. علاوه بر آن - یعنی غیر از فقاہت و عدالت - درایت و کفایت هم لازم است؛ انسانی باشد که دارای درایت لازم باشد؛ هوشمند باشد؛ زمان را بشناسد؛ دشمنان اسلام را بشناسد؛ دنیا را بشناسد.^۱

شرط اساسی، یعنی فقاہت، عدالت و کفایت - که خود این کفایت، کفایت ذهنی و کفایت عملی است؛ هم درایت باید داشته باشد و هوشمند باشد و هم قدرت اداره و تدبیر داشته باشد - این سه شرط است که یک انسان را شایسته میکند و لایق میکند که ولایتی را که متعلق به خداست، به پیغمبر است، در اختیار بگیرد.^۲

لزوم توانایی و قدرت اداره در ولی فقیه

علاوه بر «تهذیب و علم» یا «علم و عدالت»، احتیاج به «توانایی» هم دارد؛ بایستی قدرت اداره داشته باشد و این یک شرط عقلی است. علاوه بر اینکه در قرآن هم اشاره شده در داستان طالوت: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا»، بعد که آنها اعتراض میکنند که: «أَتَنِي يَكُونُ لَهُ الْمَلِكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمَلِكِ مِنْهُ وَ لَمْ يَأْتِ سَعَةً مِنَ الْمَالِ»، آنجا جوابی که پیغمبر به آنها میدهد این است: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بِسُطَّةٍ فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ»؛ یعنی توانایی جسمی هم در کنار توانایی علمی هست؛ یعنی باید توانایی داشته باشد. البته طبیعی است که توانایی جسمی، فقط به معنای این نیست که جسم سالمی داشته باشد، فکر سالمی، ذهن سالمی، و قدرت کار و قدرت اداره، شاید یکی از مصادیق توانایی جسمی باشد؛ اگر هم مصداق آن نباشد، قطعاً آن هم مورد نظر هست و شرط هست به طریق اولی.^۳

عدم لزوم عصمت در رهبر جامعه‌ی اسلامی فعلی

در همه‌ی زمانها اگر جامعه اسلامی بخواهد متحول باشد، بخواهد پویا باشد، بخواهد مبارزه کند، بخواهد اسلامی بشود و اگر اسلامی هست، اسلامی بماند، احتیاج به امامت دارد. البته امامت که

۱. خطبهای نماز جمعه، ۱۳۶۶/۱۱/۱۶.

۲. همان.

۳. ولایت و حکومت، ص ۱۶۳.

میگویم منهای معصومیت. عصمت مخصوص ائمه‌ی دوازده‌گانه است. از میان امامان و آن هم به دلایل و جهات خاصی که ایجاب میکرده و در دورانهای اول اسلام، آن کسانی رهبری جامعه را به عهده داشته باشند که هیچ‌گونه گمان و خطایی در آنها نباشد؛ اما بعد از آنی که کاروان اسلام پیش رفت، افکار اسلام جا افتاد، اسلام توانست جای خود را در مغزها و در ذهنها و در جو تاریخ باز کند، بعد از آنی که انسانها آن رشد را پیدا کردند که اگر اسلام را به‌دستشان بدهی و رویش فکر کنند و کار کنند، بتوانند آن را بفهمند، بعد از آنی که اسلام آن بساط گسترده خودش را در جهان به‌وجود آورد، آن وقت امامت نیاز هست؛ اما عصمت در امامی که باید پیشوای جامعه باشد، دیگر لزومی ندارد.^۱

مراد از اعلیت ولی فقیه، مسایل کلی عالم اسلام است

در باب شرایط این رهبری که فرمودند: «أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ»، این اعلیم، اعلیت به فروع کم اهمیت فقهی نیست؛ مسئله‌ی دماء ثلاثه و لباس مشکوک و فروع علم اجمالی و از این قبیل نیست که اگر چه از لحاظ علمی و فنی و صنعتی ممکن است که وقت زیادی را ببرد و فنّانین را به‌خود مشغول کند و احیاناً وسیله‌ی امتحان قرار بگیرد که آیا کسی فنون فقاقت را وارد است یا نه، اما اهمیت صد مسئله و صد ها مسئله از آن قبیل، به قدر اهمیت مباحثی در فقه اسلام که مربوط به رهبری است، نمیشود. رهبری ناظر به مسایل کلی عالم اسلام است؛ راجع به اداره‌ی کلی جامعه‌ی اسلامی است و اگر چنانچه بخواهیم این را درست مشخص بکنیم، ناظر است به جهات صحیحی که یک جامعه و یک دولت بایستی به آن جهات متوجه بشوند و آن را بپیمایند.^۲

ولی فقیه و لزوم عدم تبعیت از هوای نفس

امام و پیشوا که تعبیر دقیق و کاملی از حاکم اسلامی است، باید حتماً عالم به کتاب‌الله باشد؛ یعنی فقیه در دین باشد و حتماً باید عادل باشد و تابع هوای نفس نباشد. زیرا خدای متعال، هم به پیغمبرش حضرت داوود و هم به همه‌ی پیغمبرانش فرمود و تأکید کرد که: «وَلَاتَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»؛ زیرا اگر پیروی از هوس‌ها و هواها بشود، گمراهی و انحراف از راه خدا حتمی است و این مایه‌ی اصلی انحراف جوامع بشری است. پس بایستی حاکم اسلامی تحت تأثیر هوای نفس

۱. قیسات‌النور، ص ۹۰-۹۱.

۲. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۲/۱۰/۸.

قرار نگیرد و این نمیشود مگر اینکه با عدالت، نفش از اینکه به دنیا رو کند و تحت تأثیر مطامع دنیوی قرار بگیرد، مصون باشد. همه‌ی این شرایط در مدارک اسلامی و کتاب و سنت به صورت تفصیلی بیان شده. این همان حکومت فقیه و ولایت فقیه است که ما به عنوان محور و مبنا و قاعده‌ی نظام خودمان انتخاب کردیم و اعلام کردیم. حکومت فقیه، یعنی حکومت عالم به کتاب؛ عالم به علم کتاب؛ عالم به دین. هر فقیه‌ی هم نه؛ آن عالمی که تحت تأثیر هوای نفس باشد، او نمیتواند اداره کند.^۱

در سطح رهبری از اینها هم بالاتر است؛ برای خاطر اینکه رهبری معنوی، تعهد معنوی دارد و خبرگان و مردم از او توقع دارند که حتی یک گناه نکند؛ اگر یک گناه کرد، بدون اینکه لازم باشد ساقطش کنند، ساقط شده است؛ حرفش نه درباره‌ی خودش حجت است، نه درباره‌ی مردم.^۲

حاکم اسلامی و لزوم کارآمدی

مشروعیت همه‌ی ما بسته به انجام وظیفه و کارایی در انجام وظیفه است. بنده روی این اصرار و تکیه دارم که بر روی کارایی‌ها و کارآمدی مسئولان طبق همان ضوابطی که قوانین ما متخذ از شرع و قانون اساسی است، بایست تکیه شود. هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت. اینکه ما در قانون اساسی برای رهبر، رئیس جمهور، نماینده‌ی مجلس و برای وزیر شرایطی قائل شده‌ایم و با این شرایط گفته‌ایم این وظیفه را میتواند انجام بدهد، این شرایط، ملاک مشروعیت برعهده گرفتن این وظایف و اختیارات و قدرتی است که قانون و ملت به ما عطا میکند؛ یعنی این حکم ولایت، با همه‌ی شعب و شاخه‌هایی که از آن متشعب است، رفته روی این عناوین، نه روی اشخاص. تا وقتی که این عناوین، محفوظ و موجودند، این مشروعیت وجود دارد. وقتی این عناوین زایل شدند، چه از شخص رهبری و چه از بقیه‌ی مسئولان در بخش‌های مختلف، آن مشروعیت هم زایل خواهد شد. ما باید به دنبال کارآمدی باشیم. باید هر یک از کسانی که متصدی این مسئولیتها، از صدر تا ساقه هستند، بتوانند آنچه را که برعهده‌ی آنهاست، به قدر معقول انجام دهند. انتظار معجزه و کار خارق‌العاده نداریم و نباید داشته باشیم؛ اما بایست انتظار تلاش موفق را که در آن نشانه‌های توفیق هم مشاهده شود، داشته باشیم.^۳

صمیمیت و پیوند با مردم

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹/۴/۱۹.

۲. همان.

۳. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳/۶/۳۱.

اگر فرض کنیم در رأس قدرت کسانی باشند که با مردم ارتباطی نداشته باشند، این ولایت نیست. اگر کسانی باشند که رابطه‌ی آنها با مردم، رابطه‌ی ترس و رعب و خوف باشد - نه رابطه‌ی محبت و التیام و پیوستگی - این ولایت نیست. اگر کسانی با کودتا بر سر کار بیایند، این ولایت نیست. اگر کسی با وراثت و جانشینی نسبی - منهای فضایل و کیفیات حقیقی که در حکومت شرط است - در رأس کار قرار گیرد، این ولایت نیست. ولایت، آن وقتی است که ارتباط والی یا ولی، با مردمی که ولایت بر آنهاست، یک ارتباط نزدیک، صمیمانه، محبت‌آمیز و همان‌طوری که در مورد خود پیامبر وجود دارد - یعنی «بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ»^۱ یا «بَعَثَ مِنْهُمْ» از خود آنها کسی را مبعوث کرده‌است - باشد؛ یعنی از خود مردم کسی باشد که عهده‌دار مسئله‌ی ولایت و حکومت باشد. اساس کار در حاکمیت اسلام این است.^۲

اصل ولایت فقیه، یعنی ایجاد میلیون‌ها رابطه‌ی دینی میان دلهای مردم با محور و مرکز نظام. بحث شخص در میان نیست؛ بحث هویت و معنا و شخصیت در میان است؛ لذا میبینید که با آن دشمنی میکنند.^۳

لزوم دفاع از اصل ولایت فقیه

اصل ولایت فقیه و پیوستن همه‌ی راه‌های اصلی نظام به مرکز ولایت، نقطه‌ی درخشان نظام اسلامی، و تحقق آن، یادگار ارزنده و فراموش نشدنی حضرت امام خمینی (قدس سره) است. مردم ما در طول یازده سال اخیر، وفاداری و اخلاص کامل خود را نسبت به این اصل، در همه‌ی میدانها نشان داده‌اند و امام عظیم‌الشأن ما، خود بزرگ‌ترین مدافع و سرسخت‌ترین پشتیبان این اصل و پذیرای جدی همه‌ی آثار و لوازم آن بود. این اصل، همان ذخیره‌ی پایان‌ناپذیری است که باید مشکلات نظام جمهوری اسلامی را در حساس‌ترین لحظات و خطرناک‌ترین گردنه‌های مسیر پرخطر جمهوری اسلامی حل کند و گره‌های ناگشودنی را بگشاید. دفاع غیورانه‌ی امام عزیز از مسئله‌ی ولایت و رهبری - که بی‌گمان تصدی رهبری به وسیله‌ی خود آن بزرگوار، کمترین تأثیری در آن نداشت - ناشی از درک و ایمان عمیق به همین حقیقت بود و امروز این جانب به پیروی از آن بزرگوار، با همه‌ی وجود و توان از این اصل و لوازم آن دفاع خواهم کرد و به کمک الهی، به تکلیف

۱. در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت. (آل عمران (۳)، ۱۶۴).

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیر خم، ۱۳۷۶/۲/۶.

۳. بیانات در دیدار گروه کتیری از جوانان استان اردبیل، ۱۳۷۹/۵/۵.

خود در همه‌ی موارد عمل خواهم کرد... خدشه در التزام به ولایت فقیه و تبعیت از رهبری، خدشه در کلیه‌ی نظام اسلامی است و این‌جانب این را از هیچ کس و هیچ دسته و گروهی تحمل نخواهم کرد. البته امروز بحمدالله و توفیقه، کلیه‌ی آحاد و گروه‌های خط امام، ملتزم به ولایت فقیه و تبعیت از رهبری می‌باشند و امید است که زمینه برای رمی افراد و گروه‌ها به عدم التزام به آن، هرگز فراهم نگردد.^۱

من هم مثل یکی از شما، از نظام اسلامی، از رهبری اسلامی و از ولایت فقیه به عنوان ستون فقرات این نظام، باید دفاع کنم.^۲

دشمن امروز هم مثل دشمن زمان امیرالمؤمنین نیست که اگر بخواهد شایعه بپراکند، مجبور باشد صد نفر را مأمور کند که بیایند در بین مردم شایعه بیاندازند، نه، آقا یک رادیو را راه می‌اندازد، تو همه‌ی خانه‌ها آن صدا شنیده می‌شود. امروز این‌جوری است. خب! دریک چنین شرایطی این نکته‌ای است که باید همه به آن توجه کنند. مسئله، مسئله‌ی رهبری است، مسئله‌ی شخصی نیست. بنده ممکن است خودم دست هر کسی از کسانی را که لایق و شایسته هستند و هر انسان مؤمنی را ببوسم، اما مسئله‌ی رهبری مسئله‌ای است که مربوط به شخص من نیست، مربوط به دنیای اسلام است، مربوط به ملت اسلامی است. از حقوق رهبری باید دفاع بشود. رهبری در اینجا باید بتواند هم آن خط باریک صراط مستقیم از مو باریک‌تر را در داخل کشور حفظ کند؛ یعنی رعایت حیثیت انسانی، رعایت آزادی انسان، رعایت تقوا، سوق انسانها «من الظلمات الى النور»، اینها را باید انجام بدهد و هم باید در مقابل آن همه ایادی تبلیغ‌کننده بایستد. این به چه چیزی احتیاج دارد که بتواند این کارها را انجام بدهد؟ به یک اعتبار غیر قابل خدشه کردن، این است. این را لازم دارد. باید سخنش جوری باشد که اگر گفت این کار بشود، بشود؛ با میل، با ایمان، با شوق، با محبت؛ نه با زور. اگر این نبود، امام بزرگوار، در این پانزده سال، در این ده سال حیات مبارک خودش نمیتوانست آن جنگ را به آنجا برساند. ما هم نمیتوانستیم در این پنج سال گذشته در مقابل این مشکلات ایستادگی کنیم. این را آقایان بدانند و البته میدانید. این لازم است... البته، ما باید بگردیم کسی را

۱. پیام به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مردم ایران درباره‌ی حفظ وحدت و یکپارچگی، حمایت از دولت، جایگاه مجلس شورای اسلامی و دفاع از اصل ولایت فقیه، ۳۶۸/۱۰/۱۸.

۲. بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته‌ی بسیج، ۱۳۷۶/۹/۵.

پیدا کنیم که بتوان این اعتبار را به او داد. این اعتبار سنگینی است. دست همه کس نمیشود داد. باید دست کسی داد که خاطر جمع باشیم از این ابزار به شدت حساس و بُرّاء، در جای درست استفاده میکند، نه در جای غلط و نه به تبع اهواء نفسانی خود یا اهواء نفسانی دیگران. برای رضای خدا فقط مصرف میکند. این را پیدا کنیم یک چنین کسی را، این را بسپاریم به او، وقتی این ابزار را سپردیم به او، التزام به شیئی، التزام به همه‌ی لوازم آن است. یکی از مهم‌ترین لوازمش این است که عرض کردیم؛ یعنی هرکس باید در هیچ گوشه‌ای از گوشه‌های این مملکت و در هیچ منطقه‌ای از مناطق اراده‌ی انسانی - آنچه که خارج از اراده‌ی انسان است، بحثی درباره‌اش نیست - کاری نکند که این سرمایه‌ای که باید یک روزی مصرف بشود برای نجات کشور، این سرمایه، اندکی خدشه‌دار بشود.^۱

رهبری یک عنوان و یک شخصیت و یک حقیقت برگرفته‌ی از ایمان و محبت و عشق و عاطفه‌ی مردم و یک آبروست. صدها نفر مثل علی خامنه‌ای در راه این حقیقت جان و آبرویشان را میدهند؛ اهمیتی هم ندارد. بنده که چیزی نیستم؛ امام بزرگوار ما هم که به معنای حقیقی کلمه برای این امت، امام دلها بود همین‌طور بود. او حاضر بود برای حفظ نظام و حفظ رهبری نظام، آبرویش را بدهد.^۲

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۲/۱۰/۸.

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۴/۱۹.



□ بخش ششم. انتظار و منتظران



مطلب اول. انتظار

مقدمه (جایگاه انتظار)

انتظار، کلیدواژه‌ای اصلی برای فهم دین

انتظار هم که جزء لاینفک مسئله‌ی مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است.^۱

انتظار موضوع پر مغز در تفکر شیعه

انتظار ظهور صاحب‌الزمان علیه‌الصلاة والسلام یکی از آن مسایل پرمغز و پرمعنا و دارای مضامین عالی در مجموعه‌ی تفکرات شیعه است.^۲

گفتار اول. مفهوم شناسی انتظار

برداشت مثبت و منفی از انتظار

دو جور برداشت از قضیه‌ی انتظار و ترقب ظهور امام زمان (عج) میشود داشت؛ یک برداشت منفی و یک برداشت مثبت. برداشت منفی همان چیزی است که استکبار و استعمار در طول سالهای متمادی کوشش میکردند به مردم تزریق کنند. برداشت منفی این است که مردم بگویند که به ما چه و ما چه‌کاره هستیم که در مقابل ظلم، فساد، کفر، بدی و شرارت بایستیم، ما منتظر خواهیم ماند تا امام زمان (عج) خودش بیاید و مشکل را حل کند، این برداشت منفی است. این همان برداشتی است که در طول سالیان متمادی سعی کردند در ذهن مردم مسلمان این را وارد کنند. سلب مسئولیت نسبت به همه‌ی شرارتها و بدی‌های موجود در جامعه. یک برداشت، برداشت مثبت و صحیح است و آن این است که اگر امام زمان (عج) خواهد آمد، پس هر حرکتی و هر مبارزه‌ای یک آمیدی و یک آینده‌ی روشنی برای خود خواهد داشت.^۳

۱. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۷۲/۱۱/۸.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۷/۱/۱۳.

(معنای انتظار)

انتظار یعنی اشتیاق برای دسترسی به وضعی بهتر و بالاتر

انتظار به معنای اشتیاق انسان، برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر است.^۱

انتظار یعنی مَرَصِد یک حقیقت قطعی

انتظار؛ انتظار یعنی تَرَقُّب، یعنی مَرَصِد یک حقیقتی که قطعی است، بودن؛ این معنای انتظار است.^۲

نقش زنده بودن امام در فهم معنای انتظار

به خصوص انتظار یک موجود حی و حاضر؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است... یک چنین حقیقت بارز، واضح و برانگیزاننده‌ای؛ این کمک میکند به معنای انتظار.^۳

(مقصود از انتظار ظهور امام زمان)

انتظار اسلامی یعنی، انتظار دنیایی سرشار از عدالت، صمیمیت و معنویت

انتظار اسلامی؛ یعنی، انتظار دنیایی سرشار از عدالت، راستی، صمیمیت، انسانیت، معنویت، فضیلت و اخلاق انسانی صحیح که در آن حاکمیت زر و زور و تبلیغات مزورانه و خبیثانه رسانه‌های جمعی شرق و غرب، راهی ندارد.^۴

انتظار ظهور امام زمان علیه السلام به معنای انتظار برای پر شدن جهان از عدل و داد و عدالت برای همه‌ی انسانها [و] انتظار رفع ظلم از صحنه‌ی زندگی بشر و انتظار فرا رسیدن دنیایی برتر از لحاظ معنوی و مادی است.^۵

انتظار فرج یعنی انتظار حاکمیت قرآن و اسلام

انتظار فرج... یعنی، انتظار حاکمیت قرآن و اسلام. شما به آنچه فعلاً جهان در آن قرار دارد، قانع نیستید. حتی به همین پیشرفتی هم که با انقلاب اسلامی به دست آوردید، قانع نیستید. میخواهید

۱. سخنان مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۰/۸.

۲. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۳. همان.

۴. سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳/۱۰/۲۸.

۵. سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۰/۸.

باز هم به حاکمیت قرآن و اسلام، نزدیکتر بشوید. این انتظار فرج است.^۱

انتظار فرج، یعنی، انتظار گشایش از کار انسانیت

انتظار فرج، یعنی، انتظار گشایش از کار انسانیت. امروز کار انسانیت، در گره‌های سخت، پیچیده و گره‌خورده است.... امروز فرهنگ مادی، به زور به انسانها تحمیل شده است؛ این یک گره است. امروز در سطح دنیا، تبعیض انسانها را می‌آزارد؛ این گره بزرگی است. امروز کار ذهنیت غلط، مردم دنیا را به آنجا رسانده است که فریاد عدالت‌خواه یک ملت انقلابی، در میان عربده‌های مستانه‌ی قدرت‌گرایان و قدرتمندان کم می‌شود؛ این یک گره است. امروز مستضعفان آفریقا و آمریکای لاتین، میلیون‌ها انسان گرسنه‌ی آسیا و آسیای دور، میلیون‌ها انسان رنگین پوستی که از ستم تبعیض نژادی رنج می‌برند؛ چشم امیدشان به یک فریادرس و نجات‌بخش است و قدرت‌های بزرگ نمی‌گذارند، ندای این نجات‌بخش به گوش آنها برسد؛ این یک گره است. فرج؛ یعنی، باز شدن این گره‌ها. دید را وسیع کنیم؛ به داخل خانه‌ی خودمان و زندگی معمولی خودمان محدود نشویم.^۲

معنای انتظار فرج به عنوان عبارة اخرای انتظار ظهور، این است که مؤمن به اسلام، مؤمن به مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) وضعیتی را که در دنیای واقعی وجود دارد، عقده و گره در زندگی بشر می‌شناسد. واقع قضیه هم همین است. منتظر است که این فروبستگی کار بشر، این گرفتاری عمومی انسانیت گشایش پیدا بکند.^۳

انتظار یعنی امید به پایان زندگی بشریت

انتظار؛ یعنی، دل سرشار از امید بودن نسبت به پایان راه زندگی بشر؛ ممکن است کسانی آن دوران را نبینند و نتوانند درک کنند؛ اما بلاشک آن دوران وجود دارد.^۴

انتظار یعنی امید همراه با تلاش

«ما منتظریم»، یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله‌ی دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور، طغیان، ضعیف‌کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران

۱. در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۲۵۰

۲. همان

۳. دیدار افشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۴. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

و زورگویان پُر شده است، در سایه‌ی تلاش و فعالیت بی‌وقفه‌ی ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزشهای انسانی محترم است و ستمگر، زورگو، ظالم، قلدر و متجاوز به حقوق انسانها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوا و هوس خود پیدا نخواهد کرد.^۱

انتظار یعنی امید به گشایش در گره بشریت

یک نکته در باب مسئله‌ی مهدویت این است که شما در آثار اسلامی، در آثار شیعی می‌بینید که از انتظار ظهور حضرت مهدی(عج) تعبیر شده است به انتظار فرج. فرج یعنی چه؟ یعنی گشایش. کی انسان انتظار فرج دارد؟ انتظار گشایش دارد؟ وقتی یک فروبستگی‌ای وجود داشته باشد، وقتی گره‌ی هست، وقتی مشکلی هست. در زمینه‌ی وجود مشکل، انسان احتیاج پیدا میکند به فرج؛ یعنی سرانگشت گره‌گشا؛ بازکننده‌ی عقده‌های فرو بسته. این نکته‌ی مهمی است.

مسئله، مسئله‌ی گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام زمان(علیه الصّلاة و السّلام) برای اینکه فرج برای همه‌ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور میکند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه‌ی بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده‌ی بشر را نجات بدهد.

انتظار یعنی چشم به راه دگرگونی فضای ظلم بر بشریت

امروز ما انتظار فرج داریم. یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت‌گستری بیاید و این غلبه‌ی ظلم و جور را که همه‌ی بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسانها بوزاند، تا انسانها احساس عدالت کنند.^۲

(گسترده‌ی مفهوم انتظار)

انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع

انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده‌ای است... هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه‌ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود.^۳

۱. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر(عج)، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۲. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) یک مصداق از انتظار فرج

یک انتظار، انتظارِ فرجِ نهایی است؛ یعنی اینکه بشریت اگر میبیند که طواغیت عالم ترک‌تازی میکنند و چپاولگری میکنند و افسارگسیخته به حقّ انسانها تعدّی میکنند، نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است؛ نباید تصوّر کند که بالاخره چاره‌ی نیست و بایستی به همین وضعیت تن داد؛ نه، بداند که این وضعیت یک وضعیت گذراست - «للباطل جولة» - و آن چیزی که متعلّق به این عالم و طبیعت این عالم است، عبارت است از استقرار حکومت عدل و او خواهد آمد. انتظار فرج و گشایش، در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستمها و آزارهاست، یک مصداق از انتظار فرج است، لیکن انتظار فرج مصداقهای دیگر هم دارد. وقتی به ما میگویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرجِ نهایی باشید، بلکه معنایش این است که هر بن‌بستی قابل گشوده شدن است. فرج، یعنی این؛ فرج، یعنی گشایش. مسلمان با درسِ انتظار، فرج می‌آموزد و تعلیم میگیرد که هیچ بن‌بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان ناامید دست روی دست بگذارد و بنشیند و بگوید دیگر کاری نمیشود کرد؛ نه، وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله‌ی با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاری زندگی هم همین فرج متوقّع و مورد انتظار است. این، درس امید به همه‌ی انسانهاست؛ این، درس انتظار واقعی به همه‌ی انسانهاست؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته‌اند؛ معلوم میشود انتظار، یک عمل است، بی‌عملی نیست. نباید اشتباه کرد، خیال کرد که انتظار یعنی اینکه دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا یک کاری بشود. انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط، تحرّک و پویایی است در همه‌ی زمینه‌ها. این، در واقع تفسیر این آیات کریمه‌ی قرآنی است که: «وَأُرِيدُ أَنْ مِّنْ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» یا «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ». یعنی هیچ وقت ملتها و امتهای نباید از گشایش مأیوس شوند.^۱

برداشت غلط از انتظار

یک معنای انحرافی در باب انتظار بود که خوشبختانه امروز از آن فهم و برداشت غلط، اثر چندانی

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

نیست. کسانی که مغرض و یا نادان بودند، این‌طور به مردم یاد داده بودند که انتظار؛ یعنی اینکه شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید، تا صاحب عصر و زمان عجله خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفاصد را برطرف نماید!^۱

انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزند، هیچ اصلاحی را وجهه‌ی همت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان علیه الصّلاة و السّلام هستیم. اینکه انتظار نیست.^۲

اعتقاد به امام زمان عجله به معنای گوشه‌گیری نیست. جریانهای انحرافی قبل از انقلاب تبلیغ میکردند، الآن هم در گوشه و کنار تبلیغ میکنند که امام زمان عجله می‌آید و اوضاع را درست میکند؛ ما امروز دیگر چه کار کنیم! چه لزوم دارد ما حرکتی بکنیم! این مثل آن است که در شب تاریک، انسان چراغ روشن نکند؛ چون فردا بناست خورشید عالمتاب بیاید و روز شود و همه‌ی دنیا را روشن کند. خورشید فردا، ربطی به وضع کنونی من و شما ندارد.^۳

اگر امام زمان عجله دنیای پر از عدل و داد درست خواهد کرد پس ما باید به سهم خودمان در زمینه‌سازی این دنیا کوشش کنیم. اگر خورشید منوری خواهد درخشید و دنیا را روشن و منور خواهد کرد این بدین معنا نیست که ما در شب تاریک وقتی نمی‌توانیم خورشید بیافرینیم چراغی هم روشن نکنیم.^۴

گفتار دوم. اهمیت انتظار

چرایی اهمیت انتظار

اینکه در روایات ما وارد شده است که افضل اعمال اَمّت، انتظار فرج است یعنی چه؟ مگر انتظار چیست؟ انتظار ظهور حضرت ولی‌الله‌الاعظم ارواحنا فداه، مگر چه مضمون و چه معنایی در بطن خود دارد که این‌قدر دارای فضیلت است؟^۵

۱. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجله، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۲. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۴. سخنرانی رهبر معظم، ۱۳۶۷/۱/۱۲.

۵. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجله، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

انتظار، روح حیات و محور زندگی امروز

ما که منتظر امام زمان (عج) هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان علیه آلاف التحية و الثناء و عجل الله تعالی فرجه تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته، ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم آن گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم.^۱

ما امروز برای انتظار، باید باب به خصوصی در زندگی خود باز کنیم. حقیقتاً ملت ما باید روح انتظار را به تمام معنا در خود زنده کند.^۲

انتظار یکی از بزرگترین دریچه‌های فرج برای جامعه‌ی اسلامی

انتظار... از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی، عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است.^۳

حقیقتاً روحیه‌ی انتظار و روحیه‌ی ارتباط با ولی عصر ارواحنا فداه و منتظر ظهور بودن و منتظر آن روز بودن، یکی از بزرگترین دریچه‌های فرج برای جامعه‌ی اسلامی است.^۴

انتظار نشانه‌ی انسان زنده

امروز ما انتظار فرج داریم. یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت‌گستری بیاید و این غلبه‌ی ظلم و جور را که همه‌ی بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسانها بوزاند، تا انسانها احساس عدالت کنند. این نیازِ همیشگی یک انسان زنده و یک انسان آگاه است.^۵

انتظار موعود، نیاز بشریت و امت اسلامی

یک چنین حقیقت بارز، واضح و برانگیزاننده‌ای؛ این کمک میکند به معنای انتظار. این انتظار را بشریت نیاز دارد، امت اسلامی به طریق اولی نیاز دارد.^۶

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان (عج)، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۲. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر (عج)، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۳. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۴. بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحديث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث»، ۱۳۹۳/۲/۲۱.

۵. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۶. سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

ما ملت ایران باید به این معنای انتظار، بیش از گذشته تکیه کنیم؛ چون دنیای بشری، به انتظاری که ما داریم، محتاج است. این امیدی که در دل ملت ایران وجود داشت و در سایه‌ی آن توانست این کارهای بزرگ را انجام بدهد، ملتهای ضعیف و مظلوم دنیا، امروز به این امید احتیاج دارند.^۱

علت «افضل الاعمال» بودن انتظار

وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله‌ی با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بستهای جاری زندگی هم همین فرج متوقع و مورد انتظار است. این، درس امید به همه‌ی انسانهاست؛ این، درس انتظار واقعی به همه‌ی انسانهاست؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته‌اند؛ معلوم میشود انتظار، یک عمل است، بی‌عملی نیست.^۲

گفتار سوم. لزوم انتظار

خدای متعال به دست او، سرزمین بشری و همه‌ی روی زمین را از عدالت و دادگستری پر خواهد کرد. انتظار چنین روزی را باید داشت.^۳

بدانیم که یک حادثه‌ی بزرگ واقع خواهد شد و همیشه منتظر باشید. هیچ وقت نمیشود گفت که حالا سالها یا مدتها مانده است که این اتفاق بیافتد، هیچ وقت هم نمیشود گفت که این حادثه نزدیک است و در همین نزدیکی اتفاق خواهد افتاد. همیشه باید مترصد بود، همیشه باید منتظر بود.^۴

انتظار به معنای اشتیاق انسان، برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر است و این حالتی است که بشر همیشه باید در خود حفظ کند و پیوسته در حال انتظار فرج الهی باشد.^۵

هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه‌ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود.^۶ همچنانی که در آیات قرآن هست: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ إِنَّ فِي هَٰذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عٰبِدِينَ» - مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، می‌فهمند - باید

۱. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر (عج)، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان (عج)، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۴. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۵. سخنان مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۰/۸.

۶. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصد باشند.^۱

گفتار چهارم. ثمره و نتایج انتظار

گشایش ابواب رحمت و معرفت

گشایش ابواب رحمت و معرفت و سرازیر شدن سرچشمه‌های معرفت بر دل انسان، یکی از عمومی‌ترین نمونه‌های انتظار فرج است.^۲

انتظار، دریچه‌ی فرج و گشایش

منتظر فرج هستیم؛ خود این انتظار، فرج است؛ خود این انتظار، دریچه‌ی فرج است، امیدبخش است، نیروبخش است؛ از احساس بیهودگی، از احساس ضایع شدن، از نومیدی، از گیج و گمی نسبت به آینده جلوگیری میکند؛ امید میدهد، خط میدهد. مسئله‌ی امام زمان سلام الله علیه این است.^۳

نشاط و پویایی

آن روزی که ملت ایران قیام کرد، امید پیدا کرد که قیام کرد. امروز که آن امید برآورده شده است، از آن قیام، آن نتیجه‌ی بزرگ را گرفته است و امروز هم به آینده امیدوار است و با امید و با نشاط حرکت میکند... این، نتیجه‌ی انتظار فرج است.^۴

وقتی به شما میگویند انتظار بکشید، یعنی این وضعیتی که امروز رنجتان میدهد و دلتان را به درد می‌آورد، ابدی نیست و تمام خواهد شد. ببینید چقدر انسان حیات و نشاط پیدا میکند! این، نقش اعتقاد به امام زمان صلوات الله علیه و ارواحنا فداه است.^۵

انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه‌ی زمینه‌ها.^۶

۱. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود^{علیه السلام} و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۲. سخنان مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۰/۸.

۳. بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه‌ی دارالحديث و پژوهشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۳/۳/۲۱.

۴. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۵. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر^{علیه السلام}، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۶. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

استقامت

اتکا به خدای متعال و اعتقاد به نگاه رؤوفانه و پدرانهای حضرت بقیةالله (أرواحنا فداه) به ملت، این تأثیر بزرگ را در زندگی ما و در رفتار ما دارد که ما را با قوت قلب در مقابل امواج گوناگون وادار به استقامت میکند.^۱

پیشرفت و موفقیت

ما ملتی منتظر هستیم؛ ملتی که به امید پیشرفت و موفقیت، اقدام و تلاش و انقلاب کرد و موفق شد.^۲

امام زمان علیه سلام الله، رمز عدالت و مظهر قسط الهی در روی زمین است. به همین جهت است که همه‌ی بشریت، به شکلی انتظار ظهور آن حضرت را میکشند... وقتی ملت ما، قبل از پیروزی انقلاب به مبارزات مشغول بودند، احساسشان این بود که در جهت پیشرفت به سمت آرمان بشریت حرکت میکنند.^۳

هرچه دلها با مقوله‌ی مهدویت آشنا شود و انس پیدا کند و حضور آن بزرگوار برای ما، ما مردمی که در دوران غیبت هستیم، محسوس‌تر شود و بیشتر حس کنیم و رابطه‌ی بیشتر داشته باشیم، این برای دنیای ما و برای پیشرفت ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود.^۴

گفتار پنجم. ابعاد انتظار

انتظار دارای ابعاد مختلفی است

معنای صحیح انتظار، دارای ابعادی است که توجه به این ابعاد، برای کسی که میداند در فرهنگ اسلام و شیعه، چقدر به انتظار اهمیت داده شده، بسیار جالب است.^۵

اعتراض و قانع نشدن به وضع موجود، یک بُعد انتظار

یک بُعد، این است که انتظار به معنای قانع نشدن به وضع موجود است. «انتظار داریم»، یعنی

۱. همان.

۲. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر (عج)، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۳. بیانات در دیدار میهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸.

۴. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۵. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر (عج)، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

هرچه خیر و عملِ خوب انجام دادیم و به وجود آمده، کم و غیر کافی است و منتظریم، تا ظرفیت نیکی عالم پُر بشود.^۱

یکی از خصوصیاتِ که در حقیقتِ انتظار گنجانده شده است، این است که انسان به وضع موجود، به اندازه‌ی پیشرفتی که امروز دارد، قانع نباشد؛ بخواهد روزبه‌روز این پیشرفت را، این تحققِ حقایق و خصال معنوی و الهی را در خود، در جامعه بیشتر کند.^۲

امام زمان (علیه الصّلاة و السّلام) برای اینکه فرج برای همه‌ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور میکند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه‌ی بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده‌ی بشر را نجات بدهد. این معنایش این است که آنچه را که امروز وجود دارد؛ این نظم بشری غیر عادلانه، این نظم بشری‌ای که در آن انسانهای بی‌شماری مظلوم واقع میشوند، دلهای بی‌شماری گمراه میشوند، انسانهای بی‌شماری فرصت عبودیت خدا را پیدا نمیکنند، مورد ردّ و اعتراض بشری است که منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسانها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است.^۳

امید و اطمینان به آینده‌ی مطلوب، بعد دیگر انتظار

انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجودِ زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب، که مسلم است این وضع مطلوب با دستِ قدرتمند ولی خدا، حضرت حجت‌بن‌الحسن، مهدی صاحب زمان صلوات‌الله علیه و عجل‌الله فرجه و ارواحنا فداه تحقق پیدا خواهد کرد.^۴

یک بُعد دیگر از ابعاد انتظار، دلگرمی مؤمنین نسبت به آینده است. انتظار مؤمن، یعنی اینکه تفکر الهی این اندیشه‌ی روشنی که وحی بر مردم عرضه کرده است، یک روز سراسر زندگی بشر را فراخواهد گرفت. یک بُعد انتظار این است که منتظر، با شوق و امید حرکت بکند. انتظار، یعنی امید. انتظار، ابعاد گوناگون دیگری هم دارد.^۵

یکی از ابعاد انتظار، اعتماد و امیدواری به آینده و مایوس نبودن است... انتظار واقعی، با اطمینان و

۱. همان.

۲. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۳. دیدار افشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۴. همان.

۵. سخنرانی در دیدار با افشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

اعتماد ملازم است. کسی که شما میدانید خواهد آمد، انتظارش را میکشید و انتظار کسی که به آمدنش اعتماد و اطمینان ندارید، انتظاری حقیقی نیست. اعتماد، لازمه‌ی انتظار است و این هر دو، ملازم با امید است.^۱

امروز هر فرد شیعه، میداند که در یک آینده‌ای - آن آینده، ممکن است خیلی نزدیک باشد، ممکن است دوردست باشد، به هر حال قطعی است - این بساط ظلم و بی‌عدالتی و زورگویی، که امروز در دنیا هست، برچیده خواهد شد. میداند که این وضعی که مستکبران در دنیا به وجود آورده‌اند - که هر کسی حرف حقّی بزند و راه حقّی را دنبال کند، از طرف آنها مورد فشار قرار میگیرد و اراده‌ی فاسد خودشان را بر ملت‌ها تحمیل میکنند - یک روزی از بین خواهد رفت و گردنکشان، طاغیان، یاغیان و قدرت‌های زورگوی عالم، ناگزیر خواهند شد که در مقابل حقّ، تسلیم بشوند یا از سر راه حرکت حق، برداشته بشوند هر فرد مسلمان - به خصوص هر فرد شیعه - این را میداند و به آن یقین دارد. این خیلی امیدبخش است.^۲

این انتظار به معنای آن است که وجود ظلم و ستم در عالم، چشمه‌ی امید را از دلهای منتظران نمیزداید و خاموش نمیکند. اگر این نقطه‌ی امید در زندگی جمعیتی نباشد، چاره‌ای ندارد جز اینکه به آینده‌ی بشریت، بدبین باشد.^۳

ما به اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و روی کار آمدن حکومت حق و عدل مطلق در حقیقت معتقد هستیم که آینده‌ی دنیا یک آینده‌ی امیدبخش و مسرت‌بخشی است برای انسان... با این اعتقاد، با این امید آینده برای ما روشن است. این آینده اگر چه به نظر کسانی که با عاداتهای معمولی مادی خود قضایا را تحلیل میکنند، بعید است؛ اما با توجه به اینکه جریان زندگی انسان به طرف عدل و کمال زندگی انسانی پیش میرود؛ همچنین با توجه به این معجزه در دوران تاریخ به صورت ناقص بارها به وقوع پیوست، این استبعاد هم برطرف میشود. از جمله‌ی این دفعاتی که این معجزه به وقوع پیوست، همین انقلاب اسلامی مردم ایران بود.^۴

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان (عج)، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۲. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۷/۹/۱۵.

۳. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۴. در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۲۵۰.

ابعاد دیگری از انتظار

انتظار فرج و اعتقاد به مهدویت علاوه بر ابعاد منطقی، فکری و استدلالی بسیار بارز آن دارای جنبه‌های عاطفی، معنوی و ایمانی عمیق و بسیار مهمی است.^۱

گفتار ششم. لوازم انتظار

انتظار خودسازی و آمادگی همه‌جانبه

باید خود را به عنوان یک سرباز، به عنوان انسانی که حاضر است برای آن‌چنان شرایطی مجاهدت کند، آماده کنیم. انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزند، هیچ اصلاحی را وجهه‌ی همت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان (علیه الصّلاة و السّلام) هستیم. اینکه انتظار نیست. انتظار چیست؟ انتظار دست قاهر قدرت‌مند الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسانها سیطره‌ی ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسانها را بنده‌ی واقعی خدا بکند. باید برای این کار آماده بود... انتظار آمادگی است. این آمادگی را باید در وجود خودمان، در محیط پیرامون خودمان حفظ کنیم. و خدای متعال نعمت داده است به مردم عزیز ما، به ملت ایران، که توانسته‌اند این قدم بزرگ را بردارند و فضای انتظار را آماده کنند. این معنای انتظار فرج است. انتظار فرج یعنی کمر بسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان (علیه الصّلاة و السّلام) برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن.^۲

انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه آماده کنیم. سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن‌بینی دارد...؛ شنیده‌اید، در گذشته کسانی که منتظر بودند، سلاح خود را همیشه همراه داشتند. این یک عمل نمادین است و بدین معناست که انسان از لحاظ علمی، فکری و عملی باید خود را بسازد و در میدانهای فعالیت و مبارزه، آماده به کار باشد. امروز اگر ما

۱. سخنان رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۲/۱۱/۹.

۲. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

می‌بینیم در هر نقطه‌ی دنیا ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه‌ی با اینها آماده کنیم... بزرگترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی، اخلاقی و عملی پیوندهای دینی، اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند.^۱

انتظار ایجاب میکند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خلق و آن شکل و آن هیئت متوقع است. این لازمه‌ی انتظار است. وقتی بناست در آن دوران منتظر عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیت خدا باشد - یک چنین دورانی قرار است، باشد - ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده‌ی عدل کنیم، آماده‌ی پذیرش حق کنیم. انتظار یک چنین حالتی را به وجود می‌آورد.^۲

انتظار و تلاش

ما منتظریم، یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله‌ی دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور، طغیان، ضعیف‌کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران و زورگویان پر شده است، در سایه‌ی تلاش و فعالیت بی‌وقفه‌ی ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزشهای انسانی محترم است و ستمگر و زورگو و ظالم و قلدر و متجاوز به حقوق انسانها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوی و هوس خود، پیدا نخواهد کرد.^۳

انتظار فرج داشته باشید و بدانید که این فرج، محقق خواهد شد؛ مشروط بر اینکه شما انتظارتان، انتظار واقعی باشد، عمل باشد، تلاش باشد، انگیزه باشد، حرکت باشد.^۴

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۲. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۳. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر علیه السلام، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۴. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

انتظار و دغدغه‌ی جهانی

انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه میکند، به طور طبیعی حالت انتظار دارد.^۱

انتظار، تکلیف‌زایی و مسئولیت‌آفرینی

این انتظار، تکلیف بر دوش انسان میگذارد. وقتی انسان یقین دارد که یک چنین آینده‌ای هست؛ همچنانی که در آیات قرآن هست: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ إِنَّ فِي هَٰذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عٰبِدِينَ»- مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، می‌فهمند باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصد باشند.^۲

همه باید آماده باشید. در هرجایی که هستید، باید آماده‌ی خدمتگزاری باشید؛ «وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ»؛ «ينتظر» یعنی چه؟ یعنی منتظر مردند؟ نه، یعنی منتظر انجام وظیفه‌اند؛ کجا وظیفه آنها را صدا خواهد زد، تا آنجا حاضر باشند. ما باید منتظر انجام وظیفه باشیم. هرچه که تکلیف الهی ما ایجاب کرد، بخواهیم آن را انجام بدهیم. این، ما را پیروز خواهد کرد و به موفقیت بزرگ خواهد رساند.^۳ ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه، بعکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم.^۴

انتظار و بیداری

یکی از ابعاد انتظار، اعتماد و امیدواری به آینده و مأیوس نبودن است... امروز ما در دنیا شاهد بیداری ملت‌ها هم هستیم. درست است که با پیشرفت وسایل جدید، تلویزیون، رادیو، تبلیغات، پول، امکانات صنعتی و غیره، تسلط قدرتهای استکباری بر ملت‌ها و بر شئون آنها روزبه‌روز بیشتر شده است؛ اما سنت الهی بر این قرار گرفته که ملت‌ها هم بیدار بشوند و ما امروز می‌بینیم که ملت‌ها هم روزبه‌روز بیدار میشوند و این به خاطر امیدی است که آنها به آینده پیدا کرده‌اند. امید، در حال بیدار کردن ملت‌هاست.^۵

۱. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۲. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۳. سخنرانی در پایان چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰/۶/۲۷.

۴. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلا‌ی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۵. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان (عج)، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

اکنون به برکت بیداری امت اسلامی، افق آینده برای مسلمانان بیش از هر زمان دیگر تابناک‌تر است، و دشمنان اسلام و دنیاطلبان به ضعف و شکست خود اذعان میکنند.^۱

انسانها میتوانند تلاش کنند و پرچم عدالت را- و لو در یک نقطه‌ی محدود- بلند کنند. شما ببینید ملت‌هایی که امروز در گوشه و کنار عالم زیر فشارِ ظلم و ستم زندگی میکنند، اگر این امید را در دل خود پرورانند که میشود با ظلم مبارزه کرد، چه اتّفاقی در دنیا می‌افتد و چطور ملت‌ها بیدار میشوند!^۲

انتظار و تسلیم ناپذیری

ملت‌ی که در دلش خورشید امید به آینده، زندگی، لطف و مدد الهی میدرخشد، هرگز تسلیم و مرعوب نمیشود و با این حرف‌ها، از میدان خارج نمیگردد. این، خصوصیت اعتقاد به آن معنویت مهدی علیه آلاف التّحیة و الثّناء است.^۳

همچنان که کشورتان را از دست جهان‌خواران بیرون کشیده‌اید و دست گرگ‌ها و سگ‌های ولگرد را از این کشور کوتاه کرده‌اید که کشور متعلق به خودتان و در اختیار خودتان و وابسته به ابتکار و اداره‌ی خودتان است، همچنان که جنگ تحمیلی را پشت سر گذاشته‌اید و محاصره‌ی اقتصادی را به زانو درآورده‌اید، همچنان که تا امروز بحمد الله این مشکلات را تحمل کرده‌اید و از خطرهای بزرگ گذشته‌اید، اگر همین اتحاد و ایمان و ایستادگی در میدان‌های انقلاب و همین وفاداری به خط امام عظیم‌الشّان و همین نرسیدن از استکبار مسلط جهان‌خوار را ادامه بدهید، به فضل پروردگار همه‌ی هدف‌های دیگر شما هم برآورده خواهد شد؛ که یکی از این هدف‌ها، نابود شدن و از هم پاشیده شدن پیکره‌ی استکبار جهانی است؛ این وعده‌ی الهی است و وعده‌ی الهی بلاشک عمل خواهد کرد؛ اگرچه بسیاری در دنیا آن را نپسندند و نخواهند؛ این همان چشم‌اندازی است که به ما امید میدهد؛ و این همان امیدی است که در جریان انتظار فرج، آموزش‌های اسلامی به ما یاد داده است. این شاء الله افق‌های روشن، یکی پس از دیگری، در مقابل آن ملت‌ی است که در حال راه رفتن و حرکت است.^۴

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۷/۱۰.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلّای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۳. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۴. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۲۰.

انتظار و جهاد و مبارزه

همین روح انتظار است که به انسان تعلیم می‌دهد تا در راه خیر و صلاح مبارزه کند. اگر انتظار و امید نباشد، مبارزه معنی ندارد و اگر اطمینان به آینده هم نباشد، انتظار معنی ندارد.^۱

بشریت در طول تاریخ و در حیات اجتماعی، مثل همان سرنشینان یک کشتی توفان‌زده، همیشه گرفتار مشکلاتی از سوی قدرتمندان، ستمگران، قوی‌دستان و مسلطین بر امور انسانهای مظلوم بوده است. امید، موجب می‌شود که انسان به مبارزه پردازد و راه را باز کند و پیش برود.^۲

اگر در دلها امید به روزگار روشن باشد، مبارزه ممکن است و اگر امید همیرد، مبارزه و حرکت به سمت صلاح هم خواهد مرد.^۳

وعده‌ی الهی حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیة‌الله (أرواحنا له الفداء) انجام خواهد گرفت؛ اما یک ملت مؤمن و مبارز می‌تواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت فراهم کند.^۴

اعتقاد به قضیه‌ی مهدی (عج) و موضوع ظهور و فرج و انتظار، گنجینه‌ی عظیمی است که ملتها می‌توانند از آن بهره‌های فراوانی ببرند... امید موجب می‌شود انسان تلاش و حرکت کند، پیش ببرد، مبارزه کند و زنده بماند.^۵

امروز اگر ما می‌بینیم در هر نقطه‌ی دنیا ظلم، بی‌عدالتی، تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم.^۶

مطلب دوم. وظایف منتظران (فرد، جامعه و حکومت)

از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان... و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان (عج)، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۲. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان (عج)، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۴. سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونیه‌های شهری خراسان، مسؤولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و...، ۱۳۶۸/۴/۸.

۵. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۶. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

بروبرگرد هم ندارد. همان‌طور که یکبار به اشاره گفتم و الآن هم جز به اشاره نمیتوانم بگویم، چون مجال تفصیل نیست همه‌ی انبیاء و اولیاء آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگ‌راه اصلی‌ای سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ‌گونه مانعی تمام استعدادهایش میتواند بروز کند. انبیاء و اولیاء این مردم گمگشته را مرتب از این کوه و کمر و دشتها و کویرها و جنگلها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه‌ی شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولی‌عصر ارواحنا فداه محقق خواهد شد؛ لیکن همه‌ی این تلاشها اصلاً براساس این بینش است که نهایت این عالم، نهایت غلبه‌ی صلاح است؛ ممکن است زودتر بشود، ممکن است دیرتر بشود؛ اما بوبرگرد ندارد. قطعاً این‌طوری است که در نهایت، صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ قوای خیر بر قوای شر غلبه میکنند. این هم یک نقطه از نقاط جهان‌بینی اسلامی است که در آن هیچ‌گونه تردیدی نیست.

حال براساس اینها یک نتایج عملی به دست می‌آید و وظایفی بر عهده‌ی انسانهایی که معتقد به این مبانی‌اند، قرار می‌گیرد. فرق نمیکند؛ چه حکومت اسلامی باشد و حاکمیت و قدرت در دست اهل حق باشد، چه حکومت اسلامی نباشد، فرض کنید مثل دوران حکومت طاغوت باشد، یا انسانی باشد که در بین کفار زندگی میکند، این وظایفی که عرض میکنم، در هر دو حالت بر دوش یکایک انسانها هست. این وظایف چیست که اینها نتایج عملی آن بینش است؟ من چند نقطه از این وظایف را یادداشت کرده‌ام که در اینجا مطرح میکنم:...

اینها وظایف یک انسان به عنوان یک فرد و وظایف یک مجموعه به عنوان حکومت است. عرض کردم، اینها مخصوص دوران قدرت نیست که چون امروز حکومت در دست مجموعه‌ی مؤمنین بالله و مؤمنین به اسلام است، ما این وظایف را داریم. آن وقتی هم که قدرت در دست این مجموعه نبود، در دست دشمنانشان بود، در دست طاغوت بود، در دست مفسدین فی‌الأرض بود، همه‌ی این وظایف وجود داشت. بعضی عمل میکردند، بعضی عمل نمیکردند؛ بعضی بیشتر عمل میکردند، بعضی کمتر عمل میکردند. این وظایف الآن هم بر عهده‌ی همه‌ی مسلمانهاست؛ البته بعضی وظایفشان بیشتر است، بعضی کمتر است. وظیفه‌ی اصلی همه‌ی انبیاء، ائمه و اولیاء این بوده است که مردم را به همین وظایف آشنا کنند؛ چه در دورانی که میتوانند قدرت را کسب کنند، بگویند بروید مجاهدت کنید و قدرت را به دست آورید و این‌گونه اداره کنید چه آن وقتی که نمی‌شود،

قدرت را به دست بیاورند. همه هم تلاش و مبارزه کرده‌اند؛ «وَ كَايُنُ مَنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ». جنگ و مبارزه‌ی سیاسی و معارضه‌ی با دشمنان، چیزی نیست که اول بار در اسلام آمده باشد؛ نه. در زمان پیغمبران گذشته انبیای بزرگ الهی، از زمان ابراهیم علیه السلام به این طرف هم بوده است. شاید قبل از ابراهیم علیه السلام هم بوده که من اطلاعی ندارم. بنابراین، این وظایف، وظایفی است که انبیا ما را به آن سمت میکشانند. البته در حکومت حق، در آنجایی که قدرت در دست بندگان خدا مؤمنین بالله و مؤمنین به سبیل الله قرار دارد، این وظیفه سنگین‌تر است. چرا؟ چون توانایی شما به عنوان جزیی از مجموعه‌ی حکومت دولت، با توانایی فردی مثل شما در بهترین حالات حکومت طاغوت قابل مقایسه نیست. فرض کنیم در حکومت طاغوت، آن اختناق و آن شدتها و آن گمراهیها و آن اضلال وسایل ارتباط جمعی و... وجود نداشته باشد؛ امکانات بدهند و معارضه‌ی آن‌چنانی هم نکنند؛ از قدرتشان علیه شما هم استفاده نکنند. وضع کنونی یعنی وضع وجود یک قدرت اسلامی شاید هزار مرتبه از بهترین حالاتی که در حکومت طاغوت ممکن است یک فرد برای ترویج و پیگیری و تحقق آرمانهای الهی داشته باشد، بهتر باشد. پس بایستی این را قدر دانست.^۱

گفتار اول. وظایف فرد منتظر

عبودیت خداوند به معنای وسیع آن

یک وظیفه عبارت است از: عبودیت و اطاعت خداوند. چون عالم مالک، صاحب، آفریننده و مدبر دارد و ما هم جزو اجزاء این عالمیم، لذا بشر موظف است اطاعت کند. این اطاعت بشر به معنای هماهنگ شدن او با حرکت کلی عالم است؛ چون همه‌ی عالم «يَسْبَحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»؛ «قَالُوا أَتَيْنَا طَائِعِينَ». آسمان و زمین و ذرات عالم، دعوت و امر الهی را اجابت میکنند و بر اساس قوانینی که خدای متعال در آفرینش مقرر کرده است، حرکت میکنند. انسان اگر بر طبق قوانین و وظایف شرعی و دینی که دین به او آموخته است عمل کند، هماهنگ با این حرکت آفرینش حرکت کرده؛ لذا پیشرفتش آسانتر است؛ تعارض، تصادم و اصطکاکش با عالم کمتر است؛ به سعادت و صلاح و فلاح خودش و دنیا هم نزدیکتر است. البته عبودیت خدا با معنای وسیع و کامل آن مورد نظر است؛ چون گفتیم توحید، هم اعتقاد به وجود خداست، هم نفی الوهیت و عظمت متعلق به بتها،

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

سنگها و چوبهای خودساخته و انسانهای مدعی خدایی و انسانهایی که اسم خدایی کردن هم نمی‌آورند؛ اما میخواهند عمل خدایی کنند. پس در عمل، دو وظیفه وجود دارد: یکی اطاعت از خدای متعال و عبودیت پروردگار عالم، و دوم سرپیچی از اطاعت «انداد الله»؛ هر آن چیزی که میخواهد در قبال حکمروایی خدا، بر انسان حکمروایی کند. ذهن انسان فوراً به سمت این قدرتهای مادی و استکباری می‌رود؛ البته اینها مصادیقش هستند؛ اما یک مصداق بسیار نزدیکتر دارد و آن، هوای نفس ماست. شرط توحید، سرپیچی کردن و عدم اطاعت از هوای نفس است؛ که این «اخوف ما اخاف» است.^۱

ترس از پروردگار

دشمنان حقیقت، دنیادارانند، قدرتمنداند، طواغیت عالمند؛ در طول تاریخ این جور بوده است، تا آخر هم، تا زمانی که دولت حقّی ولی‌عصر ارواحنا فداه ظهور بکند، همین جور خواهد بود. این قدرتمندان بیکار که نمی‌مانند؛ ایجاد اشکال میکنند، ضربه می‌زنند، از همه‌ی ابزارهایشان استفاده میکنند. پس باید «وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» وجود داشته باشد، و الا اگر از غیر خدا ترسی وجود داشت- به انواع و اقسامه. ترس هم یک جور نیست- راه دیگر منسد خواهد شد.^۲

تقوای همه جانبه

در این دستگاه عظیم و در این سپاه مقدّس که به تعبیر امام رضوان الله تعالی علیه لشکر امام زمان (عج) و لشکر اسلام است سعی کنید در تمام زوایا تقوا را زنده کنید؛ تقوا در عمل فردی، تقوا در عمل جمعی، تقوای کاری، تقوای سازمانی، تقوای سیاسی آنجایی که جایش هست تقوا در عمل فردی خود، در رابطه‌ی با خدا، در رابطه‌ی با انسانها، در رابطه‌ی با بیت‌المال و در رابطه‌ی با کار.^۳

«قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»...

در این آیه‌ای که عرض کردم، موسی - نبی خدا - به بنی‌اسرائیل که در نهایت ضعف و اختناق به سر می‌بردند، و عوامل دلسردی و نومیدی برای آنها بسیار زیاد بود، یک سنّت الهی را بیان کرد: «قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا؛ به قوم خود گفت از خدا استعانت بجوئید و مقاومت کنید،

۱. همان.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۸/۹/۲۲.

۳. بیانات در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶/۶/۲۶.

صبر کنید، «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ»؛ زمین متعلق به خداست، در قبضه‌ی قدرت خداست، همه چیز دست خداست. «يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ یعنی این ودیعه‌ی الهی در دست آن کسانی قرار میگیرد که خدا اراده کند، و شما میتوانید به وسیله‌ی تقوا و عمل بر طبق اراده‌ی الهی خودتان را آن کسانی قرار بدهید که خدا میخواهد زمین را در اختیار آنها قرار بدهد. «وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» این یک حکم کلی است؛ عاقبت و فرجام کار، به نفع مردم باتقواست؛ تقوا با آن معنای وسیعی که دارد در اینجا شاید این جور معنا میدهد که آن کسانی که از ورود در مرز محرمات الهی اجتناب میکنند، به وظایف خودشان عمل میکنند، آنچه را که خدا از مؤمنین خواسته انجام میدهند، فداکاری لازم را میکنند، انفاق لازم را میکنند، و اگر یک عده انسان این جور باشند، یعنی فداکاری کنند، انفاق کنند، تلاش کنند، تنبلی نکنند، این جمعیت با این خصوصیات بدون شک پایان کار را خواهند برد و آینده متعلق به آنها خواهد بود.

همان چیزی که ما در مبارزه‌ی خودمان و در انقلاب خودمان به رأی‌العین مشاهده کردیم... این همان «وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» است. در مقیاس تاریخ بشری هم همین معنا وجود دارد؛ یعنی عاقبت در جریان تاریخ متعلق به متقین است.^۱

هدف گرفتن تعالی مادی و معنوی انسان

دوم، هدف گرفتن تعالی انسان است؛ تعالی خود و دیگران. این تعالی شامل تعالی علمی، تعالی فکری، تعالی روحی و اخلاقی، تعالی اجتماعی و سیاسی یعنی جامعه تعالی پیدا کند و تعالی اقتصادی است؛ یعنی رفاه امور زندگی مردم. همه موظفند برای این چیزها تلاش کنند؛ گسترش و پیشرفت علم برای همه؛ حاکمیت اندیشه‌ی سالم و فکر درست؛ تعالی روحی و معنوی و اخلاقی، خُلق کریم و مکارم اخلاق؛ پیشرفت اجتماعی بشری نه فقط جنبه‌های معنوی و علمی و اخلاقی یک فرد، بلکه جامعه هم مورد نظر است و پیشرفت امور اقتصادی و رفاهی انسانها، و بایستی مردم را به سمت رفاه و تمتع هرچه بیشتر از امکانات زندگی پیش ببرند. این یکی از وظایف همه است؛ مخصوص دوره‌ی قدرت و حکومت هم نیست؛ در دوره‌ی حکومت غیر خدا هم این وظیفه وجود دارد... اینها وظایف یک انسان به عنوان یک فرد و وظایف یک مجموعه به عنوان حکومت است.

عرض کردم، اینها مخصوص دوران قدرت نیست.^۱

ترجیح رستگاری اخروی بر دنیوی

سوم، ترجیح فلاح و رستگاری اخروی بر سود دنیوی، اگر باهم تعارض پیدا کردند. این هم یکی از وظایف عملی هر انسانی است که معتقد به آن جهان‌بینی است. یعنی اگر در موردی پیش آمد که یک سود دنیوی در جهت هدفهای اخروی قرار نگیرد، تا آنجایی که ممکن است، انسان باید سعی کند این سود دنیوی را در جهت هدفهای اخروی قرار دهد. اگر یکجا باهم سازگار نبود، انسان یا بایستی از یک سود چشم‌پوشد چه سود مالی، چه سود قدرت و مقام و محبوبیت و... یا بایستی گناهی را مرتکب شود که موجب وزر اخروی است. لازمی اعتقاد به آن جهان‌بینی این است که انسان جنبه‌ی اخروی را ترجیح دهد؛ یعنی از آن سود صرف‌نظر کند و آن گناه را مرتکب نشود. بر عهده‌ی هر مسلمانی است که این‌گونه عمل کند. انسان باید فعالیت‌های خودش را برنامه‌ریزی کند؛ به نحوی که با تلاشهای عظیم دنیوی که ناگزیر است آنها را انجام دهد، منافاتی پیدا نکند و برخلاف فلاح اخروی و وظایفی که تخلف از آنها ممکن است در آخرت برای انسان وزر و وبال به بار آورد، نباشد.^۲

مجاهدت و مبارزه

چهارم، اصل مجاهدت و تلاش و مبارزه است. یکی از کارهای واجب و اصلی برای هر انسانی چه در موضع یک فرد، چه در موضع یک جمع که حکومت و یا یک قدرت باشد، این است که مبارزه کند؛ یعنی دائم باید تلاش کند و به تنبلی و بی‌عملی و بی‌تعهدی تن ندهد. گاهی انسان عمل هم دارد؛ اما نسبت به وظایف اصلی تعهد ندارد؛ میگوید به ما چه! کجرویهای برخاسته از هوس نیز همین‌طور است. انسان به اینها نباید تن بدهد. بایستی حتماً با تنبلی و بی‌عملی خودش مبارزه کند؛ تلاش و مجاهدت کند و در این راه قبول خطر کند. این یکی از وظایف است. البته این مجاهدت باید مجاهدت فی سبیل‌الله باشد.^۳

ما از چه چیزی واهمه داشته باشیم؟ چرا واهمه داشته باشیم؟ البته بدیهی است که وقتی می‌گوییم

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۲. همان.

۳. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

مبارزه، معنایش این است که در این موضع قدرت‌مندانه و برخاسته از ایمان و اراده می‌ایستیم و تسلیم کسی نمی‌شویم. معنایش این نیست که لشکرکشی می‌کنیم و به جنگ با امریکا می‌رویم! کار و هدف ما، این نیست، البته هر متجاوزی هم اگر تجاوز کند- هرکه می‌خواهد باشد؛ از امریکا گرفته تا دستها و ابزارها و کوچک ابدال‌هایش در هرجای دنیا- با مشت محکم این ملت روبه‌رو خواهد شد. در این تردیدی نیست. آنچه که برای این ملت اصل است، همان ایستادگی، مقاومت و مبارزه‌ی حقیقی است که خدای متعال را خشنود و قلب مقدس ولی‌عصر ارواحنا فداه را از شما راضی و حالت انتظار آن بزرگوار را در شما تقویت میکند و روح مبارک امام را از شما شاد مینماید و دشمن را ناکام خواهد کرد.^۱

در همین آیه‌ی کریمه‌ی قرآن که راجع به قسط صحبت میکند و می‌گوید خدای متعال همه‌ی پیغمبران را فرستاد، «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ برای اینکه قسط و عدالت را در جامعه مستقر کنند، بلافاصله می‌فرماید: «وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ»؛ یعنی پیغمبران علاوه بر اینکه با زبان دعوت سخن می‌گویند، با بازوان و سرپنجه‌گان قدرتی که مجهز به سلاح هستند و با زورگویان و قدرت‌طلبان فاسد، معارضة و مبارزه میکنند.^۲

امید به پیروزی در همه‌ی شرایط

پنجمی و آخری، امید به پیروزی در همه‌ی شرایط است؛ به شرط آنکه جهاد فی سبیل‌الله باشد. کسی که مشغول مجاهدت است، حق ندارد ناامید شود؛ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست. آن مواردی که پیروزی به دست نیامده و ناکامی حاصل شده است، به این خاطر بوده که مجاهدت فی سبیل‌الله نبوده است؛ یا اگر مجاهدت بوده، فی سبیل‌الله نبوده؛ یا اصلاً مجاهدت نبوده است. شرط مجاهدت فی سبیل‌الله چیست؟ این است که انسان به سبیل‌الله ایمان و باور و معرفت داشته باشد و آن را بشناسد؛ بنابراین میتواند در راه آن مجاهدت کند.^۳

روح امید را در خودتان زنده نگه دارید. نام مبارک حضرت مهدی ارواحنا فداه در خطابه‌ی دانشجویان و در سخن همه‌ی کسانی که از دل روشنی برخوردارند، اشاره به ذخیره‌ی امید بشریت

۱. بیانات به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی، ۱۳۷۵/۸/۹.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۳. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

و تاریخ است.^۱

سامان‌دهی زندگی بر محور مهدویت

ما که منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان علیه الاف التحیه و الثناء و عجل الله تعالی فرجه تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته، ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم آنگونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم.^۲

مناجات با خدا

من به جوانان توصیه می‌کنم نماز جماعت را، حضور در مساجد، اقامه‌ی مجالس دعا و تضرع و فهمیدن مفاهیم این دعاها را- که بفهمید با خدا چه می‌گویید و چه صحبت می‌کنید- جدی بگیرید. از یک طرف بازوانِ فعال و گام استوار در راه سازندگی علمی و عملی؛ از یک طرف دلِ خاشع و خاضع در مقابل پروردگار و توجه و توسل به خدای متعال و استمداد از اولیای مطهر و معصومش؛ به خصوص حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه.^۳

دعا کنید، نافله بخوانید، توجه پیدا کنید، متذکر باشید؛ در شبانه‌روز، یک ساعت را برای خودتان و خدای خودتان قرار بدهید؛ از کارها و اشتغالات گوناگون، خودتان را بیرون بکشید؛ با خدا و با اولیای خدا و با ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و ارواحنا فداه مأنوس بشوید.^۴

ارتباط معنوی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه

یک جمله در پایان عرض بکنم در مورد لزوم ارتباط عاطفی معنوی روحی با آن امام بزرگوار و ولی معصوم الهی برای یکایک ما. مسئله را در حد تحلیل روشنفکری و فکری محدود نکنید. آن معصوم برگزیده‌ی خدا امروز در میان ما انسانها در یک جای دنیا که ما نمیدانیم زندگی میکند، او وجود دارد، او دعا میکند، او قرائت قرآن میکند، او تبیین مواضع الهی میکند، او رکوع و سجود میکند، او عبادت میکند، او دعا میکند، او در مجامعی ظاهر میشود، کمک به انسانهایی میکند، او وجود

۱. بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی علیه السلام، ۱۳۸۲/۱۰/۲.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مسئولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۸۱/۱۲/۲۲.

۳. بیانات در اولین روز ورود به ساری، ۱۳۷۴/۷/۲۲.

۴. سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۵/۲۳.

خارجی دارد، وجود عینی دارد، منتها برای ما ناشناخته است. این انسان برگزیده‌ی پروردگار امروز هست و ما باید رابطه‌مان را به صورت شخصی به صورت قلبی به صورت روحی نیز علاوه بر شکل اجتماعی و سیاسی‌اش که بحمدالله نظام ما در جهت خواست آن بزرگوار است، ان‌شاءالله، باید تقویت کنیم، یعنی تک تک افراد جامعه‌ی ما توسل به حضرت ولی‌عصر^{علیه‌السلام} و آشنایی با آن حضرت و راز و نیاز با آن بزرگوار و سلام به آن حضرت و توجه به آن حضرت را بایستی یک وظیفه و یک فریضه‌ی خودشان بدانند و دعا کنند برای آن حضرت.^۱

ما همیشه - مخصوصاً در روزهای جمعه - توسل و توجه‌مان را به ولی‌عصر صلوات الله علیه فراموش نکنیم. امام زمان^{علیه‌السلام} امانت و گوهر درخشنده‌ی عظیم آفرینش در میان ما، امروز بی‌گمان بیش از هر زمان، متوجه و مراقب این ملت است.^۲

رابطه‌ی بین شیعیانی که این اعتقاد را دارند، با مقام ولایت و مهدی موعود^{علیه‌السلام} یک رابطه‌ی دایمی است و چقدر خوب و بلکه لازم است که یکایک ما، قلباً هم این رابطه را با توجه و توسل و حرف زدن با آن حضرت حفظ کنیم. طبق همین زیاراتی که وارد شده و بعضاً مأثور است و به احتمال زیاد به خود معصوم^{علیه‌السلام} مستند می‌باشد، این رابطه‌ی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان^{علیه‌السلام} یک امر مستحسن، بلکه لازم و دارای آثاری است؛ زیرا امید و انتظار را به طور دایم در دل انسان زنده نگه می‌دارد.^۳

عقیده به امام زمان^{علیه‌السلام} هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، چنین تأثیر عظیمی دارد. این را باید قدر دانست. من توصیه می‌کنم که این توسلات را - که مردم ما بحمدالله داشته‌اند و دارند و در سالهای بعد از انقلاب، به فضل پروردگار چندین برابر شده است - هرچه باکیفیت‌تر ادامه دهند و توجهات و الطاف آن بزرگوار را به سمت خود جلب کنند. آن بزرگوار، حاضر است و از ملت و شیعه‌ی خود، جدا و غافل نیست. او، در میان مردم حضور دارد و مردم با توجه و توسل به او، ان‌شاءالله راه رشد و هدایت و فتح و پیروزی را به دست خواهند آورد.^۴

۱. ولایت و حکومت ص ۳۱۰.

۲. در مکتب جمعه، ج ۴، ص ۵۵.

۳. بیانات در دیدار با مسؤولان خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان، سالروز ولادت امام زمان^{علیه‌السلام} ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۴. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان^{علیه‌السلام}، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

خدای متعال توفیق دهد که ما سربازان آن بزرگوار، متوسل و متذکر آن بزرگوار باشیم و انس و رابطه‌ی قلبی و روحی با آن بزرگوار برقرار کنیم. اگر شما از این طرف انس داشتید، از آن طرف هم جلب توجه، جلب تذکر و جلب لطف و محبت خواهد شد.^۱

این توسلاتی که در زیارات مختلف وجود دارد که بعضی از اینها اسانید خوبی هم دارد، اینها بسیار باارزش است. و توسل، توجه، انس با آن بزرگوار از دور... آن توسل، توسل از دور است؛ توسلی است که امام آن را از ما می‌شنود، ان شاء الله میپذیرد؛ ولو اینکه ما با مخاطب خودمان از دور داریم حرف می‌زنیم؛ اشکالی ندارد. خدای متعال سلام سلام‌دهندگان و پیام‌دهندگان را به آن بزرگوار می‌رساند. این توسلات و این انس معنوی بسیار خوب و لازم است.^۲

دشمن میخواست مردم را از این طریق هم مأیوس کند و اضطراب بیافریند. هوشیار باید بود. ملت ایران باید هوشیار باشد. شما به برکت هوشیاری‌تان، بحمدالله توانستید این راه دشوار را تا اینجا طی کنید. هوشیاری همراه با اتکای به خدا و توجه و توسل به ولی عصر ارواحنا فداه.^۳

مهدی موعود^{علیه السلام} مظهر رحمت و قدرت حق و مظهر عدل الهی است و کسانی که بتوانند با این کانون شعاع رحمت و تفضلات الهی، ارتباط روحی و معنوی برقرار کنند، در تقرب به خداوند، توفیق بیشتری میابند؛ زیرا نفس توسل و توجه و ارتباط قلبی با آن حضرت، موجب عروج و رشد روحی و معنوی انسان میشود.^۴

ان شاء الله مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه هم باشید و روزبه‌روز رابطه‌ی قلبی شما با آن بزرگوار تقویت شود و از آن حضرت فیض بگیرید.^۵

بعضی حالا ممکن است بگویند شما میخواهید نهضت امام حسین^{علیه السلام} را بیان بکنید، خیلی خوب، بروید بیان کنید، دیگر روضه‌خوانی و گریه و زاری و اینها چیست؟ بروید بنشینید بیان کنید که حضرت این کار را کردند، این کار را کردند، هدفشان هم این بود. این، خیلی فکر خطایی است، نگاه غلطی است. این عاطفه‌ی نسبت به اولیاء خدا، اولیاء دین، این پیوند عاطفی، پشتوانه‌ی بسیار

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی^{علیه السلام}، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۲. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود^{علیه السلام} و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۳. بیانات در دیدار عمومی به مناسبت روز میلاد حضرت علی^{علیه السلام}، ۱۳۷۲/۱۰/۶.

۴. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر^{علیه السلام}، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۵. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۰/۶/۵.

ارزشمند پیوند فکری و پیوند عملی است. بدون این پشتوانه، خیلی سخت میشود در این راه حرکت کرد. این پیوند عاطفی، خیلی مهم است.^۱

دعا برای فرج امام زمان عج

با دعا... برای تعجیل در ظهور مهدی موعود سلام الله علیه و عجل الله فرجه، از هر کرانه خود را در این اقیانوس عظیم شستشو دهید.^۲

درک و حس حضور امام زمان عج

امام بزرگوار، عزیز، معصوم و قطب عالم امکان و ملجأ همه ی خلائق، اگرچه غایب است و ظهور نکرده؛ اما حضور دارد. مگر میشود حضور نداشته باشد؟ مؤمن، این حضور را در دل خود و با وجود و حواس خویش، حس میکند. آن مردمی که می‌نشینند، راز و نیاز میکنند، دعای ندبه را با توجه میخوانند، زیارت آل یاسین را زمزمه میکنند و مینالند؛ میفهمند چه میگویند. آنها حضور این بزرگوار را حس میکنند ولو هنوز ظاهر نشده و غایب است. غیبت او، به احساس حضورش ضرری نمیزند. ظهور نکرده است؛ اما هم در دلها و هم در متن زندگی ملت حضور دارد. مگر میشود حضور نداشته باشد؟ شیعه‌ی خوب، کسی است که این حضور را حس کند و خود را در حضور او احساس نماید. این، به انسان امید و نشاط میبخشد.^۳

آمادگی برای انجام وظیفه

تا شما ملت ایران، این اتحاد و آمادگی برای انجام کارهای بزرگ را دارید، همه‌ی آرزوهای انبیاء و اولیاء به دست شما قابل عمل است. آمال بزرگ آنان، استقرار عدل جهانی و نجات مستضعفان و نابودی ظلم در سطح عالم بود.^۴

امیدوارم که خداوند متعال توفیق دهد، و عنایات و توجهات حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه، کمک کند تا همه‌ی ما بتوانیم آماده‌ی حرکت در این میدان باشیم.^۵

۱. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۷/۹/۲۲.

۲. پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت کنگره‌ی عظیم حج، ۱۳۸۵/۱-۸.

۳. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عج، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۴. سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونیهای شیرازی خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و...، ۱۳۶۷/۴/۸.

۵. بیانات در دیدار فرماندهان و اعضای «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، به مناسبت روز پاسدار، ۱۳۷۲/۱۰/۱۵.

امام زمان علیه السلام می‌آید انجام میدهد، یعنی چه؟! امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمیشود شروع کرد! جامعه‌ای میتواند پذیرای مهدی موعود ارواحنا فداه باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الا مثل انبیاء و اولیاء طول تاریخ میشود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی‌العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدیها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه‌ها آماده نبود. چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌الصلاة والسلام در زمان خودش؛ در همان مدت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی، با آن علم متصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیباییها و درخشندگی‌هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره‌ی او نتوانست ریشه‌ی بدی را بخشکاند؟ آن وقت اگر امام زمان علیه‌الصلاة والسلام در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد. این آمادگی چگونه است؟ این، همانی است که شما نمونه‌هایی از آن را در جامعه‌ی خودتان مشاهده میکنید. امروز در ایران اسلامی چیزهایی از درخشندگی‌های معنوی وجود دارد که در هیچ جای دنیا نیست. تا آنجایی که ما خبر و گزارش و اطلاع داریم؛ از قضایای دنیا بیخبر هم نیستیم.^۱

اگر بخواهیم به وظایف درست عمل کنیم، پیمودن راه از حالا به بعد، یقیناً آسان‌تر از راه گذشته‌ی ما نیست؛ راه دشواری است. از حالا به بعد، مسئله، مسئله‌ی حفظ ارزشهاست؛ جا انداختن اینها در ذهنیت ملل دنیاست؛ حراست از آنها در داخل جامعه‌ی اسلامی است. این، با زبان ممکن نیست؛ با عمل، تلاش، فداکاری، امید، آمادگی، علم و تقوا ممکن است.^۲

همه متوجه شما هستند؛ هم قدرتهای چپاولگر عالم و جهان‌خواران، هم مظلومان عالم، هم آن کسانی که در صحنه منتظرند تا ببینند کفه به سود کدام طرف سنگین‌تر خواهد شد. امروز ملت فلسطین چشمشان به شماست. ملت‌های مظلوم و روشنفکران مسلمان، نگاهشان به سوی شماست. حتی کسانی هم که مسلمانی را نشناخته‌اند، در دلشان فروغ امیدی از سوی شما هست. این همان سگویی است که باید ملت مسلمان ایران و به دنبال آن دیگر ملت‌ها، به سوی «لِیْظَهْرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلُّهُ» پرش و حرکت کنند. این، کار بزرگی است. این کار، قدرت ایمان، قوت اراده، توکل به خدا،

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۲. سخنرانی در دیدار با روحانیون و طلاب آزاده، ۱۳۶۹/۸/۵.

آمادگی معنوی و مادی می‌خواهد.^۱

با ملتی که ایستاده و به نیروی خود تکیه کرده است، هیچ کاری نمیتوانند بکنند. همه‌ی راهها به روی آنها بسته است. اگر سختگیری کنند، آنها ضرر میکنند. اگر فشار وارد بیاورند، آنها ضرر میکنند. اگر حمله کنند، آنها ضرر میکنند؛ چون جوهر ایستادگی و مقاومت در یک ملت، جوهر نفیس و گرانقدری است. با همین جوهر است که ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی‌الله‌الاعظم (ارواحنا فداه) خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده‌ی قطعی شماس است. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند.^۲

همه باید آماده باشید. در هر جایی که هستید، باید آماده‌ی خدمتگزاری باشید؛ «و مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ». «ينتظر» یعنی چه؟ یعنی منتظر مردند؟ نه، یعنی منتظر انجام وظیفه‌اند؛ کجا وظیفه آنها را صدا خواهد زد، تا آنجا حاضر باشند. ما باید منتظر انجام وظیفه باشیم. هر چه که تکلیف الهی ما ایجاب کرد، بخواهیم آن را انجام بدهیم. این، ما را پیروز خواهد کرد و به موفقیت بزرگ خواهد رساند.^۳

خودسازی

شیعیان و پیروان آن حضرت، باید کسب آمادگی معنوی، روحی و ایمانی را جزو وظایف خود بدانند و سرمایه‌ی عظیم امید، ایمان و نورانیت را در خود ایجاد کنند تا در حرکت جهانی امام زمان (عج) در ردیف نزدیکان (خواص)، یاران و همکاران آن حضرت قرار گیرند.^۴

انتظار عالمانه

از کار عالمانه و همراه با دقت در مسئله‌ی انتظار و مسئله‌ی دوران ظهور نباید غفلت کرد. و از کار عامیانه و جاهلانه به شدت باید پرهیز کرد.^۵

۱. سخنرانی پس از بازدید از ستاد فرماندهی نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰/۷/۲۴.

۲. بیانات در دیدار ایثارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی، ۱۳۷۷/۵/۲۹.

۳. سخنرانی در پایان چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰/۶/۲۷.

۴. سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۱۱/۹.

۵. بیانات در جمع اساتید و فارغ‌التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

تطبیق اعمال با رفتار امام زمان

امام زمان علیه السلام از هر آنچه که نشانه‌ی مسلمانی و نشانه‌ی عزم راسخ ایمانی در آن هست و از ما سر میزند، خرسند می‌شود. اگر خدای نکرده عکس این عمل بکنیم، امام زمان علیه السلام را ناخرسند می‌کنیم.^۱

در هیچ دوره‌ی در ایران، جوانان، پسرها، دخترها، جمعیت‌های انبوه و عظیم، این‌طور شیفته، دلباخته، منتظر، مشتاق، شیدای آن بزرگوار نبوده‌اند که بحمدالله در این زمان هستند... ما نباید به همین شوق و عشق و علاقه اکتفا کنیم؛ باید اولاً معرفتمان را زیاد کنیم، ثانیاً از لحاظ عمل و رفتار هم سعی کنیم خودمان را منطبق کنیم با آن چیزی که به حسب تفکر شیعی و اسلامی ما، امام نهاد آن است؛ چون امام، اسلام مجسم است؛ همچنان که خود پیغمبر، قرآن و اسلام مجسم بود. اخلاق و رفتار و عمل پیغمبر صلی الله علیه و آله تجسم قرآن بود؛ ائمه هم همین‌طورند. امام، مظهر اسلام، مظهر علو الهی در میان بشر، مظهر عزت الهی و نمونه‌ی کاملی است که خدای متعال انسانها را به سمت تعالی، تکامل و در حقیقت به‌سوی این نمونه دعوت میکند و او را نشان میدهد و انسانها را به این سمت فرامیخواند. اگر ما عقیده داریم که حضرت بقیه الله ارواحن‌افداه امروز آن فرد زنده‌ی مورد توجه پروردگار و مهبط ملائکه‌ی الهی در زمان ماست، پس باید خود را از لحاظ عمل، اخلاق و رفتار نزدیک کنیم به آن چیزی که این بزرگوار می‌خواهد؛ یعنی معرفت عمیق‌تر و رفتار منطبق‌تر و صحیح‌تر.^۲

درک عمیق مهدویت

عقیده به امام زمان علیه السلام نمی‌گذارد مردم تسلیم شوند؛ به شرطی که این عقیده را درست بفهمند. وقتی که این عقیده به طور حقیقی در دلها جا بگیرد، حضور امام غایب در میان مردم حس می‌شود.^۳

دشمن شناسی و بصیرت

همه‌ی عقاید سازنده، مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است. برادران و خواهران عزیز! این نکته‌ی بسیار مهمی است. توجه بفرمایید که ما امروز چقدر باید هوشیار باشیم! دشمنان سراغ مجموعه‌ی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳/۷/۹.

۳. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر علیه السلام، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

احکام و مقررات اسلام رفتند؛ هر عقیده، هر توصیه‌ای از شرع مقدس که در زندگی و سرنوشت آینده‌ی فرد و جماعت و امت اسلامی تأثیر مثبت بارزی داشته است و به نحوی با آن کلنچار رفتند، تا اگر بتوانند، آن را از بین ببرند؛ اگر نتوانند، روی محتوایش کار کنند!... در مورد ماجرایی اعتقاد به مهدی موعود عجله تعالی فرجه یعنی اینکه در آخر الزمان از خاندان پیامبر، شخصی ظهور میکند که دنیا را از عدل، از دادگستری و از نیکی پُر میسازد و تبعیضها، ظلمها، سوءاستفاده‌ها و فاصله‌های طبقاتی را از بین میبرد؛ نیز خیلی کار کرده‌اند.^۱

آرمان‌گرایی واقع‌بینانه

در این حرکت سی و سه ساله، آرمان‌ها و آرزوهای عظیمی که اسلام آنها را به ما القاء میکند و تعلیم میدهد، از نظر دور نماند؛ در عین حال واقعیت‌های موجود جامعه و جهان هم مورد توجه قرار گرفت؛ این کمک کرد به اینکه این حرکت بتواند ادامه پیدا کند؛ یعنی ترکیب آرمان‌خواهی و آرمان‌گرایی با واقع‌بینی. یک حرفی را سر زبانها انداختند، درباره‌اش نوشتند و گفتند؛ الآن هم انسان در گوشه و کنار می‌شنود که ملاحظه‌ی واقعیت‌های جامعه و جهان، با آرمان‌گرایی نمی‌سازد. آرمان‌گرایی را اشتباه کردند با رؤیاگرایی. آنچه که ما می‌خواهیم دنبال کنیم و اصرار بر آن داریم، این است که واقع‌بینی، مشاهده‌ی واقعیات جامعه و جهان، با آرمان‌گرایی و تعقیب آرمان‌ها و آرزوهای بزرگ ملت ایران هیچ‌گونه تنافی و تعارضی ندارد. ذکر آرمان‌ها بدون توجه به واقعیت‌ها و بدون ملاحظه‌ی ساز و کارهای معقول و منطقی رسیدن به آرمان‌ها، خیال‌پردازی است.^۲

گفتار دوم. وظایف جامعه‌ی منتظر

زنده کردن روح انتظار و آمادگی برای ظهور

ما امروز برای انتظار، باید باب به‌خصوصی در زندگی خود باز کنیم. حقیقتاً ملت ما باید روح انتظار را به تمام معنا در خود زنده کند.^۳

در سطح دنیا انسانیت فرج می‌طلبد؛ اما راه فرج را نمیداند. شما ملت انقلابی مسلمان، باید با

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجله تعالی فرجه، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳.

۳. دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجله تعالی فرجه، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

حرکت منظم خود در تداوم انقلاب اسلامی، به فرج جهانی انسانیت نزدیک بشوید و شما باید به سوی ظهور مهدی موعود^ع و انقلاب نهایی اسلامی بشریت - که سطح عالم را خواهد گرفت و همه‌ی این گره‌ها را باز خواهد کرد - قدم به قدم، خودتان نزدیک بشوید و بشریت را نزدیک کنید. انتظار فرج این است.^۱

شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه‌ی آماده اقدام بکند. از صفر که نمیشود شروع کرد! جامعه‌ای میتواند پذیرای مهدی موعود - ارواحنا فدا - باشد که در او آمادگی و قابلیت باشد؛ و الا مثل انبیاء و اولیای طول تاریخ میشود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی‌العزم، آمدند و نتوانستند دنیا را از بدیها، پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه‌ها آماده نبود. چرا امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب^ع در زمان خودش - با آن قدرت الهی، با آن علم متصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیبایی‌ها و درخشندگی‌هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت، با آن توصیه‌های پیامبر اکرم^ص درباره‌ی او - در همین مدت کوتاه، نتوانست ریشه‌ی بدی را بخشکاند؟ خود آن بزرگوار را از سر راه برداشتند: «قُتِلَ فِي مُحَرَّابِ عِبَادَتِهِ لِشِدَّةِ عَدْلِهِ». تاوان عدالت امیرالمؤمنین^ع جان امیرالمؤمنین بود که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه‌ی نا مساعد بود. زمینه را نا مساعد کرده بودند. زمینه را زمینه‌ی دنیاطلبی کرده بودند! آن کسانی که در مقابل امیرالمؤمنین^ع صف‌آرایی کرده بودند - در اواخر حکومت این بزرگوار، یا در اواسط - کسانی بودند که زمینه‌های دینی آنها، زمینه‌های مستحکم و ماده‌ی غلیظ متناسب دینی نبود. عدم آمادگی، این طور فاجعه به بار می‌آورد! آن وقت اگر امام زمان^ع در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد.^۲

برادری و همدلی و وحدت

امروز دنیای اسلام بیش از همیشه، به اتحاد یکدلی و تمسک به قرآن نیازمند است. از سویی، ظرفیتهای جهان اسلام برای توسعه و عزت و اقتدار، امروز بیش از گذشته آشکار شده و بازیابی مجد و عظمت امت اسلامی، امروز در سراسر جهان اسلام، انگیزه و خواست جوانان و فرزندان شده است. شعارهای منافقانه‌ی مستکبران، رنگ باخته و نیات پلید آنان برای امت اسلامی، به تدریج

۱. در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۲۵۱.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی^ع، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

آشکار شده است و از سوی دیگر، جهان‌خواران که سودای حاکمیت بر سراسر جهان را در سر می‌پرورانند، از بیداری و وحدت امت اسلامی بیمناکند و آن را سدی در برابر سیل ویرانگر نقشه‌های خود می‌شمرند و در تلاش برای پیشدستی و پیشگیری از آنند. امروز، روز اخوت عملی در همه‌ی عرصه‌ها و در برابر همه‌ی فتنه‌ها است. روز فراهم ساختن زمینه برای حکومت حضرت مهدی، عجل‌الله فرجه‌الشریف است. روز اجابت دعوت الهی در همه‌ی زمینه‌ها است. روزی است که باید آیه‌ی «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» و آیه‌ی «لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» و آیه‌ی «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» را بار دیگر بر دلهای خود تلاوت کنیم.^۱

تا شما ملت ایران، این اتحاد و آمادگی برای انجام کارهای بزرگ را دارید، همه‌ی آرزوهای انبیا و اولیا به دست شما قابل عمل است.^۲

ما آرزو داریم که این یک میلیارد مسلمان، حقیقتاً یک واحد باشند؛ نه اینکه دولتها و کشورها وجود نداشته باشند. چنین چیزی، علی‌الظاهر، تا قبل از ظهور ولی‌عصر ارواحنا فداه، نخواهد شد. اما می‌گوییم در یک جهت حرکت کنند. با یک روحیه حرکت کنند. ملتها و دولتهای مسلمان، با یک دل حرکت کنند. و این، عزت و قدرت آنهاست. عزت و قدرت، در سایه‌ی اسلام است. عزت و قدرت، در سایه‌ی همبستگی و همدلی اسلامی شما ملت ایران است. عزت و قدرت در سایه‌ی تقوا و تمسک به قرآن است. عزت و قدرت، در سایه‌ی نرسیدن از غیر خداست. اینها را اگر ما رعایت کردیم، دیگران باشند یا نباشند؛ همراه ما باشند یا مقابل ما باشند، خدای متعال پشتیبان ما خواهد بود. و ما این راه را به فضل الهی ادامه خواهیم داد و میدانیم که خدای متعال با ماست و توجّهات ولی‌عصر ارواحنا فداه، إن شاء الله شامل حال شما ملت است.^۳

خدا را شکر که به الطاف پروردگار و به توجّهات حضرت ولی‌الله الاعظم، ارواحنا فداه، شما ملت رشید، هشیار و آگاه، وحدت و یکپارچگی‌تان را حفظ کردید و بعد از این هم باید با همه‌ی دقت و توان و ظرفیت بالای خودتان، بر توطئه‌ها فایق آید و این یکپارچگی را حفظ کنید.^۴

۱. پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹.

۲. سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونیهای شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و...، ۱۳۷۸/۴/۸.

۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت سالروز ولادت رسول اکرم ﷺ و امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۳۷۱/۶/۲۴.

۴. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۳/۱۲/۱۱.

بزرگترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان عجله تعالی فرجه این است که از لحاظ معنوی، اخلاقی، عملی، پیوندهای دینی، اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند.^۱

استقلال‌خواهی و عزت‌طلبی

اینکه مردم در کشور اسلامی - حالا در کشور مسلمان ما - تلاششان این است که بر اداره‌ی کشور، بر پیشرفت امور کشور نظارت داشته باشند، تصمیم بگیرند، اقدام کنند، وارد میدان بشوند؛ و میدان را رها نمیکنند که دیگران بیایند و برای آنها تصمیم بگیرند؛ اجازه نمیدهند که امتداد خواست‌های استکباری و استعماری در داخل کشور سرنوشت آنها را معین بکند، امام زمان عجله تعالی فرجه را خوشحال میکنند.^۲

هیئات که امت محمد سیراب‌شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان، به مرگ ذلت‌بار و به اسارت غرب و شرق، تن در دهند.^۳

دفاع از مهدویت و امام زمان عجله تعالی فرجه

من این قضیه‌ای را که اخیراً در کشور پیش آمد و قضیه‌ی دلخراشی بود؛ یعنی اهانت به ولی عصر ارواحنا فداه جلو می‌اندازم و درباره‌ی آن چند نکته‌ی لازم و مهم را عرض میکنم. بعد اگر وقتی ماند، برای بقیه‌ی مطالب باشد.

یک مطلب این است که اصل این قضیه، حقیقتاً قضیه‌ی تلخی بود. من باید عرض کنم این مطلب که در نشریه‌ای به امام عصر ارواحنا فداه اهانت شود، بنده را در مقابل ولی عصر عجله تعالی فرجه خجالت‌زده کرد؛ بنده شرم‌زده شدم. من به خدای متعال عرض کردم: پروردگارا! اگر به خاطر این قضیه، قلب مقدس ولی عصر عجله تعالی فرجه از ما آزرده و رنجیده است، متضرعانه از تو می‌خواهم که دل مبارک آن بزرگوار را از ما دوباره شاد کنی. در کشور امام زمان و در میان مردمی که عشاق ولی عصر ارواحنا فداه هستند، چنین پدیده‌ای بسیار زشت و سنگین است. البته مردم، علمای اعلام و مسئولان کشور، هر کدام به فراخور مسئولیت و موقعیتی که داشتند، با این قضیه برخورد شایسته‌ای کردند؛ اعلام بیزاری و برائت نمودند. خیلی اوقات اتفاق می‌افتد آن کسانی که میخواهند مقدسات را در چشم

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلا‌ی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۳. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۶۸/۴/۱۴.

مردم بشکنند و از ذهن مردم بیرون کنند، از کارهای علی‌الظاهر کوچک این‌طوری شروع میکنند؛ برای اینکه عکس‌العمل مردم را بسنجند. اگر علما و مسئولان کشور، موضع‌گیری نمی‌کردند و اگر مردم ابراز نفرت و انزجار نمی‌کردند، احتمال داشت این قدم اول به قدم بعدی برسد و آن قدم بعدی از این فاحش‌تر باشد و به همین ترتیب پیش برود. اینجا غیرت دینی مردم حقیقتاً بجا و به‌موقع عکس‌العمل نشان داد. خیلی‌ها در این قضایا بی‌طاقت میشوند و احساسات دینی آنها خود را به شکل بارزی نشان میدهد؛ همچنان که در سرتاسر کشور آن را ملاحظه کردید. بنده به نوبه‌ی خودم از همه‌ی کسانی که در این مورد موضع‌گیری کردند، آحاد مردم، علمای اعلام، بزرگان، مسئولان کشور، رئیس‌جمهور محترم، رئیس محترم مجلس و رئیس محترم قوه‌ی قضائیه متشکرم؛ این کار لازم و خوب بود. آن کسانی که میخواهند این کشور را از عقاید و عواطف پاک و منطقی و نشان‌دهنده‌ی عمق اعتقاد آنها دور کنند، باید بدانند که کاری از پیش نخواهند برد. این مردم بیدارند. این مردم به اسلام پایبندند. این مردم به عشق اهل بیت پایبندند. این مردم با این همه فداکاری‌ای که در راه اسلام کردند، اجازه نخواهند داد در این کشور کسانی بخواهند با ابزارهای فرهنگی و در میدان فرهنگی، این‌طور به صراحت با اسلام مبارزه کنند.^۱

فراهم نمودن فضای سالم فرهنگی و مهدوی

از مدیران فرهنگی کشور توقعم بیش از این است. من انتظار دارم فضای کشور از لحاظ فرهنگی طوری نباشد که کسی این گستاخی و یا این غفلت را نسبت به امام زمان (عج) مرتکب شود.^۲

خدمت و سربازی برای امام زمان (عج)

هرجا هستید- چه در دانشگاه و حوزه‌ی علمیه و مدارس گوناگون و چه در بازار، کارخانه‌ها، پادگانها، روستاها و شهرها احساس کنید که سرباز وجود مقدس ولی‌عصر ارواحنا فداه هستید. برای آن بزرگوار کار کنید و از خدای متعال هم توفیق و کمک بخواهید.^۳

حفظ خود از تجملات دنیا

جمهوری اسلامی، امانت تاریخی انبیای عظام الهی است. آرزوی موسی (ع) و عیسی (ع) و آرزوی

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۸/۷/۹.

۲. همان.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان نواحی، پایگاهها و گردانهای بسیج سراسر کشور به مناسبت هفته بسیج، ۱۳۷۴/۹/۸.

همه‌ی اولیاء و ائمه‌ی بزرگوار ماست که امروز تحقق پیدا کرده است؛ و لو ناقص. کاملش هم، إن شاء الله، در دوران حکومت کبری و ولایت عظمای حضرت بقیه‌الله فی‌الارضین، ارواحنا لتراب مقدمه‌ الفداء، ظاهر و آشکار خواهد شد. این، بار خیلی سنگین و محموله‌ی پرارزشی است. این را شما باید حفظ کنید و این میسر نیست مگر با حفظ نفس. متاع دنیا، لذت خیر، پول، ثروت و تجمل دنیا- آن هم در حدودی که امثال من و شما ممکن است در زندگی خود داشته باشیم.^۱

عدم دنباله‌روی از فرهنگ غربی

ما وقتی می‌گوییم منتظر امام زمان هستیم، بیشترین خصوصیتی که برای امام زمان ذکر می‌کنیم، این است که «إملاً الله به الارض قسطاً و عدلاً»؛ نمی‌گوییم: «إملاً الله ديناً و صلاة و صوماً». باینکه آن هم هست و قسط و عدل در چارچوب دین، بهترین و بیشترین تحقق را پیدا میکند، لیکن معلوم میشود که این عدل، یک مصرع بلند درخواستهای انسان است و اگر این روشی که الآن بعضیها غافلانه دنبال میکنند و آن، الگو گرفتن از زندگی غربی است، رواج پیدا کند، روزبه‌روز این حالت بدتر خواهد شد. علاج این است که ما خودمان را از دنباله‌روی فرهنگ غربی در زمینه‌ی مسایل اقتصاد کاملاً خلاص کنیم و نجات ببخشیم. این‌طور نیست که اگر کشوری درآمد سرانه‌اش رقم بالایی است، معنایش این است که این درآمد سرانه به همه میرسد. شما الآن ببینید در آمارهایی که داده میشود، فرضاً می‌گویند در فلان کشور پیشرفته‌ی دنیا مثلاً امریکا یا کانادا درجه‌ی حرارت به چهل و دو درجه رسید و فلان قدر آدم کشته شدند. آیا در تهران اتفاق می‌افتد که در چهل و دو درجه حرارت کسی کشته شود؟ یا مثلاً گفته میشود در فلان کشور سرما به پنج درجه، ده درجه زیر صفر رسید و فلان تعداد انسان یخ زدند. اینها چه کسانی هستند که از حرارت زیاد کشته میشوند و یا در زمستان یخ می‌زنند؟ آنهایی که در ساختمانهایی نشسته‌اند که با سرما و گرمای آن‌چنانی اداره میشود، یخ نمی‌زنند؛ آنها که سرپناه دارند که یخ نمی‌زنند و یا از گرما نمی‌میرند. این معنایش آن است که طبقاتی در آنجا وجود دارند که زندگی بر آنها سخت است.^۲

اینکه تصور شود چون دنیای سرمایه‌داری مبتنی بر لیبرال دموکراسی برایش مسئله‌ی عدالت، مسئله‌ی فرعی و درجه‌ی دو و ابزاری است و برای آنها مسئله‌ی نفع و سود و پول مسئله‌ی اصلی است،

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۲/۱۰/۱۵.

۲. بیانات در جلسه‌ی پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۴.

موجب نمیشود که ما از عدالت به معنای یک مسئله‌ی محوری و اصلی صرف‌نظر کنیم. ما در قالبهای اقتصادی و در کارکرد سیاست داخلی و خارجی‌مان، مسئله‌ی عدالت‌محور است. اسلام ما این است: اسلام معنویت، عقلانیت و عدالت. به اسم اسلام قانع نیستیم که اسلام لیبرال داشته باشیم تا ارزشهای غربی و ارزشهای امریکایی را ترویج کند و از روشهای آنها استفاده کند و با آنها در بخشهای مختلف هم‌رنگ و هم‌صدا شود و احیاناً دعای ندهی هم بخواند. ما اسلام متحجر طالبانی را هم قبول نداریم.^۱

ایستادگی در مقابل غرب‌زده‌ها

این ملت، ملت انقلابی است. این کشور، کشور اسلام، کشور امام زمان عج و کشور اهل بیت علیهم‌السلام است. این کشور، کشور قرآن است. ریشه‌های ایمان در این کشور، خیلی عمیق است. سالها حرکت استکباری و استعماری، با همه‌ی مظاهر بی‌ایمانی که آورد و وارد این کشور کرد، نتوانست این ملت را از دین و ایمانش جدا کند. کسانی که نگاهشان به دروازه‌های غرب و به‌خصوص آمریکاست، چه فکر میکنند؟! ببینند آنها چه اشاره میکنند؛ اینها همان را بگویند! اجازه بدهند کسانی که تقریباً همه‌ی این بیست سال را در مقابل انقلاب، در مقابل امام و در مقابل مردم ایستادند، حالا بیایند، میدان‌دار صحنه شوند.^۲

حفظ انقلاب اسلامی و خدمت به آن

من می‌خواهم به شما جوانان عزیز، به شما پاسداران عزیز، به شما سازمان باعظمت و پرشکوه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به شما بسیجیها، به شما ارتشیه‌های مؤمن، دلسوز، ساخته و پرداخته انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، به شما جوانان قشرهای مختلف این کشور و به خانواده‌های گوناگون، از متوسط‌ها، پایین‌تر از متوسط‌ها و بالاتر از متوسط‌ها، عرض کنم که عزیزان من! بار سنگین حفظ این امانت الهی که امانت پیغمبران است، بر دوش شماست. جمهوری اسلامی، امانت تاریخی انبیای عظام الهی است. آرزوی موسی علیه‌السلام و عیسی علیه‌السلام و آرزوی همه‌ی اولیاء و ائمه‌ی بزرگوار ماست که امروز تحقق پیدا کرده است؛ و لو ناقص. کاملش هم، إن شاء الله، در دوران حکومت کبری و ولایت عظمای حضرت بقیة الله فی الارضین، ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، ظاهر و آشکار خواهد شد.^۳

۱. بیانات در دیدار مسؤولان وزارت امور خارجه و روسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۱۳۸۳/۵/۲۵.

۲. بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت به مناسبت سالروز میلاد حضرت زهرا علیها‌السلام، ۱۳۸۰/۶/۱۸.

۳. بیانات در دیدار فرماندهان و اعضای «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، به مناسبت «روز پاسدار»، ۱۳۷۲/۱۰/۱۵.

برای ظهور مهدی موعود ارواحناده زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. همان‌طور که عرض کردم، فرموده‌اند: «والله لتمحصن» و «والله لتغربلن»؛ این تمحیص و این امتحان بزرگ که مریدان و شیعیان ولی‌عصر ارواحناده با آن مواجه هستند، همان امتحان تلاش برای حاکمیت اسلام است. برای حاکمیت اسلام باید کوشش کنید.^۱

شرکت در انتخابات مورد رضایت حضرت

من قبل از انتخابات گفتم، الآن هم می‌گویم: هرکس که به‌خاطر تثبیت نظام و به‌خاطر انجام وظیفه، رأی در صندوق انداخته است و نام هرکسی را که طبق تشخیص او درست بوده، روی آن ورقه نوشته است، پیش خدا مأجور است و امام زمان ارواحناده که این کشور و این ملت در ید قدرت و قبضه‌ی اوست، مراقب این کشور و این ملت است و به یکایک آحادی که در این کار بزرگ سهیم شدند؛ پای صندوق رأی رفتند، یا مردم را به پای صندوق رفتن تشویق کردند، یا کاری برای این مسئله انجام دادند، اجر خواهد داد و پیش خدای متعال از آنها تشکر خواهد شد.^۲

اینکه مردم در کشور اسلامی- حالا در کشور مسلمان ما- تلاششان این است که بر اداره‌ی کشور، بر پیشرفت امور کشور نظارت داشته باشند، تصمیم بگیرند، اقدام کنند، وارد میدان بشوند؛ و میدان را رها نمیکنند که دیگران بیایند و برای آنها تصمیم بگیرند؛ اجازه نمیدهند که امتداد خواست‌های استکباری و استعماری در داخل کشور سرنوشت آنها را معین بکند، امام زمان عجله را خوشحال میکنند؛ امام زمان عجله ناظر است و میبیند. انتخابات شما را امام زمان عجله دید.^۳

مبارزه با خرافات و بدعتها در عرصه‌ی مهدویت

در همین قضیه‌ی مهدویت،...حقیقت را باید نشان داد. باید سعی کنیم پیرایه‌ها، خرافه‌ها، ادعاهای دروغین، کج‌فهمی‌ها، بدفهمی‌ها دخالت نکنند.^۴

مسئله‌ی دیگر، مبارزه‌ی با خرافات است. در کنار ترویج و تبلیغ معارف اصیل دینی و اسلام ناب، باید با خرافات مبارزه کرد. کسانی دارند روزبه‌روز خرافات جدیدی را وارد جامعه‌ی ما میکنند.

۱. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجله، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۸/۱۲/۱۱.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به‌مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۴. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

مبارزه‌ی با خرافات را باید جدی بگیرید... امروز شما ببینید مدعیان ارتباط با امام زمان (عج) و ارتباط با غیب، با شکلهای مختلف در جامعه دارند کار میکنند... این خطرناک است. در مقابله‌ی با خرافات و آن چیزهایی که از دین نیست، شجاع باشید و بگویید. ملاحظه‌ی اینکه حالا ممکن است کسی بدش بیاید یا ممکن است چه بکند، نکنید.^۱

دشمن‌شناسی

یک ملت زنده و ملتی که اهل پیشرفت است، از جمله کارهایی که در کنار سازندگی، در کنار پیشرفت علمی و در کنار کارهای بزرگ، حتماً باید از آن غفلت نکند، شناخت هدفهای دشمن در هر مرحله است. این خاصیت زنده بودن است. نمیشود ملتی را فرض کرد که آرمانهای بزرگی داشته باشد و بخواهد کارهای بزرگی بکند؛ اما دشمن نداشته باشد.^۲

زمان‌شناسی

در همان زمان حرکت ابا عبدالله علیه السلام، کسانی بودند که اگر با آنها در باب این قضیه صحبت میشد که «اکنون وقت قیام است» و میفهمیدند که این کار، به دنبال خود مشکلات و دردسرهایی دارد، به تکالیف درجه‌ی دو میچسبیدند؛ کما اینکه دیدیم، عده‌ای همین کار را کردند. در میان آنهایی که با امام حسین علیه السلام، حرکت نکردند و نرفتند، آدمهای مؤمن و متعهد وجود داشت. این‌طور نبود که همه، اهل دنیا باشند. آن روز در بین سران و برگزیدگان دنیای اسلام، آدمهای مؤمن و کسانی که میخواستند طبق وظیفه عمل کنند، بودند؛ اما تکلیف را نمیفهمیدند؛ وضعیت زمان را تشخیص نمیدادند.^۳

گفتار سوم. وظایف دولت منتظر

توجه دائمی به آرمانهای انقلاب اسلامی (آرمان مهدویت)

آنچه ما تصور میکنیم که وظیفه‌ی ماست، وظیفه‌ی مجموعه‌ی مسئولان کشور است، وظیفه‌ی دولت جمهوری اسلامی است، این است که این سه مؤلفه‌ی بزرگ را برای همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها و

۱. دیدار با روحانیون، ۱۳۸۵/۸/۱۷.

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۸/۹/۲۶.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیان، ۱۳۷۱/۵/۷.

همه‌ی اقدامها در نظر داشته باشد: مؤلفه‌ی اول عبارت است از: آرمانها و اهداف نظام جمهوری اسلامی، که این اهداف و آرمانها مطلقاً نبایستی از نظر دور بشود.^۱

زمینه‌سازی برای ظهور

با تلاش مسئولان و با امید و پشتیبانی قشرهای مختلف مردم بایستی قدم‌به‌قدم این راه را طی کنیم و پیش برویم. این راه گرچه کوتاه‌مدت نیست، اما همان راهی است که بالاخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که إن شاء الله زمینه‌های ظهور مهدی موعود صلوات الله علیه و عجل الله فرجه را فراهم خواهد کرد.^۲

ما آن وقتی میتوانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود ارواحنافداه زمینه باید آماده بشود.^۳

حرکت به سوی ساختن دولت کریمه

دولت باید دولت کریمه باشد. معنای «اللهم انا نرغب اليك في دولة کریمه» این است که پروردگارا! ما دستهای خود را بلند و دلهایمان را به سوی تو عرضه میکنیم و از تو دولت کریمه را میخواهیم. این دولت کریمه شرایطی دارد. البته ما از اول انقلاب تا کنون همواره خواسته‌ایم دولتها را دولت کریمه بنامیم. یکی از آرزوهای ما این است و بنده آن را دوست میدارم. شما هم دولت عزیز و دولت انقلابید؛ اما حقیقت قضیه این است که دولت کریمه شرایطی دارد. دولت کریمه، دولتی است که عزیز و سربلند و دارای اعتقاد راسخ به آن راهی است که قانون اساسی و وظایف و سیاستهای نظام در مقابل او گذاشته است. نفوذناپذیر است و متاع خودش را به‌خاطر سبک کردن دیگران سبک نمی‌بیند؛ همان نکته‌ای که امام صادق (علیه السلام) - قریب به این مضمون - به شیعه‌ی خود فرمودند که اگر گوهری در دست تو باشد و همه‌ی دنیا بگویند: این خرف است، آیا عقیده‌ی تو برمی‌گردد و احساس حقارت میکنی؟ گفت: نه؛ گفتند: پس گوهرت را نگه‌دار. دولت کریمه دارای پیام است و برای دنیا حرف نو دارد. ما این حرف نو را داریم. امروز مردم‌سالاری دینی‌ای که ما در کشور خود مطرح میکنیم، یک حرف نو است؛ نه فقط به‌خاطر اینکه ما شاخه‌ای از مردم‌سالاری را ارائه

۱. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴.

۲. بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴.

۳. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

میدهیم؛ نخیر، ما در واقع در مردم‌سالاریهای دنیا شبهه میکنیم.^۱

إن شاء الله این دولت، مصداقی باشد برای همان دولت کریمه‌ای که در دعای «افتتاح» میخوانیم و از خدای متعال آن را درخواست میکنیم.^۲

ساخت تمدن نوین اسلامی

ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی‌الله‌الاعظم ارواحنا فداه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده‌ی قطعی شماست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند.^۳

آرمان نظام جمهوری اسلامی را میشود در جمله‌ی کوتاه ایجاد تمدن اسلامی خلاصه کرد. تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی میتواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.^۴

ایجاد الگوی حیات طیبه‌ی اسلامی

ببینید برادران و خواهران عزیز! شماها مسئولین و کارگزاران این نظامید. نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این نظام، یا جمعی از نخبگان، اینجا جمع هستید؛ عمده‌ی مسئولین کشور الان اینجا جمع هستند. من و شما چرا در این نظام مشغول کار شدیم؟ آیا ما از اول به دنبال این بودیم که حکومتی تشکیل شود، دولتی به وجود بیاید، ما بشویم رئیس دولت، مسئول دولت، وزیر دولت، وکیل دولت؟ مگر مقصود این بوده؟ نه. اگر مقصود این باشد، باید عرض کنم زحماتی که هر کدام از ما میکشیم - اگر با این نیت باشد - همه‌اش «هباءاً منثورا» است؛ بی‌ارزش است؛ پیش خدای

۱. بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۰/۶/۵.

۲. بیانات در دیدار هیئت دولت در آغاز کار دوره‌ی دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۲/۶/۳.

۳. بیانات در دیدار ایثارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی، ۱۳۷۶/۵/۲۹.

۴. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴.

متعال اجری ندارد؛ با زوال عمر زائل میشود، بلکه با زوال مدت مسئولیت زائل میشود. ما فرقدمان با بقیه‌ی گروه‌هایی که در کشورهای مختلف می‌آیند یک رژیم را تغییر میدهند، بر سر کار می‌آیند و قدرت را به دست می‌گیرند، این است که ما آمدم برای اینکه یک جامعه‌ی اسلامی به وجود بیاوریم؛ ما آمدم تا حیات طیه‌ی اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان بازتولید کنیم؛ آن را تأمین کنیم. و اگر بخواهیم با یک نگاه وسیع‌تر نگاه کنیم، چون بازتولید حیات طیه‌ی اسلامی در کشور ما میتواند و میتواند و میتواند همچنان الگویی برای دنیای اسلام شود، در واقع آمدم برای اینکه دنیای اسلام را متوجه به این حقیقت و این شجره‌ی طیه بکنیم؛ ما برای این آمدم. هدف، جز این چیز دیگری نبود، الان هم هدف جز این چیز دیگری نیست.^۱

انقلاب اسلامی به وجود آمد تا به ملت ایران، حیات طیه بدهد. حیات طیه، یعنی آن چیزی که قرآن میفرماید: «فَلْنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً». این ثمره و هدف نهایی این انقلاب است. حیات طیه، یعنی یک ملت، هم از لحاظ مادی، زندگی روزمره، رفاه، امنیت، دانش، سواد، عزت سیاسی، استقلال اقتصادی، رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسانهای مؤمن، خداشناس، پرهیزکار و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند. این حیات طیه است.^۲

مسئولان باید به وظایف خودشان عمل کنند؛ نیازهای مردم را بفهمند، درک کنند و تأمین کنند. مشکلاتی که امروز در بین مردم وجود دارد - محرومیتها، نابسامانیها، تبعیضها و بیکاریها که تذکر مشفقانه‌ی ما به مسئولان دائماً درباره‌ی این چیزهاست - موانع راهند. برطرف کردن اینها هدف نیست؛ برطرف کردن اینها برای رسیدن به هدف لازم است. هدف عبارت است از ساختن کشوری که بتواند در دنیا الگو باشد؛ «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ». آن چنان بالا قرار گیرید که بتوانید ناظر بر همه‌ی عالم باشید؛ بر همه‌ی روشها، بر همه‌ی تمدنها و مدنیته‌ها.^۳

کارآمد نشان دادن دولت با ایجاد سبک زندگی اسلامی

ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله‌ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در

۱. بیانات در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان نظام، ۱۳۸۷/۶/۱۹.

۲. بیانات در دیدار مردم ساری، ۱۳۷۴/۷/۲۲.

۳. بیانات در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۳۷۹/۸/۱۱.

مرحله‌ی دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم؛ باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم. امروز دولت ما- یعنی مسئولان قوه‌ی مجریه، قوه‌ی قضائیه، قوه‌ی مقننه، که مجموع اینها دولت اسلامی است- سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزشهای اسلامی را دارد؛ اما کافی نیست؛ اولش خود من. باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. باید به سمت زندگی علوی برویم. رفتن به سمت زندگی علوی معنایش این نیست که اگر آن روز لنگ می‌بستند و راه می‌رفتند، امروز هم لنگ ببندیم و راه برویم؛ نه، امروز دنیا پیشرفته است. باید روح زندگی علوی- یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاک‌دامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا- را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت اینها برویم؛ این اساس کار ماست. و به شما عرض کنم، در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد؛ چون مشکل اساسی‌ای که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید، کارآمدی در نگاه جهانی است؛ بگویند آیا توانستند این کار را بکنند، توانستند آن کار را بکنند؟ اگر ما قدم به قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پایندی خود را به ارزشها و اصول خود عملاً نشان دهیم، کارایی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد.^۱

تلاش برای اقامه‌ی عدالت مهدوی در همه‌ی سطوح

در جمهوری اسلامی، عدل یک پیام شخصی نیست؛ بلکه یک نظام اجتماعی است. این‌طور نیست که هرکس فقط در محیط خود، عادلانه رفتار کند. این کافی نیست. عدل معنایش این است که باید جامعه، قائم به قسط باشد. «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» قانون، عادلانه؛ اجرا، عادلانه؛ نظارت، عادلانه؛ قضاوت، عادلانه؛ تقسیم، عادلانه. این، خصوصیتی است که برای جمهوری اسلامی ارزش محسوب میشود. ما اگر از لحاظ مادی و سازندگی به کشورهای پیشرفته‌ی دنیا هم برسیم، کافی نیست. امروز کسانی که سرشان در حسابهای مادی و محاسباتی و از این قبیل است، تا صحبت میشود، میگویند: ما میخواهیم خودمان را مثل فلان کشور بسازیم. البته هرکس هم، سلیقه و نظری برای خودش دارد. اگر ما ایران را مثل کشورهای برخوردار مادی ساختیم، اما از عدالت خبری نبود، این هیچ ارزش ندارد. پیام اسلام، اقامه‌ی عدل است. قیام اسلامی در ایران، برای اقامه‌ی عدل بود. پیغمبران که آمدند، برای اقامه‌ی عدل و قسط آمدند. بشریت که با عطش تمام منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه‌الشریف است و میخواهد مهدی موعودش بیاید و چشم انتظار آن

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۳/۸/۶.

حضرت است، برای این است که او بیاید تا دنیا را از عدل و داد پر کند. این است آن پیامی که انقلاب اسلامی برای دنیا دارد و خودش هم متعهد و متکفل آن است. اصل قضیه این است که اگر ما کم داشته باشیم؛ اما عادلانه عمل کنیم، به مراتب ترجیح دارد بر اینکه زیاد داشته باشیم و غیر عادلانه عمل کنیم.^۱

مظهر عدل پروردگار، امام زمان علیه السلام است و میدانیم که بزرگترین خصوصیت امام زمان علیه الصلاة والسلام - که در دعاها، زیارات و روایات آمده است - عدالت میباشد: «يَهْدِي اللَّهُ إِلَى الْأَرْضِ قِسْطًا وَعَدْلًا». ما باید امروز جامعه را جامعه‌ی عدالت بکنیم. در بنای یک جامعه، عدالت از همه چیز مهمتر است. عدالت، به معنای عدم تبعیض در حقوق، حدود و احکام است. عدالت؛ یعنی کمک به مردم محروم و ضعیف. عدالت، یعنی اینکه برنامه‌ها و حرکت کلی کشور، در جهت تأمین زندگی مستضعفان باشد. عدالت، به معنای این است که کسانی که در زیر سایه‌ی سنگین نظام طاغوتی، از حقوق خود محروم ماندند، به حقوقشان برسند. عدالت؛ یعنی اینکه عده‌ی خاصی برای خودشان حق ویژه‌ای قایل نباشند. عدالت؛ یعنی اینکه حقوق انسانی، اجتماعی و عمومی و حدود الهی، یکسان بر مردم اجرا شود. اگر جلوی کسانی که با تکیه بر فریب و زور و یا بر اساس کارهای ناصحیح و مبتنی بر عقلهای مادی و منحرف از معنویت، توانستند به چیزهایی که حق آنها نبوده است، دست پیدا کنند، گرفته شود تا فرصتی برای ادامه‌ی کار خود پیدا نکنند، عدالت تحقق پیدا کرده است. البته، کمک به مظلومان و محرومان، شامل کمکهای فردی هم میشود، اما قضیه بالاتر از اینهاست؛ زیرا تحقق زندگی عادلانه به این است که کمک نظام و تشکیلات و حرکت آن، در جهت کمک به مستضعفان باشد. ما اگر در این جهت، زندگی خود را پیش بردیم و حرکت کردیم، مطمئناً خدای متعال کمک خواهد کرد و قدرتهای مادی نخواهند توانست با این ترفندها و فریبا، ملت ما را از راه پرافتخار خود منصرف کنند و مقاومتش را بگیرند. ان شاء الله روزبه‌روز مقاومت مردم بیشتر خواهد شد.^۲

تلاش ما حکومت حق و عدل است؛ تلاش برای ایجاد عدالت است. شاید در اسلام در مورد مسایل اجتماعی، هیچ چیز به قدر عدالت، مورد توجه قرار نگرفته است. شما ببینید در مورد ظهور حضرت

۱. بیانات در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم، در روز ولادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان علیه السلام، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه و عجل الله فرجه، در بیشتر روایات و ادعیه و زیاراتی که درباره‌ی آن بزرگوار است و اسمی از آن بزرگوار است، به دنبال مسئله‌ی ظهور و قیام آن حضرت، «یملأ الله الارض قسطاً و عدلاً» هست. خدا به وسیله‌ی او، زمین را پر از قسط و عدل میکند؛ البته خدا به وسیله‌ی امام زمان علیه السلام زمین را از دین خودش هم پر میکند؛ اما آن چیزی که در دعا و زیارت و روایت گفته میشود، «یملأ الارض به الدین، دین الحق» نیست- مگر در بعضی از جاها که تعبیراتی هست- متعلق «یملأ»، قسط و عدل، عدالت، دادگری و انصاف است. چرا؟ چون بشر بیشتر از همه چیز، از ظلم و بیدادگری رنج میبرد. این حکومت در راه عدالت حرکت کرده و در راه عدالت هم حرکت میکند؛ قوامش هم به عدالت است.^۱

حکومت الهی حضرت بقیة الله ارواحنا فداه حکومتی است که در آن مقررات حاکم بر مردم، خواست آمریکا و دیگر قدرت‌های زورگوی شرق و غرب نیست، بلکه حکومت عدالت، مواسات و مساوات، حکومت معنویت و فضیلت است و امروز هر کسی که برای عدالت، در راه دین و خدمت به محرومان حرکت میکند، باید خوشحال و امیدوار باشد؛ زیرا آینده متعلق به اوست.^۲

نظام اسلامی، نظام عدالت است. شما که آرزومند و مشتاق ظهور خورشید مهدویت در آخرالزمان هستید و الآن حدود هزار و دویست سال است که ملت اسلام و شیعه در انتظار ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و جعلنا الله فداه است، چه خصوصیتی برای آن بزرگوار ذکر میکنید؟ «الذی یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً». نمیگویید که «یملأ الله به الأرض دیناً». این، نکته‌ی خیلی مهمی است. چرا به این نکته توجه نمیکنیم؟ اگرچه قسط و عدل متعلق به دین است، اما هزار سال است که امت اسلامی برای قسط و عدل دعا میکند. این نظام اسلامی به وجود آمده است؛ اولین کارش اجرای قسط و عدل است. قسط و عدل، واجب‌ترین کارهاست. ما رفاه را هم برای قسط و عدل میخواهیم. کارهای گوناگون مبارزه، جنگ، سازندگی، توسعه را برای قسط و عدل میخواهیم؛ برای اینکه در جامعه عدالت برقرار شود، همه بتوانند از خیرات جامعه استفاده کنند و عده‌ای محروم و مظلوم واقع نشوند. در محیط قسط و عدل است که انسانها میتوانند رشد کنند، به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خودشان را به دست آورند. قسط و عدل، یک مقدمه‌ی

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۵/۱۱/۱۲.

۲. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۳/۱۰/۲۸.

واجب برای کمال نهایی انسان است. چطور میشود به این قضیه بی‌اعتنایی کرد؟ دنیا انصافاً دنیایی است که به قسط و عدل بی‌اعتناست. ما در این زمینه باید بگوییم که به عنوان یک حکومت، در دنیا خیلی تنهایییم. به این شعارهایی که در دنیا میدهند، نگاه کنید! اساس حکومت‌های دنیا، اساس عدل و رعایت حقوق انسانها و رعایت ضعفا و محرومان نیست.^۱

هدف بزرگ پیامبران و هدف قیام ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف تأمین عدالت اجتماعی است. اولین ارزش در نظام ما از لحاظ عملی، باید تأمین عدالت اجتماعی باشد. این مهم باید در تمام برنامه‌ریزیها و عملها و امثال آن، مورد توجه قرار گیرد.^۲

بنای قوام اساسی دعوت، حکومت و نهضت انبیاء، بر عدل است. «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ عدالت، همه چیز است. شما هم که آرزوی قیام حکومت عادل‌هی حجت‌الهی ارواح‌فداه را دارید، تکرارتان در دعا و زیارت این است که: «یَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا». در درجه‌ی بعد می‌گوییم که دین خدا را هم اشاعه دهد... پس، دلیل این است که اساس و محور و نقطه‌ی مرکزی توجه در نظام اسلامی، عدالت است. این برای ما تکلیف درست میکند.^۳

فلسفه‌ی وجود من و امثال من در اینجا - که بنده یک طلبه هستم - این است که ما بتوانیم عدالت را اجرا کنیم و لاغیر. دعایی که شما برای آمدن امام زمانتان می‌کنید - که اعزّ همه‌ی خلائق عندالله و عند عباده الصالحین است - این است که می‌گوییم: «یَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عدلاً و قِسْطاً» نمی‌گویید دیناً و خلقاً. بشر تشنه‌ی عدالت و دنبال عدالت است.^۴

عدالت خط قرمز همه‌ی سیاستها و فعالیتها

بدیهی است که در یک نظام اسلامی و دینی، همه‌ی مردم بایستی به سمت دینداری، خداپرستی، عبادت خدا و اخلاق حسنه پیش بروند - شکی نیست - لیکن این موضوع در آثار اسلامی، کمتر از موضوع «عدالت» مورد تأکید قرار گرفته است. در قرآن، وقتی که می‌فرماید ما پیامبران را فرستادیم، متعاقبش می‌گوید: «يَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» هدف، قسط است. قسط یعنی زندگی عادلانه. فرستادن

۱. بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی، ۱۳۷۶/۴/۲۵.

۲. سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارکنان نظام جمهوری اسلامی در آستانه‌ی یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۶۸/۱۱/۹.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولین قضایی و قضات کشور، ۱۳۷۳/۴/۶.

۴. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی کشور و خانواده‌های شهدای هفتم تیر، ۱۳۷۷/۴/۷.

پیامبر، مبدأ کار است. خدا قضیه را این‌گونه شروع کرده است: «لیقوم الناس بالقسط»؛ ولی منتها هم این‌گونه است که خدا، امام زمان علیه السلام را میفرستد، تا «یملأ الله الارض به قسطاً و عدلاً بعد ما [تبدیل به کما] ملأت ظلماً و جوراً». بنابراین، منتها هم قسط و عدل است. البته رونق و شکوفایی اقتصادی و مسایلی از این قبیل، همه‌اش چیزهای خوبی است و کسی مخالف اینها نیست؛ اما به شرطی که آن هدف اصلی در میان اینها گم نشود.^۱

اساس اداره‌ی تشکیلات کشور نیز همین است که بارها تکرار شده: عدالت اجتماعی. در تمام آثار دینی که شما نگاه میکنید، هدف و غایت برای حرکت جامعه‌ی اسلامی، تشکیل جامعه‌ی عادلانه است. راجع به امام زمان این‌همه اثر هست و در اغلب اینها گفته میشود که آن بزرگوار تشریف بیاورند تا اینکه جهان را پر از عدل کنند. بیش از آنچه که گفته شده «پر از دین حق کنند» گفته شده «پر از عدالت کنند»؛ یعنی آنچه که در درجه‌ی اول مطرح است، «عدالت» است که باید انجام گیرد.^۲

ترویج مهدویت در داخل و خارج از کشور

در مجلس ما جمعی از عناصر فرهنگی، رایزنان فرهنگی، جمعی از مدیران آموزش و پرورش، جمعی از جوانان زبده و برجسته‌ی سازمان جوانان، جمعی از مجموعه‌های مرتبط با مهدویت حضور دارند. آنچه را که من به این مناسبت در این جمع فرهنگی آگاه و هوشیار به شما برادران و خواهران می‌خواهم عرض بکنم، این است که ما عقاید اسلامیمان، به‌خصوص عقاید شیعی، جزو پاکیزه‌ترین، منطقی‌ترین و مستحکم‌ترین عقاید است... این عقاید را بایستی اولاً درست فهمید، ثانیاً آنها را با تدبّر و تأمل عمیق بخشید، ثالثاً آنها را به‌درستی منتقل کرد... مجموعه‌های فرهنگی مرتبط با ملت‌های دیگر و شاغل در خارج کشور یا مرتبط با آنها، مهم‌ترین کارشان این است که این حقایق را بتوانند با شیوه‌های مختلف در مقابل چشم و نظر خواهندگان و جویندگان قرار بدهند؛ همین‌قدر که آنها مطلع بشوند. در همین قضیه‌ی مهدویت، آن کسانی از اهل سنت یا حتی از علمای غیر مسلمان که به عقاید شیعه در باب مهدویت توجّه کردند و از آن اطلاع پیدا کردند، تصدیق کردند که بشارت‌هایی که در تورات و انجیل و ادیان دیگر هست، همه منطبق با همین

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار وزیر تعاون، به اتفاق معاونین و مسؤولان بخش‌های تعاون، ۱۳۷۷/۲/۲۱.

۲. بیانات در دیدار هیئت دولت در آغاز کار دوره‌ی دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۲/۶/۳.

مهدویت است که در شیعه وجود دارد. این را اعتراف میکنند. آن کسی که عقیده‌ی شیعه را نمیداند، یا شکل تحریف‌شده‌ی آن به او رسیده، خوب، بدیهی است که یک چنین قضاوتی نمیتواند بکند. شکل درست عقیده را باید منتقل کرد.^۱

ایجاد فضای فرهنگی مناسب با مهدویت

من از مدیران فرهنگی کشور توقعم بیش از این است. من انتظار دارم فضای کشور از لحاظ فرهنگی طوری نباشد که کسی این گستاخی و یا این غفلت را نسبت به امام زمان (عج) مرتکب شود. شما نگاه کنید ببینید، هر جمعه در سرتاسر کشور چند صد هزار نفر و یا چند میلیون نفر از مردم دعای ندبه میخوانند؛ جوانان اشک میریزند. شما ببینید نیمه‌ی شعبان مردم چه میکنند! عیسی در یک جای کار هست که در فضای فرهنگی کشور کسی یا جرأت کند یا غفلت کند که به امام زمان (عج) و به این اعتقاد به این اهمیت، این‌گونه اهانت کند. من از کسانی که الآن مسئولان رسمی امور فرهنگی هستند، توقع و خواستم این است که به‌طور جدی تجدید نظر کنند و ببینند عیب کارشان کجاست.^۲

تربیت انسانهای صالح

حقیقتاً این واقعیتی است که برای یک انقلاب، انسان‌سازی از همه چیز مهم‌تر است. اگر انقلاب، انسان‌سازی نکند، هیچ کاری نکرده است. اگر کسی فکر بکند، دلیل این معنا واضح است. یعنی این حرف، واقعاً استدلال نمیخواهد؛ چون دنیا بدون انسان صالح، یک پدیده‌ی بی‌جان و کور و تاریک است. آن چیزی که به عالم خاکی جان میبخشد، ارزش میدهد، نور میدهد و معنا و مضمون به وجود می‌آورد، انسان است. «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ جَانِشِينَ، عنوانی است که خدا به انسان داده است. این جانشین را کجا گذاشته‌اند؟ «فِي الْأَرْضِ». ارض بدون این جانشین، چیست و چه ارزشی دارد؟

تمام پیامبران و عبادالله الصالحین، هم‌شان این بوده که انسان صالح را در این زمین به وجود بیاورند، حفظ کنند، رشد بدهند و تکثیر نمایند. هدف اسلام هم این است. اینکه شما دیدید، امام در بیانیه‌ی در چند سال قبل فرمودند، فتح الفتوح انقلاب اسلامی، ساختن جوانانی از این قبیل است،

۱. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۷/۷/۹.

یک حرف نبود که همین‌طور بر قلم امام جاری شده باشد. این، یک مبنای اسلامی و الهی بسیار مستحکم دارد. واقعاً فتح‌الفتوح؛ یعنی ساختن انسان صالح.

این بدبختی‌هایی که شما می‌بینید روی زمین را فرا گرفته است و در زیارت‌ها و آثار مربوط به ولی‌عصر ارواح‌التراب مقدمه‌الفداء آمده است: «کما ملئت ظلماً و جوراً»؛ زمین در تمام دوره‌های تاریخ، پر از ظلم و جور شده است و میشود و آن بزرگوار می‌آید، همه‌ی زمین را از قسط و عدل پر میکند، این ظلم و جور روی زمین، بر اثر چیست؟ بر اثر نبود یا کمبود انسان صالح، بر اثر سروری و خدایگانی انسانهای ناصالح... انقلاب ما آمد، تا انسان صالح تربیت کند. نقش انسان صالح، این است. برادران عزیز من! آن چیزی که این انقلاب را تا امروز نگه داشته است، عبارت از صلاح انسانهاست؛ همان مقدار مایه‌ی صلاحی که ما ملت داریم. در حق ملت‌مان هم مبالغه نمیکنیم. امروز صلاح غلبه دارد و پرچم را به دست گرفته و حاکم است و حرکت به سمت صلاح، برنامه‌ریزی شده است. البته تا صلاح مطلق هم فاصله‌ی بسی طولانی است.^۱

بالا بردن توان علمی و عملی کشور

اتکا به خدای متعال و اعتقاد به نگاه رثوفانه و پدران‌هی حضرت بقیةالله (ارواح‌نافداه) به ملت، این تأثیر بزرگ را در زندگی ما و در رفتار ما دارد که ما را با قوت قلب در مقابل امواج گوناگون وادار به استقامت میکند. نمیتوانند ملت ایران را شکست بدهند. به توفیق الهی، مسئولان کشور، دولتمردان مؤمن و صبور، با پیگیری و تلاش باید بتوانند یکی پس از دیگری مشکلات این ملت را حل کنند؛ باید بتوانند سطح علمی و عملی این کشور را آن‌چنان بالا ببرند که به‌کلی طمع دشمنان از این ملت و از این کشور قطع بشود.^۲

پیروی از خط امام خمینی (ره)

ملت عزیز و برادران و خواهران من در سراسر این کشور، از مراسم سالگرد این استفاده را بکنند و این بهره را ببرند و این فرصت را مغتنم بشمارند که تعالیم امام را در ذهن خود مرور کنند و به یاد آورند. هرکس در هر جا که هست- چه مسئولان کشور و متصدیان و مدیران بخش‌های اجرایی و چه نمایندگان مردم و چه مسئولان قضایی و چه آحاد ملت- اینها را دستورالعمل خود قرار دهد. اگر این

۱. بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

کار شد، آن وقت قلب مقدس ولی عصر ارواحنا فداه، إن شاء الله از این ملت راضی خواهد شد و برکات الهی بر شما نازل خواهد گردید که خدای متعال در قرآن فرموده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ». خداوند به برکت این راه، به برکت تقوا و به برکت ادامه‌ی حرکتی که امام بزرگوار در این کشور آغاز کرد، ابواب برکات را بر این مردم خواهد گشود.^۱

محوریت دین در قانون‌گذاری و اجرا

باید تمام قوانین ما، مقررات مملکتی، ادارات دولتی، نهادهای اجرایی و همه و همه، از لحاظ ظاهر و از لحاظ محتوا، اسلامی بشود و به اسلامی شدن روزبه‌روز نزدیکتر بشود. این جهتی است که انتظار ولی عصر علیه السلام به ما و به حرکت ما می‌دهد. امام زمان علیه السلام - در دعای ندبه می‌خوانید که - در مقابل فسوق، عدوان، طغیان، نفاق مقابله میکند و نفاق، طغیان، عصیان، شقاق دو دستگی را ریشه‌کن میکند و ازاله میکند. ما هم باید در جامعه‌ی مان، امروز در آن جهت حرکت کنیم و پیش برویم.^۲

اگر در نظام اسلامی و در جمهوری اسلامی که به نام حکومت علوی خود را معرفی می‌کند، اقامه‌ی دین خدا هدف نباشد؛ مردم به دین خدا عمل نکنند یا نکنند؛ اعتقاد داشته باشند یا نداشته باشند؛ اقامه‌ی حق الهی بشود یا نشود و بگوییم به ما چه ربطی دارد- اگر این طور باشد- این حکومت علوی نیست. اقامه‌ی دین الهی، اولین شاخصه است.^۳

مبارزه با فساد و ثروت‌اندوزی در بدنه‌ی دولت

قانون‌دانهای قانون‌شکن، خطرناک‌تر از همه‌اند؛ کسانی که قانون را خوب بلدند، پیچ‌وخمها و دالانهای تودرتوی قانون را خوب می‌شناسند، اما خودشان قانون‌شکنند؛ بدون اینکه معلوم شود کارشان قانون‌شکنی است. اگر خدای نکرده چنین چیزی برای ملت ما رواج پیدا کند، یک فاجعه است. این چیزی است که با نظام اسلامی و با انتظار مهدی موعود علیه السلام کاملاً منافات دارد. این حدی است که من از مسئولان خواسته‌ام. به مسئولان بارها گفته‌ام، تأکید هم کرده‌ام، بازهم

۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۵/۲/۱۶.

۲. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۲.

۳. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد امیر المؤمنین علی علیه السلام، ۱۳۸۱/۶/۳۰.

میگویم و پای این مطلب ایستاده‌ام: باید با فساد در دستگاه‌های دولتی و دیگر دستگاه‌های حکومتی مبارزه شود. متعهد این مبارزه، خود مسئولان قوای مختلف هستند. در درجه‌ی اول، برای جلوگیری از فساد در دولت، خود مسئولان دولتی، خود وزرا و خود مدیران ارشد مسئولند. نگذارند در مجموعه‌های آنها فساد به وجود آید. اگر آنها بخواهند مبارزه کنند و اگر این مبارزه را جدی بگیرند، بهتر از هرکس خواهند توانست مبارزه کنند. البته باید حواسشان جمع باشد که دامنهای خود را پاکیزه نگهدارند.

این را همه بدانند: کسی که خودش آلوده به فساد باشد، قادر نخواهد بود با فساد مبارزه کند. خود مسئولان باید با هشیاری و دقت، با این پدیده مبارزه کنند. اگر خدای نکرده مدیران در مقابله با فساد در دستگاه‌های خود کوتاه بیایند، ناگزیر باید قوه‌ی قضائیه وارد میدان شود. دستگاه قضایی هم باید بی‌اغماض و بدون ملاحظه، هر جا فساد و یا عملی را برخلاف قانون و در جهت سوءاستفاده ملاحظه کرد، با آن مقابله کند... در نظام اسلامی که مظهر کامل آن، حکومت حضرت بقیةالله ارواحنا فداه است، فریب و حيله‌گری برای جلب آراء مردم، خودش جرم است؛ استفاده از قدرت برای به‌دست آوردن پول، یکی از بزرگترین جرائم است. آنجا یاران حضرت مهدی (عج) موظفند در سطوح پایین زندگی کنند. نظام اسلامی ما پرتو کوچکی از آن حقیقت درخشان است. ما هرگز این ادعا را نکردیم و نمیکنیم؛ اما باید نشانه‌ای از او داشته باشیم... در نظام اسلامی، مراکز قدرت و کسانی که دستگاه‌های مختلف و مدیریتهای و امضاءها را در اختیار دارند، باید به جمع ثروت شخصی برای خود، به عنوان یک گناه نگاه کنند. اگر این‌طور شد، آنگاه دستها و دامنهای پاک خواهد ماند؛ و الا اگر مسئولی که فلان تجارت خارجی و فلان مناقصه‌ی بزرگ در اختیار اوست؛ فلان پروژه‌ی مهم و پرخرج زیر امضای اوست و فلان صندوق پول زیر کلید اوست، به خودش اجازه دهد برای منافع شخصی و جمع‌آوری ثروت برای خود یا نزدیکانش، از این امکان - که متعلق به کشور و مردم است - استفاده کند، همان چیزی اتفاق خواهد افتاد که در کشورهای دچار سیستمهای ظالمانه در گذشته و امروز در دنیا اتفاق افتاده است؛ یعنی ثروت در یک نقطه متمرکز خواهد شد و جمع‌آوری دچار محرومیت و فقر خواهند گردید. این تبعیض است؛ این چیزی است که اسلام برای مبارزه با آن آمده است. ما هم که مدعی اسلام هستیم، باید با آن مبارزه کنیم.^۱

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاي تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

مطلب سوّم. جوان و انتظار

گفتار اوّل. توجّه روزافزون جوانان به امام زمان (عج)

روزبه‌روز انسان احساس میکند در دل جوانان، در میان آحاد مردم، شوق و عشق و ارادت و تذکر نسبت به وجود مقدّس حضرت حجت سلام‌الله‌علیه علیه بیشتر میشود. این هم از برکات خود آن بزرگوار است. نگاه آن بزرگوار، نظره‌ی رحیمه‌ی آن بزرگوار به ملت ما، دل‌های آنها را متوجّه آن حقیقت تابناک کرده است. خود این، نشانه‌ی توجّه آن بزرگوار است. این را باید قدر دانست.^۱

گفتار دوّم. رابطه‌ی دوطرفه‌ی امام زمان (عج) و جوان

این بزرگوار، در فضای ذهنی و معنوی جامعه‌ی ما، حضور دارد و جوانان مؤمن و با اخلاص نیز با آن حضرت، قلباً در ارتباط هستند. این ارتباط، به معنای حقیقی کلمه، دوجانبه است.^۲ خدای متعال توفیق دهد که ما سربازان آن بزرگوار، متوسّل و متذکر آن بزرگوار باشیم و انس و رابطه‌ی قلبی و روحی با آن بزرگوار برقرار کنیم. اگر شما از این طرف انس داشتید، از آن طرف هم جلب توجّه، جلب تذکر و جلب لطف و محبت خواهد شد. امیدواریم إن‌شاءالله همه‌ی مشکلات، همه‌ی موانع و همه‌ی سختیها و رنجها، به برکت این ارتباط طرفینی، با فضل الهی و با دست قدرت پروردگار از بین برود.^۳

گفتار سوّم. انتظار عامل نشاط جوان و رهایی از پوچی

این نور امید است که جوانها را به انگیزه، حرکت و نشاط وادار میکند و از دل‌مردگی و افسردگی آنها جلوگیری میکند و روح پویایی را در جامعه زنده میکند. این، نتیجه انتظار فرج است.^۴ این ظلم عظیم مسلط بر عالم، این سلطه‌های ناحق، این زورگویی به ملّتها در سطح جهان، این ریختن خونهای به‌ناحق، این پایمال کردن شریفترین و عزیزترین ارزشهای انسانی، این دروغها و تزویرهایی که سردمداران استکبار جهانی هر روز تحویل بشریت میدهند، این همه بدی، این همه

۱. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۵/۱۰/۸.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۴. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

استثمار و ظلم، انسانی را که چشمه‌ی امیدی در دل نداشته باشد، به‌طور طبیعی مأیوس میکند؛ لذاست که شما می‌بینید نسل جوان در کشورهای غربی، به سوی پوچی کشانده میشوند. نسل جوانی که به سنتها خو نگرفته است و خود را پایبند سنتها نکرده است، وقتی که این نابسامانی محیط زندگی بشریت را می‌بیند، ناامید میشود؛ لذا به سمت پوچی کشیده میشود. بسیاری از دختران و پسران در کشورهای غربی، به سمت بیهودگی و بی‌اعتنایی به مظاهر زندگی و پوچی و غرقه شدن در شهوات آنی کشیده میشوند؛ این بر اثر یأس است؛ بسیاری از دانشمندان، نویسندگان و سخنگویان بشریت به این حالت دچار میشوند؛ اما آن ملتی که به آینده امید دارد، میداند که روزگار ظلم، ستم، زورگویی، تجاوز، طغیان و استکبار، با همه‌ی حجم عظیمی که امروز در جهان به وجود آورده است، یک روزگار تمام شدنی است و دورانی خواهد رسید که قدرت قاهره‌ی حق، همه‌ی قلّه‌های فساد و ظلم را از بین خواهد برد و چشم‌انداز زندگی بشر را با نور عدالت منور خواهد کرد؛ معنای انتظار دوران امام زمان عجته این است.^۱

گفتار چهارم. ضرورت استمداد و توسل جوانان به امام زمان عجته

امید من به شما جوانان است. باید این آرزوها را در دل زنده نگهدارید و انگیزه‌ی‌تان را روزبه‌روز بیشتر کنید. این فکر را باید در داخل حوزه گسترش دهید. وقتی این فکر گسترش یافت و غالب شد، به عمل نزدیک خواهد شد و به فضل پروردگار، تحقق خواهد یافت. البته دعا هم بکنید و از خدا هم بخواهید. از حضرت بقیه‌الله الاعظم عجته هم که سید و سالار همه‌ی ماست؛ رئیس و مدبر امور ماست و سر رشته‌ی کار ما در دست اوست، کمک بخواهید.^۲

من به جوانان توصیه میکنم نماز جماعت را، حضور در مساجد، اقامه‌ی مجالس دعا، تضرع و فهمیدن مفاهیم این دعاها را- که بفهمید با خدا چه می‌گویید و چه صحبت میکنید- جدی بگیرید. از یک طرف بازوانِ فعال و گام استوار در راه سازندگی علمی و عملی؛ از یک طرف دل خاشع و خاضع در مقابل پروردگار و توجه و توسل به خدای متعال و استمداد از اولیای مطهر و معصومش؛ به خصوص حضرت بقیه‌الله الاعظم ارواحنا فداه.^۳

۱. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجته، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۲. بیانات در دیدار روحانیون و طلاب ایرانی و خارجی در صحن «مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم»، ۱۳۷۴/۹/۱۶.

۳. بیانات در اولین روز ورود به ساری، ۱۳۷۴/۷/۲۲.

گفتار پنجم. خرسندی امام زمان (عج) از جوانان پرتلاش و پشتیبانی آنها

همین الآن بلاشک ما گرفتاریها و مشکلاتی در زمینه‌ی اقتصادی و غیره داریم. اینها یک روز تمام خواهد شد؛ اما آن عامل تمام شدن این گرفتاریها، جز همین روحیه‌ی معنوی و تمسک به اسلام و انقلاب، چیز دیگری نخواهد بود. باز هم همین دختر و پسر جوانند که کشور را نجات خواهند داد. من بارها گفته‌ام که نسل جوان، گره‌گشای دوره‌های سخت و محنتهای بزرگ است و وقتی وارد میدان میشود که الحمدلله امروز هم در میدان است گره‌های ریز و سخت گشوده خواهد شد. جوانان ما، مؤمن، متدین و علاقه‌مند به کشورشان و علاقه‌مند به اسلامند و با سلطه‌ی امریکا و با سلطه‌ی بیگانه مخالفند. همین کارساز خواهد بود. این توطئه‌هایی هم که میکنند و ترفندهایی هم که میشود، اثری این شاء الله نخواهد بخشید. این شاء الله که خداوند هم کمک خواهد کرد. حضرت بقیه الله ارواحنا فداه هم این شاء الله پشتیبان این راه و این کار و این جوانان خواهد بود.^۱

این جوانهای مؤمن ما که در میدانهای مختلف- چه در میدان معنویت و عبادت و معرفت، چه در میدان کار و تلاش، چه در میدان مبارزه و سیاست، چه در میدان جهاد؛ آن روزی که جهاد مورد احتیاج بود- این جور از خودشان اخلاص و شادابی نشان میدهند، امام زمان (سلام الله علیه) را خرسند و خوشحال میکنند.^۲

من شک ندارم که بسیاری از شما جوانان، مورد نظر و منظور دید مقدس ولی عصر ارواحنا فداه هستید. میدانم که دلهای پاک شما مورد توجه آن بزرگوار است. این شاء الله آن فرزند فاطمه (علیها السلام) و آن عبد صالح الهی برای شما دعا کند و دعای آن بزرگوار در حق همه مستجاب خواهد بود.^۳

گفتار ششم. تهذیب جوانان، شرط انتفاع از حضرت ولی عصر

راهی که برای انتفاع از آن بزرگوار (امام زمان) پیش پای ما گذاشته‌اند، راه تهذیب نفس است، راه مخصوصی نیست؛ همان راهی است که برای تکامل نفس، برای آدم خوب شدن، برای نورانی شدن دل انسان و انعکاس جلوه‌ی جمال الهی در آن جلوی پای انسان گذاشته‌اند. خصوصاً شما که جوانید و دلهایتان پاک است، آمادگی دارید و برایتان خیلی آسان‌تر است. حال شما خیال میکنید که ما در

۱. گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان، ۱۳۷۷/۲/۷.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۳. بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌های انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان و مسئولان امور تربیتی سراسر کشور، ۱۳۷۹/۱۲/۰۸.

اینجا راه ویژه‌ای برای رسیدن به خدمت حضرت داریم؛ نه، وضع شما از این لحاظ از من بهتر است؛ چون شما دلهای پاک و صافی دارید؛ پایبندی‌ها و دلبستگی‌هایتان کمتر است و خیلی راحت‌تر میتوانید ارتباط برقرار کنید. این ارتباط برقرار کردنها هم با صفای نفس کاملاً میسر و آسان خواهد شد. صفای نفس هم با همین عمل به واجبات، اجتناب از گناهان، آلوده نکردن خود، آلوده نشدن و مراقبت به دست می‌آید.^۱

گفتار هفتم. لزوم تربیت آینده نگرانه‌ی جوانان

ما باید نسل جوانی را حفظ کنیم که اگر جنگ بود، دفاع کند؛ اگر حادثه‌ای در داخل بود، حضور پیدا کند؛ آنجا که نوبت علم و تربیت علمی و تحقیقی است، درس بخواند و خودسازی کند؛ آنجایی که صحبت آینده است، خود را آماده کند.^۲

گفتار هشتم. جوان منتظر و روحیه‌ی جهاد و مبارزه

جوانان و روشنفکران و عموم ملت ما با اعتقاد به ظهور مهدی علیه‌الصلاة والسلام این اعتقاد را سخ را در دل خود پرورش میدهند که نظم ظالمانه‌ی جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست؛ میشود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد.^۳

طلّاب باید ارزشهایی را به عنوان ارزشهای ثابت و زوال‌ناپذیر همواره به یاد داشته باشند؛ که از جمله‌ی آنها، ارزش علم و ارزش جهاد است. ارزش جهاد را دست کم نگیرید. طلبه‌ی جهادگر، طلبه‌ی تلاشگر، طلبه‌ی بسیجی، طلبه‌یی که آماده است تا در میدانهای خطر حضور پیدا کند، این طلبه است که اگر با ابزار علم مجهز شد، آن وقت دنیایی در مقابل او دیگر تاب نمی‌آورد.... اینها ارزشهای تمام‌نشده‌ی است؛ هیچ‌چیزی با اینها معادل نیست؛ نظام حوزه بایستی این ارزشها را رشد بدهد و پیش بیاورد... ما که هنوز به اهداف خودمان نرسیده‌ایم؛ ما که هنوز با آن صحنه‌ی عظیمی که از گسترش تفکر اسلامی پدید می‌آید و خدای متعال در آیات قرآنی آن را ترسیم کرده است که «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» خیلی فاصله داریم. راه، همین راه است.^۴

۱. بیانات در دیدار با جوانان نخبه، ۱۳۸۲/۱۱/۲۱.

۲. سخنرانی در آغاز هفتمین گردهمایی ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور، ۱۳۷۰/۶/۲۵.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۴. سخنرانی در اجتماع طلاب و فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۷۰/۱۲/۱.

گفتار نهم. جوان و آمادگی برای ساخت تمدن اسلامی

ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی‌الله الاعظم ارواح‌نافداه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده‌ی قطعی شماست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند.^۱

جوان مسلمان ایرانی باید خود را آماده کند؛ خود را مجهز کند؛ در راه پیشرفت، به خدای متعال توکل کند؛ از خدا استمداد کند؛ با بصیرت پیش برود؛ در این صورت ساز و برگ متناسب را برای مواجهه با شیوه‌ی غلطی که در دنیا حاکم و رایج است، پیدا خواهد کرد و ان شاءالله به همه‌ی آرمانها و آرزوهایی که این انقلاب و اسلام ترسیم کرده است، خواهد رسید.^۲

گفتار دهم. تحقق آرمانها در دست جوان

عقیده‌ی من این است که اگر چنانچه نیروی جوانی، یعنی قدرت فکری و بدنی، و اگر نشاط، روحیه و حالت تحرک، و همچنین جسارت؛ یعنی خط‌شکنی‌ها، که در جوانها به عنوان خصیصه وجود دارد، نباشد، ما به آرمانها دست پیدا نخواهیم کرد. لذا جوانها در زمینه‌ی دسترسی به آرمانها و تحقق آرمانهای انقلاب و آرمانهای اسلامی، دارای مسئولیتهای بزرگی هستند و کارآمدی بسیار بالایی هم دارند. هر کسی که در پی تحقق آرمانها است، باید نقش جوانها را جدی بگیرد؛ و بداند بنده نقش جوانها را جدی میگیرم. آنچه که من در مورد جوانها، چه جوان دانشجو - البته به خصوص جوان دانشجو - و چه غیر دانشجویان، بارها بر زبان آوردم، تعارف زبانی نیست؛ اعتقاد این است و معتقدم که جوانها میتوانند گره‌گشایی کنند. البته مهم این است که میدان کار را، میدان تحرک را بشناسند، آن را درست تعریف کنند؛ کاری را هم که میخواهند انجام دهند، درست تعریف کنند... به نظر من فعال دانشجویی آرمان‌خواه که واقعیتهای را هم می‌شناسد، هرگز نباید در هیچ شرایطی احساس انفعال و بن‌بست کند؛ یعنی نباید از آرمان‌خواهی دست برداشت؛ نه در هنگام پیروزی‌های شیرین، نه در هنگام هزیمتهای تلخ.^۳

۱. دیدار با ایثارگران، ۱۳۷۶/۵/۲۹.

۲. بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴.

۳. بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۲/۵/۶.

گفتار یازدهم. جوان و تبیین معارف مهدوی

بد فهمیدن دستور دین جزو ضعفهای درونی است. بعضی‌ها خیلی از چیزها را نمی‌فهمیدند. مبارزه میکردیم؛ بعضی‌ها به استناد روایاتی که هر پرچمی که قبل از برافراشته شدن پرچم حضرت مهدی (ارواحنا فداه) برافراشته شود، در آتش است، با مبارزه مخالف بودند. میگفتند آقا شما قبل از مبارزه حضرت صاحب‌الزمان (عجل‌الله فرجه) میخواهید مبارزه شروع کنید؟ خوب، این پرچم مبارزه را که بلند میکنید، در آتش است. معنای حدیث را نمی‌فهمیدند... لذا در مبارزات اسلامی، تبیین خیلی نقش دارد. من این را به شما جوانانی که احساس مسئولیت میکنید، توی پرانتز عرض میکنم که تبیین خیلی اهمیت دارد.^۱

گفتار دوازدهم. جوان و خودسازی برای ظهور

شما مردم عزیز به‌خصوص شما جوانان هرچه که در صلاح خود، در معرفت، اخلاق، رفتار و کسب صلاحیتها در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید، این آینده را نزدیکتر خواهید کرد. اینها دست خود ماست. اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد... هرچه ما کار خیر و اصلاح درونی و تلاش برای اصلاح جامعه انجام دهیم، آن عاقبت را دائماً نزدیکتر میکنیم.^۲

گفتار سیزدهم. جوان منتظر و زمینه سازی اجتماعی برای ظهور

چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی‌العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدیها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه‌ها آماده نبود... آن وقت اگر امام زمان علیه‌الصلاة والسلام در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد. این آمادگی چگونه است؟ این، همانی است که شما نمونه‌هایی از آن را در جامعه‌ی خودتان مشاهده میکنید. امروز در ایران اسلامی چیزهایی از درخشندگی‌های معنوی وجود دارد که در هیچ جای دنیا نیست. تا آنجایی که ما خبر و گزارش و اطلاع داریم؛ از قضایای دنیا بی‌خبر هم نیستیم.

امروز در کجای دنیا جوانانی پیدا میشوند که روی شهوات نفس و روی مادیگری پا بگذارند و سراغ معنویات بروند؟ البته گاهی یک جوان، دو جوان، یا یک آدم استثنایی گوشه‌ای هست همه جای

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴.

۲. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان (عج)، ۱۳۷۹/۸/۲۲.

دنیا پیدا میشود اما اینکه عدد عظیمی از یک نسل، این‌طور باشند، کجای دنیا هست؟ هیچ‌جا؛ اینجا هست! بعضی خیال میکردند که مخصوص دوران جنگ است. البته در دوران جنگ، زمینه‌های مناسب‌تری بود، برجستگی آن هم بیشتر بود؛ لیکن این‌طور نیست که بعضی خیال میکردند. امروز هم هستند. امروز جوانان خوب، جوانان مؤمن، حزب‌اللهی، با گذشت از شهوات نفسانی و انسانهایی که دارای گذشت از پول و کسب ثروت و درآمد باشند، زیاد هستند؛ درحالی‌که البته عده‌ای هم به دنبال این امکانات میدوند و فضا را خراب میکنند! عده‌ای با بلندنظری، باتقوا و با بی‌اعتنایی به این زخارف، حرکت میکنند. اینها مخصوص این کشور است. پس میشود قدم به قدم به سمت صلاح پیش رفت.^۱

از یکایک شما عزیزان، جوانان مؤمن و پرشوری که بهترین دوران عمر خودتان را در خدمت دین خدا، در خدمت حق مظلوم الهی و در خدمت آماده‌سازی جامعه برای ظهور حضرت بقیه‌الله‌الاعظم ارواحنا فداه قرار دادید، تشکر میکنم.^۲

دورانی خواهد رسید که قدرت قاهره‌ی حق، همه‌ی قله‌های فساد و ظلم را از بین خواهد برد و چشم‌انداز زندگی بشر را با نور عدالت منور خواهد کرد؛ معنای انتظار دوران امام زمان (عج) این است. شما جوانان عزیز که در آغاز زندگی و تلاش خود هستید، باید سعی کنید تا زمینه را برای آن‌چنان دورانی آماده کنید؛ دورانی که در آن، ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد؛ دورانی که در آن، اندیشه و عقول بشر، از همیشه فعال‌تر و خلاق‌تر و آفریننده‌تر است؛ دورانی که ملت‌ها با یکدیگر نمی‌جنگند؛ دست‌های جنگ‌افروز عالم همانهایی که جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی را در گذشته به راه انداختند و می‌اندازند دیگر نمیتوانند جنگی به راه بیندازند؛ در مقیاس عالم، صلح و امنیت کامل هست؛ باید برای آن دوران تلاش کرد.^۳

نسلی که برای انقلاب آن فداکاری‌ها را کردند، با فداکاری‌های خودشان آن آینده را نزدیک‌تر کردند. هرچه ما کار خیر و اصلاح درونی و تلاش برای اصلاح جامعه انجام دهیم، آن عاقبت را دائماً نزدیک‌تر میکنیم.^۴

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۲. بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۷/۹/۲۳.

۳. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۴. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان (عج)، ۱۳۷۹/۰۸/۲۲.

گفتار چهاردهم. جوان منتظر و سازندگی کشور

امیدواریم خداوند متعال به برکت ادعیه‌ی زاکیه‌ی ولی‌عصر (أرواحنا فداه) همه‌ی شما جوانها، بسیجیان و ملت عزیز ایران را مشمول توفیقات، رحمت و لطف خود قرار دهد و إن شاء الله بتوانید در این برهه‌ی از زمان، در این مقطعی که فرصت متعلق به شماست، کشور را طوری بسازید که نسلهای آینده از شما متشکر باشند و از شما به نیکی یاد کنند.^۱

گفتار پانزدهم. جوان، آمادگی و دشمن‌شناسی

جوانان بایستی آمادگی‌شان را بیشتر کنند. نه آمادگی جنگی؛ چون امروز بحث جنگ نظامی نیست. البته آمادگی رزمی هم برای روز مبادا ضروری است؛ اما آن چیزی که برای همه لازم است، آمادگی معنوی؛ یعنی آمادگی فکری، آمادگی روحی، آمادگی سیاسی و حفظ وحدت، اتصال و ارتباط نیروها با یکدیگر، ارتباط مستحکم و دوستانه‌ی ملت و دولت و شناختن چهره‌ی دشمن در هر لباسی است. دشمن با شکلهای مختلفی خود را به مقابله با انقلاب می‌کشد. همیشه با لباس نظامی وابسته به فلان دولت بیگانه، جلو نمی‌آید.^۲

گفتار شانزدهم. دعاهای مهدوی برای جوانان

امیدوارم که پروردگار عالم، توجهات حضرت ولی‌عصر أرواحنا فداه را نسبت به مجموعه‌ی ملت و کشور ایران و به‌خصوص شما جوانان صالح و مؤمن بیشتر کند و دعای آن بزرگوار را شامل حال شما فرماید.^۳

پروردگارا! فضل، رحمت و نورانیت روزافزون خودت را بر دلهای این جوانها نازل کن. پروردگارا! نسل جوان کشور ما را آینده‌ساز عظمت و عزت این کشور قرار بده. پروردگارا! مشکلات نسل جوان را برطرف کن. پروردگارا! به مسئولان ما این فرصت، این توفیق و این آگاهی را بده که بتوانند مشکلات نسل جوان را به بهترین وجهی برطرف کنند. پروردگارا! دعای ولی‌عصر أرواحنا فداه را شامل حال جوانهای ما قرار بده؛ همه‌ی آنان را در راه خود هدایت و دستگیری کن؛ همه‌شان را به

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار عمومی بسیجیان، ۱۳۸۵/۱/۶.

۲. بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته‌ی بسیج، ۱۳۷۶/۹/۵.

۳. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷/۶/۲۴.

آرزوهای بزرگ و آرزوهای انسانی خودشان برسان.^۱

پروردگارا! قلب مقدس ولی غایب محبوب دلهای همه‌ی ما را از جوانان مؤمن ما راضی و خشنود کن.^۲
پروردگارا! این جوانها را در همین زندگی خودشان به هدف و آرزوی بزرگ زیارت ولی عصر (ارواحنا فداه) برسان.^۳

مطلب چهارم. الگوهای منتظر

گفتار اول. انبیا و معصومین علیهم السلام

کدام انسان آزاده‌ای است که از گسترش عدالت، از برافراشته شدن پرچم دادگری و رفع ظلم در سراسر جهان، خرسند نشود و آن را آرزو نکند. آنچه مسلم است، همه‌ی پیغمبران و اولیاء برای این آمدند که پرچم توحید را در عالم به اهتزاز درآورند و روح توحید را در زندگی انسانها زنده کنند. بدون عدالت، بدون استقرار عدل و انصاف، توحید معنایی ندارد. یکی از نشانه‌ها یا ارکان توحید، نبودن ظلم و نبودن بی‌عدالتی است. لذا شما می‌بینید که پیام استقرار عدالت، پیام پیغمبران است. تلاش برای عدالت، کار بزرگ پیغمبران است. انسانهای والا در طول تاریخ در این راه تلاش نموده‌اند و بشریت را روزبه‌روز به سمت فهمیدن این حقیقت که عدالت، سرآمد همه‌ی خواسته‌های انسانی است، نزدیک کرده‌اند. سلسله‌ی انبیا، پاک‌ترین و مقدس‌ترین و نورانی‌ترین انسانهای تمام تاریخ بوده‌اند. در میان انسانهای پاک و انسانهای والا که دارای روح عرشی و خدایی هستند، وجود مقدس خاتم الانبیا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم سرآمد همه و خاندان پاک و اهل بیت مطهر او که قرآن، ناطق به این طهارت و پاکیزگی و آراستگی است در شمار برترین و بالاترین انسانهای پاک و مطهر و نورانی در همه‌ی تاریخند. زنی مثل فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها در همه‌ی تاریخ، کیست؟! انسانی مثل علی مرتضی علیهم السلام در سرتاسر تاریخ بشریت، کجا نشان داده میشود؟! سلسله‌ی اهل بیت نبی اکرم ﷺ در طول تاریخ خورشیدهای فروزانی بوده‌اند که در معنا توانسته‌اند بشریت روی زمین را با عالم غیب و با عرش الهی، متصل کنند: «السبب المتصل بین الارض و السماء». خاندان پیغمبر، معدن علم، معدن اخلاق نیکو، معدن ایثار و فداکاری، معدن صدق و

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل، ۱۳۷۹/۵/۵.

۲. سخنرانی رهبر معظم، ۱۳۷۵/۱۲/۲۵.

۳. دیدار با دانشجویان، ۱۳۸۵/۸/۱۸.

صفا و راستی، منبع همه‌ی نیکی‌ها و زیباییها و درخشندگی‌های وجود آدمی در هر عصر و عهدی بوده‌اند؛ هریک چنین خورشید فروزانی بوده‌اند.^۱

گفتار دوم. همه اسوده‌های عاشورایی

اگر همه‌ی ما عاشورایی باشیم، حرکت دنیا به سمت صلاح، سریع، و زمینه‌ی ظهور ولی مطلق حق، فراهم خواهد شد.^۲

گفتار سوم. حضرت ابوالفضل (ع)

ارزش ابوالفضل‌العبّاس به جهاد، فداکاری، اخلاص و معرفت او به امام زمانش است؛ به صبر و استقامت اوست؛ به آب نخوردن اوست در عین تشنگی و بر لب آب، بدون اینکه شرعاً و عرفاً هیچ مانعی وجود داشته باشد.^۳

گفتار چهارم. حضرت علی اکبر (ع)

در این پادگان دوکوهه هم ده‌ها و صدها هزار جوان آمدند و رفتند. مظهر جوانِ فداکار در کربلا کیست؟ علی اکبر، فرزند امام حسین علیه‌السلام؛ جوانی که در بین جوانان بنی‌هاشم برجسته و نمونه بود؛ جوانی که زیباییهای ظاهری و باطنی را باهم داشت؛ جوانی که معرفت به حق امامت و ولایت حسین بن علی علیه‌السلام را با شجاعت و فداکاری و آمادگی برای مقابله با شقاوت دشمن همراه داشت و نیرو و نشاط و جوانی خود را برای هدف و آرمان والای خود صرف کرد. این خیلی ارزش دارد.^۴

گفتار پنجم. امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) برجسته‌ترین عالم دینی غیبت صغری تا امروز حقیقتاً در بین علمای دین تا آنجایی که ما شناخته‌ایم از عصر اول، از دوران بعد از غیبت صغری تا امروز، ما هیچ‌کس را مثل امام (ره)، به این برازندگی و به این برجستگی سراغ نداریم. همه‌ی

۱. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۷/۹/۲.

۲. بیانات در دیدار روحانیون و وعاظ، در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۷۴/۲/۳.

۳. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س)، ۱۳۸۴/۵/۵.

۴. بیانات در جمع ده‌هزار نفر از راهیان نور و قشرهای مختلف مردم در پادگان دوکوهه، ۱۳۸۱/۱/۹.

آنهايي که بودند، انصافاً از ايشان کوچکتر بودند. البته از لحاظ علمي، مؤسسان و مجتهدان بزرگ هستند؛ اما در مجموع جهات، آن چيزي که يک شخصيت را به وجود مي‌آورد، از شيخ مفيد، سيد مرتضي، محقق، علامه، ديگران و ديگران، تا برسد به ميرزاي شيرازي و بقيه‌ي علما، انصافاً هيچ‌کدام با اين بزرگوار قابل مقايسه نبودند. ايشان يک عالم ديگري بود.^۱

امام خميني رحمته الله عليه معلم ملت ايران براي حرکت به سوي ظهور

اولين قدم براي حاکميت اسلام و براي نزديک شدن ملتهای مسلمان به عهد ظهور مهدي موعود ارواحنا فداه و عجل الله فرجه، به‌وسيله‌ي ملت ايران برداشته شده است؛ و آن، ايجاد حاکميت قرآن است؛ اين، آن چيزي است که دنياي مادی نميخواست آن را باور بکند... امام رحمته الله عليه و معلم بزرگ اين ملت آن انسان استثنائي زمان ما؛ آن رهبر فوق‌العاده‌اي که تاريخ ما در اين قرون اخير نظيرش را مشاهده نکرده است؛ آن انسان والا با آن اخلاص فوق‌العاده راهي را پيش پاي مردم ما گذاشت؛ خدای متعال هم تفضل کرد؛ دست عنايت ولي عصر رحمته الله عليه هم بحمدالله همواره با اين ملت بوده و به آنها کمک کرده و اين آگاهي در ملت ما به وجود آمده است.^۲

امام رحمته الله عليه و اعطاي اميد و شجاعت به ملت براي مبارزه با ظلم

اعتقاد به مهدي موعود رحمته الله عليه دلها را سرشار از نور اميد ميکند. براي ما که معتقد به آينده‌ي حتمي ظهور مهدي موعود رحمته الله عليه هستيم، اين ياسي که گريبان‌گير بسياري از نخبگان دنياست، بي‌معناست... انسانها ميتوانند تلاش کنند و پرچم عدالت را - و لو در يک نقطه‌ي محدود - بلند کنند. شما ببينيد ملتهایي که امروز در گوشه و کنار عالم زير فشارِ ظلم و ستم زندگي ميکنند، اگر اين اميد را در دل خود پيروزانند که ميشود با ظلم مبارزه کرد، چه اتفاقي در دنيا مي‌افتد و چطور ملتها بيدار ميشوند! يک روز ملت ايران هم در پنجه‌ي اقتدار رژيم طاغوتي دچار همين ياس بود؛ ولي امام بزرگوار ما با تعاليم اسلامي، اين ياس را از دلها پاک کرد و به مردم اميد و شجاعت داد. نتيجه اين شد که اين مردم به‌پاخاستند، نهضت کردند، تن به سختي دادند، مبارزه کردند، از جان خود دريغ نکردند و توانستند در اين نقطه از عالم، با عوامل ظلم و نظام ظالمانه و شيطاني مبارزه و آن را

۱. سخنراني در جمع علما و روحانيون استان لرستان، ۱۳۷۰/۵/۳۰.

۲. سخنراني در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز ميلاد حضرت مهدي رحمته الله عليه، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

ریشه کن و سرنگون کنند.^۱

امام خمینی علیه السلام شخصیتی عاشورایی و زمینه ساز ظهور

در زمان ما، یک نفر پیدا شد که گفت «اگر من تنها بمانم و همه‌ی دنیا در مقابل من باشند، از راهم بر نمی‌گردم.» آن شخص، امام ما بود که عمل کرد و راست گفت؛ «صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» لقلقه‌ی زبان را که- خوب همه داریم. دیدید، یک انسان حسینی و عاشورایی چه کرد؟ خوب؛ اگر همه‌ی ما عاشورایی باشیم، حرکت دنیا به سمت صلاح، سریع، و زمینه‌ی ظهور ولی مطلق حق، فراهم خواهد شد.^۲

گفتار ششم. روحانیون و علمای ربانی

از یکایک شما عزیزان (روحانیون)، جوانان مؤمن و پرشوری که بهترین دوران عمر خودتان را در خدمت دین خدا، در خدمت حق مظلوم الهی و در خدمت آماده‌سازی جامعه برای ظهور حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه قرار دادید، تشکر می‌کنم.^۳

نقش روحانیون، نقش هدایت و دستگیری معنوی است. همه به روحانی احتیاج دارند- همچنان که به طبیب احتیاج دارند- و اگر روحانی در هر نقطه‌یی به وظایف خود عمل کند، آنجا را از لحاظ معنوی آباد خواهد کرد.^۴

آنچه ما طلبه‌ها در هر جا که هستیم- چه در قم، چه در مشهد، چه در حوزه‌های شهرستانها و چه شاغل به تحصیل، چه شاغل به شغل ملایی، طلبگی و روحانی، چه شاغل در دستگاه‌های دولتی و اجرایی- باید بدانیم، این است که امروز روحانیت در کشور ما یک نقش ممتاز و بی‌نظیری دارد. اینکه می‌گوییم امروز، این نه به خاطر فقط شرایط خاص جمهوری اسلامی است؛ بلکه اساساً روحانیت شیعه همواره خصوصیتی منحصر به فرد داشته است.^۵

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلا‌ی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۲. بیانات در دیدار روحانیون و وعاظ، در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۷۴/۳/۳.

۳. بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۷/۹/۲۳.

۴. بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی، ۱۳۸۳/۱۰/۲۳.

۵. دیدار با روحانیون ۱۳۸۵/۸/۱۷.

گفتار هفتم. شهدا

شهدای ما با فدا کردن جانِ خودشان ظهور را نزدیک کردند.^۱

اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد؛ همچنان که شهدای ما با فدا کردن جانِ خودشان آن روز را نزدیک کردند. نسلی که برای انقلاب آن فداکاریها را کردند، با فداکاریهای خودشان آن آینده را نزدیکتر کردند.^۲

کسانی که در دوران دفاع مقدس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدس شرکت میکردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آمادگی دفاع از ارزشها، میهن اسلامی و پرچم برافراشتهی اسلام است، میتواند ادعا کند که اگر امام زمان بیاید، پشت سر آن حضرت در میدانهای خطر قدم خواهد گذاشت.^۳

گفتار هشتم. بسیجیان

ارتباط خاص بسیجیان با امام زمان

بسیجیان، ارتباط خاصی با این نقطه‌ی اساسی عواطف دلهای شیعیان و مسلمانان دارند. بسیجی، یک عنوان ارزشمند و والاست. بسیجی، یعنی دلِ باایمان، مغزِ متفکر، دارای آمادگی برای همه‌ی میدانهای که وظیفه‌ای انسان را به آن میدانها فرامیخواند.^۴

بسیجی یعنی حضور در همان نقطه‌ی مورد نظر امام زمان علیه السلام

بسیجیان این امتیاز را دارند که در میدان این خدمت آماده‌اند. بسیج به معنی حضور و آمادگی در همان نقطه‌ای است که اسلام و قرآن و امام زمان ارواحنا فداه و این انقلاب مقدس به آن نیازمند است؛ لذا پیوند میان بسیجیان عزیز و حضرت ولی عصر ارواحنا فداه مهدی موعود عزیز یک پیوند ناگسستنی و همیشگی است.^۵

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب در سالروز میلاد امام زمان علیه السلام، ۱۳۷۹/۷/۲۲.

۲. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان علیه السلام، ۱۳۷۹/۷/۲۲.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۴. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۸/۹/۲.

۵. همان.

رابطه حرکت بسیجیان با حرکت ائمه علیهم‌السلام

بین حرکت امام صادق علیه الصّلاة و السّلام و به‌طور کلی حرکت عمومی ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام، به‌خصوص نه امامی که از بعد از حادثه‌ی عاشورا تا زمان غیبت حضرت ولی‌عصر ارواحنا فداه این منصب را داشتند، با رفتار، هویت و حرکت بسیجی امروز ملت ما رابطه‌ای وجود دارد.^۱

لزوم آمادگی و حضور بسیجیان

نقش جوانان بسیجی و بسیج، در این آمادگی عمومی کاملاً روشن است. من در جواب آن سؤال آغازین که جایگاه بسیج در کشور ما بعد از دوران جنگ کجاست؟ می‌گویم که بسیج باید با همان روحیه و شور و قدرت دوران جنگ باقی بماند و جوانان آموزش ببینند و سازماندهی شوند و آمادگی و حضور پیدا کنند.^۲

۱. بیانات در دیدار بسیجیان به مناسبت هفته‌ی بسیج، ۱۳۸۴/۹/۷.

۲. سخنرانی در دیدار با جمعی از بسیجیان و روحانیون تهران، مدرسان و طلاب اهل سنت استان خراسان... و گروهی را اعضای حزب‌الله لبنان، ۱۳۶۸/۷/۵.



□ بخش هفتم. مهدویت
و انقلاب اسلامی



مطلب اول. مهدویت، آرمان انقلاب اسلامی

انتظار فرج... یعنی، انتظار حاکمیت قرآن و اسلام. شما به آنچه فعلاً جهان در آن قرار دارد، قانع نیستید. حتی به همین پیشرفتی هم که با انقلاب اسلامی به دست آوردید، قانع نیستید. میخواهید باز هم به حاکمیت قرآن و اسلام، نزدیکتر بشوید. این انتظار فرج است. انتظار فرج، یعنی، انتظار گشایش از کار انسانیت.... شما ملت انقلابی مسلمان، باید با حرکت منظم خود در تداوم انقلاب اسلامی، به فرج جهانی انسانیت نزدیک بشوید و شما باید به سوی ظهور مهدی موعود^۱ و انقلاب نهایی اسلامی بشریت - که سطح عالم را خواهد گرفت و همه‌ی این گره‌ها را باز خواهد کرد - قدم به قدم، خودتان نزدیک بشوید و بشریت را نزدیک کنید. انتظار فرج این است.^۱

ما امروز در انقلاب خودمان، حرکتها و روش‌هایی داریم. این روشها باید به کدام سمت حرکت کند؟ این نکته بسیار شایان توجه است. ما یک محصلی را در نظر میگیریم که این محصل مثلاً میخواهد در دانش ریاضی استاد بشود؛ حالا مقدمات کار او را چگونه باید فراهم کنیم. باید جهت تعلیماتی که به او میدهیم، جهت ریاضی باشد. معنا ندارد که ما یک نفری را که میخواهیم ریاضی دان بشود، بیاییم درس فقه - مثلاً - به او یاد بدهیم. یا آن کسی که میخواهد فقیه بشود، بیاییم درس طبیعی - مثلاً - به او بدهیم. باید مقدمات متناسب با نتیجه و غایت باشد. غایت، جامعهای آرمانی مهدوی است.^۲

شعارهایی که امام زمان - علیه الصلوة والسلام و عجل الله تعالی فرجه - بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد کرد؛ امروز شعارهای مردم ماست، شعارهای یک کشور و یک دولت است. این خودش یک گام بسیار بلندی، به سوی اهداف امام زمان^۳ است.^۲

انقلاب پرچم عزت این ملت است و ملت این پرچم را در دست استوار خود محکم نگه خواهد داشت و به فضل پروردگار تسلیم امام زمان ارواحنا فداه و عجل الله فرجه خواهد کرد.^۴

امام زمان علیه سلام الله، رمز عدالت و مظهر قسط الهی در روی زمین است. به همین جهت است که

۱. در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۲۵۱.

۲. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۲-۲۰۳.

۳. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان^۳، ۱۳۷۹/۸/۲۲.

۴. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۸۱/۱۱/۲۸.

همه‌ی بشریت، به شکلی انتظار ظهور آن حضرت را میکشند... وقتی ملت ما، قبل از پیروزی انقلاب به مبارزات مشغول بودند، احساسشان این بود که در جهت پیشرفت به سمت آرمان بشریت حرکت میکنند. بعد از پیروزی انقلاب هم احساس ملت ایران این است که هر حرکت و هر اقدامان؛ هر مبارزه‌ای که کردیم و هر رنجی که تحمل نمودیم، در جهت مقصودی است که میان آحاد بشر و همه‌ی اهل معرفت مشترک است. مقصود، استقرار عدالت، و هدف، رسیدن به عدل برای بشر است.^۱

در انقلاب، اصل بر حرکت است؛ حرکتی هدفدار، سنجیده، پیوسته، خستگی‌ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص. در انقلاب، به گفتن و نوشتن و تبیین اکتفا نمیشود؛ بلکه پیمودن و سنگربه‌سنگر پیش رفتن و خود را به هدف رساندن، اصل و محور قرار میگیرد. گفتن و نوشتن هم در خدمت همین حرکت در می‌آید و تا رسیدن به هدف - یعنی حاکمیت بخشیدن به دین خدا و متلاشی ساختن قدرت شیطانی طاغوت - ادامه می‌یابد: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».^۲

مطلب دوم. مهدویت پشتوانه انقلاب

ایمان و اعتقاد به امام زمان (عج) مانع از تسلیم شدن است و ملت‌های با ایمانی که حضور قطب عالم امکان را در میان خود احساس میکنند، از حضور او امید و نشاط میگیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت میکنند و با تکیه بر همین امید درخشان بود که ملت بزرگ ایران، پرچم اسلام را به اهتزاز در آورد و افتخار طول تاریخ بشر و تاریخ اسلام شد.^۳

اعتقاد به مهدی موعود (عج) شیعه را تا امروز از آن همه پیچ و خمهای عجیب و غریبی که در سر راهش قرار داده بودند، عبور داده است و امروز بحمدالله عزت و پرچم سربلندی اسلام و قرآن، در دست شما ملت مسلمان و شیعه ایران است. هر جا که چنین اعتقادی باشد، همین امید و مبارزه وجود دارد.^۴

۱. بیانات در دیدار میهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸.

۲. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹/۳/۱۰.

۳. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۴/۱۰/۱۶.

۴. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

سلام خدا بر پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و همه‌ی پیامبران الهی و بر امامان معصوم به‌ویژه بر امام مهدی موعود ارواحنا فداه، که الهام‌بخش ملت ایران و مشعل‌افروز راه بشریت‌اند.^۱

خداوند راههای زندگی را به روی این ملت بازتر خواهد کرد و توفیقات خودش را بر این ملت - که برای او حرکت و قیام میکند - نازل خواهد کرد. ما در این راه، به کمکها و امدادهای غیبی الهی و به دعای ولی‌عصر (ارواحنا فداه) معتقد و متکی هستیم. ما عقیده داریم که دعای آن حضرت، دلهای ما را محکم و استوار میکند و راه را بر ما می‌گشاید.^۲

از اولین لحظات پیدایش، این نهضت مبارک... تحت الطاف حضرت ولی‌الله‌الاعظم (ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه) روزبه‌روز به پیش رفته است.^۳

مطلب سوم. حضرت مهدی علیه السلام پشتیبان انقلاب اسلامی

ای امام زمان! ای مهدی موعود! [ای] محبوب این ملت! ای سلاله‌ی پاک پیامبران و ای میراث‌بر همه انقلاب‌های توحیدی و جهانی! این ملت ما با یاد تو و با نام تو، از آغاز خو گرفته است و لطف تو را در زندگی خود و در وجود خود آزموده است.^۴

امام زمان ارواحنا فداه که این کشور و این ملت در ید قدرت و قبضه‌ی اوست، مراقب این کشور و این ملت است.^۵

مطلب چهارم. مهدویت، نیاز انقلاب اسلامی

آن مردمی که می‌نشینند، راز و نیاز میکنند؛ دعای ندبه را با توجه می‌خوانند و زیارت آل یاسین را زمزمه میکنند و مینالند، می‌فهمند چه می‌گویند. آنها حضور این بزرگوار را حس میکنند؛ و لو هنوز ظاهر نشده و غایب است. غیبت او، به احساس حضورش ضرری نمیزند. ظهور نکرده است؛ اما هم در دلها و هم در متن زندگی ملت حضور دارد. مگر میشود حضور نداشته باشد؟ شیعه‌ی خوب

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۲/۶.

۲. سخنرانی در مراسم بیعت جمع کثیری از مردم استان همدان و شهرهای ساری و ساوه، ۱۳۶۸/۴/۵.

۳. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۴. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۳.

۵. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۸/۱۲/۱۱.

کسی است که این حضور را حس کند و خود را در حضور او احساس نماید. این، به انسان امید و نشاط میبخشد. این ملت بزرگ، بیش از همه چیز به همین امید نیاز دارد؛ ملتی که در راه خدا و برای عظمت اسلام، مجاهدت و مبارزه میکند و افتخار طول تاریخ بشر و همه‌ی تاریخ اسلام شده و پرچم اسلام را در زمان ما به اهتزاز در آورده است. چنین ملتی، بیشتر از همه‌ی چیز، به همین امید درخشان احتیاج دارد.^۱

مطلب پنجم. انقلاب اسلامی نمونه‌ی کوچک دولت کریمه‌ی مهدوی

نکته‌ی اصلی در باب دولت جمهوری اسلامی، آن است که این دولت، نمونه‌ای از همان دولت کریمه‌ای است که در آخر دعای افتتاح ذکر آن رفته است و ما سالهای متمادی آن را از خدا طلب کرده‌ایم: «تَعَزَّ بِهَا الْإِسْلَامُ وَاهْلُهُ وَ تَذَلَّ بِهَا النِّفَاقُ وَ اهْلُهُ» و تا آخر این فقرات که آقایان در ذهن دارند. با توجه به مصداق اتم این دعا، آن دولت کریمه در زمان دولت حَقُّه‌ی ولی‌عصر ارواحناده تحقق پیدا خواهد کرد.^۲

جمهوری اسلامی نتیجه‌ی برداشت صحیح از ماجرای امام زمان علیه السلام است و در حقیقت يك الگوی کوچکی برای آن حکومت عظیم جهانی است.^۳

همه‌ی خصوصیات که در ظهور مهدی علیه السلام هست در یک مقیاس کوچک در انقلاب اسلامی ملت ایران هم هست. در آنجا هم مخاطب حضرت بقیه‌الله علیه السلام همه‌ی مردم عالمند؛ یعنی در آن لحظه‌ای که به خانه‌ی کعبه پشت می دهد و تکیه میکند و دعوت خود را با صدای بلند فریاد میکند، صدا میزند «یا اهل العالم». انقلاب اسلامی ما هم، از آغاز اعلام کرد که مخصوص یک ملت و یک قوم و یک کشور نیست، همچنانی که آن بزرگوار با همه‌ی قدرت‌های بزرگ جهان ستیزه میکند و در می افتد، انقلاب ما هم با دست خالی و فقط با تکیه به نیروی ایمان با همه قدرت‌های عظیم جهانی مقابل شد. همان طوری که ظهور حضرت مهدی علیه السلام هم حساب‌های مادی و معمولی را به هم می ریزد، انقلاب ما هم همه‌ی حسابها را به هم ریخت.^۴

۱. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر علیه السلام، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با هیأت دولت به مناسبت هفته دولت، ۱۳۷۳/۷/۸.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۷/۱/۱۲.

۴. در مکتب جمعه، ج ۴، ص ۲۵۰.

من می‌خواهم به شما جوانان عزیز، به شما پاسداران عزیز، به شما سازمان باعظمت و پرشکوه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به شما بسیجی‌ها، به شما ارتشیه‌های مؤمن، دلسوز، ساخته و پرداخته‌ی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، به شما جوانان قشرهای مختلف این کشور و به خانواده‌های گوناگون، از متوسط‌ها، پایین‌تر از متوسط‌ها و بالاتر از متوسط‌ها، عرض کنم که عزیزان من! بار سنگین حفظ این امانت الهی که امانت پیغمبران است، بر دوش شماست. جمهوری اسلامی، امانت تاریخی انبیای عظام الهی است. آرزوی موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام و آرزوی همه‌ی اولیاء و ائمه‌ی بزرگوار ماست که امروز تحقق پیدا کرده است؛ و لو ناقص. کاملش هم، *إن شاء الله*، در دوران حکومت کبری و ولایت عظمای حضرت بقیه‌الله فی الارضین، ارواحنا لربنا مقدمه الفداء، ظاهر و آشکار خواهد شد. این، بار خیلی سنگین و محموله‌ی پرارزشی است. این را شما باید حفظ کنید و این میسر نیست مگر با حفظ نفس. متاع دنیا، لذت خیر، پول، ثروت و تجمل دنیا - آن هم در حدودی که امثال من و شما ممکن است در زندگی خود داشته باشیم.^۱

یک نکته‌ای در این آیات - آنجا که حضرت موسی علیه السلام را در آغاز ولادت، مادرش در آب می‌اندازد - وجود دارد؛ «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفِيَ عَلَيْهِ قَالِقِيهِ فِي الْيَمِّ... إِنَّا رَأَوهُ الْعَيْنُ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» [اینجا] دو وعده است: یک وعده وعده‌ی برگرداندن موسی به مادرش است؛ یک وعده وعده‌ی «جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» است؛ یعنی آن وعده‌ی عمومی‌ای که به بنی‌اسرائیل داده شده بود که بنی‌اسرائیل منتظر بودند که منجی بیاید؛ و این منجی از طرف خداست و خواهد آمد و بنی‌اسرائیل را از دست فرعون نجات خواهد داد. خدای متعال در وحی به مادر موسی این وعده‌ی دوم را هم داد «جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» یعنی این را ما از طرف خودمان می‌فرستیم، و او را همان مرسلی قرار می‌دهیم که بناست آن وعده‌ی بزرگ را و آن آرزوی بزرگ را انجام بدهد؛ این دو وعده را خدای متعال داد. یک وعده، وعده‌ی نقد و نزدیک بود و آن، «إِنَّا رَأَوهُ الْعَيْنُ» بود. در آیات بعدی - که حالا آن آیات را آقای سبزعلی متأسفانه نخواند - می‌فرماید: «فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنَ وَ لَتَعْلَمَنَّ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»؛ اینکه ما بچه را به مادر برگرداندیم، خب بله، «تَقَرَّ عَيْنُهَا» دارد، «و لَا تَحْزَنَ» دارد - دلش خوش شد، دلش آرام گرفت، چشمش روشن شد - اما اثر دیگر این برگرداندن، این بود که «و لَتَعْلَمَنَّ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»؛ بداند که این وعده‌ای که ما دادیم - و گفتیم

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار، ۱۳۷۲/۱۰/۱۵.

منجی را میفرستیم و کسی را خواهیم فرستاد که بناست جامعه‌ی بنی‌اسرائیل را در مصر - از استضعاف خارج کند - وعده‌ی درستی است؛ دلش مطمئن بشود، و خاطر جمع بشود؛ یعنی یک وعده‌ی کوچک از سوی پروردگار تحقق می‌یابد، برای اینکه هر انسان اهل تدبیری از تحقق این وعده‌ی کوچک، اطمینان پیدا کند که آن وعده‌ی بزرگ تحقق پیدا خواهد کرد. آنچه از موفقیتها در طول تاریخ برای بشریت از طریق دین حاصل شده، همان وعده‌های کوچک است؛ از جمله جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی هم یکی از همین وعده‌هاست؛ خدای متعال وعده داده بود که اگر مبارزه کنید، اگر صبر کنید، اگر به خدای متعال توکل کنید، در جایی که گمان آن را نمیرید و امید آن را ندارید، به شما قدرت خواهیم داد؛ همین اتفاق افتاد: ملت ایران مبارزه کرد، صبر کرد، ایستاد، فداکاری کرد، از دادن جان دریغ نکرد و اتفاقی افتاد که هیچ‌کس تصور آن را نمیکرد! چه کسی خیال میکرد در این منطقه‌ی بسیار حسّاس، در این کشور بسیار مهم، در مقابله‌ی با آن رژیم به شدت حمایت‌شونده‌ی از سوی قدرتهای بین‌المللی، یک حکومتی به وجود بیاید و یک انقلابی به پیروزی برسد، آن هم براساس دین، براساس فقه، براساس شریعت؟ چه کسی چنین تصویری میکرد؟ هیچ‌کس. اگر کسی بگوید من میدانستم این‌جوری میشود، مگر از طرق غیبی فهمیده باشد؛ محاسبات، مطلقاً این را نشان نمیداد، اما این اتفاق افتاد. بدانیم آن وعده‌ی اصلی، آن کار بزرگ هم اتفاق خواهد افتاد. این یک نمونه‌ای از آن چیزی بود که اتفاق خواهد افتاد.^۱

انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی قدس‌الله نفسه الزکیة احیاگر اسلام ناب محمدی و سرآغاز تحولات عمیق و سریع در جهان و مبشر سقوط و اضمحلال قدرتها و امپراتوری‌های بزرگ شد. بیداری و خودیابی و ایستادگی مسلمانان موجب شد که ما جلوه‌هایی از قدرت و حکمت الهی را شاهد باشیم و وعده‌ی حتمی خداوند در ظهور دین، مکنت مسلمین، وراثت صالحین و خلافت مستضعفین را در آینده‌ی تجارب زمانه به یقین دریابیم و قیام مهدی موعود ارواحنا فداه و استقرار دولت الهی جهانی آن حضرت را به حقیقت منتظر باشیم.^۲

۱. بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحدیث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث»، ۱۳۹۲/۲/۲۱.

۲. پیام به سمینار در پاکستان، ۱۳۷۱/۲/۲۰.

مطلب ششم. انقلاب و قدمی به سوک ظهور

(اگر سؤال شود:) اُمّت ما انقلاب اسلامی را زمینه‌ساز انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام میدانند. نظر جناب عالی پیرامون این مسئله چیست و ویژگیهای پیونددهنده‌ی انقلاب اسلامی ایران را با انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام چه میدانید؟ (جواب آن است که:) این دریافت صحیح و بسیار درستی از مسئله‌ی مهدویت است.^۱

ما باید بدانیم که ظهور ولی‌عصر صلوات‌الله علیه همانطوری که با این انقلاب ما، یک قدم نزدیک شد؛ با همین انقلاب ما، باز هم میتواند نزدیکتر بشود؛ یعنی، همین مردمی که انقلاب کردند و خود را یک قدم به امام زمانشان نزدیک کردند؛ میتوانند باز هم یک قدم و یک قدم دیگر و یک قدم دیگر، همین مردم خودشان را به امام زمان علیه السلام نزدیکتر کنند.^۲

اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود ارواحنا فداه و عجل‌الله فرجه به وسیله ملت ایران برداشته شده است و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است.^۳

تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدمات این حرکت عظیم تاریخی (تشکیل حکومت عدل مهدوی) است. هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف والاست.^۴

انقلاب ما در راه آن هدفی که امام زمان علیه السلام برای تأمین آن هدف مبعوث میشود و ظاهر میشود، یک مقدمه‌ی لازم و یک گام بزرگ بوده [است]. ما اگر این گام بزرگ را بر نمیداشتیم، یقیناً ظهور ولی‌عصر صلوات‌الله علیه و عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف به عقب می‌افتاد. شما مردم ایران و شما مادران شهید داده و پدران داغدار و افرادی که در طول این مبارزه زحمت کشیدید، بدانید و شما ای امام بزرگوار اُمّت! بدانید - که بهتر از ما میدانید - شما موجب پیشرفت حرکت انسانیت به سوی سرمنزله تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی‌عصر صلوات‌الله علیه شدید. شما یک قدم، این بار را به منزل نزدیکتر کردید. با این انقلاب که مانع را - که همان دستگاه و نظام پلید ظلم در این گوشه

۱. مصاحبه‌ها، (۱۳۶۰-۱۳۶۲) ص ۲۲۳.

۲. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۲.

۳. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۴. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

دنیا بود و سرطان بسیار خطرناک و موزی و آزار دهنده‌ای بود - این را کنید و قلع و قمع کردید.^۱

امروز با انقلاب اسلامی ما که در خط ایجاد عدالت در سطح جهان است، انقلاب حضرت مهدی ارواحنا فداه یک گام بزرگ به هدف خود نزدیک شد. نه فقط به وجود آمدن حکومت اسلامی آن عاقبت موعود را به عقب نمیاندازد بلکه، آن را تسریع هم میکند و این است معنای انتظار... هر قدمی که در راه استواری این انقلاب اسلامی برمیدارید یک قدم به ظهور مهدی نزدیک‌تر میشوید.^۲

امید آنکه راه پرصلابتی که امام عزیزمان در این برهه از تاریخ جهان گشوده و حماسه‌ی بزرگی که او خلق کرده به مدد ایمان، خلوص همت، تلاش مقاومت، صبر بردباری و هوشیاری مردم عزیز به انقلاب حضرت مهدی (عج) پیوند خورد که این مطلوب عزیزانمان امام امت بود.^۳

این راه گرچه کوتاه‌مدت نیست، اما همان راهی است که بالاخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که ان شاء الله زمینه‌های ظهور مهدی موعود (صلوات الله علیه و عجل الله فرجه) را فراهم خواهد کرد.^۴

انتظار حرکت است. انتظار آمادگی است. این آمادگی را باید در وجود خودمان، در محیط پیرامون خودمان حفظ کنیم. و خدای متعال نعمت داده است به مردم عزیز ما، به ملت ایران که توانسته‌اند این قدم بزرگ را بردارند و فضای انتظار را آماده کنند.^۵

مطلب هفتم. انقلاب اسلامی و شروع تمدن سازک مهدوک

ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی الله الاعظم ارواحنا فداه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده‌ی قطعی شماست، جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص این را هدف قرار دهند.^۶

۱. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۱-۲۰۲.

۲. در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۲۵۰.

۳. اطلاعیه به مناسبت ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸/۲/۱۴.

۴. بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴.

۵. دیدار افشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۶. دیدار رهبر معظم انقلاب با ایثارگران، ۱۳۷۶/۵/۲۹.

خط کلی نظام اسلامی چیست؟ اگر بخواهیم پاسخ این سؤال را در یک جمله ادا کنیم، خواهیم گفت: خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است. این یک پاسخ کلی و قابل توضیح و تشریح. البته اینکه در مقابل تمدن کنونی بشر - یعنی تمدن مادی غرب - میتواند تمدن دیگری مطرح شود یا نه و این تمدن برای پیدایش خود و سپس برای ماندگاری و استواری خود، از چه عناصر و از چه عواملی کمک خواهد گرفت، در این باره سخنها هست. اگر شما به بلندگویان تمدن کنونی غرب مراجعه کنید، آنها خواهند گفت تمدن مادی غرب ابدی و تغییرناپذیر است. از اوایی که این تمدن اوج گرفته بود - یعنی از قرن نوزدهم میلادی - بحث معارضه‌ی سنت و مدرنیته را مطرح کردند. یعنی همه‌ی آنچه که این تمدن تقدیم بشریت میکند، چیزهای مدرن، نو، تازه، اجتناب‌ناپذیر، جذاب و خواستنی است و هرچه در مقابل آن است، این سنت است، این منسوخ است، این قدیمی است، این زوال‌پذیر است. این بحث را شما امروز هم گاهی در برخی از محافل روشنفکری ما میبینید؛ اما این بحث نویی نیست؛ این بحث قرن نوزدهمی دنیای غرب است که ادامه پیدا کرده است؛ با این هدف که تمدن غرب در راه خود، همه‌ی فرهنگها را، همه‌ی تمدنها را، همه‌ی زیرساختهای مدنی را، همه‌ی روابط انسانی و اجتماعی را، همه‌ی آن چیزی را که تمدن غرب آن را نمیپسندد، از سر راه خود بردارد و حاکمیت مطلق خود را با پشتوانه‌ی قدرت مادی و سرمایه‌داری از یک سو، قدرت نظامی و سیاسی از یک سو، قدرت رسانه‌یی از یک سو، ابدی کند.

شما دیدید وقتی که نظام مارکسیستی در شوروی سابق و اروپای شرقی برافتاد - با اینکه نظام مارکسیستی تمدنی جدید و نو نبود؛ تفکری بود بر اساس همان تمدن غربی؛ عمدتاً با همان پایه‌های تفکر و تمدن غربی؛ با همان پایه‌های مادی؛ درعین حال با دستگاه سرمایه‌داری غرب و نگهبانان و افسونگرانِ پاسدارِ تمدن غربی معارضه‌ای داشت - مسئله‌ی نظم نوین جهانی و مسئله‌ی تک ابرقدرتی در دنیا را مطرح کردند. یعنی امروز تمدن غرب حتی در میان اجزای خود، آن وحدت و انسجام و آن یگانگی و صداقت لازم را ندارد. یک نقطه که یک رشد مادی بیشتری کرده است، بنا به طبیعت تمدن مادی، افزون‌طلب است؛ کلیت‌طلب است؛ تمامیت‌طلب است و بقیه‌ی بخشها را نادیده میگیرد.

در تمدن مادی غرب - همچنان که در همین ماه‌های جاری در دنیا مشاهده کردید - هرچه حرف میزنند، طراحی هزاره‌ی دوم را میکنند! حالا مگر تمدن مادی غرب، سرتاسر هزاره‌ی اول را فرا گرفته

بود که شما می‌خواهید هزاره‌ی دوم را هم به آن ملحق کنید؟! مگر بشر از این دو، سه قرنی که از سیطره‌ی تمدن مادی غرب گذشته، راضی است؟! مگر تمدن مادی غرب توانسته است زخمهای کهنه‌ی بشریت را علاج کند؟! آیا فقر در دنیا از بین رفت؟ آیا گرسنگی از بین رفت؟ آیا ظلم و تبعیض از بین رفت؟ آیا آرامش خاطر انسان تأمین شد؟ آیا مهربانی و صفای میان انسانها تأمین شد؟ یا به عکس، تمدن مادی غرب در دوره‌ی استعمار، سپس در دوره‌ی استعمار- که سلطه‌ی حکومت‌های غربی در دوره‌ی استعمار، مثل دوره‌ی استعمار، مستقیم نبود؛ به شکل استعمار نیروها در دنیای عقب‌افتاده و فقیر بود؛ همان سلطه‌ی پنهانی قاهره‌ی که همه‌ی سرمایه‌ها و همه‌ی نیروها را از آنها می‌ربود و در خود هضم میکرد و جیب کمپانی‌های سرمایه‌داری را بیشتر می‌انباشت - و سپس در دوره‌ی رسانه و در دوره‌ی ارتباطات - یعنی امروز - در همه‌ی این سه دوره، با زور، با قدرت‌نمایی، با زورگویی، با ایجاد اختناق طرف مقابل و صف مقابل همیشه وارد میدان شده است؛ درحالی‌که در بالاترین مراکز خود هنوز تبعیض هست؛ تبعیض نژادی هست؛ فاشیسم هست! با این سابقه، با این همه گرفتاری، با این همه مشکلات، تمدن مادی غرب ادعای ابدیت میکند! اما این ادعا، ادعای واهی، غیرعملی و ناکام است.

آری؛ بی‌شک تمدن اسلامی میتواند وارد میدان شود و با همان شیوه‌ای که تمدنهای بزرگ تاریخ توانسته‌اند، وارد میدان زندگی بشر شوند و منطقه‌ای را - بزرگ یا کوچک - تصرف کنند و برکات خود یا صدمات خود را به آنها برسانند، این فرآیند پیچیده و طولانی و پرکار را بپیماید و به آن نقطه برسد. البته تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد...

این نظام اسلامی هم از آغاز تشکیل، با چالشهای خود، با مشکلات خود، با امکانات خود، حرکتی را آغاز کرده است و پیش میرود. این خط اگر با جدیت، با پشتکار، با شناخت آنچه که لازم است، با عمل به آنچه که وظیفه است، ادامه پیدا کند، سرنوشت حتمی عبارت است از اینکه تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه‌ی عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند. نه به معنای اینکه لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه. معنایش این نیست؛ بلکه تمدن بر اساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسایل بشر و مسایل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نوی انسان

و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را میفهمند و درک میکنند. به معنای رساندن یک پیام است به دلها، تا به تدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند. این امری است که شدنی است. با وضعی که امروز من در کشورمان مشاهده میکنم، با ریشه‌های عمیقی که تفکر اسلامی در کشور ما دارد، با حرکت بسیار وسیع و گسترده‌ای که از اول انقلاب در راه تعمیق این اندیشه آغاز شده است و امروز به جاهای خوبی هم رسیده است، به نظرم میرسد که این آینده برای نظام اسلامی، یک آینده‌ی قطعی و اجتناب‌ناپذیر است.^۱

راه ما راهی طولانی است؛ اما آینده‌ی ما هم بسیار روشن و جذاب خواهد بود. نگاه به آن آینده، خستگی راه را میزداید و ایمان به آن، تردیدها و تزلزلها را از بین میبرد.^۲

عزیزان من، آزادگان، رزمندگان، خانواده‌ها، هجران‌کشیده‌ها، دلدادگان به اسلام و انقلاب و حاکمیت جهانی اسلام و همه‌ی ملت! یازده سال گذشت، یعنی در مقیاس تاریخ، یک چشم برهم زدن است؛ بیشتر که نیست. شما اگر تاریخ را نگاه کنید و بخوانید، می‌بینید که ده سال، یازده سال، پانزده سال و بیست سال، در طول تاریخ هیچ است؛ یک چشم به هم زدن است. در یک چشم برهم زدن، وعده‌ی اول الهی تحقق پیدا کرد. آن، چه بود؟ آن، این بود که ما شما را نصرت خواهیم داد و پیروز خواهیم کرد. پیروز شدیم دیگر. پیروزی از این بهتر؟ هیچ پیروزی‌یی برای ملتی که انقلابی است و مثل ماست، به این بزرگی، به این کمال و به این شیرینی نیست. همه‌ی دنیا در مقابل شما آمدند، تا شما را از مرزهایتان یک قدم عقب بنشانند. میلیاردها صرف کردند، مجهزترین وسایل جنگی را آوردند، قدرتمندترین قدرتها با هم همدست شدند، از شرق و غرب کمک گرفتند، وسایل تبلیغاتی را با قوت هرچه تمامتر وارد کردند، هشت سال هم جنگیدند، بعدش دو سال هم چک‌وچانه زدند، آخرش نشد. کدام کشور و ملتی، برای قدرت و پیروزی خود، نشانه‌ای بالاتر از این میتواند داشته باشد؟... این، وعده‌ی اول بود؛ «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ»: هر که خدا را نصرت کند، خدا او را نصرت میکند. شماها نصرت کردید دیگر. در میدان جنگ، خدا را نصرت کردید. در سلول، با صبرتان نصرت کردید. در اردوگاه، با ایستادگی‌تان نصرت کردید. در مراجعت، با روحیه‌ی خوبتان نصرت کردید. ملتتان هم، با آن صبر فوق‌العاده و حضور در همه‌ی میدانهای خطر، نصرت کردند.

۱. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴.

۲. بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۶.

خدا این وعده‌ی اول الهی را به خاطر نصرت تحقق بخشید؛ اما وعده‌ی دوم هنوز باقی است. وعده‌ی دوم این است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ». در یک آیه‌ی دیگر: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ». در یک آیه‌ی دیگر: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». یعنی این پرچم توحید و اسلام و ایمان، این پرچم ایستادگی در مقابل ظلم و جور از هر کس و هر جای عالم، این پرچم استقلال ملت‌ها در مقابل قدرتهای زورگوی عالم، باید در سرتاسر جهان و به عنوان مرکز امید همه‌ی مستضعفان عالم، به اهتزاز در بیاید.^۱

مطلب هشتم. امام زمان (عج) مراقب و متوجه ملت ایران

امام زمان (عج) امانت و گوهر درخشنده‌ی عظیم آفرینش در میان ما، امروز بی‌گمان بیش از هر زمان، متوجه و مراقب این ملت است.^۲ بلاشک توجّهات ولی‌عصر ارواحنا فداه و ادعیه‌ی زاکیه‌ی آن بزرگوار متوجه شما ملت و متوجه این کشور است.^۳

مطلب نهم. ایران، کشور امام زمان (عج)

این مملکت همان‌طوری که امام هم فرمودند و اعتقاد ماست، مملکت امام زمان (عج) است. این مردم مشتاقان و عاشقان ولی‌عصرند.^۴ این ملت، ملت انقلابی است. این کشور، کشور اسلام، کشور امام زمان (عج) و کشور اهل بیت (ع) است. این کشور، کشور قرآن است. ریشه‌های ایمان در این کشور، خیلی عمیق است. سال‌ها حرکت استکباری و استعماری، با همه‌ی مظاهر بی‌ایمانی که آورد و وارد این کشور کرد، نتوانست این ملت را از دین و ایمانش جدا کند. کسانی که نگاهشان به دروازه‌های غرب و به‌خصوص آمریکاست، چه فکر میکنند؟!^۵

۱. بیانات در دیدار جمعی از آزادگان، ۱۳۶۹/۶/۲۶.

۲. در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۵۵.

۳. سخنرانی در دیدار با فضلا، طلاب و اقشار مختلف مردم قم، به مناسبت سالگرد قیام نوزدهم دی‌ماه، ۱۳۷۰/۱۰/۱۹.

۴. در مکتب جمعه، ج ۲، ۳۸۲.

۵. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷/۶/۲۴.

از حضرت بقیةالله ارواحنا فداه که صاحب اصلی ما و کشور ما این بزرگوار است انتظار و چشمداشت حمایت داریم.^۱

این وضع کشور ماست. و این کشور امام زمان و مورد توجه ولی عصر ارواحنا فداه است. و این نیست، مگر توجهات آن بزرگوار.^۲

مطلب دهم. ایران، ملت منتظر

ما ملتی منتظر هستیم؛ ملتی که به امید پیشرفت و موفقیت، اقدام و تلاش و انقلاب کرد و موفق شد. ما امروز برای انتظار، باید باب به خصوص در زندگی خود باز کنیم. حقیقتاً ملت ما باید روح انتظار را به تمام معنا در خود زنده کند. «ما منتظریم»، یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور، طغیان، ضعیف‌کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران و زورگویان پر شده است، در سایه تلاش و فعالیت بی‌وقفه‌ی ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزشهای انسانی محترم است و ستمگر، زورگو، ظالم، قلدر و متجاوز به حقوق انسانها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوا و هوس خود پیدا نخواهد کرد. این روشنایی، در دیدگاه ما نسبت به آینده وجود دارد.^۳

همه‌ی مسلمانان، حقیقت مهدی موعود^{علیه السلام} را از طریق روایات خدشه‌ناپذیری که از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اولیای دین رسیده است، قبول دارند؛ اما این حقیقت در هیچ جای جهان اسلام، مثل محیط زندگی ملت عزیز ما و شیعیان، این برجستگی و این چهره‌ی درخشان و این روح پرتپش و پرامید را ندارد.^۴

مطلب یازدهم. مشترکات انقلاب خمینی^{علیه السلام} و انقلاب مهدوی

همه خصوصیات که در ظهور مهدی^{علیه السلام} هست، در یک مقیاس کوچک در انقلاب اسلامی ملت

۱. مصاحبه هنگام شرکت در مرحله‌ی دوم نهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۸۴/۴/۳.

۲. بیانات در دیدار با مردم یاسوج، ۱۳۷۳/۳/۱۷.

۳. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر^{علیه السلام}، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۴. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی^{علیه السلام}، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

ایران هم هست. در آنجا هم مخاطب حضرت بقیه الله علیه السلام همه‌ی مردم عالمند؛ یعنی، در آن لحظه‌ای که به خانه‌ی کعبه پشت می‌دهد و تکیه میکند و دعوت خود را با صدای بلند فریاد میکند، صدا می‌زنند: یا أهل العالم!... انقلاب اسلامی ما هم از آغاز، اعلام کرد که مخصوص یک ملت و یک قوم و یک کشور نیست. همچنانی که آن بزرگوار با همه‌ی قدرت‌های بزرگ جهان، ستیزه میکند و در می‌افتد، انقلاب ما هم با دست خالی و فقط با تکیه به نیروی ایمان با همه‌ی قدرت‌های عظیم جهانی مقابل شد. همان طوری که ظهور حضرت مهدی علیه السلام همه‌ی حساب‌های مادی و معمولی را به هم میریزد؛ انقلاب ما هم همه‌ی حسابها را به هم ریخت. امروز با انقلاب اسلامی ما - که در خط ایجاد عدالت در سطح جهان است - انقلاب حضرت مهدی علیه السلام یک گام بزرگ به هدف خود نزدیک شد. نه فقط به وجود آمدن حکومت اسلامی، آن عاقبت موعود را به عقب نمی‌اندازد؛ بلکه آن را تسریع هم میکند و این است معنای انتظار.^۱

شعارهایی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد کرد، امروز شعارهای مردم ماست؛ شعارهای یک کشور و یک دولت است. این خودش یک گام بسیار بلندی به سوی اهداف امام زمان علیه السلام است.^۲

مطلب دوازدهم. انقلاب اسلامی و رشد مفاهیم مهدوی

اینکه در روایات ما وارد شده است که افضل اعمال امت، انتظار فرج است، یعنی چه؟ مگر انتظار چیست؟ انتظار ظهور حضرت ولی الله الأعظم ارواحنا فدا، مگر چه مضمون و چه معنایی در بطن خود دارد که این قدر دارای فضیلت است؟ یک معنای انحرافی در باب انتظار بود که خوشبختانه امروز از آن فهم و برداشت غلط، اثر چندانی نیست. کسانی که مغرض و یا نادان بودند، این طور به مردم یاد داده بودند که انتظار، یعنی اینکه شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید، تا صاحب عصر و زمان، خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفاصد را برطرف نماید! انقلاب، این منطق و معنای غلط و برداشت باطل را، یا کم‌رنگ کرد و یا از بین برد.^۳

۱. در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۲۵۰

۲. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان علیه السلام، ۱۳۷۹/۸/۲۲.

۳. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر علیه السلام، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

مطلب سیزدهم. فراگیری تاریخ نام، یاد و انتظار امام زمان (عج) در جمهوری اسلامی

بحمدالله در نظام جمهوری اسلامی نام مبارک حضرت بقیةالله (عج) و یاد آن بزرگوار در طول تاریخ اسلام از همیشه بیشتر، شیرین‌تر، گرامی‌تر و همه‌گیرتر است؛ این از افتخارات ماست. هیچ‌وقت و در هیچ دوره‌ای در ایران، جوانان، پسرها، دخترها، جمعیت‌های انبوه و عظیم، این‌طور شیفته، دل‌باخته، منتظر، مشتاق و شیدای آن بزرگوار نبوده‌اند که بحمدالله در این زمان هستند. یقیناً این، ناشی از الطاف و نظر و توجه خود آن بزرگوار است.^۱

یکی از خصوصیات که در انقلاب ما بارز است، مطرح شدن مکرر مضاعف نام مبارک حضرت زهرا سلام‌الله علیها و نام مبارک حضرت بقیةالله مهدی صاحب‌زمان صلوات‌الله علیه است. این دو نام مبارک، در تمام دوران انقلاب، به مناسبت‌های مختلف، بیش از سایر معارف الهی، معارف اسلامی و معارف شیعی تکرار شده است؛ این یک پدیده است. در دوران پیش از انقلاب، نه در محافل مذهبی، نه در محیط عمومی، نه در زبان شعرا، گویندگان، خواص، عوام و دیگران، اینقدر نام مبارک زهرا سلام‌الله علیها تکرار نمیشد. متدینین بودند، مجالس بود، محافل بود، گویندگان بودند، اسم مبارک هم برده میشد، اما نه اینجور، با این وسعت و با این عمق نگاه. هیچ کس هم این را به مردم یاد نداد. یعنی ما در شعارها، در حرف‌ها، در این قضیه را مطرح نکردیم. این یک پدیده‌ی الهی است، یک امر برخاسته و روییده‌ی از دلها، عواطف و ایمانهاست. هیچ کس - نه امام بزرگوار، نه بزرگان انقلاب - در دوران دفاع مقدس به رزمندگان نگفت که رمز «یا زهرا» برای حملاتان بگذارید، یا سربند «یا زهرا» بپندید؛ اما هرچه که شما نگاه میکنید، در طول دوران دفاع مقدس، اسم مبارک حضرت زهرا (ع) از همه‌ی نامهای مطهر و مبارک دیگر بیشتر مطرح است، بیشتر آورده میشود؛ همچنین نام مبارک حضرت بقیةالله ارواحنا فداه. این دو نام در انقلاب، به طور طبیعی، بدون دستور، بدون یک مطالعه‌ی قبلی، همین طور از دلها و از ایمانها و از عواطف روییده است؛ این نشانه‌ی مبارکی است.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با کارکنان دفتر، ۱۳۸۳/۷/۹.

۲. بیانات در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت (ع)، ۱۳۹۰/۲/۳.

مطلب چهاردهم. اعمال مسئولان، زیر نظر امام زمان (عج)

حرکت دولتمردان ما را در میدانهای مختلف، امام زمان (عج) میبیند و امام زمان (عج) از هرآنچه که نشانه‌ی مسلمانی و نشانه‌ی عزم راسخ ایمانی در آن هست و از ما سر میزند، خرسند میشود.^۱

مطلب پانزدهم. الگو و جهت فعالیتها، انقلاب و مسئولان

ما امروز در انقلاب خودمان، حرکت‌ها و روش‌هایی داریم. این روش‌ها باید به کدام سمت حرکت کند؟ این نکته بسیار شایان توجه است. ما یک محصلی را در نظر میگیریم که این محصل مثلاً میخواهد در دانش ریاضی استاد بشود؛ حالا مقدمات کار او را چگونه باید فراهم کنیم؟ باید جهت تعلیماتی که به او میدهیم، جهت ریاضی باشد. معنا ندارد که ما یک نفری را که میخواهیم ریاضی‌دان بشود، بیاییم درس فقه - مثلاً - به او یاد بدهیم. یا آن کسی که میخواهد فقیه بشود، بیاییم درس طبیعی - مثلاً - به او بدهیم. باید مقدمات متناسب با نتیجه و غایت باشد. غایت، جامعه‌ی آرمانی مهدوی است. پس ما هم باید مقدمات را همان‌جور فراهم بکنیم. ما باید با ظلم نسازیم و باید علیه ظلم، حرکت قاطع بکنیم. هرگونه ظلمی و از هر کسی، ما باید جهت خودمان را، جهت اقامه‌ی حدود اسلامی قرار بدهیم. در جامعه‌ی خودمان، هیچ مجالی به گسترش اندیشه غیر اسلامی و ضد اسلامی ندهیم. نمیگوییم با زور؛ نمیگوییم با قهر و غلبه - که میدانیم با اندیشه و فکر، جز از راه اندیشه و فکر نمیشود مبارزه کرد - بلکه میگوییم از راه‌های درست، منطقی و معقول، باید اندیشه‌ی اسلامی گسترش پیدا کند. باید تمام قوانین ما، مقررات مملکتی، ادارات دولتی، نهادهای اجرایی و همه و همه، از لحاظ ظاهر و از لحاظ محتوا اسلامی بشود و به اسلامی‌شدن روزبه‌روز نزدیکتر بشود. این جهتی است که انتظار ولی‌عصر (عج) به ما و به حرکت ما میدهد. امام زمان (عج) در دعای «ندبه» میخوانید که در مقابل فسوق، عدوان، طغیان، نفاق مقابله میکند و نفاق، طغیان، عصیان، شقاق و دودستگی را ریشه‌کن میکند و ازاله میکند. ما هم باید در جامعه‌ی‌مان، امروز در آن جهت حرکت کنیم و پیش برویم. این است آن چیزی که ما را به امام زمان - صلوات‌الله‌علیه - از لحاظ معنوی نزدیک خواهد کرد و جامعه‌ی ما را به جامعه‌ی ولی‌عصر -

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

صلوات‌الله و سلامه علیه - آن جامعه مهدوی علوی توحیدی، نزدیکتر و نزدیکتر خواهد کرد.^۱ ما که منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان علیه آلاف التحية و الثناء وعجل الله تعالی فرجه تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته، ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم آنگونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم.^۲

در نظام اسلامی که مظهر کامل آن، حکومت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه است، فریب و حيله‌گری برای جلب آراء مردم، خودش جرم است. استفاده از قدرت برای به دست آوردن پول، یکی از بزرگترین جرایم است. آنجا یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه موظفند، در سطوح پایین زندگی کنند. نظام اسلامی ما پرتو کوچکی از آن حقیقت درخشان است. ما هرگز این ادعا را نکردیم و نمیکنیم؛ اما باید نشانه‌ای از او داشته باشیم. در نظام اسلامی، مراکز قدرت و کسانی که دستگاه‌های مختلف، مدیریت‌ها و امضاءها را در اختیار دارند، باید به جمع ثروت شخصی برای خود، به عنوان یک گناه نگاه کنند؛... اگر خدای نکرده چنین چیزی برای ملت ما رواج پیدا کند، یک فاجعه است. این چیزی است که با نظام اسلامی و با انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه کاملاً منافات دارد.^۳

ما دنیای آینده را می‌شناسیم، خصوصیاتش را اجمالاً می‌دانیم، آینده‌ساز و دست‌درهمندی که آن دنیا را بناست به وجود بیاورد و راه بیاندازد و اداره کند می‌شناسیم و خودمان را موظفیم آماده کنیم برای رسیدن به آن دنیا. نکته اساسی در همین است، که وقتی آینده‌ای را به این روشنی برای يك ملت ترسیم می‌کنند، این چند فایده و نتیجه بسیار مهم دارد که ما از آنها باید استفاده کنیم. یکی این است که الگوی يك جامعه اسلامی قبل از قیام قائم را به ما نشان می‌دهد؛ یعنی وقتی که در این روایات صحبت از تکمیل عقول هست در دوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه وقتی در این روایات صحبت از مساوات و برابری و عدم تبعیض هست، وقتی (صحبت) از ابتکار و خلاقیت هست، وقتی صحبت از این هست که منابع زیرزمینی-چه معدنی و چه کشاورزی-برای انسان آشکار خواهد شد، این در حقیقت به ما الهام می‌دهد که اگر قبل از آن روز موعود خواستید يك جامعه‌ای

۱. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۲

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مسئولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۸۱/۱۲/۲۲.

۳. در دیدار افشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلاي تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

بسازید يك دنيایي بسازید باید بر طبق آن الگو بسازید. باید چیزی شبیه‌سازی آن روز برای خودتان به وجود بیاورید، تا بتوانید در روند حرکت تاریخ به سمت آنچنان دنیائی قرار بگیرید.^۱

هدف بزرگ پیامبران و هدف قیام ولی‌عصر (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) تأمین عدالت اجتماعی است. اولین ارزش در نظام ما از لحاظ عملی، باید تأمین عدالت اجتماعی باشد. این مهم باید در تمام برنامه‌ریزیها، عملها و امثال آن مورد توجه قرار گیرد.^۲

امام زمان علیه سلام الله، رمز عدالت و مظهر قسط الهی در روی زمین است. به همین جهت است که همه‌ی بشریت، به شکلی انتظار ظهور آن حضرت را میکشند... وقتی ملت ما، قبل از پیروزی انقلاب به مبارزات مشغول بودند، احساسشان این بود که در جهت پیشرفت به سمت آرمان بشریت حرکت میکنند. بعد از پیروزی انقلاب هم احساس ملت ایران این است که هر حرکت و هر اقداممان؛ هر مبارزه‌ای که کردیم و هر رنجی که تحمل نمودیم، در جهت مقصودی است که میان آحاد بشر و همه‌ی اهل معرفت مشترک است. مقصود، استقرار عدالت و هدف، رسیدن به عدل برای بشر است.^۳

حرکت دولتمردان ما را در میدانهای مختلف، امام زمان میبیند و امام زمان نیز از هر آنچه که نشانه‌ی مسلمانی و نشانه‌ی عزم راسخ ایمانی در آن هست و از ما سر میزند، خرسند میشود.^۴

مطلب شانزدهم. سپاه و نیروی هوایی سربازان امام زمان

در این دستگاه عظیم و در این سپاه مقدس که به تعبیر امام رضوان‌الله تعالی علیه لشکر امام زمان و لشکر اسلام، است سعی کنید در تمام زوایا تقوا را زنده کنید.^۵

وقتی مجاهدت نیروی هوایی را در طول این چهارده سال؛ به‌خصوص در دوران جنگ به یاد می‌آورم و وقتی اطلاعات گوناگونی را که از اوضاع و احوال این نیرو، از آغاز جنگ تا امروز داشتم، مرور میکنم، میبینم مجموعه‌ی عظیمی از فداکاریها و تلاشهای صادقانه، ابتکارها و نوآوریها و به کمک

۱. ولایت و حکومت ص ۳۰۶.

۲. سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در آستانه یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۶۸/۱۱/۹.

۳. بیانات در دیدار میهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشربای مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸.

۴. بیانات در دیدار افشار مختلف مردم به‌مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۵. بیانات در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶/۶/۲۶.

اسلام شتافتن در لحظات دشوار روزهای غربت و چه بسیار کارهای عالمانه و دلسوزانه انجام گرفته است که همه‌ی اینها حاکی از علاقه‌مندی و توان فکری و علمی در زمینه‌های فنی و حرکت‌های عاشقانه‌ی خلبانان در رفتن به سمت خطرهای حتمی است. وقتی اینها را در کنار هم می‌گذارم و چهره‌ی عزیز شهدای بزرگی چون شهید بابایی و دیگران را به یاد می‌آورم، میتوانم در این روزهای ولادت، خطاب به ولی‌عصر، ولی الله الاعظم ارواحنا فدا، عرض کنم که «ای سید بزرگوار ما! ای مرکز عشق و محبت و سوز ما و ای نقطه‌ی اوج امید بشر! این نیروی هوایی که ما در طول این چهارده سال دیدیم، سپاهیان تو هستند؛ سربازان تو هستند؛ نیروی هوایی تو هستند. و این افتخار بسیار بزرگی است».^۱

مطلب هفدهم. عنایات امام زمان در دفاع مقدس

این مردم مشتاقان و عاشقان ولی‌عصرند، آیا امام زمان علیه السلام در این جبهه‌ها حضور پیدا نمیکند؟ من قویاً معتقدم که وجود مقدس ولی‌عصر صلوات الله علیه همچنانی که در همه‌ی میدانهای مبارزه‌ی بزرگ ملت ما در طول سالیان دراز حضور داشته است و به ماکمک کرده است، در این جبهه‌ی جنگ هم، این جنگی که مزدوران استکبار و امپریالیسم جهانی بر ما تحمیل کرده‌اند، در جبهه‌های جنگ حضور خواهد داشت. من معتقدم برکات، فضل، رأفت و رحمت پروردگار به‌خاطر حضور ولیش، امام برحق، مهدی موعود علیه السلام در جبهه‌های ما، در میان جوانان ما بر ما بیشتر خواهد بود. امام زمان علیه السلام این خونهای پاک و عزیز را میبیند، یقیناً برای آنها دعا میکند و ما هم باید توجّه‌مان و اظهار ارادتمان و ارتباطمان را با ولی‌عصر صلوات الله علیه هرگز کم نکنیم و قطع نکنیم. از خدا کمک بخواهیم، از آن بزرگوار دعا بخواهیم و بخواهیم که پروردگار عالم به برکت بندگان شایسته‌اش و به برکت وجود مقدس بقیه الله علیه السلام این سربازان شجاع و دلاور را در این جبهه‌ی جنگی که با ظلم و استکبار جهانی در پیش داریم، پروردگار این جوانان را تأیید کند و آنها را هدایت کند و به آنها قوت قلب و توکل بیشتر عنایت کند.^۲

این تجربه‌ی تعیین کننده‌ی زمان ما در طول زندگی پربرکت ولی‌عصر صلوات الله علیه تا امروز یک

۱. بیانات در دیدار اعضای نیروی هوایی ارتش در روز نیروی هوایی، ۱۳۷۱/۱۱/۱۹.

۲. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۳۸۳.

تجربه‌ی بی‌نظیر بوده است. من در همین روزهای اخیر احساسی در دلم بود که این احساس را به بعضی از دوستان هم گفتم و به شما هم می‌گویم، در روز پانزدهم دی من این احساس را در خود ناگهان وجدان کردم که صاحب این میدان، صاحب این بیابانها، صاحب این صحنه‌ی پرشور و عظیم، ولی‌عصر امام زمان علیه السلام است و بی‌گمان امام زمان علیه السلام هم اکنون با جسم و حضور جسمی و بدنیش یا با توجهش، در میان این جنگ‌آوران و جنگجویان است.^۱



□ بخش هشتم. ظهور و حکومت امام زمان علیه السلام



مطلب اول. مسایل کلی حکومت

گفتار اول. ضرورت تشکیل حکومت

مهم‌ترین و حسّاس‌ترین مسأله‌ی هر ملّتی، همین مسأله‌ی حکومت، ولایت، مدیریت و حاکمیت والای بر آن جامعه است، این تعیین‌کننده‌ترین مسئله برای آن ملّت است. ملّت‌ها هر کدام به نحوی، این قضیه را حل کرده‌اند؛ ولی غالباً نارسا و ناقص و حتّی زیانبخش.^۱

اینجا تر اسلامی با بعضی از ترها و ایده‌های دیگر مایز و محل افتراقش معلوم میشود. تر اسلامی نمیگوید که حکومت، روزی خواهد بود که لازم نباشد، نه؛ ایده‌ی اسلامی پیش‌بینی نمیکند آن روزی را که در جامعه، دولت و حکومت نباشد، نه خیر؛ درحالی‌که بعضی از مکتبها پیش‌بینی میکنند آن روزی را که جامعه، جامعه‌ی ایده‌آل است و یکی از خصوصیاتش این است که دیگر دولت و حکومت در آن جامعه نیست؛ نه، اسلام این را پیش‌بینی نمیکند. خوارج زیر بهانه‌ی حکومت الهی بودند که میگفتند: علی بن ابیطالب نباید باشد. میگفتند: «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»؛ حکومت برای خداست. امیرالمؤمنین در جواب این میگوید: «كَلِمَةُ حَقٍّ يَرَادُ بِهَا الْبَاطِلُ»؛ سخن، سخن درستی است، حاکم واقعاً خداست؛ آن کسی که مقرّرات را میگوید و سرشته‌ی زندگی را به دست میگیرد واقعاً خداست، اما شما میگویید: «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» یا میگویید: «لَا أَمْرَ إِلَّا لِلَّهِ»؟! قانون و حکومت برای خدا، مجری قانون کیست؟ آن را هم شما میگویید که غیر خدا کسی نباید مجری قانون باشد؟! بعد لذا در جواب این سخن میگوید: «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ»؛ بالأخره انسانیت و جامعه‌ی بشری، امیر لازم دارد. حاکم و فرمانروا لازم دارد؛ این طبع انسانی است که باید زندگی‌اش با یک مجری قانون همراه باشد. بودن قانون کفایت نمیکند؛ باید کسی باشد تا اینکه این قانون را اجرا کند و نظارت کند بر اجرای دقیق و صحیح این قانون.^۲

گفتار دوم. حاکمیت تنها از آن خداست

آن کسی که ولی واقعی جامعه است، او «خدا» است. حاکم در جامعه‌ی اسلامی غیر از خدای متعال شخص دیگری نیست. این مطلبی است که توحید هم همین را به ما میگفت و نبوت هم

۱. دیدار با مسئولان و کارکران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۳۶۹/۴/۲۰.

۲. ولایت و حکومت، ۸۱-۸۲.

همین اصل را برای ما مسلم میکرد. حالا می‌بینید که ولایت هم این مطلب را به ما میگوید: اساساً همیشه باید اصول یک مطلب و یک مسلک همین‌طور باشد، که هر یک از اصلها، نتیجه‌ای بدهد که اصلهای دیگر، آن نتیجه را میدهند و این‌طور نباشد که از یکی از اصول مکتب، ما یک استنتاجی بکنیم که ضد آن را از اصلهای دیگر آن استنتاج میکنیم و متأسفانه در اسلامی که در ذهن و دل بعضی از ساده‌دلان مسلمان امروز است، از بعضی از اصولش چیزهایی استنتاج و استنباط میشود که ضد آن را میتوان از اصول دیگر آن استنباط کرد. بنابراین آن کسی که در جامعه‌ی اسلامی حق امر و نهی و فرمان و حق اجرای اوامر و معین کردن خط مشی جامعه و خلاصه حق تحکم در همه‌ی خصوصیات زندگی انسانها را دارد، خداست؛ «وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ».^۱

گفتار سوم. حکومت، لازمه‌ی حاکمیت خدا بر جامعه

صحبت بر سر این است که قوانین زندگی انسانها و روابط فردی و اجتماعی جامعه‌ی بشر هم باید از خدا الهام بگیرد، یعنی حاکم و فرمانروای قانونی در جامعه‌ی الهی، اسلامی، قرآنی و در ظل نظام اسلامی و حکومت نظام علوی فقط خداست. حالا این سؤال پیش می‌آید که «حاکم خداست» یعنی چه؟ خدای متعال که با مردم روبه‌رو نمیشود تا امر و نهی کند و از طرفی انسانها هم احتیاج دارند که یک انسانی بر آنها حکومت کند، یک انسانی لازم است که سر رشته‌ی کار انسانها را به دست بگیرد. و الا اگر چنانچه در میان جامعه‌ی انسانی و بشری، فقط قانون باشد ولو آن قانون از طرف خدا باشد، ولی امیری یا یک هیئتی نباشد که حکومت کند و خلاصه اگر ناظری بر اجرای قانون در جامعه‌ی بشری نباشد، انتظام جامعه‌ی بشری باز هم به هم خورده است؛ اما این انسان چه کسی میتواند باشد؟ آن انسان یا انسانهایی که قرار است به بشر و جامعه‌ی بشری عملاً فرمانروایی کنند، عملاً ولی جامعه باشند و عملاً ولایت جامعه را به عهده بگیرند اینها چه کسانی میتوانند باشند؟

به این سؤال پاسخ‌های متفاوت داده شده. پاسخ واقعیت‌های تاریخی هم به این سؤال گوناگون بوده است. عده‌ای گفتند: هر که غالب شد، یعنی حکومت جنگل، عده‌ای گفته‌اند: هر کسی که از طرف مردم مورد قبول باشد، عده‌ای دیگر براین عقیده‌اند که هر کس از دودمان چنین و چنان باشد و چند نظر دیگر بر طبق عقیده‌ی خویش. پاسخ دین و مکتب به این سؤال این است که «إِنَّمَا

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۵۷۸.

وَلِيكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» آن کسی که عملاً در جامعه زمام فرمان و امر و نهی را از سوی پروردگار عالم به دست میگیرد، «رسول» اوست. لذا در جامعه وقتی که پیغمبری آمد، معنی ندارد که با بودن پیغمبر حاکم دیگری به جز پیغمبر بر مردم حکومت بکند. پیغمبر یعنی همان کسی که باید زمام قدرت را در جامعه به دست بگیرد. حاکم باشد، اما وقتی که پیغمبر از دنیا رفت، تکلیف چیست؟ و وقتی که پیغمبر خدا مثل همه‌ی انسانهای دیگر از دنیا رفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد، آنجا چه کنیم؟ آیه‌ی قرآن پاسخ میدهد: «وَالَّذِينَ آمَنُوا»، مؤمنان ولی شما هستند. کدام مؤمنان؟ هر که به مکتب و دین ایمان آورد، او ولی و حاکم جامعه‌ی اسلامی است؟! اینکه لازم است که به عدد همه‌ی نفوس مؤمن حاکم داشته باشیم، آیه‌ی قرآن می‌خواهد ضمن آنکه روی انسان معلوم مشخصی انگشت می‌گذارد و کسی را که در نظر شارع و قانونگذار اسلام مشخص است، بر مردم حکومت میدهد، می‌خواهد علت انتخاب یا انتصاب او را هم بگوید و به این وسیله معیار به دست بدهد، بنابراین در اسلام ولی‌امر آن کسی است که فرستاده‌ی خداست، آن کسی است که خود خدا معین میکند؛ چون فرض این است که به حسب طبیعت خلقت و آفرینش هیچ انسانی حق تحکّم بر انسانهای دیگر را ندارد. تنها کسی که حقّ تحکّم دارد خداست و چون خدا حقّ تحکّم دارد، خدا میتواند طبق مصلحت انسانها این حق را به هر کسی که می‌خواهد، بدهد و میدانیم که کار خدا بیرون از مصلحت نیست، دیکتاتوری نیست، قلدری نیست، زورگویی نیست. کار خدا طبق مصلحت انسانها است و چون طبق مصلحت انسانهاست، پس بنابراین او معین میکند و ما هم تسلیم می‌شویم. او پیغمبر و امام را معین میکند و برای بعد از امام نیز صفاتی را معین میکند که اینها بعد از ائمه‌ی هداة معصومین، حاکم بر جامعه‌ی اسلامی هستند. پس ولی را خدا معین میکند، خودش ولی است؛ پیغمبرش ولی است؛ امامها ولی هستند. امام‌های خاندان پیغمبر تعیین شده‌اند که دوازده نفرند و در رتبه‌ی بعد، کسانی که با یک معیارها و ملاک‌های خاصی تطبیق بکنند و جور بیابند، آنها از برای حکومت و خلافت معین شده‌اند.^۱

گفتار چهارم. پیامبران حاکمان اصلی جامعه از جانب خدا

در جامعه، حکومت خدا باید در حکومت و امارت و ولایت یک انسانی مجسم بشود. پس خدای

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۵۷۹-۵۸۰.

متعال این حکومت را تفویض میکند به انسانهایی. این انسانها چه کسانی هستند؟ پیغمبران؛ در درجه‌ی اول، حاکم الهی پیغمبرانند که باز این هم در قرآن در آیات متعددی مورد توجه قرار گرفته: یکجا از قول مومنین خطاب به خدای متعال میفرماید که مؤمنین به خدا عرض کردند: «وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا»؛ برای ما از سوی خود یک ولی و حاکم قرار بده. یا در آیه‌ی دیگر میفرماید که: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ»؛ ولی شما، خدا و رسولند. نه اینکه رسول، شریک خداست- چون خدا شریک را قبول نمیکند- رسول نایب خداست؛ جانشین خداست؛ مظهر حاکمیت و ولایت خداست. یا در آیه‌ی دیگر میفرماید: «وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»؛ این آیه یک نکته‌ای دارد، میفرماید آنچه را که پیامبر به شما گفت، از او بپذیرید؛ آنچه شما را از او نهی کرد از آن اجتناب کنید. ظاهر این سخن نشان میدهد که این سخن، خطاب به مؤمنینی است که اصل وحی خدا و دین خدا را قبول کردند؛ وحی خدا را از پیغمبر گرفتند؛ آیات قرآن را و احکام الهی و شرعی را پذیرفتند؛ به اینها خدا میگوید: هرچه پیغمبر گفت، قبول کنید. پس روشن است که هرچه پیغمبر گفت، منظور احکام شرعی نیست- چون مردم احکام شرعی را از پیغمبر گرفتند، به آن ایمان آوردند و به آن عمل هم کردند- این یک چیز اضافه را به مردم میگوید؛ اگر این پیغمبر به شما حکمی داد؛ دستوری داد، اجرای کاری را خواست؛ دخالت در جان و نفس و مال شما کرد شما باید او را قبول کنید؛ یعنی همان حکم حکومتی؛ یعنی آن دخالت اجرایی در امور مردم. خب، پس ولایت الهی به پیغمبر منتقل شد.^۱

گفتار پنجم. ایجاد حکومت الهی فلسفه‌ی تلاش همه‌ی انبیا

اقامه‌ی دین، وظیفه است. حاکمیت دین، هدف مهم همه‌ی ادیان است؛ «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». قیام به قسط، قیام به عدل و حاکمیت الهی، هدف بزرگ ادیان است. اصلاً ائمه‌ی ما علیهم‌السلام و السلام تمام زجر و مصیبتشان به خاطر این بود که دنبال حاکمیت الهی بودند؛ و الا اگر امام صادق و امام باقر صلوات‌الله‌علیهما یک گوشه می‌نشستند و چند نفر دور خودشان جمع میکردند و فقط یک مسئله‌ی شرعی میگفتند، کسی به آنها کاری نداشت. خود امام صادق علیه‌السلام در یک حدیث میفرماید: «هَذَا أَبُو حَنِيفَةَ لَهُ أَصْحَابٌ وَ هَذَا الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ لَهُ أَصْحَابٌ»؛ ابوحنیفه اصحاب دارد، حسن بصری اصحاب دارد.

۱. ولایت و حکومت، ص ۸۱-۸۲. پاورقی ۱.

پس، چرا به آنها کاری ندارند؟ چون میدانند که آن حضرت داعیه‌ی امامت دارد؛ اما آنها داعیه‌ی امامت نداشتند. ابوحنیفه داعیه‌ی امامت نداشت. این علمای معروف اهل سنت - محدثان و فقهایشان - داعیه‌ی امامت نداشتند. اینها امام زمان را که هارون، منصور و عبدالملک بود، قبول داشتند. اینها ادعای امامت نداشتند؛ کسی که ادعای امامت داشت، او همین امام مظلوم و عزیز ما بود؛ امام صادق علیه‌السلام، امام باقر (علیه‌السلام)، امام موسی بن جعفر علیه‌السلام. آنها، این را می‌فهمیدند؛ یعنی واضح بود. البته گاهی در مقابل خلفا تقیه می‌کردند، اما معلوم بود که داعیه‌ی امامت داشتند. شیعیان آنان در همه‌جا تعبیر این معنا را می‌کردند. پس درست توجه کنید، مسئله، مسئله‌ی داعیه خلافت و امامت بود. در راه این داعیه، ائمه‌ی ما کشته شدند، یا به زندان رفتند. امامت یعنی چه؟ آیا یعنی همین که مسئله بگویی، و دنیا را دیگری اداره کند؟ آیا معنای امامت در نظر شیعه و در نظر مسلمین این است؟ هیچ مسلمانی این را قایل نیست؛ چه‌طور من و شما می‌توانیم به این معنا قایل باشیم؟ امام صادق دنبال امامت بود؛ یعنی ریاست دین و دنیا - منتها شرایط جور نمی‌آمد؛ اما ادعا که بود؛ برای خاطر همین ادعا هم آن بزرگواران را کشتند. پس، این معنای حاکمیت دین است که پیامبران برایش مجاهدت کردند، و ائمه برایش کشته شدند.^۱

گفتار ششم. انتقال حاکمیت خدا از رسول به ائمه دوازده گانه

از پیغمبر هم - به اتفاق همه‌ی مسلمین - ولایت و حکومت به غیر پیغمبر منتقل شده است. حالا به چه کسانی منتقل شده؟ این، بین فرق مسلمین، محل اختلاف است. شیعه در این بین، معتقد است که ولایت پیغمبر منتقل شده است به ائمه‌ی معصومین که دوازده نفر هستند.^۲

قضیه نصب امیرالمومنین علیه‌الصلاة والسلام به ولایت و خلافت آن قدر مهم است که... اصل رسالت پیغمبر، با انجام ندادن این کار، مورد خدشه قرار می‌گیرد و پایه‌اش متزلزل می‌شود. احتمال این هم هست، کأنه اصل رسالت، تبلیغ نشده است! یعنی موضوع تشکیل حکومت، امر ولایت و امر مدیریت کشور، جزو متون اصلی دین است و پیغمبر، با این عظمت اهتمام می‌ورزد و این رسالت خود را در مقابل چشم آحاد مردم، به کیفیتی انجام می‌دهد که شاید هیچ واجبی را این‌گونه ابلاغ نکرده است.^۳

۱. بیانات در جمع علما و روحانیون استان لرستان ۱۳۷۰/۵/۳۰.

۲. ولایت و حکومت، ص ۸۲؛ پاورقی.

۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت عید غدیرخم، ۱۳۷۵/۲/۱۸.

شما میبینید امیرالمؤمنین (علیه الصلاه والسلام) که مظهر ولایت اسلام و مصداق کامل ولی‌ای است که برای مردم مشخص شده‌است، در هیچ برهه‌ای، از این حالت ارتباط، اتصال و انسجام با مردم خالی نبوده‌است. نه در دورانی که او را عملاً از حکومت کنار گذاشتند و مردم را از او به عنوان ارتباط حکومتی جدا کردند - یعنی عملاً حکومت را از او گرفتند - ولایت، حکومت، فرماندهی و حکمرانی‌ای که در اسلام، از آن به «ولایت» تعبیر میشود و حق او بود، از او سلب کردند - البته ولایت معنوی، آن چیزی که در امامت تشیع فرض شده است و وجود دارد، در هر حال هست و بسته به ولایت ظاهری نیست - و نه در دوره‌های دیگر، از ارتباط و اتصال با مردم خالی نبوده‌است. در همان وقت هم امیرالمؤمنین یکی از آحاد ملت و جزو مردم است. منزوی، منعزل و کناره‌جوی از مردم نیست. آن وقتی هم که به حکومت میرسد، یک حاکم به تمام معنا مردمی است.^۱

گفتار هفتم. حکومت اسلامی، هدف سیاسی مبارزات ائمه

مردم و شیعیان گمان نکنند که ائمه علیهم‌السلام آمدند تا یک مقدار مسایل دینی را و اخلاقیات را برای مردم بگویند و بروند، نه اینها هدف سیاسی داشتند. ائمه علیهم‌السلام هدف سیاسی‌ای داشتند که در حقیقت آن هدف بزرگترین هدف نزدیک بعثت پیغمبران است و آن چیه؟ و آن قیام حکومت اسلامی است. ائمه برای این تلاش میکردند این مبارزه‌ی طولانی فقط برای بیان احکام و معارف نبود. این مبارزه برای ایجاد یک حکومت عادلانه‌ی اسلامی بود که آن روز وجود نداشت. اینی که امروز شما دارید، این حکومت اسلامی، اینی که در رأس جامعه و نظام یک امام، یک وارث رسول‌الله ﷺ و ائمه علیهم‌السلام، یک انسان مؤمن، متقی، زاهد، عارف و متمسک به حبل‌الله قرار داشته باشد و جامعه بر اساس اسلام، دین، قرآن و معارف اسلامی اداره بشود، این آرزوی بزرگ ائمه‌ی هدی علیه‌الصلاه‌والسلام بوده. در راه این هدف مبارزه کردند، زجر کشیدند و در راه این هدف هم به شهادت رسیدند و محصول آن تلاشها و یادگار آن همه مبارزات، آموزشها، گفتنها، شنیدن‌ها، زندان‌رفت‌ها، کشته‌شدن‌ها، تربیت‌کردن‌ها و خون دل خوردن‌ها این چیزی است که امروز برای دنیا مانده، به نام اسلام و قرآن و نقطه اوج آن، آن چیزی است که امروز در اختیار شماست؛ یعنی

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیرخم، ۱۳۷۶/۲/۶.

حاکمیت اسلام و مطمئنیم که به برکت آن مبارزات ان شاء الله این حرکت ملت ایران یک حرکت باثبات و بادوامی است و گسترش‌یابنده به همه‌ی جهان اسلام و باید ان شاء الله همین حرکت یعنی حاکمیت اسلام پیش برود تا برسد به آن نقطه‌ای که باز زمام قدرت دست اهل بیت علیهم السلام مباشرة قرار بگیرد و ولی‌امر و مهدی موعود علیه الصلاة و السلام و عجل الله تعالی فرجه الشریف آرزوی بزرگ پیغمبران و ائمه را به نحو اتم و اکمل ان شاء الله برآورده کنند.^۱

آنچه که از روایات مربوط به زندگی ائمه علیهم السلام به دست می‌آید و شواهد زیادی بر آن وجود دارد، این است که ائمه علیهم السلام جداً میخواستند نظام اسلامی به وجود آورند. این کار- آن‌طور که تصور میشود- با علم و معرفت امام منافات ندارد. آنها واقعاً میخواستند نظام الهی برقرار کنند. اگر برقرار میکردند، تقدیر الهی همان بود. تقدیر الهی و اندازه‌گیری‌ها در علم پروردگار، با شرایط گوناگون اختلاف پیدا میکند.^۲

این رشته، همان خط جهاد و مبارزه‌ی ائمه علیهم السلام است که در تمام دوران دویست و پنجاه‌ساله و در شکل‌های گوناگون استمرار داشته و هدف از آن، اولاً تبیین اسلام ناب و تفسیر صحیح قرآن و اراییه‌ی تصویری روشن از معرفت اسلامی است و ثانیاً، تبیین مسئله‌ی امامت و حاکمیت سیاسی در جامعه‌ی اسلامی و ثالثاً، تلاش و کوشش برای تشکیل آن جامعه و تحقق بخشیدن به هدف پیامبر معظم اسلام (صلی الله علیه و آله) و همه‌ی پیامبران؛ یعنی اقامه‌ی قسط و عدل و زدودن انداد الله از صحنه‌ی حکومت و سپردن زمام اداره‌ی زندگی به خلفا الله و بندگان صالح خداوند.^۳

گفتار هشتم. حکومت بالاتر از همه‌ی احکام شرعی و جزو اصول اسلامی

دین یک مجموعه احکام است. آن چیزی است که این مجموعه احکام را با هم منسجم میکند، آنها را با هم سازگار میکند، آنها را در زندگی بشر خرد و قابل عمل میکند، جابه‌جا از آنها برای هدایت انسانها و رفاه زندگی آنها استفاده میکند، آن دست قدرتمند ولی جامعه‌ی اسلامی است و حاکم اسلامی. لذا در روایت معروف امام هشتم علیه الصلاة والسلام میفرماید: «الامامة زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عز المؤمنین»؛ امامت و رهبری جامعه و حکومت اسلامی و ولایت اسلامی -

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۵/۶/۱۳۶۷.

۲. سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه‌ی روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران، علما و ائمه جماعت، ۱۳۶۷/۵/۱۱.

۳. پیام به سؤمین کنگره جهانی امام رضا (ع)، ۱۳۶۷/۷/۲۶.

که همه‌ی این تعبیرات یک معنا دارد - این زمام دین است؛ چیزی است که به دین؛ یعنی به مجموعه احکام اسلامی جهت می‌دهد؛ آنها را در جای خود مصرف می‌کند؛ در زندگی بشر نیازها را با آنها تطبیق می‌کند؛ مصالح جامعه را از میان آنها جستجو می‌کند و پیدا می‌کند و طبق آن عمل می‌کند. «نظام مسلمین است»؛ یعنی بدون امامت و ولایت و حکومت اسلامی، جامعه‌ی مسلمین دارای نظام نیست؛ آنچه که نظم می‌بخشد به این جامعه، باز دست مقتدر ولایت الهی است در جامعه. «وَصَلَحُ الدُّنْيَا»؛ اصلاً صلاح دنیا، آن چیزی که دنیا را آباد می‌کند، او حاکمیت اسلامی است؛ که اگر این را ما از دین بگیریم، مطمئناً از مجموعه‌ی احکام دین، چیزی که بتواند این آثار را داشته باشد، باقی نخواهد ماند. بله! افرادی با عمل فردی و شخصی خودشان، با تلاش فراوان و مجاهدتی که بکنند، راه تکامل را به صورت فردی طی خواهند کرد، اما دنیا، دنیای آباد مورد نظر اسلام نخواهد شد. این اهمیت حکومت است که از همه‌ی احکام فرعی بالاتر است و جزو اصول اسلامی است و در ردیف مهم‌ترین اصول یا - همان‌طور که عرض کردم - خود، مهم‌ترین اصول اسلامی است.^۱

گفتار نهم. ولایت تعبیر اسلام از حکومت

ولایت یعنی حکومت؛ چیزی است که در جامعه‌ی اسلامی متعلق به خداست، و از خدای متعال به پیامبر، و از او به ولی مؤمنین میرسد.^۲

اسلام، حکومت را با تعبیر «ولایت» بیان می‌کند و شخصی را که در رأس حکومت قرار دارد، به عنوان والی، ولی، مولا؛ یعنی اشتقاقات کلمه‌ی ولایت معرفی می‌کند. معنای آن چیست؟ معنای آن، این است که در نظام سیاسی اسلام، آن کسی که در رأس قدرت قرار دارد و آن کسانی که قدرت حکومت بر آنها در اختیار اوست، ارتباط و اتصال و پیوستگی جدایی‌ناپذیری از هم دارند. این، معنای این قضیه است. این، فلسفه‌ی سیاسی اسلام را در مسأله‌ی حکومت برای ما معنا می‌کند. هر حکومتی که این‌طور نباشد، این ولایت نیست؛ یعنی حاکمیتی که اسلام پیش‌بینی کرده است، نیست.^۳

۱. ولایت و حکومت، ۲۲۹-۲۳۰.

۲. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم روز بیست و نهم ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۰/۱/۲۶.

۳. بیانات در دیدار مسئولان و کارکنان نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیر خم، ۱۳۷۶/۲/۶.

گفتار دهم. امتیازهای حکومت اسلامی بر سایر حکومتها

در جامعه‌ای که مردم اعتقاد به خدا دارند و اعتقاد به دین و شریعت اسلامی دارند، حاکم و ولی امر باید کسی باشد که تجسم مکتب باشد؛ یعنی حکومت او، حکومت مکتب باشد. البته نوع حکومت او هم با نوع حکومت‌های معمولی در عالم متفاوت است؛ حکومت او حکومت جبر و زور نیست؛ حکومت اخلاق است؛ حکومت دین است؛ حکومت حکمت است؛ حکومت معرفت است؛ حکومت برادری است؛ یعنی امام و ولی امر در جامعه‌ی اسلامی با انسانهای دیگر برادر است؛ با آنها با عاطفه‌ی برادری و با رابطه‌ی برادری زندگی میکند.^۱

اگر ولایت اسلامی باشد، زندگی زیر سایه‌ی امیرالمؤمنین (ع) برای همه حاصل خواهد شد - برای مؤمن، برای فاسق و برای کافر - حتی کفار هم در آن راحت زندگی میکنند. این طور نیست که در آن، فقط آدم‌های پرهیزکار، راحت باشند، غیر پرهیزکار هم از امنیت آن محیط، از مساوات، از عدالت و از آرامش معنوی در آن محیط، استفاده میکند. اگر حکومت الهی نشد، جامعه، جامعه‌ی تبعیض‌آمیز است. تبعیض هم انواعی دارد.^۲

در نظام اسلامی یک خصوصیتی وجود دارد که نمیتواند مثل نظامهای استبدادی حرکت بکند - چه استبدادی‌های قدیم که علناً، صریحاً، دهانها را می بستند و دهانها را میشکستند و انسانها را نابود میکردند، چه دیکتاتوری به سبک جدید که در کشورهایی که ظاهراً دموکراسی هستند، باطناً استبدادی حکم فرماست - چون اینها خلاف شرع است؛ چون تعرض به حیثیت انسانهاست. همچنین نمیتواند مثل نظام‌هایی که حقیقتاً دموکراسی در آنجا برقرار است - به معنای حاکمیت و آزادی مطلق انسانها در همه‌ی زمینه‌ها، جز آنچه که به مصالح کشور مربوط باشد - این را هم نمیتواند نظام اسلامی تحمل بکند. یعنی فرض بفرمایید که کسی در خفا یک گناهی کرده است، اقامه‌ی بینه میشود پیش شما، شما حد بر او جاری میکنید؛ خوب اینکه علی‌الظاهر یک امر شخصی است. یا انسانها اگر چنانچه گناهکار باشند، نظام اسلامی میخواهد آنها را از ظلمات گناه به نور هدایت الهی و تقوا رهنمون بشود. این جزو وظایف است؛ این جزو وظایف دولت سوئد نیست؛ جزو وظایف دولت امریکا نیست. این [را] برای خودشان وظیفه نمیدانند، اما در نظام اسلامی اینها

۱. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌ی نماز جمعه، ۱۳۶۲/۲/۳۰.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب به مناسبت عید سعید غدیر خم، ۱۳۷۸/۱/۱۶.

هست. پس حفظ آزادیها از یک طرف، حفظ حیثیت انسانها از یک طرف، حفظ جهتگیری صحیح انسانها از یک طرف. خب در کنار این همه، مقابله‌ی این نظام است با همه‌ی ارزشهای رایجی که امروز قدرت‌های مسلط عالم، چهاردستی به آن چسبیده‌اند و میخواهند آنها را بر همه‌ی دنیا تحمیل کنند؛ مثل همین آزادی‌های فردی خلاف مصلحت و خلاف حق. مثل تعرض به انسانهای ضعیف، مثل میدان دادن مطلق به سرمایه و پول؛ که امروز در نظامهای سرمایه‌داری عالم، مطلقاً پول مسلط است؛ حتی در میدان قانون‌گذاری و میدان قضاوت. خب! با همه‌ی این ارزشهای باطل، این نظام دارد مقابله میکند و ارزش الهی را دارد در مقابل چشم انسانها قرار میدهد و اینجا هم او را تطبیق میکند با واقعیت و آن را پیاده میکند.^۱

مطلب دوم. چشم‌انداز ظهور و حکومت مهدوی

گفتار اول. معنای صحیح از حکومت جهانی مهدوی

اجمال مسئله‌ی حضرت مهدی علیه‌الصلاة والسلام در اسلام این است که همه‌ی فرقه‌های اسلامی - چه شیعه و چه سنی - متفقند که در پایان دوره‌ی جهان، یک دوره‌ای وجود خواهد داشت که در آن یک حکومت الهی کامل و جامع با سیطره بر شرق و غرب عالم به عنوان حکومت مهدی تشکیل خواهد شد و در این دوران احکام اسلامی به طور کامل و جامع اجرا خواهد شد و این بدین معناست که تا قبل از دوران حضرت مهدی علیه‌الصلاة والسلام اسلام به صورت کامل و جامع در سطح جهان پیاده نشده است. نه اینکه در سطح دل یک انسان یا زندگی یک جامعه در ابعاد متعدد هم اسلام پیاده نشده، بلکه بدین معنا که مقصود و هدف اصلی پیغمبر اسلام و همه‌ی نبوتها که بازسازی عالم، بازسازی انسان، رفع ظلم و رفع کفر و مقابله با نفاق و غلبه‌ی جنود رحمان بر جنود شیطان است، جز در زمان آن حکومت تحقق پیدا نخواهد کرد و تحقق پیدا نکرده است؛ و این همان مطلبی است که امام بزرگوار ما که گذشته از جنبه شخصیت سیاسی جهانی یک متفکر و حکیم برجسته‌ی اسلامی هستند، تاکنون چند مرتبه تکرار کردند و در گوشه و کنار در بعضی کشورهای اسلامی ایادی دست‌نشانده‌ی حکومتها روی این مسئله جنجال کردند که چرا شما می‌گویید که هدف از بعثت خاتم‌الانبیا تاکنون محقق نشده و حقیقت این

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۷۲/۱۰/۸.

است که این هدف محقق نشده. اگر محقق شده بود، امروز در دنیا باید ظلم، تبعیض، کفر، فساد، جهل و این همه نابه‌سامانی وجود نمی‌داشت. چون هدف پیغمبر به صریح آیه‌ی قرآن «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» این است که آیین نبوی و الهی بر همه‌ی جوامع و بر همه‌ی برنامه‌ها و آیین‌های دیگر غلبه پیدا کند و ما به وضوح می‌بینیم که این کار نشده.^۱

گفتار دوم. فواید ترسیم چشم انداز ظهور

وقتی آینده‌ای را به این روشنی برای یک ملت ترسیم میکنند، این چند فایده و نتیجه‌ی بسیار مهم دارد که ما از آنها باید استفاده کنیم.^۲

الگوسازی از جامعه‌ی مهدوی برای امروز

یکی این است که الگوی یک جامعه‌ی اسلامی قبل از قیام قائم را به ما نشان می‌دهد؛ یعنی وقتی که در این روایات صحبت از تکمیل عقول هست در دوران حضرت مهدی (عج) وقتی در این روایات صحبت از مساوات و برابری و عدم تبعیض هست، وقتی از ابتکار و خلاقیت هست، وقتی صحبت از این هست که منابع زیرزمینی - چه معدنی و چه کشاورزی - برای انسان آشکار خواهد شد، این در حقیقت به ما الهام می‌دهد که اگر قبل از آن روز موعود خواستید یک جامعه‌ای بسازید، یک دنیایی بسازید باید بر طبق آن الگو بسازید. باید چیزی شبیه‌سازی آن روز برای خودتان به وجود بیاورید، تا بتوانید در روند حرکت تاریخ به سمت آنچنان دنیایی قرار بگیرید.^۳

امیدواری و عدم خستگی در مبارزه‌ی ملتها

یک تأثیر دیگر و نتیجه‌ی دیگری که ترسیم این دنیا برای ما دارد، این است که یأس و نومیدی را از دل ملتها میزداید. میدانیم که مبارزه‌ی ما مؤثر و دارای نتیجه است. گاهی افرادی که با این بُعد از تفکر اسلامی آشنا نیستند، در مقابل معادلات عظیم مادی جهان دچار حیرت و یأس میشوند، احساس میکنند با این قدرتهای عظیم، با این تکنولوژی پیشرفته، با این سلاحهای مخرب با بودن همب اتمی در دنیا یک ملت حالا انقلاب هم بکند، مگر چقدر میتواند مقاومت کند؟ احساس میکنند

۱. ولایت و حکومت، ص ۲۰۴.

۲. همان، ص ۳۰۶.

۳. همان.

که برایشان استقامت در مقابل فشار قدرت ظلم و استکبار ممکن نیست؛ اما اعتقاد به مهدی، اعتقاد به روزگار دولت اسلامی و الهی به وسیله زاده‌ی پیغمبر و امام زمان، این امید را در انسان به وجود می‌آورد که نه، ما مبارزه میکنیم برای اینکه عاقبت متعلق به ماست؛ برای اینکه نهایت کار ما یک وضع آنچنانی است که دنیا باید در مقابل او خاضع و تسلیم بشود و خواهد شد. برای اینکه روال تاریخ به سمت آن چیزی است که ما امروز پایه‌اش را ریختیم، نمونه‌اش را درست کردیم، ولو نمونه‌ی ناقصش، این امید اگر در دل ملت‌های مبارز - مخصوصاً ملت‌های اسلامی - به وجود بیاید یک حالت خستگی‌ناپذیری به آنها خواهد داد که هیچ عاملی نمیتواند آنها را از میدان مبارزه روگردان کند و آنها را به شکست درونی و انهزام درونی دچار کند.^۱

گفتار سوم. جامعه‌ی مهدوی جامعه‌ی آرمانی همه‌ی پیامبران

جامعه‌ی مهدوی؛ یعنی آن دنیایی که امام زمان علیه السلام می‌آید تا آن دنیا را بسازد، همان جامعه‌ای است که همه‌ی پیامبران برای تأمین آن در عالم ظهور کردند. یعنی همه‌ی پیغمبران مقدمه بودند تا آن جامعه‌ی ایده آل انسانی که بالأخره به وسیله‌ی ولی عصر و مهدی موعود علیه السلام در این عالم پدید خواهد آمد و پایه‌گذاری خواهد شد، به وجود بیاید. مانند یک بنای مرتفعی که کسی می‌آید، زمین آن را تسطیح میکند و خار و خاشاک را از آن میکند. کس دیگری پس از او می‌آید و زمین را برای پایه‌ریزی، میکند و گود میکند. کس دیگری پس از او می‌آید، تا پایه‌ها را شالوده‌ریزی کند و بلند کند و کس دیگری پس از او می‌آید تا دیوارها را بچیند و یکی پس از دیگری، مأموران و مسئولان می‌آیند تا این کاخ مرتفع، این بنیان رفیع، به تدریج در طول زمان ساخته و پرداخته بشود... آن جامعه‌ای که در دوران ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام به وجود خواهد آمد؛ همان جامعه‌ای است که همه‌ی پیغمبران الهی برای تهیه‌ی مقدمات آن از جانب الهی مبعوث شدند؛ یعنی، ایجاد یک جامعه‌ای که بشریت در آن جامعه بتواند به رشد و کمال متناسب خود برسد. اگر این آیه‌ی قرآن که درباره‌ی بعثت پیامبران می‌فرماید: «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ یعنی، پیغمبران مبعوث شدند تا قسط و عدل در جامعه‌ی بشری استوار بشود، اشاره به هدف بعثت میکند. پس حکومت مهدی علیه السلام

و جامعه‌ی مهدوی، همان جامعه‌ای است که این هدف را به طور کامل تأمین میکند.^۱

گفتار چهارم. عصر ظهور، زمان زندگی حقیقی و فراهم بودن بهترین شرایط زندگی

دوره‌ی ولی عصر ارواحنا فدا، دوره‌ی آغاز زندگی بشر است؛ دوره‌ی پایان زندگی بشر نیست. از آنجا حیات حقیقی انسان و سعادت حقیقی این خانواده عظیم بشری تازه شروع خواهد شد و استفاده از برکات این کره‌ی خاکی و استعدادها و انرژی‌های نهفته در این فضا، برای انسان بدون ضرر، بدون خسارت، بدون نابودی و ضایع کردن ممکن خواهد شد.^۲

در خلقت بشر و تاریخ طولانی بشریت حقیقتی وجود دارد و آن حقیقت این است که این ستیزه‌ی میان حق و باطل، یک روز به سود حق و به زیان باطل پایان خواهد گرفت و از آن روز به بعد دنیای حقیقی بشر، زندگی مطلوب انسان آغاز خواهد شد.^۳

همه‌ی حرکتی که بشریت در سایه‌ی تعالیم انبیا، در طول این قرون متمادیه انجام دادند، حرکت به سمت جاده‌ی آسفالته‌ی عریضی است که در دوران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سمت اهداف والا کشیده شده است که بشر در آن جاده حرکت خواهد کرد. مثل اینکه یک جماعتی از انسانها در کوه و کمر و راه‌های دشوار و باتلاق‌زارها و خارستانها با راهنمایی‌های کسانی همین‌طور حرکت دارند میکنند تا خودشان را به آن جاده‌ی اصلی برسانند. وقتی به جاده‌ی اصلی رسیدند، راه باز است؛ صراط مستقیم روشن است؛ حرکت در آن آسان است؛ راحت در آن راه حرکت میکنند. وقتی به جاده‌ی اصلی رسیدند، این جور نیست که حرکت متوقف بشود؛ نه، تازه حرکت به سمت اهداف والای الهی شروع میشود؛ چون ظرفیت بشر یک ظرفیت تمام‌نشده است. در طول این قرون متمادی، بشر از کج‌راهه‌ها، بیراهه‌ها، راه‌های دشوار، سخت، با برخورد با موانع گوناگون، با بدن رنجور و پای مجروح شده و زخم‌آلود، در بین این راه‌ها حرکت کرده است تا خودش را به این جاده‌ی اصلی برساند. این جاده‌ی اصلی همان جاده‌ی زمان ظهور است؛ همان دنیای زمان ظهور است که اصلاً حرکت بشریت به

۱. در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۲۵۰.

۲. بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴.

۳. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

یک معنا از آنجا شروع میشود.^۱

زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان علیه السلام است که خدا میداند، بشر در آنجا به چه عظمت‌هایی نایل خواهد شد.^۲

در واقع هر فردی از آحاد بشر میداند که این سیر عمومی بشر به کجا منتهی خواهد شد. اگر بخواهیم تشبیه کنیم، این جور باید بگوییم که یک مسافری یا یک کاروانی از پیچ‌وخم‌های دشوار، از معبرهای سخت، از کوهستانها، از وادی‌ها، از دره‌ها، از لجن‌زارها، از خارزارها، همین‌طور دارد عبور میکند، راه را میپیماید، برای اینکه خودش را به یک نقطه‌ای برساند؛ این نقطه کجا است؟ این نقطه عبارت است از یک اتوبان، یک جاده‌ی مهم، یک جاده‌ی باز، یک راه هموار. همه‌ی آنچه در تاریخ بشر تا امروز مشاهده میکنیم، حرکت در همان کوره‌راه‌ها و در همان فرازونشیبها و در همان خارستانها و لجن‌زارها و مانند اینها بوده است؛ بشریت دارد همین‌طور این راه را طی میکند تا به اتوبان برسد؛ این اتوبان، دوران مهدویت است.^۳

گفتار پنجم. مدت حکومت مهدوی

بعضی خیال میکنند، حضرت که آمدند، آخر دنیا است! نه، تازه شروع دنیا و شروع تاریخ بشریت، آن وقت است! این مدتی که از عمر بشریت گذشته، چند هزار سالی است که بشر در این سنگلاخ‌ها و در این بیابانها و کویرهای وحشت‌ناک، همین‌طور سینه‌خیز و با زحمت رفته تا خودش را به جاده‌ی اتوبان وسیع عریض آسفاته برساند و از آنجا زندگی تاریخی خود را تازه شروع کند. آن جاده را حضرت افتتاح میکنند. حرکت تاریخی انسان، آن وقت است.^۴

در پایان تاریخ بشر در یک فصلی که ما نمیدانیم این فصل چقدر طول خواهد کشید، و شاید ادامه‌ی آن فصل به قدر همه‌ی گذشته تاریخ بشر باشد، یک حکومتی، یک نظامی در دنیا در سطح جهان بر سرکار خواهد آمد، که آن نظام نظام الهی است.^۵

۱. دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۹/۱/۲۶.

۳. دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۴. دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۸۲/۲/۲۰.

۵. ولایت و حکومت، ص ۳۰۵.

گفتار ششم: حکومت مهدوی دوران ظهور کامل تمدن اسلامی

تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیه الله ارواحناده است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد.^۱

کسانی که در گذشته‌ای نه‌چندان دور آیهی یأس میخواندند و نه تنها اسلام و مسلمین بلکه اساس معنویت و دین‌داری را در برابر هجوم تمدن غرب، از دست‌رفته میپنداشتند، امروز سر برافراشتن اسلام و تجدید حیات قرآن و اسلام، و متقابلاً ضعف و زوال تدریجی آن مهاجمان را به چشم می‌بینند و با زبان و دل تصدیق میکنند. من با اطمینان کامل می‌گویم: این هنوز آغاز کار است، و تحقق کامل وعده‌ی الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ».^۲

گفتار هفتم: خصوصیات جامعه‌ی عصر ظهور

در پایان تاریخ بشر در یک فصلی که ما نمیدانیم این فصل چقدر طول خواهد کشید، و شاید ادامه‌ی آن فصل به قدر همه‌ی گذشته تاریخ بشر باشد، یک حکومتی، یک نظامی در دنیا در سطح جهان بر سرکار خواهد آمد، که آن نظام، نظام الهی است؛ یعنی در آن نظام چند خصوصیت وجود دارد.^۳

امام زمان (عج) وقتی که ظهور میکند، جامعه‌ای میسازد که به طور خلاصه، دارای این چند خصوصیت است که من آن را می‌گویم:^۴

حاکمیت توحید و قوانین الهی

آن چیزی که مهدویت مبشر آن هست، همان چیزی است که همه‌ی انبیا، همه‌ی بعثتها برای خاطر آن آمدند و آن ایجاد یک جهان توحیدی و ساخته و پرداخته‌ی بر اساس عدالت و با استفاده‌ی از همه‌ی ظرفیتهایی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده؛ یک چنین دورانی

۱. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴.

۲. پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۷/۹/۱۷.

۳. ولایت و حکومت، ص ۳۰۵.

۴. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۰.

است دیگر، دوران ظهور حضرت مهدی سلام الله علیه و عجل الله تعالی فرجه. دوران جامعه‌ی توحیدی است، دوران حاکمیت توحید است.^۱

روز ولادت مهدی موعود ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، حقیقتاً روز عید همه‌ی انسانهای پاک و آزاده‌ی عالم است... آنچه مسلم است، همه‌ی پیغمبران و اولیاء برای این آمدند که پرچم توحید را در عالم به اهتزاز درآورند و روح توحید را در زندگی انسانها زنده کنند.^۲

انتظار دست قاهر قدرت‌مند الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسانها سیطره‌ی ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسانها را بنده‌ی واقعی خدا بکند.^۳

انتظار مؤمن، یعنی اینکه تفکر الهی این اندیشه‌ی روشنی که وحی بر مردم عرضه کرده است، یک روز سراسر زندگی بشر را فراخواهد گرفت.^۴

نابودی ریشه‌های ظلم و موانع رشد

امام زمان صلوات الله و سلامه علیه جامعه‌اش را بر این چند پایه بنا میکند؛ اولاً نابود کردن و قلع و قمع کردن ریشه‌های ظلم و طغیان؛ یعنی، در جامعه‌ای که در زمان ولی عصر صلوات الله علیه ساخته میشود، باید ظلم و جور نباشد؛ نه اینکه فقط در ایران نباشد، یا در جوامع مسلمان‌نشین نباشد، در همه‌ی دنیا نباشد. نه ظلم اقتصادی، نه ظلم سیاسی، نه ظلم فرهنگی و نه هیچگونه ستمی در آن جامعه، دیگر وجود نخواهد داشت. باید استثمار، اختلاف طبقاتی، تبعیض، نابرابری، زورگویی، گردن‌کلفتی و قلدری از عالم ریشه کن بشود.^۵

هیچ‌یک از بدیها و شقاوتهای بشری در سطح اجتماعی وجود ندارد؛ نه اینکه همه‌ی انسانها به فرشته تبدیل خواهند شد یا خوب خواهند شد، بلکه بدین معنا که در سطح جامعه دیگر ظلم نیست؛ دیگر تبعیض نیست؛ دیگر غلبه و قهر جمعی بر جمعی و نظامی بر ملتی وجود ندارد.^۶

۱. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۲. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۸/۹/۳.

۳. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۴. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر (عج)، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۵. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۰.

۶. ولایت و حکومت، ص ۳۰۵.

امروز ذهنیت بشر، آماده‌ی آن است که بفهمد، بداند و یقین کند که انسان والایی خواهد آمد و بشریت را از زیربارهای ظلم و ستم نجات خواهد داد؛ همان چیزی که همه‌ی پیغمبران برای آن تلاش کرده‌اند، همان چیزی که پیغمبر اسلام در آیه‌ی قرآن، وعده‌ی آن را به مردم داده است: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ».^۱

استخراج همه‌ی نیروهای طبیعت و استفاده درست از آنها

خصوصیت سومی که جامعه‌ی امام زمان (عج) جامعه‌ی مهدوی دارا هست، این است که در آن روز، همه‌ی نیروهای طبیعت و همه نیروهای انسانی استخراج میشود. چیزی در بطن زمین نمی ماند که بشر از آن استفاده نکند. این همه نیروهای معطل طبیعی، این همه زمین‌هایی که میتواند انسان را تغذیه کند؛ این همه قوای کشف نشده (مانند نیروهایی که قرن‌ها در تاریخ بود؛ مثلاً نیروی اتم، نیروی برق و الکتریسیته، قرن‌ها بر عمر جهان میگذشت و این نیروها در بطن طبیعت بود؛ اما بشر آنها را نمیشناخت، بعد یک روزی به تدریج استخراج شد) همه‌ی نیروهای بی‌شماری که از این قبیل در بطن طبیعت هست، در زمان امام زمان (عج) استخراج میشود.^۲

میفرماید: «فلا يبقى في الأرض خراب إلا عمر؛ یعنی این قدرت در جهت آبادانی عالم صرف خواهد شد، نه در جهت سیطره بر منافع انسانها و به استضعاف کشاندن انسانها. در تمام گستره جهان هیچ نقطه‌ی ویرانی وجود نخواهد داشت، مگر اینکه آباد بشود؛ حالا چه ویرانی‌هایی که به‌دست بشر انجام شده، چه ویرانی‌هایی که به‌وسیله جهالت بشر بر انسانها تحمیل شده.^۳

دوره‌ی ولی‌عصر ارواحنا فدا، دوره‌ی آغاز زندگی بشر است؛...استفاده از برکات این کره‌ی خاکی و استعدادها و انرژی‌های نهفته در این فضا، برای انسان بدون ضرر، بدون خسارت، بدون نابودی و ضایع کردن ممکن خواهد شد. درست است که امروز بشر از چیزی استفاده میکند، اما به یک چیز دیگر ضرر میزند. امروز نیروی اتم را کشف میکند، اما نیروی اتم را برای نابودی انسان به کار میبرد؛ نفت را از اعماق زمین استخراج میکند، اما این نفت در راه تضييع و تخریب محیط زیست انسان به کار میرود؛ کما اینکه در این صد سال اخیر اینگونه بوده است. بشر نیروهای محرکه، انرژی‌های

۱. بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان، ۱۳۷۸/۹/۳.

۲. در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۲۰۱.

۳. ولایت و حکومت، ص ۳۰۹.

پنهان، قوه‌ی بخار و سایر نیروها را کشف میکند، اما انسانها را به انواع و اقسام گرفتاریهای جسمانی از ناحیه‌ی این مشکلاتی که زندگی مادی برای انسانها به وجود می‌آورد، آلوده میکند. به بشر سرعت و سهولت داده میشود؛ اما خیلی چیزها از او گرفته میشود. از آن طرف هم تخریب ارزشهای اخلاقی است که امروز انسان دچار آنهاست؛ لیکن در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه قضیه این‌گونه نیست. بشر از خیرات عالم، از انرژی‌های پنهان و از نیروهای نهفته در طبیعت، استفاده‌ی بی‌ضرر و بی‌خسارت میکند؛ استفاده‌ای که مایه‌ی رشد و پیشرفت انسان است.^۱

بالا رفتن سطح اندیشه و معرفت

خصوصیت جامعه‌ی ایده‌آلی که امام زمان صلوات الله علیه آن را می‌سازد، بالا رفتن سطح اندیشه‌ی انسان است؛ هم اندیشه‌ی علمی انسان و هم اندیشه‌ی اسلامی انسان؛ یعنی، در دوران ولی عصر^ع شما باید نشانی از جهل و بی‌سوادی و فقر فکری و فرهنگی در عالم پیدا نکنید. آنجا مردم میتوانند دین را به درستی بشناسند و این همچنانی که همه میدانید، یکی از هدف‌های بزرگ پیامبران بود که امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه این را در خطبه‌ی نهج البلاغه شریف بیان کرده است: «و یثیروا لهم دَفَائِنَ الْعُقُولِ».^۲

در یک روایتی است که می‌فرماید: «اذا قام قائمنا وضع یدیه علی رؤس العباد فجمع بها عقولهم و اکمل بها اخلاقهم» این جنبه‌ی معنوی و انسانی است؛ یعنی وقتی که قائم آل محمد^ع ظهور کند و قیام کند، اندیشه و خرد انسانها را جمع خواهد کرد و آن را بارور خواهد کرد.^۳

یک روایت دیگر این جور می‌گوید: «و تؤتون الحکمه فی زمانه حتی ان المرأة لتقضى فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنة رسول الله»؛ یعنی در دوران آن بزرگوار و حکومت الهی آن حضرت آنچنان حکمت در جامعه گسترش خواهد یافت که یک زن خانه‌نشین - نه یک زنی که مسئولیتی در گوشه‌ای از جامعه داشته باشد - در خانه‌ی خود، یک زن به کتاب خدا و سنت پیغمبر حکم خواهد کرد و قضاوت خواهد کرد.^۴

۱. بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴.

۲. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۰.

۳. ولایت و حکومت، ص ۳۰۸.

۴. همان.

یعنی آن قدر سطح فرهنگ اسلامی و دینی بالا می‌رود که همه‌ی افراد انسان و همه‌ی افراد جامعه و زنانی که در میدان اجتماع هم بر فرض شرکت نمیکنند و در خانه می‌نشینند؛ آنها هم میتوانند فقیه باشند، دین‌شناس باشند. میتوانند قرآن را باز کنند و خودشان حقایق دین را از قرآن بفهمند و شما ببینید که در جامعه‌ای که همه‌ی مردان و زنان در سطوح مختلف، قدرت فهم دین و استنباط از کتاب الهی را دارند، این جامعه چقدر نورانی است و هیچ نقطه‌ای از ظلمت در این جامعه دیگر نیست. این همه اختلاف رویه، دیگر در آن جامعه معنایی ندارد.^۱

دورانی که در آن، اندیشه و عقول بشر، از همیشه فعال‌تر و خلاق‌تر و آفریننده‌تر است.^۲

محوریت معنویت و اخلاق و ارزشهای الهی

جمله‌ی دیگر و خصوصیت دیگر این است که محور در دوران امام زمان (عج) محور فضیلت و اخلاق است. هر کس دارای فضیلت اخلاقی بیشتر است، او مقدم‌تر و جلوتر است.^۳

وقتی که قائم آل محمد ظهور کند و قیام کند، اندیشه و خرد انسانها را جمع خواهد کرد و آن را بارور خواهد کرد و اخلاق آنها را رشد و فضیلت خواهد داد. یعنی از جنبه‌ی معنوی انسانها با اندیشه‌های بالا، با افکار برجسته، با ذهنیت‌های روشن، در زندگیشان عمل خواهند کرد. اخلاق انسانها هم اخلاق صالح و فاضلی خواهد شد.^۴

ولی عصر صلوات الله علیه میراث‌بر همه‌ی پیامبران الهی است که می‌آید و گام آخر را در ایجاد آن جامعه الهی بر میدارد. مقداری درباره‌ی اوصاف آن جامعه من حرف بزنم. البته اگر شما در کتب اسلامی، در متون اصلی اسلامی دقت کنید، همه‌ی خصوصیات آن جامعه به دست می‌آید. همین دعای ندبه‌ای که در روزهای جمعه، ان شاء الله موفق باشید و بخوانید و میخوانید؛ خصوصیات آن جامعه ذکر شده است. آنجایی که میگوید: «أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلُّ الْأَعْدَاءِ»؛ مثلاً آن جامعه، جامعه‌ای است که اولیای خدا در آن عزیزاند و دشمنان خدا در آن ذلیل و خواراند؛ یعنی، ارزشها و معیارها در آن جامعه، چنین است.^۵

۱. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۳. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۱.

۴. ولایت و حکومت، ص ۳۰۸.

۵. انسان ۲۵۰ ساله، ص ۳۳۸.

مردم ما... دوران آرمانی دوران حاکمیت ارزشهای والای الهی بر زندگی بشر را انتظار می‌برند.^۱
انتظار اسلامی؛ یعنی، انتظار دنیایی سرشار از عدالت، راستی، صمیمیت، انسانیت، معنویت، فضیلت و اخلاق انسانی صحیح.^۲

دنیای سرشار از عدالت، پاکی، راستی، معرفت و محبت، دنیای دوران امام زمان^{علیه السلام} است.^۳
حکومت الهی حضرت بقیةالله ارواحنا فداه حکومتی است که در آن مقررات حاکم بر مردم، خواست آمریکا و دیگر قدرت‌های زورکوی شرق و غرب نیست، بلکه حکومت عدالت، مواسات و مساوات، حکومت معنویت و فضیلت است.^۴

شکوفایی استعدادهای انسان

همه‌ی انبیاء و اولیاء آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی‌ای سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ‌گونه مانعی تمام استعدادهایش بتواند بروز کند. انبیاء و اولیاء این مردم گمگشته را مرتب از این کوه و کمر، دشتها، کویرها و جنگلها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه‌ی شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولی عصر ارواحنا فداه محقق خواهد شد.^۵

امنیت کامل و اجرای حدود الهی

ولی عصر صلوات الله علیه میراث بر همه‌ی پیامبران الهی است که می‌آید و گام آخر را در ایجاد آن جامعه‌ی الهی بر میدارد. مقداری درباره‌ی اوصاف آن جامعه من حرف بزنم. البته اگر شما در کتب اسلامی، در متون اصلی اسلامی دقت کنید، همه‌ی خصوصیات آن جامعه به دست می‌آید. همین دعای ندبه‌ای که در روزهای جمعه، ان شاء الله موفق باشید و بخوانید و می‌خوانید؛ خصوصیات آن جامعه ذکر شده است... «أَيْنَ الْمُؤْمَلِ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ». آن جامعه، جامعه‌ای است که حدود الهی در آن اقامه میشود؛ یعنی، همه‌ی حد و مرزهایی که خدا معین کرده است و اسلام معین کرده

۱. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی^{علیه السلام}، ۱۳۷۰/۱۱/۲۰.

۲. سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۱۰/۲۸.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۹/۱/۲۶.

۴. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۲/۱۰/۲۸.

۵. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

است، در جامعه‌ی زمانِ امام زمان (عج) آن حدّ و مرزها مراعات میشود.^۱

در دوران آن حکومتی که ما می‌گوییم همه‌ی این بدبختی‌ها و نابه‌سامانی‌ها از بین خواهد رفت. همچنانی که در روایات وجود دارد، ناامنی دیگر وجود نخواهد داشت.^۲

دورانی که ملت‌ها با یکدیگر نمی‌جنگند؛ دست‌های جنگ‌افروز عالم همانهایی که جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی را در گذشته به راه انداختند و می‌اندازند دیگر نمیتوانند جنگی به راه بیاندازند؛ در مقیاس عالم، صلح و امنیت کامل هست.^۳

عدالت فراگیر و جهانی

دورانی خواهد رسید که قدرت قاهره‌ی حق، همه‌ی قلّه‌های فساد و ظلم را از بین خواهد برد و چشم‌انداز زندگی بشر را با نور عدالت منور خواهد کرد.^۴

حکومت الهی حضرت بقیةالله - ارواحنا فداه - حکومتی است که در آن مقررات حاکم بر مردم، خواست آمریکا و دیگر قدرتهای زورگوی شرق و غرب نیست، بلکه حکومت عدالت، مواسات و مساوات، حکومت معنویت و فضیلت است.^۵

اگر این آیه‌ی قرآن که درباره‌ی بعثت پیامبران می‌فرماید: «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ یعنی، پیغمبران مبعوث شدند تا قسط و عدل در جامعه‌ی بشری استوار بشود، اشاره به هدف بعثت میکند. پس حکومت مهدی (عج) و جامعه‌ی مهدوی، همان جامعه‌ای است که این هدف را به طور کامل تأمین میکند.^۶

روز ولادت مهدی موعود ارواحنا لرتاب مقدمه‌الفداء، حقیقتاً روز عید همه‌ی انسانهای پاک و آزاده‌ی عالم است. فقط کسانی در این روز ممکن است احساس شادی و خرسندی نکنند که یا جزو پایه‌های ظلم، یا جزو پیروان طواغیت و ستمگران عالم باشند، و الا کدام انسان آزاده‌ای است که از گسترش عدالت، از برافراشته شدن پرچم دادگری و رفع ظلم در سراسر جهان، خرسند نشود و آن را

۱. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۰.

۲. ولایت و حکومت، ص ۲۰۶.

۳. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۴. سخنرانی مقام معظم رهبری در قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۵. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۳/۱۰/۲۸.

۶. در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۲۵۰.

آرزو نکند.^۱

اگر کسی تصوّر کند که ممکن است دین الهی و واقعی - نه فقط دین اسلام - تحقق پیدا کند، ولی در آن عدل اجتماعی به معنای صحیح و وسیع آن تحقق پیدا نکرده باشد، باید بداند که اشتباه میکند. هدف پیامبران، اقامه‌ی قسط است: «لیقوم الناس بالقسط» اصلاً پیامبران آمدند تا اقامه‌ی قسط کنند. البته، اقامه‌ی قسط یک منزل در راه است و هدف نهایی نیست؛ لیکن آنها که آمدند، کار اولشان این است که اقامه‌ی قسط کنند و مردم را از شر ظلم و جور طاغیان و ظالمان نجات دهند. هدف حکومت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخر زمان هم باز همین عدل است.^۲

حکومت مهدوی، حکومت مردمی

حکومت آینده‌ی حضرت مهدی موعود ارواحنا فدا، یک حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی متکی به ایمانها، اراده‌ها و بازوان مردم است. امام زمان (عج) تنها دنیا را پُر از عدل و داد نمیکند؛ امام زمان (عج) از اتحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار میبخشد و یک حکومت صددرصد مردمی تشکیل میدهد؛ اما این حکومت مردمی با حکومت‌های مدّعی مردمی بودن و دموکراسی در دنیای امروز از زمین تا آسمان تفاوت دارد. آنچه امروز در دنیا اسم دموکراسی و مردم‌سالاری را روی آن گذاشته‌اند، همان دیکتاتوری‌های قدیمی است که لباس جدید بر تن کرده است؛ یعنی دیکتاتوری گروهها. اگر رقابت هم وجود دارد، رقابت بین گروههاست و مردم در این میان هیچ‌کاره‌اند. یک گروه به قدرت دست پیدا میکند و در سایه‌ی قدرت سیاسی‌ای که همه‌ی زمامهای امور را در کشور در اختیار او میگذارد و با سوء استفاده از این قدرت، ثروت، پول و سرمایه به نفع خود گردآوری میکند و آنها را در راه به دست آوردن دوباره‌ی قدرت مصرف میکند. دموکراسی‌های امروز دنیا بر پایه‌ی تبلیغات دروغ و فریبنده و مسحور کردن چشمها و دلهاست. امروز در دنیا هرجا شعار دموکراسی میدهند، شما ببینید برای تبلیغات کاندیداهای ریاست جمهوری و یا نمایندگان مجلس چه کار میکنند! پول خرج میکنند. دموکراسی در پنجه‌ی اقتدار پول اسیر است. مردم‌سالاری امام زمان - یعنی مردم‌سالاری دینی - با این روش، به‌کلی

۱. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۸/۹/۳.

۲. سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۹.

متفاوت است.^۱

مساوات در امور اقتصادی و رفع کامل فقر

یک روایت دیگر از امام باقر علیه الصلوة والسلام میفرماید: «إذا قام القائم جاءت المزايلة ويأتي الرجل إلى كيس أخيه فيأخذ حاجته لا يمنعه.» این اشاره به اخلاق برابری طلبی و مساوات‌گرایی انسانهاست. ایثار و گذشت انسانهاست. نجات دل انسانها از تسلط بخل و حرص که بزرگترین وسیله برای بدبخت کردن انسانها بوده؛ مبشر یک چنین حالتی است. برادری به سراغ جیب برادر دیگرش می‌رود و از او به قدر نیاز خودش برمی‌دارد و او مانعش نمی‌شود. این در حقیقت نشان‌دهنده‌ی آن نظام سالم اسلامی، اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی، آن روز است. یعنی زور و اجباری در کار نیست، خود انسانها از آن بخل انسانی و حرص انسانی نجات پیدا می‌کنند و یک چنین بهشت انسانی به وجود می‌آید.

باز در یک روایت دیگر «إذا قام قائمنا اضمحلت القطائع فلا قطائع» این بخش‌هایی که حکومت‌های مستکبر عالم به دوستانشان به یاران‌شان همیشه می‌کنند، حاتم‌بخشیها، از کیسه‌ی ملت‌ها به این و آن بخشیدن، اینها دیگر بساطش در دنیا برچیده خواهد شد. قطیعه که در گذشته به یک شکل بود، امروز به یک شکل دیگر است. در گذشته به این صورت بود که یک خلیفه‌ای، یک سلطانی یک تکه زمینی را، یک صحرایی را، یک دهی را، یک شهری را، گاهی یک استانی را می‌بخشید به یک نفر، می‌گفت: برو هر کار می‌خواهی آنجا بکن، از مردمش مالیات بگیر، از مزارعش استفاده کن، هرگونه بهره‌ی مادی دارد مال تو، یک حقی هم به سلطان باید میداد. امروز هم در شکل انحصارات گوناگون نفتی، تجاری، صنعتی، فنی و این صنایع بزرگ و این انحصارات بیچاره کننده‌ی ملت‌ها، اینها همه‌اش در حقیقت در حکم قطیعه است، که این انحصارات امروزی هم در حکم همان قطایع است؛ برای خاطر اینکه این هم به کمک بند و بست با حکومت‌ها و رشوه دادن و رشوه گرفتن به وجود می‌آید، این بساط‌های انسان‌کش و فضیلت‌کش از بین خواهد رفت و وسیله‌ی بهره‌ی انسانها در اختیار همه‌ی آنها قرار خواهد گرفت.

در یک روایت دیگر باز ناظر به وضع اقتصادی میفرماید: «و يسوي بين الناس حتى لا تری محتاجاً

۱. بیانات در دیدار افشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

الی زکاة» بین مردم آنچنان مساوات در امور مالی و اقتصادی را برقرار خواهد کرد، که یک نفر فقیری که شما بتوانید زکات مالتان را به او بدهید، پیدا نخواهید کرد؛ و اینجا زکات طبعاً مصروف خواهد شد برای مصارف عمومی و به فقرا دیگر داده نمیشود، چون فقیری آن روز در دنیا نیست.^۱

قضاوت‌های کاملاً صحیح

آن جامعه‌ای که در او حکم خلاف نیست، آن جامعه‌ی زمان امام زمان عج است. آن جایی که قضاوت در او هیچ گوشه‌اش ساییده نیست، و هیچ انسانی نیست که به دستگاه قضا مراجعه کند، مگر اینکه برابر حکم خدا با او رفتار خواهد شد، او دوران امام زمان عج است.^۲

گفتار هشتم. مسئله‌ی اختیار انسان در عصر ظهور

دوران ظهور حضرت مهدی سلام الله علیه... این جور نیست که وقتی به آنجا رسیدیم، یک حرکت دفعی انجام بگیرد و بعد هم تمام بشود؛ نه، آنجا یک مسیر است. در واقع باید گفت زندگی اصلی بشر و حیات مطلوب بشر از آنجا آغاز میشود و بشریت تازه می‌افتد در راهی که این راه یک صراط مستقیم است و او را به مقصد آفرینش میرساند؛ بشریت را میرساند، نه آحادی از بشریت را، نه افراد را، مجموعه‌ها را میرساند. البته این به معنای این نیست که در آن وقت طبیعت بشر تغییر پیدا میکند؛ نه، طبیعت بشر، طبیعت ستیزه‌ی درونی و درگیری درونی میان خیر و شر است. عقل انسان هست، طبع انسان هم هست؛ غرایز انسان احکامی دارند، کشش‌هایی دارند، تمایلات طبیعی انسان کار خودشان را میکنند، عقل هم کار خود را میکند؛ این تنازع در آن دوران هم وجود خواهد داشت. این جور نیست که در آن دوران، بشریت یکپارچه تبدیل بشود به فرشته؛ نه، آنجا هم طبعاً این درگیری هست، طبعاً خوب و بد هم در آن وقت وجود دارد؛ منتها راه و جاده، جاده‌ای است که مساعد خوب شدن و خوب حرکت کردن و درست راه را پیمودن و به سمت مقصود واقعی راه رفتن است؛ این خصوصیت آن راه است که همان معنای حقیقی و واقعی عدل است.^۳

۱. ولایت و حکومت، ص ۳۱۰.

۲. همان.

۳. بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحدیث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث»، ۱۳۹۲/۳/۲۱.

مطلب سوّم. نزدیکی ظهور و زمینه سازک برای آن

گفتار اوّل. ظهور نزدیک است

جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود ارواحنا فداه روزبه روز نزدیکتر میشود.^۱ ما به زمان ظهور امام زمان - ارواحنا فداه - این محبوب حقیقی انسانها نزدیک شده ایم؛ زیرا معرفتها پیشرفت کرده است.^۲

امروز ذهنیت بشر، آماده‌ی آن است که بفهمد، بداند و یقین کند که انسان والایی خواهد آمد و بشریت را از زیر بارهای ظلم و ستم نجات خواهد داد. همان چیزی که همه‌ی پیغمبران برای آن تلاش کرده‌اند. همان چیزی که پیغمبر اسلام در آیه‌ی قرآن، وعده‌ی آن را به مردم داده است: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»؛ دست قدرت الهی، به وسیله‌ی یک انسان عرشی، یک انسان خدایی، یک انسان متصل به عالم‌های غیبی، معنوی و عوالمی که برای انسانهای کوتاه‌نگری مثل ما قابل درک و تشخیص نیست؛ میتواند این آرزو را برای بشریت برآورده کند. لذا دلها، شوقها و عشقها به سمت آن نقطه، متوجه و روزبه‌روز متوجه‌تر است.^۳

گفتار دوّم. وعده‌های کوچک نشانه‌ی تحقق وعده‌ی بزرگ ظهور

توفیقاتی که بشر در اثنای راه پیدا کرده است، مؤید این معنا برای ذهن انسان شگاک است که آنچه وعده داده شده، تحقق پیدا خواهد کرد. این آیاتی که تلاوت کردند، به نظر من آیات جالب و مهمی است. یک نکته‌ای در این آیات - آنجا که حضرت موسی (ع) را در آغاز ولادت، مادرش در آب می‌اندازد - وجود دارد؛ «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ قَالَتْ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَ لَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» [اینجا] دو وعده است: یک وعده وعده‌ی برگرداندن موسی به مادرش است؛ یک وعده وعده‌ی «جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» است؛ یعنی آن وعده‌ی عمومی‌ای که به بنی‌اسرائیل داده شده بود که بنی‌اسرائیل منتظر بودند که منجی بیاید؛ و این منجی از طرف خداست و خواهد آمد و بنی‌اسرائیل را از دست فرعون نجات خواهد داد! خدای

۱. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۲. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۸/۹/۳.

۳. همان.

متعال در وحی به مادر موسی این وعده‌ی دَوَم را هم داد - جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ - یعنی این را ما از طرف خودمان میفرستیم، و او را همان مُرْسَلِی قرار می‌دهیم که بناست آن وعده‌ی بزرگ را و آن آرزوی بزرگ را انجام بدهد؛ این دو وعده را خدای متعال داد. یک وعده، وعده‌ی نقد و نزدیک بود و آن، «إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ» بود. در آیات بعدی - که حالا آن آیات را آقای سبزعلی متأسفانه نخواند - میفرماید: «فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنَ وَ لَتَعْلَمَنَّ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ» اینکه ما بچه را به مادر برگردانیم، خب بله، «تَقَرَّ عَيْنُهَا» دارد، «وَ لَا تَحْزَنَ» دارد، دلش خوش شد، دلش آرام گرفت، چشمش روشن شد؛ اما اثر دیگر این برگرداندن، این بود که «وَ لَتَعْلَمَنَّ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»؛ بداند که این وعده‌ای که ما دادیم و گفتیم منجی را میفرستیم و کسی را خواهیم فرستاد که بناست جامعه‌ی بنی‌اسرائیل را در مصر - از استضعاف خارج کند، وعده‌ی درستی است؛ دلش مطمئن بشود؛ و خاطر جمع بشود. یعنی یک وعده‌ی کوچک از سوی پروردگار تحقق می‌یابد، برای اینکه هر انسان اهل تدبیری از تحقق این وعده‌ی کوچک، اطمینان پیدا کند که آن وعده‌ی بزرگ تحقق پیدا خواهد کرد.^۱

جمهوری اسلامی، نمونه‌ای از تحقق وعده‌های الهی

آنچه از موفقیتها در طول تاریخ برای بشریت از طریق دین حاصل شده، همان وعده‌های کوچک است؛ از جمله جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی هم یکی از همین وعده‌ها است؛ خدای متعال وعده داده بود که اگر مبارزه کنید، اگر صبر کنید، اگر به خدای متعال توکل کنید، در جایی که گمان آن را نمی‌برید و امید آن را ندارید، به شما قدرت خواهیم داد؛ همین اتفاق افتاد: ملت ایران مبارزه کرد، صبر کرد، ایستاد، فداکاری کرد، از دادن جان دریغ نکرد و اتفاقی افتاد که هیچ‌کس تصور آن را نمی‌کرد! چه کسی خیال میکرد در این منطقه‌ی بسیار حسّاس، در این کشور بسیار مهم، در مقابله‌ی با آن رژیم به‌شدت حمایت‌شونده‌ی از سوی قدرتهای بین‌المللی، یک حکومتی به‌وجود بیاید و یک انقلابی به پیروزی برسد، آن هم براساس دین، براساس فقه، براساس شریعت؟ چه کسی چنین تصویری میکرد؟ هیچ‌کس. اگر کسی بگوید من میدانستم این‌جوری میشود، مگر از طرق غیبی فهمیده باشد؛ محاسبات، مطلقاً این را نشان نمیداد؛ اما این اتفاق افتاد. بدانیم آن وعده‌ی اصلی، آن کار بزرگ هم

۱. بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحديث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث»، ۱۳۹۳/۳/۲۱.

اتفاق خواهد افتاد. این یک نمونه‌ای از آن چیزی بود که اتفاق خواهد افتاد. باید منتظر بود.^۱

گفتار سوم. امکان زمینه‌سازی برای ظهور

ما میتوانیم مقدمات ظهور را انجام دهیم

إن شاء الله در حکومت عدل مهدوی سلام الله علیه و عجل الله تعالی فرجه الشریف این کارها انجام میگیرد؛ منتها ما هم میتوانیم مقدماتش را انجام دهیم؛ اگر همت، اراده، ایستادگی و تدبیر داشته باشیم. این کارها، هم ایستادگی و شجاعت و قدرت می‌خواهد؛ هم تدبیر و عقل می‌خواهد.^۲

ما میتوانیم قدم به قدم جامعه‌ی خود و زمان و تاریخ خود را به تاریخ ظهور ولی عصر - صلوات الله و سلامه علیه - نزدیک کنیم.^۳

ملت مؤمن و مبارز میتواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت فراهم کند

خدای متعال آن قدر عظمت در اجتماع یک ملت مؤمن گنجانده، که آن را با نصرت خود مقایسه کرده است؛ «هُوَ الَّذِي أُيِّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ». این روحیه را نگهدارید. تا شما ملت ایران، این اتحاد و آمادگی برای انجام کارهای بزرگ را دارید، همه‌ی آرزوهای انبیا و اولیا به دست شما قابل عمل است. آمال بزرگ آنان، استقرار عدل جهانی و نجات مستضعفان و نابودی ظلم در سطح عالم بود. البته وعده‌ی الهی حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء انجام خواهد گرفت؛ اما یک ملت مؤمن و مبارز میتواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت فراهم کند؛ همچنان که ملت ایران تا کنون توانسته و بر خیلی از مشکلات فایق آمده است.^۴

وقوع زمینه‌های معنوی در ایران، نشانه‌ی امکان زمینه‌سازی جهانی برای ظهور

از صفر که نمیشود شروع کرد! جامعه‌ای میتواند پذیرای مهدی موعود ارواحنا فدا باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الا مثل انبیاء و اولیای طول تاریخ میشود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدیها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه‌ها آماده نبود... آن وقت اگر امام زمان علیه الصلاة والسلام در یک دنیای بدون آمادگی تشریف

۱. همان.

۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکلهای دانشجویی، ۱۳۸۴/۷/۲۴.

۳. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۶/۹/۲۶.

۴. سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و...، ۱۳۶۸/۴/۸.

بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد. این آمادگی چگونه است؟ این، همانی است که شما نمونه‌هایی از آن را در جامعه‌ی خودتان مشاهده میکنید. امروز در ایران اسلامی چیزهایی از درخشندگی‌های معنوی وجود دارد که در هیچ جای دنیا نیست. تا آنجایی که ما خبر و گزارش و اطلاع داریم؛ از قضایای دنیا بی‌خبر هم نیستیم. امروز در کجای دنیا جوانانی پیدا میشوند که روی شهوات نفس و روی مادی‌گری پا بگذارند و سراغ معنویات بروند؟ البته گاهی یک جوان، دو جوان، یا یک آدم استثنایی گوشه‌ای هست، همه جای دنیا پیدا میشود؛ اما اینکه عدد عظیمی از یک نسل، این‌طور باشند، کجای دنیا هست؟ هیچ جا؛ اینجا هست! بعضی خیال میکردند که مخصوص دوران جنگ است. البته در دوران جنگ، زمینه‌های مناسب‌تری بود، برجستگی آن هم بیشتر بود؛ لیکن این‌طور نیست که بعضی خیال میکردند. امروز هم هستند. امروز جوانان خوب، جوانان مؤمن، حزب‌اللهی، با گذشت از شهوات نفسانی و انسانهایی که دارای گذشت از پول و کسب ثروت و درآمد باشند، زیاد هستند؛ درحالی‌که البته عده‌ای هم به دنبال این امکانات میدوند و فضا را خراب میکنند! عده‌ای با بلندنظری، باتقوا و با بی‌اعتنایی به این زخارف، حرکت میکنند. اینها مخصوص این کشور است. پس میشود قدم‌به‌قدم به سمت صلاح پیش رفت. زنان نیز همین‌طور. شاید بشود گفت که مجموعه‌ی زنان کشور ما از همه جای دنیا بهترند. وقت کار که میرسد، کار سیاسی، کار فرهنگی و کار تشکیلاتی جلو هستند؛ وقت جهاد که میرسد، فرزندان خودشان را به دست خودشان به جبهه می‌فرستند و وقت خانه‌داری و تربیت اولاد که میرسد، کدبانوهای خانه‌دارند! همه‌ی اینها در دنیا کمیاب است. اینها خیلی ارزش است؛ اینها تربیت اسلام است؛ اینها همه امیدبخش است. همین‌ها موجب شده است که بحمدالله امروز نتایج مثبت را هم می‌بینید. البته ما همیشه این را گفته‌ایم، بارها تکرار کرده‌ایم؛ حال خود ملت ایران، تدریجاً عزت سیاسی‌شان را در دنیا می‌بینند. ما همیشه میگفتیم که بحمدالله ملت ایران و به تبع ملت ایران، دولت ایران و مسئولین کشور در سطح دنیا عزیزند. پس میشود زمینه‌ها را فراهم کرد. وقتی چنین زمینه‌هایی إن شاءالله گسترش پیدا کند، زمینه‌ی ظهور حضرت بقیةالله ارواحنا فداه نیز پدید می‌آید و مسئله‌ی مهدویت این آرزوی دیرین بشر و مسلمین تحقق می‌یابد.^۱

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

گفتار چهارم. لزوم زمینه‌سازی و آمادگی برای ظهور

این انتظار، تکلیف بر دوش انسان می‌گذارد. وقتی انسان یقین دارد که یک چنین آینده‌ای هست؛ همچنانی که در آیات قرآن هست: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» - مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، می‌فهمند - باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصد باشند. انتظار لازمه‌اش آماده‌سازی خود هست... ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده‌ی عدل کنیم، آماده‌ی پذیرش حق کنیم.^۱

امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه‌ی آماده اقدام بکند.^۲

ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان (عج) خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه، به عکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم.^۳

کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد.^۴

امروز... روز فراهم ساختن زمینه برای حکومت حضرت مهدی، عجل الله فرجه الشریف است.^۵ ما دنیای آینده را می‌شناسیم، خصوصیاتش را اجمالاً میدانیم، آینده‌ساز و دست قدرتمندی که آن دنیا را بناست به وجود بیاورد و راه بیاندازد و اداره کند، می‌شناسیم و خودمان را موظفیم آماده کنیم برای رسیدن به آن دنیا.^۶

۱. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۴. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۵. پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۳/۱۰/۲۹.

۶. ولایت و حکومت، ص ۳۰۶.

مطلب چهارم. شرایط و زمینه‌های ظهور

گفتار اول. مشروط بودن ظهور و امدادهای غیبی

این آیه ما («وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...»^۱) یک بار باز آنجا عمل شده، هزار بار دیگر باز قابل عمل شدن است؛ اما شرطش چیست؟ شرطش این است که این جملات اول آیه محقق بشود که میفرماید: «وعد الله؛ وعده کرده است خدا! به کی؟ «الذين امنوا منكم و عملوا الصالحات؛ به آن کسانی که از شماها ایمان بیاورند و عمل شایسته و صالح کنند» یعنی طبق تعهدات این ایمان عمل کنند، به اینها وعده داده که «ليستخلفنهم في الارض» که آنان را در زمین جانشین سازد.^۲

شک نیست که در مصاف حق و باطل، پیروزی از آن حق و شکست و زوال، سرنوشت باطل است، مشروط بر آنکه جبهه‌ی حق از نیروی مادی و معنوی خویش به گونه‌ای درست بهره بگیرد و با خردمندی، تلاش شایسته، با استقامت و امید، با توکل به خدا و اعتماد به نفس، راه درست را بجوید و بپیماید. در این صورت امداد و نصرت الهی، حق مسلمی است که وعده‌ی قرآنی برای او مقرر فرموده است: «إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصَرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامُكُمْ» و: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» و: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».^۳

برای تحقق ظهور امام زمان (عج) وجود ظلم و جور، شرط کافی نیست و وجود انسانهای صالح، انگیزه‌های قوی، ایمانهای راسخ، گام‌های استوار و دل‌های روشن نیز لازم و ضروری است.^۴

یک حکومت آرمانی به وسیله‌ی اسلام به وجود آمد. اگر بخواهیم ماجرای امام حسین (ع) را در سطوری خلاصه کنیم، این‌طور میشود: بشریت، دچار ظلم و جهل و تبعیض بود. حکومت‌های بزرگ دنیا، که حکومت قیصر و کسرای آن زمان است چه در ایران آن روز، چه در امپراتوری روم آن روز حکومت اشرافی‌گری و حکومت غیر مردمی و حکومت شمشیر بی‌منطق و حکومت جهالت و فساد بود. حکومت‌های کوچکتر هم مثل آنچه که در جزيرة العرب بود از آنها بدتر بودند و مجموعاً

۱. نور/۵۵.

۲. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۱۳۴.

۳. پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۳/۱۰/۲۹.

۴. همان.

جاهلیتی دنیا را فراگرفته بود. در این میان، نور اسلام به وسیله‌ی پیامبر خدا و با مدد الهی و مبارزات عظیم و توان‌فرسای مردمی توانست اول یک منطقه از جزیره‌العرب را روشن کند و بعد به تدریج گسترش یابد و شعاع آن همه جا را فراگیرد. وقتی پیامبر از دنیا میرفت، این حکومت، حکومت مستقری بود که می‌توانست الگوی همه‌ی بشریت در طول تاریخ باشد؛ و اگر آن حکومت با همان جهت ادامه پیدا میکرد، بدون تردید تاریخ عوض میشد؛ یعنی آنچه که بنا بود در قرن‌ها بعد از آن در زمان ظهور امام زمان (عج) در وضعیت فعلی پدید آید، در همان زمان پدیده آمده بود. دنیای سرشار از عدالت، پاکی، راستی، معرفت و محبت، دنیای دوران امام زمان (عج) است که زندگی بشر هم از آنجا به بعد است. زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان است که خدا میداند بشر در آنجا به چه عظمت‌هایی نایل خواهد شد. بنابراین، اگر ادامه‌ی حکومت پیامبر (ص) میسر می‌شد و در همان دوره‌های اول پدید می‌آمد و تاریخ بشریت عوض می‌شد، فرجام کار بشری مدتها جلو می‌افتاد؛ اما این کار به دلایلی نشد.^۱

ما در جبهه‌های جنگ هم جوانهای خودمان را میدیدیم که به مدد غیبی و به توجه و نظر لطف ولی‌عصر ارواحنا فداه اعتقاد داشتند و از همان اعتقاد و از همان قوت قلب هم استفاده میکردند و توانایی مضاعف پیدا میکردند و پیش میرفتند. البته اعتقاد به کمک غیبی اگر معنایش این است که انسان بیکار بماند، درها را ببندد و منتظر باشد که از غیب کمک بشود، بداند که از غیب هم کمکی نخواهد شد؛ «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ». کمک غیبی در میدان جنگ، در میدان چالش‌های سیاسی و در ایستادگی ملت‌هاست که به سراغ انسان می‌آید. اگر بایستید، کمک غیبی هم هست.^۲

البته ما مدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بدون شک؛ این را انسان دارد مشاهده میکند؛ لکن ما مادامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به کار نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد.^۳

آینده، آینده‌ی روشنی است؛ افق، افق خوبی است، منتها این به معنای این نیست که ما یک بالش

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۹/۱/۲۶.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۳. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۷/۷/۲.

نرمی زیر سر خودمان بگذاریم و دل به خواب بدهیم، نه، باید کار کرد، باید تلاش کرد.^۱

گفتار دوم. آمادگی فردی برای ظهور

کمیت و تعداد افراد

هرچه بتوانید از لحاظ کمیت و مقدار، تعداد مسلمانان مؤمن و مخلص را افزایش بدهید، باز به امام زمان عج و زمان ظهور ولی عصر عج نزدیکتر شدید.^۲

ایمان راسخ

برای تحقق ظهور امام زمان عج وجود...ایمانهای راسخ، گامهای استوار و دلهای روشن نیز لازم و ضروری است.^۳

امام زمان ارواحنا فداه با اقتدار و قدرت و تکیه بر توانایی‌ای که ایمان والای خود او و ایمان پیروان و دوستانش، او را مجهز به آن قدرت کرده است، گریبان ستمگران عالم را میگیرد و کاخهای ستم را ویران میکند.^۴

صلاحیت‌های اخلاقی

شما هستید که باید خودتان را بسازید تا ان شاء الله آن عده و نصاب لازم در اختیار اراده‌ی خالصی قرار بگیرد.^۵

هرچه که در صلاح خود، در معرفت، اخلاق، رفتار و کسب صلاحیت‌ها در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید، این آینده را نزدیکتر خواهید کرد، اینها دست خود ما است.^۶

تقوا، تواضع، فروتنی و گذشت در برابر ضعفا و مقاومت در برابر زورمندان و ستمگران از صفات سربازان امام عصر عج میباشد.^۷

۱. بیانات در دیدار نیروهای مسلح منطقه‌ی شمال کشور و خانواده‌های آنان، ۱۳۹۱/۶/۲۸.

۲. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۲.

۳. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۵/۱۰/۸.

۴. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۵. دیدار با روحانیون مدرسه علمیه کرمانی‌های قم، ۱۳۶۵/۲/۶.

۶. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان عج، ۱۳۷۹/۸/۲۲.

۷. پیام به مناسبت هفته بسیج، ۱۳۶۲/۹/۴. <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۲۴۵۱۴>.

این بدبختیهایی که شما می‌بینید روی زمین را فراگرفته است و در زیارتها و آثار مربوط به ولی عصر ارواحنا لتراب مقدمه الفداء آمده است: «کما ملئت ظلما و جورا»؛ زمین در تمام دوره‌های تاریخ، پُر از ظلم و جور شده است و میشود و آن بزرگوار می‌آید، همه‌ی زمین را از قسط و عدل پُر میکند، این ظلم و جور روی زمین، بر اثر چیست؟ بر اثر نبود یا کمبود انسان صالح، بر اثر سروری و خدایگانی انسانهای ناصالح.^۱

ما ملتی هستیم با آرمانهای بلند، با حرفهای بزرگ، با قلّه‌های ترسیم‌شده‌ای که می‌خواهیم خودمان را به این قلّه‌ها برسانیم. این احتیاج دارد به انسانهای صبور، عاقل، متدین، اهل ابتکار، اهل اقدام، دور از تبلی، مهربان، عطوف، دارای حلم، دارای شجاعت، با رفتارهای مؤدبانه، پرهیزگار و انسانهایی که درد دیگران، درد آنها محسوب بشود.^۲

کارآمدی و توانایی

امام صلوات‌الله علیه می‌خواهد بیاید دنیا را اداره کند دیگر! همین دنیا را می‌خواهد اداره کند. ما که دستان در کار است، میدانیم که این دنیا را با ذکر و ورد، نمیشود اداره کرد. باید با قدرت و نیرو و تدبیر، مثل زمان پیغمبر، صلوات‌الله علیه و مثل زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام، اداره شود. اداره‌کردنی چنین، نیازمند افراد است و حضرت باید رجالی داشته باشد. منتها موانعی وجود دارد که حضرت آنها را از سر راه برمی‌دارد.^۳

گفتار سوم. آمادگی اجتماعی برای ظهور

عزم اجتماعی

مطلبی که من می‌خواهم به شما عرض کنم، حول و حوش یک آیه‌ی قرآن است. آیه‌ی معروفی است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». تغییرات به دست شماست. کلید تحولات اجتماعی و تحولات عظیم در دست شماست؛ مضمون آیه این است. یک جای دیگر در یک دایره‌ی محدودتر می‌فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مَغْيِرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». این آیه،

۱. بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰.

۲. بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۳۹۳/۲/۱۷.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار آیت الله شاهرودی در قم، ۱۳۷۵/۲/۱۶.

پسرفت را میگوید. خدای متعال پسرفت را نصیب هیچ کشوری نمیکنند، مگر خودشان به دست خودشان بکنند. تغییر موجب پسرفت را خود ملتها به وجود می‌آورند. و شبیه این مضمون در آیات متعدّد دیگری هم هست که مرجعش به همین است. خلاصه‌ی اینها چیست؟ خلاصه‌ی اینها این است که شما آحاد انسان، سر رشته‌دار تحولات جامعه هستید؛ شما هستید که تحول و تغییر را ایجاد میکنید. عزم انسان، تعیین‌کننده است.^۱

آمادگی جامعه‌ی اسلامی

جامعه‌ای میتواند پذیرای مهدی موعود ارواحنا فدا باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الا مثل انبیاء و اولیای طول تاریخ میشود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی‌العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدیها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه‌ها آماده نبود. چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه الصّلاة و السّلام در زمان خودش؛ در همان مدّت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی، با آن علم متصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیباییها و درخشندگی‌هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه‌های پیامبر اکرم درباره‌ی او نتوانست ریشه‌ی بدی را بخشکند؟ خود آن بزرگوار را از سر راه برداشتند! «قتل فی محراب عبادته لشدة عدله». تاوان عدالت امیر المؤمنین، جان امیر المؤمنین بود که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه‌ی نامساعد بود. زمینه را نامساعد کرده بودند. زمینه را زمینه‌ی دنیاطلبی کرده بودند! آن کسانی که در اواخر یا اواسط حکومت علوی مقابل امیرالمؤمنین صف‌آرایی کردند، کسانی بودند که زمینه‌های دینیشان زمینه‌های مستحکم و ماده‌ی غلیظ متناسب دینی نبود. عدم آمادگی، این‌طور فاجعه به بار می‌آورد!^۲

شما در هر زمانی تا پنج سال دیگر، تا ده سال دیگر، تا صد سال دیگر که بتوانید کیفیت و کمیت جامعه اسلامی را افزایش بدهید، امام زمان - صلوات الله علیه - ظهور خواهد کرد.^۳

هرچه ما کار خیر و اصلاح درونی خود و تلاش برای اصلاح جامعه انجام بدهیم، آن عاقبت را دائماً نزدیکتر میکنیم.^۴

۱. دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸.

۲. بیانات در دیدار افشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۳. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۲.

۴. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹/۸/۲۳.

اگر بتوانید در درون خود، جامعه‌ی‌تان - همان جامعه‌ی انقلابی- تقوا، فضیلت، اخلاق، دین‌داری، زهد، نزدیکی معنوی به خدا را در خود و دیگران تأمین کنید؛ پایه و قاعده ظهور ولی‌عصر صلوات‌الله و سلامه علیه را مستحکم‌تر کردید.^۱

حرکت به سمت اعتزاز اسلام و مسلمین، میتواند از مقدمات ظهور باشد و این، منافاتی با «یَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا کَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» ندارد. الان هم دنیا واقعاً پر از ظلم و جور است. بیشتر از این، دیگر چه میشود؟! آمریکا را شما نگاه کنید چه میکند! واقعاً سرشار از ظلم است! خود ما هم مظلومیم.^۲

آمادگی جهانی

آن وقتی که معلوم شد در مقابل قدرت مادی مستکبران عالم، زمینه‌ی این وجود دارد که آحاد بشر، بتوانند بر روی حرف حق خود بایستند آن روز، روز ظهور امام زمان (عج) است. آن روز، روزی است که منجی عالم بشریت، به فضل پروردگار ظهور کند و پیام او، همه‌ی دلهای مستعد را که در همه جای جهان هستند به خود جذب کند و آن وقت دیگر قدرت‌های ستمگر، قدرت‌های زورگو، قدرت‌های متکی به زر و زور، نتوانند حقیقت را - آنچنانی که قبل از آن همیشه کرده‌اند - با فشار زر و زور خود، به عقب بنشانند یا مکتوم نگهدارند.^۳

اگر جوامع بشری هرچه با عدالت و معنویت همراه شوند... آن آینده نزدیکتر خواهد شد.^۴
اگر امام زمان علیه الصلوة و السلام در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد.^۵

گفتار چهارم. ابزار و راهکارهای آمادگی برای ظهور

عمل فرد و جامعه به احکام

باید تمام قوانین ما، مقررات مملکتی، ادارات دولتی، نهادهای اجرایی و همه و همه، از لحاظ ظاهر

۱. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۲.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار آیت‌الله شاهرودی در قم، ۱۳۷۵/۲/۱۶.

۳. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان (عج)، ۱۳۷۹/۸/۲۲.

۴. بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴.

۵. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

و از لحاظ محتوا اسلامی بشود و به اسلامی شدن روزه‌روز نزدیکتر بشود. این جهتی است که انتظار ولی‌عصر علیه السلام به ما و به حرکت ما می‌دهد. امام زمان علیه السلام - در دعای ندبه می‌خوانید که - در مقابل فسوق، عدوان، طغیان، نفاق مقابله میکند و نفاق، طغیان، عصیان، شقاق و دو دستی را ریشه‌کن میکند و ازاله میکند. ما هم باید در جامعه‌ی‌مان، امروز در آن جهت حرکت کنیم و پیش برویم. این است آن چیزی که ما را به امام زمان صلوات‌الله علیه از لحاظ معنوی نزدیک خواهد کرد و جامعه ما را به جامعه ولی‌عصر صلوات‌الله و سلامه علیه آن جامعه‌ی مهدوی علوی توحیدی، نزدیکتر و نزدیکتر خواهد کرد.^۱

معرفت آموزی

شما مردم عزیز به خصوص شما جوانان هرچه که در صلاح خود، در معرفت... در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید، این آینده را نزدیکتر خواهید کرد.^۲

اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه‌ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه‌ی ظهور ولی‌امر و ولی‌عصر ارواحنا له الفداء آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شماست، این بسته به معرفت امروز من و شماست.^۳ آنچه برای ما به عنوان دوستداران و معتقدان به امامت و ولایت حضرت مهدی سلام‌الله‌علیه مهم است، این است که علاوه بر اظهار ارادت و شادی، از این خاطره‌ی تاریخی، یا از این اعتقاد شیعی درس بگیریم.^۴

سازندگی اخلاقی و معنوی

هرچه انسانها از رذایل اخلاقی، خودخواهی‌ها، بداندیشی‌ها، بددلیها، شهوترانی‌ها و خودپرستی‌ها دور شوند، آن آینده نزدیکتر خواهد شد.^۵ سربازی امام زمان علیه السلام کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و

۱. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۳.

۲. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان علیه السلام، ۱۳۷۹/۸/۲۲.

۳. سخنرانی، ۱۳۹۱/۱۰/۱۹.

۴. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۵. بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴.

فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی، آگاهی و روشن‌بینی دارد.^۱

بزرگ‌ترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان (عج) این است که از لحاظ معنوی، اخلاقی، عملی، پیوندهای دینی، اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند.^۲

اگر بتوانید در درون خود، جامعه‌ی‌تان - همان جامعه‌ی انقلابی - تقوا، فضیلت، اخلاق، دین‌داری، زهد، نزدیکی معنوی به خدا را در خود و دیگران تأمین کنید؛ پایه و قاعده‌ی ظهور ولی‌عصر صلوات الله و سلامه علیه را مستحکم‌تر کردید.^۳

حفظ روحیه‌ی امید

اعتقاد به قضیه‌ی مهدی (عج) و موضوع ظهور و فرج و انتظار، گنجینه‌ی عظیمی است که ملت‌ها میتوانند از آن، بهره‌های فراوانی ببرند. شما کشتی‌ای را در یک دریای طوفانی فرض کنید. اگر کسانی که در این کشتی هستند، عقیده داشته باشند؛ که اطراف آنها تا هزار فرسنگ، هیچ ساحلی وجود ندارد و آب و نان و وسایل حرکت اندکی داشته باشند، کسانی که در این کشتی هستند، چه کار میکنند؟ آیا هیچ تصور میشود که اینها برای آنکه حرکت کنند و کشتی را پیش ببرند، تلاشی بکنند؟ نه، چون به نظر خودشان، مرگشان حتمی است. وقتی انسان مرگش حتمی است، دیگر چه حرکت و تلاشی باید بکند؟ امید و افقی وجود ندارد. یکی از کارهایی که میتوانند انجام دهند، این است که در این مجموعه‌ی کوچک، هرکس به کار خودش سرگرم شود. آن کسی که اهل آرام‌مردن است، بخوابد تا بمیرد و آنکه اهل تجاوز به دیگران است، حق دیگران را بگیرد تا آنکه چند ساعتی بیشتر زنده بماند. طور دیگر هم این است که کسانی که در همین کشتی هستند، یقین داشته باشند و بدانند که در نزدیکی آنها، ساحلی وجود دارد. حالا اگر دور و یا نزدیک است و چقدر کار دارند تا به آنجا برسند، معلوم نیست. اما قطعاً ساحلی که در دسترس آنهاست، وجود دارد. این افراد چه کار میکنند؟ اینها تلاش میکنند که خود را به آن ساحل برسانند و اگر یک ساعت هم به آنها وقت داده بشود؛ از آن یک ساعت برای حرکت و تلاش صحیح و جهت‌دار استفاده خواهند کرد، و فکرشان را

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاّی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۲. همان.

۳. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۲.

روی هم خواهند ریخت و تلاششان را یکی خواهند کرد تا شاید بتوانند خود را به آن ساحل برسانند.

امید، چنین نقشی دارد. همین قدر که امیدی در دل انسان به وجود آمد، مرگ بال‌های خود را جمع میکند و کنار میرود. امید موجب میشود، انسان تلاش و حرکت کند؛ پیش برود؛ مبارزه کند و زنده بماند. فرض کنید ملتی در زیر سلطه‌ی ظالمانه‌ی قدرت مسلطی قرار دارد و هیچ امیدی هم ندارد. این ملت مجبور است، تسلیم بشود. اگر تسلیم نشد، کارهای کور و بی‌جهتی انجام میدهد؛ اما اگر این ملت و جماعت، امیدی در دلشان باشد و بدانند که عاقبت خوبی حتماً وجود دارد، اینها چه میکنند؟ طبیعی است که مبارزه خواهند کرد و مبارزه را نظم خواهند داد و اگر مانعی در راه مبارزه وجود داشته باشد، او را برطرف خواهند کرد.^۱

وحدت و اتحاد

خدای متعال آن قدر عظمت در اجتماع یک ملت مؤمن گنجانده، که آن را با نصرت خود مقایسه کرده است؛ «هُوَ الَّذِي أُيِّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ». این روحیه را نگهدارید. تا شما ملت ایران، این اتحاد و آمادگی برای انجام کارهای بزرگ را دارید، همه‌ی آرزوهای انبیا و اولیا به دست شما قابل عمل است. آمال بزرگ آنان، استقرار عدل جهانی، نجات مستضعفان و نابودی ظلم در سطح عالم بود. البته وعده‌ی الهی، حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا له الفداء انجام خواهد گرفت.^۲

ما آرزو داریم که این یک میلیارد مسلمان، حقیقتاً یک واحد باشند؛ نه اینکه دولتها و کشورها وجود نداشته باشند. چنین چیزی، علی‌الظاهر، تا قبل از ظهور ولی‌عصر ارواحنا فدا، نخواهد شد؛ اما می‌گوییم در یک جهت حرکت کنند. با یک روحیه حرکت کنند. ملتها و دولتهای مسلمان، با یکدل حرکت کنند. و این، عزت و قدرت آنهاست.^۳

علماء، روشنفکران و سیاستمداران دنیای اسلام درس وحدت و یکپارچگی را برای ملتهای خود تکرار کنند و جوانان بالنده این نسل را برای رویارویی با حوادث بزرگ و به دوش کشیدن بار امانتی

۱. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر علیه السلام، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۲. سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و...، ۱۳۶۸/۴/۸.

۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت سالروز ولادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۳۷۱/۶/۲۴.

سنگین و شالوده‌ریزی امت متحد و یکپارچه‌ی اسلام آماده سازند.^۱

امروز شما ببینید یکی از نقاطی که دشمنان ما بر روی آن به طور کامل تکیه میکنند، برافروختن اختلافات مذهبی است؛ شیعه و سنی. آدمهایی که نه به شیعه عقیده دارند، نه به سنی عقیده دارند، نه اصل اسلام را قبول دارند، طبق میل سرویسهای جاسوسی آمریکا و اسرائیل می‌آیند پشت بلندگوها می‌ایستند، از توسعه‌ی تشیع اظهار نگرانی میکنند! شما چه می‌فهمید تشیع چیست؟! چه می‌فهمید تسنن چیست؟! شما به اصل دین اعتقادی ندارید. امروز سیاست استکبار و سیاست سرویسهای جاسوسی این است که ماها را از هم بترسانند؛ شیعه را از سنی، سنی را از شیعه؛ اختلاف ایجاد کنند. راه غلبه‌ی بر دشمنان، اندیشیدن، فکر کردن، متحد شدن، دلها را به هم نزدیک کردن، دستها را در هم گره کردن است؛ و این جور است که به فضل پروردگار، «لیظهره علی الدین کله» پیش خواهد آمد.^۲

صبر و ایستادگی بر حق

آن وقت که معلوم شد در مقابل قدرت مادی مستکبران عالم، زمینه‌ی این وجود دارد که احاد بشر بتوانند بر روی حرف حق خود بایستند، آن روز، روز ظهور امام زمان (عج) است؛ آن روز، روزی است که منجی عالم بشریت به فضل پروردگار ظهور کند و پیام او همه‌ی دلهای مستعد را که در همه جای جهان هستند، به خود جذب کند و آن وقت دیگر قدرتهای ستمگر، قدرتهای زورگو، قدرتهای متکی به زر و زور نتوانند حقیقت را آنچنانی که قبل از آن همیشه کرده‌اند، با فشار زر و زور خود به عقب بنشانند یا مکتوم نگه دارند.^۳

قدرتهای اقتصادی میتوانند بحران ایجاد کنند. بحران‌آفرینی، جنگ‌آفرینی و ایجاد نظام‌های خشن و قسی‌القلب- مثل اسرائیل- کار اینهاست. باید اینها را به چالش کشید. کی میتواند؟ یک هویت جمعی بین‌المللی زنده‌ی خسته‌نشو، متکی به ایمان قلبی و دینی؛ این است که نمی‌گذارد انسان خسته شود. هر چیز دیگری قابل خسته شدن است، جز ایمان باطراوت دینی. این میتواند آن قدرتها را به چالش بکشد و تعدیل کند و در نهایت آنها را از بین ببرد. إن شاء الله در حکومت عدل مهدوی

۱. پیام به حجاج بیت الحرام، ۱۳۸۰/۱۲/۱.

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۱/۳/۲۹.

۳. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان (عج)، ۱۳۷۹/۸/۲۲.

(سلام‌الله‌علیه) و (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) این کارها انجام میگیرد؛ منتها ما هم میتوانیم مقدماتش را انجام دهیم.^۱

ما در جبهه‌های جنگ هم جوانهای خودمان را میدیدیم که به مدد غیبی و به توجّه و نظر لطف ولی‌عصر ارواحنا فداه اعتقاد داشتند و از همان اعتقاد و از همان قوّت قلب هم استفاده میکردند و توانایی مضاعف پیدا میکردند و پیش میرفتند. البتّه اعتقاد به کمک غیبی اگر معنایش این است که انسان بیکار بماند، درها را ببندد و منتظر باشد که از غیب کمک بشود، بداند که از غیب هم کمکی نخواهد شد؛ «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَ لِتَطْمَئِنُّ قُلُوبُكُمْ بِهِ». کمک غیبی در میدان جنگ، در میدان چالش‌های سیاسی و در ایستادگی ملت‌هاست که به سراغ انسان می‌آید. اگر بایستید، کمک غیبی هم هست.^۲

اگر سختیها را تحمل کردید، خدای متعال درهای قَرَج را خواهد گشود. اگر مجاهدت در راه خدا را بر جسم و نفس خودتان هموار کردید، خدای متعال روشنایی قَرَج را به شما نشان خواهد داد و درهای قَرَج را به روی شما باز خواهد کرد: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ». خدای متعال به برکت مجاهدت و به شرط ایستادگی، بیرون از دایره‌ی محاسبه‌ی معمولی عقول بشری، درها را باز و راه‌ها را هموار میکند.^۳

مبارزه و جهاد

وعده‌ی الهی حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیة‌الله ارواحنا له الفداء انجام خواهد گرفت؛ اما یک ملت مؤمن و مبارز میتواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت فراهم کند؛ همچنان که ملت ایران تاکنون توانسته و بر خیلی از مشکلات فایق آمده است.^۴

جامعه‌ی ما که ام‌القرای اسلامی و مرکز توجهات جهانی اسلام است، ان‌شاء‌الله طبق وعده‌ی الهی، با همان شکلی که اسلام خواسته، به صورت کامل - که ما از آن صورت کامل هنوز خیلی فاصله داریم - ساخته خواهد شد و به آنجا خواهیم رسید. اینها، وعده‌ی الهی است. وقتی این وعده‌ی اول تحقق

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکلهای دانشجویی، ۱۳۸۴/۷/۲۴.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۳. بیانات در دیدار ایثارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی، ۱۳۷۶/۵/۲۹.

۴. سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونیهای شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و تعدادی از کارکنان و مسئولان وزارت نیرو و سازمانهای تابعه، ۱۳۶۸/۴/۰۸.

پیدا کرد، شما باید دل‌هایتان را محکم و یقین‌هایتان را کامل کنید که وعده‌های بعدی و بزرگتر هم - که مضمون آیات کریمه‌ی قرآن است - تحقق پیدا خواهد کرد. راهش این است که ما مجاهدت را از دست ندهیم.^۱

ایجاد تشکیلات

استراتژی کلی امامت، ایجاد انقلاب توحیدی و علوی است؛ در فضایی که گروه لازمی از مردم ایدئولوژی امامت را دانسته، پذیرفته و مشتاقانه در انتظار عینیت یافتن آن بوده و گروه لازم دیگری، به جمع مصمم تشکیلات مبارز پیوسته باشند. لازمه‌ی منطقی این خط مشی کلی، دعوتی، همه‌گیر است در سراسر محیط عالم اسلام، برای تلطیف جوّ اشاعه‌ی فکر شیعی در همه‌ی اقطار و دعوتی دیگر است برای آماده‌سازی افراد مستعد و فداکار اعضای تشکیلات پنهانی شیعه.^۲

گسترش بین‌المللی اسلام

ما باید بدانیم که ظهور ولی‌عصر صلوات الله علیه همان‌طوری که با این انقلاب ما، یک قدم نزدیک شد؛ با همین انقلاب ما، باز هم میتواند نزدیکتر بشود؛ یعنی، همین مردمی که انقلاب کردند و خود را یک قدم به امام زمانشان نزدیک کردند؛ میتوانند باز هم یک قدم و یک قدم دیگر و یک قدم دیگر، همین مردم خودشان را به امام زمان (عج) نزدیکتر کنند. چطور؟ هرچه شما بتوانید دایره‌ی این مقدار از اسلامی که من و شما در ایران داریم (مبالغه نمی‌کنیم، اسلام کامل البته نیست؛ اما بخشی از اسلام را این ملت توانسته در ایران پیدا کند)، همین مقدار از اسلام را هرچه شما بتوانید در آفاق دیگر عالم، در کشورهای دیگر، در نقاط تاریک و مظلّم دیگر، گسترش و اشاعه بدهید؛ همان مقدار به ظهور ولی امر و حجت عصر (عج) کمک کردید و نزدیک شدید.^۳

عزم و استقامت ملی

اگر شما ملت عزیز ما، شما جوانهای خوش‌روحیه و پرتوان و عازم، در این راهی که دارید می‌روید، ایستادگی کنید، شک نکنید که در زمان خود، در زمان متناسب، تمام آمال، آرزوها، داعیه‌ها و شعارهای ملت ایران نه فقط نسبت به خود این کشور، بلکه نسبت به دنیای اسلام و امت اسلامی و

۱. بیانات در دیدار جمعی از آزادگان، ۱۳۶۹/۶/۲۶.

۲. انسان ۲۵۰ ساله، ص ۲۵۶.

۳. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۲.

جامعه‌ی بشری تحقق پیدا خواهد کرد. هر کاری دوره‌ای دارد، زمانی دارد؛ در زمان متناسب خود، این آرزوها تحقق پیدا خواهد کرد. ملت ایران به آن نقطه‌ای که مورد نظر اوست، به دنبال آن حرکت کرده است، اهتمام ورزیده است، خواهد رسید؛ راهش مقاومت کردن است. آن وقت چه اتفاقی می‌افتد؟ مسیر تاریخ دنیا تغییر پیدا خواهد کرد؛ مسیر تاریخ عوض خواهد شد. امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است؛ یک عده در دنیا سلطه‌گرند، یک عده در دنیا سلطه‌پذیرند. اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه‌ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه‌ی ظهور ولی‌امر و ولی‌عصر (ارواحنا له الفداء) آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شماست.^۱

حاکمیت قرآن و اسلام

برای ظهور مهدی موعود ارواحنا فداه زمینه باید آماده بشود و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است.^۲

در روایات، «و الله لَتمَحْصَنَ» و «و الله لَتَغْرِبْلَنَ» است؛ به شدت امتحان می‌شوید؛ فشار داده می‌شوید. امتحان در کجا و چه زمانی است؟ آن وقتی که میدان مجاهدتی هست. قبل از ظهور مهدی موعود، در میدانهای مجاهدت، انسانهای پاک امتحان میشوند؛ در کوره‌های آزمایش وارد میشوند و سربلند بیرون می‌آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود ارواحنا فداه روزبه‌روز نزدیکتر میشود؛... ما آن وقتی میتوانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود ارواحنا فداه زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. همان‌طور که عرض کردم، فرموده‌اند: «و الله لَتمَحْصَنَ» و «و الله لَتَغْرِبْلَنَ»؛ این تمحیص و این امتحان بزرگ که مریدان و شیعیان ولی‌عصر ارواحنا فداه با آن مواجه هستند، همان امتحان تلاش برای حاکمیت اسلام است. برای حاکمیت اسلام باید کوشش کنید؛ ملت بزرگ ما این یک‌قدم را برداشتند... اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملتهای مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود ارواحنا فداه و عَجَل الله فرجه، به‌وسیله‌ی ملت ایران برداشته

۱. بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی، ۱۳۹۱/۱۰/۱۹.

۲. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

شده است؛ و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است.^۱

جاری نمودن عدالت و معنای آن

جوامع بشری هرچه با عدالت و معنویت همراه شوند... آن آینده نزدیکتر خواهد شد.^۲

مظهر عدل پروردگار، امام زمان (عج) است... ما باید امروز جامعه را جامعه‌ی عدالت بکنیم. در بنای یک جامعه، عدالت از همه چیز مهمتر است. عدالت، به معنای عدم تبعیض در حقوق، حدود و احکام است. عدالت، یعنی کمک به مردم محروم و ضعیف. عدالت؛ یعنی این که برنامه‌ها و حرکت کلی کشور، در جهت تأمین زندگی مستضعفان باشد. عدالت، به معنای این است که کسانی که در زیر سایه‌ی سنگین نظام طاغوتی، از حقوق خود محروم ماندند، به حقوقشان برسند. عدالت، یعنی اینکه عده‌ی خاصی برای خودشان حق ویژه‌ی قایل نباشند. عدالت، یعنی اینکه حقوق انسانی، اجتماعی، عمومی و حدود الهی، یکسان بر مردم اجرا شود. اگر جلوی کسانی که با تکیه بر فریب و زور و یا بر اساس کارهای ناصحیح و مبتنی بر عقلهای مادی و منحرف از معنویت، توانستند به چیزهایی که حق آنها نبوده است، دست پیدا کنند، گرفته شود تا فرصتی برای ادامه‌ی کار خود پیدا نکنند، عدالت تحقق پیدا کرده است. البته، کمک به مظلومان و محرومان، شامل کمکهای فردی هم میشود، اما قضیه بالاتر از اینهاست؛ زیرا تحقق زندگی عادلانه به این است که کمک نظام و تشکیلات و حرکت آن، در جهت کمک به مستضعفان باشد. ما اگر در این جهت، زندگی خود را پیش بردیم و حرکت کردیم، مطمئناً خدای متعال کمک خواهد کرد و قدرتهای مادی نخواهند توانست با این ترفندها و فریبا، ملت ما را از راه پُرافتخار خود منصرف کنند و مقاومتش را بگیرند.^۳

تقوا و پرهیزگاری

اگر بتوانید در درون خود، جامعه‌ی تان - همان جامعه‌ی انقلابی- تقوا، فضیلت، اخلاق، دین‌داری، زهد، نزدیکی معنوی به خدا را در خود و دیگران تأمین کنید؛ پایه و قاعده‌ی ظهور ولی عصر صلوات الله و سلامه علیه را مستحکم‌تر کردید.^۴

۱. همان.

۲. بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان (عج)، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۴. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۲.

از هرچه بگذریم، سخن تقوا خوشتر و مهمتر و مؤثرتر است. هر جا حس و روح تقوا در ما وجود داشت و وارد میدان شد، موفق شدیم. هر جا شکست خوردیم، لغزیدیم و عقب‌نشینی کردیم، وقتی در کار خود تفحص میکنیم، می‌بینیم ناشی از بی‌تقوایی‌های ماست. اگر تقوا باشد، یک فرد، یک مجموعه و یک ملت هرگز از هدایت و فرج الهی محروم نخواهد ماند.^۱

سعادت، در تقواست. دنیا، در تقواست. آخرت، در تقواست. فتح و پیروزی، در تقواست. و گشایش در همه‌ی امور و فرج الهی، در پرهیزکاری و تقواست. پس، از خدا بخواهیم که دل باتقوا به ما عنایت کند. یعنی به جای اینکه دل ما جذبِ هوسها و هواها شود و انگیزه‌های دنیایی، مادی، شخصی، حقیر، ما را به سوی خود جذب کند، اراده‌ی خدا جذمان سازد و محبت او، ما را به خود جذب نماید و این، بر همه‌ی کارهای ما، پرتوافکن باشد.^۲

تعلیم و تربیت مهدوی

مردم مسلمان و معتقدان و شیعه، باید در قلب و در عمل خود، سعی کنند که رابطه معنوی و فکری را با آن بزرگوار حفظ بکنند و خود را به صورتی تربیت کنند و بار بیاورند که امام معصوم - که به اراده الهی و با علم الهی، محیط به همه حرکات ما است - از آنها راضی باشد.^۳

چگونه میشود بشریت را به آن سرمنزل نهایی نزدیک کرد؟ آن وقتی که این تربیت مستمر باشد. باید تعلیم و تربیت مستمری از موضع حکومت و قدرت سیاسی آن هم قدرت سیاسی کسی مثل پیغمبر؛ یعنی معصوم این جامعه‌ی بشری را به تدریج پیش ببرد و تربیت کند و ناهنجاریها را در میان آنها کاهش دهد تا بشریت بتواند به آن نقطه‌ای که شروع زندگی سعادتمندانه‌ی همه‌ی انسانهاست که ما آن دوره را، دوره‌ی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه میدانیم برسد.^۴

تطبیق شعارها با شعارهای امام زمان (عج)

شعارهایی که امام زمان علیه الصلوة و السلام و عجل الله تعالی فرجه بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد کرد، امروز شعارهای مردم ماست؛ شعارهای یک کشور و یک دولت است. این خودش

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴.

۳. سخنان رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۷/۹/۱۵.

۴. بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴.

یک گام بسیار بلندی به سوی اهداف امام زمان (عج) است.^۱

تشکیل حکومت و کسب اقتدار

درس دیگری که اعتقاد به مهدویت و جشن‌های نیمه‌ی شعبان باید به ما بدهد، این است: عدالتی که ما در انتظار آن هستیم- عدالت حضرت مهدی علیه‌السلام که مربوط به سطح جهان است- با موعظه و نصیحت به دست نمی‌آید؛ یعنی مهدی موعود ملت‌ها نمی‌آید ستمگران عالم را نصیحت کند که ظلم، زیاده‌طلبی، سلطه‌گری و استثمار نکنند. با زبان نصیحت، عدالت در هیچ نقطه‌ی عالم مستقر نمیشود. استقرار عدالت، چه در سطح جهانی- آنطور که آن وارث انبیا انجام خواهد داد- و چه در همه‌ی بخشهای دنیا، احتیاج به این دارد که مردمان عادل، انسانهای صالح و عدالت‌طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند. با کسانی که سرمست قدرت ظالمانه هستند، نمیشود با زبان نصیحت حرف زد؛ با آنها باید با زبان اقتدار صحبت کرد.... کسانی که خیال میکنند اسلام باید برود و در گوشه‌ای بنشیند و مردان اسلام و دین فقط زبان نصیحت را به کار گیرند، اینها دانسته یا ندانسته همان چیزی را میگویند که مراکز قدرت جهانی آن را میخواهند و آرزو میکنند... بعضیها بی‌توجه، از جدایی دین و سیاست حرف میزنند؛ یعنی دین را به گوشه‌های خلوت برانند و انسان دین‌دار، فقط به نصیحت اکتفا کند! در اینجا نصیحت نمیتواند کاری بکند. آنچه میتواند قدرتها را مهار و تهدید کند و در برابر ظلم و فساد مقاومت نماید و ریشه‌ی آن را برکند یا آن را متزلزل سازد، قدرت الهی و اسلامی است؛ قدرت سیاسی‌ای است که در اختیار احکام اسلامی باشد. امام زمان ارواحنا فداه با اقتدار و قدرت و تکیه بر توانایی‌ای که ایمان والای خود او و ایمان پیروان و دوستانش، او را مجهز به آن قدرت کرده است، گریبان ستمگران عالم را میگیرد و کاخهای ستم را ویران میکند.^۲

تدبیر و عقلانیت

إن شاء الله در حکومت عدل مهدوی سلام الله علیه و عجل الله تعالی فرجه الشریف این کارها انجام میگیرد؛ منتها ما هم میتوانیم مقدماتش را انجام دهیم؛ اگر همت، اراده، ایستادگی و تدبیر داشته

۱. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان (عج)، ۱۳۷۷/۷/۲۲.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

باشیم. این کارها، هم ایستادگی، شجاعت و قدرت می‌خواهد؛ هم تدبیر و عقل می‌خواهد.^۱
 وعده‌ی الهی حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیة‌الله ارواحنا له
 الفداء انجام خواهد گرفت؛ اما یک ملت مؤمن و مبارز می‌تواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت
 فراهم کند.^۲

پیوند با مؤمنان

بزرگترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان (عج) این است که از لحاظ معنوی، اخلاقی، عملی، پیوندهای
 دینی، اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان خود را آماده کنند.^۳
 بلندهمتی و وفای به عهد

آنگاه که همت و نیروی مجاهدان راه حق به میدان آمد؛ و آنگاه که مسلمان به عهد و قرار خود با
 خدا عمل کرد، خدای علی قدیر نیز وعده‌ی خود را محقق ساخت و مسیر تاریخ عوض شد: «أَوْفُوا
 بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»؛ «إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامُكُمْ» «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ
 لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ «إِنَّا لَنَنْصُرَ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ».^۴

تبلیغ دین و زمینه‌سازی ظهور

تشکر میکنم از عزیزانی که مسئله‌ی تبلیغ را در سطح کشور، به‌وسیله‌ی علمای دین و فضلاء
 حوزه‌های علمیه جدی گرفتند و به آن به صورت یک مسئله‌ی درجه‌ی دوم و مستحبی نظر نکردند
 و به شأن تبلیغ، هدف تبلیغ مخاطب تبلیغ و اهمیت تأثیری که تبلیغ به سبک خاص در هدایت
 نفوس دارد، توجه کردند و برنامه‌ریزی نمودند. همچنین از یکایک شما عزیزان، جوانان مؤمن و
 پرشوری که بهترین دوران عمر خودتان را در خدمت دین خدا، در خدمت حق مظلوم الهی و در
 خدمت آماده‌سازی جامعه برای ظهور حضرت بقیة‌الله الاعظم ارواحنا فداءه قرار دادید، تشکر
 میکنم.^۵

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکلهای دانشجویی، ۱۳۸۴/۷/۲۴.

۲. سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونیهای شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و تعدادی از
 کارکنان و مسئولان وزارت نیرو و سازمانهای تابعه، ۱۳۶۸/۴/۸.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۴. پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۷/۹/۱۷.

۵. بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۷/۹/۲۳.

مطلب پنجم. امدادهاک الهی در عصر ظهور

در یک روایت دیگر میفرماید: «القائم منا منصور برعب مؤید بالنصر- تطوی له الأرض و تظهر له الكنوز» یا «تظهر له الكنوز و يبلغ سطرانه المشرق و المغرب» یعنی قائم ما به وسیله رعب نصرت میشود و (ملتها) دولتهای ستمگر و دستگاههای ظالم مرعوب او میشوند... «مؤید بنصر» نصرت الهی او را تأیید میکند. زمین در مقابل او پیچیده است؛ (و) یعنی در اختیار او و در قبضه قدرت او قرار میگیرد. گنجینه‌ها برای او ظاهر خواهد شد، و قدرت او به مشرق و مغرب عالم گسترش پیدا خواهد کرد.^۱

۱. بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۷/۹/۲۳.



□ بخش نهم. ادعیه و زیارات مهدوی



مطلب اوّل. اعتبار زیارات و ادعیه مهدوک

طبق همین زیاراتی که وارد شده و بعضاً مأثور است و به احتمال زیاد به خود معصوم علیه السلام مستند مییابد، این رابطه‌ی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان علیه السلام یک امر مستحسن، بلکه لازم و دارای آثاری است.^۱

این توسّلاتی که در زیارات مختلف وجود دارد که بعضی از اینها اسانید خوبی هم دارد، اینها بسیار با ارزش است. و توسّل، توجّه، انس با آن بزرگوار از دور. این انس به معنای این نیست که حالا کسی ادعا کند که من خدمت حضرت میرسم یا صدای ایشان را میشنوم.^۲

مطلب دوّم. ابعاد زیارات و ادعیه مهدوک

دعا کنند برای آن حضرت همچنانی که ما در روایات داریم و این دعای «اللهم کن لولیک» یکی از این دعاها‌ی فراوانی است که وجود دارد و زیاراتی که در کتابها هست که همه این زیارات علاوه بر اینکه بعد فکری و آگاهی‌بخشی و معرفت دارد، برای ما که آنها را بخوانیم؛ بعد روحی، قلبی، عاطفی و احساسی هم دارد و ما به این احتیاج داریم.^۳

دعای افتتاح... و تمام این دعا‌هایی که از ائمه علیهم‌السلام به ما رسیده است، پر است از معارف اسلامی درباره‌ی توحید، درباره‌ی نبوت، درباره‌ی حقوق، درباره‌ی وضع جامعه، درباره‌ی اخلاق، درباره‌ی حکومت و درباره‌ی همه‌ی مسایلی که انسان احتیاج دارد از اسلام بداند. در این دعاها، برای ما مطالبی هست که به زبان دعا، معارف بیان شده است و ائمه‌ی ما علیهم‌السلام، در دوران حاکمیت طواغیت توانسته‌اند این معارف را از این راه به مردم برسانند.^۴

مطلب سوّم. درباره‌ی دعا‌ی ندبه

گفتار اوّل. جایگاه دعا‌ی ندبه

لازم میدانم به اهمیت دعا‌ی ندبه اشاره‌ای بکنم، که در حقیقت خطابه‌ی غرایی در تبیین باورها و

۱. بیانات در دیدار با مسؤولان خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان، سالروز ولادت امام زمان علیه السلام ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۲. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۳. ولایت و حکومت، ص ۲۱۱.

۴. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۱/۱۲/۷.

آرزوها و شکوه‌های فرقه‌ی امامیه و شیعه در طول تاریخ خود است...دعای ندبه- همان‌طور که عرض کردم- یک خطبه‌ی غرّاست و تاریخچه این فکر و ریشه‌ی این حرکت را از دوران رسالتها بیان میکند. اگر دقت کنید، در این دعا هیچ نقطه‌ی اختلاف‌انگیزی بین شیعه و سنی- که جنگ تاریخی برافروخته شده به دست انسانهای با انگیزه‌های مختلف است- وجود ندارد و مسئله‌ی امامت و ولایت به صورت استدلالی بیان میشود.^۱

آن مردمی که می‌نشینند، راز و نیاز میکنند؛ دعای ندبه را با توجه میخوانند و زیارت آل یاسین را زمزمه میکنند و مینالند، میفهمند چه میگویند. آنها حضور این بزرگوار؛ را حس میکنند.^۲

گفتار دوم. سند دعای ندبه

من تصور خودم (نمیخواهم این عقیده را به کسی تحمیل کنم) و گمانم این است که دعای شریف ندبه که یکی از بهترین دعاهاست از لحاظ لفظ و معنا، الفاظ بسیار سلیس و بلیغ و معانی بسیار بلند، در همان دوران (غیبت کبری)، برای اغاثه‌ی شیعه، از سوی علمای بزرگ ما تولید شده است. بنده احتمال قوی میدهم که این دعا، مأثور از امام و از ائمه نیست. این، کار همان علمای بزرگ از قبیل همین نعمانی و قبل از نعمانی، بزرگانی که بعضی اسمهاشان را هم ما امروز نمیدانیم، است. من احتمال میدهم این دعا از طرف آنهاست، یعنی قرائنی بر این وجود دارد.^۳

گفتار سوم. لزوم تفکر درباره‌ی دعای ندبه

در آیات و در ادعیه که وارد شده است؛ وقتی میخوانید، ذهن خود را در این مورد بازتر و بازتر کنید. فقط خواندن دعای ندبه کافی نیست؛ درس گرفتن و فهمیدن آن لازم است.^۴ چقدر خوب است که ما به معارفی که به برکت هدایت اهل بیت علیهم‌السلام این‌طور ارزان در اختیار افکار ما قرار گرفته است، با دقت و تأمل توجه کنیم. دعای ندبه،- همان‌طور که عرض کردم، یک خطبه‌ی غرّاست.^۵

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام در روز عید سعید غدیر خم، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲.

۲. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۳. بیانات در دیدار علما و روحانیون استان خراسان رضوی، ۱۳۸۶/ ۲/۲۶.

۴. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۰.

۵. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام در روز عید سعید غدیر خم، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲.

گفتار چهارم. درسهایی از دعای ندبه

اولیای خدا کسانی که توانستند آن پرچم را محکم در دست گیرند و این راه دشوار را راحت، بدون خستگی و بدون از پا افتادن پیش ببرند، کسانی بودند که از این گردنه گذشتند. لذا در دعای بسیار خوش مضمون ندبه که در ابتدای آن، خدای متعال را بر آنچه که برای اولیایش پیش آورده است، حمد میکند؛ که یکی از آن زیباترین و پرمغزترین مفاهیم، به خصوص در این عبارات و جملات اول دعا مندرج است، میفرماید: «بعد ان شرطت علیهم الزهد فی درجات هذه الدنيا الدنیه و زخرفها و زبرجها»؛ آنها را به بالاترین مراتب و مدارج تکامل و تعالی معنوی رساندی؛ به آن نعمتهایی که «لا زوال له و لا اضمحلال»، این نعمتها را به آنها دادی و انتخابشان کردی؛ اما این شرط را برایشان گذاشتی. پیامبر در بالاترین نقطه‌ی تعالی وجودی انسان است. این بدون کمک الهی که ممکن نیست؛ بدون زمینه دادن خدا که ممکن نیست؛ اما خدا این امتیاز را در مقابل یک شرط میدهد: «الزهد فی درجات هذه الدنيا الدنیه و زخرفها و زبرجها فشرطوا لك ذلک»؛ قبول کردم و عمل کردم. لذا عنصری مثل پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام به وجود می‌آید؛ پولادین، خسته‌نشو، تمام‌نشو، باری را بر دوش میگیرند.^۱

لازم میدانم به اهمیت دعای ندبه اشاره‌ای بکنم، که در حقیقت خطابه‌ی غرایبی در تبیین باورها و آرزوها و شکوه‌های فرقه‌ی امامیه و شیعه در طول تاریخ خود است. اگر نگاه کنید، همین خط روشن را در اول دعای ندبه ملاحظه میکنید: «الحمد علی ما جری به قضاؤک فی اولیائک». از ابتدای تاریخ رسالتها تا دوران نبوت خاتم، این خط روشن ادامه دارد. مضمون رسالت که عبارت است از دین خدا، در حقیقت شکل دادن و جهت دادن و قالب بخشیدن به همه‌ی تلاشهای انسانی است. دین، یعنی صراط زندگی. اگر شما به یک جامعه‌ی انسانی و به یک کشور نگاه کنید، می‌بینید انسانها در این جامعه، برای مسایل شخصی، عاطفی، معیشتی و عمومی خود، فعالیت‌های متنوع و گوناگونی دارند. دین، همه‌ی این فعالیتها را جهت میدهد؛ خصوصیات که شیعه نقل میکند، نقل کرده‌اند. این چیزی نیست که کسی بتواند آن را انکار کند؛ اما قضیه در این حد متوقف نمی‌ماند. مسئله این است که از دوران حضرت آدم علیه السلام که رشته‌ی نبوتها و رسالتها شروع شد و بارها و بارها حکومت‌های نبوی در طول تاریخ تشکیل گردید- مثل سلیمان علیه السلام و داود علیه السلام و کسان دیگری

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت سالروز بعثت پیامبر اکرم ﷺ، ۱۳۷۸/۷/۱۵.

از بنی اسرائیل تا زمان پیغمبر ما- آن جایی که ترکیب بدیع و شیوای دین و سیاست در اوج خود به صورت یک سنت ماندگار درآید و هدایت جامعه را تضمین کند، در قضیه‌ی غدیر اتفاق افتاد. لذا در همین دعای ندبه‌ای که عرض کردم، میخوانیم: «فلما انقضت ایامه اقام ولیه علی بن ابی طالب صلواتک علیهما و آلهما هادیا اذ کان هو المنذر و لکل قوم هاد». چقدر خوب است که ما به معارفی که به برکت هدایت اهل بیت علیهم‌السلام این‌طور ارزان در اختیار افکار ما قرار گرفته است، با دقت و تأمل توجه کنیم. دعای ندبه- همان‌طور که عرض کردم- یک خطبه‌ی غرّاست و تاریخچه‌ی این فکر و ریشه‌ی این حرکت را از دوران رسالتها بیان میکند. اگر دقت کنید، در این دعا هیچ نقطه‌ی اختلاف‌انگیزی بین شیعه و سنی که جنگ تاریخی برافروخته شده به دست انسانهای با انگیزه‌های مختلف است، وجود ندارد و مسئله‌ی امامت و ولایت به صورت استدلالی بیان میشود. «اذ کان هو المنذر و لکل قوم هاد»؛ یعنی پیغمبر دارای مقام رسالت و انذار و تبشیر است؛ آغازکننده‌ی یک راه و بازکننده‌ی افق در مقابل بشریت است. اما پیغمبر، ابدی و دائمی نیست. جوامع، هدایت‌کننده لازم دارند. این هدایت‌کننده را اسلام پیش‌بینی کرده است؛ معصومین در نسلهای متعدد پشت سر هم بیایند، زمام امور را به دست گیرند، جامعه را با تعلیمات قرآنی ناب و خالص در طول چند نسل و چند قرن هدایت کنند و در واقع همه‌ی افکار، خصوصیات، رفتارها و خُلقیات اسلامی را در جامعه‌ی اسلامی نهادینه کنند. البته بعد از آن، باز حجت خدا در میان مردم زنده میماند؛ چون دنیا و بشریت بدون قیام حجت امکان ندارد؛ اما بشریت راه خود را پیدا میکرد، که این البته اتفاق نیفتاد. نقشه و طرح کلی اسلام این است.^۱

گفتار پنجم. طلاب جوان مصداقی از فراز دعای ندبه

بنده می‌خواهم بر مسئله‌ی تهذیب، تأکید کنم. آقایان! حوزه‌های علمیه‌ی ما، پر از جوانان پاک و طاهر است. در کمتر جایی، این همه جوان زندگی میکنند. در حوزه‌ی علمیه‌ای مثل قم، هزاران جوان پاک، صالح و کسانی که از زخارف این دنیای دنیه، به حسب ظاهر گذشتند و واقعاً بعضی از اینها مصداق این فقره‌ی شریف دعای ندبه «شرطوا علیهم الزهد فی درجات هذا الدنیا الدنیه و زخرفها و زبرجها» هستند، جمع شده‌اند. خوب؛ اجتماع این جوانان صالح، خالص، مؤمن، پاک و

۱ - بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام در روز عید سعید غدیرخم، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲.

نورانی در این حوزه‌ی علمیه، عجب موقعیت ممتازی است!^۱

مطلب چهارم. درباره‌ی زیارت آل یاسین

آن مردمی که می‌نشینند، راز و نیاز میکنند؛ دعای ندبه را با توجه می‌خوانند و زیارت آل یاسین را زمزمه میکنند و مینالند، می‌فهمند چه می‌گویند. آنها حضور این بزرگوار را حس میکنند.^۲

در زیارت آل یاسین وقتی خصوصیات آن بزرگوار را ذکر میکنید، یکی از برجسته‌ترین آنها این است که «الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا».^۳

آن معصوم برگزیده‌ی خدا امروز در میان ما انسانها در یک جای دنیا که ما نمیدانیم، زندگی میکند او وجود دارد، او دعا میکند، او قرائت قرآن میکند، او تبیین مواضع الهی میکند، او رکوع و سجود میکند، او عبادت میکند.^۴

مطلب پنجم. درباره‌ی دعای اللهم کن لولیک...

تک تک افراد جامعه ما توسل به حضرت ولی عصر^ع و آشنایی با آن حضرت و راز و نیاز با آن بزرگوار و سلام به آن حضرت و توجه به آن حضرت را بایستی یک وظیفه و یک فریضه‌ی خودشان بدانند و دعا کنند برای آن حضرت همچنانی که ما در روایات داریم و این دعای «اللهم کن لولیک» یکی از این دعاها‌ی فراوانی است که وجود دارد.^۵

مطلب ششم. درباره‌ی دعای سلام الله الکامل...

وقتی شما روایات مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه و همچنین دعاها و زیارت‌های مربوط به ایشان را می‌خوانید، می‌بینید که روی چه چیزی تکیه میشود: «و أنت الذي تملأ الأرض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً». کلمه‌ی «بعد» در یکی دو دعا بیشتر نیست. من یک‌وقت در نماز جمعه گفتم که «تملاً الأرض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» را در جایی پیدا نکردم. گفتم:

۱. بیانات در شروع درس خارج فقه، ۱۳۷۳/۶/۲۰.

۲. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر^ع، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۴. سخنانی در تاریخ ۱۳۶۶/۱/۲۱.

۵. ولایت و حکومت، ص ۳۱۰.

به جز دو جا، در روایات «کما ملئت ظلماً و جوراً» آمده است. یکی از آن دو جا زیارت غیر معتبری است و دیگری که زیارت نسبتاً خوبی است، سند درستی ندارد. «سلام الله الكامل التام»، آنجا هم «بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» است.^۱

مطلب هفتم. درباره زیارت جامعه

برای مناقب ائمه علیهم السلام از زیارتها، به خصوص زیارت جامعه‌ی کبیره استفاده کنید. بنابراین شما دیگر هیچ احتیاجی ندارید که مبالغاتی را در ذهن خودتان خلق کنید. آنچه که باید در باب ائمه علیهم السلام گفته شود، در زیارت جامعه هست.^۲

تمام ابعادی که در شخصیت یک انسان از نظر اسلام دخیل است، در شخصیت اینها بود. هم از جنبه‌ی معنوی، هم از جنبه‌ی فکری، هم از جنبه‌ی علمی، هم در میدان تلاش و مجاهده، هم در اخلاق و برخورد با انسانها و در همه ابعادی که برای یک انسان تصور میشود، امامان شیعه نمودار کامل بودند و لذاست که ما در زیارت جامعه که زیارتی است که خطاب به همه‌ی امامان شیعه آن را میخوانیم از جمله نامها و تیتراهایی که برای امام ذکر میکنیم «و المثل الاعلی» نمونه‌ی بالاتر، نمونه برتر یکی از عنوانها این است. یعنی نمونه‌ی برتر مکتب.^۳

زیارت جامعه مثلاً یا زیارت مخصوصه‌ی امام رضا علیه السلام...؛ اینها مضامین خوبی دارد، ولو درست هم معنایش را نفهمید، [اما] یک مقدار هم از آن بخوانید؛ زیارت جامعه مثلاً شش هفت صفحه است، وقت کردید همه‌اش را بخوانید، وقت نکردید یک صفحه‌اش یا نصف صفحه‌اش را بخوانید؛ عیب ندارد؛ اما توجه داشته باشید که این یک متنی است که خیلی خوب تنظیم شده، زیبا تنظیم شده- و در حالی که متن را میخوانید، ولو معنایش را هم ندانید، متوجه باشید دارید خطاب به چه کسی میخوانید.^۴

مطلب هشتم. درباره زیارت امین الله

زیارت مخصوصه‌ی امام رضا علیه السلام یا زیارت امین الله؛ اینها مضامین خوبی دارد، ولو درست هم معنایش

۱. سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۹.

۲. بیانات در دیدار جمعی از شعرای آئینی، ۱۳۹۰/۲/۲۵.

۳. ولایت و حکومت، ص ۹۳.

۴. بیانات در دیدار جمعی از پاسداران سپاه حفاظت ولی امر و خانواده‌های آنان ۱۳۸۲/۱/۶.

را نفهمید، [اما] یک مقدار هم از آن بخوانید.^۱

مطلب نهم. درباره دعا و افتتاح

دعای ابوحمزه ثمالی، دعای افتتاح... تمام این دعا‌هایی که از ائمه علیهم‌السلام به ما رسیده است، پر است از معارف اسلامی.^۲

دعا‌هایی که از ائمه رسیده است، بهترین دعاهاست. اولاً خواسته‌هایی در این دعاها گنجانده شده است که به ذهن امثال ماها اصلاً خطور نمی‌کند و انسان از زبان ائمه علیهم‌السلام آنها را از خدا طلب می‌کند. در دعای ابوحمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه بهترین مطالبات و خواسته‌ها برای انسان مطرح می‌شود؛ که اگر انسان اینها را از خدا بخواهد و بگیرد، می‌تواند برای او سرمایه باشد. ثانیاً در این دعاها مایه‌های خشوع و تضرع وجود دارد. مطلب، با زبان و لحن و بیانی ادا شده است که دل را خاشع و نرم می‌کند. با عبارات فصیح و بلیغ، عشق و شیفتگی و شوق در این دعاها موج می‌زند. انسان باید این دعاها را قدر بداند و از آنها استفاده کند. البته باید معنای این دعاها را بفهمیم.^۳

۱. همان.

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۱/۱۲/۷.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۴/۷/۲۹.



□ بخش دهم. مهدویت و آسیب‌ها



مطلب اول. توجه صرف به آرمانی بودن مهدویت

هرچند اعتقاد به حضرت مهدی ارواحنا فداه یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسئله را فقط به جنبه‌ی آرمانی آن ختم کرد، یعنی به عنوان یک آرزو در دل، یا حداکثر در زبان، یا به صورت جشن، نه. این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید.^۱

مطلب دوم. برداشت غلط از مفاهیم مهدوی

یادتان هست زمان‌های اختناق عده‌ای میگفتند چون امام زمان مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد؛ پس شما بیخود زحمت نکشید، بناست او کارها را درست کند و تا آقا هم نیاید فایده‌ای ندارد. آن روز عده‌ای دیگر میگفتند: امام زمان عجل الله تعالی فرجه تشریف می‌آورند و حکومت جهانی عدل اسلامی را تشکیل میدهند؛ اما این به آن معنا نیست که تا قبل از ظهور او بنده و شما در فکر تشکیل حکومت عدل اسلامی در یک گوشه از دنیا نباشیم.^۲

بد فهمیدن دستور دین جزو ضعفهای درونی است. بعضی‌ها خیلی از چیزها را نفهمیدند. مبارزه میکردیم؛ بعضیها به استناد روایاتی که هر پرچمی که قبل از برافراشته شدن پرچم حضرت مهدی ارواحنا فداه برافراشته شود، در آتش است، با مبارزه مخالف بودند. میگفتند آقا شما قبل از مبارزه‌ی حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه فرجه می‌خواهید مبارزه شروع کنید؟ خوب، این پرچم مبارزه را که بلند میکنید، در آتش است. معنای حدیث را نمی‌فهمیدند.^۳

«يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»... راجع به روایت مذکور، گفتنی است که در روایت، کلمه‌ی «بعد» اصلاً ندارد؛ «كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» ندارد که چه وقت؟ فقط در یک دعا، آن هم دعای «سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّام...» که اول مفاتیح است، دارد که «بَعْدَ مَا مَلَأَتْ». «بعد»، فقط آنجاست و الا، در روایاتی که این مضمون را داراست، یک مورد هم - ظاهراً - «بعد ما ملأت» ندارد. همه‌جا «کما ملأت» است. در زیارت آل یس هم «کما ملأت» است. بنده یک وقت همان «بعد» در دعای «سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّام» را هم ندیده بودم. لذا در نماز جمعه گفتم که من «بعد ما ملأت»، هیچ جا ندیده‌ام. اگر کسی دیده است، بگوید. آقای صدرزاده... به من پیغام داد که در دعای

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۲. آفتاب در مضاف، ص ۱۸

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴.

«سلام‌الله‌الکامل التّام» وجود دارد. یکی هم در زیارت «مفجعه» است، ولی «مفجعه» اعتباری ندارد. البتّه «سلام‌الله‌الکامل التّام» هم سند ندارد. سید علی خان مدنی نقل کرده و احتمال دارد انشای خودش باشد. بُعدی ندارد؛ اما تصریح به عدم [اعتبار] «مفجعه» شده است. مرحوم شیخ عباس قمی و امثال ایشان میگویند اعتباری ندارد. «غرض: «بعد ما» نیست؛ مگر در یکی دو مورد. بنده در روایات ندیدم، و تا به حال هم کسی ادعا نکرده که دیده است.^۱

مطلب سوّم. جمودگرایی و اکتفا به ریختن اشک

انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان (عج) آماده کنیم.^۲

به اسم اسلام قانع نیستیم که اسلام لیبرال داشته باشیم تا ارزشهای غربی و ارزشهای آمریکایی را ترویج کند... و احیاناً دغای ندبه‌ای هم بخواند. ما اسلام متحجّر طالبانی را هم قبول نداریم.^۳

مطلب چهارم. ادعاهای دروغ رؤیت امام زمان (عج)

این کسانی که ادعاهای خلاف واقع میکنند- ادعای رؤیت، ادعای تشرّف، حتّی به صورت کاملاً خرافی، ادعای اقتدای به آن حضرت در نماز- که حقیقتاً ادعاهای شرم‌آوری است، اینها همان پیرایه‌های باطلی است که این حقیقت روشن را در چشم و دل انسانهای پاک‌نهاد ممکن است، مشوب کند؛ نباید گذاشت. همه‌ی آحاد مردم توجّه داشته باشند این ادعاهای اتّصال و ارتباط و تشرّف به حضرت و دستور گرفتن از آن بزرگوار، هیچ‌کدام قابل تصدیق نیست.^۴

توسّل، توجّه، انس با آن بزرگوار از دور. این انس به معنای این نیست که حالا کسی ادعا کند که من خدمت حضرت میرسم یا صدای ایشان را میشنوم؛ ابداً این جور نیست. غالب آنچه که در این زمینه گفته میشود، ادعاهایی است که یا دروغ است، یا طرف دروغ هم نمیگوید، تصوّر میکند، تخیل میکند. ما کسانی را دیدیم. آدمهای دروغگویی نبودند، اما خیال میکردند، تخیل میکردند؛

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار آیه‌الله شاهرودی در قم، ۱۳۷۵/۲/۱۶.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۳. بیانات در دیدار مسوولان وزارت امور خارجه و روسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۱۳۸۳/۵/۲۵.

۴. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

تخیلات خودشان را به عنوان واقعیت برای این و آن نقل میکردند! نایستی تسلیم اینها شد.^۱

مطلب پنجم. تنبلی و عافیت طلبی

انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزند، هیچ اصلاحی را وجهه‌ی همّت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان علیه الصّلاة و السّلام هستیم. اینکه انتظار نیست.^۲

مطلب ششم. جدایی دیانت از سیاست

کسانی که خیال میکنند اسلام باید برود و در گوشه‌ای بنشیند و مردان اسلام و دین فقط زبان نصیحت را به کار گیرند، اینها دانسته یا ندانسته همان چیزی را میگویند که مراکز قدرت جهانی آن را میخواهند و آرزو میکنند. مراکز قدرت استکباری از اینکه رهبران اسلامی در گوشه‌ای از دنیا بنشینند و گاهی پیامی بدهند و یک کلمه حرفی بزنند- همچنان که رهبران مسیحی در هر قضیه‌ای پیامی میدهند، نصیحتی میکنند و جمله‌ای میگویند- هیچ ترسی ندارند؛ میدانند این خطری برای آنها نیست. از اینکه ملت‌های مسلمان بیدار شوند و تشکیل حکومت دهند؛ از اینکه ایمان اسلامی آحاد مردم در قالب یک نظام و یک دولت و یک حکومت تجسّم پیدا کند، واهمه دارند و میترسند. نظام اسلامی و ملت مسلمان ایران و دولت جمهوری اسلامی بزرگترین قدم را در این راه برداشت و به برکت مجاهدت جوانان و مردان و زنان مؤمن و فداکار این ملت، اسلام در دنیا به عنوان یک قدرت ظاهر شد. هرچه این قدرت بتواند خود را مستقرتر و پایدارتر کند، نظم ظالمانه و شیطانی دنیا بیشتر تهدید میشود.^۳

بعضیها بی‌توجه، از جدایی دین و سیاست حرف میزنند؛ یعنی دین را به گوشه‌های خلوت برانند و انسان دین‌دار، فقط به نصیحت اکتفا کند! در اینجا نصیحت نمیتواند کاری بکند. آنچه میتواند قدرت‌ها را مهار و تهدید کند و در برابر ظلم و فساد مقاومت نماید و ریشه‌ی آن را برکند یا آن را متزلزل سازد، قدرت الهی و اسلامی است؛ قدرت سیاسی‌ای است که در اختیار احکام اسلامی باشد.

۱. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۲. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاّی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

امام زمان ارواحنا فداه با اقتدار و قدرت و تکیه بر توانایی‌ای که ایمان والای خود او و ایمان پیروان و دوستانش، او را مجهز به آن قدرت کرده است، گریبان ستمگران عالم را میگیرد و کاخهای ستم را ویران میکند.^۱

مطلب هفتم. جهل و نادانی

در مورد ماجرای اعتقاد به مهدی موعود^ع؛ یعنی اینکه در آخرالزمان از خاندان پیامبر^ص شخصی ظهور میکند که دنیا را از عدل، از دادگستری و از نیکی پر میکند. تبعیض‌ها، ظلم‌ها، سوء استفاده‌ها و فاصله‌های طبقاتی را از بین میبرد؛ نیز خیلی کار کرده‌اند. این عقیده که همه‌ی مسلمانها هم به آن معتقدند... از آن عقاید بسیار کارگشاست که به دلیل همین که کارگشاست، دشمن از یک طرف و البته دوستان نادان هم از یک طرف؛ گاهی دوستان نادان از روی نادانی و بر اثر بی‌توجهی کاری میکنند که هیچ دشمن دانا‌یی به آن خوبی نمیتواند ضربه بزند!^۲

مطلب هشتم. خرافات گرایی

شما تا به حال کجا دیده‌اید که فردی به خاطر رویکرد مصیبت عزیزترین عزیزانش، با شمشیر بر مغز خود بکوبد و از سر خود خون جاری کند؟! کجای این کار، عزاداری است؟! قمه زدن، سنتی جعلی است. از اموری است که مربوط به دین نیست و بلاشک، خدا هم از انجام آن راضی نیست. علمای سلف دستشان بسته بود و نمی‌توانستند بگویند «این کار، غلط و خلاف است». امروز روز حاکمیت اسلام و روز جلوه‌ی اسلام است. نباید کاری کنیم که اتحاد جامعه‌ی اسلامی برتر، یعنی جامعه‌ی محب اهل بیت علیهم‌السلام که به نام مقدس ولی‌عصر ارواحنا فداه، به نام حسین بن علی علیه‌السلام و به نام امیر المؤمنین علیه‌السلام و مفتخرند، در نظر مسلمانان و غیر مسلمانان عالم، به عنوان یک گروه آدمهای خرافی بی‌منطق معرفی شوند. من حقیقتاً هرچه فکر کردم، دیدم نمیتوانم این مطلب- قمه زدن- را که قطعاً یک خلاف و یک بدعت است، به اطلاع مردم عزیزمان نرسانم. این کار را نکنند.^۳

۱. همان.

۲. بیانات در دیدار اقشار مردم، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۳. بیانات در جمع روحانیون استان کهگیلویه و بویراحمد در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۷۲/۲/۱۷.

مطلب نهم. دنیا طلبی

کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را میبازند و زانوانشان سست میشود؛ کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آنها را به خطر میاندازد، انجام دهند؛ اینها چطور میتوانند منتظر امام زمان عج به حساب آیند؟^۱

مطلب دهم. روزمرگی

انسانی که سر در پیله‌ی خود نکرده باشد، به زندگی خود دل خوش نکرده باشد. انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه میکند، به طور طبیعی حالت انتظار دارد.^۲

مطلب یازدهم. سطحی نگری

در قضیه‌ی ولادت آن بزرگوار و اعتقادی که به این حقیقت است، اگر انسان در دو ناحیه و در دو جهت جستجو کند، آثار عظیمی را مشاهده میکند... این، یک میدان وسیع است. هرکس که در باطن، قلب، دل و جان خود، با این بزرگوار مرتبط باشد، بهره‌ی خودش را خواهد برد. البته، توجه به کانون نور، باید توجه حقیقی باشد. لقلقه‌ی زبان در این زمینه، تأثیر چندانی ندارد.^۳

مطلب دوازدهم. سوء استفاده از مهدویت

امروز بحمدالله ملت ما توجهشان به مقوله‌ی مهدویت و وجود مقدس حضرت مهدی سلام‌الله‌علیه از همیشه بیشتر است... البته مثل همه‌ی حقایقی که در برهه‌های مختلفی از زمان ملعبه‌ی دست سودجویان میشود، این حقیقت هم گاهی ملعبه‌ی دست سودجویان میشود.^۴

مطلب سیزدهم. سیاسی کاری

من این قضیه‌ای را که اخیراً در کشور پیش آمد و قضیه‌ی دل‌خراشی بود یعنی اهانت به ولی‌عصر ارواحنا فداه جلو می‌اندازم و درباره‌ی آن چند نکته‌ی لازم و مهم را عرض میکنم. بعد اگر وقتی

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۲. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۳. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی‌عصر عج، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۴. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

ماند، برای بقیه‌ی مطالب باشد. یک مطلب این است که اصل این قضیه، حقیقتاً قضیه‌ی تلخی بود... یک نکته‌ی دیگر این است که بعضی کسان این مسئله را به جاهای دیگری کشاندند؛ پای بعضی از مسئولان کشور و بعضی از بزرگان را به این قضایا کشاندند؛ این درست نیست. چرا ما باید نسبت به مسئولان و رؤسای کشور ایجاد سوءظن کنیم؛... نکته‌ی دیگری که من در اینجا لازم میدانم عرض کنم، این است که جناحهای سیاسی این قضایا را در وسط میدان کارهای سیاسی نیاورند که بهانه‌ای برای برانگیخته شدن در مقابل هم شود. امروز مصلحت کشور، مصلحت ملت و مصلحت انقلاب، اتحاد کلمه و اتحاد دلهاست.^۱

مطلب چهاردهم. عدم تهذیب نفس

خشم و شهوت‌های بی‌مهار و تربیت‌نشده، دلبستگی به عادات و عقاید خرافی میراثی، و بد فهمیدن دستور دین جزو ضعفهای درونی است. بعضیها خیلی از چیزها را نمیفهمیدند. مبارزه میکردیم؛ بعضیها به استناد روایاتی که هر پرچمی که قبل از برافراشته شدن پرچم حضرت مهدی ارواحنا فداه برافراشته شود، در آتش است، با مبارزه مخالف بودند.^۲

مطلب پانزدهم. غلو و زیاده روی

به همه هم این را میگویم و گفته‌ام و تکرار میکنم؛ مبدا آن صفاتی، خصالی، مناقبی که متناسب با وجود ولی‌عصر (ارواحنا فداه) هست، اینها را تنزل بدهیم در سطح انسانهای کوچک و ناقصی مثل این حقیر و امثال این حقیر. اینی که گفته میشود کسانی که در این سفینه سوارند، غم طوفان ندارند: چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان

این نوح امام زمان است، اما با یک نگاه عمومی به طول تاریخ اسلام وقتی نگاه کنیم- که سعدی هم با همان نگاه این شعر را گفته است- وجود مقدس خاتم الانبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله نوح کشتیبان این امت است. بله، این امت در طول تاریخ خود فراز و نشیبهایی داشته؛ گاهی به گل نشسته، گاهی دچار ذلت شده، گاهی با مشکلات غیرقابل توصیفی مواجه شده، دست به گریبان شده؛ این

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۸/۷/۹.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴.

ناشی از این است که سوار کشتی نشده. اگر واقعاً متمسک بشویم، متوسل بشویم بر کشتی نجات اسلام، همراه پیغمبر باشیم، مسلماً پیروزی نصیب ماست. البته دریا طوفان دارد، سختی دارد، مشکلات دارد، گاهی هراسهای بزرگ دارد، اما وقتی کشتیان بنده‌ی برگزیده‌ی خداست، معصوم است، آن وقت دیگر بیمی وجود ندارد. این آن نکته‌ی کوتاهی بود که خواستم عرض بکنم؛ این صفات را مخصوص بدانید به آن بزرگواران. نوح این کشتی اوست، یشتیان این امت اوست، واسطه‌ی فیض الهی به یکایک آحاد ما، به دل‌های ما، به جانهای ما، به ذهنهای ما، به جسمهای ما، به حیات فردی و اجتماعی، وجود مقدس خاتم‌الاولیاء و در رتبه‌ی قبل از او، وجود مقدس خاتم‌الانبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله است.^۱

وقتی کسانی اسم مبارک امیرالمؤمنین علیه‌السلام یا اسم مبارک ولی‌عصر روحی‌فداه را می‌آورند، بعد اسم ما را هم دنبالش می‌آورند، بنده تنم می‌لرزد. آن حقایق نور مطلق، با ما که غرق در ظلمتیم، بسیار فاصله دارند. ما گیاه همین فضای آلوده‌ی دنیای امروزیم؛ ما کجا، کمترین و کوچکترین شاگردان آنها کجا؟ ما کجا و قنبر آنها کجا؟ ما کجا و آن غلام حبشی فداده در کربلای امام حسین علیه‌السلام کجا؟ ما خاک پای آن غلام هم محسوب نمیشویم. اما آنچه که حقیقت است، این است که ما به عنوان مسلمانانی که راهمان را شناخته‌ایم، تصمیم خود را گرفته‌ایم و نیروی خود را برای این راه گذاشته‌ایم؛ با همه‌ی وجود در این راه حرکت میکنیم و ادامه خواهیم داد.^۲

مطلب شانزدهم. قانون شکنی و فریب‌کاری

در نظام اسلامی که مظهر کامل آن، حکومت حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه است، فریب و حيله‌گری برای جلب آراء مردم، خودش جرم است...؛ قانون‌دانهای قانون‌شکن، خطرناک‌تر از همه‌اند؛ کسانی که قانون را خوب بلدند، پیچ‌وخمها و دالانهای تودرتوی قانون را خوب میشناسند، اما خودشان قانون‌شکنند؛ بدون اینکه معلوم شود کارشان قانون‌شکنی است. اگر خدای نکرده چنین چیزی برای ملت ما رواج پیدا کند، یک فاجعه است. این چیزی است که با نظام اسلامی و با انتظار مهدی موعود عجل‌الله‌تعالیه کاملاً منافات دارد.^۳

۱. بیانات در دیدار نیروهای مسلح منطقه شمال کشور، ۱۳۹۱/۶/۲۸.

۲. بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

مطلب هفدهم. کار عامیانه و غیر عالمانه

در مسئله‌ی امام زمان علیه السلام خیلی دقت کنید. گاهی ممکن است حرفی، دلی را جذب کند و دو تا دل دیگر را زده کند. اینها هرچه کمتر گفته شود، بهتر است. ممکن است که یک نفر هم با این حرف، کمی اعتقادی پیدا کند. چنانچه دیدید که آن سخن، پایه‌های محکم نیست، چه به صورت معجزه و چه به صورت دیگر، از ترویج آن جلوگیری کنید. ما به این سخنان احتیاجی نداریم. سخن منطقی، محکم و قوی فراوان داریم.^۱

از کارِ عامیانه و جاهلانه به شدت باید پرهیز کرد. از جمله‌ی چیزهایی که میتواند یک خطر بزرگ باشد، کارهای عامیانه و جاهلانه و دور از معرفت و غیر متکی به سند و مدرک در مسئله‌ی مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، که همین زمینه را برای مدعیان دروغین فراهم میکند. کارهای غیر عالمانه، غیر مستند، غیر متکی به منابع و مدارک معتبر، صرف تخیلات و توهمات؛ این جور کاری مردم را از حالت انتظار حقیقی دور میکند... اینها غلط است، اینها کارهای منحرف کننده است، کارهای غلط انداز است. وقتی انحراف و غلط به وجود آمد، آن وقت حقیقت، مهجور خواهد شد، مشتبّه خواهد شد، وسیله‌ی گمراهی اذهان مردم فراهم خواهد شد؛ لذا از کارِ عوامانه، از تسلیم شدن در مقابل شایعات عامیانه بایستی به شدت پرهیز کرد.^۲

مطلب هیجدهم. همراهی با دشمنان اسلام و انقلاب

دل انسان غمگین میشود و میشکند به خاطر اینکه چرا کسانی که نان انقلاب را خوردند، نان اسلام را خوردند، نان امام زمان علیه السلام را خوردند، دم از امام زمان زدند، دم از ائمه‌ی معصومین زدند، حالا طوری مشی کنند که اسرائیل و امریکا و سیا و هرکسی که در هر گوشه‌ی دنیا با اسلام دشمن است، برایشان کف بزنند! این، انسان را غصه‌دار میکند؛ ولی به شما عرض کنم، بشارتهای الهی این قدر زیاد است که هر غمی را از دل پاک میکند.^۳

۱. دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۲۰/۲/۱۳۸۲.

۲. بیانات در جمع اساتید و فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۲۶/۹/۱۳۷۸.

مطلب نوزدهم. عزلت و گوشه‌نشینی

اعتقاد به امام زمان (عج) به معنای گوشه‌گیری نیست. جریانهای انحرافی قبل از انقلاب تبلیغ میکردند، الآن هم در گوشه و کنار تبلیغ میکنند که امام زمان می‌آید و اوضاع را درست میکند؛ ما امروز دیگر چه کار کنیم! چه لزوم دارد ما حرکتی بکنیم! این مثل آن است که در شب تاریک، انسان چراغ روشن نکند؛ چون فردا بناست خورشید عالمتاب بیاید و روز شود و همه‌ی دنیا را روشن کند. خورشید فردا، ربطی به وضع کنونی من و شما ندارد.^۱

مطلب بیستم. مدعیان دروغین و دجال

یک عده‌ای از صدر اسلام، از زمان ائمه علیهم‌السلام که شنیده بودند مهدی ظهور خواهد کرد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، ادعای مهدی‌گری میکردند؛ بعضی بر خودشان هم امر مشتبّه بود. بد نیست بدانید هم در بنی‌امیه ادعای مهدویت بود، هم در بنی‌عبّاس بود، هم در افراد دیگری که چه در زمان بنی‌عبّاس و چه در زمانهای بعد تا امروز وجود داشتند، ادعای مهدویت وجود داشت.^۲ امروز شما ببینید مدعیان ارتباط با امام زمان (عج) و ارتباط با غیب، با شکلهای مختلف در جامعه دارند کار میکنند... این خطرناک است.^۳

در طول تاریخ مدعیانی بودند؛ بعضی از مدعیان هم همین چیزی که حالا اشاره کردند، یک علامتی را بر خودشان یا بر یک کسی تطبیق کردند؛ همه‌ی اینها غلط است... کارهای غیرعالمانه... زمینه را برای مدعیان دروغگو و دجال فراهم میکند.^۴

مطلب بیست و یکم. عالمان بے تقوا و بے بصیرت

یکی از بزرگان علما و روحانیون محترمی که امروز بحمدالله در میان ما هستند و برکات وجود ایشان باز هم شامل حال مردم میشود، برای من نقل میکردند که در اوایل روی کار آمدن رژیم منحوس، فاسد و وابسته‌ی پهلوی، آن کودتاگر بی‌سواد فاقد هرگونه معرفت و معنویت، یکی از آخوندهای

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاّی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴.

۳. سخنرانی رهبر معظم انقلاب در دیدار با روحانیون، ۱۳۸۵/۸/۱۷.

۴. دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

وابسته به دربار را صدا کرد و از او پرسید این قضیه‌ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه چیست که چنین مشکلاتی برای ما درست کرده است؟! آن آخوند هم برطبق دل و میل او، جوابی میگوید و آن قلدر هم مأموریت میدهد که بروید مسئله را حل و تمام کنید.^۱

البته در روحانیت هم آدم‌های ناباب هستند؛ ما نمیگوییم نیستند. در روحانیت هست، در کسبه هست، در دانشگاهی هست، در ارتش هست، در دستگاه‌های مختلف هست؛ آدم ناباب همه جا هست. در روحانیت هستند آدم‌هایی که نان امام زمان را خورده‌اند، نمک امام زمان را خورده‌اند؛ اما نمکدان امام زمان را شکسته‌اند و با راه امام زمان عجل الله تعالی فرجه مخالفت کرده‌اند. هستند؛ ما نمیگوییم نیستند. رادیوهای بیگانه بروند هرچه می‌خواهند با آنها مصاحبه کنند. حاضرند به اندازه‌ی ده جلد کتاب هم به همه‌ی مقدّسات جمهوری اسلامی فحش بدهند! نه اینکه نیستند؛ هستند. اما، اولاً بسیار کم و ثانیاً منفور ملت ایران و مسلمانان انقلابی‌اند. شما خیال میکنید کسانی که رادیوهای بیگانه و دستگاه‌های استکباری، برای مرجعیت، دل به آنها بسته‌اند، در داخل ایران کسانی‌اند که اگر خودشان را در معرض اطلاع ملت قرار دهند، ملت، آنها را آرام میگذارد؟^۲

مطلب بیست و دوم. تطبیق‌های غلط علائم ظهور

بعضی از این چیزهایی که راجع به علائم ظهور هست، قطعی نیست؛ چیزهایی است که در روایات معتبر قابل استناد هم نیامده است؛ روایات ضعیف است، نمیشود به آنها استناد کرد. آن مواردی هم که قابل استناد هست، این جور نیست که بشود راحت تطبیق کرد. همیشه عده‌ای این شعرهای شاه نعمت‌الله ولی را - در طول سالهای متمادی و در موارد زیادی - بر آدم‌های مختلفی در قرون مختلف تطبیق کردند، که بنده دیدم. گفتند بله، اینی که گفته من فلان کس را، فلان جور میبینم، این فلان کس است؛ یک شخصی را گفته‌اند. باز در یک زمان، صد سال بعد مثلاً، یک کس دیگری را پیدا کردند و به او تطبیق کردند! اینها غلط است، اینها کارهای منحرف‌کننده است، کارهای غلط‌انداز است. وقتی انحراف و غلط به وجود آمد، آن وقت حقیقت، مهجور خواهد شد، مشتبّه خواهد شد، وسیله‌ی گمراهی اذهان مردم فراهم خواهد شد.^۳

۱. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۲. بیانات در دیدار عمومی به مناسبت روز ولادت باسعادت حضرت جواد علیه السلام و در آستانه‌ی میلاد بابرکت حضرت علی علیه السلام، ۱۳۷۲/۹/۲۳.

۳. بیانات در جمع اساتید و فارغ‌التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸.



□ بخش یازدهم. دشمنان مهدویت



مطلب اول. هجوم هميشگى به عقیده سازنده مهدويت

گفتار اول. تلاش مستمر دشمن در مبارزه با عقیده مهدويت

همه‌ی عقاید سازنده، مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است... ما امروز چقدر باید هوشیار باشیم؟ دشمنان سراغ مجموعه‌ی احکام و مقررات اسلام رفتند. هر عقیده، هر توصیه‌ای از شرع مقدس که در زندگی و سرنوشت آینده‌ی فرد و جماعت و امت اسلامی، تأثیر مثبت بارزی داشته است و به نحوی با آن کلنجار رفتند، تا اگر بتوانند، آن را از بین ببرند، [و] اگر نتوانند، روی محتوایش کار کنند! خوب، ممکن است شما بگویید که مگر دشمن چه کاره است؟ چطور دشمن میتواند عقاید اسلامی را کاری کند که از استفاده مردم خارج بشود؟ نه، این خطا است. دشمن میتواند؛ منتهی نه در کوتاه مدت؛ بلکه در طول سالهای متمادی. گاهی ده‌ها سال زحمت میکشند، برای اینکه بتوانند یک نقطه درخشان را کور یا کم رنگ کنند؛ یا نقطه تاریکی را به وجود بیاورند. سالهای متمادی مینشینند و پول خرج میکنند! یکی زحمت میکشد و تلاش میکند؛ ولی توفیق پیدا نمیکند، بعد از او کسان دیگری می‌آیند. روی عقاید دنیای اسلام، از این کونه کارها خیلی شده است. روی عقیده‌ی توحید، عقیده‌ی امامت، روی اخلاقیات اسلامی (معنای صبر، معنای توکل، معنای قناعت) کار کرده‌اند! همه‌ی اینها نقاط برجسته‌ای هستند که اگر ما مسلمانها، درست به حقیقت اینها توجه بکنیم، تبدیل به یک موتور حرکت‌دهنده جامعه‌ی اسلامی میشود؛ ولی وقتی روی آن کار کردند و آن را خراب و معنای آن را عوض کردند و در ذهنها به صورت دیگری جا انداختند، همین موتور محرک، به یک داروی مخدر و خواب‌آور تبدیل میشود. اینگونه است!

در مورد ماجرای اعتقاد به مهدی موعود^ع؛ یعنی، اینکه در آخرالزمان از خاندان پیامبر^ص شخصی ظهور میکند که دنیا را از عدل، از دادگستری و از نیکی پر میکند. تبعیض‌ها، ظلم‌ها، سوء استفاده‌ها و فاصله‌های طبقاتی را از بین میبرد؛ نیز خیلی کار کرده‌اند.^۱

دشمن‌ترین اشخاص با این عقیده و با شخص آن بزرگوار، ستمگران عالمند از روز غیبت آن حضرت - بلکه از روز ولادت آن حضرت - تا امروز؛ آن کسانی که وجودشان با ستم و با زورگویی همراه بوده، به دشمنی با این بزرگوار، با این پدیده‌ی الهی، با این نور و با این شمشیر الهی مشغول شدند.

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی^ع، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

امروز هم مستکبرین و ستمگران عالم، با این فکر و این عقیده، مخالف و دشمنند. میدانند که این عقیده و این عشق - که در دلهای مسلمین، به خصوص در دلهای شیعه است - برای هدفهای ستمگرانه‌ی آنها مزاحم است.^۱

دشمنان حقیقت‌دنیادارانند، قدرتمندانند، طواغیت‌عالمند؛ در طول تاریخ این‌جور بوده است، تا آخر هم، تا زمانی که دولت حقّ‌هی ولی‌عصر ارواحنا فداه ظهور بکند، همین‌جور خواهد بود. این قدرتمندان بیکار که نمی‌مانند؛ ایجاد اشکال میکنند، ضربه می‌زنند، از همه‌ی ابزارهایشان استفاده میکنند.^۲

نکته‌ای که از این وضعیتی که وجود دارد، استفاده میشود، شناسایی دشمن و شیوه‌های او و کاری است که دارد انجام میدهد؛ دشمن الان چه کار دارد میکند؟ یکی از مهمترین یا شاید بتوانم بگویم مهمترین کاری که دشمن میکند، دو قلم کار است: یک قلم، جدا کردن مردم از نظام،... یکی هم مسئله‌ی دین و بینات اسلامی و انقلاب اسلامی است. از توحید، نبوت، امامت و ولایت.^۳

گفتار دوم. مبارزه‌ی استعمار با مهدویت در کشورهای آفریقایی

این عقیده که همه‌ی مسلمانها هم به آن معتقدند... از آن عقاید بسیار کارگشاست که به دلیل همین که کارگشاست، دشمن از یک طرف و البته دوستان نادان هم از یک طرف؛ گاهی دوستان نادان از روی نادانی و بر اثر بی‌توجهی، کاری میکنند که هیچ دشمن دانایی به آن خوبی نمیتواند ضربه بزند! حالا بحث ما در مورد دشمنان دانا است؛ سراغ این عقیده آمدند. من سندی را دیدم که مربوط به ده‌ها سال قبل؛ یعنی، آن اوایلی است که استعمار وارد شمال آفریقا شده بود، چون کشورهای شمال آفریقا؛ خیلی گرایش به اهل بیت علیهم‌السلام دارند. حالا مذهبشان هر مذهبی از مذاهب اسلامی که هست؛ اما محبّ اهل بیتند. این کشورهای سودان و مغرب و اینها عقیده به مهدویت در آن جاها خیلی پررنگ است. آن زمانی که استعمار وارد آن مناطق شد - که ورود استعمار به آن مناطق در قرن گذشته است - یکی از چیزهایی که مزاحم استعمار بود، عقیده به مهدویت بود! بنده سندی را دیدم که آن بزرگان استعمار و فرماندهان استعماری، توصیه میکنند که

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار افشار مختلف مردم، در روز نهمی شعبان، ۱۳۷۷/۹/۱۴.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۷/۹/۲۲.

۳. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۹/۶/۲۵.

ما باید کاری بکنیم که این عقیده به مهدویت به تدریج از بین مردم زایل بشود! آن روز استعمارگرهای فرانسوی و استعمارگرهای انگلیسی، در بعضی جاهای آن مناطق بودند - فرقی نمی‌کند که استعمار از کجا باشد - استعمارگرهای خارجی قضاوتشان این بود که تا وقتی عقیده به مهدویت در بین این مردم رایج است؛ ما نمیتوانیم اینها را درست در اختیار بگیریم!^۱

ما میدانیم که استعمار و استکبار، چه تلاشی را در این جهت - نه فقط در ایران بلکه در سطح دنیای اسلام - انجام داده است؛ تا این چراغ را خاموش کند. در یک گزارش بسیار مهمی که مربوط به سالها قبل است و جدید نیست؛ تلاش گروه‌های تبلیغی مسیحیت را که از اروپا به سمت شمال آفریقا اعزام میشدند تا جاذبه‌ی استعمار را در آنجا صاف کنند، نشان داده بود. یکی از غصه‌های دین‌داران دنیا، این است که قدرت‌مندان مسلط بر کشورهای مسیحی، تبلیغ علی‌الظاهر دین مسیح در سطح دنیا را، وسیله‌ای برای پیش بردن ماشین استعمار قرار دادند و اینها جاذبه‌ی صاف‌کن استعمار شدند. گروه‌های تبلیغی و به اصطلاح تبشیری را، به عنوان تبلیغ مسیحیت - که ظاهرش تبلیغ مسیحیت بود؛ اما باطن قضیه این بود که راه را باز کنند تا استعمارگران اروپایی از کشورهای مختلف اروپای آن روز، وارد کشورهای اسلامی بشوند و قدرت سیاسی را قبضه کنند - به اطراف دنیا فرستادند و متأسفانه در بسیاری از جاها هم موفق شدند. این گزارش، مربوط به گروه‌های تبلیغی در شمال آفریقا است. گزارشگر مینویسد: یکی از مشکلات ما در سر راه تبلیغ مسیحیت و پیشرفت استعمار در شمال آفریقا و منطقه‌ی تونس و مغرب، این است که این مردم اعتقاد دارند که مهدی موعود خواهد آمد و اسلام را سربلند خواهد کرد. گزارشگر، این را در گزارش رسمی خود می‌نویسد و برای آن هیئتی که مسئول رسیدگی به این کارهاست، می‌فرستد. بنابراین نفس اعتقاد به مهدی موعود علیه السلام باعث ایجاد مشکل برای استکبار و استعمار شده بود؛ درحالی‌که اعتقادی که برادران ما در آن مناطق دنیا دارند، به روشنی و وضوح اعتقادی که ما امروز در اینجا داریم، نیست؛ بلکه بیشتر، ابهامات و کلی‌گویی وجود دارد تا تعیین مصداق، مورد، نام و خصوصیات. در عین حال، استعمارگران از این امید ترسیدند.^۲

۱. بیانات در دیدار اقشار مردم ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۲. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر علیه السلام، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

گفتار سوم. روشنفکرهایی هم سو با مهدیستیزان

ببینید، عقیده به مهدویت چقدر مهم است! چقدر خطا میکنند کسانی که به اسم روشنفکری و به اسم تجدّدطلبی می‌آیند و عقاید اسلامی را بدون مطالعه، بدون اطلاع، بدون اینکه بدانند دارند چه کار میکنند، مورد تردید و تشکیک قرار میدهند! اینها همان کاری را که دشمن میخواهد، راحت انجام میدهند!^۱

گفتار چهارم. مبارزه‌ی رضاخان با مهدویت

موضوع مهدویت یکی از آن مسایل محوری و به اصطلاح سر بند است که از آن رشته‌هایی منشعب میشود و بسیاری در فکر افتادند که این را از بین ببرند. یعنی این فکر را یا تضعیف و یا نابود کنند. مرحوم آقای فلسفی در مورد نابود کردن آن، ماجرایی مفصلی را از زمان رضاخان نقل می‌کرد. رضاخان یکی از معممین آن زمان را خواست و گفت که این قضیه را مثلاً تماش کنی. آن معمم گفت: این کار سخت است. بعد رضاخان گفت: پس شما بیایید به عنوان مقدمه، فلان مسئله‌ی دیگر را مطرح کنید. اگر عکس‌العملی نشان ندادند، بعد این را مطرح کنید. رضاخان خودش این حرفها را نمی‌فهمید. او دیکتاتور خوبی بود و قاطعیت خوبی داشت؛ اما مغز فهمیدن اینکه حالا فلان مسئله به امام زمان برمیگردد، مغز رضاخانی نیست. آن مغز، عقبه‌ی فرهنگی رژیم پهلوی است که خود رضاخان را روی کار آورد و این کارها و فکرها را درست کرد. در واقع، رضاخان آن بولدوزری بود که اینها جلو انداخته بودند تا آن چیزی را که میخواستند، انجام دهند.^۲

البته آن مقدمات به فضل پروردگار و با هوشیاری علمای ربّانی و آگاهان این کشور، در آن دوران ناکام ماند و نتوانستند آن نقشه‌ی شوم را عملی کنند. در کشور ما، یک کودتای غاصب، از طرف دستگاه‌های قدرت استعماری، مأموریت داشت که بیاید ایران را قبضه کند و کشور را دو دستی تحویل دشمن بدهد و برای آنکه بتواند بر این مردم مسلط بشود، یکی از مقدمات لازم این بود که عقیده به مهدی موعود^۳ را از ذهن مردم پاک کند.^۳

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی^ع، ۱۳۷۷/۹/۲۵.

۲. دیدار با حجت الاسلام و المسلمین قرائتی و مسئولان نهضت سوادآموزی و آغاز فعالیت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود^ع، ۱۳۸۰/۱۰/۶.

۳. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر^ع، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

گفتار پنجم. لزوم مبارزه با دشمنان مهدویت

انتظار، یکی از پُربرکت‌ترین حالات انسان است؛ آن هم در انتظار دنیایی روشن از نور عدل و داد. «یَمَلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا». خدای متعال به دست او، سرزمین بشری و همه‌ی روی زمین را از عدالت و دادگستری پُر خواهد کرد. انتظار چنین روزی را باید داشت. نباید اجازه داد که تصرف شیطانها، ظلم و عدوان طواغیت عالم، شعله‌ی امید را در دل خاموش کند.^۱

مطلب دوم. برخی مصادیق دشمنان مهدویت

گفتار اول. زورگویان، ملاغوتها و دشمنان حقیقت و دولت حق

حق و حقیقت دشمن دارد؛ بیان حقیقت آسان نیست. دشمنان حقیقت دنیادارانند، قدرتمندانند، طواغیت عالمند؛ در طول تاریخ این جور بوده است، تا آخر هم، تا زمانی که دولت حقّه ولی‌عصر ارواحنا فداه ظهور بکند، همین جور خواهد بود.^۲

دشمنترین اشخاص با این عقیده و با شخص آن بزرگوار، ستمگران عالمند. از روز غیبت و بلکه از روز ولادت آن حضرت تا امروز، کسانی که وجودشان با ستم و زورگویی همراه بوده است، به دشمنی با این بزرگوار، با این پدیده الهی، با این نور الهی و با این شمشیر الهی مشغول بوده‌اند. امروز هم، مستکبرین و ستمگران عالم، با این فکر و عقیده، مخالف و دشمنند. میدانند این عقیده که در دل‌های مؤمنین است و این عشقی که در دل‌های مسلمین - به‌خصوص شیعه - وجود دارد، مزاحم هدف‌های ستمگرانه‌ی آنهاست.^۳

گفتار دوم. قدرت شیطانی و ملاغوتی آمریکا

یکی از تاریک‌ترین ادوار زندگی بشر و تلخ‌ترین روزگارهای عمومی مردم عالم، همین روزگار کنونی است که در آن هیچ تردیدی نباید کرد و این به‌خاطر تسلط روزافزون قدرتهای شیطانی و بزرگ عالم بر زندگی انسانهاست. اگر شما به وضع دنیا نگاه کنید، قضیه روشن میشود. در دنیا، قدرتها عالم را

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان (عج)، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۸/۹/۲۲.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۷۷/۹/۱۴.

بین خودشان تقسیم کرده بودند و روزه‌روز تسلط و تصرف قدرتهای بزرگ نسبت به مناطق گوناگون عالم، سخت‌تر و سنگین‌تر شده است. مثلاً امروز دخالت قدرت شیطانی و طاغوتی امریکا در زندگی ملت‌ها، از همیشه بیشتر است. در همه‌ی شئون عمده و اساسی ملت‌ها دخالت میکنند و این دخالت، منحصر به مسایل اقتصادی ملت‌ها نیست؛ بلکه در فرهنگ و سیاست و اداره‌ی امور و تعیین مدیران امور کشورها نیز دخالت میکنند... اگر در دل‌ها امید به روزگار روشن باشد، مبارزه ممکن است و اگر امید هم‌پرد، مبارزه و حرکت به سمت صلاح هم خواهد مرد.^۱

گفتار سوّم. استکبار و صهیونیسم

قدرت جهنمی استکبار و صهیونیسم، امروز با تکیه بر پول و تبلیغات و استفاده از شعارهای ظاهر فریب (مانند حقوق بشر، حقوق زن و حقوق اساسی ملت‌ها) برای تحمیل ظلم بر ملت‌ها و ترویج فساد، دورویی، تزویر و ریاکاری و نفاق در جوامع بشری تلاش میکند و در طول تاریخ، چنین شرایطی وجود نداشته است.^۲

مطلب سوّم. شگردهای مهدکستیزان

گفتار اوّل. نابودی مهدویت

اعتقاد به مهدی موعود علیه السلام شیعه را تا امروز از آن همه پیچ و خمهای عجیب و غریبی که در سر راهش قرار داده بودند، عبور داده است و امروز بحمدالله عزت و پرچم سربلندی اسلام و قرآن، در دست شما ملت مسلمان و شیعه ایران است. هر جا که چنین اعتقادی باشد، همین امید و مبارزه وجود دارد. به همین خاطر، یکی از اساسی‌ترین کارهای استعمار و استکبار و ایادی آنها، این بوده است که عقیده‌ی امید و مبارزه را در دل مردم از بین ببرند.^۳

گفتار دوّم. کتمان مهدویت

آن روز، روزی است که منجی عالم بشریت به فضل پروردگار ظهور کند و پیام او همه‌ی دل‌های

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مسئولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان علیه السلام، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۲. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۵/۱۰/۸.

۳. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر علیه السلام، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

مستعد را که در همه جای جهان هستند، به خود جذب کند و آن وقت دیگر قدرتهای ستمگر، قدرتهای زورگو، قدرتهای متکی به زر و زور نتوانند حقیقت را آنچنانی که قبل از آن همیشه کرده‌اند، با فشار زر و زور خود به عقب بنشانند یا مکتوم نگه دارند.^۱

گفتار سوم. تخریب مهدویت

اعتقاد به مهدویت و به وجود مقدس مهدی موعود ارواحنافداه، امید را در دلها زنده میکند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمیشود. چرا؟ چون میداند یک پایان روشن حتمی وجود دارد؛ برو برگرد ندارد. سعی میکند که خودش را به آن برساند...البته وقتی نتوانستند این عقیده را از مردم بگیرند، میکوشند آن را در ذهنهای مردم خراب کنند. خراب کردن این عقیده چگونه است؟ به این صورت است که بگویند امام زمان عجته می‌آید و همه‌ی کارها را درست میکند! این، خراب کردن عقیده است.^۲

دشمن سه هدف مرحله‌ای و مقطعی را تعقیب میکند...دوم، تخریب ایمان و باورهای کارساز در دل مردم؛ یعنی به تخریب ایمانها و باورها و اعتقاداتی که این ملت را از یک ملت عقب افتاده‌ی توسری‌خور، به یک ملت پیشرو، شجاع و میدان‌دار در دنیا تبدیل کرد، بپردازند. این حرکت، با اعتقادات و باورهای انجام گرفت؛ بدون این باورها که انسان حرکت نمیکرد و این ملت پیش نمی‌رفت. دشمن میخواهد این باورها را در ذهن ملت ما تخریب کند. سوم، تخریب روح امید و تخریب آینده در ذهن مردم.^۳

گفتار چهارم. تحریف مهدویت

دشمنان تفکر و اعتقاد به مهدویت- که این اندیشه را به زیان خود میدانند - همواره تلاش کرده‌اند تا آن را از اذهان مردم بردایند و یا مفاهیم اعتقاد به مهدویت را تحریف کنند؛ لذا امروز در نقطه‌ی مقابل این تلاش دشمنان، باید در جهت اعتقاد، عمل، تبلیغ و تبیین حقیقت مهدویت حرکت کنیم.^۴

۱. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان عجته، ۱۳۷۹/۸/۲۲.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۸/۹/۲۶.

۴. سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۱۱/۹.

گفتار پنجم. تزریق ناامیدی

چند خصوصیت در این عقیده‌ی مهدویت هست که این خصوصیات برای هر ملّتی، در حکم خون در کالبد و در حکم روح در جسم است. یکی، امید است. گاهی اوقات دستهای قلدر و قدرتمند، ملّتهای ضعیف را به جایی میرسانند که امیدشان را از دست میدهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمیکند؛ میگویند چه فایده‌ای دارد؟ ما که دیگر کار از کارمان گذشته است، با چه کسی در بیافتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاشی بکنیم؟ ما که دیگر نمیتوانیم! این روح ناامیدی است؛ استعمار این را میخواهد. امروز استکبار جهانی مایل است که ملّتهای مسلمان و از جمله ملّت عزیز ایران، دچار این حالت بشوند (روح ناامیدی). ای آقا! دیگر نمیشود کاری کرد! دیگر فایده‌ای ندارد! میخواهند این را به زور در مردم تزریق کنند. ماها که در جریان خبرهای تبلیغاتی و زهرآگین دشمنان قرار داریم؛ به عیان می‌بینیم که اغلب این خبرهایی که تنظیم میکنند، برای مأیوس کردن مردم است. مردم را از اقتصاد و از فرهنگ مأیوس کنند؛ متدینین را از گسترش دین مأیوس کنند؛ آزادی‌طلب‌ها و علاقه‌مندان به مسایل فرهنگی و مسایل سیاسی را از امکان کار سیاسی یا کار فرهنگی مأیوس کنند. آینده را در نظر افرادی که چشم به آینده دوخته‌اند، تیره و تار جلوه بدهند! برای چی؟ برای اینکه این مجموعه انسانی که دارد با امید کار میکند، این جوشش و این امید را از او بگیرند. آن را به یک موجود مرده، یا شبیه مرده تبدیل بکنند تا بتوانند هرکاری که مایلند انجام بدهند! با یک ملّت زنده که نمیتوانند هرکاری که بخواهند، انجام دهند. یک جسم بیهوش مدهوش بی‌حسی که آنجا افتاده است، هرکس هرچه دلش خواست، میتواند به او تزریق کند. با او هرکاری میتواند بکند؛ اما با یک موجود سرحال زنده باهوش متحرک و فعال که نمیتواند هرکاری را انجام بدهند؛... امروز هر نفسی، هر حنجره‌ای که برای ناامید کردن مردم بدمد، بدانید که این حنجره در اختیار دشمن است؛ چه خودش بداند، چه خودش نداند! هر قلمی که کلمه‌ای را در جهت ناامید و مأیوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد، این قلم متعلّق به دشمن است؛ چه صاحب این قلم بداند، چه نداند! دشمن از او استفاده میکند.^۱

اعتقاد به مهدی موعود علیه السلام شیعه را تا امروز از آن همه پیچ‌وخم‌های عجیب و غریبی که در سر

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

راهش قرار داده بودند، عبور داده است...هرجا که چنین اعتقادی باشد، همین امید و مبارزه وجود دارد. به همین خاطر، یکی از اساسی‌ترین کارهای استعمار، استکبار و ایادی آنها، این بوده است که عقیده‌ی امید و مبارزه را در دل مردم از بین ببرند. بارها خواسته‌اند این چراغ را خاموش کنند؛ ولی نتوانسته‌اند.^۱

این عید (نیمه شعبان) مایه‌ی امید و درست نقطه‌ی مقابل آن فضای یأس‌آلودی است که استکبار می‌خواهد در مقابل چشم مستضعفان عالم به وجود بیاورد. اگر امروز شما سیاستگذاران و طراحان برنامه‌های استکباری را مشاهده کنید، خواهید دید که از مهمترین کارها و هدفهای آنها یکی این است که در مقابل چشم مردم، فضای یأس‌آلودی نسبت به اصلاحاتی که باید انجام بگیرد، ایجاد کنند. ملت‌ها باید از صلاح مایوس بشوند، تا حربه‌ی استکبار کارگر بیافتد؛ و الا اگر ملت‌ها امیدوار باشند و امیدوار بمانند، حربه‌ی استکبار چندان کارگر نیست. سعی میکنند فضای تیره‌یی را در مقابل چشم‌ها ترسیم کنند؛ فضای تیره به این معنا که به ملت‌ها تفهیم کنند که نیروی ذاتی شما، فرهنگ شما، اعتقادات شما، شخصیت و هویت ملی شما، نمیتواند برای شما کاری انجام بدهد؛ باید قدرتهای بزرگ به شما کمک کنند تا بتوانید حرکت کنید. درست صدو هشتاد درجه مقابل این فکر، فکر انتظاری است که بر محیط ما و بر محیط‌های طرفداران مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام حاکم است. انتظار، یعنی دل سرشار از امید بودن نسبت به پایان راه زندگی بشر. ممکن است کسانی آن دوران را نبینند و نتوانند درک کنند - فاصله هست - اما بلاشک آن دوران وجود دارد؛ لذا تبریک این عید - که عید امید و عید انتظار فرج و گشایش است - درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که دشمن می‌خواهد به وجود بیاورد.^۲

استکبار جهانی و صهیونیسم در تلاش هستند تا ملت‌های تحت سیطره‌ی آنان، به وضع تحمیل شده عادت کنند و آن را رنگی ثابت، ابدی و تغییرناپذیر بپندارند. قدرت‌های استکباری خواهان غفلت، خواب‌آلوده بودن، نداشتن آرمان و نیز عدم تحرک ملت‌ها هستند و چنین وضعی را بهشت خود میدانند؛ اما انتظار فرج موجب میشود که انسان به وضع موجود قانع نباشد و بخواهد به وضعی

۱. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۲. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

بهتر و برتر دست پیدا کند.^۱

آن بعدی که مورد نظر من هست که امروز مختصراً بحث کنم، همین مسئله‌ی امید به یک آینده‌ی روشن هست. یکی از وسایل سرکوب ملت‌ها در طول تاریخ تزریق یأس و ناامیدی در آنها بوده است. در زمان خود ما هم ما دیدیم، مشاهده کردیم، در دوران مبارزات که بعضی از زبان‌ها و حنجره‌های یا مغرض یا نادان به مبارزین در کشور خود ما همواره هشدار میدادند، که مبارزه ثمری ندارد و نمیتوانید بر ظلم و جور و قهر دستگاه‌ها پیروز بشوید، در دیگر کشورها هم همین امروز به وسیله‌ی عوامل و ایادی دستگاه‌های استکبار همین تبلیغات میشود و یک یأسی به طور مزمن در دل ملت‌ها به وجود آوردند که بر سطله‌های قاهر عالم تسلط ممکن نیست. در طول تاریخ هم همیشه همین‌طور بوده، لذا یکی از رازهای موفقیت انقلاب‌های پیروز این بود که در دل مردم امید ایجاد کنند.^۲

گفتار ششم. تقدس زدایی تدریجی

من این قضیه‌ای را که اخیراً در کشور پیش آمد و قضیه‌ی دل‌خراشی بود؛ یعنی اهانت به ولی‌عصر ارواحنا فداه جلو می‌اندازم و درباره‌ی آن چند نکته‌ی لازم و مهم را عرض میکنم. بعد اگر وقتی ماند، برای بقیه‌ی مطالب باشد.

یک مطلب این است که اصل این قضیه، حقیقتاً قضیه‌ی تلخی بود. من باید عرض کنم این مطلب که در نشریه‌ای به امام عصر ارواحنا فداه اهانت شود، بنده را در مقابل ولی‌عصر عجله تعالی فرجه خجالت زده کرد؛ بنده شرم زده شدم. من به خدای متعال عرض کردم: پروردگارا! اگر به خاطر این قضیه، قلب مقدس ولی‌عصر عجله تعالی فرجه از ما آزرده و رنجیده است، متضرعانه از تو می‌خواهم که دل مبارک آن بزرگوار را از ما دوباره شاد کنی. در کشور امام زمان و در میان مردمی که عشاق ولی‌عصر ارواحنا فداه هستند، چنین پدیده‌ای بسیار زشت و سنگین است. البته مردم، علمای اعلام و مسئولان کشور، هرکدام به فراخور مسئولیت و موقعیتی که داشتند، با این قضیه برخورد شایسته‌ای کردند؛ اعلام بیزاری و برائت نمودند. خیلی اوقات اتفاق می‌افتد آن کسانی که میخواهند مقدسات را در چشم

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۵/۱۰/۸.

۲. ولایت و حکومت، ص ۲۰۴.

مردم بشکنند و از ذهن مردم بیرون کنند، از کارهای علی‌الظاهر کوچک این‌طوری شروع میکنند؛ برای اینکه عکس‌العمل مردم را بسنجند. اگر علما و مسئولان کشور، موضع‌گیری نمی‌کردند و اگر مردم ابراز نفرت و انزجار نمی‌کردند، احتمال داشت این قدم اول به قدم بعدی برسد و آن قدم بعدی از این فاحش‌تر باشد و به همین ترتیب پیش برود. اینجا غیرت دینی مردم حقیقتاً به‌جا و به‌موقع عکس‌العمل نشان داد.^۱

گفتار هفتم. شبهه‌افکنی

در دنیا هم‌اکنون در بُعد اعتقادی، دیگر آن شبهات توحید، خداشناسی و اصل دین که زمانی رایج بود، خیلی مطرح نیست؛ لیکن شبهات گوناگون دیگری مطرح است؛ شبهاتی مربوط به امام زمان (عج) شبهاتی از ناحیه‌ی وهابیه‌ها نسبت به عقاید شیعی... یک وقت از روی جهالت دنبال این فکر می‌رفتند، اما امروز دستگاه‌هایی این فکرها را تزریق میکنند و ما شاهد آن هستیم. بنابراین، واقعاً این نکات باید جستجو و سنجیده شود که کدام شبهه امروز برای ریختن جلوی ذهن جوانان، آماده و تراشیده و جدا میشود. وقتی که این شبهات شناخته شد، باید به یکایک آنها در قالب بحثهای اعتقادی پاسخ داده شود. شاید هر چند سال یکبار هم این پرسشها و پاسخها فرق کنند.^۲

گفتار هشتم. رواج روزمرگی و غفلت‌زدگی

استکبار جهانی و صهیونیسم در تلاش هستند تا ملتهای تحت سیطره‌ی آنان، به وضع تحمیل شده عادت کنند و آن را رنگی ثابت، ابدی و تغییرناپذیر بپندارند. قدرت‌های استکباری؛ خواهان غفلت، خواب‌آلوده بودن، نداشتن آرمان و نیز عدم تحرک ملت‌ها هستند و چنین وضعی را بهشت خود میدانند؛ اما انتظار فرج موجب میشود که انسان به وضع موجود قانع نباشد و بخواهد به وضعی بهتر و برتر دست پیدا کند.^۳

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۸/۷/۹.

۲. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۱۲/۲۷.

۳. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۵/۱۰/۸.

گفتار یازدهم. مبارزه با روحیه‌ی انقلابی

امروز دستگاه‌های تبلیغاتی مراکز استکباری دنیا و روشنفکران وابسته به آنها، در سطح عالم این‌طور تبلیغ میکنند که هیچ حرکتی در مقابل نظم ظالمانه‌ی کنونی ممکن نیست. با فکر انقلاب و آرمان‌گرایی مبارزه میکنند و میخواهند ملت‌ها را متقاعد کنند که به همین وضعیت کنونی ظالمانه‌ی دنیا بسازند و در مقابل آن هیچ عکس‌العملی نشان ندهند. فکر اعتقاد به مهدی، نقطه‌ی مقابل این تبلیغات غلط و ظالمانه است. جوانان و روشنفکران و عموم ملت ما با اعتقاد به ظهور مهدی علیه الصّلاة و السّلام این اعتقاد را سخ را در دل خود پرورش میدهند که نظم ظالمانه‌ی جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست؛ میشود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد.^۱

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.



□ بخش دوازدهم. مراکز. مکانها و

افراد مرتبط با مهدویت



مطلب اول. زمان‌ها مرتبط با مهدویت

گفتار اول. نیمه‌ی شعبان

نیمه‌ی شعبان، عید منتظران عدالت

عید میلاد مبارک و با سعادت و سرشار از امید و انتظارِ امام غایب و حجت الهی در زمین، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف... روز عید و جشن همه‌ی منتظران عالم و همه‌ی کسانی است که در اعماق جان خود، انتظار آزادی، عدالت، رهایی از ظلم، تعدی و طغیان را دارند.^۱

نیمه‌ی شعبان عید انسانهای آزاده

روز ولادت مهدی موعود ارواحنا لتراب مقدمه الفداء حقیقتاً روز عید همه‌ی انسانهای پاک و آزاده عالم است. فقط کسانی در این روز ممکن است احساس شادی و خرسندی نکنند که یا جزء پایه‌های ظلم و یا جزء پیروان طواغیت و ستمگران عالم باشند؛ و الا کدام انسان آزاده‌ای است که از گسترش عدالت، از برافراشته شدن پرچم دادگری و رفع ظلم در سراسر جهان، خرسند نشود و آن را آرزو نکند!^۲

نیمه‌ی شعبان، عیدی منحصر به فرد

تفاوت عید ولادت حضرت بقیةالله (ع) با بقیه‌ی اعیاد اسلامی این است که اعیاد بزرگ، همه از گذشته حکایت میکنند؛ اما عید ولادت حضرت بقیةالله به آینده نوید میدهد. برای همین است که دلهای مؤمنان، به این روز بزرگ و این ولادت عظیم وابسته است.^۳

نیمه‌ی شعبان، عید باور به آینده‌ی روشن

روز نیمه‌ی شعبان، روز امید و ایمان به آینده، روز مجاهدان پاکباز و صادق و روز نگاه به آینده‌ی روشن و تلاش برای آن است.^۴

نیمه‌ی شعبان، عید ستمدیدگان و دلسوختگان

روز ولادت حضرت مهدی موعود ارواحنا فداء یک عید حقیقی، برای همه‌ی افراد بشر و آن کسانی

۱. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (ع)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۲. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی (ع)، ۱۳۷۸/۹/۳.

۳. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۸.

۴. سخنرانی مقام معظم رهبری در نجف آباد، ۱۳۸۰/۸/۱۰.

که ستمی کشیدند؛ رنجی بردند؛ دلی سوزاندند؛ اشکی ریختند و انتظاری کشیدند و کسانی که با مشاهده‌ی ناملایمات، در طول حیات خود و در هر نقطه‌ای از عالم و حتی در نقطه‌ای از تاریخ مصیبتی تحمل کرده‌اند؛ است. همه‌ی آنها در مثل چنین روزی و به یاد امروز، احساس شادمانی و امید و نشاط کرده‌اند.^۱

نیمه‌ی شعبان عید مافوق زمان

این ولادت بزرگ و این حقیقت عظیم، متعلق به یک ملت و یک زمان خاص نیست؛ بلکه متعلق به بشریت است. این «مِثَاقُ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ» میثاق خدا با انسان است. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِي ضَمِنَهُ» این وعده‌ی خدا است که تحقق آن را ضمانت کرده است. همه‌ی انسانهای طول تاریخ، نسبت به این پدیده‌ی عظیم و شگفت‌آور، احساس نیاز معنوی و قلبی کرده‌اند؛ چون تاریخ از اول تا امروز و از امروز تا لحظه‌ی طلوع آن خورشید جهان‌تاب، با ظلم، بدی و پلیدی آمیخته بوده است. همه‌ی کسانی که از ظلمی رنج برده‌اند - چه آنهایی که به خود آنان ظلم شده است و رنج برده‌اند و چه کسانی که به ستم‌کشی دیگران نگاه کرده‌اند و رنج برده‌اند - با یاد ولادت این منجی عظیم تاریخ و بشر در دلشان امیدی به وجود می‌آید.^۲

نیمه‌ی شعبان، عیدالله الاکبر

روز ولادت (امام زمان)، برای همه‌ی بشر و تاریخ حتی برای گذشتگان عید است. کسانی که در دوران تاریک فرعون‌ها، غرودها، ابوجهل‌ها و سلاطین ظالم، در فقر و ظلم و تبعیض سر کردند، مردند، رنج کشیدند و روی خوبی ندیدند، امروز (نیمه شعبان) برای آنها هم عید است. اگر روح آنها در عالم برزخ، از بعضی تفضلاتی که پاره‌ای از ارواح برخوردارند، بهره‌مند باشند؛ یقیناً آنها هم مثل چنین روزی، شادی خواهند کرد. امروز با بقیه‌ی ایام و اعیاد تفاوت دارد. واقعاً اگر ما امروز را عیدالله الاکبر بنامیم، مبالغه و گزاف نیست.^۳

یکی از مهمترین روزهای سال، روز نیمه‌ی شعبان است که هم مصادف با ولادت ذی‌جود و مسعود حضرت بقیةالله ارواحنا فداه شده است و هم شب و روز نیمه‌ی شعبان با قطع نظر از ولادت این

۱. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۲. همان.

۳. همان.

بزرگوار در این شب و روز از لیالی و ایام متبرکند. شب نیمه‌ی شعبان، شب بسیار متبرکی است. تالی‌تلی لیالی قدر و وقت توجّه، تذکر و توسّل به ذیل عنایات باری‌تعالی و طلب و درخواست است. اعمال و ادعیه‌ای هم دارد که اگر موفق شده‌اید و آنها را انجام داده‌اید، ان‌شاءالله مشمول قبول پروردگار باشد. اگر کسانی هم غفلت کردند و توجّه نداشتند، به یاد نکهدارند که همه‌سال، شب نیمه‌ی شعبان را مغتنم بشمارند.^۱

لزوم درس گرفتن از نیمه‌ی شعبان

این میلاد و این یاد بزرگ باید به ما درس بدهد. احساسات، بسیار خوب است؛ عواطف، پشتوانه‌ی بسیاری از اعمال نیکوی انسانهاست؛ ایمان و عقیده‌ی قلبی به وجود این منجی عظیم عالم، شفاعت بسیاری از بیماریها و دردهای معنوی، روحی و اجتماعی است؛ ولی فراتر از همه‌ی اینها، ما باید از این یاد، از این خاطره و از این حادثه‌ی عظیم، درس بگیریم. هر سال این جشنها بر پا میشود و دلها را معطر میکند. اگر درسهای عمیقی که در تجدید این خاطره وجود دارد، برای رفتار ما و عمل ما بتواند یک آموزنده و معلّم به حساب آید، یقیناً پیشرفت جامعه‌ی ما به سمت کمال، روان‌تر و سریع‌تر خواهد شد.^۲

مسئله‌ی ولادت حضرت مهدی علیه الصلاة والسلام و عجل الله تعالی فرجه الشریف، از این جهت هم حائز اهمیت است که مسئله‌ی انتظار و دوران موعود را که در مذهب ما، بلکه در دین مقدّس اسلام ترسیم شده است دوران موعود آخرالزمان، دوران مهدویت، ما به یاد بیاوریم، روی آن تکیه کنیم و بر روی آن مطالعه و دقّت و بحثهای مفیدی انجام گیرد.^۳

نیمه‌ی شعبان، روز امید

روز نیمه‌ی شعبان روز امید است.^۴ تبریک این عید که عید امید و عید انتظار فرج و گشایش است.^۵ خصوصیت نیمه‌ی شعبان و جشن ولادت حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداء عبارت است از امید و عدالت. دو نقطه‌ی برجسته‌ای که در انتظار ما و جشن‌گیری ما برای نیمه‌ی شعبان وجود دارد، یکی مسئله‌ی

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۲. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان (عج)، ۱۳۷۹/۸/۲۲.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۴. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۵. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

امیدزایی است که نوید این ولادت و آینده‌ای که بر اثر این ولادت، دنیای بشر در انتظار آن است، خود این امیدزاست...^۱

شب نیمه‌ی شعبان، تالی تلو لیالی قدر

یکی از مهمترین روزهای سال، روز نیمه‌ی شعبان است که هم مصادف با ولادت ذی‌جود و مسعود حضرت بقیة‌الله ارواحنا فدا شده است و هم شب و روز نیمه‌ی شعبان - با قطع نظر از ولادت این بزرگوار در این شب و روز - از لیالی و ایام متبرکند. شب نیمه‌ی شعبان، شب بسیار متبرکی است. تالی‌تلو لیالی قدر و وقت توجّه، تذکر و توسّل به ذیل عنایات باری‌تعالی و طلب و درخواست است. اعمال و ادعیه‌ای هم دارد که اگر موفق شده‌اید و آنها را انجام داده‌اید، ان‌شاءالله مشمول قبول پروردگار باشد. اگر کسانی هم غفلت کردند و توجّه نداشتند، به یاد نگهدارند که همه سال، شب نیمه‌ی شعبان را مغتنم بشمارند.^۲

گفتار دوم. شب قدر

لیلة‌القدری که در این ماه رمضان است و قرآن صریحاً می‌فرماید: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» یک شب بهتر است از هزار سی روز، هزار ماه» بسیار مهم است. چرا این قدر فضیلت را به یک شب دادند؟ زیرا برکات الهی در این شب زیاد است؛ نزول ملائکه در این شب زیاد است؛ این شب، سلام است؛ «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»؛ از اول تا آخر این شب، لحظاته‌ش سلام الهی است. «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ». رحمت و فضل الهی است که بر بندگان خدا نازل میشود. لیلة‌القدر، شب ولایت است. هم شب نزول قرآن است، هم شب نزول ملائکه بر امام زمان علیه‌السلام است، هم شب قرآن و شب اهل بیت است، هم شب قرآن و هم شب عترت است. لذا سوره‌ی مبارکه قدر هم، سوره‌ی ولایت است.^۳

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت و در آستانه‌ی نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۶/۶/۴.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی علیه‌السلام، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۳. بیانات در دیدار علما، طلاب و اقشار مختلف مردم شهر مقدّس قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی‌ماه، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹.

امشب را قدر بدانید. شب بسیار مهمی است؛ شب بسیار عزیزی است. به ولی عصر، ارواحنا فدا، توجه کنید؛ به در خانه‌ی خدا، مسجد، بروید و به برکت امام زمان از خدای متعال خواسته‌هایتان را بگیرید. بنده هم از همه‌ی شما ملتمس دعا هستم.^۱

ما نمیدانیم آیا دیشب که محتمل‌القدر بود، مشمول دعای ولی عصر ارواحنا فدا قرار گرفتیم یا نه؟ اگر آن بزرگوار یک دعا در حق ما بکند و گوشه‌ی چشمی نشان دهد، همه‌ی مشکلات ما حل خواهد شد. پروردگارا! مشکلاتی داریم که با دعای ما (یعنی با دعای امثال من) معلوم نیست حل شود. آن مشکلات، با دعای امام زمان حل میشود. پروردگارا! به حق محمد و آل محمد، ای مالک قلوب، به قلب منور و مطهر آقای ما، سید ما و امام و صاحب ما بیانداز که ما امت مسلمان را در شب قدر دعا کند! پروردگارا! دعای او را در حق ما مستجاب کن.^۲

گفتار سوم. روز جمعه

پروردگارا! در این پیش از ظهر جمعه، در این روزی که متعلق به ولی تو و عبد صالح تو، حضرت حجة بن الحسن ارواحنا فدا است، تو را به آن بزرگوار و به خاندان پیغمبر و به وجود مقدس نبی اکرم ﷺ و به همه‌ی اولیاء سوگند میدهم... ملت ایران را سربلند و منصور و مظفر بگردان.^۳

گفتار چهارم. عاشورا

اگر همه‌ی ما عاشورایی باشیم، حرکت دنیا به سمت صلاح، سریع، و زمینه‌ی ظهور ولی مطلق حق، فراهم خواهد شد. باید این مفاد برای مردم بیان شود.^۴

هیئات که امت محمد ﷺ سیراب‌شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان، به مرگ ذلت‌بار و به اسارت غرب و شرق، تن در دهند.^۵

اگر به گونه‌ای که طی چهار، پنج سال اخیر بعد از جنگ، قمه زدن را ترویج کردند و هنوز هم میکنند، در زمان حیات مبارک امام رضوان‌الله علیه ترویج میکردند، قطعاً ایشان در مقابل این قضیه

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۱/۱/۷.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۲۱ رمضان، ۱۳۷۲/۱۲/۱۳.

۳. همان.

۴. سخنرانی در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت‌کننده در اردوی فرهنگی، رزمی یاران امام علی (علیه السلام)، ۱۳۷۹/۷/۲۹.

۵. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۸۷/۴/۱۴.

می‌ایستادند. کار غلطی است که عده‌ای قمه به دست بگیرند و به سر خودشان بزنند و خون بریزند. این کار را میکنند که چه بشود؟! کجای این حرکت عزاداری است؟! البته، دست بر سر زدن، به نوعی نشانه‌ی عزاداری است. شما بارها دیده‌اید، کسانی که مصیبتی برایشان پیش می‌آید، بر سر و سینه‌ی خود میکوبند. این نشانه‌ی عزاداری معمولی است. اما شما تا به حال کجا دیده‌اید که فردی به خاطر رویکرد مصیبت عزیزترین عزیزانش، با شمشیر بر مغز خود بکوبد و از سر خود خون جاری کند؟! کجای این کار، عزاداری است؟! قمه زدن، سنتی جعلی است. از اموری است که مربوط به دین نیست و بلاشک، خدا هم از انجام آن راضی نیست. علمای سلف دستشان بسته بود و نمیتوانستند بگویند «این کار، غلط و خلاف است». امروز روز حاکمیت اسلام و روز جلوه‌ی اسلام است. نباید کاری کنیم که احاد جامعه‌ی اسلامی برتر؛ یعنی جامعه‌ی محب اهل بیت علیهم‌السلام که به نام مقدس ولی عصر ارواحنا فدا، به نام حسین بن علی علیهما‌السلام و به نام امیر المؤمنین علیه‌الصلاة و السلام مفتخرند، در نظر مسلمانان و غیر مسلمانان عالم، به عنوان یک گروه آدم‌های خرافی بی‌منطق معرفی شوند. من حقیقتاً هرچه فکر کردم، دیدم نمیتوانم این مطلب- قمه زدن- را که قطعاً یک خلاف و یک بدعت است، به اطلاع مردم عزیزمان برسانم. این کار را نکنند.^۱

گفتار پنجم. غدیر

مردم عزیزمان و به‌خصوص جوانها هم به برکت غدیر، بدانند این راهی که اسلام، قرآن و خط غدیر ترسیم کرده، یک راه روشن است؛ راهی است که با استدلال و فلسفه‌ی مستحکمی ترسیم شده و روندگان بسیار بزرگ و عظیم‌المنزلی پیدا کرده است. امروز هم خوشبختانه این راه در دنیا مطرح است و دیگر ما در تنهایی و عزلت نیستیم. امروز ما در مرکز و محور توجه مردم جهان به‌خصوص کشورهای اسلامی هستیم. راه، راه خوش‌عاقبت و روشنی است؛ با تلاش مسئولان و با امید و پشتیبانی قشرهای مختلف مردم بایستی قدم‌به‌قدم این راه را طی کنیم و پیش برویم. این راه گرچه کوتاه‌مدت نیست، اما همان راهی است که بالاخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که إن شاء الله زمینه‌های ظهور مهدی موعود صلوات الله علیه و عجل الله فرجه را فراهم خواهد کرد.^۲

۱. بیانات در جمع روحانیون استان کهگیلویه و بویراحمد در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۷۳/۳/۱۷.

۲. بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴.

همه‌ی پیغمبران آمده‌اند تا ما را به آن نقطه‌ای برسانند که زندگی بشر تازه شروع میشود. پیغمبر خاتم اگر بخواهد انسانها را به مقتضای دین خاتم به اینجا برساند، باید چه کار کند؟ باید این تربیتی که او ارزانی انسانها کرده است، مستمر و طولانی باشد و چندین نسل را پی‌درپی شامل شود. خود پیغمبر اکرم که از دنیا خواهد رفت «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ» پس باید کسی را نصب کند که بعد از خود او دقیقاً همان راه و همان جهت و همان شیوه‌ها را مورد استفاده قرار دهد، و او علی‌بن ابی‌طالب است. معنای نصب غدیر این است. اگر آن روز امت اسلامی، نصب پیغمبر را درست و با معنای حقیقی خودش درک میکرد و تحویل میگرفت و دنبال علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام راه می‌افتاد و این تربیت نبوی استمرار پیدا میکرد و بعد از امیرالمؤمنین (ع) هم انسانهای معصوم و بدون خطا، نسلهای بشری را مثل خود پیغمبر، پی‌درپی زیر تربیت الهی خویش قرار میدادند، بشریت بسیار زود به آن نقطه‌ای میرسید که هنوز به آن نقطه نرسیده است. علم و فکر بشری پیشرفت میکرد؛ درجات روحی انسانها بالا میرفت؛ صلح و صفا در بین انسانها برقرار میشد و ظلم، جور، ناامنی، تبعیض و بی‌عدالتی از بین مردم رخت برمی‌بست.^۱

گفتار ششم. ایام حج

این فرصت (حج) را مغتنم بشمارید و با دعا برای امت اسلامی و دعا برای تعجیل در ظهور مهدی موعود سلام‌الله‌علیه و عجل‌الله فرجه، از هر کرانه خود را در این اقیانوس عظیم شستشو دهید.^۲ حج‌گزاران عزیز را به خشوع، ذکر، انابه و تلاوت قرآن با تدبیر و حضور در نمازهای جماعت و مهربانی با حاجیان کشورهای دیگر و پرهیز از وقت‌گذرانیهای بیهوده فرا میخوانم و از خداوند متعال موفقیت و عافیت و قبولی عبادات شما را مسئلت میکنم و همه را به دعا برای حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه و فرا رسیدن حکومت عدل جهانی آن ذخیره‌ی الهی دعوت میکنم.^۳

گفتار هفتم. نوروز

آنچه مهم است، عمل و نیت ماست. نوروز، به معنای روز نو و حالت نو بوده و هست. از لحاظ طبیعت، روز اول حَمَل که اول بهار حساب شده است، روزی نو محسوب میشود؛ لیکن روز نو،

۱. همان.

۲. پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت کنگره عظیم حج، ۱۳۸۵/۱۰/۸.

۳. پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۳/۱۰/۲۹.

منحصر به تجدید وضعیتی در طبیعت نیست؛ همچنان که در بعضی از روایات واردشده‌ی در باب نوروز از ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام، انسان خوب احساس میکند که آن بزرگواران هم، بنا به رسم اسلام که همه جا رسوم، سنتها و واژه‌ها را گرفت و محتوای آنها را عوض کرد در مورد کلمه‌ی نوروز و روز نوروز، درصدد چنین کاری بودند. وقتی از امام علیه‌السلام سؤال میکنند که «ما النوروز؟» حضرت طبق بعضی از تعبیرات میفرمایند: «آندری ما النوروز؟» میدانی که نوروز چیست؟ نمیگویند، میدانی نوروز چه وقتی است؛ میفرمایند، میدانی نوروز چیست؟ آن وقت در معنای نوروز و اینکه نوروز چیست، در روایات مختلف، تعبیرات مختلفی هست. مثلاً آن روزی که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، امیرالمؤمنین را به خلافت منصوب کرد، آن روز، نوروز بود. یا در روایت دیگر، آن روزی که دجال در آخرالزمان، به دست حضرت مهدی ارواحنا فداه به قتل برسد، آن روز، نوروز است. یا حتی در بعضی از روایات آمده، آن روزی که آدم هبوط کرد، آن روز، نوروز بود. نوروز، یعنی روزی نو در تاریخ بشر و حالتی نو در زندگی انسانها. علی‌الظاهر در این روایات، امام نمیخواهند بفرمایند که آن روزی که این وقایع در آن اتفاق افتاده است، یا خواهد افتاد، با روز اول حمل، مصادف بوده یا خواهد بود. نه، خیلی مستبعد است که مراد این باشد؛ مراد این است که معنای نوروز را بفهمیم. نوروز، یعنی روزی که شما با عمل خودتان، با حادثه‌یی که اتفاق می‌افتد، آن را نو میکنید. روز بیست و دوم بهمن که ملت ایران، حادثه‌ی عظیمی را به کمک خدا تحقق بخشید، روز نویی (نوروز) است. آن روزی که امام امت، قاطعاً به دهان مستکبر قلدر گردن کلفت دنیا یعنی امریکا مشت کوبید، آن روز، روز نو و راه نویی (نوروز) بود؛ حادثه‌ی نویی بود که اتفاق می‌افتاد و افتاد. ما باید نوروز را، نو روز کنیم. نوروز به حسب طبیعت، نوروز است؛ جنبه‌ی انسانی قضیه هم به دست ماست که آن را نوروز کنیم.^۱

مطلب دوم. مکان‌ها مرتبط با مهدویت

۱. مسجد مقدس جمکران

قم خاستگاه انقلاب است؛... اینجا قطب زیارتی و معنوی است؛ اینجا حرم حضرت معصومه علیها السلام این بارگاه باشکوه قرار دارد؛ مسجد جمکران در اینجا بنا شده است.^۲

۱. سخنرانی در دیدار با مسئولان کشوری و لشکری در نخستین روز از سال نو و در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان، ۱۳۶۹/۱/۱.

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۸۹/۷/۲۷.

جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ ابوالقاسم وافی دامت افاضاته؛ جنابعالی را به سمت تولیت مسجد مقدس جمکران و رقبات مربوط به آن منصوب می‌کنم و امیدوارم این شرف و منزلت والا، توفیق خدمتگزاری به آن مکان مقدس را به جنابعالی ارزانی دارد. لازم است با دقت و جدیت و با همکاری هیأت امنای محترم به حراست از آن مسجد و متعلقات و عائدات آن اقدام کرده و تلاش مداوم در بهسازی این مکان متبرک و ارائه هر چه بهتر خدمات برای زائران و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام که موجب جلب رضایت حضرت بقیه الله ارواح العالمین له الفداء می‌گردد، مبذول فرمایید. بدیهی است همه‌ی مراکز و سازمانها در راه خدمت بیشتر به این پایگاه عظیم تشیع، جنابعالی را مساعدت خواهند نمود. از سازمان اوقاف و آقایان محترم که تا کنون به این آستان مقدس خدمت کرده‌اند، سپاسگزارم.^۱

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدحسن رحیمیان دامت افاضاته؛ با قدردانی از خدمات با ارزش جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای وافی در مسجد جمکران، جنابعالی را به تولیت آن مکان مقدس و نورانی منصوب می‌کنم. بیشک خدمتگزاری به آن جایگاه رفیع، شرف و منزلت والایی است که به شکرانه‌ی آن، شایسته است همه‌ی توان برای تسهیل بهره‌مندی مشتاقان و ایجاد فضای معنوی و قدسی برای استفاده‌ی روحی و فکری مؤمنان، به کار رود.^۲

نماز شب خواندن، نافله خواندن، دعا خواندن، ذکر گفتن، متوجه خدا بودن، زیارت رفتن، توسل کردن و به مسجد جمکران رفتن، سازنده است؛ اینها شما را پولادین خواهد کرد.^۳

مطلب سوّم. مراکز مرتبط با مهدویت

۱. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

خیلی خوش آمدید. عزیزان! ان شاء الله که خداوند هم شما (آقای قرائتی) و هم این دوستانِ با همتی را که دامن همت به کمر زده‌اند و این کار را شروع کرده‌اند، مشمول لطف و رحمت خود قرار بدهد. بحمدالله این کار، کار با برکتی است و معلوم میشود که در این سالهای کوتاه، پیگیری خوبی

۱. حکم انتصاب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ ابوالقاسم وافی به تولیت مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۹/۱۱/۱۸.

۲. انتصاب حجة الاسلام رحیمیان به تولیت مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۲/۶/۱۹.

۳. سخنرانی در اجتماع طلاب و فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۷۰/۱۲/۱.

صورت گرفته است. ماشاء الله، همه کارهای آقای قرائتی، با همت و پشتکار همراه است. ان شاء الله، خدا، به ایشان و نیز به همه‌ی دوستان دیگری که هر کدام به نحوی، گوشه‌ی این کار را گرفته‌اند، کمک کند... خداوند، توفیقشان بدهد و ان شاء الله، برکات، توجّهات و نظر لطف و مرحمت آن بزرگوار، شامل حال همه‌ی شما، به‌خصوص دوستان و برادرانی باشد که مسئولیتی قبول کرده‌اند و فعالیت‌های ارزشمندی را انجام می‌دهند.^۱

مطلب چهارم. شخصیت‌هاک فعال در عرصه‌ک مهدویت

گفتار اول. شیخ طوسی رحمته‌الله

وقتی غیبت صغری تمام شد و شیعیان فهمیدند که دسترسی به مولا و امام خودشان به این زودیا و به این آسانیا نخواهند داشت، یک بحران روحی عجیبی در بین شیعه به وجود آمد. علمای شیعه، به‌وقت به این بحران روحی جواب دادند. این کتابهای «غیبت نعمانی»، «غیبت طوسی» را که می‌بینید، پاسخ به این بحران روحی است.^۲

شیخ طوسی با آن علو مقام که از لحاظ علمی، در بین همه‌ی علمای شیعه از اول تا امروز، نظیرش واقعاً نیامده است اینها در نهایت شدت زندگی کردند. خانه و کتابخانه‌ی شیخ طوسی را در بغداد آتش زدند؛ مردی که سالهای متمادی در بغداد مسند تدریس داشت، آواره کردند؛ به نجف پناه آورد و بعد از آن، سالها در نجف زندگی کرد که نجف حوزه شد.^۳

معمولاً تاریخ تشکیل حوزه‌ها را به زمان شیخ الطایفه، شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه می‌رسانند و شاید قبل از آن هم بشود این تاریخچه را پیش برد.^۴

هزار سال است که زی اهل علم در روحانیت شیعه، از زمان شیخ مفید رحمته‌الله و شیخ طوسی رحمته‌الله تا حالا، محور و مرکز امید مردم برای امور بوده است.^۵

۱. سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۸۲/۲/۳۰.

۲. بیانات در دیدار علما و روحانیون استان خراسان رضوی، ۱۳۸۶/۲/۲۶.

۳. بیانات در دیدار با امام جمعه، علما و روحانیون کرمان، ۱۳۷۰/۸/۳۰.

۴. سخنرانی در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد، ۱۳۶۹/۱/۴.

۵. سخنرانی در مراسم عیامه‌گذاری گروهی از طلاب، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

گفتار دوم. شیخ صدوق قدس سره

شیخ صدوق رضوان الله علیه که جزو نسل سومیه‌ها و چهارمیهای این حرکت عظیم است، وقتی به بغداد رفت که بغداد مرکز شیعه و مرکز حدیث بود. در پای منبر او علما، فضلا و بزرگانی جمع شدند و از او استفاده کردند. لذا ملاحظه میکنید که شیخ صدوق، شیخ و استاد مفید رضوان الله علیهما است.^۱

اولین حوزه‌ی اساسی مهم تشیع در این شهر (قم) تشکیل شده است و بزرگانی از قبیل شیخ کلینی قدس سره و شیخ صدوق قدس سره و دیگران بهره‌مندان از این چشمه‌ی فیض بوده‌اند، که آثار آنها نگهدارنده‌ی معارف اهل بیت علیهم السلام در طول قرنهای متمادی بوده است.^۲

گفتار سوم. شیخ کلینی قدس سره

کتاب کافی، در دوره‌ای هزار و صد ساله، از وفات مرحوم کلینی در ۳۲۹ هجری تا روزگار ما، بیش از هزار سال است که مرجعیت علمی دارد و بین جوامع شیعه، دست به دست می‌گردد و هرگز هیچ فقیه، متکلم یا مفسر شیعه، از آن مستغنی نبوده است. با وجود این و با وجود چاپ‌های متعددی که از این کتاب، انجام گرفته تاکنون، حق آن ادا نشده بود و به نظر این جانب، چاپ عرضه شده به مناسبت این کنگره به خاطر تصحیح فنی بسیار خوب، مراجعه‌ی دقیق به نسخه‌های اصلی، ذکر گسترده‌ی نسخه بدلها، جدا کردن آسانید از متن روایات و مزایای دیگر، اثر برجسته و ارزشمندی است که با سلیقه‌ی به کار رفته در آن، ان شاء الله یادگاری ماندگار خواهد بود. شخصیت شیخ کلینی رحمه الله علیه نیز شخصیت علمی بارز و برجسته‌ای است. او در هر دو حوزه‌ی ری و بغداد، سال‌های زیادی را به علم‌آموزی و اخذ حدیث از محضر اساتید و مشایخی که شمار آنها بیش از پنجاه تن است، سپری کرد و از دیگر سو، به تربیت گروه بزرگی از طالبان علم و معارف مکتب اهل بیت علیهم السلام پرداخت که خود، گواهی بر برجستگی‌های علمی شیخ کلینی‌اند. کلینی، تنها یک محدث نبود. بررسی کتاب کافی، از جهت چگونگی تبویب، تقدیم و تأخیر ابواب آن و عناوین انتخابی آنها (نظیر کتاب العقل و الجهل، کتاب الحجة، کتاب التوحید و ...) نشان میدهد که کلینی، علاوه بر آن که محدثی بزرگ است، متکلمی چیره‌دست نیز

۱. بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه‌ی قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹.

۲. همان.

هست و محتوا، روش و عناوین به کار گرفته شده توسط وی، ناظر به مسایل کلامی رایج در روزگار اوست. ضمناً مقدمه‌ی شیخ بر کافی، مقدمه‌ی درخشانی است که نشان می‌دهد این مرد، چه تسلطی بر عبارات، کلمات، مطالب و مفاهیم کلامی و ... داشته است. عصر کلینی نیز روزگار حساس و دشواری است. ولادت او، در حوالی سال ۲۶۰ هجری اتفاق افتاده است که سال وفات امام عسکری علیه‌السلام و آغاز غیبت صغراست و با در نظر گرفتن سال درگذشت او (یعنی ۳۲۹ هجری) در میابیم که حیات وی کاملاً منطبق بر دوره‌ی غیبت صغراست که از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین برهه‌ها در تاریخ تشیع است و شیخ کلینی، تقریباً بیست سال پایانی عمر خویش را، در بغداد به سرآورد که محل سکونت نواب اربعه و کلای ناحیه‌ی مقدسه بود و این ویژگیها در حیات کلینی برای کسانی که میخواهند درباره‌ی حرکت علمی شیعه به تحقیق بپردازند، در خور توجه است. به هر حال، به نظر این جانب، تجلیل از کلینی، تجلیل از علم، تجلیل از دین و تجلیل از تشیع است. کافی نیز اثر ارزشمندی است و در مورد این کتاب شریف و مؤلف بزرگوارش، هر چه تجلیل و هر اندازه کار علمی انجام بشود، جا دارد.^۱

گفتار چهارم. شیخ مفید رحمته‌الله

پس از آغاز دوران غیبت و به ویژه بعد از انتهای دوره‌ی ۷۴ ساله‌ی غیبت صغری و انقطاع کامل شیعیان از امام غائب ارواحناده، یکی از خطراتی که کلیت مکتب اهل بیت را تهدید میکرد، این بود که اشتباه و انحراف عمدی یا غیر عمدی کسانی از منسوبین به این مکتب، چیزهایی را از آن کاسته یا به آن بیافزاید، و یا بر اثر کم رنگ شدن مرزبندی‌های اصولی مکتب، خطوط انحرافی با آن آمیخته و انحرافات مسلکهای اعتقادی یا مذهبهای جعلی با حقایق آن ممزوج گردد. در دوران حضور امام علیه‌السلام هرگاه چنین چیزی پیش می‌آمد یا خطر آن مطرح میشد، شخص شخیص امام، آن محور و مرکز مطمئنی بود که همه چیز با آن مقایسه، اندازه‌گیری و درباره‌ی آن قضاوت میشد. پس از آن تا امام علیه‌السلام در میان مردم بود، اشتباهات دیری نمیپایید و آن پیشوای معصوم خطاهای عمده را در مقطع حساس تبیین میکرد. شعیه مطمئن بود که اگر در خط کلی مکتب، از سویی زاویه‌ی انحرافی پدید آید، بالاخره حجت آشکار خواهد شد و آنکه در پی کشف حقیقت است، آن را خواهد یافت. در تاریخ دوران زندگی ائمه علیهم‌السلام به نام اشخاصی برمی‌خوریم که به خاطر

۱. پیام به کنگره‌ی بین المللی بزرگداشت ثقة الاسلام کلینی رحمته‌الله، ۱۳۸۸/۲/۱۷.

احداث بدعتی یا تأسیسی راه غلطی و ترویج عقیده‌ی باطلی، صریحاً از سوی ائمه علیهم‌السلام مورد طعن و رد قرار گرفته‌اند، مانند محمد بن مفلح معروف به ابی‌الخطاب، یا ابن ابی‌العزافر معروف به شلمغانی (که این مورد در دوران غیبت صغری اتفاق افتاده است) و کثیری امثال آن. حتی به مواردی نیز برخورد می‌کنیم که در اختلاف میان دو دسته از اصحاب با اخلاص و صادق هنگامی که یک دسته از آنان کسی یا جمعی را به خاطر عقیده‌ی مورد طرد و لعن قرار داده‌اند، امام در دفاع از آن فرد یا جمع مطعون، وی را مورد مدح قرار داده و بدین‌وسیله آن عقیده را تأیید کرده یا انحرافی را که بدو گمان برده بودند، رد فرموده است. مثل تأیید امام از یونس بن عبدالرحمن هنگامی که قمیین او را طرد و روایات منکری از او نقل کردند و صدور عبارت: «رحمة الله کان عبداً صالحاً...» یا: «ان یونس اول من یجیب علیاً اذادعا» (رجوع شود به رجال کشی در شرح حال یونس بن عبدالرحمن) و نیز هنگامی که خاندان بنی‌فضال که به خاطر وثاقت و علم مورد اتفاقشان مورد مراجعه‌ی طالبان علوم اهل بیت قرار می‌گیرند، با صدور عبارت: «خذوا ما رووا و ذروا مادرؤا...» از نفوذ عقیده‌ی انحرافی آنان (فطحی) در میان توده‌ی شیعه مانع می‌گردد. و از این قبیل موارد در تاریخ مناسبات ائمه با اصحاب معاصرینشان بسیار است. با این نگرش، امام (علیه‌السلام) در دوران حضور، همان مرزبان بیدار و هماره هوشیاری است که وظیفه‌ی حراست از مرزهای مکتب را که وی حافظ کلیت آن است، شخصاً بر دوش گرفته است.

اما در دوران غیبت، به‌خصوص غیبت کبری وضع کاملاً تفاوت می‌یابد. در این دوران از طرفی به خاطر نیازهای روز افزونی که اکنون دیگر نه به وسیله‌ی امام علیه‌السلام، بلکه به وسیله‌ی علمای دین باید برآورده شود، و از طرف دیگر، به خاطر اختلاف نظرهای طبیعی میان علما و خبرگان دین که محور بارز و قاطعی هم برای رفع آن نیست، راه به روی افکار و نظرات و برداشتهای مختلف در اصول و فروع دین باز است، و در میان نظرات گوناگونی که ابراز می‌شود، طبیعتاً عناصری هم از مکاتب انحرافی یا از مذاهب غیر امامی شیعی (زیدی، اسماعیلی، فطحی و...) به مجموعه‌ی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام راه می‌یابد که خلوص و اتقان آن را تهدید می‌کند و حتی در دراز مدت ممکن است جهت مکتب را به کلی دگرگون نماید.

اینجاست که یکی از مهمترین وظایف رهبران امت در آن برهه از زمان رخ مینماید، وظیفه‌ای که درست به انجام رسیدن آن می‌توانسته است به معنای حفظ مذهب و معادل جهادی سرنوشت‌ساز باشد و آن

وظیفه عبارت است از اینکه تشیع به مثابه‌ی یک نظام فکری و عملی مرزبندی شود و برای آن از لحاظ عقیدتی و عملی با استفاده از میراث ارزشمند سخنان ائمه علیهم‌السلام چهارچوبی ترسیم گردد. و بدین گونه هویت مستقل و مرزبندی شده‌ی مذهب اهل بیت مشخص گشته، در معرض فهم و استفاده‌ی پیروانش قرار گیرد. این کار به علما و متفکران شیعه این امکان را میداد که انحراف اصولی، یعنی خروج از حیطه‌ی مبانی مذهب در فقه و کلام را از اختلاف نظرهایی که در داخل محدوده‌ی مکتب پیش می‌آید، بتوانند جدا کرد. بی‌شک این کار تا پیش از زمان مفید انجام نشده است...

با توجه به آنچه مفید... در کتاب اوائل المقالات و سایر کتب کلامی‌اش مانند: تصحیح الاعتقاد و الفصول المختارة و غیرها در بیان عقاید تشیع و بیان فارق میان آن و عقاید دیگر نحله‌های کلامی و مخصوصاً مکتب اعتزال، افاده کرده است، میتوان گفت که وی درصدد آن بوده است که یک نظام فکری، منسجم و دارای حدود و ثغور روشن و مشخص برای تشیع ارائه دهد. شک نیست که نقطه‌ی شاخص و متمایز کننده در این نظام فکری، مسئله‌ی امامت است، بدین معنی که هیچ نحله‌ی دیگری در این مسئله با شیعه شریک نیست و مناط در نسبت دادن فرد یا جماعتی به مذهب شیعه اعتقاد به این مسئله است. درست است که شیعه در بسیاری دیگر از اعتقاداتش نیز با وجود شباهت در عنوان مسئله با فرق دیگر؛ مانند: توحید، عدل، صفات و امثال آن در روح و معنا یا در برخی از فروع و جزئیات دارای اختلافات عمده‌ای با آن فرق است، ولی در مسئله‌ی امامت، تمایز میان شیعه و دیگر فرق اسلامی از همه آشکارتر و صریح‌تر است. لذا شیخ مفید رحمته‌الله علاوه بر اینکه در کتابهای مفصل خود مانند اوائل المقالات و غیره افتتاح کلام را با مسئله‌ی امامت قرار داده، رساله‌های کوتاه و بلند متعددی نیز در موضوع امامت با نامهای مختلف به رشته‌ی تحریر درآورده است. ذکر این نکته در اینجا مناسب است که «نقطه‌ی شاخص» بودن مسئله‌ی امامت در نظام فکری مفید رحمته‌الله - چنانکه بیان شد - غیر از چیزی است که یکی از مستشرقین در اینباره پنداشته و امامت را «محور نظام فکری» مفید رحمته‌الله معرفی کرده است. محور نظام فکری شیعه و همه‌ی متکلمان آن - مفید و غیر مفید - مسئله‌ی صانع و توحید باری تعالی است. مسایل مهمی همچون: صفات حق تعالی، تعداد و معنی و نسبت آن با ذات حضرت حق (عزاسمه)، مسئله‌ی نبوت و فروع آن، مسئله‌ی عدل، و نیز مسئله‌ی امامت و مسایل مربوط به تکلیف و قیامت و غیرها... همه و همه متفرعات آن مسئله و مبتنی بر آن است. متأسفانه مستشرقین و

کسانی که احاطه‌ی علمی لازم به مفاهیم اسلامی ندارند. از این‌گونه اشتباهات در فهم مراد بزرگانی چون شیخ مفید^۱ می‌کنند که باید این‌گونه جلسات و مباحثات، کج‌فهمی‌های آنان را اصلاح و حقایق را روشن سازد. پژوهشگر غربی‌ای که درباره‌ی افکار شیخ مفید مطالبی نوشته، گاه آن بزرگوار را فاقد نظام فکری مشخص و گاه صاحب نظام فکری‌ای که مبتنی بر امامت است، معرفی میکند. چنانکه گفته شد این هر دو سخن خطاست. نظام فکری مفید در کتابها و رساله‌های متعدد شیخ بزرگوار به روشنی ترسیم شده است و محور آن پس از مسئله‌ی معرفت که مقدمه‌ی طبیعی مسایل اعتقادی است، مسئله‌ی ذات و صفات باری است، سایر مسایل اساسی برحسب مراتب خود بر آن متفرعند. مسئله‌ی امامت چنانکه گفته شد، شاخص و نقطه‌ی تمایز اصلی این مکتب با دیگر مکاتب است و عقیده‌ی است که پیرو تشیع بدان شناخته میشود.^۱

مطلب پنجم. آثار مهدوی

گفتار اول. کتابهای غیبت نعمانی و طوسی

وقتی غیبت صغری تمام شد و شیعیان فهمیدند که دسترسی به مولا و امام خودشان به این زودیها و به این آسانیها نخواهند داشت، یک بحران روحی عجیبی در بین شیعه به وجود آمد. علمای شیعه، به وقت به این بحران روحی جواب دادند. این کتابهای «غیبت نعمانی»، «غیبت طوسی» را که می‌بینید، پاسخ به این بحران روحی است. مقدمه‌ی کتاب غیبت نعمانی را نگاه کنید. محنت روحی شیعه را آنجا میشود فهمید.^۲

گفتار دوم. دانشنامه‌ی امام مهدی

همین دانشنامه‌ی مهدویت، با این خصوصیات که ذکر کردند، که خصوصیات مهمی است. به نظرم دیروز یا پریروز کتاب را آوردند و من فرصت کردم توری مختصری بکنم؛ به نظرم کتاب برجسته و جالبی آمد. حالا ان شاء الله وقت می‌گذاریم و کتاب را اول تا آخر، ان شاء الله مطالعه خواهیم کرد. ولی کار، کار بسیار مهمی است؛ کار بزرگی است. عمده این است که ذهن متوجه یک نیاز و یک خلأ

۱. پیام به کنگره جهانی هزاره‌ی شیخ مفید، ۱۳۷۲/۱/۲۸.

۲. همان.

بشود و همت برای پر کردن این خلأ و برآوردن این نیاز برانگیخته شود. این کارها شده - طبعاً هیچ کاری هم از ما انسانها بدون نقص و قصور نیست - مهم این نیست که آیا این کتاب کامل است، یا جامع است، یا نقصی دارد یا ندارد؛ مهم این است که این کتاب هست؛ نیاز به آن احساس شد و همت برای تولید آن برانگیخته شد و بحمدالله متولد شد و به عرصه‌ی وجود آمد.^۱

۱. بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه دارالحديث و پژوهشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۲/۳/۲۱.



▣ **بخش سیزدهم. مهدویت و بایسته‌های**

پژوهشی و تبلیغی



مطلب اول. بایسته‌های پژوهش مهدویت

گفتار اول. ضرورت مطالعه در مباحث مهدوی

مسئله‌ی ولادت حضرت مهدی علیه‌الصلاة والسلام و عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، از این جهت هم حائز اهمیت است که مسئله‌ی انتظار و دوران موعود را که در مذهب ما، بلکه در دین مقدس اسلام ترسیم شده است، دوران موعود آخرالزمان؛ دوران مهدویت ما به یاد بیاوریم، روی آن تکیه کنیم و بر روی آن مطالعه و دقت و بحث‌های مفیدی انجام گیرد.^۱

امام مهدی علیه‌الصلاة والسلام و ارواحنا فداه ذخیره‌ی امید بشریت است. اگر این امید در دل انسان وجود داشته باشد، به نظر او قدرت‌نمایی صوری قدرتمندان، پوچ و حضور قدرت‌مندانه‌ی آنها در عرصه‌های بازیگری جهانی در خور استهزاء خواهد آمد؛ حقیقت قضیه هم همین است. هیاهوی قدرتمندان و قدرت‌مداران مانند کف روی آب در مقابل جریان اصیل و تمام‌نشدن حقیقت و معنویت، تاب ماندن و جلوه کردن همیشگی را ندارد. شما وابسته به آن جریان اصیل و جوشنده و دایمی و پیوسته هستید؛ خودتان را به‌درستی بشناسید؛ راهتان را به‌درستی بشناسید و آن را قدر بدانید.^۲

درباره‌ی حضرت مهدی علیه‌الصلاة والسلام و ارواحنا فداه اگر چه خیلی کار شده و کتاب‌هایی نوشته شده است؛ اما به نظر بنده کارهای خوب و بزرگ هنوز خیلی می‌شود انجام داد.^۳

امروز روز امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف و مهدی موعود عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف محبوب این امت است. اولاً روز جمعه است، ثانیاً شب ولادت باسعادت این منجی بشریت است و ما مردمی که در راه نزدیک شدن آرمان امام زمان سالیانی به انتظار و اشتیاق و روزگاری به مبارزه و مقاومت گذرانیده‌ایم به‌جاست که از این موقعیت برای آشنا شدن با اهداف امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف اندکی استفاده کنیم.^۴

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۲. بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی علیه‌السلام، ۱۳۸۳/۱۰/۲.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دسته‌جمعی روزهای دوشنبه، ۱۳۷۵/۱۰/۳.

۴. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۱۹۹.

گفتار دوم. اولویت داشتن شیعه در پرداختن به پژوهشهای مهدوی

مسئله‌ی مهدویت در اسلام هم جزء مسلمات است؛ یعنی مخصوص شیعه نیست... منتها امتیاز شیعه در این است که مسئله‌ی مهدویت در آن یک مسئله‌ی مبهم نیست؛ یک مسئله‌ی پیچیده‌ای که برای بشر قابل فهم نباشد، نیست؛ یک مسئله‌ی روشن است، مصداق واضحی دارد که این مصداق را میشناسیم، خصوصیات آن را میدانیم، پدران او را میشناسیم، خانواده‌ی او را میشناسیم، ولادت او را میشناسیم، جزئیات آن را خبر داریم. در این معرفی هم باز روایات شیعه، تنهایی در صحنه نیستند؛ حتی روایاتی از غیر طریق شیعه هم وجود دارد که همین معرفی را برای ما روشن میکند و باید کسانی که مال مذاهب دیگر هستند، توجه کنند و دقت کنند تا این حقیقت روشن را دریابند. بنابراین اهمیت مسئله یک چنین سطحی دارد و ما بیشتر از دیگران اولی هستیم به اینکه به این مسئله بپردازیم؛ کارهای علمی، دقیق و متقن روی این مسئله انجام بگیرد.^۱

گفتار سوم. مهدویت و لزوم تحقیقهای عالمانه

از کار عالمانه و همراه با دقت در مسئله‌ی انتظار و مسئله‌ی دوران ظهور نباید غفلت کرد. و از کار عامیانه و جاهلانه به شدت باید پرهیز کرد... کار عالمانه، قوی، متکی به مدرک و سند، که البته کار اهل فن این کار است، این هم کار هر کسی نیست، باید اهل فن باشد، اهل حدیث باشد، اهل رجال باشد، سند را بشناسد، اهل تفکر فلسفی باشد؛ بداند، حقایقی را بشناسد، آن وقت میتواند در این زمینه وارد میدان شود و کار تحقیقاتی انجام دهد. این بخش از کار را هرچه ممکن است، بیشتر باید جدی گرفت تا راه ان شاء الله برای مردم باز شود.^۲

گفتار چهارم. قرآن کریم و احادیث ائمه علیهم السلام بهترین منابع در پژوهشهای مهدوی

در همین موضوع مهدویت و قضایای مربوط به امام زمان مسئله‌ی انتظار، مسئله‌ی طول عمر، مسئله‌ی دوران حکومت، مسئله‌ی وظایفی که منتظرین دارند، و مسایل گوناگونی که وجود دارد، بهترین مرجع عبارت است از حدیث و آنچه از خود ائمه علیهم السلام نقل شده، که جای تردیدی را

۱. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۲. بیانات در جمع اساتید و فارغ التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

باقی نمیگذارد و این مهم‌ترین مطلب است... بنده هم به این معنا معتقدم که شواهد عقلی و اعتباری به‌عنوان مؤید میتوانند به کار بروند، [اما] آنچه تعیین‌کننده و قاطع است، منابع روایی، حدیثی و قرآنی است که به اینها بایستی تکیه کرد، از اینها باید استفاده کرد. البته باید تنقیح بشود؛ به حرفهای سست نباید اعتماد کرد. حرف قرص کم نداریم؛ حرفهای قوی، محکم و بنیادهای فکری مستحکم بحمدالله در این زمینه خیلی زیاد است و میتوان به اینها تکیه کرد و از اینها استفاده کرد.^۱

صدها حادثه توجّه برانگیز و پرمعنی و در عین حال ظاهراً بی‌ارتباط و گاه متناقض با یکدیگر در زندگی موسی بن جعفر علیهم‌السلام هنگامی معنی میشود و ربط می‌یابد که ما آن رشته‌ی مستمری را که از آغاز امامت آن بزرگوار تا لحظهای شهادتش ادامه داشته، مشاهده کنیم. این رشته، همان خط جهاد و مبارزه ائمه علیهم‌السلام است که در تمام دوران دویست و پنجاه ساله و در شکل‌های گوناگون استمرار داشته و هدف از آن، اولاً تبیین اسلام ناب و تفسیر صحیح قرآن و ارایه‌ی تصویری روشن از معرفت اسلامی است و ثانیاً، تبیین مسئله‌ی امامت و حاکمیت سیاسی در جامعه‌ی اسلامی و ثالثاً، تلاش و کوشش برای تشکیل آن جامعه و تحقق بخشیدن به هدف پیامبر معظم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و همه‌ی پیامبران؛ یعنی اقامه‌ی قسط و عدل و زدودن اندادالله از صحنه‌ی حکومت و سپردن زمام اداره‌ی زندگی به خلفاءالله و بندگان صالح خداوند.^۲

درک مراتب معنوی و حقایق الهی در باب این قطب اعظم عالم امکان و خلیفه‌ی خدا و مظهر صفات و اسمای الهی، در حدّ زبان، بیان، قلب و فهمی همچون من قاصر نیست. خود آنها باید درباره‌ی امام زمان علیه‌السلام سخن بگویند؛ همچنان که خود آنها باید درباره‌ی علی بن ابی‌طالب علیه الصّلاة و السّلام و بقیه‌ی اولیا و اصفیای دین سخن بگویند. ما همین قدر میدانیم که وجود مقدّس امام زمان، مصداق وعده‌ی الهی است. همین قدر میدانیم که این بازمانده‌ی خاندان وحی و رسالت، عَلم سرافراز خدا در زمین است. «السّلام علیک ایها العَلم المنصوب و العَلم المصبوب و الغوث و الرّحمة الواسعة وعدا غیر مکذوب». او وعده‌ی الهی و مصداق لطف خدا بر انسانیت و بشریت است. او مستوره و نمونه‌ی از اولیاء و اصفیاء و انبیاء و برجسته‌ترین بندگان خداست. او نمایشگر

۱. بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه دارالحديث و پژوهشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۳/۳/۲۱.

۲. پیام به سومین کنگره جهانی امام رضا علیه‌السلام، ۱۳۶۸/۷/۲۶.

مبلغ فضل الهی بر بنی آدم است. اینها چیزهایی است که خود آنان بیان فرمودند. اگر ما بتوانیم در حد فهم قاصر و ناقص خودمان، رشحاتی از این گفته‌ها را درک کنیم و بفهمیم، خیلی بُرد کرده‌ایم.^۱

گفتار پنجم. توجه به جهاد مستمر ائمه (علیهم‌السلام) راه درک عمیق امامت و مهدویت

صدها حادثه‌ی توجه برانگیز و پرمعنی و در عین حال ظاهراً بی‌ارتباط و گاه متناقض با یکدیگر در زندگی موسی بن جعفر علیهم‌السلام هنگامی معنی میشود و ربط می‌یابد که ما آن رشته‌ی مستمری را که از آغاز امامت آن بزرگوار تا لحظه‌ی شهادتش ادامه داشته، مشاهده کنیم. این رشته، همان خط جهاد و مبارزه‌ی ائمه علیهم‌السلام است که در تمام دوران دویست و پنجاه ساله و در شکل‌های گوناگون استمرار داشته و هدف از آن، اولاً تبیین اسلام ناب و تفسیر صحیح قرآن و آرایه‌ی تصویری روشن از معرفت اسلامی است و ثانیاً، تبیین مسئله‌ی امامت و حاکمیت سیاسی در جامعه‌ی اسلامی و ثالثاً، تلاش و کوشش برای تشکیل آن جامعه و تحقق بخشیدن به هدف پیامبر معظم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و همه‌ی پیامبران؛ یعنی اقامه‌ی قسط و عدل و زدودن اندادالله از صحنه‌ی حکومت و سپردن زمام اداره‌ی زندگی به خلفاءالله و بندگان صالح خداوند.^۲

گفتار ششم. برخی موضوعات مهدوی برای پژوهش

اثبات مهدویت شخصی

قضیه‌ی مهدویت فی نفسه، یک امر خیلی واضح، روشن و بی‌اشکال است. آنچه مهم است، که اگر آن هم دنبال شود و به زبان روشنی نوشته شود، وضوح آن به همان اندازه است، تعیین شخص مهدی است. واقعاً اگر کسی روایات را نگاه کند، چه روایاتی که به‌خصوص از طریق شیعه نقل شده، و چه بعضی از روایاتی که از طریق غیر شیعه رسیده است، جای شک باقی نمی‌ماند که شخص مهدی، همان شخصی است که ما میشناسیم.^۳

تحقیق درباره‌ی انتساب حضرت مهدی (علیه‌السلام) به امام عسکری (علیه‌السلام)

اصل قضیه‌ی مهدویت معلوم است؛ اما خصوصیت شیعه در این است که شخص را با جزئیات و

۱. دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر (علیه‌السلام)، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۲. پیام به سومی کنگره‌ی جهانی امام رضا (علیه‌السلام)، ۱۳۶۷/۷/۲۶.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دسته‌جمعی روزهای دوشنبه، ۱۳۷۵/۱۰/۲.

خصوصیات حیاتش معین میکند. اثبات قضیه‌ی طول عمر و امثال آن خیلی آسان است؛ اصلاً در خور اهمیت نیست. بیشتر توجه ما به این نکته منعطف شده است که به اشکالات مسئله‌ی طول عمر پاسخ دهیم. خدایی که میتواند صد و چهل سال عمر بدهد، میتواند هزار و چهار صد سال عمر بدهد؛ اینکه دیگر خیلی مشکلی ندارد؛ چیزی نیست که محققان بخواهند دنبال آن بروند و خود را معطل این قضیه بکنند. به نظر من نکته‌ی مهمی که باید روی آن تنقیح و تحقیق صورت بگیرد، مشخص کردن این نکته است که آن بزرگوار فرزند حضرت عسکری علیه السلام است، با خصوصاتی که ما میشناسیم.^۱

پاسخگویی به شبهات

وقتی به قضیه‌ی مهدویت میرسند، بنامیکند به خرافات گفتن. مثلاً میگویند شیعه معتقد است که امام زمانش درون سرداب زندگی میکند! کجا شیعه چنین عقیده‌ای دارد؟ مطالب خرافی را در این زمینه مطرح میکنند، برای اینکه ذهن را از این شخص دور نمایند. به نظر من با زبان‌های روشن به این نکته پردازید و آن را مسجل کنید و ضمناً متین و استدلالی آن را از آب در بیاورید.^۲

مطلب دوم. بایسته‌های تبلیغ مهدویت

گفتار اول. لزوم تبلیغ و تبیین معارف مهدوی

دشمنان تفکر و اعتقاد به مهدویت - که این اندیشه را به زیان خود میدانند - همواره تلاش کرده‌اند تا آن را از اذهان مردم بزایند و یا مفاهیم اعتقاد به مهدویت را تحریف کنند؛ لذا امروز در نقطه‌ی مقابل این تلاش دشمنان، باید در جهت اعتقاد، عمل، تبلیغ و تبیین حقیقت مهدویت حرکت کنیم.^۳

در مجلس ما... جمعی از مجموعه‌های مرتبط با مهدویت حضور دارند. آنچه را که من به این مناسبت در این جمع فرهنگی آگاه و هوشیار به شما برادران و خواهران می‌خواهم عرض بکنم، این است که ما عقاید اسلامیمان، به خصوص عقاید شیعی، جزء پاکیزه‌ترین، منطقی‌ترین و مستحکمترین عقاید است... این عقاید را بایستی اولاً درست فهمید، ثانیاً آنها را با تدبّر و تأمل عمق بخشید، ثالثاً آنها را به‌درستی منتقل

۱. همان.

۲. همان.

۳. سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۱۱/۹.

کرد... این را، هم جوانان ما- جوانان فرزانه‌ی ما، دانشجویان ما، طلاب فاضل ما- هم مجموعه‌هایی که متصدی آموزشند، متصدی تبلیغند، متصدی پرورش افکار و اذهان هستند، باید توجه کنند. نشان دادن آن حقیقتی که در اختیار مذهب امامیه و پیروان اهل بیت علیهم‌السلام هست به مخاطب، مساوق (مساوی) با قبول مخاطب و همراه با تصدیق و پذیرش مخاطب است. حقیقت را باید نشان داد.^۱

گفتار دوم. استفاده از روشهای مستقیم و غیر مستقیم در ترویج مهدویت

جمعی از مجموعه‌های مرتبط با مهدویت حضور دارند. آنچه را که من به این مناسبت در این جمع فرهنگی آگاه و هوشیار به شما برادران و خواهران می‌خواهم عرض بکنم، این است که... این عقاید را بایستی اولاً درست فهمید، ثانیاً آنها را با تدبّر و تأمل عمق بخشید، ثالثاً آنها را به‌درستی منتقل کرد. در همه‌ی مجموعه‌های فرهنگی این جور است. در آموزش و پرورش، یک معلم، یک مدیر آموزشی یا پرورشی به بهترین وجهی می‌تواند از این فرصت طلایی عمر نوجوان ما که در اختیار اوست، استفاده کند. عقاید دینی را نه فقط در زنگ تعلیمات دینی، بلکه میشود آن را در همه‌ی فرصت‌های تعلیم با هوشیاری، با دقت، با سنجیدگی، در عمق ذهن و جان متعلّم جایگزین کرد، تا او فرصت پیدا کند آن را در دل و مغز خود رشد بدهد.^۲

گفتار سوم. تبلیغ معارف، راه زمینه‌سازی ظهور

تشکر میکنم از عزیزانی که مسئله‌ی تبلیغ را در سطح کشور، به‌وسیله‌ی علمای دین و فضلاء حوزه‌های علمیه جدی گرفتند و به آن به صورت یک مسئله‌ی درجه‌ی دوم و مستحبی نظر نکردند و به شأن تبلیغ، هدف تبلیغ و مخاطب تبلیغ و اهمیت تأثیری که تبلیغ به سبک خاص در هدایت نفوس دارد، توجه کردند و برنامه‌ریزی نمودند. همچنین از یکایک شما عزیزان، جوانان مؤمن و پرشوری که بهترین دوران عمر خودتان را در خدمت دین خدا، در خدمت حقّ مظلوم الهی و در خدمت آماده‌سازی جامعه برای ظهور حضرت بقیه‌الله‌الاعظم ارواحنا فداه قرار دادید، تشکر میکنم.^۳

۱. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۲. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۳. بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۷/۹/۲۳.

گفتار چهارم. بهره‌گیری از معارف فطری مهدویت

اسلام به ما آموخته است که انسانها با وجود ناهمگونیهای نژادی، زبانی و فرهنگی، فطرت همسانی دارند که آنها را به پاکی، عدالت، نیکوکاری، همدردی و همکاری فرا میخواند و همین سرشت همگانی است که اگر از انگیزه‌های گمراه‌کننده به سلامت عبور کند، انسانها را به توحید و معرفت ذات متعالی خداوند رهنمون می‌گردد. این حقیقت تابناک دارای چنان ظرفیتی است که قادر است پایه و پشتوانه‌ی تشکیل جوامع آزاد و سرافراز و برخوردار از پیشرفت و عدالت، توأماً، گردد و شعاع معنویت را بر همه‌ی فعالیت‌های مادی و دنیایی انسانها نفوذ دهد و بهشتی دنیایی، پیش از بهشت اخروی موعود ادیان الهی، برای آنان فراهم آورد. و نیز همین حقیقت مشترک و همگانی است که میتواند شالوده‌ی ریز همکاریهای برادرانه‌ی ملتهایی باشد که از نظر شکل ظاهری و سابقه‌ی تاریخی و منطقه‌ی جغرافیایی، شباهتی به یکدیگر ندارند.^۱

گفتار پنجم. استفاده از مفاهیم عالی مهدویت در تبلیغ

اگر سرود میخوانید که خیلی هم خوب است، بخوانید؛ چون سرود وسیله‌ی تبلیغی بسیار خوبی است و باب جوانان و نوجوانان است- سعی کنید مفاهیم سرود را غنی و برگرفته‌ی از آیات، روایات و مفاهیم عالی‌یی که درباره‌ی حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه وجود دارد، قرار بدهید. البته بعضی از فقرات این سرود همین‌طور بود و مضامین خوبی هم داشت، لیکن حتماً سعی کنید فراتر از سرود معمولی‌یی باشد که یک عده جوان آن را میخوانند. مضامین باید قوی و اسلامی باشد و به عدل آن حضرت اشاره کند؛ به نیاز عالم بشریت، بلکه عالم وجود، به وجود آن بزرگوار اشاره کند؛ به وضعیتی که امروز دنیا و بشر به آن گرفتار است، اشاره کند؛ که این امید و انتظار و آرزو وجود دارد که اوضاع به مسیر طبیعی زندگی بشر که مسیر عدالت و حرکت به سمت توحید است، برگردد.^۲

گفتار ششم. لزوم استفاده از منابع معتبر در تبلیغ

در مسئله‌ی امام زمان علیه‌السلام خیلی دقت کنید. گاهی ممکن است حرفی، دلی را جذب کند و دو تا دل دیگر را زده کند. اینها هرچه کمتر گفته شود، بهتر است. ممکن است که یک نفر هم با این حرف،

۱. بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، ۱۳۹۱/۶/۹.

۲. بیانات در دیدار علما و روحانیون کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۱.

کمی اعتقادی پیدا کند. چنانچه دیدید که آن سخن، پایه‌هایش محکم نیست، چه به صورت معجزه و چه به صورت دیگر، از ترویج آن جلوگیری کنید. ما به این سخنان احتیاجی نداریم. سخن منطقی، محکم و قوی فراوان داریم. حتی در مورد مسایل مربوط به دیدار و ملاقات باحضرت، حرفهای قوی خوب و نقلهای درست و متقن وجود دارد که هر کس وقتی بخواند، دلش گواهی میدهد که این صحیح است. از نقلهای ضعیف، هرچه اجتناب شود، بهتر است. همچنان که از روایات ضعیف هم اجتناب شود، بسیار خوب است. علاوه بر استدلالات عقلانی و کلامی، روایات قوی و صحاح و چیزهای بسیار محکم داریم.^۱

گفتار هفتم. پرهیز از غلو و زیاده‌گویی

به همه هم این را می‌گویم و گفته‌ام و تکرار می‌کنم؛ مبدا آن صفاتی، خصالی، مناقبی که متناسب با وجود ولی‌عصر ارواحنا فداه هست، اینها را تنزل بدهیم در سطح انسانهای کوچک و ناقصی مثل این حقیر و امثال این حقیر. اینی که گفته میشود کسانی که در این سفینه سوارند، غم طوفان ندارند:

«چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان»

این نوح، امام زمان علیه السلام است؛ اما با یک نگاه عمومی به طول تاریخ اسلام وقتی نگاه کنیم که سعدی هم با همان نگاه این شعر را گفته است، وجود مقدس خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله نوح کشتیان این امت است. بله، این امت در طول تاریخ خود فراز و نشیبهایی داشته؛ گاهی به گل نشسته، گاهی دچار ذلت شده، گاهی با مشکلات غیرقابل توصیفی مواجه شده، دست به گریبان شده؛ این ناشی از این است که سوار کشتی نشده. اگر واقعاً متمسک بشویم، متوسل بشویم بر کشتی نجات اسلام، همراه پیغمبر باشیم، مسلماً پیروزی نصیب ماست. البته دریا طوفان دارد، سختی دارد، مشکلات دارد، گاهی هراسهای بزرگ دارد؛ اما وقتی کشتیان بنده‌ی برگزیده‌ی خداست، معصوم است، آن وقت دیگر بیمی وجود ندارد. این آن نکته‌ی کوتاهی بود که خواستم عرض بکنم؛ این صفات را مخصوص بدانید به آن بزرگواران. نوح این کشتی اوست، پشتیبان این امت اوست، واسطه‌ی فیض الهی به یکایک آحاد ما، به دلهای ما، به جانهای ما، به ذهنهای ما، به جسمهای ما، به حیات فردی و اجتماعی، وجود مقدس خاتم‌الاولیاء و در رتبه‌ی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با حجت الاسلام و المسلمین قرائتی و مسئولان نهضت سوادآموزی و آغاز فعالیت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۰/۱۰/۶.

قبل از او، وجود مقدس خاتم‌الانبیا صلی‌الله‌علیه‌وآله است.^۱

وقتی کسانی اسم مبارک امیرالمؤمنین علیه‌السلام یا اسم مبارک ولی‌عصر روحی‌فداه را می‌آورند، بعد اسم ما را هم دنبالش می‌آورند، بنده تنم میلرزد. آن حقایق نور مطلق، با ما که غرق در ظلمتیم، بسیار فاصله دارند. ما گیاه همین فضای آلوده دنیای امروزیم؛ ما کجا، کمترین و کوچکترین شاگردان آنها کجا؟ ما کجا و قنبر آنها کجا؟ ما کجا و آن غلام حبشی فداشده در کربلای امام حسین علیه‌السلام کجا؟ ما خاک پای آن غلام هم محسوب میشویم. اما آنچه که حقیقت است، این است که ما به عنوان مسلمانانی که راهمان را شناخته‌ایم، تصمیم خود را گرفته‌ایم و نیروی خود را برای این راه گذاشته‌ایم؛ با همه‌ی وجود در این راه حرکت میکنیم و ادامه خواهیم داد.^۲

مطلب سوّم. مهدویت و هنر

گفتار اول. هنر عامل گسترش و ماندگاری معارف

هنر یک شیوه‌ی بیان است، یک شیوه‌ی ادا کردن است. منتها این شیوه‌ی بیان از هر تبیین دیگر رساتر، دقیق‌تر، نافذتر و ماندگارتر است. دقت در هر یک از این چند تعبیری که عرض کردم: رساتر بودن؛ دقیق‌تر بودن، نافذتر و ماندگارتر بودن، در فهم معنای هنر کمک کند. ای بسا که یک گزارش غیرهنری، گرچه علمی و تحقیقی و دقیق، خاصیت ارائه‌ی هنری را نداشته باشد. بارها گفته‌ام که هر پیامی، هر دعوتی، هر انقلابی، هر تمدنی و هر فرهنگی تا در قالب هنر ریخته نشود، شانس نفوذ و گسترش ندارد و ماندگار نخواهد بود و فرقی هم بین پیام‌های حق و باطل نیست...

شعر و نیز همه‌ی قالبهای هنری، موهبت‌های خدایی‌اند که باید در خدمت خلق خدا و حامل آرمانهای والای خدایی باشند...

شعر و هنر، زیباترین قالب برای همه‌ی پیامهای نوین و مایه‌ی گسترش و نفوذ این پیامها تا هر سوی خطه وسیع دلها و جانهای انسانی است و شاعران و سخنسرایان آگاه همیشه توانسته‌اند والاترین معارف انسانی را در کتیبه‌ی روزگار با نقشی جاودانه، به نسلهای بعد از خود بنمایانند...

۱. بیانات در دیدار نیروهای مسلح منطقه شمال کشور، ۱۳۹۱/۶/۲۸.

۲. بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲.

تصویر آرمانی زندگی و تشریح نقاط زشت و زیبای انسان امروز، و ترسیم راهی که آدمی را به آسایش و رستگاری و تعالی حقیقی میرساند، بیش از همه، از آن شاعر و هنرمندی ساخته است که در مهد انقلابی خدایی و مردمی زیسته و نظام ارزشی متعالی را در صفا و قداست فضایی که وحی الهی بر آن حاکم است، آموخته باشد.^۱

گفتار دوم. لزوم به‌کارگیری شیوه‌های هنرمندانه در انتقال معارف مهدوی

حقاً عرصه‌ی محبت اهل بیت! عرصه‌ی شایسته‌ای برای هنرنمایی است.^۲

مسئله‌ی مهدویت، مسئله‌ای مهم و اساسی است. اثبات مهدویت، کار بسیار آسانی است. اثبات اصل مهدویت در یک محفل علمی با مخاطبانی که اهل علم و اهل تفکر و استدلال‌اند، جزو آسانترین کارهاست. در این، هیچ تردیدی نیست. ایمان و اعتقاد مردم هم خوب است، منتها تعمیق این ایمانی که مردم به امام زمان ارواحنا فداه و علیه الصلاه و السلام دارند، کار بسیار ظریفی است. باید در این قضیه، با شیوه‌های هنرمندانه‌ی تبلیغی وارد شد. به نظر من، بخش مهم کار شما، این است. اگر این کار با موفقیت انجام بگیرد و اگر شما بتوانید این عشق و محبت و سوز و گدازی را که مردم ما به طور طبیعی نسبت به حضرت دارند، در سطح عموم مردم، به‌خصوص جوانان، با یک نگاه عالمانه و آگاهانه همراه کنید، برکات این کار، لاتعدّ و لاتحصی خواهد شد... این مقوله، مقوله‌ی مهمی است. درباره‌ی این مقوله، هر چه کار کنید، به جا کرده‌اید و خوب است، منتها همان‌طور که گفتیم، هنر بزرگ این است که بتوانید این مقوله را با زبان هنرمندانه‌ی اثرگذار، به‌ذهن مخاطبان جوان، دانا و آگاه منتقل کنید تا این، جزء وجودشان شود. آن‌وقت، تحوّل عظیمی در زندگی انسانها به‌وجود خواهد آمد.^۳

گفتار سوم. معارف اصیل مهدوی پشتمانی هنر مهدوی

سعی کنید مفاهیم سرود را غنی و برگرفته‌ی از آیات، روایات و مفاهیم عالی‌ای که درباره‌ی حضرت بقیةالله ارواحنا فداه وجود دارد، قرار بدهید. البته بعضی از فقرات این سرود همین‌طور بود و مضامین خوبی هم داشت، لیکن حتماً سعی کنید فزاینده‌ی سرود معمولی‌ای باشد که یک عده جوان

۱. هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۳۰.

۲. بیانات در دیدار مداحان اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۸۷/۴/۴.

۳. دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۸۲/۲/۲۰.

آن را میخوانند. مضامین باید قوی و اسلامی باشد و به عدل آن حضرت اشاره کند؛ به نیاز عالم بشریت بلکه عالم وجود، به وجود آن بزرگوار اشاره کند؛ به وضعیتی که امروز دنیا و بشر به آن گرفتار است، اشاره کند که این امید و انتظار و آرزو وجود دارد که اوضاع به مسیر طبیعی زندگی بشر که مسیر عدالت و حرکت به سمت توحید است برگردد.^۱

گفتار چهارم. مداحی، ستایشگری امامت، معنویت و جهاد

مداحی و ستایشگری ائمه علیهم‌السلام در حقیقت ستایشگری نیکی، معنویت و جهاد است؛ ستایشگری خورشید امامت و ولایت است.^۲

مفاهیم انقلابی و حماسه‌های مردمی و آرمانهای انقلاب، وسیع‌ترین عرصه‌ی جولان ذهن شاعر و هنرمند است. هر ذهن آفریننده میتواند در شرف و شجاعت این مردم، در مبارزه به خاطر زندگی شایسته با گرگان درنده استکبار، در شکستن بتهای زر و زور و تزویر، در صفای دل جوانان، در استحکام و مقاومت مادران... در افراشتن پرچم حمایت از مستضعفین و در صدها جلوه‌ی انقلاب اسلامی، مسحور کننده‌ترین زیبایی‌ها را ببیند و با سرانگشت ذهن خلاق خود برای دیگران ترسیم کند. این طبیعی‌ترین توقّعی‌ست که انقلاب از شاعر و هنرمند امروز دارد.^۳

۱. بیانات در دیدار علما و روحانیون کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۱.

۲. بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت به مناسبت سالروز میلاد حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، ۱۳۸۰/۶/۱۸.

۳. هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۳۲.



▣ بخش چهاردهم. دعا و

نجوا با امام زمانؑ



مطلب اول. سه جهت کلی درباره دعا

سه جهت را در باب دعا عرض میکنم. اگرچه درباره دعا، فواید و آثار و برکات بیشتری از آنچه که بنده عرض میکنم وجود دارد؛ لکن این سه نکته و سه فایده برای دعا، مهم است.^۱

گفتار اول. دعا، وسیله‌ای در کنار وسایل دیگر

یکی این است که وقتی ما به درگاه حق متعال دعا میکنیم، در حقیقت وسیله‌ای برای رسیدن به حوائج خودمان میجوییم و راهی به سوی این حوائج میپیماییم و از آن استفاده میکنیم. این، یک‌گونه دعا کردن است: دعا برای گرفتن مقصود. این‌طور نیست که کسی گمان کند همه‌ی مقاصد، به وسیله‌ی ابزارها یا وسایل مادی برای انسانها قابل دسترسی است. بلکه چیزهایی را انسان با دعا باید به دست آورد. البته نه دعای تنها و دعای بدون عمل. هیچ فایده‌ای ندارد که انسان در عمل را ببندد و به دعا اکتفا کند؛ اما در کنار عمل، در کنار اقدام، در کنار به کار انداختن همت و تلاش، خواستن از خدا را نیز باید قرار بدهیم. این دعا، حاجات را برای انسان برآورده می‌سازد. لذا ملاحظه میکنید که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم، در میدان جنگ، بعد از آنکه همه‌ی کارها را انجام داده است، دعا هم میکند؛ بنابراین، یکی از وظایف ماست که دعا کنیم، تا از این راه به حاجات و اهداف و مقاصد خودمان نائل شویم.

دعا، وسیله‌ای در کنار وسایل دیگر است. به قول بزرگان از محققین و متفکرین ما، همچنان که در عالم وجود، خدای متعال دهها وسیله و سبب و علت قرار داده است، دعا هم یکی از سببهاست. در بسیاری از دعاها، حاجت و مقصود خواستن مطرح میشود. مثلاً فرض بفرمایید در همین دعای سحر ماه مبارک رمضان که دعای بسیار عالی‌المضمونی هم هست، بعد از آنکه خدای متعال را به اسما و صفات سوگند میدهد، میگوید: دعا کن به آنچه که میخواهی و مقاصد خودت را از خدا بخواه. بعد از این همه قسم دادن خدای متعال، دعا مستجاب میشود. لذا در روایتی از امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام، نقل شده است که فرمود: «ادفعوا امواج البلاء علیکم بالدعاء قبل ورود البلاء؛ پیش از آنکه بلا بر شما وارد شود، با دعا، بلا را دفع کنید». اینها واقعیت است. این، البته بدان معنا نیست که هرچه شما خواستید و هرطور آن را با خدای متعال در میان گذاشتید، برآورده خواهد شد؛ نه.

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۱/۱۲/۷.

شرایطی دارد، آدابی دارد؛ مثل همه‌ی اسباب عادی و مثل همه‌ی خواستنها. اگر شما از دوستان هم چیزی بخواهید، آداب و تشریفاتش دارد. ادب مخصوص دعا را باید به کار گرفت و عمده‌ترین آداب، این است که انسان به خدای متعال توجه کند و با همه‌ی دل از خدا بخواهد. هنگامی که قلب انسان رقیق می‌گردد و توجهی پیدا می‌شود، وقت دعاست. آن وقت اگر از خدا بخواهید، غالب این است که مقصود برآورده می‌شود. مگر مواردی که در علم الهی، مصالحی وجود دارد که آن مصالح را ما نمیدانیم و خدای متعال، به خاطر دعای من و شما مصالح عمومی آفرینش، یا مصالح یک ملت را به هم نمیریزد. آنجا که سر راه خواسته‌ی ما، مصلحت بزرگی مانع نباشد و آنجا که توجه لازم را در حال دعا داشته باشیم، دعا مستجاب خواهد شد؛ یا زود و یا دیر. در روایات دارد، وقتی برای حاجاتی دعا می‌کنید، دعا و خواسته‌ی خود را زیاد ندانید. یعنی هرچه مایل هستید و می‌خواهید، از خدا طلب کنید. نگویند «این زیاد است. کمتر بخواهم تا بشود.» ما از استکثار دعا منع شده‌ایم؛ یعنی دعا و مطلوب را در مقابل پروردگار زیاد نشمارید. از خدا، خواسته‌های بزرگ بخواهید و خدای متعال برآورده می‌کند. در امید به دعا را به روی خودتان نبندید و این راه و وسیله‌ای را که خدای متعال بین خود و بندگانش قرار داده است، بر روی خودتان مسدود نکنید؛ البته باز در روایات دارد: «النهی من الاستعجال فی الدعاء.» یعنی در دعا عجله نکنید. اگر چیزی را خواستید و در زمانی که شما خواستید برآورده نشد، نگویند که خدای متعال دعای مرا مستجاب نکرد؛ نه. «الامور مرهونة باوقاتها.» در روایت دارد: بنی اسرائیل بعد از آنکه خدای متعال وعده داد [که] آنان را نجات خواهد داد، چهل سال دعا کردند و بالاخره شد. کار بزرگی هم انجام شد. غرق فرعون و پیروزی موسی بر فرعون، امری نیست که چهل سال تلاش، برای آن زیاد باشد. عجله نکنید! با توجه، خدا را بخوانید و هرچه می‌خواهید از خدا بخواهید که در بعضی از دعاها، این معنا را دارد. در دعایی این‌گونه وارد است که «الهی تموه الآمال قد خابت إلا لدیک و عواکف الهمم قد تعطلت إلا علیک.» یعنی آرزوهای زیاد در هر دری و نزد هرکسی که مطرح گردد، مردود می‌شود، مگر در پیشگاه تو. در پیشگاه تو، خواسته‌های زیاد هم برآورده می‌شود.^۱

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۱/۱۲/۷.

گفتار دوم. دعا وسیله است برای فهمیدن معارف الهی

جهت دیگری که در دعا هست، این است که در دعاهایی که از ائمه علیهم السلام به ما رسیده است، درسهای بزرگی از معارف اسلام نهفته است...؛ دعاهای صحیفه‌ی سجادیه، دعای ابوحمزه‌ی ثمالی، دعای افتتاح، یا بقیه‌ی دعاهای ماه رمضان شب و روز جمعه و بقیه‌ی اوقات و تمام این دعاهایی که از ائمه علیهم السلام به ما رسیده است، پر است از معارف اسلامی درباره‌ی توحید، درباره‌ی نبوت، درباره‌ی حقوق، درباره‌ی وضع جامعه، درباره‌ی اخلاق، درباره‌ی حکومت و درباره‌ی همه‌ی مسایلی که انسان احتیاج دارد از اسلام بداند. در این دعاها، برای ما مطالبی هست که به زبان دعا، معارف بیان شده است و ائمه‌ی ما علیهم السلام، در دوران حاکمیت طواغیت توانسته‌اند این معارف را از این راه به مردم برسانند. این هم یک دیدگاه دیگر در باب دعا است.

در این دو دیدگاه، دعا وسیله است. در دیدگاه اول، دعا وسیله است برای رسیدن به حوائج و مقصودها و هرآنچه که انسان میخواهد و آرزو میکند؛ و در دیدگاه دوم، دعا وسیله است برای فهمیدن معارف الهی.^۱

گفتار سوم. نفس دعا کردن، تقرب الی الله است

اما دیدگاه سوم برای دعا این است که انسان با دعا و تضرع و عرض حاجت، خود را به خدای متعال نزدیک کند. نفس دعا کردن، تقرب الی الله است. خود حرف زدن با پروردگار، خود تضرع کردن، با خدای متعال سخن گفتن، نزد خدای متعال عذرخواهی، توبه و استغفار کردن، برای انسان یکی از مقاصد و هدفهاست. این، بالاترین جنبه‌هایی است که در دعا وجود دارد. نفس اینکه انسان در مقابل پروردگار بایستد، اشک بریزد و اظهار کوچکی و حقارت کند، برای انسان یک علو مقام و مرتبه است. بشر با تضرع در پیش خدای متعال است که عروج میکند و اوج میگیرد. بدبختی انسان وقتی است که از خدای متعال غافل شود. سیه‌رویی انسان وقتی است که خود را به خدا محتاج نداند. ناکامی بشر وقتی است که برای انس و ارتباط با خدا، جایی در زندگی قائل نباشد. هرچه بدی در دنیا هست از اینجاست. هرچه زشتی در وجود بشر هست از اینجاست. انسان برای اینکه خود را در برابر بدیها بیمه کند، باید به سمت خدا برود؛ با خدا انس بگیرد و با خدا رابطه پیدا کند.

این، وظیفه است.

ماه رمضان، وقت اینگونه دعا کردن است. منافاتی هم ندارد. همان دعایی که در آن، حاجت خود را میخواهید، آن دعا را با توجه، با تضرع و با حضور قلب بخوانید و دلتان را به خدا نزدیک کنید. من و شما به این احتیاج داریم. برادر و خواهر من! از دعا غفلت نکنید.

جمهوری اسلامی، آن نظامی که باید با قلدرهای جهان مقابله کند؛ آن ملتی که باید با کوههای فساد دریافتد؛ آن جامعه و نظامی که در مقابل هیچ قلدری سر خم نمیکند و برای نجات انسانیت تلاش مینماید، چنین جامعه و نظامی، در درون و در دل افراد خود باید درهایی به سوی دعا و تضرع باز کرده باشد. بدون این، نمیشود. اگر میخواهید در مقابل دشمن، استوار باشید، باید باب دعا را به روی خودتان باز کنید. اگر میخواهید از کسی و چیزی نترسید، باید رابطه‌ی خود را با خدا قوی کنید. اگر میخواهید در مقابل جلوه‌های مادی تکان نخورید و نلغزید، باید خود را با دعا و تضرع بیمه کنید. این، دعاست. این، وظیفه‌ی قلبی همه‌ی انسانهاست. راهی است که انسان از درون خود، با خدای متعال باز میکند.^۱

مطلب دوم. موضوعات مطرح در دعاهاک مهدوک امام خامنه‌اک

گفتار اول. ابلاغ سلام به امام زمان (عج)

پروردگارا! سلام ما را در این روز عید به محضر مولا و سیدمان، ولی‌عصر ارواحنا فداه که صاحب این مملکت و صاحب زمان و زمانه است، برسان.^۲

پروردگارا! درود و سلام و تحیت تو بر او و اهل بیت طیب و معصومش، به‌ویژه حضرت بقیه‌الله الأعظم، مهدی منتظر و حجت خدا بر زمین عجل‌الله تعالی فرجه و ارواحنا فداه.^۳

پروردگارا! سلام و صلوات درود و عرض اخلاص و خاکساری ما را به پیشگاه ولی‌عصر و زمان حجة بن الحسن عجل الله فرجه الشریف برسان.^۴

۱. همان.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۳/۸/۲۴.

۳. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۷۰/۳/۲۶.

۴. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۹/۱۰/۷.

گفتار دوم. درخواست تعجیل فرج

پروردگارا! در این عید نیمه‌ی شعبان، عیدی بزرگی به ملت ایران عنایت کن و آن تعجیل در فرج مولای ما امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.^۱

پروردگارا! به حق محمد و آل محمد، ظهور ولایت را نزدیک کن.^۲

پروردگارا!... در قَرَج و در استقرار دولتش تعجیل فرما.^۳

گفتار سوم. دعا برای حوائج امام زمان

پروردگارا! به حق محمد و آل محمد، ای مالک قلوب، به قلب منور و مطهر آقای ما و سید ما و امام و صاحب ما بینداز که ما امت مسلمان را در شب قدر دعا کند! پروردگارا! دعای او را در حق ما مستجاب کن؛ اللهم أعطه فی نفسه و أهله و ولده و ذریته و أمته و جمیع رعیتہ ما تُقر به عینہ و تسر به نفسه.^۴

گفتار چهارم. آرزوی دیدار و قرار گرفتن در زمره‌ی یاران و منتظران واقعی

امیدواریم خدای متعال ادعیه‌ی زاکیه و توجهات حضرت ولی عصر (عج) را در حق ملت ایران و در حق شما عزیزان، همیشگی قرار دهد؛ دعا‌های آن بزرگوار را در حق همه‌ی ما مستجاب کند؛ دیدار آن بزرگوار را نصیب این دلها و چشمها فرماید؛ ما را جزو یاران و همراهان و دوستان و شیعیان واقعی آن بزرگوار قرار دهد.^۵

پروردگارا! به محمد و آل محمد تو را سوگند می‌دهیم، ما را از منتظران واقعی امام زمان (عج) قرار بده.^۶

امیدواریم ان شاء الله خداوند متعال ظهور آن حضرت را هرچه نزدیکتر کند، ما را جزء یاران آن بزرگوار، هم در غیبتش، هم در حضورش قرار بدهد.^۷

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۸.

۲. سخنرانی در دیدار با مداحان اهل بیت (ع) به مناسبت میلاد مبارک صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا (ع)، ۱۳۷۰/۱۰/۵.

۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۷/۱/۴.

۴. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۲/۱۲/۱۳.

۵. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان (عج)، ۱۳۷۹/۸/۲۲.

۶. بیانات در اجتماع مردم مشهد مقدس و زائران حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا (ع) در روز عید سعید فطر، ۱۳۷۱/۱/۱۵.

۷. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

پروردگارا! چشمهای ما را به جمال ولی عصر علیه السلام منور بگردان.^۱

امیدواریم خداوند متعال به برکت حسین بن علی علیه السلام، ما را از یاوران آن بزرگوار قرار دهد. ما را در صحنه‌ی مجاهدت در راه خدا از پیشتازان قرار دهد... ما را از سربازان و یاوران امام زمان ارواحنا له الفداء قرار دهد.^۲

إن شاء الله مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی ذات مقدس ولی عصر ارواحنا له الفداء قرار بگیریم. کمکها، دعاها و عنایت آن بزرگوار، شامل حال ما بشود و بتوانیم إن شاء الله جزء حزب امام زمان علیه السلام و شیعیان آن بزرگوار و یارانش، در غیبت و حضورش محسوب شویم.^۳

گفتار پنجم. درخواست رضایت قلبی امام زمان علیه السلام از اعمال ما

پروردگارا! قلب مقدس امام زمان علیه السلام را از ما راضی و خشنود کن.^۴

پروردگارا! ما را با اعمالمان به ولایت امام زمان ارواحنا فدا، در این ماه (رمضان) نزدیک بگردان. قلب مقدس آن بزرگوار را از ما راضی کن.^۵

اعمال و گفتار ما را مورد رضای حضرت ولی الله الاعظم ارواحنا فدا و ما را مشمول دعای آن حضرت قرار دهد.^۶

إن شاء الله به همه‌ی ما توفیق بدهد که برطبق رضای ولی عصر ارواحنا فدا حرکت و عمل کنیم.^۷

گفتار ششم. درخواست دعای مستجاب امام زمان علیه السلام

پروردگارا! ما را مشمول دعای ولی عصر ارواحنا فدا قرار بده. ما نمیدانیم آیا دیشب که محتمل‌القدر بود، مشمول دعای ولی عصر ارواحنا فدا قرار گرفتیم یا نه؟ اگر آن بزرگوار یک دعا در حق ما بکند و گوشه‌ی چشمی نشان دهد، همه‌ی مشکلات ما حل خواهد شد. پروردگارا!

۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در خطبه نماز جمعه، ۱۳۵۹/۴/۶.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار قشرهای مختلف مردم به مناسبت فرارسیدن ماه محرم، ۱۳۷۱/۴/۱۰.

۳. بیانات در دیدار اعضای انجمنهای اسلامی ادارات، کارخانه‌ها و بیمارستانهای سراسر کشور، ۱۳۷۱/۶/۴.

۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۷/۳/۱۴.

۵. بیانات در روز اول ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۱/۱۲/۴.

۶. پیام به مناسبت نهمین سالگرد جنگ تحمیلی، ۱۳۶۸/۶/۳۰.

۷. سخنرانی در دیدار با گروهی از روحانیون و مردم رفسنجان، ۱۳۶۸/۷/۲۱.

مشکلاتی داریم که با دعای ما (یعنی با دعای امثال من) معلوم نیست حل شود. آن مشکلات، با دعای امام زمان حل میشود. پروردگارا! به حق محمد و آل محمد، ای مالک قلوب، به قلب منور و مطهر آقای ما و سید ما و امام و صاحب ما بیانداز که ما امت مسلمان را در شب قدر دعا کند! پروردگارا! دعای او را در حق ما مستجاب کن.^۱

گفتار هفتم. دعای مهدوی برای ملت و مسئولان

پروردگارا! به محمد و آل محمد... قلب مقدس ولی عصر ارواحنا فداه را از این ملت و مسئولان شاد کن.^۲
إن شاء الله روزبه روز این ملت در ارادت، انس، اشتیاق و انتظار ظهور آن بزرگوار جلوتر بروند.^۳
پروردگارا!... مسئولان ما را سربازان امام زمان (عج) و سربازان دین قرار ده.^۴

گفتار هشتم. درخواست تهذیب نفس به برکت امام زمان (عج)

پروردگارا! تو را به محبوب بزرگ عالم امکان، امام زمان (عج) تو را به آن قطب همه ی فضایل هستی سوگند میدهیم، باطن ما را از ظاهرمان بهتر کن.^۵

گفتار نهم. درخواست اتصال انقلاب اسلامی ایران به انقلاب مهدوی

پروردگارا! این نظام مقدس را که نظامی قرآنی و اسلامی است و آرزوی برآورده شده ی اولیای خدا در این زمان است، به ظهور ولی و حجت عجل الله تعالی فرجه متصل بفرما.^۶
پروردگارا! جمهوری اسلامی را تا ظهور ولی عصر (عج) پایدار و مبارک بگردان.^۷
پروردگارا به محمد و آل محمد این نظام اسلامی، این حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی که یادگار حسین و به دست آمده ی خون حسین (عج) و دنباله روان حسین (عج) است، تا ظهور حضرت مهدی (عج) حفظ بفرما.^۸

۱. بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران ۲۱ رمضان، ۱۳۷۲/۱۲/۱۳.

۲. بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴.

۳. دیدار افشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۴. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۷/۱۰/۲۲.

۵. بیانات در خطبه های نماز عید فطر، ۱۳۷۲/۱۲/۲۲.

۶. حکم انتصاب حجة الاسلام و المسلمین محمد محمدی ری شهری به سمت تولیت آستان مقدس حضرت عبد العظیم، ۱۳۶۹/۱/۲۰.

۷. بیانات در روز اول ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۱/۱۲/۴.

۸. ولایت و حکومت، ص ۳۳۴.

پروردگارا انقلاب عزیز عظیم اسلامی ما را که گام بزرگی در راه هدف پیامبران و مقدّمه‌ی لازمی در راه ظهور ولی عصر^ع است همچنان مداوم و پیروز بدار.^۱

گفتار دهم. درخواست حمایت از انقلاب اسلامی

ای سید ما! ای مولای ما! دعا کن برای ما؛ صاحب ما تویی؛ صاحب این کشور تویی؛ صاحب این انقلاب تویی؛ پشتیبان ما شما هستید؛ ما این راه را ادامه خواهیم داد؛ با قدرت هم ادامه خواهیم داد؛ در این راه ما را با دعای خود، با حمایت خود، با توجّه خود، پشتیبانی بفرما.^۲

امروز در این جمع عظیم پر معنویت و پر احساس، در میان جمع شما نمازگزاران (نماز جمعه تهران) - برادران و خواهران - از امام زمان^ع از صاحب اصلی این ملت؛ از کسی که دلهای این امت متوجّه او است؛ از کسی که رحمتش و لطفش و عنایتش شامل حال این ملت و این انقلاب بوده است و خواهد بود؛ در حضور شما از این بنده‌ی برگزیده‌ی خدا، میخواهم که توجّه و عنایتش را به این امتی که برای دین او و برای آرمان او، این همه تلاش و فداکاری میکند، منصرف و منعطف نکند و از خدای بزرگ میخواهم که این خواسته‌ی ما و سلام ما و توجّه و احساس عمیق ما را به امام زماّمان ابلاغ کند.^۳

ای بنده‌ی شایسته صالح خدا! ما امروز محتاج دعایی هستیم که تو از آن دل پاک الهی و ربّانی و از آن روح قدسی، برای پیروزی این ملت و پیروزی این انقلاب بکنی و به دست قدرتی که خدا در آستین تو قرار داده است، به این ملت و راه این امت کمک بفرمایی.^۴

گفتار یازدهم. زندگی با ولایت و محبت مهدوی

پروردگارا! قلب مقدّس ولی عصر^ع را از ما راضی کن؛... ما را با ولایت و محبت آنها زنده بدار و بهیران.^۵

۱. همان.

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸/۲/۲۹.

۳. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۵۵.

۴. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۳.

۵. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار افشار مختلف مردم آذربایجان، ۱۳۸۶/۱۱/۲۸.

پروردگارا! روزبه‌روز محبت او را در دلهای ما بیشتر فرما.^۱

گفتار دوازدهم. برخورداری از دولت کریمه‌ی مهدوی

پروردگارا! تو را سوگند میدهم که ما را از دولت کریمه‌ای که مهدی عزیزش در رأس آن است، برخوردار فرما.^۲

گفتار سیزدهم. توفیق شباهت جامع‌ی اسلامی به جامع‌ی مهدوی

پروردگارا! به ما توفیق تشبیه به آن روزگار و به آن نظام را در سازماندهی و بنای این جامع‌ی نوین‌یاد اسلامی عنایت کن.^۳

گفتار چهاردهم. درخواست مجاهدت و شهادت در رکاب امام زمان (عج)

إن شاء الله همه‌ی شما و همه‌ی ما، هم این توفیق را پیدا کنیم که روزی در رکاب آن بزرگوار باشیم، برای خدا تلاش و مجاهدت کنیم، در مقابل چشم آن بزرگوار، در راه خدا جانمان را از دست بدهیم و به فیض شهادت برسیم که بزرگترین شرف و افتخار است.^۴

پروردگارا! ما را لایق مجاهدت در راه امام زمان (عج) چه در غیبتش و چه در حضورش قرار بده.^۵

پروردگارا! خونهای ناقابل ما را در کنار او در راه خودت بر زمین بریز.^۶

امیدواریم خداوند متعال... همه‌ی ما و شما را به آرزوی بزرگ خودمان- که مجاهدت در راه خدا و در رکاب حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه است- برساند.^۷

إن شاء الله ما را جزء مجاهدان در کنار آن بزرگوار و شهیدشدگان در رکاب آن بزرگوار قرار بدهد.^۸

پروردگارا! به حق محمد و آل محمد... ما را از یاران و نزدیکان و جهادکنندگان در راه او و به

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲/۱۲/۱۰.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۳/۱۱/۲۸.

۳. ولایت و حکومت، ص ۳۴۵.

۴. بیانات در دیدار افشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۵. ولایت و حکومت، ص ۳۴۵.

۶. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۵/۱۲/۲۵.

۷. بیانات در دیدار گروه کثیری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱/۶/۲۴.

۸. سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

خون‌غلتیدگان در پیشگاه او قرار بده.^۱

آخرین جمله را هم به امام و مقتدای خودمان ولی‌عصر ارواحنا فداه عرض کنیم: ای سید و مولای ما! پیش خدای متعال گواهی بده که ما در راه خدا تا آخرین نفس ایستاده‌ایم. بزرگترین آرزو و افتخار بنده این است که در این راه پُرافتخار و پُرفیض و پُربهجت، جان خودم را تقدیم کنم.^۲

۱. سخنرانی در دیدار با مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام) به مناسبت میلاد مبارک صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا (علیها‌السلام) ۱۳۷۰/۱۰/۵.

۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۸/۴/۲۱.



ضمایم

**(دیدارهای مقام معظم رهبری با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت
مهدی موعود و مرکز تخصصی مهدویت)**



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با حجت الاسلام و المسلمین قرائتی، مسئولان نهضت سوادآموزی و آغاز فعالیت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج ۱۳۸۰/۱۰/۶

...موضوع امام زمان علیه الصلاة والسلام را هم که گفتید، کار بسیار مثبت و خوبی است. یکی از آن سربندها در مفاهیم معرفتی ما، همین موضوع امام زمان عج است. اصلاً موضوع مهدویت یکی از آن مسایل محوری و به اصطلاح سربند است که از آن رشته‌هایی منشعب میشود و بسیاری در فکر افتادند که این را از بین ببرند. یعنی این فکر را یا تضعیف و یا نابود کنند. مرحوم آقای فلسفی در مورد نابود کردن آن، ماجرای مفصلی را از زمان رضاخان نقل میکرد. رضاخان یکی از معممین آن زمان را خواست و گفت: این قضیه را مثلاً تمامش کنید. آن معمم گفت: این کار سخت است. بعد رضاخان گفت: پس شما بیایید به عنوان مقدمه، فلان مسئله‌ی دیگر را مطرح کنید. اگر عکس‌العملی نشان ندادند، بعد این را مطرح کنید. رضاخان خودش این حرفها را نمیفهمید. او دیکتاتور خوبی بود و قاطعیت خوبی داشت؛ اما مغز فهمیدن اینکه حالا فلان مسئله به امام زمان عج برمیگردد، مغز رضاخانی نیست. آن مغز، عقبه‌ی فرهنگی رژیم پهلوی است که خود رضاخان را روی کار آورد و این کارها و فکرها را درست کرد. در واقع، رضاخان آن بولدوزری بود که اینها جلو انداخته بودند تا آن چیزی را که میخواستند، انجام دهند.

پیداست که دستگاه‌های قدرت به این مسئله، به شدت اهتمام دارند؛ لذا هرچه این مسئله را به صورت متین، معقول و صحیح پیگیری کنید، بسیار خوب است. البته کارهای خوبی هم در حال انجام است که بسیار جالب و عمیق است. بعضی از دوستان ما هم در حال تهیه دایرةالمعارفی در این زمینه هستند. در این موضوع هم، باز سعی شود که به کم قانع نشوید. در مسئله‌ی امام زمان علیه السلام خیلی دقت کنید. گاهی ممکن است حرفی، دلی را جذب کند و دو تا دل دیگر را زده کند. اینها هرچه کمتر گفته شود بهتر است. ممکن است که یک نفر هم با این حرف، کمی اعتقادی پیدا کند. چنانچه دیدید که آن سخن، پایه‌هایش محکم نیست، چه به صورت معجزه و چه به صورت دیگر، از ترویج آن جلوگیری کنید. ما به این سخنان احتیاجی نداریم. سخن منطقی، محکم و قوی فراوان داریم. حتی در مورد مسایل مربوط به دیدار و ملاقات با حضرت، حرفهای قوی خوب و نقلهای درست و متقن وجود دارد که هر کس وقتی بخواند، دلش گواهی میدهد که این صحیح است. از نقلهای ضعیف، هرچه اجتناب شود بهتر است. همچنان که از روایات ضعیف هم اجتناب

شود، بسیار خوب است. علاوه بر استدلالات عقلانی و کلامی، روایات قوی و صحاح و چیزهای بسیار محکم داریم.

سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود^{علیه السلام} و مرکز تخصصی مهدویت قم ۲۰/۲/۱۳۸۲

خیلی خوش آمدید. عزیزان! ان شاء الله که خداوند هم شما و هم این دوستان با همتی را که دامن همت به کمر زده‌اند و این کار را شروع کرده‌اند، مشمول لطف و رحمت خود قرار بدهد. بحمدالله این کار، کار با برکتی است و معلوم می‌شود که در این سال‌های کوتاه، پیگیری خوبی صورت گرفته است. ماشاءالله، همه‌ی کارهای آقای قرائتی، با همت و پشتکار همراه است. ان شاء الله، خدا، به ایشان و نیز به همه‌ی دوستان دیگری که هر کدام به نحوی، گوشه‌ی این کار را گرفته‌اند، کمک کند.

برادران عزیز! مسئله‌ی مهدویت، مسئله‌ای مهم و اساسی است. اثبات مهدویت، کار بسیار آسانی است. اثبات اصل مهدویت در یک محفل علمی با مخاطبانی که اهل علم، اهل تفکر و استدلالند، جزء آسان‌ترین کارهاست. در این، هیچ تردیدی نیست. ایمان و اعتقاد مردم هم خوب است، منتها تعمیق این ایمانی که مردم به امام زمان ارواحنا فداه و علیه الصلاه و السلام، دارند، کار بسیار ظریفی است. باید در این قضیه، با شیوه‌های هنرمندانه تبلیغی وارد شد. به نظر من، بخش مهم کار شما این است. اگر این کار با موفقیت انجام بگیرد و اگر شما بتوانید این عشق و محبت و سوز و گدازی را که مردم ما به طور طبیعی نسبت به حضرت دارند، در سطح عموم مردم، به‌خصوص جوانان، با یک نگاه عالمانه و آگاهانه همراه کنید، برکات این کار، لاتعدّ و لاتحصی خواهد شد.

نفس وجود این پشتمانه عظیم، هر انسانی را چنان مستحکم میکند که میتواند در همه‌ی میدانهای دشوار، وارد شود.

اساس قضایای دنیا هم همین است. در هر جایی که شما می‌بینید ملت، جمعیتی، جبهه‌ای پیروز شده، اساسش همان استحکام درونی است. ظواهر، جسم، سلاح، ... همه، ابزار و وسیله‌اند، مهم این است که آن کسی که باید این ابزار را به‌کار ببرد، کیست. اگر او یک انسان با اراده، مصمم، آگاه، با روحیه باشد، پیروز می‌شود. هر جا هم که ملتها شکست خورده‌اند، به‌خاطر ضعف همین بخش از

قضیه است. لذا رسم قدرت‌مندان دنیا، از قدیم این بوده است. الان هم این عربده‌کشی‌های آمریکا را می‌بینید. طوری قضایا را تصویر میکنند که این ملت‌های منطقه خاورمیانه تصور کنند که دیگر هیچ‌چاره‌ای نیست:

در کف شیر نر خون‌خواره‌ای غیر تسلیم و رضا، کو چاره‌ای؟

یعنی، دل او میخواهد این‌طور تصور شود که بالاخره یک شیر نری هست، غافل از اینکه قضیه این‌طور نیست. اگر دندان، پنجه، یال و کوپال آنان حقیقی و واقعی بود، لازم نبود این همه خرج کنند، این همه سیاست‌کاری به خرج دهند، دغل‌بازی کنند و فریب دهند. پیدا است که نمیتوانند آن اهدافی را که خودشان میخواهند، دنبال کنند. یا باید به خیانت طرف متکی شوند-مثل اینکه بالاخره معلوم شد که سران رژیم عراق خیانت‌کردند یا باید به عدم همراهی و همکاری مردم و صاحبان ایمان متکی شوند که در عراق هم همین اتفاق افتاد و در افغانستان هم همین‌طور بود. اینکه آمریکاییان آمدند و توانستند، نه‌چندان دشوار، یک فتح نظامی بکنند، به‌خاطر این بود که از این ایمانها و دل‌های محکم و از این روحیه‌های پولادین، در مقابلشان نبود، و الا آنجا که در مقابلشان، [این‌روحیه‌ی قوی] باشد، این خبرها نیست. این اعتقاد، درون انسان را این‌طور می‌سازد و افراد را این‌طور مسلح و مجهز میکند.

در هدف‌گیری و نشانه‌گرفتن برای دورخیزهای تاریخی، باز مسئله‌ی مهدویت نقش‌دارد. میان آن ملتی که برای خودش آینده‌ای نمی‌بیند و فکر میکند که بالاخره موج فساد، دنیا را روزبه‌روز بیشتر می‌گیرد. ما هم چند صباحی محض تکلیف، مقاومتی هم میکنیم، اما آخرش‌چه؟ و آن ملتی که میدانند این مقاومت، ایجاد یک گام بلند به سمت آن آینده‌ای است که خدای متعال وعده داده که برای بشریت پیش می‌آید، آن هم نه یک وعده‌ی مبهم بلکه یک وعده‌ی روشن، فرق هست. رهبر آن ماجرا هم مشخص است که چه کسی است. او، حی و حاضر و زنده است، و دل او، متصل به ملا اعلا و غیب است. ملتی که به چنین چیزی اعتقاد دارد، ببینید که برای چه اهدافی دورخیز میکند و چه‌طور همتش بالا می‌رود! این عقیده، عقیده‌ی بسیار مهمی است، کما اینکه انسان خیال میکند خدای متعال هم این واقعیت را با همین تدبیر ایجاد کرده که انسانها بتوانند با همت و اراده‌ی خود و با این پشت‌گرمی محکم، راه‌ها را طی کنند تا اینکه ان‌شاء الله آن بزرگوار بیایند و دنیا شروع شود.

من، بارها این را گفته‌ام. بعضی خیال میکنند، حضرت که آمدند، آخر دنیا است! نه، تازه شروع دنیا و

شروع تاریخ بشریت، آن وقت است! این مدتی که از عمر بشریت گذشته، چند هزار سالی است که بشر در این سنگلاخ‌ها و در این بیابانها و کویرهای وحشت‌ناک، همین‌طور سینه‌خیز و با زحمت‌رفته تا خودش را به جاده اتوبان وسیع عریض آسفالته برساند و از آنجا زندگی تاریخی خود را تازه شروع کند. آن جاده را حضرت افتتاح میکنند. حرکت تاریخی انسان، آن وقت است. آن وقت است که استعدادهای انسان ظهور خواهد کرد. هنوز این دانشی که بشر تا امروز پیدا کرده، در مقابل استعدادهایی که خدا در وجود بشر گذاشته، صفر است. من، شاید یک وقتی گفته باشم و شما شنیده باشید. دانشمندانی که در این رشته‌های علمی متخصصند و با همین واقعیت‌های واقعی و علمی سر و کار دارند، این نظریه را داده‌اند و این واقعیت را کشف کرده‌اند که در وجود انسان، [توان‌هایی است که هنوز استفاده نشده است.] اگر بشر بتواند پنجاه درصد از استعداد تمرکز را مورد استفاده قرار دهد، تمام این وسایل ارتباطی که در دنیا هست، بیکاره و بیهوده میشود! شما، الان، مثلاً با ماهواره یا با تلفن، از این طرف دنیا با آن طرف دنیا تماس میگیرید و با یکی حرف میزنید، اما اگر آن پنجاه درصد از نیروی تمرکزی که در شما است، به کار بیافتد، میتوانید با آن طرف دنیا، بدون این ارتباطات، تماس بگیرید و با هر کسی که میخواهید در آن سوی کره زمین حرف بزنید، فکرتان را بگویید، فکر او را تحویل بگیرید! این، نیروی انسان است! ما، این نیروها را کشف نکرده‌ایم! از این قبیل نیروها در وجود بشر زیاد است: «و فیک انطوی العالم الاکبر». این عالم اکبر، آن روز باید بروز پیدا کند و روز ظهورش آن وقت است، و الا اگر حضرت آمدند و دنیا پر از عدل و داد شد، ولی آن هنگام، آخر عمر بشر باشد و منتظر صور اسرافیل باشیم، اینکه کار نشد! بشر، چند هزار سال با این زحمت زندگی کند، بعد حضرت بیایند و دنیا را پر از عدل و داد کنند و بعد هم دنیا تمام شود! وقت ظهور حضرت، دنیا، تازه شروع میشود! با آمدن حضرت، اول زندگی بشر، اول تاریخ انسان و اول رشد و تعالی جوامع بشری به صورت کلان، نه به صورت تک‌تک که حالا داریم، تازه شروع خواهد شد.

خوب، ببینید، این آینده و چشم‌انداز زندگی جامعه‌ی اسلامی و به‌طور مشخص، جامعه‌ی شیعی است که مشخصاً میداند که آن بزرگوار کیست، پدرش کیست، مادرش کیست و نشانه‌های ارتباط او را با خودش در موارد زیادی حس میکند یا از دیگران میشوند.

این مقوله، مقوله‌ی مهمی است. درباره‌ی این مقوله، هر چه کار کنید، به‌جا کرده‌اید و خوب است، منتها همان‌طور که گفتیم، هنر بزرگ این است که بتوانید این مقوله را با زبان هنرمندانه‌ی اثرگذار، به ذهن

مخاطبان جوان و دانا و آگاه منتقل کنید تا این جزء وجودشان شود. آن وقت، تحول عظیمی در زندگی انسانها به وجود خواهد آمد.

خداوند، توفیق تان بدهد و ان شاء الله، برکات و توجّهات و نظر لطف و مرحمت آن بزرگوار، شامل حال همه شما، به خصوص دوستان و برادرانی باشد که مسئولیتی قبول کرده‌اند و فعالیت‌های ارزشمندی را انجام می‌دهند.

سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸

اولاً تشکر می‌کنم از همه‌ی برادران و خواهران که در بخشهای مختلف و همه هم لازم، مشغول کار و تلاش هستید؛ چه بخش مربوط به نماز، چه زکات، چه تفسیر، چه مهدویت و چه بقیه‌ی آنچه که جناب آقای قرائتی بیان کردند. همه‌ی اینها کارهای مهمی است، کارهای لازمی است و حقاً و انصافاً کار در این بخشها یک اتفاق حقیقی و صدقه‌ی مقبوله‌ی عندالله تعالی است ان شاء الله. از همه متشکریم؛ ولی بالخصوص از جناب آقای قرائتی لازم است تشکر کنیم. تشکر که نه؛ چون کار، کار خداست، برای خداست، ان شاء الله خداوند باید از ایشان و همکارانشان تشکر کند؛ لکن قدردانی باید بکنیم. من این چند جمله را در جمع شما برادران و خواهران بگویم:

آقای قرائتی یک نمونه‌ی بسیار خوب و درس‌آموزی است خود ایشان. اولاً کارهایی را که ایشان مباشر آنها شد، دنبال آنها رفت، همه‌اش خلأهایی بود که وجود داشت؛ ایشان خلأها را پر کرده؛ خیلی ارزش دارد. بعضی کارها خوبند، اما تکراری‌اند. اگر کسی توانست نیازها را، خلأها را پیدا کند، بشناسد و همت بگمارد بر اینکه این خلأها را پر کند، این ارزش مضاعفی دارد. ایشان اینجور عمل کرده است؛ هم در قضیه‌ی نماز، نماز با این عظمت، با این اهمیت، رکن دین، مایه‌ی قبول همه‌ی اعمال انسان، این مورد بی‌اعتنایی قرار بگیرد در جامعه، توجّه لازم به آن نشود. این، خیلی خلأ بزرگی است، ایشان به این خلأ پرداخت، هم مسئله‌ی زکات، که واقعاً در جامعه‌ی ما مطرح نبود و خود این مطرح نبودن یک نقطه‌ی ضعف بود، یک نقیصه بود، ایشان همت کرد، وارد شد؛ همه جا برو، همه جا بگو، به همه اصرار کن، خسته نشو، تا این به جریان بیافتد. قضیه‌ی تفسیر همین جور است، قضیه‌ی مهدویت و بقیه‌ی قضایای که حالا ایشان دنبال میکنند؛ این یک نکته است در کار آقای قرائتی عزیز و محترممان.

نکته‌ی دوم که اهمیت آن از نکته‌ی اول بیشتر هم هست، صفا و خلوص ایشان است. خود این صفا هم

موجب شده است که ایشان بتواند کارها را پیش ببرد. خدای متعال با نیت‌های خالص همراه است؛ خلوص نیت تأثیر عجیبی دارد در پیشرفت کارهایی که با این نیت انجام میگیرد. این هم یک نکته است؛ خیلی مهم است.

من اینها را عرض کردم نه برای خاطر اینکه حالا بخواهیم از یکی تجلیل کنیم یا یکی را بزرگ کنیم. اینها که نه مورد احتیاج و انتظار آقای قرائتی است، نه ما دنبال این چیزها هستیم؛ می‌خواهیم این جور کار کردن برای ما، برای همه‌ی ما، به خصوص ما طلبه‌ها الگو بشود؛ یعنی این جور حرکت کنیم؛ نه اینکه حالا همین کارها را بکنیم؛ بلکه به این معنا که بگردیم دنبال خلأها، دنبال آنچه که نیاز به آن هست، اینها را پیدا کنیم. هر کسی ذوقی دارد، استعدادی دارد، توانایی‌هایی دارد، ظرفیتی دارد، از این ظرفیت استفاده بشود برای اینکه کار انجام بگیرد. این یک.

دوم، استمرار و پیگیری، که من حالا همین جا از خود آقای قرائتی و همکاران ایشان هم می‌خواهم که این کارهایی که شروع کردند، مطلقاً اینها را رها نکنند؛ این کارها پیگیری بشود، دنبالگیری بشود. این جور نباشد که یک کاری را شروع کنیم، به مجرد اینکه برکاتی، ثمراتی از آن ظاهر شد، خرسند بشویم، خوشحال بشویم، خدا را هم شکر بکنیم؛ ولی احساس بی‌نیازی، احساس سیری به ما دست بدهد؛ نه، باید کار دنبال بشود. امیدواریم ان شاء الله خداوند به ایشان، به همه‌ی شما برادران، خواهران عزیز کمک کند، طول عمر بدهد، سلامتی بدهد که بتوانید این کارها را دنبال کنید؛ اینها مهم است.

اما مسئله‌ی مهدویت که این روزها به مناسبت نزدیکی نیمه‌ی شعبان و عید بزرگ اسلامی بلکه بشری با طرح این مسئله تناسب دارد، همین قدر باید عرض کنیم که مسئله‌ی مهدویت در شمار چند مسئله‌ی اصلی در چرخه و حلقه‌ی معارف عالیه‌ی دینی است؛ مثل مسئله‌ی نبوت مثلاً، اهمیت مسئله‌ی مهدویت را در این حد باید دانست. چرا؟ چون آن چیزی که مهدویت مبشر آن هست، همان چیزی است که همه‌ی انبیا همه‌ی بعثتها برای خاطر آن آمدند و آن ایجاد یک جهان توحیدی و ساخته و پرداخته‌ی بر اساس عدالت و با استفاده‌ی از همه‌ی ظرفیتهایی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده؛ یک چنین دورانی است دیگر، دوران ظهور حضرت مهدی سلام الله علیه و عجل الله تعالی فرجه. دوران جامعه‌ی توحیدی است، دوران حاکمیت توحید است، دوران حاکمیت حقیقی معنویت و دین بر سراسر زندگی انسانهاست و دوران استقرار عدل به معنای کامل و جامع این کلمه

است. خب، انبیا برای این آمدند.

ما مکرر عرض کردیم که همه‌ی حرکتی که بشریت در سایه‌ی تعالیم انبیاء در طول این قرون متمادیه انجام دادند، حرکت به سمت جاده‌ی آسفالته‌ی عریضی است که در دوران حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف به سمت اهداف والا کشیده شده است که بشر در آن جاده حرکت خواهد کرد. مثل اینکه یک جماعتی از انسانها در کوه و کمر، راه‌های دشوار، باتلاق‌زارها و خارستانها با راهنمایی‌های کسانی همین‌طور حرکت دارند میکنند تا خودشان را به آن جاده‌ی اصلی برسانند. وقتی به جاده‌ی اصلی رسیدند، راه باز است؛ صراط مستقیم روشن است؛ حرکت در آن آسان است؛ راحت در آن راه حرکت میکنند. وقتی به جاده‌ی اصلی رسیدند، این جور نیست که حرکت متوقف بشود؛ نه، تازه حرکت به سمت اهداف والای الهی شروع میشود؛ چون ظرفیت بشر یک ظرفیت تمام‌نشده‌ی است. در طول این قرون متمادی، بشر از کج‌راهه‌ها، بیراهه‌ها، راه‌های دشوار، سخت، با برخورد با موانع گوناگون، با بدن رنجور و پای مجروح‌شده و زخم‌آلود، در بین این راه‌ها حرکت کرده است تا خودش را به این جاده‌ی اصلی برساند. این جاده‌ی اصلی همان جاده‌ی زمان ظهور است؛ همان دنیای زمان ظهور است که اصلاً حرکت بشریت به یک معنا از آنجا شروع میشود.

اگر مهدویت نباشد، معنایش این است که همه‌ی تلاش انبیاء، همه‌ی این دعوتها، این بعثتها، این زحمات طاقت‌فرسا، اینها همه‌اش بی‌فایده باشد، بی‌اثر بماند. بنابراین، مسئله‌ی مهدویت یک مسئله‌ی اصلی است؛ جزء اصلی‌ترین معارف الهی است. لذاست که در همه‌ی ادیان الهی هم تقریباً، حالا تا آنجایی که ما اطلاع داریم، یک چیزی که لبّ و معنای حقیقی آن همان مهدویت است وجود دارد، منتها به شکلهای تحریف شده، به شکلهای مبهم، بدون اینکه درست روشن باشد که چه میخواهند بگویند.

مسئله‌ی مهدویت در اسلام هم جزء مسلمات است؛ یعنی مخصوص شیعه نیست. همه‌ی مذاهب اسلامی غایت جهان را که اقامه‌ی حکومت حق و عدل به وسیله‌ی مهدی علیه الصلاة و السلام و عجل الله فرجه است، قبول دارند. روایات معتبر از طرق مختلف، در مذاهب گوناگون، از پیغمبر اکرم ﷺ و از بزرگان نقل شده است. بنابراین، هیچ تردیدی در آن نیست. منتها امتیاز شیعه در این است که مسئله‌ی مهدویت در آن یک مسئله‌ی مبهم نیست؛ یک مسئله‌ی پیچیده‌ای که برای بشر قابل فهم نباشد، نیست؛ یک مسئله‌ی روشن است، مصداق واضحی دارد که این مصداق را میشناسیم، خصوصیات او را

میدانیم، پدران او را میشناسیم، خانواده‌ی او را میشناسیم، ولادت او را میشناسیم، جزئیات آن را خبر داریم. در این معرفی هم باز روایات شیعه، تنهایی در صحنه نیستند؛ حتی روایاتی از غیر طریق شیعه هم وجود دارد که همین معرفی را برای ما روشن میکند و باید کسانی که مال مذاهب دیگر هستند، توجه کنند و دقت کنند تا این حقیقت روشن را دریابند. بنابراین اهمیت مسئله یک چنین سطحی دارد و ما بیشتر از دیگران اولی هستیم به اینکه به این مسئله پردازیم؛ کارهای علمی و دقیق و متقن روی این مسئله انجام بگیرد. مسئله‌ی انتظار هم که جزء لاینفک مسئله‌ی مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی، عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است؛ انتظار؛ انتظار یعنی ترقب، یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است، بودن؛ این معنای انتظار است. انتظار یعنی این آینده حتمی و قطعی است؛ به خصوص انتظار یک موجود حی و حاضر؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است. این جور نیست که بگویند کسی متولد خواهد شد، کسی به وجود خواهد آمد؛ نه، کسی است که هست، وجود دارد، حضور دارد، در بین مردم است. در روایت دارد که مردم او را می‌بینند، همچنانی که او مردم را می‌بیند، منتها نمی‌شناسند. در بعضی از روایات تشبیه شده است به حضرت یوسف که برادران او را میدیدند، بین آنها بود، در کنار آنها بود، روی فرش آنها راه میرفت، ولی نمی‌شناختند. یک چنین حقیقت بارز، واضح و برانگیزاننده‌ای؛ این کمک میکند به معنای انتظار. این انتظار را بشریت نیاز دارد، امت اسلامی به طریق اولی نیاز دارد. این انتظار، تکلیف بر دوش انسان میگذارد. وقتی انسان یقین دارد که یک چنین آینده‌ای هست؛ همچنانی که در آیات قرآن هست: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ إِنَّ فِي هَٰذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عٰبِدِينَ» - مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، میفهمند، باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصد باشند. انتظار لازمه‌اش آماده‌سازی خود هست. بدانیم که یک حادثه‌ی بزرگ واقع خواهد شد و همیشه منتظر باشید. هیچ وقت نمیشود گفت که حالا سالها یا مدتها مانده است که این اتفاق بیافتد، هیچ وقت هم نمیشود گفت که این حادثه نزدیک است و در همین نزدیکی اتفاق خواهد افتاد. همیشه باید مترصد بود، همیشه باید منتظر بود. انتظار ایجاب میکند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خلق و آن شکل و آن هیئت متوقع است. این لازمه‌ی انتظار است. وقتی بناست در آن دوران منتظر عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیت خدا

باشد - یک چنین دورانی قرار است باشد - ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده‌ی عدل کنیم، آماده‌ی پذیرش حق کنیم. انتظار یک چنین حالتی را به وجود می‌آورد.

یکی از خصوصیات که در حقیقت انتظار گنجانده شده است، این است که انسان به وضع موجود، به اندازه‌ی پیشرفتی که امروز دارد، قانع نباشد؛ بخواهد روزبه‌روز این پیشرفت را، این تحقق حقایق، خصال معنوی و الهی را در خود، در جامعه بیشتر کند. اینها لوازم انتظار است.

خب، بحمدالله امروز کسانی دارند در مسئله‌ی انتظار کار عالمانه می‌کنند؛ آن طوری که در گزارشهای جناب آقای قرائتی بود و قبلاً هم این گزارش را خوانده بودم، حالا هم که ایشان اشاره کردند و گفتند، از کار عالمانه و همراه با دقت در مسئله‌ی انتظار و مسئله‌ی دوران ظهور نباید غفلت کرد. و از کار عامیانه و جاهلانه به شدت باید پرهیز کرد. از جمله‌ی چیزهایی که میتواند یک خطر بزرگ باشد، کارهای عامیانه و جاهلانه و دور از معرفت و غیر متکی به سند و مدرک در مسئله‌ی مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که همین زمینه را برای مدعیان دروغین فراهم میکند. کارهای غیر عالمانه، غیرمستند، غیر متکی به منابع و مدارک معتبر، صرف تخیلات و توهمات؛ این جور کاری مردم را از حالت انتظار حقیقی دور میکند، زمینه را برای مدعیان دروغگو و دجال فراهم میکند؛ از این بایستی به شدت پرهیز کرد.

در طول تاریخ مدعیانی بودند؛ بعضی از مدعیان هم همین چیزی که حالا اشاره کردند، یک علامتی را بر خودشان یا بر یک کسی تطبیق کردند؛ همه‌ی اینها غلط است. بعضی از این چیزهایی که راجع به علائم ظهور هست، قطعی نیست؛ چیزهایی است که در روایات معتبر قابل استناد هم نیامده است؛ روایات ضعیف است، نمیشود به آنها استناد کرد. آن مواردی هم که قابل استناد هست، این جور نیست که بشود راحت تطبیق کرد. همیشه عده‌ای این شعرهای شاه نعمت‌الله ولی را - در طول سالهای متمادی و در موارد زیادی - بر آدمهای مختلفی در قرون مختلف تطبیق کردند، که بنده دیدم. گفتند: بله، اینی که گفته من فلان کس را، فلان جور میبینم، این فلان کس است؛ یک شخصی را گفته‌اند. باز در یک زمان، صد سال بعد مثلاً، یک کس دیگری را پیدا کردند و به او تطبیق کردند! اینها غلط است، اینها کارهای منحرف‌کننده است، کارهای غلط انداز است. وقتی انحراف و غلط به وجود آمد، آن وقت حقیقت،

مهجور خواهد شد، مشتبّه خواهد شد، وسیله‌ی گمراهی اذهان مردم فراهم خواهد شد؛ لذا از کارِ عوامانه، از تسلیم شدن در مقابل شایعات عامیانه بایستی به‌شدت پرهیز کرد. کارِ عالمانه، قوی، متّکی به مدرک و سند، که البته کارِ اهل فنّ این کار است، این هم کارِ هر کسی نیست، باید اهل فنّ باشد، اهل حدیث باشد، اهل رجال باشد، سند را بشناسد، اهل تفکر فلسفی باشد؛ بداند، حقایقی را بشناسد، آن وقت میتواند در این زمینه وارد میدان شود و کار تحقیقاتی انجام دهد. این بخش از کار را هرچه ممکن است، بیشتر باید جدّی گرفت تا راه ان‌شاءالله برای مردم باز شود؛ هرچه دلها با مقوله‌ی مهدویت آشنا شود و انس پیدا کند و حضور آن بزرگوار برای ما، ما مردمی که در دوران غیبت هستیم، محسوس‌تر شود و بیشتر حس کنیم و رابطه‌ی بیشتر داشته باشیم، این برای دنیای ما و برای پیشرفت ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود.

این توسّلاتی که در زیارات مختلف وجود دارد که بعضی از اینها اسانید خوبی هم دارد، اینها بسیار بالارزش است. و توسّل، توجّه، انس با آن بزرگوار از دور. این انس به معنای این نیست که حالا کسی ادّعا کند که من خدمت حضرت میرسم یا صدای ایشان را میشنوم؛ ابداً اینجور نیست. غالب آنچه که در این زمینه گفته میشود، ادعاهایی است که یا دروغ است، یا طرف دروغ هم نمیگوید، تصور میکند، تخیل میکند. ما کسانی را دیدیم. آدمهای دروغگویی نبودند، اما خیال میکردند، تخیل میکردند؛ تخیلات خودشان را به عنوان واقعیت برای این و آن نقل میکردند! نبایستی تسلیم اینها شد. راه درست، راه منطقی. آن توسّل، توسّل از دور است؛ توسّلی است که امام آن را از ما میشنود، ان‌شاءالله میپذیرد؛ ولو اینکه ما با مخاطب خودمان از دور داریم حرف میزنیم؛ اشکالی ندارد. خدای متعال سلام سلام‌دهندگان و پیام‌پیام‌دهندگان را به آن بزرگوار میرساند. این توسّلات و این انس معنوی بسیار خوب و لازم است.

امیدواریم ان‌شاءالله خداوند متعال ظهور آن حضرت را هرچه نزدیکتر کند، ما را جزو یاران آن بزرگوار، هم در غیبتش، هم در حضورش قرار بدهد و ان‌شاءالله ما را جزو مجاهدان در کنار آن بزرگوار و شهیدشدگان در رکاب آن بزرگوار قرار بدهد.

عینی‌ها

فهرست منابع

کتابها:

۱. آفتاب در مصاف، علل و ابعاد حادثه‌ی عاشورا (برگرفته از بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای)، مؤسسه‌ی فرهنگی حدیث لوح و قلم، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
۲. انسان ۲۵۰ ساله، بیانات مقام معظم رهبری درباره‌ی زندگی سیاسی-مبارزاتی ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام، مرکز صهبا، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی ایمان جهادی (مرکز صهبا)، ۱۳۹۱ ش.
۳. پرسش و پاسخ ۳ (حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین سید علی خامنه‌ای در جمع دانشجویان مسجد دانشگاه تهران ۱۴/۱۲/۶۴)، تهران: دفتر نمایندگی آیت‌الله منتظری در دانشگاه تهران: بیتا.
۴. پیام و خطابه (پیامها و سخنرانیهای آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۶۱-۱۳۶۳)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۵. چهار ساله‌ی دوم (گزارشی از دومین دوره‌ی ریاست جمهوری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۸ ش).
۶. در مکتب جمعه (مجموعه خطبه‌های نماز جمعه تهران) ج ۱-۷: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ ش. متن الکترونیکی (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی قم).
۷. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، سلسله جلسات استاد سید علی خامنه‌ای، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی ایمان جهادی (مرکز صهبا)، ۱۳۹۲ ش.
۸. فصلنامه‌ی علمی ترویجی، انتظارموعود، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه‌السلام، بیتا.
۹. قبسات‌النور (گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون اهل بیت و پیروان)، تهران، تهیه و تنظیم جمعی از دانشجویان دانشگاه امام صادق؛ متن الکترونیکی (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی قم).
۱۰. مصاحبه‌ها (مجموعه مصاحبه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در دوران ریاست جمهوری ۱۳۶۶-۱۳۶۷).

- ۱۲۶۸)، گروه انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
۱۱. مصاحبه‌ها (مجموعه مصاحبه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دوران ریاست جمهوری در سال ۱۳۶۵)، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۱۲. مصاحبه‌ها (مجموعه مصاحبه‌های حجت‌الاسلام والمسلمین سید علی خامنه‌ای رئیس جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۰-۱۳۶۲)، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۶ ش.
۱۳. مصاحبه‌ها (مجموعه مصاحبه‌های حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در دوران ریاست جمهوری ۱۳۶۳ - ۱۳۶۴)، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۱۴. ولایت فقیه سایه‌ی حقیقت عظمی در بیان حضرت امام خمینی و رهبر معظم انقلاب، تهیه و تدوین دفتر فرهنگی فخرالائم‌ه علیهم السلام، تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۸۸ ش.
۱۵. ولایت و حکومت (بیانات مقام معظم رهبری درباره‌ی ولایت و حکومت)، مرکز صهبا، تهران: مؤسسه‌ی جهادی مرکز صهبا، ۱۳۹۱ ش.
۱۶. هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۱۷. هنر هشتم (هفت گفتار از حضرت نایب‌الامام آیت‌الله خامنه‌ای در جمع هنرمندان حوزه‌ی هنری)، تهران: حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱ ش.

نرم‌افزارها:

۱. حدیث ولایت؛ مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (متن کامل بیانات، سخنرانی‌ها، خطبه‌ها، مصاحبه‌ها و دیدارهای معظم‌له از شهریور ۱۳۶۶ تا آبان ۱۳۸۹ ش)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
۲. صهبا؛ مجموعه بیانات مقام معظم رهبری از ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۱ (نسخه‌ی چهارم)، مؤسسه‌ی فرهنگی ایمان جهادی (مرکز صهبا).

سایتها:

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، دسترسی در www.leader.ir.
۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، دسترسی در KHAMENEI.IR.